ایران اقتصادی

تالیف

رحیم زاده صفوی

« درسرگذشت دیروز خود بنگر
از آنچه بد یافتی بپرهیز وهرچه را
نیکو دیدی دستورامروز خود بساز »
علی‌ابن ابیطالب (ع)

جلد اول

چاپ نخستین

قیمت : ۷ قران

فروشنده : کتابخانه ترقی

طهران - اسفند ماه ۱۳۰۸

چاپخانه **اتحادیه** طهران

جناب مستطاب اجل آقای میرزا علی اکبر خان داور (وزیر عدلیهٔ کنونی) و وزیر تجارت (سال ۱۳۰۵) تألیف تاریخ تجارت ایران را ضروری شمرده ازنگارنده طلبیدند ـ مطابق قرار دادیکه بعد ها بامضای حضرت اشرف آقای مهدیقلی خان هدایت (رئیس الوزراء کنونی) و وزیر تجارت (سال ۱۳۰۶) رسید اینجانب موجزی از این تاریخ تألیف و بمقام وزارت تقدیم کرد .

اینك در وزارت حضرت اجل آقای سرتیپ کریم آقا خان بوزرجمهری آن موجزرا مفصل گردانیده انتشار میدهم .

طهران ـ اسفند ۱۳۰۸ **رحیم زاده صفوی**

(**تذکر** – بعضی اسناد که در متن و حواشی کتاب آمده متأسفانه در فهرست اسناد بعلت فراموشی یاد نگردیده – اسناد مزبور غالباً یونانی و لاتینی و انگلیسی است و همگی مشهور میباشد – رجوع فرمائید به کتب فهرست کتابخانه انجمن آسیائی لندن و انجمن آسیائی کلکته و کتابخانه ملی پاریس .)

فهرست مطالب

کتاب ایران اقتصادی از لحاظ تبدل اوضاع فلاحتی وصنعتی وتجارتی درعهد های مختلف به پانزده باب تقسیم میشود از اینقرار :

باب اول اقتصاد ایران در عهد هخامنشی – باب دوم عهد اشکانیان – باب سوم عهد ساسانیان – باب چهارم از حملهٔ عرب تا ترکتازی مغول – باب پنجم دورهٔ مغول تا سلطنت غازان خان – باب ششم از عهد غازان خان تا سلطنت میرزا شاهرخ – باب هفتم ازطلوع شاه اسمعیل صفوی تا تاجگذاری شاه عباس کبیر – باب هشتم از تاجگذاری شاه عباس تا فتنهٔ افغان – باب نهم از فتنهٔ افغان تا معاهدهٔ ترکمان چائی – باب دهم از معاهدهٔ ترکمان چائی تا آغاز مشروطیت – باب یازدهم احوال اقتصادی در عهد مشروطیت – باب دوازدهم عصر پهلوی که از لحاظ اقتصادی با الغای کاپیتولاسیون و استقلال گمرکی و معاهدات جدید آغاز میگردد .

بعد از باب دوازدهم یك ضمیمه از معاهدات تجارتی و گمرکی اضافه میشود .

انجام – انجام کتاب فصل مبسوطی است که فی‌الواقع نتیجهٔ مطالعهٔ این کتاب را بما مینمایاند وراهنمای نو ودستورجامع ودقیقی‌است برای اقتصادیون وتجار وسوداگران ایرانی در راهی‌که بایستی این دوره از پیش گیرند .

فهرست جلد اول

بنام خداوند جان و خرد
کزو برتر اندیشهٔ نگذرد

دیباچه - آنکسیکه پدر خودرا نمیشناسد طبعاً بهسرافرازی خاندان خویشتن آنقدرها پابند نیست و درچشم مردم نیز آبروئی ندارد. ملتی هم که ازسرگذشت نیاکانش بی خبراست درحکم همان شخص پدرنشناس میباشد.

غرور ملی ونخوت نژادی براثر نشر تاریخ ملی درمیان یك ملت بوجود می آید وهمین غرور از اسبابی است که ملل دنیارا به شاهراه ترقی کشانیده است. علمای اخلاق همانقدر که غرور فردی را مذموم شمرده اند نخوت قومی ونژادی را مستحسن دانسته آنرا نشانهٔ رشد ونجابت ملل خوانده اند - بالجمله ملتی که ازگذشتهٔ فرخندهوبزرگی وبزرگواری پدرانش آگهی دارد هرگز به مذلت بندگی وخواریاسارت تن درنداده میکوشد که از پایگاه رفتگان خویش فروتر نیفتد.

تاریخ در جهان کنونی - در دنیای امروزی تاریخ ازجملهٔ شریف ترین علوم بشمار آمده علمای این علم در ردیف دانشمندان بزرك عصر محسوب میشوند. مخارجی که دولت ها وملتهای مغرب زمین برای ترویج وتکمیل تاریخ اقوام گذشته تحمل میکنند و پولهائی که برای

جستجو وکاوش وبدست آوردن وگرد کردن آثار تاریخی دراطراف و اکناف جهان به مصرف میرسانند هرساله به کرور ها بالغ میگردد. در حال کنونی هیئت های علمی متعدد از جانب روسیه ، انگلستان ، آلمان، هلند، امریکا وایتالیا در ممالك آسیا، افریقا وامریکا مشغول گردش یاکاوش هستند.

تاریخ امروزه غیر ازتاریخ دیروزه است - تاریخ دیروزی سرگذشت پادشاهان بود ، احوال رجال بزرك ومناقشات سیاسی دول و جنگهای ملل بود ودر امور اقتصادی و تجارت وصنعت و اختراعات و اوضاع تودههای ملل اگر مداخلتی مینمود باز از لحاظ سیاست عمومی یك مملکت بود اما تاریخ امروزی آئینه تمام نمای ملل و ممالك است - تاریخ امروزی معلم افراد است درکار معیشت آنها ورهنمای اجتماعات است در تدبیر وسیاست آنان - تاریخ امروزی علمی است که طرزاداره و اصول حکمرانی و تشکیل حکومت را درس میدهد امروزه هیچ حکومت متمدنی نمیتواند بدون مراعات تاریخ یعنی بدون آنکه ازگذشته یك ملت تجربت آموخته باشد برای آن ملت اداره و تشکیلاتی برقرار سازد که باروح و طبیعت وی موافق افتد و مورث رضایت و باعث ترقی جامعه گردد - امروزه محکمترین سندی که در محاکم بین المللی میتواند مناقشات بین دوملت را خاتمه بخشد تاریخ است وقوی ترین برهانی که در نظر قضاة دنیا دعوائی را بنفع یك ملت تمام میکندتاریخ است - علمای بزرك اقتصاد و سرمایه داران مشهور دنیا هر یك از معاملات اقتصادی را قبلا با شواهد تاریخی قیاس کرده نفع و ضرر آن را از روی حوادث پیشین می سنجند و تجارب گذشته را دستور

تشبثات آینده قرار میدهند ـ اینست که می بینیم علمای تاریخ در هر یك از ممالك پیشرفتهٔ جهان با کمك دولت‌ها تتبع تاریخ ملی را پیشهٔ خود ساخته در هر کدام از تیره‌های حیات اجتماعی کتابهای ضخیم و جامعی پرداخته به دست رس هموطنان شان گذاشته اند همچون تاریخ سیاسی، تاریخ تدبیری (دیپلوماسی) و تاریخ دبیران (دیپلوماتها) تاریخ اقتصادی و تجاری، تاریخ فنون و صنایع، تاریخ ادبیات، تاریخ دینی، تاریخ فلسفه، تاریخ علوم مثل تاریخ طب و کیمیا و تاریخ الرجال وغیره وغیره .

با آنکه ملت ایران به تصدیق قدیمی‌ترین مورخین دنیا مانند هرودوت بیش از جمیع اقوام به‌ثبت و ضبط تاریخ خود و آموختن آن شائق وساعی بوده است به‌علت حادثات زمانه اکنون فاقد اسناد گوناگون تاریخی گردیده ملت نجیب وکهن‌سال ما حتی ازاحوال دو قرن پیشتر بی‌خبر مانده واین بی خبری نتایج بسیار زیان بخشی دراوضاع فکری و روحی واداری و اجتماعی ما بخشیده است که بر اهل بینش پوشیده نیست .

نگارنده از عهد کودکی به علم تاریخ اشتیاقی مفرط داشتم و درضمن تحصیلات خود آنی از فحص کتب واسناد تاریخی و بحث و مطالعهٔ آن غفلت نمیکردم و کوشیدم تا از گذشتهٔ ممالك و ملل دنیا واقف شوم و به علل ترقی وتنزل اقوام جهان آگه آیم ــ اما ضمن نخستین سفرم به اروپا تجاربی آموختم وتعلیماتی گرفتم که‌بالنتیجه دامنهٔ آرزو را از تتبع تاریخ جمیع ملل باز کشیده همت‌را فقط به‌غور و تحقیق تاریخ ایران مقصور گردانیده مصمم شدم تا آنجا که قوای

مادی ومعنوی یکنفر آدمی زاده رسائی دهد از کشف مجهولات وروشن ساختن گذشته این ملتی که درطی قرنهای طولانی چون قطب دایرهٔ تمدن به‌تمام اکناف جهان نورپاشی کرده است، کوتاهی نورزم و برای حصول این مقصود از هیچ کشش وکوششی باز نه ایستادم چنانچه با دانستن زبانهای فرانسه، عربی و ترکی همینکه به انگلیسی محتاج شدم به تعلم آن پرداختم ونیز فرا گرفتن خط و زبان پهلوی وزند و خطوط آرامی ومیخی و سانسکریت وخط و زبان یونانی را از لحاظ شناسائی لغات فارسی واصطلاحات اداری وتطبیق اسناد مختلفهٔ تاریخی لازم دیده فرا گرفتم و هم اکنون نیز به تکمیل معلومات خود در زبان یونانی مشغولم. بالجمله بعداز آنکه درسرزمین اروپا وآسیای وسطی وهندوستان که دست تقدیر نگارنده را کشانید از تفحص درکتابخانه های بزرك ملی و وقفی و مطالعه اسنادی که به السنهٔ مختلف دستگیرم شد سرمایهٔ هنگفتی گرد کردم بدان صدد افتادم که در هر یك از تیره های مختلف حیات ملی کتابی جداگانه بپردازم و از آن میانه نخست به تاریخ اداره و آداب ایرانی آغازیدم. اما روزی در حضور جمعی از دوستان صحبت از استعداد ذاتی ایرانی به میان آمد و یکی از نویسندگان مشهور طهران در طی کلام خود گفتند: (ایرانی هیچگاه درمسائل اقتصادی و کسب ثروت وتجارت یك روش مشخص وسیاست مبرزی نداشته نیروی وی تنها شمشیر وشغلش جنك و شکار بوده است.)! ــ اظهار چنین عقیده سست وبی بنیاد ازطرف چنان شخص متشخصی مرا متحیر ساخت و دانستم که همه کس عقیدهٔ خودرا نتیجهٔ مقدمات صحیحهٔ منطقی قرار نمیدهند وگرنه وقتی خواندیم

که مثلاً ایرانی مدت نهصد سال در مقابل یك دولت قوی و منظمی مانند روم با سرافرازی جنگیده مکرر ویرا بخاك مالیده‌است چگونه میتوان گفت که وی فاقد اداره و تدبیر بوده یا سیاست اقتصادی و استعداد تجاری و صناعی نداشته است زیرا محال است تنها شمشیر وسر پنجهٔ زورمند بتواند یك دولتی بسازد و آندولت درمقابل سرنیزه وتجارت و اداره وصنعت دول مجاور مدتی بر پا ایستاده وحتی برآنها فائق آید ـ بالاخره باز باین نتیجه رسیدم که نارسائی فکر و منطق و رواج اینگونه عقاید سخیفه هم زائیدهٔ بی کتابی است وبر خود واجب دیدم که قبل از تاریخ اداره و آداب به تاریخ اقتصادی ایران پرداخته هموطنان خودرااز کشش‌و کوشش ورنج وزحمتی که نیاکان شان در کسب ثروت ورواج تجارت و مقابلهٔ با رقبای نیرومند اقتصادی، تحمل کرده اند آگاه سازم تا بدانند که دنیا همیشه همین دنیا بوده وحوائج ومطامع بشر نیز دائماً درکار وهمچشمی دول و ملل پیوسته وجود داشته است منتها ایرانی دیروز از لحاظ تدبیر وتعقل ورزانت رای و متانت فکر بر ایرانی امروز برتری داشته، رهنمای وی احتیاج و استادش منطق کامل و پشتیبانش حس تقدم جوئی و حب وطن و غرور ملی بوده، اما رهنمای ایرانی امروزی تقلید عمیاست وهمدمش ناامیدی ـ ظواهر جاه وجبروت اروپا دیدگانش راخیره گردانیده و باصطلاح عامیانه، خودرا باخته است. ایرانی امروزی به غلط چنین می پندارد که او از ملل مغرب زمین خلقتاً چیزی کمتر دارد ولهذا هیچگاه به‌پایهٔ آنها نخواهد رسید!.. فقدان کتاب و نقص تعلیمات نیز به این گمان خطای وی کمك میدهد در حالیکه

یك خاصیت شگفت انگیزی که در حیات اجتماعی ایران موجود و باعث اعجاب و حیرت دانشمندان مغرب گردیده استعدادی است که ایرانی در نزول وصعود دارد ـ زیرا درطی تاریخ مکرر دیده میشود که ایرانی به علت توازد حادثات بزانو درآمده اما با سرعت بی نظیری باز قد علم کرده وثبوت همین خاصیت است که دشمنان ایران را امروز نیز از رستاخیز ملی ما اندیشناك دارد.

بالاخره تاریخ اقتصادی ایران تألیف شده وبطوریکه می بینید سرمایه این تاریخ بعد از تتبع ومطالعهٔ طولانی در صدوبیست ویك سند از تألیفات یونانی ، لاتینی ، انگلیسی ، فرانسوی ، عربی ، ترکی وهندی گرد آمده ودر تمام اسناد پهلوی وزند و ترجمهٔ اوستاو کتب فارسی نیز تفحص شده است ـ امیدم آنست که این تاریخ برای سیاسیون و زمامداران ایران یاد آوری وتذکر وظایف باشد وبرای تجار وسرمایه‌داران و اهل فن وصنعت دستور جامع ورهنمای صادق وبرای عامه ملت ایران سرمشق مجاهدت و سعی و عمل وسند محکم مباهات و افتخار گردد .

تاریخ اقتصادی ایران به دو کتاب تقسیم شد ـ کتاب اول از آغاز عهد هخامنشی تا آغاز اسلام است که اینك طبع گردید و کتاب دوم که خیلی مفصل تر از جلد اول است از آغاز اسلام است تا دورهٔ معاصر

امید نگارنده ـ هرگاه علمای معاصر به مشکلات بزرگی که برای تهیهٔ تاریخ کامل ایران در کار است توجه فرموده کمی اسناد و دور بودن تألیفات یونانی و لاتینی و تحقیقات معاصرین را از دسترس ایرانیان نیز بنظر آورند و با نظر انصاف وعنایت باین تألیف بنگرند مسلماً مقدار رنج وزحمت مؤلف را آنطور که باید تقدیرخواهند

فرمود ـ معهذا نگارنده خود تصدیق مینماید که چون به میدانی تازه تاخته طبعاً خویشتن را هدف تیرهای ملامت ونکته چینی‌ساخته است ونیز اعتراف میکند که در زمینهٔ تاریخ اقتصادی ایران هستهٔ کوچکی بیش نکاشته و امیدوار است که علما و هنرمندان معاصر وآینده این هستهٔ نوکشته را با آب بینش و پرورش دانشمندانه خود به بر آورده و به ثمر رسانند .

فهرست لازم

ما بدین لحاظ که طبع اسامی کتابها و مؤلفین با خط لاتینی در پای صفحات جای زیاد نگیرد و نیز مراجعهٔ به اسناد برای اشخاصی هم که به خط فرنگی آشنا نیستند سهل باشد همه جا د پای ورق ها اسم مؤلفین و کتاب آنها ر به خط فارسی نوشتیم واینك در این صفحه اسامی را به فرنگی و بطور کا ل مینگاریم. تا کسانی که بخواهند به اصل سند مراجعه کنند از روی این صفحه املای فرنگی اسامی را بدانند و بتوانند از کتابخانهای اروپا آنرا تقاضا کنند.

کتاب Histoire مؤلف Herodote — کتاب Les hommes illustres مؤلف Plutarque — کتاب Géographie مؤلف Strabon — کتاب Histoire مؤلف Diodore de Sicile — کتاب Géographie مؤلف Arrian — کتاب Annales مؤلف Tacitus - کتاب History مؤلف Ammianus Marcellinus — کتاب History مؤلف Moses of Chorene — کتاب History مؤلف Polibius — کتاب History مؤلف Justin — کتاب Histoire مؤلف Procopius (کتاب پروکوپیوس در مجموعهٔ آثار لاتینی تفحص شود)

از مؤلفات مصنفین اروپائی در دو قرن اخیر :

کتاب Rise, decline and fall of the Romaine Empire مؤلف Gibbon — کتاب A History of Persia مؤلف Lieut. Col. P. M. Sykes — دو کتاب A Thousand years of the Tartars, and, the heart of Asia مؤلف E. H. Parker.

کتاب Mélange asiatique مؤلف Abel Remusat — کتاب Oriental Magazine مؤلف Kolebrooke — و کتاب Asiatic Researches از همان مؤلف — کتاب La Perse Antique مؤلف C. Huart — کتاب Les Premières Civilisations مؤلف M. J. de Morgan — کتاب Relations Politiques et Commerciales de l'Empire Romaine avec l'Asie orientale مؤلف M. Reinaud — کتاب l'Esprit des lois مؤلف Monteskiou — کتاب Histoire —

de Perse — مؤلف C. Gobineau — کتاب Histoire de la Civilisation مؤلف Seignobos.

کتاب The Sixth Oriental Empire; The Parth—and id. Sassanid مؤلف Rawlinson — کتاب Les Six Voyages مؤلف Tavernier — کتاب La Perse, la Chaldée et la Susiane مؤلف Dieulafoy -- Hiouen Thsand کتاب یاد داشت های سفر چینی ترجمهٔ فرانسوی — کتاب Voyages de Chevalier Chardin کتاب Travels and adventures in the Persian Provinces مؤلف Ferrier — کتاب Persia and the Persian Question تألیف G. N. Curzon — کتاب Voyages تألیف Marco Polo — کتاب Centenaire d'Ecole des langues orientales — Paris.

اسناد مشرقی چون در پای صفحه ها چه در جلداول و چه در جلد دوم برای اختصار فقط نام مؤلف وصفحات یا ابواب کتاب یاد شده در اینجا اسم وعنوان کامل کتب مشرقی را که از آنها اقتباساتی شده است نشان میدهیم

کامل التواریخ تألیف ابن اثیر ـ تاریخ طبری تألیف محمدابن جریرطبری مسالک‌الممالک تالیف اصطخری ـ تحفة النظار تألیف ابن بطوطه ـ المسالک‌والممالک تألیف ابن خرداد به ـ کتاب البلدان تألیف ابن فقیه ـ کتاب احسن الاقاسیم فی معرفة‌الاقالیم تألیف مقدسی ـ تاریخ بخارا تألیف قاضی نرشخی ـ مروج‌الذهب تألیف مسعودی ـ فتوح‌البلدان تألیف بلاذری ـ النقود الاسلامیه تألیف مقریزی المسالک والممالک تألیف ابن‌حوقل ـ آثارالباقیه تألیف ابوریحان بیرونی ـ تاریخ غزنویه (آل سبکتکین) تألیف بیهقی ـ صور الاقالیم تألیف جیهانی ـ تاریخ یمینی تألیف عتبی ـ معجم البلدان تألیف یاقوت‌حموی ـ روضة‌الصفا ـ تألیف‌میرخواند حبیب‌السیر تألیف خواند میر ـ ظفرنامه تألیف شرف‌الدین ـ تزك تیموری ـ واقعات بابری تألیف بابر پادشاه ـ تاریخ طبرستان تألیف ظهیرالدین ـ آئین اکبری منتظم ناصری تألیف اعتماد السلطنه - تاریخ سرجان ملکم ـ عالم آرای عباسی تألیف اسکندر بیك ـ مطلع الشمس تالیف اعتماد السلطنه ـ تاریخ تمدن الاسلام تألیف جرجی زیدان ـ نزهت‌القلوب تألیف حمدالله مستوفی ـ گنج شایگان تألیف جمال زاده ـ کتاب معاهدات از انتشارات وزارتخارجه ایران کتب فوق منحصراً آنهائی است که برای تاریخ اقتصادی ایران ازآنها اقتباس شده است ،

ایران قبل از عهد هخامنشی

قدیم‌ترین سندی که از تاریخ ایران در دست داریم (به استثنای الواح و کتائب زیر خاکی) کتاب مقدس اوستا است که از حالت این کشور خصوصاً حصه های شرقی آن که باختر و سغد باشد اطلاعات مجملی به ما میدهد ــ از اوراق اوستا میفهمیم که در عصر هائی که خیلی پیش از قرن ششم (قبل‌ازمیلاد) بوده مردمان بلخ ، سغد ، هرات ، همدان و غیره تمدن درخشنده ای داشته صنعتگران ایرانی درساختن انواع آلات و زیور های فلزی از طلا ، نقره ، مس آهن و امثال آن ماهر بوده اند ــ مثلا زره طلا ، کمر طلا ، جام طلا یا نقره ، نعل اسب ، لباس پشمی و گلیم و پوستین و درشکه ها (عرابه) هائی که با طلا مزین شده ، پارچهای لطیف ازکرك بز ، ظروف برنجی وگلی ، کار خانهٔ زرگری وکورهٔ آهن‌گدازی و صنایع دیگر غالباً در اوستا نام برده شده و نشان میدهدکه قوم ایرانی قرنها قبل ازسلطنت هخامنشی در شهر نشینی و مدنیت رتبهٔ بلندی داشته اند و چون بعضی ازفلزاتی که ذکر شده طبعاً بایستی از ممالك دیگر نقل شود معلوم میگردد که تجارت نیز رواج داشته و عنوان تجارت و بازرگانی در اوستا مکرر بنظر میرسد . اینك برای خاتمهٔ این وجیزه بعضی لغات اوستا را در پای صفحه تذکر میدهیم :

درشکه عادی Vacha بازرگانی Vizuta مسگر (شاید از زیزگر) Erezato Seapa

زرگر Zarauyo Saïpa پارچه بافته (شاید بستره) Vastra Ubdaïna

عرابهٔ جنگی Vacha Retha

باب اول ـ فصل اول

(تأسیس شاهنشاهی هخامنشی سال ۵۵۰ قبل از میلاد بدست کوروش بزرگ و سقوط آن سال ۳۳۰ ق . م . بدست اسکندر مقدونی)

نشانه ای از اوضاع اقتصادی مملکت ـ فهرستی از ایالات شاهنشاهی

نشانه‌ای از اوضاع اقتصادی در ایالات شاهنشاهی ـ ایالت ایونی ـ

این ایالت که ما آنرا بعد ها یونان نامیده ایم که جمع یونی باشد شامل چندین ولایت بوده در آسیای صغیر با سکنهٔ یونانی نژاد و انواع غله و حبوبات و میوهٔ خوب از آنجا بعمل می آمده وشرابش مشهور بوده ظروف وآلات فلزی از هر قبیل در این ایالت ساخته میشد معلمین مشهور موسیقی از این ایالت پیدا شده غلامان خوب برای فروش تربیت میکردند

۲ ـ لیدیا ـ که پایتختش سارد بود . این ایالت حاصلخیز ترین مرز های آسیای صغیر بـود و شراب آن شهرتی به سزا داشت زرگری آن نیز مشهور بود در این ایالت طلا شوئی نیز میکردند

۳ ـ **کاری** ـ به این ایالت جزیرهٔ رودس نیز ضمیمه بود و انواع میوه و صنایع فلز سازی و کوزه گری آن مشهور بود و جزیرهٔ رودس تجارت وسیعی داشت .

٤ ـ فریژی ـ که قونیه ولاذقیه امروزی از شهرهای آنست محصولاتش نظیر ایالات مذکور در فوق بود .

٥ ـ کاپادوسیا ـ از شهرهای مشهور آنجا باسم امروزی قیساریه و سامسون و طرابزون است . اسب های سفید مقدس در آن ایالت هم پرورش مییافت

٦ ـ سیلیسی ـ گندم و میوهٔ این ایالت مشهوربود وصنعت پارچه بافی از پشم شتر نیز در آنجا رواج داشت ـ شهر مشهور آن ایالت در روزکار ما طرسوس است

٧ ـ سوریه ـ شامل فینیقیه که دو شهرصیدا وصیدون ونواحی آنها باشد و فلسطین و دمشق و غیره ـ محصول این ایالت زیتون و انواع خرما و انجیر و انواع پارچهای بافته و رنك مشهور به ارغوان (Pourpre) بود که با آن پارچهٔبسیار پربهائی میساختند ـ بایدمتوجه بود که فینیقه اساساً از خود استقلالی ناقص داشت ولیکن تابع شهر پاد (ساتراپ) سوریه بود [1]

٨ ـ الجزیره ـ (ناحیهٔ شمالی مابین دجله و فرات) مردم این ایالت تجارت پیشه و صنعت آهن در آنجا ترقی داشت ـ مرکزش اورفای امروزی یا ادسهٔ قدیم

---

(۱) بعقیدهٔنگارنده ساتراپ‌را از لفظ (شتربات) تحریف کرده اند که بلهجهٔ امروزی ایران شهر پاد میشود اما بعضی اروپائیان آنرا محرف شهر پوان دانسته اند و دلیلش بر نگارنده معلوم نشد زیرا همین امروز لقب (پاد) و (پد) درایران مصطلح است مثل پادشاه و سپهبد

۹ ـ **بابلستان** (کلده) آباد ترین ایالات ومرکز تجارت بود و بافته ها و ملبوس آنجا شهرت داشت .

۱۰ ـ **ارمنستان** ـ نواحی جنوبی آن بسیار حاصل خیز وگله‌ها و رمه های بزرك تربیت کرده اسب آنجا بخوبی معروف بود

۱۱ ـ **کردستان** (آشور) مرکزش شهر نینوا که رو بروی موصل واقع است ـ کشوری حاصل خیز و مردمش در صنعت فلز سازی و اسلحه مهارتی داشتند .

۱۲ ـ **ایالت پارس** ـ پایتختش شهر استخر یا شهری پهلوی استخر بوده ـ سواحل این ایالت مرکز تجارت دریائی بود وقسمت وسطی و شمالی آن حاصل خیز و در تربیت مواشی دستی داشتند ـ بعد ها صنعت پارچه بافی و اسلحه سازی در آنجا ترقی کرد ودر حجاری نیز شهرت یافته فن استخراج بلور معدنی و برخی سنگهای دیگر مثل سلیمانی و تراش و صیقل آنها مخصوص پارسیان بود

۱۳ ـ **خوزستان** ـ این ایالت پر ثروت و حاصل خیز بود . نی شکر از عهد بسیار قدیم در آنجا کشت میشد نفت و قیر استخراج میگشت انواع منسوجات در آنجا میبافتند ـ تجارت نفت و قیرخوزستان اهمیت عظیمی داشت زیرا مصریها برای مومیائی اموات خریدار آن بودند .

۱٤ ـ **ماد** ـ عبارت از عراق عجم و آذربایجان حالیه ـ از این ایالت غله و پشم و اسب های ممتاز و قاطر وگوسفند خارج میشد و منسوجات و اسلحه سازی همدان شهرت داشت و نیز بنا بر روایت

برخی از اروپائیان همدان مرکز انجمنی بود شبیه آکادمی که بسیاری از ادبا و فلاسفه عضو آن بودند و این انجمن از طرف شاهنشاهان هخامنشی مأمور اصلاح زبان و ادبیات و مطالعات علمی دیگر بود

١٥ ـ آریا ـ که شهر های عمده اش هری (هرات یا آریا) و بادغیس (بیتاکز) و سرخس (ساریکا) و غیره بود محصول و میوهٔ این ایالت مشهور و معبر کاروانهای سغد و هند بود

١٦ ـ ورگانا ـ گورگان که گویاشامل تمام سواحل شرقی و جنوب شرقی بحر خزر بوده ـ در این ایالت انواع پوست و میوه بعمل می آمده

١٧ ـ پارتا ـ جزوی از خراسان کنونی تا کهستان ـ انواع تیر وکمان های ممتاز و موزهٔ ساخت این ایالت مشهور بود

١٨ ـ باختر ـ مرکزش بلخ که از قدیم ترین بلاد عالم است و معبر کاروانهای سغد و چین و هند بوده فلز سازی آنجا شهرتی داشته است . اما ازمحصول ایالات سغد و کرمان و زرنك (سیستان) و سند و پنجاب و غیره اشارات صریحی در اسناد موجوده راجع به عهد هخامنشی نیافتیم .

هر چند ضمن فصول آینده اسناد مطالب این مقدمه گفته شده معهذا اینجا تذکر میدهیم که ازسند های ذیل درتعیین محصول ایالات مزبور استفاده شده [١]

---

(١) هرودوت ـ استرابو دیودور سیسیلی ـ دائرة المعارف بریتانیا

فصل دوم

همسایگان ایران و سیاست تجاری - مصر و تجارت غرب - فینیقی ها - مملکت عرب و صائبین - در جانب مشرق

همسایگان ایران وسیاست تجاری ـ در آغاز سلطنت هخامنشی دولت ایران دوچار دشمن سهمگینی بود عبارت از طوایف وحشی ماساژت که حالت عمومی آنها بر مورخین مجهول است و همینقدر میدانیم این طوایف متوحش برای لوازم زندگانی خود از هر جهت به ایالات متمدن ایران در شمال محتاج بوده و حدود آنها از نواحی سیری دریا (سیحون) گرفته در خط شمال و سواحل شمالی خزر تا جبال قفقاز مجاور ایران بوده است ـ معاملهٔ با این طوایف بسیار سود مند بوده زیرا آنها طلای بسیار داشتند و حتی اشیاء و ابزارشان را بگفتهٔ هرودوت از طلا میساخته اند و در عوض آهن و سایرفلزات و گندم و ما یحتاج دیگر خود طلا میداده اند اما همانطوریکه عادت طوایف وحشی است این مردم ندرتاً آرام زیسته غالباً مایهٔ اغتشاش و اختلال امنیت میشده اند لهذا دولت شاهنشاهی برای تنبیه وتأدیب آنان لشگرکشی ها کرده و بالاخره در عهد کوروش بزرك موفق شده است به سرکشی های تورانیان مزبور خاتمه بخشاید و پنج عشیرهٔ بزرك دیگر را که بیشتر مایهٔ فساد بوده اند با یك فند اقتصادی به اطاعت و رعیتی نا گزیر ساخته بوده از اینقرار که در نقطه ای که شاید در اقاصی

خوارزم یا در نواحی پامیر بوده مقابل آبی که مایهٔ حیات آن پنج طایفه شمرده میشده سدی سدید ساخته و اختیار آب بخش آن سد با خود دولت بوده بطوریکه هر یك از عشایر که محتاج به آب باشند بایستی میزان و مقدار معینی از دولت استدعا و خریداری کنند — بدینطریق هر زمان مردمان یکی از طوایف مزبور مصدر شرارتی میشدند آب بر روی آنها بسته گشته و در اندك مدتی عیال و اولادشان را واسطه قرار داده به تضرع و توبه در می آمدند — هرودوت که تفصیل فوق را نوشته به نوعی اظهار حیرت و شگفتی مینماید که بر ما محسوس می گردد آنزمان هنوز مغربیان به ساختن سد و بند برای استفادهٔ فلاحتی آشنا نبوده اند و شاید این اختراع فقط زائیدهٔ احتیاج و پروردهٔ لیاقت معماران مشرق میباشد .

سکائی (اسکیثی) — طوایف سکائی (اسکیثی) در تمام خطهٔ شمالی دولت شاهنشاهی تا حدود دانوب متفرق بوده اند و کلمهٔ اسکیث با لفظ تور از حیث معنی بی شباهت نیست زیرا هیچکدام را معنای محدود و معینی نمی باشد — یونانیان در نواحی شمالی بحر سیاه با سکاها مربوط و تجارت سودمندی در میانه دائر بوده است زیرا سکاها هم به ما یحتاج زندگی خصوصاً به محصولات و مصنوعات ممالك متمدنه احتیاج مبرم داشته اند .

بعد از آنکه ممالك آسیای صغیر به تصرف ایرانیان در آمد و تجارت ایران در اقصی بلاد شمال و مغرب توسعه پیدا کرد یونانی ها منافع خود را در خطر یافتند و بنای دسیسه را گذارده دائماً خواه در بلاد یونانی آسیا و خواه ما بین ملل مستقلهٔ همسایه بر ضد

شهنشاهی هخامنشی مشغول تحریکات بودند [۱] و بهمین جهت دولت ایران ناچار شد حمله ای به سکائی برده برق‌چشمی ازاقوام آن سرزمین بگیرد و نتیجهٔ آن‌حمله امتدادسلطهٔ ایران به‌سواحل دانوب وصحاری روسیه گشت واززمان داریوش بزرك که‌این حمله صورت گرفت به‌بعد دیگرخطرسکاها مرتفع وتجارت اتباع شاهنشاهی با خطهٔ شمالی رایج گشت و بنادر یونانی در سواحل شمالی بحر سیاه خواه وناخواه‌احترام منافع‌تجارتی‌ایران‌راعهده‌دار ومتابعت‌قوانین شاهنشاهی را‌برذمه گرفتند.

مصر و تجارت غرب ـ مملکت مصر با تمدن قدیم و صنایع وسیع خود مرکز تجارت شرق وغرب گردیده فینیقی‌ها را نیز عنفاً تحت تسلط خویش کشیده بود وموقع جغرافیائی آن مملکت نیز کمك بزرگی از این جهت به وی میکرد زیرا کشتی هائی که مال‌التجارهٔ هند و ایران را برای مغرب می‌آوردند ناچار در بنادر بحراحمر لنگرانداخته مال‌التجارهٔ خود را وارد مصر وبه سواحل دریای مغرب (مدیترانه) نقل داده ازآنجا به اروپا حمل میکردند ویونانی ها هم بسبب کینهٔ دیرینه‌ای که باایران داشتند [۲] از هر جهت برای پیشرفت و توسعه تجارت مصر و مرکزیت یافتن آن مملکت کوشیده سعی مینمودند حتی‌الامکان کاروانهای تجارتی شرق را که بایستی از طریق ممالك شاهنشاهی بگذرند بطریق بحری و جانب مصر متوجه سازند و خود نیز دسته دسته داوطلبانه وارد خدمات بری و بحری مصر میگشتند [۳] بدین امید که یك‌رقیب نیرومندی دربرابر ایران پدید آورند وضمناً

(۱) هرودوت کتاب پنجم بند ۳۰ تا ۴۰ و پلوتارك
(۲) هرودوت ـ کتاب اول بند اول تا ۳
(۳) ایضاً کتاب ۳ بند ۹ تا ۱۵

باتأیید مصرتجارت بحری رانیز از رقبای پیشینهٔ خود فینیقی‌هابه ربایند.

فینیقی ها ـ فینیقی ها بزرگترین سوداگران بحری بودند و باطراف و اکناف عالم حتی الامکان راه جستندو بروایت یونانی ها فینیقیان را باید نخستین استادان کشتی رانی شمرد ـ فینیقیها درسواحل دوردست‌دریاها برای خود مستملکات و مستعمراتی ایجاد کرده بودند که‌بزرگترین آنها مملکت قرطاجنه بود در نقاطی‌که امروزه ما الجزیره و تونس مینامیم ـ این ملت بعدها برقابت شدید یونانی ها دوچار گشت وکار رقابت این دوقوم به محاربات وکینهٔ سخت کشید ـ همینکه شاهنشاهی معظم ایران طالع شد مخالفت یونانی‌ها با آندولت و اتحاد آنها بامصر فینیقی هارا به خدمت دولت شاهنشاهی تشویق نمودزیرا فینیقی ها در اتحاد باایران میتوانستند رقبای خودرا مضمحل کرده تجارت دریاها را کماکان در دست داشته باشند ومخصوصا درصورتیکه ایرانی ها در اوایل امر چندان مهارتی درکار دریا نوردی نداشتند وبه‌بحریه فینیقیه محتاج بودند ناچار مساعدت مادی ومعنوی شاهنشاهی قوهٔ بحری آنانرا چندین برابر میگردانید وقدرت وی منافع بحرپیمایان فینیقی‌را در اقاصی عالم حمایت میکرد ـ گذشته ازاین فینیقیها یکنوع صمیمیت ارثی هم با ایرانیان داشتند زیرا قدیم ترین روایات ملی فینیقی حکایت میکرد که وطن آنها در سواحل خلیج فارس بوده و از آنجا به سواحل فلسطین انتقال یافته اند [1] و فی‌الحقیقه ایرانی‌ها همانطور که در قشون بری خویشاوندان سکائی خودرا نزدیکتر داشته به آنان اعتماد مینمودند در عمل بحار نیز نسبت به‌قوم فینیقی‌اطمینان

(۱) مطابق تحقیقات این چندساله علمای اروپا تصور میکنند وطن فینیقی‌ها سواحل القطیف محاذی بحرین بوده است

بزرگی نشان میدادند . بعلاوه فشار مصر که فینیقیه را باجگذارخود ساخته بود وروش ادارهٔ قهار وی طوری نبود که ملت فینیقی را راضی بدارد لهذا علاوه برملاحظات مذکور فوق همینکه فینیقی هاسلوك ملایم وادارهٔ انسان منشانهٔ آریانی رادر ممالك تابعهٔ شهنشاهی نگریستند بهوی گرویده متحد و تحت‌الحمایهٔ ایران شده درفتح مصر کشتی‌های فینیقی قسمت اعظم بحریهٔ شاهنشاهی را تشکیل داد .

مملکت عرب و صائبین ــ درسواحل جنوبی عربستان و کشور یمن وبهری از حجاز اراضی حاصلخیزی وجود دارد و درآن‌سرزمین همواره طوایف متمدن وتجارت پیشه از قوم عرب سکنی داشته اند تجارت این کشور درعهد هخامنشی رو به توسعه میرفت زیرا معبر امتعهٔ خلیج فارس وبحرعمان به بحراحمر سواحل آن مملکت بود وکار ثروت ووسعت تجارت آن مملکت تادوسه‌قرن بعد بجائی رسید که آتش حرص امپراطوری روم را دامن میزد چنانچه در فصول آینده خواهیم دید . وقتیکه مابین ایران و متحدینش از یکطرف و مصر بایونان ومتحدین آنها ازطرف دیگر اختلاف شدت نموداعراب مزبور بجانب ایران رفتند ودر حملهٔ مصر هنگام عبور ازوادی وتنگهٔ سوئز هرگونه خدمات شایسته بجای آوردند ــ از اینجا میتوان‌دانست که‌عربها از نفوذ مصر وقدرت اقتصادی وسیاسی وی رضایت خاطرنداشتند وبالعکس در سازش بادولت شاهنشاهی منافع آنها تأمین شده‌بوده‌است .

بعد از تصرف مصر ــ بدلایلی که مذکور افتاد شاهنشاهی‌ایران ناچار بود که از دسایس یونان و مصر که در سر چهارسوی شرق و غرب آتش افروزی مینمودند جلوگیری کنند ــ از این رو شهنشاه

کامبوژیا فرزند کورش بزرگ شمشیر را حاکم قاطع قرارداده به‌هجوم مصر اقدام کرد و در ضمن این جنك کم‌وکیف تحریکات یونانی ها آفتابی شده افرادآن‌قوم که به تشویق حکومت آتن درسپاه مصرخدمت میکردند باعث کشف نیات ملت خود گردیدند [۱]

بعد از این جنك حدود نفوذ شاهنشاهی تاحبشه وزنگبار وتمام نواحی شمالی افریقا و سواحل آن سر زمین که‌مسکن ملل متمدنه بود توسعه یافت وحکومت قرطاجنه بدلالت فینیقی ها از معارضه‌بر کنار مانده تعهد خدمتگذاری نیز کرد [۲]

در آنحال که کشتی های ایران بحر هند وعمان و سواحل‌عربستان وبحراحمر ودریای زنگبار و دریای مغرب (مدیترانه) را از هرسو می پیمودند دولت ایران از اکتشاف اراضی و مستعمرات جدیده و منابع تازه تری برای کسب ثروت خود داری نداشت چنانچه پس از برداشتن نقشهٔ سواحل یونان ومدیترانه که بوسیله یك هیئت پانزده نفری ازعلماء و مهندسین ایرانی نژاد بفرمان داریوش بزرك انجام یافت [۳] در صدد برآمدند که دور افریقا را پیموده از احوال ملل‌و ساکنین آن نواحی ووضع جغرافیائی قارهٔ مزبور اطلاعات مکفی‌حاصل کنند وبرای انجام این‌خدمت یکی از نجبای بزرك موسوم به (سداسب) مأمور شد [۴]

درجانب مشرق ــ در عین آنکه توجه ایرانیان به‌شمال‌ومغرب

---

(۱) هرودوت کتاب سوم بند ۱۰ تا ۱۲

(۲) کتاب‌چهارم بند ۴۲ تا ٤٤ وهوارد فرانسوی در کتاب ایران کهن

(۳) هرودوت ایضاً ـ کتاب ۳ بند ۱۳۵ تا ۱۳۸

(٤) هرودوت کتاب ٤ بند ۴۲ تا ٤٤

معطوف بود از سمت مشرق نیز غفلت نداشتند ـ سابقاً حکومت ایران تاحدود هند غربی وشمال غربی امتداد یافته بود واینك لازم بود که درکار جنوب غربی وسواحل عمان نیز تنظیماتی داده شود زیرا برای دولت شاهنشاهی نهایت ضرورت را داشت که درسواحل بحارجنوبی تکیه گاه های بحری داشته خرید وفروش محصولات شرق را به اتباع خود اختصاص دهد و این همان سیاستی بود که بعدها اشکانیان و ساسانیان نیز منظماً پیروی کردند ـ بنابراین مقصود یکدسته جهازات شاهنشاهی از رود سند در خاك پنجاب لنگر کشیده روبه جنوب سرازیر شد وسیلاك نام یونانی نیز همراه آن قوه بوده است ـ این بحریهٔ نیرومند وارد دریای هند شده بعد ازگردش بنادر و سواحل به‌دریای عربستان گذشته پس از بازدید سواحل به‌بحراحمر وارد و از ترعهٔ سوئز که بفرمان داریوش حفرشده بود به‌نیل و ازآن مجری به‌دریای مغرب رسید [1]

به تصدیق مورخین قدیم حدود روابط تجارتی واطلاعات دولت هخامنشی از احوال دول و ملل مشرق تا اقاصی آسیا رسیده بود [2]

---

(۱) تاریخ سایکس انگلیسی وتاریخ هوارد فرانسوی ضمن احوال داریوش بزرگ

(۲) هرودوت کتاب ٤ بند ٤۳ تا ٤٤

فصل سوم

تسهیل روابط تجارتی - طرق شوسه - کاروانسرا ها و مقیاس راهها - امنیت طرق و تفتیش دولتی - مقیاسها - چاپار دولتی - راههای بزرك تجارتی - وسایل نقلیه

ایرانیان به توسعهٔ تجارت اهمیت بزرگی میداده اند وبرخلاف گمان برخی ها بر اینکه ایران قدیم نسبت به بازرگانی بی اعتنا بوده ، ما شواهد و دلایل محکمه در دست داریم که نهایت اعتنا و توجه باین امور مبذول میشده و اگر غیر از این میبود صنعت وحرفت تا آن پایهٔ بلند در ممالك شاهنشاهی ارتقاء نمی یافت — ما هر چند از تمام کار هائی که برای تسهیل روابط تجارتی انجام داده اند اطلاع کافی نداریم ولیکن همین چند فقره تشبثی که بعمل آمده و خبرآن بما رسیده است نمونه‌ای است که همت بلند ومقام ارجمند ایشان را نشان میدهد

ترعهٔ سوئز - همه‌میدانیم که انجام‌ترعهٔ سوئزیکی از بزرگترین افتخارات تمدن معاصر است که با پیوستن بحراحمر به مدیترانه عالم شرق‌وغرب‌را اتصال بخشیده کار روابط تجارتی وآمدورفت مابین مشرق و مغرب‌را یك برصد سهولت‌بخشیده اند - در کندن ترعهٔ سوئز عده‌ای از دول وکمپانی های بزرك شرکت جسته ومهندسینی که باین اقدام پرداختند خلعت‌سرافرازی را بطورجاودانی پوشیدند ولیکن ما می‌بینیم

که خیلی پیش از اینها شاهنشاهی هخامنشی بدین تشبث عظیم پرداخته و داریوش بزرگ یکچنین مشروع مهمی را انجام داده است.

تاقبل از تصرف مصر روابط مستملکات ایران در جزایر و سواحل دریای مغرب با پایتخت دوراه داشت یکی بوسیله بنادر صیدا و صیدون که از راه فلسطین و خشکی به بین النهرین و پارس یا خوزستان میرفتند[1] طریق دوم از ایونی و جادهٔ مشهور سارد بود که از ممالك سیلیسی و ارمنستان میگذشت[2] اما لازم بود طریقی پیدا شود که مرکز شاهنشاهی را مستقیماً به مستملکاتش مربوط سازد و بعد از تصرف مصر طرح این راه ریخته شد.

یك ترعه از رود نیل جدا کردند که رو به شرق و بعد رو بشمال گذشته در ناحیهٔ خشك و بی حاصلی که منتهای بحراحمر است به دریا میرسید - طول این ترعه برای کشتی‌های آنزمان چهار روز راه بود و عرض آن بقدری که دو کشتی بزرگ پهلوی هم بتوانند حرکت کنند[3] پس از حفر این ترعه جهازات ایران از کنار پایتخت (شوش) لنگر کشیده خلیج فارس و سواحل عربستان را پیموده از باب المندب وارد بحراحمر گردیده بوسیلهٔ این ترعه و مجرای نیل به دریای مغرب وارد میشدند و مثلا جهازی که از جزیرهٔ سامس یا رودس یا قبرس که جزء مستعمرات ایران بود بادبان میکشید میتوانست بدون اشکالی مستقیماً تا شوش یا بابل رسیده لنگر اندازد.

ترعهٔ دیگری که ایرانیان حفر کردند در منتهی الیه شبه جزیرهٔ

---

(۱) هرودوت کتاب سوم. بند ۱۳۵ تا ۱۳۸

(۲) هرودوت - کتاب ۲ بند ۱۴۸ تا ۱۵۱

(۳) ایضاً همان سند

سالونیك بود که کوه روم ایلی را ازخشکی جدا میکرد وهرچند این تشبث را آنزمان برای حفاظت کشتی های جنگی بعمل آوردند ولی‌طبعاً بحال بحریهٔ تجارتی نیز سودمند افتاد زیرا جهازاتی که ازجانب‌دیگر آنکوه میگذشتند همیشه در معرض طوفان واقع شده میان سنگلاخهای بی‌شمار درهم می‌شکستند [1]

طرق شوسه و مقیاس راهها ـ دولت ایران‌درسرتاسر شاهنشاهی پهناورخود جاده‌های مسطح ساخته بود که درشکه‌هاوعراده های معمول آنعهد بسهولت آمد و رفت میکردند [2] بزرگترین جاده راهی‌بود که‌قسمت غربی‌مملکت ویونان رابه پایتخت اتصال‌میداد و یك شعبه از همین جاده تا هندوستان و شعبه‌ای تاسیری دریا (سیحون) امتداد داشت [3] مازیر عنوان راههای تجارتی تفصیل خطوط ارتباط دهنده‌را مابین شهرها مفصلا نگاشته‌ایم ودر اینجا فقط راجع به‌جادهٔ سارد که ازمغرب به‌مشرق کشیده شده بود آنچه‌را که هرودوت‌توصیف نموده بطور اجمال نقل میکنیم :

« این راه بسیارامن و آسوده است وهمه‌جا از ممالك آبادان می گذرد ازشهر سارد مرکز لیدیه‌به ایالت فریژی میرود ودرفاصلهٔ ۹٤ فرسنگ ونیم که مقیاس ایرانی است بیست کاروانسرا ساخته اند ـ سپس ازشط هالیس میگذرد ودر دره وگداری که دربند هالیس خوانده‌میشود قلاع نظامی و استحکامات برای حفظ امنیت برقرار است ـ از آنجا به ایالت کاپادوسیه وارد وتاسرحد سیلیسی را در ۲۸ روز می پیمایندکه

(۱) هرودوت ـ کتاب ۷ بند ۲۱ تا ۲٤
(۲) هوارد صفحه ۱۲ و سایکس
(۳) ایضا

مسافت صدوچهار فرسنگ است ـ درسرحد سیلیسی نیز دودربنداست مابین دو کوه ودوقلعهٔ محکم نظامی ـ درداخل خاك سیلیسی ۱۵ فرسنگ ونیم راه را سه روزه گذشته ازروی فرات باکشتی ردشده واردارمنستان میشوند و ٥٦ فرسنگ ونیم هم درآن ایالت طول جاده است و ۱۵ کاروانسرا دارد که درهریك ازآنها عدهٔ مکفی سربازان امنیه مقیم‌هستند درخاك های ارمنستان از چهار رودخانه‌ای که دجله را تشکیل میدهند میگذرد که چهارمی رود (گند) دیاله است ـ از ارمنستان به ایالت ماتیان ۱۵ روزه میروند وبه‌رود (گواسب) کرخه میرسند که‌شوش درآن کنار همین شط است ـ بنابر این شهر سارد والی نشین لیدیه‌تا پایتخت ۱۱۱ روز راه کاروانی و۹۰ روز راه مسافری است.»

مقیاس گیری جاده‌ها ـ از شرح همین جاده وفصل های دیگر هرودوت‌همچو استنباط‌میشود که مأمورین‌راه‌سازی ایران بادقتی‌مقیاس جاده‌های مملکت وفاصلهٔ ولایات رامعین میکرده اند وطبیعی است دولتی که بتواند یك چنان اقلیم پهناوری را تحت تسلط‌بیاورد میبایست تشکیلات منظمی داشته ادارهٔ آن بربنیاد متینی نهاده شده باشد از آثار وجود اندازه‌گیری ها و احصائیه ها آنچه که ما در دست داریم مسافت جاده سارد است که جاده شاهنشاهی مینامیده اند وهرودوت که مسلماً خودش به شوش نرفته بوده و از روی اسناد رسمی مسافات را نوشته چنانچه کلمهٔ فرسنك را که به‌تصریح خودش مقیاس ایرانی است در شرح این‌راه استعمال کرده میگوید از دروازهٔ شهر ساردتا آستان قصر سلطنتی شوش ٤٥٠ فرسنك مسافت است

مهمانسرا (کاروانسرا)ها ـ در جاده های بزرك وراههائی که ایالات ایران رابهم می پیوسته است بفاصلهٔ معینی مهمانسراها (کاروانسراهای) عالی وزیبا از جانب دولت بنا شده بود که تماشای آنها باعث اعجاب هرودوت گردیده اورا به حسن ادارهٔ شاهنشاهی معتقد ساخته است ـ مشارالیه میگوید این بناها برای کاروان ومسافر بهترین آرامگاه است مسیولارشه میگوید مهمان سراهائی که در جاده‌های بزرك مشرق همه جا دیده میشود ومسافرین بدون تأدیه وجهی درآنها آرام میگیرند ازعهد هخامنشی معمول شده واقدام باینگونه امور خیریه ارثی است که از نیاکان برای مشرق امروزی مانده است ـ فقط در جادهٔ شهنشاهی سارد به شوش بالغ بر صدویازده کاروانسرا و مهمانسرا ساخته بودند در فارسی عهد هخامنشی این بناهارا (استاتم) مینامیده اند [1]

راه مصربه‌سوریه ـ از جملهٔ اقدامات دیگری که دولت شهنشاهی برای تسهیل روابط تجارتی بعمل آورده است مشروب ساختن برزخ سوئز است ـ قبل از سلطهٔ ایران در مصر قوافل تجارتی که باید از سوریه به‌مصر وبالعکس بگذرند بیش ازسالی دوبار نمی‌توانستند ازراه خشکی عبور کنند زیرا فقدان آب وآبادانی آمدو رفت را غیر ممکن میساخت ازاین‌رو دولت مصر مقرر داشته بود تمام کوزه‌های سفالی وگلی را که محتوی آن شراب بوده و از یونان وسوریه برای فروش به‌مصر می‌آورده‌اند حکام ولایات گرد کرده سالی دوبار موعد ایاب و ذهاب قوافل آن کوزه‌هارا پرآب ساخته به منازل عرض راه دربرزخ

---

(۱) بعقیده نویسنده ـ استا ـ از استادان وتوقف وتیم ـ بابای مجهول همان لفظی است که هنوزهم معمول است مثل تیمچهٔ حاجب‌الدوله وتیم زرگران دربخارا وغیره

سوئز ووادی که سه روز راه بوده نقل کنند و بدینطریق کاروانیان وچهار پایان آنها بعداز اطمینان ازوجود آب روانه میشدند وآن سه منزل بلاابار را می‌پیمودند اما دولت شاهنشاهی بعد ازتصرف مصر و کشیدن نیل به بحر احمر بوسیلهٔ اقدامات خود آب را بطور دائم در دسترس عابرین رسانید وبعدها آمدو رفت قوافل از برزخ تسهیل و وپیوستگی شد [۱]

امنیت طرق و تفتیش دولتی - در شاهنشاهی هخامنشی بقدری طرق وشوارع امن بوده است که یك نفرسوار با اسب خود میتوانست از یك سمت آن مملکت جهان شمول بسمت دیگر مسافرت کرده از میان صدها طوایف خانه بردوش وبیابانگرد وازصحاری لم‌یزرع یامرز های آبادان بگذرد بدون آنکه کمترین صدمه‌ای براو وارد آید واین نکته را بالهجهٔ شگفت آمیزی هرودوت توصیف نموده است

در همه جا شهرپاد (ساتراپ) ها و مامورین دولتی خاصه فرماندهان فوجهای امنیه که درطول جاده ها قراول بودند مسؤل امنیت شناخته میشدند [۲] علاوه براین شواهدی در دست است که تفتیش (کنترول) ورسیدگی به‌کار عبور ومرور وخبرگیری وشناسائی مصدر ومقصد قافله‌ها و مسافرین یك وظیفه معینی بوده و ادارهٔ مخصوصی داشته واین اداره بحدی درانجام وظیفهٔ خود مراقبت میکرده است که ارسال مکتوبی از پایتخت بیکی از ولایات یا بالعکس هیچگاه از نظرش مخفی نمی مانده مندرجات آن اگر حائز اهمیتی بوده بعرض

---

(۱) هرودوت کتاب سوم بند ۵ تا ۸

(۲) کتاب پنجم بند ۴۲ تا ٤٥

دولت میرسیده است ـ بهترین گواه ما حکایت هرودوت است که وقتی یکی از عظمای یونانی میخواهد از شوش پیغامی به ایونی بفرستد از بیم تفتیش ، پیغام را برفرق تراشیده غلامش مینگارد ومیگذارد موی برآمده خط را بپوشاند [1] و همچنین حکایت پلوتارك است از فرار تمستوکلس سردار یونانی که از طرف دربار ایران محکوم به قتل و سرش به جایزه گذارده شده بود ولی مشارالیه میخواست به پای خود بدربار آمده پناهنده گردد و از بیم تفتیش ناچارشد درقیافهٔ زنانه و در درشگه مخصوص خانم هاتاشوش بیاید [2]

و نیز بنابر روایت راولنسن انگلیسی ما میدانیم کهعهداشکانیان هم تفتیش دقیقی درکار بوده بطوریکه تازه وارد ها در هر یك از شهر ها اسم ورسمشان دم دروازه ثبت و ازصورت آنها نقشی کشیده میشده است .

چاپار دولتی ـبه تصدیق مورخین مغرب شاهنشاهی هخامنشی نخستین دولتی است که پست وچاپار خانهای دائمی ایجاد کرده وواضع آن کورش اعظم است [3] سرعت سیر و انتظام این چاپارخانها بحدی بود که باعث اعجاب یونانی هاشده و هرودوت میگوید: (مابین جنبندگان ذیروح هیچکدام تندروتراز چاپار های ایران نیستند ـ هرچند شبانه روزی که مسافت مابین دوولایت است بهمان اندازه چاپارخانهاموجود است ودرهر چاپارخانه یك چابك سوار بادورأس تکاور ازمابین همقطاران خود نوبت میدهند ـ نهروز ونهشب نهبرف ونه باران نهسرما ونهگرما

(۱) هرودوت کتاب ۸ بند ۸۸ تا ۸۹
(۲) ایضاً همان کتاب بند ۳۵ تا ۳۸
(۳) پلوتارك در سرگذشت تمستوکلس

میتواند از جنبش وکوشش چاپارها بکاهد و یك چاپار به چاپار خانهٔ دیگر نرسیده چابك‌سوار نوبتی در آنجا براسب نشسته منتظر است که امانت را از همکارش گرفته براه افتد)[۱] مسیو لارشه مینویسد : (کورش اعظم حساب کرد که‌یك اسب چه مسافتی میتواند بدون‌توقف بتازد وهمان مسافتی‌را که‌تشخیص دادند ، فاصلهٔ‌مابین دوچاپارخانه قرار داده وپس از تیاری چاپار خانها اسب ومهتر وچابك سوار بقدرکفایت مقرر داشته شخصی قابل را نیز بریاست گماشت که امانت را ازچاپار وارد گرفته به چاپار صادر بسپارد ونیز اسب وچابك سوار تازه نفس‌به جای فرسوده ها بگذارد و این پست شب وروز تعطیل بردار نبود)این است که اختراع چاپارخانه به‌کوروش بزرك منسوب میشود[۲]

راههای بزرك تجارتی ـ مطابق نقشه ای که مسیو دومرگان فرانسوی طرح کرده است راههای تجارتی آنزمان درخشکی بقراری است که ذیلا مینگاریم :[۳]

ازشوش ـ سه راه یکی رو به شمال ، دیگری رو به‌شرق ، سومی روبه‌غرب ممتد شده راه شمال به همدان وراه شرق پس ازطی مسافتی دو شعبه میشود اولی به اصفهان وشعبه دیگر رو به جنوب رفته باز دوشعبه می‌گردد یکی به استخر ودیگری به بندر دیلمان ساحل خلیج فارس‌انتهامیپذیرد وراه غربی از شوش به بابل میرود.

از بابل ـ چهار راه رو به شمال ، مشرق و جنوب ممتد میشود

(۱) ایضاً
(۲) لارشه درحاشیه هرودوت
(۳) کتاب تمدن‌های نخستین صفحهٔ ۲۹۰ ـ رجوع‌به فهرست اسناد کنید درمقدمهٔ کتاب

راه مشرق به شوش وراه جنوبی به گرا (Gerra) درساحل القطیف حالیه - ودوراه شمال یکی به نینوا و دومی پس از طی مسافتی رو به شمال سوی مغرب پیچیده به سواحل دریای مغرب (مدیترانه) وبلاد فینیقیه منتهی میگردد.

از نینوا ــ شش جاده ممتد میشود - دو جادهٔ غربی یکی به بیروت دیگری به صور درسواحل دریای مغرب میرسد ــ دوجادهٔ شمالی یکی به (ذواسبا) ساحل دریاچهٔ وان دیگری به سارد مرکز لیدیه ــ وجادهٔ شرقی به گازاکا (نزدیك سقز حالیه) و جادهٔ جنوبی از ساحل دجله وبعد فرات به بابل میرفت.

از همدان (هگمتانا) ــ پنج راه به آذربایجان، به گازاکا، به بابل، به شوش، به ری میرفت.

از ری (راگز - یا بلهجهٔ بعدتر -راژ) پنج راه به همدان به آذربایجان، بشهر صددر (دامغان ــ یا ــ گمش)، به مازندران، به اصفهان میرسد.

از اصفهان (اسپاهان) - سه راه یکی رو بجنوب که‌ازاستخر و پازارکاد گذشته به هرمزیا (نزدیك بندر عباس کنونی) منتهی میشد، راه دیگر به شوش وسوم به ری میرفت.

از دامغان یا (گمش) - سه راه یکی به زادراگرد (استراباد) دومی به ری، سوم رو به خراسان تا بلخ منتهی میشد.

از بلخ - راهی به شهر سمرقند وایالات سغد، راهی به دامغان و راهی به سند میرفت.

از سغد ـ راهی به شمال شرق وترکستان اقصی، راهی مستقیم به استراباد وراهی به بلخ میرسید.

ازاستخر ـ پنج راه، به کرمان، به اصفهان، به شوش، به بندر دیلمان، به بندر هرمزیا ممتد میشد.

از کرمان ـ پنج راه به بلخ، به استخر، به پازارگاد، به هرمزیا به پتاله درسواحل جنوبی هند میرفت.

ازگرا (درساحل القطیف کنونی) ـ راهی عربستان را روبه مغرب پیموده دو شعبه میشد یکی به (پترا) شهر عربی نزدیك فلسطین ودیگری به یثرب (مدینه) میرسید ـ راه دیگر از گرا به بابل میرفت

از گازاکا (نزدیك سقز درکردستان) ـ ۶ راه بههمدان به نینوا، به بابل، به ری، بهسواحل خزر وبه ذواسبا میرفت.

از ذو اسبا ـ شش راه، به ایالت آسیای صغیرتاسارد، بهطرابزون به کلشید وجبال قفقاز، به گازاکا، به نینوا، به سواحل دریایمغرب منتهی میشد.

از ایالت فینیقیه ـ غیر از طرقی که شهرهای ساحلی را بهممی پیوست پنج راه تجارتی بخارج میرفت ـ یکی از طریق حمص رو به سیلیسی و آسیای صغیر، دومی به نینوا، سوم به بابل وشوش کهازشهر های ساحلی فرات میگذشت، چهارم به مصر که از برزخ سوئز میگذشت پنجم راه پترا که بهعربستان وسواحل خلیج وبحر احمر میرفت.

از سارد ـ سه راه، به شهر میله در ساحل بحر الجزایر، به

بیزانس در ساحل داردانل، بـه مشرق تا شوش میرفت کـه شرح آنرا جداگانه نوشته‌ایم ـ علاوه براین جاده‌ها که معبر کاروان وقوافل تجارتی بود راههای کوچك دیگر نیز مابین ایالات و ولایات امتداد داشت که از لحاظ تاریخ ما قابل تذکار نیست .

معابر رودخانها ـ ایرانی ها از مجرای رودخانهای بزرك در کار تجارت استفاده میکردند چنانچه بنا برشرحی که هرودوت میدهد اهالی ارمنستان و ایالات مجاور آن با کشتی هائی که از پوست گاو میساختند وباکاه ولوخ پر میکردند شراب ومحصولات مشهور خودرا بار کرده بوسیله آب فرات به بابل می‌آمدند وپس ازفروش متاع خود وخرید امتعهٔ دیگر پوست هارا خالی کرده بر الاغ های بندری که در بابل میخریدند بار و از خشکی باز میگشتند ـ همچنین راه سند و کابل رود به بلخ وجیحون مشهور است چنانچه در ضمن تاریخ دورهٔ اشکانیان خواهیم نگاشت .

وسایل نقلیه ـ اسب، شتر، قاطر، الاغ، گاو، تخت روان، عرابهای گوناگون جزء وسایل نقلیهٔ ایران بشمار می‌آمد وفیل وکرگدن هم ازهند می آوردند ودر جنك بکار میرفت چنانچه ضمن جنك‌دارای سوم با اسکندر دیده میشود ـ اما شتر، قاطر، خر ویابورا در حمل و نقل مال‌التجاره بکار میبردند ودرشگه ها (عرابهای سربسته) وسرگشاده وتخت‌روان واسب وشتر جماز مخصوص حمل و نقل مسافرین بوده است ـ سواری عرابهای گوناگون در عهد هخامنشی خیلی معمول‌بوده و مطابق تصریح اوستا عرابه‌معمولی را (واشا) وعرابه جنگی را (رتهـایا)

وگاری چهاراسبه‌را (وشاچترو) یا (پختنا) مینامیده‌اند - هرودوت‌میگوید درشکه زنانه را خیلی ظریف و زیبا میساخته و با طلا و نقره آنرا مزین مینمودند و اینگونه درشکه‌هارا مشارالیه (هارماماکس Harmamaxe) میخواند[1] درشکه های زنانه سر پوشیده بوده‌است - پلوتارك مینویسد که سفیر آتن وقتی مریض بود به امر اردشیر در تخت روانی به سواحل دریا اعزام شد که بهبودی یابد - سواری شتر را نخستین بار که در تاریخ می بینیم ضمن جنك کوروش بزرك است بالیدیه[2]

(۱) کتاب ۹ بند ٦٦
(۲) ایضاً کتاب اول بند ٦۹ تا ۷۱

فصل چهارم

مسکوکات هخامنشی ـ نقش سکه ها ـ ضرابخانها ـ مقیاسها

مسکوکات هخامنشی ـ چون تا کنون از هیچیك از پادشاهان مشرق قبل از داریوش کبیر سکه‌ای بدست نیامده باعتقاد مورخین اول کسی که در آسیای وسطی به ضرب سکه پرداخته‌است شاهنشاه مذکور میباشد ولی از کرزوس آخرین پادشاه لیدیه (آسیای صغیر) که اسیر کوروش اعظم گردید سکه‌هائی در دست هست اما خیلی قبل از کرزوس وداریوش درچین سکه‌های کاغذی ومقوائی معمول بوده وتا عصرما رواج داشته‌است باید متوجه این نکته بود که سکهٔ چین در حکم اسکناس و به اعتبار دولت رایج بوده و در برابر آن هیچگونه پول طلا یا نقره استعمال نمیکرده اند[1]

سکه های عهدهخامنشی سه نوع بوده است : ـ اول ـ دریك (زریك) ازطلا که دربارهٔ خلاصی طلاو گرفتن عیار آن بقدری دقت میکردند که درخوبی مشهور جهان بود[2] ـ دریك یازریك بقول مسیو لارشه بیست درهم قیمت داشته وهردرهمی نود سانتیم فرانسوی میشود پس هرزریك هیجده فرانك طلا ارزش دارد اما استاد رالنسن قیمت زریك را ۲۲ شلنك انگلیسی معین کرده است ـ نوع دوم ـ درهم نقره است که به قول

---

(۱) مسیو رنو در کتاب خودش و تاریخ کولبروك (رجوع کنیدبه فهرست فرنگی از کتابها در مقدمه این جلد

(۲) هرودوت کتاب ٤ بند ۱۵۵ تا ۱۵۸

استاد رالنسن سه شلنك ارزش دارد ولیکن درعهد خود یك زریك بیست درهم نقره قیمت داشته است - نوع سوم - سکه‌های خردهٔ نقره و برونزی بوده‌است که شهر پادها (ساتراپ‌ها) و پادشاهان خراج گذار برای مصرف محلی سکه میزده اند [1]

نقش سکه‌ها - سکه‌های طلا و نقره شاهنشاه را به صورت تیراندازی نشان میدهد که یك زانو بزمین نهاده مشغول بندکردن کمان خویش میباشد [2]

ضرابخانها — طلا و نقره‌ای که دولت از ایالات میگرفت بحالت شمش درآمده درخزانه ضبط میشد و هنگامی که مصارف و مخارج اقتضا میکرد به ضرابخانها فرستاده سکه میزدند - از قرار اظهار مسیو هوارد فرانسوی تا عهد اشکانیان سکه ای که در شهرهای مرکزی تهیه شده باشد بدست نیامده و بعضی از متتبعین اروپا اینطور اظهار عقیده نموده‌اند که ضرابخانها فقط در بلاد آسیای صغیر موجود بوده ومسکوکات را در آنجا تهیه و به فارس میفرستاده اند اما این عقیده به نظر نگارنده قابل اعتماد نیست زیرا از سیاست و تدبیر دولتی منظم مانند هخامنشی بعید مینماید که فقط به ضرابخانهای آسیای صغیر با وجود اغتشاشات و انقلابات متوالی آنجا قناعت کنند در حالیکه تأسیس ضرابخانه یا انتقال ضرابخانها از آسیای صغیر به پایتخت و بلاد مرکزی ایران برای آندولت اشکالی نداشته و بعلاوه صرف اینکه ما هنوز مسکوکات بلاد مرکزی را بدست نیاورده ایم برای انکار وجود ضرابخانها بهیچوجه

---

(۱) هوارد - در کتاب ایران کهن صفحه ۱۲۲

(۲) ایضا

برهان مکفی نتواند بود . نسبت شمش موجود درخزانهٔ شاهنشاهی با مسکوکات از اینقراراست که بروایت پلیب مورخ ، اسکندر پس ازتصرف شوش چهلهزار تالنت فلزات قیمتی و فقط ۹ هزار تالنت سکهٔ طلا یافت[۱]

رواج سکه ـ در اوایل امر مسکوکات بیشتر در دست اعیان و عمال کشوری ولشکری و سرکارداران وسپاهیان خرج میشد وتجارو سوداگران بعادت گذشته بوسیله شمش مبادله میکردند اما تدریجاً که خلاصی زر وسیم مسکوکات معلوم گشت جای شمش را گرفته آلت مبادلات گردید و مردم سکه را بواسطهٔ اطمینانی که بپاکی آن داشتند برشمش رجحان مینهادند و عادت کردند که ثروت خود را با مسکوکات تقویم کنند .

مقیاس‌ها ـ دلایل عدیده در دست است که مقیاس های عهد هخامنشی در ایران تا قرون اخیر تغییر وتبدل مهمی نیافته است و نیز شواهدی داریم که دولت شاهنشاهی برای تنظیم مالیات و تسهیل محاسبات مالیاتی مقیاس وزن را در تمام مملکت بیک‌صورت واحدی درآورده بوده زیرا هرودوت که راجع به مبلغ مالیات ایالات ایران سخن میراند میگوید : ایالاتی که نقره میپرداختند حسب‌الحکم داریوش مطابق تالان بابلی تادیه میکردند و ایالاتی که مالیات خود را طلا باید بدهند به تالان اوبه‌ئی (منسوب به ایالت ایونی است) تسلیم‌می داشتند وبحساب دقیق محققین اخیر این هردوتالان هریك هفت‌هزار درهم وزن دارند و یکسانند .

---

(۱) هر تالنت یا بلهجهٔ فرانسوی تالان Talent را ۹۰ ـ ۵۰۶۰ فرانك طلا به مظنهٔ دورهٔ کنونی تقویم کرده اند

آنچه از مقیاس های وزن بما رسیده یکی درهم است که تقریباً مطابق یك مثقال کنونی بوده و نام و مقدارش تا قرن اخیر معمول مانده است دیگر مَن (Mine) است که مالیات طلا را برطبق آن دریافت میداشته اند و هر من صد درهم بوده پس هفتاد من یك تالان میشده مقیاس دیگر بعد از مین ارتاب (Artabe) است که بحساب اروپائیان ۵۵ لیتر فرانسوی تقریباً وزن آن بوده که قدری بیش از هیجده من کنونی میشود ــ به عقیدهٔ نگارنده ارتاب تحریف شدهٔ خرتاب است و نظیر آن در فارسی امروزه خروار میباشد که هردو یك مقصود را میرسانند و وزن خرتاب به عقیدهٔ نگارنده ده هزار درهم آن عهد بوده که تقریباً ده هزارو ٥٨٤ مثقال کنونی میشود .

از مقیاس های دیگر یکی تیر پرتو (تیر پرتاپ) و دیگر میدان بوده و کلمهٔ فراسنك در هرودوت بهمین صورت ثبت شده چنانچه امروزه نیز همچنین مینویسیم ــ هرودوت هر فرسنگی را سی استاد (Stade) که مقیاس یونانی است نوشته و هر استاد ۱۸۵ متر فرانسوی است پس فرسنك آن زمان (۵۵۵۰) متر بوده و تفاوت بزرگی با فرسنك معمول عهد ما نداشته است .

فصل پنجم

معادن - پنبه - ابریشم - تجارت ابریشم - ابریشم بافی - صنعت فرش وملبوس درشهنشاهی ایران - اسباب خانه و زینت آلات - بلور وشیشه وارغوان - صادرات مشهور هرایالت - اسلحه مشهور هرایالت - عطریات و دواجات - ماکولات و مشروبات درتجارت - اسب های ایرانی در تجارت .

معادن - در نواحی جنوبی سغد وشمال شرقی باختر فلزات و فیروزهٔ کم رنگ استخراج میشد - ریگ طلااز حدود شمال غربی هند می آوردند وطرز تحصیل آن مشکلاتی داشته‌است که هرودوت شرح داده[1] از هرمزیا آهن ، از خراسان فیروزه و مس ، از مازندران آهن ، از فارس مس و سرب و نقره ، از جبال قفقاز و کلشیدی مس و سرب وآهن و نقره ، از فریژیه فلزات مختلف ، ازلیدیه طلای معدنی و زر طلاشوئی از قبرس مس ، از مصر احجار کریمه ، از بحر احمر انواع صدف وزینت های دریائی ، از خلیج فارس مروارید ، از بحر عمان مروارید و صدفهای قیمتی و از ناحیهٔ جنوبی و جنوب غربی هند و سراندیب احجار کریمه و طلااستخراج میشده است[2]

پنبه - در عصر هخامنشی مغربیان پنبه را نشناخته وضع زراعت

(۱) در شرح مالیاتها عهد داریوش اول
(۲) نقل از کتاب تمدن های نخستین تألیف دومرگان نقشهٔ معادن قدیم

آنرا نمیدانستند عده‌ای از نویسندگان یونان قبل از هرودوت مانند ورون (Verron) وته‌اوفراست (Theophraste) پنبه راپشمی‌خوانده اند که حاصل درختی است درهند! هرودوت نیز از ایشان متابعت کرده پنبه را پشم نباتی شمرده است بهرحال اصل پنبه از هند است ودلایل عدیده در دست داریم که از عهد سلطنت داریوش به بعد کشت پنبه درنواحی باختر و مشرق ایران رواج گرفته وچون مغربیان آنرا لطیف‌تر از پشم یافته بودند پارچهای پنبه‌ای مابین ایشان مشتری های بیشمار داشت و این خود باعث شد که کارخانهای پنبه ریسی وپنبه بافی در سند و باختر توسعهٔ عظیم گرفت وتدریجاً یك قلم عمدهٔ صادرات آن ایالات به مغرب زمین محسوب گشت[۱]

ابریشم - آنچه که اطلاع داریم صناعت ابریشم تا مدتهای مدیدی مخصوص مملکت چین بوده و بطوریکه عادت ملل قدیم بود چینی هاهم صنایع خود را بهیچ بیگانه یاد نمیدادند - ابریشم را چینی ها غالباً کلافه کرده به خریداران میفروختند و معبر مشهور این مال التجاره تا اواسط سلطنت ساسانیان عبارت از راه سغد و باختر بود اما بعد ها طریق دریارا پیش گرفت و جادهٔ سغد وقتی اهمیت می یافت که امنیت برقرار بود

تجارت ابریشم - راجع به رواج تجارت ابریشم ما سند تاریخی متعلق به قبل از عهد اشکانیان نداریم و اینکه شرح این تجارت را در این فصل مینگاریم برای تکمیل اطلاعات مربوط به این محصول است — ولی بهرحال اخیراً اسناد عدیده بدست آمده حاکی از اینکه از عهد بسیار

---

(۱) مسیو رنو در کتاب روابط سیاسی و تجاری روم با شرق صفحه ۲۹۳

قدیم شاید قبل از هخامنشی در آسیای وسطی خصوصاً سغد تربیت نوغان معمول بوده و در اینصورت شکی نمی ماند که تجارت ابریشم خیلی پیشتر از زمان اشکانیان در ایران رایج بوده است.

به‌تصدیق سالنامهای چینی چنانچه درفصول آینده مشروح ترخواهیم دید ایرانیان تجارت ابریشم را بخود انحصار داده بودند و مورخین رومی نیز این مطلب را تأیید میکنند. به هرحال ترتیب تجارت ابریشم درعهد اشکانیان از اینقرار بوده: سوداگران در بلخ که فی‌الحقیقه انبار امتعهٔ شرق و غرب و چهار سوی دنیا بود گرد آمده با کاروانهائی که راهرو مخصوص این طریق بودند قرارداد بسته عازم میشدند و در ساحل سیحون درشهر کوروش بزرك توقف‌نموده قبلا بارؤسای طوایف بیابانگرد آنجانب رود گفتگو و سازش کرده حق‌العبوری داده با اطمینان به حصول امنیت به آن سمت گذشته از دیوار چین و از دروازهٔ مشهور شمال غرب پس از اجازهٔ سرحد داران عبور کرده در نزدیك ترین شهر ایالت سرحدی موسوم به سینکانفو (Singanfou) با چینی ها معاملات خود را خاتمه داده معاودت میکردند. هیچ کاروان اجنبی مجاز نبود که از آنشهر روبه‌داخلهٔ چین پیشتر برود[۱]

ابریشم بافی- ابریشم چین هرچند بطور بافته هم فروخته میشد اما اکثر کلافه بود و در کارخانهای بلخ، همدان، وشوش وبسیاری ازایالات دیگر ایران آنرا می بافتند. پارچهای حریر ایران مشهور آفاق ونزدیونانیان ضرب المثل بوده است.

صنعت فرش و ملبوس درشهنشاهی ایران- منسوجات وبافته‌های

---

(۲) ابل رموزه فرانسوی ومسیو رنو وکلپروك

ایران در عهد هخامنشی بی مانند و جمیع ملل دنیا مشتری آن بودند ـ انواع پارچهای پشمی، حریر، کتان باالوان مختلف می بافتند و مخصوصاً لطافت پارچه وطرح ورنك آمیزی آن هر صاحب ذوق سلیم را جذب می کردوباین نکته مکرراز طرف نویسندگان یونانی اشاره شده [۱] برتروبهترین گواه سلیقهٔ ایرانیان در بافتن وبرش و دوختن اینست که اسکندر مقدونی با آنهمه تعصب یونانیگری پوشاك ایرانی را ترجیح نهاده از زمان ورود به ایران تادم مرك در زی ایرانیان زیست [۲] پارچه های زری که تار آنرا هم ازطلا میکشیدند هم ازنقره، مخمل های پشمی وغیر پشمی با الوان مختلف وپارچه های کتانی ایران بی اندازه مطلوب بود [۳] قالی و قالیچهٔ ایران از عصر هخامنشی صاحب این شهرت ومرغوبیتی شده است که هنوز هم دارد ـ صنعتگران ایرانی در بافتن قالی آن اندازه از ذوق وسلیقه نشان داده ومتاع خود را با چنان اتقان و زیبائی و جلائی میساختند که در صفحات تاریخ نیکنامی خویش را ابدیت بخشیده اند ـ پلوتارك مینویسد: ازجملهٔ غنایم شوش که به تصرف اسکندر درآمد فرش مخملی بود که پنجهزار تالنت طلامی ارزید و با آنکه از یکصد ونود سال قبل استعمال میشد هنوز در خوبی و رونق فرقی نکرده مانند روز اول بود ـ از این جمله علاوه بر محسنات صنعت مطلب دیگری هم میتوان حدس زد وآن اینست که شاید در متن فرش ها نام فرمایش دهنده یا تاریخ بافت آن نقش میشده است.

علاوه بر گل وبوتهٔ معمولی دربافته های عهد هخامنشی پیکر وصورت انسان وحیوان به تنهائی یابه جرگه طرح میکرده اند [٤] صنعت قلاب دوزی

---

(۱) هردوت کتاب ٥ بند ٤۹ و پلوتارك

(۲) پلیبیوس وپلوتارك

(۳) پلوتارك ودیودور و آریان (٤) استرابو وآریان

ملیله دوزی و زردوزی در بابل و همدان به نهایت ترقی رسیده لباس طبقات عالی و محترمین با این قبیل صنایع ظریفه مزین بود چنانچه اضافه بر شهادت مورخین صورتهای استخر و شوش گواه آنست - در اینجا نکتهٔ شایان تذکری است عبارت از اینکه غالباً صنایع ظریفه و پارچه بافی را کار خانهای زنانه متعهد بودند و همچو بنظر می آید که شغل نجیب و مشغولیت بزرك زنهای ایرانی در آن عهد صنعت بافندگی و سوزن کاری بوده و بر خلاف این دوره ملکه های تاجدار وشاهزاده خانم های بزرك بدین گونه شغل ها میپرداخته اند چنانکه ملکه بزرگی مانند هما شهر [۱] زوجهٔ خشایار شاه بدست خود پوشاك شهنشاه را میبافت و بقدری پارچه را زیبا و دلکش میساخت که گوی سبقت را از همکنان میربود [۲] صنعت نیم چکمه و چکمه دوزی ایران نیز مشهور بود [۳]

اسباب خانه و زینت آلات - انواع اشیاء و اسباب خانه مانند تشك ، مخده و پشتی ، بالاپوش ولوازم دیگر که برای استراحت بکاراست و اثاثیهٔ خانه از هرقبیل درکشور شهنشاهی به بهترین صورتی میساختند و اینگونه مصنوعات ایران را سایر ملل مشتری بودند - یکی ازمورخین گوید : (صنایع ایران بقدری مشهور و مطبوع بود که چون میخواستند چیزی را بخوبی مثل زنند میگفتند بکار ایران میماند [٤]) نظیر این معنی عبارت پلوتارك است که وقتی از هدایا و بخشش شهنشاه اردشیر بسفیر

(۱) به عقیدهٔ نگارنده آماستریس یونانی تحریف شدهٔ هما- شترا میباشد که بلهجهٔ امروزی ایران هما شهر میشود
(۲) هرودوت کتاب ۹ بند ۱۰۸ تا ۱۱۰
(۳) ایضا کتاب ۷ بند ٦١ و مسیوفوشه و مسیو گدار در مقدمهٔ فهرست موزهٔ گیمه چکمه را نشانهٔ شناسائی ایرانی از غیر ایرانی دانسته‌اند
(٤) در ایران نامه تالیف شوشتری

آتن سخن میراند با لهجهٔ تحسین میگوید : (... و فرش وخوابگاه را که تماماً ساخت ایران بود برای سفیر فرستاد . آن زمان در صنایع پارچه بافی و اسباب خانه و خوابگاه و غیره ایرانیها بی نظیر بودند و اقوام دیگر مانند آنها نمیتوانستند کار کنند .) .

در ایران تخت خواب از فلز قیمتی میساختند و تخت خوابهای برونزی و غیره را نیز با طلا و نقره مذهب و مفضض مینمودند[۱] صنعت سیم و زرنگاری آنان مشهور بود صندلی و میز از طلا و نقره یا زرنگار و سیم نگار و منقش ، کاسه و بشقاب ، دیك ها و قابلمه ها و ظروف خوراك خوری از طلا و نقره و مزین به طلا و نقره ، انواع جام ها و شربت خوریهای طلا و نقره و غیره با ظرافتی مخصوص درایران ساخته میشد[۲] اسباب حمام سفری را ازهرقبیل مثل طشتها و مشربه ها وخزانه و تاس و حوله ها بطوری ظریف و زیبا و قابل حمل و نقل میساختند که تماشای آن باعث اعجاب بزرگان یونان میگشت[۳]

در صنعت زیور آلات نیز زرگران ایرانی مهارت داشته اند — بازو بند ، گردن بند ، خلخال ، طوق و یاره ، حمایل و بند شمشیر و شرابه و قاب شمشیر و قاب خنجر[٤] و غیره را بانواع مختلف مرصع میساختند وچون طوق و بازو بند را مردها نیز زینت خود مینمودهاند اینگونه مصنوعات مشتری بسیار داشته و تهیه و حمل و نقل و فروش آنها تجارت مهمی بوده است

---

(۱) هرودوت کتاب ۹ بند ۸۰ تا ۸۲

(۲) ایضاً

(۳) پلوتارك در احوال اسکندر

(٤) ایران نامه

بلور و شیشه آلات و ارغوان ـ در فارس ظروفی از بلور معدنی ساخته میشد و حتی ایرانیان قبل از سایر ملل توانسته اند برصفحه بلور نقش انداخته خط بنگارند[1] در نینوا شیشه آلات زیادی پیدا شده که از جمله یك جام درخشندهٔ سبز متعلق به هفت قرن قبل از میلاد میباشد و بنام سارگون پادشاه آشور منقش و فعلا در موزهٔ بریتانیا ضبط است ـ ولی در بدو امر صنعت شیشه گری را اهالی مصر و فینیقیه بخود اختصاص داده بودند و ظروف شیشه از آن دو کشور به سایر نقاط میرفته حبشی ها نیز بلور فراوان داشته اند ـ بهر حال شیشه گری ایران مشهور وچنانچه بعدها خواهیم دید چینی ها آنرا از ایران فرا گرفته اند .

متاع پرقیمت دیگری که از فینیقیه می آوردند رنگ ارغوان بود که آنرا از صدف مخصوصی گرفته با بعضی از املاح طلا ترکیب میکردند و فرنگیان ارغوان را (Pourpre) خوانند این ارغوان بسیار پر بها می‌افتاد وپارچهائی که از آن رنك وصیقل میگرفت برق و جلای خیره کننده ای داشت ـ گویا پارچه‌ای را که با ارغوان ملون میشده ایرانی ها پرندیا پرنیان مینامیده اند ـ بهترین نوع ارغوان را دولت شاهنشاهی باستعمال داخلی خود تخصیص میداده زیرا لباس های رسمی پادشاه و ارکان بزرك دولت و خلعت های درجه اول از این صیقل داشته است[2] بعد ها دولت روم نیز این رسم را از ایران تقلید کرد .

صادرات مشهور هر ایالت ـ از ایالت ایونی آلات وادوات آهنگری[3] از ایالت لیدیه ظرفهای طلا و قدح ها و مجسمه های فلزی که نیکو ساخته

---

(۱) دایرةالمعارف بریتانیا در لغت بلور ـ ورالنسن
(۲) هرودوت
(۳) مسیورنو کتاب روابط روم وشرق صفحه ۲۶۷ واسترابو

میشد[1] از سیلیسی اشیاء نقره و انواع عطریات ، اسب های سفید مقدس نیز در این ایالت بخوبی تربیت میبافت[2] از مصر و لیبیا و حبش پاپیروس و پارچهای کتانی و سنباده و شیشه آلات وبلور معدنی وپوست یوز وشیر وعاج و آبنوس وکاسه لاك پشت وغلامان سیاه و غیره صادر میگشت[3] از فینیقیه شیشه آلات و ارغوان و چوب سدر و پارچهای کتانی و چرم و غیره صادر میشد[4] ولیکن محصولات سایر ممالك نیز که بوسیله تجار بحر پیمای فینیقی به بنادر آن ایالت وارد میگشت از آنجا بداخله میرفت از عربستان کندر ، جذوار ، تنذور ، هل مکی ، بلسان لادن وغیره بخارج حمل میشد[5] از کلشید و آلبانی قفقاز غلامان و کنیزان سفید و انواع فلزات نساخته[6] انواع رنگهای نباتی ازجبال قفقاز[7] از آشور وکلده هرگونه آلات و ابزار فلزی و اسلحه و منسوجات و ملیله دوزی صادر میشد[8] از ایالت ماد انواع فرش‌ها و منسوجات و اسب های بی مانند جنگی و از خوزستان نفت و قیر و موم معدنی - طریقه استخراج نفت بقرار روایت هرودوت چنان بوده که آنرا با دلو و ناسوس از چاه کشیده به میزاب سرپوشیده‌ای میریختند و از آنجا بوسیله لوله به انبار دیگر میرفت درآن انبار نفت ته نشین میکرد قسمت مایع نفت بود و ته‌نشین آنرا قیر و موم

---

(۱) هرودوت و آریان
(۲) هرودوت ورنو واسترابو
(۳) ایضاً
(٤) هرودوت واسترابو
(٥) هرودوت کتاب سوم بند ۱۰۷ تا ۱۱۰
(٦) ایضاً بند ۹٦ تا ۹۸
(۷) هرودوت کتاب اول بند ۱۰۱ تا ۱۰٤
(۸) ایضاً کتاب هفتم بند ۱۰۷ تا ۱۱۰ واسترابو ودومرگان

میناميدند بعلاوه ملح بلورینی هم به‌دیوارهای انبارمی بست که آن نیزدر کار مومیائی اموات و غیره مفید بوده است از خراسان و باختر و سغد فیروزه و فلزات ساخته[1] و اسلحه و پارچه و پوست وطلائی که از نواحی شمالی به مبادله میگرفتند[2] وامتعهٔ هندوستان و چین وغیره ازسند وهند غربی جند بیدستر وپوست بیدستر، مشك، منسوجات پنبه‌ای عاج وغیره[3] ازیونانستان وجزایر یونانی مرجان، قلع، شمامهٔعنبر وآلات برونزی وسربی و شراب صادر میگشت[4] از هند جنوبی و جزایر اوقیانوس هند پوست کرگدن، شاخ کرگدن، عود و صندل و صبر زرد، قرنفل (میخك) فلفل دارچین فولاد پارچه های پنبهٔ و محصولات و ادویه و فوفل و آبنوس[5]

اسلحهٔ مشهور هر ایالت ـ از عهد قدیم این رسم بوده که بعضی مصنوعات را بنام ممالکی میخوانده اند و هنوز هم چنین استچنانچه میگوئیم ماهوت فرانسوی یا انگلیسی، بلور اطریشی، پنج تیر آلمانی و غیره در عهدهخامنشی مثلاً چکمه های ساقه بلند را ایرانیمیخواندند و بعدها عهد اشکانیان و ساسانیان نیز چنان بود ـ زره های آهنی که سطح آنرا پولکهائی نظیر پوست ماهی میپوشانید، خنجر های کج و شمشیر های پهن و کج را ایرانی میناميدند[6] خود برنجی و جوشن کتانی به بابل منسوب بود ـ کتان این جوشن را در شراب و نمك

---

(۱) دومرگان

(۲) هرودوت کتاب دوم بند ١٤ تا ١٦

(۳) مسیو رنو صفحه ۲۹۳

(٤) رنو ۱۲۲

(٥) ایضاً واسترابو

(٦) هرودوت کتاب ۷ بند ٥٩ تا ٦١و پلیپیوس وآمیانوس

خیسانیده بوضع مخصوصی رویهم میبافتند بطوریکه درمقابل هرشمشیری مقاومت میکرد و از آهن هم سبکتر بود[۱] ـ (در زمان ما مردم سلحشور خراسانی یکنوع بالاپوش کوتاهی میپوشند که « پستك » نامیده میشود و هرچند آستر آن از نمد است رویه اش کتانی است و بقرار مذکور گلوله‌های سربی قدیمی بزحمت از آن میتواند گذشت .) تبرهای سگزی شهرتی داشت وچوب دستی ها (چماق ها) ئی که از میخهای فلزی پوشیده بود به اهل بابل و حبش منسوب بود کمند سگزیها نیز شهرتی بزرگ داشت[۲] زره کتانی مصر که زربفت بود بنا بر بیانات هرودوت بسیار پر بها میافتاد

عطریات و دواجات ـ مواد عطری و تند بو قسمتی از هندچنانچه اشاره شد و قسمتی از عربستان حمل میشد اما بعمل آوردن عطروترکیب وتهیه آن از خصوصیات ایران بود واهالی ایالت بابل و سیلیسی دراین فن مهارت داشتند ـ انواع عطرها و روغن های معطری که معمولا به بدن میمالیدند در ایران ساخته شده و در دنیا شهرت داشت چنانچه توراة در کتاب استر باین موضوع اشاره نموده و پلوتارك در احوال اسکندر وسایر مورخین هرکدام به مورد خود تصریح دارند ــ در فن کیمیا و دواسازی نیز ایرانی ها ترقیات بزرك کرده بودند اما آنچه را که ما از آن سندداریم یکی معجونی است که برای بزرگان مملکت میساختند و از زعفران و هل و دارچین و ادویه بسیار دیگر بعمل میآوردند و خواصی در تفریح و کیف وتقویت داشته است دیگر روغنی بود از پیه‌وشیر وشراب وخرما و دواهای مختلف که بر بدن میمالیدند و برای سفیدی و لطافت پوست تأثیر بزرگی میکرده است در ساختن انواع سموءات نیز ایرانی ها ماهر

---

(۳) ایضاً هرودوت

(٤) ایضاً بند ۸۵ تا ۸۸

بوده اند و پلوتارك در طی احوال اردشیر به اینموضوع اشاره نموده و رویهم رفته ازتفاصیل‌نویسندگان یونان چنین برمی آید که کیمیاشناسان آن عهد در معرفت نباتات و معدنیات پیشرفت هائی کرده بوده اند .

مأکولات و مشروبات درتجارت - تجارت انواع میوجات و شراب وغله‌در عهد هخامنشی معمول بوده - مثلااهالی ارمنستان محصول خود را از راه فرات به بابل رسانیده میفروختند و در ازاء آن‌مصنوعاتی را که لازم داشتند خریده و از راه خشکی باز میگشتند و تجار سوریه و فینیقی و یونانی ها شراب را در کوزه های گلی به مصر میبردند و این مشروب یك قلم مهم واردات مصر را تشکیل میداد[1] و میوهٔ بعضی ایالات آسیای صغیر و انجیر دمشق به نقاط بعیده حمل و نقل میشد ـ سکاهای شمالی گندم را برای تجارت میکاشتند و به تجار میفروختند آنها نیز به سواحل بحر سیاه می‌آوردند[2] قسمت مهمی از غلهٔ خوراکی یونان وجزایر را جهازات تجارتی ازسواحل دریای سیاه میبردند[3] تجارت انگبین و گز و انواع شیرینی های نباتی که پرورش آنها مخصوص ایران و هند بوده اهمیتی داشت در آسیای صغیر نیز نوعی از انگبین بعمل می آمد و انواع مختلف از شراب خرما وانگور از آسیای صغیر و جزایر به ایالات‌داخلی ایران حمل میگشت واینگونه شراب‌را برشراب محلی ترجیح می نهادند[4]

چهارپایان و اسبهای ایرانی - چون تذکری از محصولات ایالات مختلفه داده شد مقتضی آمد که از اسب های ایرانی نیز یادی شود ـ در

---

(۱) هرودوت کتاب ٤ بند ٣٦ تا ٤١

(۲) ایضا بند ١٤ تا ١٩ و تویسدید یونانی

(۳) ایضا بند ١٢ تا ١٥

(٤) پلوتارك واسترابو و ژوستن

عراق عجم وخراسان وآذربایجان و ارمنستان وسیلیسی اسب هائی تربیت میکردند که از حیث تند روی وباربری مشهور جهان بود ولیکن از میان آنها اسب هائی که هرودوت نام آنهارا (Niseens) ضبط کرده که شاید نسائی باشد باعث اعجاب عالمیان میشدند ـ دولت ایران رمه هائی که بدویست هزار بالغ میگشت درچمن های ایالات شمال همیشه جزءخالصه داشت و اعیان ورجال نیز هرکدام ازخود رمه هائی داشتند ـ اسب نسائی را طوری تربیت میکردند که درمیدان رزم با دندان و دست و پا جنگیده مرد و مرکب را ذلیل میگردانید[1] و انواع حرکات و رفتار حیرت آور به ظهور می‌آورد ـ پلوتارك میگوید که اسکندر به تماشای رمه های مذکور رفت ـ خر و قاطر بارکش و شتر دوکوهانه و شتر جماز خراسان وکرمان مشتری بسیار داشت

فصل ششم

طرز تجارت و مبادلات ـ مراکز تجارت و سوداگری ـ بنادر تجارتی ـ قواعد و انتظامات بنادر ـ تفتیش بنادر و گمرك ها ـ تجارت یونان و جزایر

طرز تجارت و مبادلات ـ معامله ومبادله پیش از ضرب‌سکه بردو نوع بود: اول معاملاتی که مابین اهالی شهر با مردم دهات وصحرا نشین ها بعمل می آمد ـ اینگونه معاملات چنان بود که روستائی یا چادرنشین محصول خود را اعم از غله و میوه و منسوجات یا حیوانات به شهر

(۱) هروت کتاب ۵ بند ۱۱۰ تا ۱۱۱

آورده با مظنهٔ مرضی الطرفین محصول خود را با جنسی که میخواست مبادله میکرد و اگر مبادلهٔ جنسی نمیشدبا فلزات مبادله میکرد و در ایران از قدیم الایام طلاو بعد از آن نقره و در درجهٔ سوم مس و برونز قیمت داشت ــ نوع دوم معاملاتی بود که مابین اهالی دو ایالت یا دو ناحیهٔ دوردست صورت میپذیرفت و این معاملهای بود که بازرگانان و سوداگران متصدی آن میشدند ـ آلت مبادله در این گونه معاملات شمش طلاو نقره و گاهی فلزات دیگر بود و در عین حال مبادلهٔ جنسی نیز صورت میگرفت و اجناسی مثل گندم یا گوسفند و گاو مقیاس معاملات بود مثل اینکه قیمت یك زرخرید به صد گوسفند ویا دهخروار گندم یا کمتر وبیشتر تعیین میگشت. سوداگران چینی غالبا برای سربود جنس خوداگر لازممیشد ناچار سکهٔ مسی به اجانب میدادند زیرا آلت مبادلهدر آنجا منحصر به اسکناس و سکهٔ مسینه بود ــ در هر صورت تاجری کهبرای سوداگری از شهر خود بار می بست هر چند انواع امتعهو اجناس باخود میداشت میبایستی مقدار مکفی شمش زر وسیم همراهخویش بردارد که سر بود معاملاتش را با آن پر کند ــ اما بعد از عهد داریوش بزرك سکه های زرو سیم جای شمش را گرفت وحتی تجار و ثروتمندانی که پیشترها ثروت خودرا بهوزن طلاو نقرهحساب میکردند بحساب دریك و درهم معتاد شده عوض آنکه مثلاً بگویند صد من طلا داریم میگفتند دههزار دریك داریم[1] درباره منافع تجارتی ـ این قاعدهٔ منصفانه گویا از عهد بسیار قدیم جاری بوده و ما شواهد عدیده داریم که تجار در معاملات خود به سودی بالغ بر دهیك که برقیمت خرید متاع میافزودهاند قانع بودهاند[2]

(۱) هرودوت کتاب ۷ بند ۲۷ تا ۳۰
(۲) ایضاً کتاب ٤ بند ۱٤۲ تا ۱٤۵

سکهٔ طلا و نقرهٔ ایران بوسیلهٔ تجار و بحر پیمایان در اطراف و اکناف عالم رواج یافت و چون در دولت هخامنشی زر و سیم مسکوکات را بی نهایت پاك و خالص میساختند ملل مختلفه آنرا برشمش مرجح شمرده آلت مبادله قرار میدادند و بعدها بقول بعضی از مورخین یونان سکهٔ سلطنت مقدونیه چون نقره بود و بعلت عیاری که داشت نتوانست با سکهٔ ایران مقابله کند و مقبول عامه نیفتاده باعث اخلال حیات مالی آندولت شد و همین مسئله را یکی از علل خروج اسکندر شمرده اند.

مراکز تجارت و سوداگری - هرچند از قبل از عهد هخامنشی و اوایل سلطنت آنها اطلاع کامل نداریم امامیدانیم که در اواسط سلطنت این سلسله میدانها و بازار های عمومی معمول بوده طبقات مختلفهٔ تجار و سوداگران در تیم ها و تیمچه ها مسکن گرفته متاع خود را درمیدانها و بازار عمومی به معرض نمایش می آوردند و حتی در اردوها نیز همیشه محل معینی را برای سکنای سوداگران و کسبه اختصاص میدادند[۱] راجع بدوره های بعد از این سلسله اسناد عدیده داریم که بازار های سالانه و مکاره های بزرگ بین المللی در حدود ایران برای مدت محدودی تشکیل می یافته است و شرح آن در جای خود گفته خواهد شد.

بعضی متتبعین اروپائی بنا بر گفته کوروش بزرك كه به سفرای یونان پاسخ داد: (من از مردمی که در میدان ها گرد می آیند تا با سوگند خوردن ها به همدیگر دروغ بگویند هرگز نهراسیده‌ام..) چنان پنداشته اند که در ایران بازار عمومی معمول نبوده در صورتیکه اشاره شاهنشاه به اجتماعات سیاسی یونانیها است و برفرض اینکه اشاره به‌مردم بازاری هم

(۱) هرودوت کتاب ۷ بند ۲۰ تا ۲٤

باشد باز دلیل نمیشود که در ایران بازار و میدان سوداگری نبوده زیرا شاه فقط میفرماید من از چنان مردمی هرگز نهراسیده‌ام.

بنادر تجارتی ـ بنادر تجارتی در خلیج فارس عبارت بود از بندر دیلمان وتاآکه (Taoké) گوگانا (Gogana) ابستانا (Apostana) هرمزیا (Hermozia)[۱] و بنادر دیگری که نام آنها بما نرسیده است مال‌التجاره هند و جزایر و سواحل عربستان و اخیراً مال‌التجارهٔ حبش ومصر برای نواحی جنوبی ایران و بالعکس بوسیلهٔ این بنادر حمل ونقل میشد[۲]

در دریای مغرب (مدیترانه) ـ بنادر ایالات فینیقیه و فلسطین مانند صیدا، صیدون، بیروت، گازا، وغیره که مهمترین تجارتگاههای دنیای متمدن بشمار می‌آمد و مرکز صدور و ورود مال‌التجاره شرق و غرب محسوب میشد ـ شهرهای ساحلی ایونی مانند میله ـ کاری ـ هلسپن (Hellespont) از بنادر پر ثروت بحرالجزایر بودند در بحر سیاه شهر فاز (Phasis) و آتنز (Athènes) دو بندر ایالت کلشیدی ـ طرابیزون و آمیزیوس (Amisius) دو بندرگاه کاپادوسیه ـ علاوه بر اینها بنادر سینوپ و سزام (Sésame) وهراکله و بیزانس درسواحل جنوبی دریای سیاه واقع ـ و بندرهای اولبیا (Olbia) و تومی و تانائیس و خرسونه در سواحل شمالی آن دریا واقع و مرکز تجارت نواحی جنوبی باسکائی بود درسواحل شمالی بحرسیاه شهر ایستروپولیس(Istropolis) مستقیماً تحت حکومت شاهنشاهی اداره میشد و مابقی متعهد بودند که پاسدار

(۱) دومرگان صفحه ۴۰۹ ـ به عقیدهٔ نگارنده گوگانا در موقع لنگه بوده و ایستانا همان راس پستانهٔ کنونی است بندر هرمزیا نیز مقابل عباسی ودیلمان بندر دیلم امروزه است

(۲) پلین طبیعی دان وابل رموزه فرانسوی

منافع ایران باشند ـ به عبارت دیگر سواحل شمالی بحر سیاه از حدود کریمه تا حدود رومانی از تحت ادارهٔ مستقیم شاهنشاهی خارج و از رومانی مجدداً خاك ایران محسوب میشد.

قواعد و انتظامات بنادر ـ در شهر هائی که مستقیماً تحت نظر پایتخت اداره شده عمال ایرانی حکومت میکردند امور کشوری و لشگری و داوری (قضائی) هریك عمالی جداگانه داشت رسیدگی بدعاوی و مرافعات از عهدهٔ شهرپاد (ساتراپ) ها خارج و به عهدهٔ قضات بود ـ قضات ایرانی ازمیان ملت انتخاب ومادام‌العمر برکرسی قضاوت می‌نشستند مگر آنکه مصدر خیانتی گشته بر خلاف عدالت حکمی داده یا رشوه میگرفتند که در آن صورت مجازات آنان غیر از دیگران بود یعنی تقصیری که از دیگران مجازات سختی نداشت اگر از قاضی سر میزد موجب‌قتلش‌میگشت علاوه برقضاوت مرافعات تفسیرقوانین نیز ازوظایف قضاة شمرده میشد[1] و نزد ایرانیان هیچ چیز محترم تر از قانون نبود چنانچه مابین ملل بطور مثل میگفتند: (مگر قوانین پارس و ماد است که تغییر پذیر نباشد)[2] هرودوت ضمن شرح اوضاع قضاوت و قاضی ها میگوید (.. تمام کارهاباید بمحکمهٔ این‌قضات رجوع شود) وحتی‌شاهنشاه نیز در بعضی کارهای قانونی که فرومیماند از ایشان تقاضا میکرد به‌قوانین مدونه رجوع کرده پاسخ دهند[3] همین استقلال قضات و عدم مداخلهٔ عمال کشوری و لشگری در امور حقوقی باعث اطمینان عموم و امنیت حقوقی گردیده سوداگران ملل مختلف با اعتماد باینکه جان ومال آنان محفوظ

---

(۱) هرودوت کتاب سوم بند ۳۱ تا ۳۳

(۲) توراة کتاب استر (۳) هرودوت کتاب ۳ بند ۳۱ تا ۳۳

خواهد ماند آسوده خاطر به بنادر و بلاد شاهنشاهی ایاب و ذهاب میکردند بنادر فینیقی نیز در تحت قوانینی که مجلس های سنا در هر یك از شهر های آن ایالت وضع و در اجرای آن نظارت میکردند قرین انتظام وعدالت بود. و چون فینیقی ها شغل عمده خود را تجارت بحری و بری قرار داده بودند بیش از سایر اقوام نظیر خود عدالت و نظم را مراعات میکردند .

بنادر ایونی در سالهای اولی که تحت تسلط ایران در آمد غالباً به وسیلهٔ مستبدین محلی (Tyrans) اداره میشد اما پس از شورش آنها عهد داریوش و بعد از آنکه مجدداً تسلیم گشتند مردانیوس (مردانا ـ یا مردنیو) مستبدین یونانی را معزول و برطبق میل اهالی به آنها اختیار داد که شهرهای خود را به اصول جمهوریت اداره کنند واین سیاست زیبای شاهنشاهی بقدری باعث اعجاب مورخین یونانی گردیده که هرودوت مینویسد : آنهائی که وجود عقیدهٔ دموکراسی را در بزرگانی مانند(اوتان) تردید دارند آیا دربارهٔ این اقدام مردانیوس چه خواهند گفت ؟)[۱]

تفتیش بنادر وگمرك ها ـ مکرر توضیح داده‌ایم که چون از گذشتهٔ ایران سند جامعی در دست نیست مورخ مجبور است بعضی و قایع را کلمه کلمه و جزء جزء از متون و حواشی کتب و اسناد متفرقه بدست آورده به‌اصول مطابقت یا قیاس مطالب را مرتب سازد ـ قبلاً ما میدانیم که درمصر ویونان و بعد درروم ودردولت اشکانی‌که پیرو رویهٔ هخامنشیها بود گمرك وجود داشته و از مال التجارهٔ وارده حقوقی میگرفته اند ـ در بنادر یونان و روم صدی دو از قیمت مال اخذ میشده‌است ـ اینرا هم

(۱) اوتان یکی از هفت تن نجبائی‌است که شورای تعیین طرز سلطنت را تشکیل و عاقبت داریوش بزرگ را به پادشاهی برداشتند ـ اوتان در آن انجمن طرفدار حکومت دموکراسي بود .

اطلاع داریم که امر ایاب و ذهاب قوافل و کاروانها در شهنشاهی هخامنشی تحت مراقبت وتفتیش مأمورین مخصوص قرار داشته[۱] و حتی اشخاصی که بهمراهی مردمان بزرگ و مشهور سفر میکردند اگر جواز یا معرفی نامه همراه نمیداشتند مظنون و تحت توقیف در می‌آمدند و از اشارهٔ پلوتارك چنین بر می‌آید که زنها اگر همراه مرد بودند از تفتیش معاف میماندند[۲] علاوه بر اینها میدانیم که بعضی امتعه مانند ارغوان (Pourpre) تحت انحصار و مخصوص دولت بوده[۳] ولهذا نظارت و تفتیش در متاع انحصاری ، تفتیش مال‌التجاره وارد و صادر را الزام میکرده‌است و نیز این را هم نیکو واقفیم که فروش غلامان و کنیزان در بازارهای برده فروشی بایستی بوسیلهٔ تعرفه نامهای مخصوص صورت پذیرد و آن تعرفه ها هویت فروشنده و زرخریدرا روشن میداشت تا غلام دیگری نگریخته یا یك شخص زرخریدرا به دوجا نفروشند و یا بی‌سببی یکی دیگری را غلام خود نخواند و غیره ـ بنا بر دلایل فوق باید تصدیق نمود که در بنادر شاهنشاهی ورود و خروج مردم و مال‌التجارهٔ وارد و صادر تفتیش و وارسی میشده و چون در مصر گمرك موجود بوده و آن مملکت یکی از ایالات ایران گشت و نیز ادارهٔ شاهنشاهی ایران نظامات آشور و کلده ومصررا هرچه نیکو یافته بود گرفته بود و هم آنکه در دولت اشکانی که تابع نظامات ادارهٔ هخامنشی بود گمرك معمول بوده پس اینطور نتیجه میگیریم که نباید فرض کرد که در دولت هخامنشی گمرك نبوده‌است

تجارت یونان وجزایر ـ در عهد هخامنشی یونانی ها درایران تجارت مهمی نداشتند و روابط آنها با باختر و سند بعد از اسکندر

---

(۱) پلوتارك در احوال تمستوکلس و هرودوت

(۲) ایضاً پلوتارك (۳) هرودوت

ایجاد شد آمد و رفت یونانی ها بیشتر با سواحل دریای سیاه و دریای مغرب بود در آنزمان تجار بزرگ ، فینیقی های اتباع ایران بودند و یونانیان تبعهٔ ایران در درجه دوم قرار داشتند اما یونانی های آتن و اسپارت در مرحلهٔ تجارت و کسب ثروت خیلی عقب تر بودند فینیقی های اتباع ایران برای حمل و نقل مال‌التجاره به جزایر یونانی پیوسته دوچار مشکلات میشدند زیرا جزایر و شهرهای یونانی اکثر خود را مستقل شمرده با همدیگر در جنگ و جدال می زیستند و گاه و بیگاه بهانه جوئی نموده جهازات تجارتی را غارت میکردند و هیچیك از دیگری حساب نمیبرد ــ این قضایا وظایف شهرپاد (ساتراپ) های ایرانی را که متعهد حفظ حقوق اتباع شاهنشاهی بودند سنگین میساخت ــ بنا براین اوضاع بود که از عهد داریوش تا زمان اردشیر دوم جهازات اتباع ایران در بحر یونان ایاب و ذهاب بسیار نداشتند و البته عناد فینیقی ها با یونانی ها هم بر احتراز و احتیاط ها می افزود ولی از عهد اردشیر که نفوذ دولت شاهنشاهی درسرتاسر یونانستان استوار گشت مرابطات روز افزون گشت وهمانطوریکه خاصیت صلح‌وسلم است تجارت توسعهٔ بزرگی یافت ــ مال‌التجارهٔ یونانی که به‌شرق میرسید عبارت بود از مرجان و عنبر وقلع و آلات برونزی و سربی وغیره

باب دوم ـ فصل اول

« آغاز شهنشاهی اشکانی سال ۲۵۶
قبل از میلاد و سقوطش ۲۲۴ میلادی »

تجارت یونانیها در آسیا ـ تجارت فینیقی ها ـ تجارت یهود ـ حالت شهرهای تجارتی و مهاجرین

تجارت یونانیها در آسیا ـ چنانچه در تواریخ عموماً تصریح شده بعد از غلبهٔ اسکندر بر آسیای وسطی آبادی و وفور نعمت و حاصلخیزی بعضی نواحی ایران توجه ملل یونان را جلب کرد بطوریکه دسته های متعددی از آن مردم کوچیده در بلاد بین النهرین که ایرانیان سورستان مینامند[1] و در برخی نقاط عراق عجم و خصوصاً در خراسان و باختر اقامت گزیدند به تصدیق استاد راولنسن انگلیسی و روایت آمین مورخ وایزیدور شاراکسی که خود از یونانیان ساکن ایران بوده عدهٔ ولایات یونانی‌نشین در بین‌النهرین به سی و پنج شهر میرسیده است چون سلطنت خلفای اسکندر از یونان و مقدونیه تا مصر و آسیای صغیر و ایران و باختر و سند امتداد داشت و اکثر آنها که هرکدام دریك ناحیه کوس استقلال کوفتند یونانی یا مقدونی نژاد بودند و زمام مهام ملك را به هم نژادان خود میسپردند طبعاً زبان و ادبیات و صنایع و تجارت یونانی ها رونقی گرفته رواج یافت و حتی مدتی درباریان ایران به آن سخن میراندند و از آنجا که کار آمد ورفت مابین مشرق و مغرب برای یونانی ها سهل‌تر بود زیرا حکومت های یونانی بلاد عرض راه خاطر هم نژادان خود را پاس* داری

(۱) در طبری و در متون پهلوی سورستان ـ وآسورستان هردو ضبط شده

وموقع آنان را مراعات مینمودند رشتهٔ تجارت بدست یونانی ها افتاد بلاد یونانی نشین آسیا در سوریه و سورستان و مادی و خراسان مرکز تجارت و داد و ستد گردید ـ هر چند لیاقت یونانی ها در تجارت به مقام فینیقیها نرسیده معهذا در مدتی کمتر از دو قرن کاروانهای تجارتی یونان اهمیتی داشت

تجارت فینیقی ها ـ مقام تجارتی فینیقی ها بعد از تسلط اسکندر روبزوال نهاد زیرا کینهٔ دیرینهٔ یونانی ها با مردم فینیقیه چیزی نبود که قابل جبران باشد چنانچه می بینیم بعد از غلبهٔ اسکندر بر بلاد صیدا و صیدون و صور و غیره بطوری مردم آنجا مضمحل و بیچاره شدند که دیگر در طول تاریخ از آنها نام و نشانی ظاهر نگشت و هرقدر از مردم فینیقیه که از قتل عام های سربازان یونانی جان بدر بردند در تحت مظالم اداره و حکومت پر اغتشاش و هرج و مرج آنها مانده با فشار و جور و ستم و نخوت یونانی ها نابود گردیدند . قوای دریائی فینیقی ها به تصرف یونانیان در آمد و تجارت بحری ایشان چون بدون پشتی بان ماند از میان رفت و آثار اقتدار فینیقی ها فقط در قرطاجنه باز برجا ماند و نژاد هوشمند و توانای فینیقی در آن ساحل دور دست باز مدتها با اروپائیان رقابت و همسری مینمود و ارکان جمهوری پر اقتدار روم را که جانشین مقدونی ها گشت سالها باحضور خود مرتعش میداشت امابهرحال ، مملکت مادری فینیقی ها از عهد اسکندر به بعد برای آن ملت تجارت پیشه جای امنی نبود و مردم آن سرزمین تدریجاً از مقام بلند خود در عالم سوداگری فرو افتادند .

تجارت یهود ـ بعداز غلبهٔ اسکندر و دورهٔ خلفای وی پریشانی یهود

باز شدت گرفت و این ملت از فلسطین تدریجاً مهاجرت کرده به حدود بین‌النهرین وسایر بلاد ایران که تحت سلطنت اشکانیان در آمده‌بود رحل اقامت افکندند - اغتشاشات متوالی شام درعهد سلوکید ها وبعداز آن مظالم بی‌حدر و میان اکثر مردم‌شامات و فلسطین وآسیای صغیرر اپریشان و متواری گردانید و چنانچه درجای خود خواهیم‌خواند این قبیل مهاجرها درخاك ایران روی آسایش و رفاه میدیدند و دولت شاهنشاهی اشکانی آنان را با شرایط معینی پذیرفته آزادی می بخشید که مطابق آداب‌مذهبی و قوانین خود زندگی کنند . یهودانی که به بین‌النهرین آمدند در نواحی نصیبین چندین شهر یهودی نشین ایجاد کردند و شهر (نه‌آردا) یکی از مراکز یهود گردید[۱] یهودیها در تجارت تا حدی مقلد فینیقی ها بودند و غالباً بطوریکه امروز نیز دیده میشود به کار سوداگری میپرداختند - طبیعی است که مابین یهودیان تجارت‌پیشه‌بایونانیان بین‌النهرین که آنهانیز سوداگر بودند رقابت دائمی بر قرار و این رقابت ها گاهی بجنگ منجر میشد چنانچه در عهد اشکانیان مابین ولایات یونانی نشین و یهودی نشین در بین النهرین جنگی بزرگ در پیوست و قریب پنجاه هزار یهودی در آن میان نابود گشت[۲]

شهرهای تجارتی مهاجرین - از جملهٔ شهرهای معروف ومعظم یونانی ها در بین النهرین یکی ولایت سلوکیه است که بنا بر روایت آمین بالغ بر سیصد هزار جمعیت داشته است . و نیز شهرهای هراکلی و آپامه نزدیك ری در آبادی مشهوربود - تا زمانیکه حکومت سلوکیدها درایران دوام داشت ولایات یونانی نشین مستقیماً تحت نظام دربار اداره میشد

---

(۱) ایزیدور وراولنس (۲) ایضاً همان اسناد وراولنس

اما پس از استقرار شاهنشاهی اشکانیان به شهر های یونانی نشین یکنوع استقلال داخلی اعطا گشت زیرا اشکانی ها با سایر بلاد ایران معاهده ای داشتند که بر طبق آن اهالی ولایات در امور داخلی ولایت زیر حکومت پادشاه خویش آزاد بودند و سالانه مبلغی به دولت شاهنشاهی باج میپرداختند و هنگام حدوث جنگ خارجی لشکری به اردوی مرکزی میفرستادند بعلاوه سیاست خارجی تمام مملکت منحصراً با دولت شاهنشاهی بود شهر های یونانی نشین نیز همچنان بود و زیر نظر اهالی بلد اداره میشد از جمله ولایت سلوکیه که از حیث تجارت و آبادانی برتر از شهر های یونانی نشین بود بنا برروایت استرابن تحت نظر انجمنی قرارداشت مرکب از سیصد نفر که از میان متمولین و تجار برای مدت معینی انتخاب میشدند و این انجمن علاوه بر وصول و تنظیم مالیات و تأدیه خراج و حفظ آبادی و انتظامات شهر گاهگاه بطوریکه از گفته پلوتارك مستفاد میشود با حکومت های یونانی یا رومی روابط محرمانه ایجاد و بر علیه دولت شاهنشاهی اشکانی باخارجه سازش میکرد. شهر های یهودی نشین بین النهرین مانند نه آرداو نصیبین نیز مانند سایر ولایات در ادارهٔ داخلی آزاد بودند و بطوریکه پلین طبیعی دان روایت کرده هنگام جنك به اردوی شاهنشاهی کمك مالی و لشگری میدادند .

فصل دوم

سیاست اقتصادی اشکانیان ـ سلیقهٔ صنعتی ـ آداب تجارتی و آزادی تجارت ـ عوارض تجارتی ـ واردات ایران ـ سکهٔ اشکانیان

سیاست اقتصادی اشکانیان ـ سیاست اقتصادی شاهنشاهی اشکانی در ابتدای کار چندان روشن نیست ـ ما میدانیم که این طایفه در اوایل سلطنت خود نسبت به صنعت و تجارت چندان اعتنائی نداشته اند زیرا اشکانیان درحدود شرقی و خیلی دورتر از مرکز شاهنشاهی میزیسته در جملهٔ طوایف نیمه متمدن ایران محسوب میشده اند و بنا بر این پس از صعود به رتبهٔ شهریاری از آداب و آئین جهانداری بجز جنگیدن و فتح کردن به چیز دیگری توجه نداشته اند اما بعد ها این وضع تغییر کرد و از دورهٔ اشك ششم که مهرداد اول باشد رسوم جهانداری را نیز به جهانگیری پیوسته اند و ما آثار و مدارك عدیده بدست داریم که دولت اشکانی یك سیاست مثبت و روشنی را در کار اقتصاد و تجارت پیروی میکرده است ـ ازجمله میدانیم که درحدود مملکت اشکانیان دفاتر منظم گمرکی موجود بوده و مخصوصاً از امتعه ومحصولات داخلی که صادر میشده عوارض و حقوق گمرکی نمیگرفته اند چنانچه در جای خود خواهیم خواند ـ ونیز شهادت محققین مغرب مانند پلوتارك و استرابن و اشارات ادبای رومی این نکته را تسلیم میدارد که تجار تبعهٔ اشکانیان با ممالك روم تجارت وسیعی داشته اند و ثبوت همین نکته میرساند که دولت اشکانی نسبت به عالم تجارت و تجار یك رویهٔ تشویق آمیز و حمایت کارانه‌ای را تعقیب

مینموده زیرا در کشوری که حکومت پشتی بان تجارت نباشد و تجار را حمایت ننماید هرگز این صنف بر پای خود نمانده ، به آمدورفت وحمل ونقل مال‌التجاره خصوصاً دادوستد با ممالك بیگانه جرئت نیافته بتوسعهٔ معاملات خود اقبال نمیکنند ـ شاهد دیگری که علاقهٔ دولت اشکانی را به تجارت آشکار میدارد مکتوب کاراکالوس امپراتور روم است که برای خواستگاری دختر اردوان پنجم شاهنشاه اشکانی در ضمن مواعیدی که داده ومحسناتیکه مطابق‌مذاق شاهنشاه میشمارد مینویسد : (. . . پس از انجام این امر دیگر امتعه و اقمشه و ادویهٔ خاك اشکانی را ناگزیر نخواهند بود که پنهانی بخاك روم وارد کنند یا فلزات رومی را بطور گریزی (قاچاق) به آنجا صادر کنند تجارت آزادانه فیمابین صورت خواهد گرفت . . .) [۱] از این جمله چنین بر می آید که دولت اشکانی خواستار توسعهٔ تجارت بوده و اگر برای ادامهٔ روابط تجارتی مانع تراشی میشده از جانب روم بوده است ـ برهان دیگر این مطلب اضافهٔ صادرات ایران است بروم چنانچه شرح منافعی که از این طریق و از بابت گمرك واردات عاید ایران میشده در جای خود خواهد آمد .

سلیقهٔ صنعتی ـ چنانچه درکارنامه اردشیر پاپکان تصریح شده‌اسکندر و خلفای یونانی وی تمام قوهٔ خود را صرف نابودی و امحاء تمدن ایران کردند ـ بروایت مورخین بزرگ و موثق مشرق جمیع علما و مورخین و اهل ادب وصنعت را هرجا بدست‌آوردند کشتند وکتب قوانین وکتب مذهبی‌را سوزانیده یا بدریا ریختند وهرچه از کتابهای علمی در فلسفه ، طب و کیمیا و نجوم و فلاحت یافتند به اسکندریه و یونان انتقال

---

(۱) راولنسن

دادند [۱] و ایران را از آثار مدنیت و دانش باستانی خود تهی ساخته برای قبول تفوق و تسلط یونان مستعد گردانیدند ـ از جملهٔ مورخین مغرب که غالباً به علت تعصب ذاتی خواسته اند اعمال زشت اسکندر را خلاصه ومجمل نمایند یکی پلوتارك است که معهذا ناگزیر شده مینویسد : (اسکندر در پارس همهٔ مرد ها را قتل عام کرد) ـ و نیز همین مورخ در شرح احوال سلوکوس نیکاتور تصریح مینماید که کتابهائی را که در ایران یافت به یونان فرستاد . بالجمله پس از اسکندر خلفای سلوکیدی وی رویهٔ او راخیلی سخت تر پیروی نمودند وایرانیها که از سران و سرداران علمی و هنرمندان ملی خود محروم شدند زیر فشار حکام یونانی تامدتی به‌قبول آداب و رسوم یونانی مجبورماندند و سلیقهٔ ملی خود را از کف نهادند ـ پس باید دانست که ازعهدسلطنت سلوکید ها تا اواخرشاهنشاهی‌اشکانیان ملت ایران از خود یك سلیقه وروش مخصوصی درصنایع نداشت که برای مورخ‌ایرانی قابل تذکار باشد و شاید همین مسئله یکی از اسبابی‌است که مورخین ملی‌ایران رانسبت به این دوره به سکوت وادار و حوادث مهم عهد اشکانی را به اجمال و اختصار برگذارده وگذشته اند و البته رقابت عمدهٔ ساسانیان نسبت به اشکانی ها نیز علت دیگر مجهول ماندن جزئیات حیات ملی ایران اشکانی است .

آداب تجارتی وحدود آزادی تجارت ـ درعهد اشکانیان تجارت برمبنای مبادلات جنسی و خرید و فروش هر دو گونه بود و چون پول ومسکوکات درهمه‌جا فزونی داشت نرخ اجناس با مسکوك معین میشد ـ دراین عصر شواهدی داریم که صاحبان اموال متاع خودرا توسط شرکای

---

(۲) حمزهٔ اصفهانی در کبارالامم

خود به ممالك یا ولایات دیگر میفرستاده اند و یا به غلامان امین خود میسپرده‌اند و درهرکاروانی یکنفر قافله سالار یا (کاروان پاد) بوده‌است که غالباً همهٔ تجار و صاحبان اموال باو اعتماد داشته اند و ظن غالب آنست که قافله سالار یا میرکاروان را باستصواب تجار، حکمران ولایتی که کاروان از آنجا صادر میشده معین میکرده است و این قاعده در عهد ساسانیان و پس از آن تا قرنها بعد از اسلام ادامه یافته است ـ در اکثر شهرها خصوصاً در بلاد سورستان و بنادر بازارها و میدانهائی برای معاملات موجود بوده است. بعلاوه در هر ولایت قصبه یا ده و یا محلهٔ معینی را سوداگران مرکز اجتماعات خود در یکی از ایام هفته قرار میداده اند مثل دو شنبه بازار ـ چهارشنبه بازار ـ آدینه بازار ـ و غیره ـ و ازاینجا میتوان استنباط کرد که هنوز بازارهای سرپوشیده که محل دائمی تجار و جای نمایش امتعهٔ ایشان باشد ایجاد نشده بوده ـ کاروانها درتیم ها وکاروانسرا فرود میآمده‌اند و امتعهٔ خودرا به بازارهای هفتگی برده نمایش میداده اند ولی بطوریکه در تاریخ کلده می بینیم بازار برده فروشان در شهرها یك مرکز ثابت و معینی داشته که کنیزان و غلامان را فقط در آنجا به معرض بیع ومزایده میگذارده‌اند وعلتش‌هم آن بوده که در موقع بیع بردگان میبایستی مأمورین دولتی حضور داشته باشند و کم وکیف معامله و علائم و امارات و اسناد مثبتهٔ بردگی غلام یا کنیز را معاینه و ثبت کرده تصدیقی تازه به مالك جدید بدهند و به عبارت دیگر بازار برده فروشان در اطراف ادارهٔ تفتیش دولتی تشکیل میشده‌است. در داخلهٔ مملکت اشکانیان تجارت آزاد بوده ودلایلی در دست هست که دولت اشکانی نسبت به تجارت‌صادرات نظر مساعد داشته تسهیلات

عمده برای آن فراهم میساخته چنانچه خواهیم خواند ـ درعهد اشکانیان علاوه بر بازارهای هفتگی، بازار های سنوی و مکاره ها نیز تشکیل میشده و ما شرح آنرا درباب ساسانیان خواهیم یافت .

مالیاتها و عوارض تجارتی ـ از وضع مالیاتها و عوارض تجارتی درداخلهٔ مملکت اشکانی اطلاع درستی نداریم اما میدانیم که درسرحدات کشور دفاتر گمرکی برقرار بوده‌است ـ دوائر گمرکی زمان اشکانیان منظم بوده و امتعه و اجناس را در دفاتر ثبت میکرده اند اما حقوق گمرکی از مال‌التجارهٔ وارده اخذ میشده[1] وصادرات از ادای عوارض معاف بوده‌است حقوق گمرکی از امتعهٔ وارد نیز به صورت واحد گرفته نمیشده بر بعضی امتعه حقوق گزافی تعلق میگرفته و بر برخی کمتر و رویهم رفته امر گمرك در آن عهد تحت قانون و قاعدهٔ مظبوطی قرار داشته است .

صادرات ایران ـ از جملهٔ قماش هائی که از ایران بروم صادر میشده قالی و قالیچهٔ ایران است . پارچهٔ ابریشمی نیز متاع مخصوص ایران بوده و در ممالك روم و افریقای شمالی به بهای گزافی فروش میرفته است . چنانچه درباب اول این کتاب توضیح دادیم کلافهٔ ابریشم را ایرانیان از چین می آورده اند و سایر ملل از ایران میبرده اند ـ انواع پارچه‌های پشمی و شال های بافت ایران به ممالك مغرب صادر میشده ـ از ادویهٔ محصول ایران آنچه را که سند داریم دو دوا است یکی (مقل‌ازرق)دوم علف اذخر (کورگیاه) که درسرتاسر ممالك روم یعنی اروپای آنعهد بعلاوهٔ آسیای صغیر وشامات ومصر وافریقای شمالی مقدارکثیری بفروش میرسید[2] و نفت و قیر از خوزستان به مصر میبرده اند زیرا درمومیائی اموات بکار میرفته است[3]

---

(۱) راولنسن (۲) ایضاً (۳) پلوتارك

علاوه براینها ادویه و محصولات هند و جزایر اقیانوس نیز بایستی از طریق ایران به مغرب نقل شود.

واردات ایران ـ امتعه و اجناسی که از ممالك و متصرفات روم به ایران وارد میکرده اند انواع قماش های پشمی و کتانی و دیبا و ارغوان (که چون در سواحل فینیقیه تهیه میشد و آنعهد فینیقیه از متصرفات روم بود ارغوان هم جزء امتعهٔ روم محسوب میشد) و فلزات مختلف و آلات فلزی ـ و از مصر پاپیروس را برای کتابت می آوردند ولی بعد مقوا (Parchemin) را اهالی ایالت پرگام در آسیای صغیر اختراع کردند وجای پاپیروس را گرفت زیرا برای کتابت مناسب تر و دوامش بیشتر است و انواع محصولات از سوریه و یونان و آسیای صغیر و متصرفات دیگر روم بنام امتعهٔ رومی وارد ایران میگردید.

سکهٔ اشکانیان ـ دولت روم برای اثبات تفوق و برتری خود نسبت به‌دول عالم ضرب سکهٔ طلارا بخود اختصاص داده وباجمیع دولی‌که داخل روابط مستقیم میگشت عهدنامه‌ای امضا میکرد که یکی از مواد آن این بود که سکهٔ طلای روم را پذیرفته و خود سکهٔ زر نزنند ـ شاهنشاهی اشکانی در عین آنکه بنا بر اعتراف خود رومی‌ها رقیب همسر و برابر روم بود[۱] از قبول پیشنهاد آن دولت در اینخصوص ناگزیر شد زیرا مجلس سنای روم به عموم تجار اتباع خود غدغن اکید کرده بود که سکهٔ طلای هیچ دولتی را نپذیرند و با اتباع دولتی که سکهٔ زر داشته باشد معامله نکنند ـ طبیعی است که منع داد وستد ایرانی ها با رومیان خسارت و زیان بسیاری برای دولت اشکانی فراهم میساخت زیرا مشتریهای متاع ایران اکثر اتباع

(۱) تاسیتوس در سالنامها

روم بودند و درحقیقت امتعهٔ نیمهٔ غربی دنیا از آن روم و امتعهٔ نیمهٔ شرقی دنیا ازآن ایران محسوب میشد ودر آنعهد محصولات چین وهند وعربستان و آسیای وسطی بوسیلهٔ تجار ایرانی به ممالك مغربی انتقال می یافت و هر سال مبالغ هنگفتی طلای روم درازای امتعهٔ مشرق به جیب ایرانیان میریخت چنانچه درباب آینده خواهیم خواند وطبعاً قطع معاملات طرفین عواقب وخیمی برای ملت ایران داشت ونیزچون دولت اشکانی از واردات حقوق گمرکی میگرفت هرگاه بنا میشد اتباع روم سکهٔ ایران را نپذیرند و متاع خود را نفروشند عایدات گمرکی دولت از میان میرفت پس ازلحاظ حفظ منافع ملت و عواید دولت اشکانی ها به ضرب سکهٔ طلا نپرداختند و مسکوکات آنها فقط نقره بود .

سکهٔ نقرهٔ اشکانیان یکی درهم است که ٦٧ گندم ونیم وزن داشته و نوع دیگرآن چهار درهمی است که ٧٦ نخودونیم یا ٢٧٠ گندم وزن نقرهٔ آن بوده است انواع سکه های مسی‌از اشکانیان بدست آمده که‌ازجمله یکنوع آن یازده گندمی است[١] باید متذکر این نکته باشیم که وضع سکهٔ اشکانیان کاملا مشابه سکه های یونان بوده از حیث وزن و مقدار فرق بزرگی با آنها نداشته است سکه های نقرهٔ اشکانیان نسبت به مسکوکات هخامنشی پرعیارتراست و شاید نزدیك یك ثلث آن عیار و دو ثلثش نقره بوده است

(١) راولنسن و هوارد

فصل سوم

تفتیش داخلی و انتظامات - بیگانگان در ایران - راهها و وسایل حمل و نقل - روابط ایران و چین

تفتیش داخلی و انتظامات - در سلطنت اشکانیان چون حریف پرزور و حیله‌گری مانند روم با ایران سروکار داشته دولت به انتظامات داخلی و تفتیش احوال و جریانات مراقبت میکرده است مطابق قوانینی که مهرداد کبیر برای احفادش نوشته بود دولت میبایستی از ایاب وذهاب اجانب بداخلهٔ مملکت ، از سلوك پادشاهان خراج گذار و روابط ایشان با خارجه ، از علل وجهات اصلی اغتشاشات و نارضائی های داخله وغیره نیکو واقف گردد - یك رسم مشهوری که در عهد اشکانیان معمول بوده اینست که اشخاص تازه وارد دم دروازهٔ هرشهری به معرفی خود مجبور بودند و اسم و رسم آنها را دروازه بانان ثبت کرده نقشی از قیافهٔ آنان میکشیدند[1]

بیگانگان در ایران - از لحاظ اقتصاد این مطلب شایان دقت است که در سلطنت اشکانیان ملل مختلفهٔ یونانی، یهودی، فینیقی و سایراقوام از شامات و آسیای صغیر زندگی در ایران را برسایر نقاط ترجیح میدادند و علت آن بطوریکه از بیانات مورخین قدیم استنباط میشود ظلم وتعدی بیحساب حکام وعمال جمهوری روم بوده است[2] رومی ها درمتصرفات خود هیچ حد و سدی قائل نشده پایهٔ طمع را بجائی مینهادند که برای بشر

(۱) راولنسن (۲) پلوتارك و ژیبون

فی الواقع تحمل پذیر نبود ـ مالیاتها و باج های هنگفت بر اهالی بار می کردند و در نهایت سختی وستم چندین برابر همان مالیات هنگفت از اهالی میطلبیدند و چون اهل یك شهر ازهستی ساقط میشدند اهل وعیال واولاد مردم را عمال روم عوض بدهی آنها به غلامی و کنیزی میبردند چنانچه این وضع ناهنجار گاه گاه در مجلس سنا عکس انداز میگشت وچندین خطبهٔ مشهور سیسرون درهمین موضوع است . اما در دولت اشکانی ملل مختلفه بطوریکه قبلاً اشاره نمودیم در کارهای داخلی خود مختار وآزاد میزیستند و حکومت شاهنشاهی همینکه آنها خراج سنواتی خود را میپرداختند وهنگام حدوث جنك خارجی تکلیف تابعیت خویش را ادا میکردند ، فشار و مزاحمتی بر آنان نداشت ـ هرچند گاهی اهالی بلاد یونانی بین النهرین بنا بر تعصب نژادی و اروپائی گری نسبت به اشکانیان بیوفائی نموده مخفیانه برعله دولت متبوع خود با رومیها سازش میکردند اماهیچ بار ازاین تشبثات خیری نبرده بزودی پشیمان گردیده ضرب المثل برادرخواندگی بره و گرك را عیاناً میدیدند .

راهها و وسایل حمل و نقل ـ راه ها و وسایل حمل و نقل در این دوره نیز بقرار عهد هخامنشی است فقط یك معبر تازه و قابل تذکر این دوره راه رودخانه ایست که سند و هند را بیونان می پیوندد بقرار ذیل : ـ از رود سند کشتی های حامل مال التجاره بالا آمده وارد کابل رود میشدند از مجرائی که امروزه به جلال آباد موسوم است کشتیها رو به شمال رفته پنجشیر (پنج شهر) را طی کرده درحدود ایالت باختر مال التجاره به خشکی نقل و به بلخ حمل میشد ـ در آن عهد شهر بلخ مرکزعظیم وتجارتخانه بزرگ مشرق بود ـ از بلخ مال التجاره باز بوسیله

کشتی دررودجیحون (آمودریا) سرازیرشده به بحرخزر میرسید (رودجیحون آنزمان به بحر خزر میریخت و چند بار در طول تاریخ مجرای آن تبدیل یافته و دفعهٔ اخیر بوسیلهٔ مغول وآخرین بار بتوسط خوانین خیوه مجرای جیحون از دریای خزر به دریاچه اورال برگشته است) کشتیها بعداز ورود بدریای خزر عرض آنرا پیموده وارد ارس وازآنجا بمجرای رودکر بالا رفته درنزدیکی بندر فاز (دردریای سیاه) مال التجاره را به خشکی انتقال و بساحل دریای سیاه میبردند. بقرار نوشتهٔ استرابن از اینراه محصولات هند یکماهه به دریای سیاه میرسید و به ممالک یونان و روم میرفت — در موقعی که سیلاسردار رومی بحدود ایران آمد یکی از تقاضاهای وی و پمپه سردار دیگر روم این بود که دولت شاهنشاهی عبور ومرور تجار رومی را ازمعبر مزبور بجانب هند مجاز سازند امااین تقاضاها پذیرفته نشد زیرا سیاست دولت ایران دائماً برآن بود که تجارت مشرق ومغرب منحصراً درکف ایرانیان باقی بماند

روابط ایران و چین — چنانچه درباب سوم این کتاب خواهدآمد درعهد اشکانیان دولت شاهنشاهی ایران باچین همسایه گشت زیرا سلطنت آسمانی در قرن اخیر قبل از میلاد موفق شد که حکومت خودرا تقویت بخشد وقوای مکفی برای تأدیب طوایف وعشایری که دائماً از سمت شمال وشمال غرب مزاحم چین میشدند اعزام داشت سپاه چین تاحدود ایران پیش آمد وعشایروحشی را یا منقاد گردانیدو یااز پیش راند واین جنبش چین باعث یکی از بزرگترین مهاجرتهای طوایف از شرق بغرب گردید وحوادث عظیمی در تاریخ دنیا پدیدآورد. بروایت سالنامهای چینی دراین عهدچندین سفارت بین ممالک ایران و هندوچین وروم مبادله گردیده ودولت چین خیلی اصرار داشته بتواند با روم رابطه مستقیم ایجاد وابریشم خودرا مستقیماً

بروم بفروشد وآرزوی روم نیز همین بوده اما تدابیر دولت ایران تشبثات آنهارا عقیم گذارده است [۱]

روابط روم و باختر ـ دولت باختر در ابتدای سلطنت اشکانیان تحت سلطنت یك خانوادهٔ یونانی استقلال یافت و حتی درهرات و سند نیز دو خانوادهٔ دیگر یونانی حکومت یافتند اما بعدها طوایف سکائی از جیحون گذشته یونانی های باختر را نابود و خود تشکیل حکومتی دادند که تابع ایران گشت معهذا دولت روم پیوسته میکوشید با حکومت سکائی باختر روابط مستقیم داشته باشد و باختریها را بر علیه ایران برانگیزاند ــ مسلماً یکی از علل علاقمندی روم به راه خزر و جیحون نزدیکی با باختر بوده و با آنکه سفارتی از باختر بروم اعزام شد دولت روم نتوانست به آرزوی خود نایل شود

---

(۱) مسیو رنو در تاریخ روابط سیاسی و تجاری روم وشرق ـ وابل رموزه فرانسوی

باب سوم

تجارت ایران در عهد ساسانیان

فصل اول

حالت عمومی دنیا ـ نهضت های اقتصادی ملل ـ ایران وملل عظیمه

حالت عمومی دنیا ـ تاریخ ما اینك وارد عهدی میشود که معلومات بشری نسبت به قرنهای گذشته ترقیات بسیاری کرده در محیط دنیای قدیم روابط ملل بایکدیگر توسعهٔ عظیمی گرفته اطلاعات جغرافیائی روزافزون شده است .

رومی‌ها تا آغاز قرن میلاد و مدتی بعد ازآن گمان داشتند که کشور پهناور چین در شمال هند واقع است و درهٔ گنگ در هند آخر حدود خشگی ومجاور اقیانوس محیط مشرق است چنانچه کشور سیاحان افریقا را ازسمت جنوب با هند متصل پنداشته اقیانوس هند را مانند دریاچه‌ای تصور میکردند که از شمال بهند و ایران و عربستان، از مغرب افریقا و از جنوب ومشرق به‌خاکهای مجهولی محدود میشود که افریقا را به‌هند وصل میسازد[۱] و نیز رومی ها ابریشم را کرکی می پنداشتند که برصفحه برك درختی در چین میروید[۲] لیکن این شبهات تدریجاً مرتفع گردیده آشنائی بحال ممالك و ملل هر روز افزون تر میگشت چنانچه (سنك لوتراژیك Sénèque le Tragique) دانشمند رومی قرن اول میلاد

(۱) مسیو رنو در کتاب روابط روم و شرق صفحه ۴۷
(۲) ایضاً صفحه ۲۳۸ وابل رموزه فرانسوی

در بارهٔ ترقیات عصر خود با اعجاب مینویسد : (امروز در یاها مقهور آدمی زاده شده اند دیگر به کشتی هائی که ساخت مینرو باشد (خدای یونانی ــ اشاره به اساطیر یونان) ویك شهر یار یونانی آنرا ناخدائی کند احتیاجی نمانده قایق های عادی از روی گردابها بسهولت میروند ومیآیند حدود ممالك تغییر یافته در ماوراء بحار شهرها آبادان‌شده در عرصهٔ جهان که جسارت آدمی آنرا می نوردد هیچ چیز برجائی که داشت باقی نیست هندی بر صفحهٔ یخهای ارس گردش میکند و ایرانی آب رود های رن والپ را می آشامد ـ چند قرنی نخواهد گذشت که اقیانوس سد سدیدش را از میان بر دارد و دنیاهای تازه تری کشف گشته زمین های‌نو ینی زیر پای آدم طی شوند)

عبارت مذکور فوق فرط ترقی و توسعه‌ای را نشان میدهد که در روابط تجاری و بین‌المللی آنزمان حاصل شده بوده است وما تصور میکنیم برای توضیح مطلب لازم است شمه‌ای از جنبش‌های ملل مختلفه درقرن هائی که قدری پیش از عهد ساسانیان میگذشت تا طلوع این سلسله ، بنگاریم که تفاوت و ترقی زمان شهنشاهی ایشان از هر جهت بهتر نمودار گردد .

نهضت های اقتصادی ملل ـ در قرن اول میلاد دولت چین را می بینیم که توجه مخصوصی بجانب مغرب معطوف داشته سردار های چینی که تا حدود ترکستان ایران را باجگذار دولت خود ساختند راه آمدو رفت منظم گشت[۱] تجارت ابریشم را که یگانه قلم مهم صادرات چین بود حکومت خاقانی بدست خودگرفته[۲] باین مسئله اهمیت سیاسی میداد

(۱) سالنامهای چینی به نقل ابل رموزه و مسیو رنو صفحه ۷۲
(۲) ایضاً و کوابروك

و سفرای آندولت برای تنظیم معاملهٔ ابریشم که سیل طلارا بداخلهٔ چین جاری میساخت در دربارهای هند و ایران بگفتگو میپرداختند[۱] مملکت ختن نیز در پرورش نوغان کوشیده ابریشم خودرا از راه خشکی وازطریق اقیانوس هند به مغرب میفرستاد[۲]

دولت های مختلفهٔ هند وحکومتهای سرانديب و مالبار برای استقرار روابط تجارتی خود با اروپا و افریقا که دولت روم سر پرست آن کشورها بود جنبیده سفرای دول مذکوره هدایا و عجایب ممالك خود را به ایتالیا برده پیلهای دمنده و افعی های گزندهٔ آن سرزمین درباریان امپراطوری روم را به حیرت می افکند - مقصود اصلی این سفارتها آن بود که روم با شرق روابط مستقیم بحری داشته باشد و وعده میدادند که بنادر هندبرای پذیرائی جهازات تجارتی آن مملکت همیشه حاضر بوده درحدود قوانین محلی هرگونه مساعدت نسبت به آنها مبذول خواهد شد[۳] دولت حبش نیز به تزیید قوای دریائی خود همت گماشته تدریجاً در ردیف دول قویهٔ بحری‌قرار گرفته بنادر حبشه در نتیجهٔ کوشش بحریهٔ تجارتی‌خویش وقتی بازار امتعهٔ شرق و غرب محسوب میشد[٤]

حکومت های عربی درجنوب عربستان مانند یمن دروازهٔ تجارت مشرق و مغرب را بدست گرفته بنادر عربی در بحر احمر و عمان بسبب تجارت وسیع خود با روم و هند از جملهٔ بلاد ثروتمند نامیده میشدند[٥] و دولت روم کبری مدتها نقشهٔ تصرف آن سرزمین را میکشید تا راه شرق را از دریا بکف آورده باشد. مخصوصاً اوگوست امپراطور میل مفرطی داشت که بیرقهای روم در تجارتگاههای پرثروت سواحل غربی و جنوبی

---

(۱) ایضاً (۲) ایضاً رنو (۳) مسیو رنو صفحه ۱۱۳
(٤) ایضاً صفحه ۲٦۲ و ۱٦۷ (٥) استرابو و ژیبون و مسیو رنو

عربستان افراشته گردد[1] ولی بعداز اعزام سپاه بمشکلات هجوم عربستان منتقل شد ـ مملکت مصر مقام خودرا در تجارت حائز بود و شهر اسکندریه نه فقط دارالعلم خوانده میشد بلکه از جهت تجارت نیز بازار بزرگی بود که سوداگران دنیای متمدن در آنجا بدیدار یکدیگر نائل میگشتند چنانچه (دیون کریزوستوم Dion Chrysostome) از نویسندگان و رجال عهد نرون امپراطورروم که خود مدتی دراسکندریه گردش کرده مینویسد: ـ (در آنجا سوداگران هندی، ایرانی باختری و اسکیثی تجارت داشتند) در سواحل خلیج فارس وعمان دو حکومت کوچك وجود داشت کهاولی حدود شط‌العرب وسواحل بوشهر وبحرین‌را ازجانبین مالك بود ودومی از سمت عمان تا مسقط را و این دو دولت هر چند جزء ملوك الطوایفی محسوب میشدند که رسماً شهنشاهی اشکانیان را اعتراف میکردند لیکن وجود آنها دولت اشکانی را از داشتن بحریهٔ مهمی در بحارجنوبی محروم ساخته تجارت دریا وسواحل مخصوص‌آن دوحکومت بود ـ مورخین‌اروپا دولت‌اولی را(Mésène مسن یامزن)ودومی‌را (Kharacène خاراسن ضبط کرده‌اند که بعقیده نگارنده مسقط والخضراست مسیو رنو مینویسد: (سیاست این دو دولت بر آن بود که مابین دو دولت عظیم اشکانی و روم بیطرفی خودرا حفظ نمایند وچون سواحل شرقی و غربی خلیج فارس را در تصرف داشتند یعنی جمیع تکیه‌گاههای بحری و بنادر تحت تسلط آنان بود شهنشاهان اشکانی درمدت سلطنت خود نتوانستند صاحب قوای بحری شوند و تا زمان اردشیر ساسانی احوال همچنان ادامه یافت بنا برشرح فوق این نکته واضح میشود که دولت اشکانی از تجارت بحری که رو به ترقی سیر میکرده بهره‌ای نداشته است.

---

(۱) ایضاً

ایران نسبت به ملل عظیمهٔ دیگر ـ در فصول گذشته حالت تجاری ایران را تحت تسلط اشکانیان تااندازه‌ای بیان نمودیم ـ اکنون باید تذکر دهیم که سیاست اقتصادی آن سلسله براین بوده که تجارت شرق را باغرب بوساطت‌خود انجام دهند و بعد ها سیاست ساسانیان نیز برهمین پایه‌ادامه یافت اززمانیکه روابط دیپلوماسی ومستقیم‌را مابین‌ایران وچین‌درتواریخ پیدا میکنیم یعنی از قرن اول قبل از میلاد ببعد ضمن سالنامهای چینی مکرر شکایاتی دیده میشود ازاینکه پارتها ارتباط مستقیم چینیهارا باروم مانع گردیده فروش‌ابریشم چینی‌را درتمام‌دنیا فقط بایرانی انحصار داده‌اند[1] دانشمند فرانسوی آبل رموزه Abel Remusat تصریح دارد که ایرانیها ازعهد اشکانیان بادقت و توجه مخصوص تجارت مغرب وچین را بدست گرفته بودند هرزمانی‌که مابین دولتین ایران وروم آشتی ومسالمت برقرار بوده اهالی‌مغرب محصولات چین وهندرا ازطریق ایران بوسیلهٔ ایرانی‌ها میخریدند اما وقتی میان دو دولت مناقشه‌ای روی میداده سکنه ممالك وسیعه روم دوچارعسرت وگرانی میشدند وهمین پیش‌آمدها توجه دولت روم را بطریق دریا معطوف داشته تدریجاً به فوائد آن منتقل گردیده برتوسعهٔ روابط بحری خود بامشرق افزود. ازجمله محسنات طریق بحری یکی‌آن بود که‌دولت روم تجارت چین وهندرا بامغرب ازچنك رقیب‌خود ایران بدر میکشید و خسارت عمده‌ای متوجه ایرانیان میساخت. چون اشکانی ها دارای قوای بحری نبودند رومیان باخاطر جمعی در بحارمشرق آمدورفت کرده نفوذ تجارتی‌خویشرا استقرار میدادند ـ تدریجاً مردم بادهای موسمی (برساتی) را که دراقیانوس هند میوزدشناخته بودند[2] وبرخلاف

(۱) ابل رموزه درکتاب چنك آسیائی صفحه ۱۶۶ (۲)برسات از مادهٔفارسی بارش‌است

گذشته که ایاب وذهاب ازمصر بهند سه‌سال مدت میخواست حالا درزمان کمی بابادهای موافق انجام میگرفت یعنی درچهل روز ازمصر به‌دماغهٔ کمرون هند میرسیدند منتسکیو محقق فرانسوی و پلین عالم رومی و دیگران نقل میکنند که کشتیهای روم اواسط تابستان که باد مغرب میوزد رو بهند بادبان می‌افرازند واواخرماه دسامبر واوایل ژانویه بازمیکردند منتسکیو علاوه مینماید : در عصرمانیز سفر هندوستان عیناً بهمین طریق صورت میپذیرد زیرا در قسمتی ازاقیانوس هند که‌مابین افریقا ومصب رودگنگ واقع است هرسال دو موسم باد میوزد اول بادی از مغرب به مشرق که ماههای اوت و سپتامبر آغاز میشود دوم بادیکه از مشرق به‌مغرب میوزد و در ماه ژانویه شروع میکند)[1] (عهد منتسکیو هنوز کشتی های بخاری بکار نیفتاده بود .) کشتی های عازم هند عموماً از بحر احمر و سواحل مصر لنگر کشیده در معاودت باز همانجا لنگر می انداختند و مال‌التجاره را بخشگی نقل کرده به سواحل بحرالروم میبردند زیرا ترعهٔ داریوش که شهنشاهان هخامنشی هرساله لای‌کشی وتوجه میکردندبعد ازایشان بواسطه رسوب لای و لجن آب نیل مسدود شده بود .

رابطهٔ بحری روم و هند یا واضح‌تر گفته باشیم رابطهٔ اروپا وافریقا با هند و مشرق بقدری وسعت گرفت که هر ساله موسم تابستان قریب دوهزار نفر از سواحل مصر برای سیاحت و تجارت عازم سواحل عمان و خلیج فارس و هندوستان گردیده وفصل زمستان تقریباً همین عده از ممالك مذکوره بمصر می آمدند[2]

در جزایر سراندیب و مالبار وسواحل عربستان و غیره شرکت ها

---

(۱) منتسکیو کتاب ۲۱ صفحه ۱۷

(۲) رنو صفحه ۱۹

(کمپانی ها) ی متعدد از اتباع روم تشکیل یافته بود[۱] و این تجارتخانها منافع هنگفتی می بردند چنانچه منتسیکو و پلین میگویند امتعه و محصول هندوستان در بازار های روم صدی صد فایده میکرد بقول استرابن صدو بیست کشتی تجارتی محصولات هند را به مصر حمل میکرد وسالانه پنجاه ملیون سسترس (Sesterces) یاصد ملیون فرانك فرانسوی به مظنهٔ قبل از جنگ عمومی پول روم در ازاء محصولات وارد هند میشد[۲] — اما در عهد ساسانیان این وضع بکلی تغییر کرد — زمان اشکانیان بحریه روم و مصر که آن نیز تابع روم بود در بحار مشرق رقیب مقتدری نداشت لذا بهآسانی میتوانست منافع افراد و شرکت های رومی را حفظ کرده مقام اولویت خودرا ثابت نماید ـ ساسانی ها بطوریکه خواهیم خواند بحریهٔ عظیمی ایجاد کردند که برای رومی ها مجال خود نمائی نماند، و در نتیجه همانطوریکه تجارت خشکی مابین مشرق و مغرب بوسیلهٔ ایران صورت میگرفت تجارت دریارا نیز بدست آوردند و این خود یکی از علل عمدهٔ فقر اقتصادی روم شد زیرا سابقاً اگر قسمتی از پولهای روم در بهاء محصولات بجیب هندیان میرفت قسمت دیگر که منافع آن باشد عاید تجار رومی میشد که واسطهٔ مستقیم معامله بودند اما بعد قیمت محصول کماسبق به چینی و هندی پرداخته شده منافع آن بجیب ایرانیها میرفت طبعاً تجار رومی نیز که واسطهٔ دوم بودند یك منافع دیگری میطلبیدند بالنتیجه قیمت اشیاء مشرق در روم خیلی گران افتاده بطور مؤثری ازثروت آن ملت میکاست اینست کهاغلب مورخین محقق فلاکت اقتصادی روم را ثمرهٔ سیاست ایران میدانند[۳]

---

(۱) ایضاً (۲) استرابن کتاب ۱۱ صفحه ۱۸۱

(۳) مسیو رنو

در اینجا شایسته است متذکر باشیم در این موفقیت ایرانیان که رشتهٔ تجارت بحری را از کف دیگران بزودی ربودند علاوه بر قدرت و نیروی دریائی سیاست و کاردانی دولت وقت نیز مدخلیت تامه داشته زیرا بعد ها خواهیم خواند همان هندیهائی که خواهان رابطهٔ مستقیم با روم بودند طوری تغییر عقیده دادند که اتباع آندولت را دیگر بخاك خود نمیپذیرفتند اما درمقابل ، ایرانیان به تأسیس هرگونه مؤسساتی حتی برای تبلیغات مذهبی مختار و مجاز میشدند البته اینگونه نفوذ ها درسایهٔ قوت و اقتدار ولی بوسیلهٔ هوشمندی و دیپلوماسی (تدبیر) عاقلانه برای یك ملت و دولتی حاصل میشود .

فصل دوم

صنایع ایران و تجدید حیات آنها ـ مصنوعات و محصولات ایران ـ صادرات ایران ـ واردات ایران ـ تجارت در ایالات داخلی ـ مکاره ها و بازارهای بین‌المللی در ایران

صنایع ایران وتجدید حیات آنها ـ سلطنت ساسانیان به منزلهٔ جلوهٔ روح ایرانی بود فروغ تابناك ملیت ایران که نزدیك پانصد سال در پس ابر های تاریك حادثات خاموش مانده بود باز از نو چشم جهانیان وا روشن و سر زمین کیان را رشك گلشن ساخت ـ مؤسس شهنشاهی ساسانیان ملت خود را که در نتیجهٔ فشار های سخت تدریجاً بیدار شده به جستجوی سر و سرداری بودند گرد آورده از هشیاری قوم بلند همت ایران و آمال بزرك ایشان استفاده ها کرده برای استقلال مملکت وسیادت

ملتش پایهٔ استواری نهاد ــ قیام اردشیر در حقیقت جنبش و نهضتی بود که ملت ایران برای تجدید تمدن باستان خود بعمل آورده و اگر تمام آنچه را که از علم وصنعت در زمان هخامنشی تحصیل کرده بود دوباره نتوانست بچنك آورد بازهم در عالم علم وصنعت رتبهٔ بلندی را حائز گشت استاد راولنسن انگلیسی دراحوال اردشیر میگوید برای شخص مطالعه گر اسباب حیرت میشود که چگونه ایرانیانی که آثار ایشان در عهد اشکانی دلیل است بر یك خواب عمیق و تنزل بسیار غفلتاً با تاجگذاری اردشیر بهیجان آمده چنان جنبشی برای ترقی صنایع کرده اند که گوئی میخواسته اند آنچه را که ازدست داده بودند یکباره بدست آورند ــ نهضت صنعتی وعلمی ایرانیان زمان ساسانی ها که همهٔ مورخین قدیم وجدید بدان تصریح دارند یکی از دلایل کسانی میباشد که معتقدند ملت ایران را خاصیتی است که باید آنرا (بعث بعدالموت) نامید . از این قبیل است جنبش علمی وصنعتی ایران بعد از عرب ــ بعدازمغول وغیره که در هر بار پس از مدتها خموشی و فراموشی باز فروغ ایرانیگری بردمیده و نشان داده است که روح ملی در این سرزمین جاویدان مانده فنا پذیر نخواهد بود .

مصنوعات و محصولات ایران ـ در باب اول کتاب ما شرح مبسوطی ازمحصولات طبیعی ومصنوعی ایران نگاشته ایم و در اینجابرای تطبیق و مقایسهٔ مابین دو عهد از بعضی چیزها که سندی در دست داریم تذکر میدهیم :

در عصر ساسانیان پارچهای بسیار لطیف از پشم و کرك و ابریشم در ایران بافته میشد که مشهور آفاق بود زراعت و صنعت پنبه نیز ترقی کرده در جمیع ایالات مخصوصاً نواحی خراسان معمول بود[۱] کارخانهای

(۱) قاموس فیروزآبادی در لفظ جوزق

نساجی در مرو و ری و اهواز و تستر (شوشتر) انواع منسوجات مانند شال های کرکی و پشمی و حریر و دیبا میبافتند[۱]

دیبا و استفای تستری (شوشتر) پوشاك بزرگان عالم و خریدار بسیار داشت و نیز درشوشتر و بلاد دیگر خوزستان قسمی پارچه ازپرمرغ ماهیخوار وقو واز کرك آن درست میکردند که پربهاترین منسوجات و درلطافت وظرافت بی مانند بود[۲] پوست حیوانات چون قاقم و سمور و بره و گوسفند وبعضی حیوانات جنگلی و کوهی درکارخانهای دباغی ایران به نهایت ظرافت تهیه میشد[۳] انواع چیت ها و پارچهای گلدار یا منسوجاتی که روی آنها صورت آدمی و حیوانات را طرح میکرده اند از ایران باروپا میرفته چنانچه بتصریح مسیو هوار فرانسوی هنوز دربعضی کلیساهای قدیم از آن پارچها یافت میشود که لفافهٔ بعضی اشیاء مقدس بوده و تاکنون مانده‌است زری و مخمل و اطلس با متن های گلدار و منقش یا ساده درکارخانهای ایران بافته میشد و شهادت مورخین در لطف صنعت آنها بدست‌است[٤] درضمن تاریخ روابط بهرام اول شهنشاه ساسانی با اورلئان امپراطور روم می بینیم از جملهٔ هدایای پادشاه ایران گردونه (کالسکه) ایست که خویشتن در آن سوار میشده به تفرج میپرداخته است[۵]

بلا شبهه اگر رومیان درساختن انواع گردونه‌ها ازایرانیان ماهرتر می بودند و اینگونه کالسکه در روم بهتر ساخته میگشت هرگز شهنشاه ایران آنرا جزء هدایای خویش قرار نمیداد

در این عصر صنعت شیشه گری و بلور سازی ایران توسعه و ترقی داشته است در فصول گذشته راجع به‌مهارت ایرانیان در تراش بلورمعدنی

---

(۱) هوارد صفحه ۲۰۲ (۲) هوارد و مسعودی و استخری (۳) ایضاً
(٤) هوارد و آمین و ابل رموزه (۵) ایضاً هوارد

و نقش خط و غیره بر روی آن اشاره نمودیم و در موزهٔ لور پاریس و در لندن ظروفی از بلور معدنی ایران که قبل از اسلام ساخته شده موجود است[1] در اینجا شهادتی از قول مورخین چینی مینویسیم که شایان توجه میباشد.

سالنامهای چینی در وقایع سالهای مابین ٤٢٤ـ٤٥١ بعد از میلاد مینویسند: بازرگانی از مردم باختر (بلخ) بدربار خاقان چین آمده پیشنهاد کرد هرگاه باو مساعدت شود در آنجا کارخانهای شیشه گری ایجاد خواهد کرد ـ دولت چین لازمهٔ همراهی را بعمل آورده وپس از تفتیش وتجسس معدن شیشه پیدا کردند و کارخانه براه افتاد. از اولین شیشه‌های ساخته شده یك طالاری برای خاقان بنا کردند که صدنفر در آن جا میگرفت. رنگ این شیشه ها خیلی صاف و پر جلا بود و در نتیجه قیمت شیشه که تا آنزمان از ممالك دیگر بچین می آمد خیلی ارزان شد[2] نگارش مورخین چین برهانی قوی است که صنعت شیشه گری در ایران منتهای رواج را داشته در اکثر بلاد این کشور کارخانها دایر بوده است

قبلا به گردونهٔ بهرام اشاره کردیم اینك علاوه مینمائیم که شاپور اول نیز ازهمین گردونه‌ها برای ادناتوس شوهر زنوبیا یا (زینب) ملکه تدمر ارسال داشته[3] نتیجه این جمله آنست که صنایع آهنگری و نجاری در ایران رو به کمال رفته استادان ایرانی از این حیث گوی سبقت را ربوده بودند و الا اگر در شام یا روم مثلا گردونه هائی بهتر از ایران ساخته میشد شهنشاهان ما امثال آنرا هدیه نمیفرستادند

صادرات ایران ـ از مابین محصولات معدنی ایران، بلور معدنی و آتیزو که نوعی ازمرمر است مانند یشم وبوی خوش داشته وسنك میترا کس

---

(۱) دائرةالمعارف بریتانیا و لاروس (۲) ابل رموزه و رنو
(۳) راولنسن

(مهردرخش) که انواع آنرا اکنون سلیمانی مینامیم و سنگی دیگر شبیه عاج که‌فرنگیان (نیپارن) میخوانند وسنگ مشهور به‌حدید ازمعادن فارس حاصل میشده درخارجه مشتری داشته[1] فیروزهٔ خراسان وسنگهای جوینی وهراتی و لعل بدخشان ومروارید بحرین بممالك دیگر صادر میگشت. در عهد ساسانیان یکی از معادن طلا نیز استخراج میشد و کارگران رومی درآنجا کار میکردند مابین کارفرمایان ایرانی وکارگرهای رومی مناقشاتی پدید آمد که اسباب گفتگوی دولتین شد[2] اما نمیدانیم این طلا بخارج هم حمل میگشته است یا نه ـ دربارهٔ سایر معدنیات و خروج آنها به‌جز نفت که درباب گذشته نوشتیم اطلاع مکفی در دست نداریم.

قالی وقالیچه وانواع منسوجات ابریشمی و پشمی بممالك خارجه میرفته ابریشم چین از راه ایران بروم و بلاد مغرب حمل میشده و ظن غالب اینست که اهالی باختر و سغد عهد ساسانیها طریقهٔ تربیت کرم‌ابریشم‌را نیکو میدانسته اند[3] ولیکن برای تجارت خارجه مکفی نبوده و بهرحال ابریشم چین را تا چند قرن بعد از اسلام بایران و روم وارد میکرده‌اند امتعهٔ ختن وادویهٔ هند ومحصولات آنجا مانند شالهای‌ارغوانی[4] و پاره‌ای گیاهها و داروها ازطریق ایران به مغرب صادر گشته پوست و پوستین وهرگونه لباسهای پوستی بخارج میرفته[5] رنگهای نباتی مخصوصاً وسمه، حنا و روناس ایران را چینیها مشتری بزرگی بوده‌اند[6] اسلحهٔ کار مرو، آهن آلات، زرینه آلات، عطریات وصدفهای خلیج نیز در جملهٔ صادرات بوده است[7]

---

(۱) راولنسن و پلین
(۲) راولنسن
(۳) رنو
(٤) راولنسن
(٥) هوارد
(٦) ایضاً
(۷) پرکوپیوس و راولنسن

واردات ایران ـ فلفل دارچین هل و سایر ادویه فوفل عاج نیل فولاد و پارچهای نازك کتانی انواع چوبهای فوفل و چوب تاق که مخصوصاً در سواحل خلیج و ایالات جنوبی و جنوب غربی ایران برای ساختمان عمارات بکار میرفته است [1] و چوب آبنوس و عود و صندل از هندوستان و جزایر اقیانوس هند و شرق اقصی وارد میکرده اند [2] از ممالك روم شراب و منسوجات مصری و زری که بیشتر زنان مصری میبافتند [3] و روح سرب وفلز آلات شراب و انجیر دمشق و غیره وارد میشد [4] طلا از روم و احجار کریمه مانند زمرد و غیره بوسیلهٔ رومی ها وچینی ها [5] پوست لاك پشت و بعضی عصاره ها ومرجان وزینت آلات دریائی ، عنبرحجرالقطن (که در آتش نمیسوزد) از جمله مال‌التجاره‌ای بود که از مستملکات روم و بلاد مغربی بایران حمل میگشت [6] متاع عربستان جذوار و تنذور کندر هل مکی سنای مکی و بعضی ادویهٔ دیگر بود [7] حبشی ها عاج و عطریات و غلامان سیاه میفروختند [8]

تجارت در ایالات داخلی ـ آبادی ایالات شمال‌شرقی وشمال غربی ایران در آن عصرها ضرب المثل بود ـ منتسکیو مینویسد شمال شرق و غرب ایران در سایهٔ توسعهٔ تجارت از بلاد معموره و آبادیها پوشیده [9] بود و تا ترکتازی تاتارها اهمیت آن نقاط روزافزون میگشت اهالی ایالات سغد ، باختر ومارژیان (مرو) که مشمول کشور خراسانند تجارت باچین‌را در دست گرفته هرساله کاروانهای بزرگی از شهرهای آن ایالات به‌مملکت آسمانی شتافته مال‌التجارهٔ خودرا فروخته ازچین ابریشم وغیره میآوردند

---

(۱) رنو (۲) ایضاً و ابل رموزه (۳) ایضاً رنو صفحه ۱۹۵
(٤) ایضاً ۱٦۰ (٥) مروج‌الذهب مسعودی (٦) رنو
(۷) ایضاً و مسعودی (۸) ایضاً (۹) روح‌القوانین کتاب ۲۱ صفحه ۲۱

و تا صدر اسلام وزمانیکه هنوز تاتارها اشکالات زیادی تولید نکرده بودند این رفت و آمد روز افزون بود[۱] مردم زرنگ (سیستان) و قسمتی از سند و پنجاب که ضمیمهٔ کشور ساسانیان بود[۲] امتعهٔ هند را بداخله می‌آوردند و سکنهٔ سواحل عمان و خلیج فارس محصولات هند جنوبی و جزایر اقیانوس و شرق اقصی و سواحل چین را وارد کرده به سایر ایالات میفروختند اما در طول سال فصل معینی موسم جنبش و کوشش بازرگانان وسوداگران داخلی بود بدینطریق که در بغداد نزدیکی تسیفون پایتخت شهنشاهی[۳] مکارهٔ بزرگی تشکیل‌شده تجار ازجمیع نواحی وحدود مملکت مال‌التجارهٔ خود را آورده در آنجا معامله و مبادله میکردند و مکارهٔ بغداد بقول طبری و سایر مورخین‌عرب تازمان‌حملهٔ اعراب هرساله چهل روز دایر میشد اما پس‌از شبیخون مسلمانان درعهد سلطنت پوران دخت‌که اموال تجار بغارت رفت دیگر آن مکاره تشکیل نگشت[٤] ظن غالب آنست که تشکیل بازارهای موسمی از عادات بسیار قدیم ایرانیان بوده چنانچه در اکثر ولایات و در بسیاری از قراء و بلوك در ایالات مانند خراسان گیلان ، آذربایجان وغیره هنوز درچهارشنبه‌بازارها شنبه‌بازارها آدینه بازار ها اجتماع میکنند و این بازار ها هرکدام در ناحیه معینی تشکیل میشود

مکاره ها و بازار های بین‌المللی در ایران ـ درعهد ساسانیان چند

---

(۱) تاریخ بخارا و مسعودی و بلاذری

(۲) متصرفات‌ساسانیان در پنجاب وهند غربی ازکتیبهٔ تالار آئینه دراستخر (بزبان پهلوی) استنباط میشود و نیز الفنستن انگلیسی درتاریخ هند و جمعی دیگر تصریح دارند

(۳) برخلاف تصور بسیاری از مورخین اخیر علامهٔ طبری تصریح دارد که قصبهٔ بغداد از قبل از اسلام نزدیك طیسفون (تسیفون) موجود بوده است

(٤) طبری درشرح حملهٔ خالدبن ولید به عراق

شهر تجارتی از ولایات سرحدی ایران برای تجارت خارجی مقرر گشته بمنزلهٔ بازار های بین‌المللی محسوب میشد و نیز بطوریکه قبلاً توضیح دادیم در بعضی نقاط مکاره های سالانه تشکیل گردیده علاوه برسوداگران داخلی اتباع دولتهای متعاهد درآن شرکت میجستند چنانچه علامهٔ طبری مکارهٔ بغداد را تفصیل داده و علامهٔ مسعودی شهر حیره را نیز برشمرده مینویسد کشتیها مال‌التجارهٔ چین و هند را از راه فرات بدریاچهٔ حیره (نجف) وارد کرده بسواحل شهر که در حقیقت بازار عمومی بوده بار خود را خالی میکردند شهر نینوا (موصل) که عهد ساسانیان باز رو بترقی گذارده بود وشهر اربل ازمراکزعمدهٔ تجارت خارجی ایران بشمار میآمد[۱] وشهر بهمن اردشیر که عرب ابله نامید ، نزدیك بصرهٔ حالیه برمصب رودیکه هنوز به بهمن اردشیر (بهمنشیر) موسوم است واقع بود بارانداز کشتیهای چین و هند و بازار امتعهٔ آن ممالك و شرق اقصی بشمار میآمد[۲]

فصل سوم

روابط تجارتی ایران و روم ـ بحریهٔ تجارتی ایران ـ نفوذ بحری ایران ـ قطب نما ـ روابط تجاری ایران و هند ـ روابط تجاری با چین ـ بنادر مهم ایران ـ تجارت در الجزیره و عراق تجارت در بلاد خراسان و مشرق

روابط تجارتی ایران و روم ـ تجارت ایران وروم درعهد ساسانیان رونق بزرگی داشته وهرچند در اوایل سلطنت این سلسله وضع و قاعده

(۱) راولنسن (۲) ایضا و طبری

دادوستد مابین ایرانی و رومی با زمان اشکانیان چندان فرقی نکرده بود ولیکن چون سیاست اقتصادی ساسانیان روز بروز با آزمایش و تجربت توسعه مییافت از اواسط شهریاری این سلسله تجارت ایران نسبت بعهد اشکانیها امتیازاتی حاصل کرد . یکی از مقاصد عمدهٔ دولت روم آن بود که تجار تبعهٔ خود را از ورود بایران باز داشته تا میتواند بازرگانان ایرانی را بداخلهٔ خود بکشاند چنانچه درضمن عهدنامه‌ای که دیوکلسیان امپراطور روم به نرسی شاهنشاه ساسانی پیشنهاد کرد مادهٔ پنجم این بود که نصیبین تنها نقطه‌ای باشد که ملتین ایران و روم در آنجا باهم دادوستد نمایند[۱] البته رومی‌ها از این پیشنهاد منافع زیادی را منظور داشته بودند زیرا نصیبین آنزمان درتصرف روم بود وانحصار وقوع تجارت ملتین در یك شهر رومی نتیجه‌اش آن میشد که دولت حاکمه هرگونه عوارض و تحمیلاتی که میخواست بر مال التجارهٔ ایرانی ها می بست و مالیاتها وعایدات گمرکی مجموعاً به خزانهٔ روم میریخت درصورتیکه سوداگران رومی در شهر و دیار خود راحت و آسوده نشسته همهٔ صدمات وزحمات و عوارض بر عهدهٔ اتباع خارجه می افتاد[۲] اما این ماده را شهنشاه ایران نپذیرفت و مقصود دولت روم حاصل نشد ــ در ضمن معاهدات دیگری که بعدها مابین دودولت معظم منعقد گردیده آزادی تجارت ملتین همه‌جا قید شده جز آنکه وقوع دادو ستد را بچند شهر سرحدی محدود کرده‌اند چنانچه مادهٔ چهارم عهدنامه‌ای که مابین ژوستی‌نین امپراطور روم و شهنشاه انوشیروان امضاء شده است میگوید : (روابط تجارتی میان دو مملکت بر قرار باشد لیکن راه تجار محدود و به دارالتجاره‌ها مخصوص

---

(۱) تاریخ روم شرقی (۲) راولنسن

باشد.)[۱] ـ فرمانی که‌درسال ۴۱۰ میلادی از جانب امپراطورهونوریوس (Honorius) ـ وتئه‌اودوز جوان (Théodose Le Jeune) خطاب به رئیس دیوان مقننه صادر شده مقرر میدارد: شهرهای نصیبین ازسمت دجله در ناحیه مشرق ـ و شهرکالینیك از سمت فرات در ناحیهٔ غربی ـ وشهر آرتاگزا از سمت ارمنستان در ناحیهٔ شمال برای تجارت با ایرانیان باز و آزاد خواهد بود[۲]

آمین مارسلن Ammien Marcellin مورخ مینویسد درعهد او هرساله آغاز ماه سپتامبر یك بازار عمومی درشهر باتانه که‌جزء روم بود نزدیکی ساحل شرقی فرات تشکیل میشد ومال‌التجاره مشرق ومتاع هند وچین باین بازار فراوان میآمد

دولت روم در بسیاری ازموارد به‌انحصار تجارت مایل بوده چنانچه درایالت لازیکا (ناحیهٔ منکرلی کنونی خاك ترك) رویهٔ انحصار تجارت را پیش‌گرفته اسباب فقر و بیچارگی اهالی و بالنتیجه طغیان ایشان گشت که بدولت ایران متوسل شدند[۳] بعقیدهٔ مورخین رومی دولت ایران بعداز تصرف لازیکا دردهانهٔ رود فاز بتهیهٔ قوای بحری پرداخت تا برتجارت بحر سیاه فائق آمده از آن آبها نیز مانند بحارشرقی نفوذ اقتصادی روم را نابود سازد امابعدها مصالحهٔ دولتین آن تشبثات‌را خنثی‌گذارد[۴] درمعامله ابریشم نیز انحصار جاری بود ـ هرزمانیکه رومیها با ایران درحال صلح و آشتی بودند ابریشم چین را از ایران میخریدند وهنگام جنگ بوسیلهٔ حبشیها که ازطریق دریا باهند وشرق روابط داشتند آنراتحصیل میکردند ـ خرید ابریشم ازایران بوسیلهٔ رئیس‌التجارروم بعمل میآمد که کنت درکومرس

(۱) ایضاً (۲) مسیو رنو در تاریخ روابط روم و شرق صفحه ۲۶۸
(۳) راولنسن و ژیبون (۴) ایضاً

Comes Commerciorum نامیده میشد[۱] و درکارخانه های صور و صیدون بخرج دولت امپراطوری میبافتند - مطابق تصریح مورخین قدیم وجدید تجارت روم با آسیا یکی ازعوامل عمدهٔ فقر وتنزل اقتصادی آنمملکت گردیده است زیرا آنچه را که رومیان بمشرق میفروختند با اجناسیکه میخریدند معادله نمیکرد . هرساله مبلغ صد ملیون سسترس Sesterces که دویست ملیون فرانک طلای فرانسه (به‌تخمین وحساب اخیر) میشود در ازاء خرید محصولات و مصنوعات به آسیا می‌آمد بیشتر این مبلغ بهند وپس از آن بایران و بوسیله ایرانی عاید چین میگشت تدریجاً وقتی جریان سیل طلای روم به آسیا بیش‌از پیش محسوس شد اولیای آندولت و علمای اقتصاد بخود جنبیده درصدد افتادند از استعمال چند قلم اشیاء که منجمله ابریشم بود جلوگیری نمایند - امابقول یکی از مورخین بافته های ابریشمی سر خانم های رومی‌را چنان از راه بدر برده بود که هیچ اقدامی سودمند نیفتاد[۲] هرقدر دولت بر تحدید تجارت ابریشم و عوارض و مالیات آن می افزود و هرقدر اثقف ها وکشیشان از بالای منابر نطقهای آسمانی برعلیه البسهٔ ابریشمین ایراد میکردند برحرص وولع اهالی مرکز و ایالات در پوشیدن آن افزوده میگشت[۳] اما وضع گمرك و عوارضی که دولتین ایران و روم بر مال التجارهٔ یکدیگر می بسته اند قابل توجه است بلا شبهه دولت روم نسبت به مال‌التجارهٔ ایران بیشتر سخت‌گیری مینموده و شواهد عدیده داریم که رومیان مایل نبوده اند مراکز مبادلات ملتین از دو شهر سرحدی تجاوز نماید[٤] مقصود از این تحدیدات آن بوده که وصول حقوق گمرك و مالیات ها به آسانی صورت پذیرد - از این گذشته احتمال دارد که رومیان از فرو رفتن سوداگران

---

(۱) مسیو رنو (۲) مسیو رنو و ژیبون (۳) ایضاً (٤) راولنسن

ایرانی دراعماق مملکت و ایالات دوردست خود چندان خوشنود نبوده‌اند بدین علت که مشهور بود ایرانیان در ممالك خارجه میکوشند تا از احوال ایالات و وضع راهها و دربند ها ، کتلها رودخانها و چاههای آب ، چمنها و اراضی علوفه بخش و غیره آگاهی بیابند[1] البته اینگونه معلومات را برای دولت خود مخصوصاً درمواقع لشگرکشی خیلی سودمند میدانسته‌اند طبعاً ممکن بود بسیاری ازبازرگانان ایرانی داوطلبانه اینقبیل جاسوسی را متعهد گردیده بوطن خویش خدمت کنند ـ گذشته از آن چون صادرات ایران بروم بیش‌از واردات روم بایران بود دولت مشارالیها بامید حصول تعادل به تحدید تجارت میپرداخت و نیز اصول انحصار را هم که دولت در بعضی موارد از جمله تجارت ابریشم پیشه خود ساخته بود تحدید مراکز تجارتی را ایجاب مینمود .

ماده پنجم ازمعاهدهٔ نصیبین که مابین شهنشاه انوشیروان با ژوستی نین (Justinien) امپراطور روم منعقدگردیده میگوید : (ارتباطات پلتیکی کلیتاً بحالت آزادی مانده احمال و اثقال سفراء ازعوارض معاف باشد .)[2] از این جمله چنین برمیآید که مانند عهد اشکانیان دراین دوره نیز دفاتر گمرکی موجود و اشیاء واموال صادره ووارده درسرحدات منظماً تفتیش میشده و براجناس مختلفه عوارض مقرر بوده‌است

مادهٔ هفتم همین عهدنامه مفادش اینست : (هرنزاع و گفتگوئی بین ملتین پیدا شود در دیوانخانهای مخصوص آنرا فیصل دهند .) ازاینقرار بایستی در چند شهری که دولتین بعنوان مرکز تجارت معین نموده بودند نمایندگان روم‌وایران دائماً موجود وبمناقشات حاصلهٔ مابین‌اتباع طرفین

---

(۱) هوارد کتاب ایران کهن ۱۷۹
(۲) راولنسن

بوسیلهٔ محاکم مختلفه رسیدگی کنند . نکتهٔ شایان تذکری که در روابط روم و ایران دیده میشود اینست که چون مهاجرت دائمی طوایف وحشی از شمال شرق و شمال آسیا رو بمغرب وجنوب اساساً تمدن عالم را تهدید میکرد دولتین که مقام وموقع یکدیگررا برای ترقی مدنیت وحمایت بشریت بخوبی شناخته بودند درعین رقابت وعداوت از بذل بعضی کمك ها نسبت بیکدیگر برای دفع و رفع وحشیان مضایقه نمینمودند ــ مخصوصاً دولت ایران همین نکته را مکرر گوشزد اولیای روم میساخت که بقای هردو دولت که بمنزله چشم و چراغ جهان متمدنند برای حفظ بشریت لازم است

بحریه تجارتی ایران ـ در باب اول کتاب نوشتیم که قسمت عمدهٔ قوای بحری ایران را زمان هخامنشی ملت فینیقی تشکیل میداد . بعدها دورهٔ اشکانیان هم دولت ایران بدریاها توجهی نداشت و وسیلهٔ آنهم کاملاً موجود نبود زیرا سواحل خلیج‌را حکومتهای مسقط والخضر تحت تسلط درآورده بودند شهنشاهی اشکانی‌هم که درهمهٔ مملکت باصول ملوك‌الطوایفی قائل شده بود مزاحم ایشان نمیگردید و شاید بفوائد بحریه هم آنقدرها منتقل نبود .

اردشیر شاهنشاه ساسانی در ضمن نگارشات وخطابهای خود مکرر تصریح مینمود که ملت ایران بایستی بهمان اقتدارات و عظمت باستانی خود نائل گردد و آشکارا میگفت ممالکی که تا عهد دارای سوم جزء شهنشاهی ایران بوده یعنی مرز و بوم آسیا تا بحر الجزایر ومصر ، ارث مشروع ما است و دردست هرکس باشد غصب‌است . سفرای وی نیز همه‌جا این دعاوی را اعلان واظهارمینمودند[1] شهنشاه ساسانی رویهٔ خودرا براین

---

(۱) راولنسن و آمین

اصل قرار داد که تا هرجا ممکن باشد اقتدارات دولت اروپائی روم را از حدود آسیا واپس براند. در این حال میدید که رومیان از راه دریا با جزایر سراندیب و مالبار و سواحل هند روابطی برقرار و بحریهٔ تجارتی روم در سایهٔ بحریهٔ جنگی آندولت که هرساله برای اثبات قدرت دراقیانوس هند گردش میکرد[۱] تدریجاً زمام دادوستد را ازدست ایرانیان میربایند این مطالعات اردشیر را بمنافع بزرگ سیاسی و اقتصادی که از وجود یك بحریهٔ مقتدری میتوان تحصیل کرد متوجه میساخت لذا پیش از همه چیز بایست سواحل دریا را بچنك آورد و دولتین مسقط والخضر را که سد راه مقصود بودند از میان بردارد وهمچنین کرد. پس از تصفیهٔ آن کار باسرعت ودقتی حالت سواحل خلیج را تحت نظر گرفته تکیه گاهها و بنادر متعدد ساخته به تشکیل و تکمیل بحریهٔ ایران آغازید اخلاف اردشیر قدم بقدم سیاست نیاکان‌شان را تعقیب کرده بعد از اشغال وتنظیم سواحل سمت راست خلیج بسواحل یسار پرداخته از آنجا به کناره‌های عربستان جنوبی وتدریجاً به ساحل شرقی بحراحمر سلطهٔ خودرا امتداد دادند[۲] در ابتدای کار دولت ایران برای آشنا ساختن ایرانی ها به اصول بحرپیمائی ملاحان عرب رانیز استخدام وبا ایرانی ها مخلوط میداشتند[۳] لیکن پس‌از اندك زمانی ایرانیان ازدیگر ها ماهرتر شده بالاخره درفنون بحری سرآمد اقران گشتند. بحریهٔ ایران بهر یك ازدریاها که وارد میشد نخست آنجا برای خود تکیه گاهها ترتیب میداد سپس به نقطه دیگر میپرداخت و با این رویه چیزی نگذشت که کشتی های ایرانی در جمیع بحار مشرق دیده میشدند[٤] رومیان از عهد اوگوست و قرن اول میلادی

---

(۱) رنو صفحه ۲۳ (۲) رنو صفحه ۲٤۱

(۳) ایضاً (٤) ایضاً و کولبروك

چنانچه جای دیگر توضیح دادیم با ممالك شرقی از راه دریا رابطه پیدا کرده در سواحل مختلفهٔ سراندیب و مالبار و غیره شرکت های تجارتی تشکیل دادند[1] هنگامی که جهازات ایرانی در اقیانوس هند به جولان پرداختند حالت رومیان از آنها خیلی بهتر بود زیرا آنزمان در قسمت هند غربی سلطنت های متعدده موجود بود[2] ودولت روم با اکثر آنهامعاهدات تجارتی داشت اما سیاست شهنشاهی بزودی ورق رابر گرداند و حکومتهای مختلفهٔ چین و هند و جزایر چنانچه خواهیم خواند یکی بعد از دیگری درجرگهٔ معاهدین ایران درآمدند و بحریهٔ ایران که ابتدای امر بزحمت میتوانست با روم و حبش رقابت وهمسری نماید پس از گذشتن زمان کمی یگانه قوهٔ قویه گردیده حکمرانی بحار مشرق را زیر پرچم خود در آورد[2]

پروفسور رنو ضمن شرح اسباب محو نفوذ روم از مشرق مینویسد :

« بزرگترین عامل ایجاد یك چنین وضع ناهنجاری ایرانیان بودند برای مرد محقق مشکل است جدوجهد و کوششی را که حکومت ایران درجلب جنبشهای تجارتی عالم بخاك خود مبذول میداشت اندازه بگیرد یا هوشیاری و طرح ریزیهای ایرانیان را در تباهی رقبای خودشان تصویر نمایدزیرا باآن سرعت ومهارتی ایشان بکار پرداختند که یکوقت امپراتوری روم ملتفت شد هرجا رو میآورد باایرانیها مقابل درمیآید ـ بحریهٔ حبش در سمت مشرق تا حدی پابرجا مانده حتی الامکان نمایندگی روم را نیز متعهد میشد در سال ۵۲۳ میلادی که حکومت حبش میخواست برضد یهود و اعراب یمن سپاهی فرستد (قبل از الحاق یمن بایران) ششصد کشتی ایرانی ورومی اجاره کرد وهفتصد کشتی سبك که بدون آهن و از نی

(۱) رنو صفحه ۲۴۱

(۲) ابل رموزه و الفنستن در تاریخ هند

درست میشد بخرج خود ساخته و مهیا داشت[1] البته جهازاتیرا که از ایرانی اجاره کرده اند آنهائی است که در سواحل غربی عربستان بحال آمدورفت بوده و الا هرگز برای حبش صرفه نداشت کشتی هائی اجاره نماید که باید از بنادر خلیج به بحر احمر منتقل گردد زیرا خرج سفر آنها خیلی گزاف میشد . پس با تصدیق باینکه در بنادر غربی عربستان همیشه دویست سیصد کشتی ایرانی به حال عبور واقامت بوده میتوان عدهٔ بزرگ جهازات ایران را مجملاً تصویر نمود .

نفوذ بحری ایران ـ تا زمانیکه مسیحیان ایرانی تابع کلیسای روم بودند وجود آنان برای دولت شاهنشاهی تحمل پذیر نبود چو در قلوب و نفوس مردم تأثیر مذهب و دیانت بسیار است خاصه در آن عهد که توسعهٔ مذهب مسیح مستلزم ادخال نفوذ معنوی وسیاسی روم بود وملت و دولت ایران از این امر بی‌حد منضجر بودند[2] اما دولت ایران کوشش دائمی نمود وبه یکعده از کشیشان ایرانی نژاد و وطن پرست کمك ها و تأییدات سری داد تاموفق شدند مذهب نستوری را ایجاد و کلیسای ایران را از روم جدا سازند[3] نستوریها نه فقط از کلیسای روم جدا شدند بلکه مابین طرفین چنان کینه وعداوتی روی نمود که ضرب‌المثل گردیده قرنها ادامه یافت سیاسیون ایران پس از توفیق در این امر نستوریان را زیر حمایت خود گرفتند ودر سیاست خارجی مملکت از تبلیغات مذهبی آنها فایده بردند .

شهنشاهی ساسانیان باحمایت از نستوریها نفوذ اخلاقی ودینی روم را در مشرق که نتیجهٔ آن پیشرفت های سیاسی و اقتصادی بود یکباره تباه

(۱) تاریخ سیاسی روم و مسیو رنو ـ بیش از دویست فروند ایرانی بوده است
(۲) تاریخ کلیسا و موسی‌خورنی (۳) تاریخ ایران تألیف سایکس

میساخت . استاد رنو در شرح حمایت ایران از نستوریها و نتایج آن مینویسد : آنزمان جمیع کلیساهای مشرق از ساحل فرات گرفته تا هند وچین تحت ریاست ادارهٔ بطریقی بابل در آمده (Patriarche) بطریق بزرگ در شهر تسیفون پایتخت شهنشاهی ساسانیان اقامت داشت . این ادارهٔ بزرگ روحانی نه‌فقط نسبت به‌امپراطوری قسطنطنیه بیگانه شمرده میشد بلکه دشمن عنود روم بود - پس‌ازاین مقدمه برای ارائه سیاست ووسائل گوناگونی که دولت ایران در توسعهٔ نفوذ بحری و اقتصادی خود بکار میبرده است شهادت بعضی از مورخین همان عصر را مینگاریم . کوسماس (Cosmas) که کتابش را سال ۵۲۵ میلادی تألیف کرده ضمن شرح سیاحت خود در اقیانوس هند می گوید در جزیرهٔ سیلان (بفارسی سراندیب) کلیسائی بود متعلق به عیسویان ایرانی و یك اثقف با کشیشهای ایرانی آنرا اداره میکردند همین نویسنده جای دیگرمیگوید در سواحل مالبار وجزایرجزء سراندیب وشهر(گوآ) ودرکالیه‌نا (Calliena) کلیساهائی ساخته شده بطریقها وکشیشان آنها تحت اوامر مرکز ایران هستند[1] ومبلغین ایرانی دراکثر جزایری‌که سر راه هندوستان وعربستان واقعند اقامت گزیده بودند ـ باکوششی که رؤسای نستوریها برای جلب توجه و خوشنودی شهنشاهان و اولیای دولت ایران نسبت بخود مبذول میداشتند وپیوسته درصدد تقدیم حسن‌خدمت بودند تا در برابرروحانیون زرتشتی بتوانند عرض وجود نمایند مسلم است که این مبلغین وکشیشهای ایرانی تا چه پایه برای اجرای مقاصد سیاسی دولت متبوعهٔ خود سودمند افتاده در توسعهٔ نفوذ ایران میکوشیده‌اند .

(۱) رنو ۲۹۱

استعمال قطب نما ـ شکی نیست که قطب نما را اهالی چین قبل‌از سایر ملل‌شناخته خاصیت آهن ربارا درگردیدن بسمت قطب میدانسته‌اند چینیها قطب نما را (عرادهٔ جنوب نما) مینامیدند زیرا ناحیه جنوب را مقدس شمرده سمت شمال را چون مسکن وحشی ها بود و از آن جهت صدمه میدیدند منحوس میخواندند ـ حتی عمارات‌شان را رو به جنوب میساختند مسلمانان ایران نیز قطب‌نمارا قبله نما نامیده‌اند زیرا بشناسائی قبله‌برای نماز محتاجند عرابه جنوب‌نما عبارت بود ازیك مجسمهٔ کوچك آدمی که برعرابه‌ای قرار داشت و با دست خود سمت جنوب را نشان میداد وآهن ربا را که سمت شمال وجنوب‌را نشان میداد دربالای تنهٔ آن مجسمه تعبیه کرده بودند. این عرابه ها را چینیان در راههای خشکی بکار میبردند چنانچه سال ۱۱۱۰ قبل‌از میلاد که نمایندگان تونکن برای تقدیم هدایا بخدمت خاقان آمده بودند هنگام معاودت صدراعظم پنج عرابه سفری بآنها بخشید که ازاین جنوب نماها داشت ونمایندگان بوسیلهٔ آن‌عرابه ها بساحل رسیده سال بعد بوطن باز گشتند[1] ایرانیها قطب نما را از چینیان آموختند و چون ستاره شناسی و هندسه را نیز که در هردو ماهر بودند[2] بکار وکمك آوردند توانستند دریا نوردی را تاحدود وسیعی نسبت بآنزمان ترقی دهند چنانچه باریسمانی که‌درطی‌حرکت بازمیشد ودوباره می‌پیچیدند می‌فهمیدند که چند فرسنگ پیموده اند و با ملاحظات نجومی موقع و محل خودرا دردریا معلوم میداشتند از وزش‌باد استفادهٔ بهنگام میکردند وبادبانها را طوری ترتیب میدادند که احتیاج به پاروزن کم شود بالاخره اصول بحرپیمائی ایرانی‌را بسیاری ازملل تا قرون اخیر پیروی مینمودند

---

(۱) رنو صفحه ۲۲۸ (۲) راولنسن

علامهٔ مسعودی تصریح مینماید که ایرانیان مقیم سواحل خلیج فارس ماهرترین بحرپیمایان بوده بجمیع دریاها آگهی دارند وکشتیهای ایشان بیش از همه مورد اطمینان مسافرین است

دولت ایران برای راهنمائی جهازات در بعضی بنادر وطرق بحری علاماتی نصب کرده هرگونه وسایل تسهیل امرکشتی رانی را فراهم میساخت علائم رهنمای بحری را که لغت فارسی آن بوسیله مسعودی بما رسیده است کنکله مینامیده اند .

روابط تجارتی ایران وهند ـ پیش از این اشاره نمودیم که تا قرن سوم میلادی روابط تجارتی و دوستی مابین حکومتهای مختلفه هندوستان با روم برقرار بوده اما از تاریخیکه ساسانیان بتوسعهٔ بحریه خود پرداختند و قدرت خویش را در بحار مشرق آشکار ساختند سلاطین هند و جزایر خواهی نخواهی بطرفداری ایران تمایل جسته ابواب معاملات را بروی اتباع روم بستند چنانچه در کتابی که پالادیوس Palladius نگاشته حکایت میکند یکی ازعیسویان تبعهٔ روم خواست بدستور سیاحان پیش از خود گردشی در جزیرهٔ سراندیب و سواحل مالبار کرده باشد اما در مالبار شناخته شد که بیگانه است و بزندانش بردند بعداز شش سال که درحبس بود پادشاه مملکت ازحال وی آگاه گشته برهائی اوفرمان داد وهمین نویسنده صریحاً اعتراف مینماید که داد و ستد بحار مشرق تماماً دست ایرانیها افتاده است[۱] درحالیکه چندی پیشتر شرکت ها و تجارتخانه های رومی در سواحل و جزایر هند برقرار وکشتی های ایشان همواره آمد ورفت میکردندوسالانه بیش ازهزارنفر ازسواحل مصر بهآنحدود بسیاحت میآمدند

---

(۱) رنو صفحه ۲۹۲

نخستین بار که در تاریخ ساسانیان با نام هند مصادف میشویم دورهٔ شاپور دوم مشهور به ذوالاکتاف است . در اردوی شاپور ضمن جنگهائی که این پادشاه باکنستانتیوس امپراتور روم میکرد سپاهش علاوه بر ایرانیان مرکب ازاشکرهای دول متعاهده بوده ازآنجمله بسیاری ازقشونهای سلاطین هند با پیلهای جنگی حضور داشتند[۱] عهد بهرام گور نیز به‌سپاهیان هندی که متحد ایران بودند اشاره میشود[۲] در بارهٔ روابط سیاسی و تجاری ایران اسناد مفصلتری که بدست ما هست راجع بدورهٔ انوشیروان میشود . علامهٔ مسعودی هدایای پادشاه بزرك هند ونامهٔ وی را به‌انوشیروان شرح داده است[۳] آنچه که تواریخ عهد ساسانیان بدست میدهد سفرای دول هند غالباً بدربار ایران می آمده وروابط ایشان با ایران خیلی صمیمانه بوده[۴] ضمناً تصور میرود برای اشغال سند و حدود سرحدی ایران گاهی هم مناقشاتی با شهریاران پرکنه های هندوستان روی میداده‌است.[۵] تجارت ایران و هند گذشته از طریق خشگی که تقریباً نظیر جادهٔ کنونی بوده بیشتر بوسیلهٔ دریا صورت میگرفته کشتی های ایران دائماً در سرانديب ، مالبار و سواحل هند لنگر میانداخته اند[۶] مال‌التجارهٔ هند آنچه مصرف ایالات مرکزی بود دربنادر خلیج تحویل میشد امامهم‌ترین بندرتجارت هند شهر ابله یا بهمن اردشیر از بناهای شهنشاه اردشیر ساسانی بودموقع مهم‌آن شهر برای رابطه با هندوستان چنان بود که به تصریح علامهٔ طبری مسلمانان پیش‌از هراقدامی بفتح آنجا کوشیدند تا مساعدت هندوستان را

(۱) راولنسن و آمین و موسی (۲) ایضاً
(۳) مروج الذهب (٤) طبری و ابن‌اثیر در احوال پرویز
(٥) طبری در شرح فتح ابله بدست خالدبن ولید و در احوال بهرام گور
(٦) مسعودی و مسیو رنو

بایران مقطوع سازند . مال‌التجارهٔ چین و هند بعد از ورود به بهمشیر برای فروش به روم به بازارهای سرحدی نقل میشد .

روابط تجارتی ایران وچین - روابط ایران وچین را ممکن است خیلی کهن دانست لیکن راجع به قسمت قبل از میلاد ما اسناد مکفی نداریم . سالنامهای چین درقرن اول میلاد از سفرای دربار آسمانی سخن میرانند که بهند و ایران و باختر مأمور شده اند و نیز سفرای این دول بچین رفته اند[1] یگانه مال‌التجارهٔ پربهای چین ابریشم بود . هرچند برطبق نگارش تاریخ ختن از زمانهای خیلی قدیم مردم ختن و اهالی سغد طریقهٔ پرورش کرم ابریشم را ازچین فرا گرفته بودند[2] لیکن قسمت اعظم ابریشمی که درتمام عالم استعمال میشد محصول چین بود . ازآنجائیکه تجارت خارجی چین را دولت درکف خود داشت فروشندهٔ ابریشم نیز حکومت بود - به شهادت عده‌ای از مورخین دولت خاقانی به صادرات ابریشم اهمیت فوق‌العاده داده آنرا درجملهٔ مهام‌سیاسی شمرده غالباً سفرای مملکت آسمانی ماموریتشان در بلاد خارجه برای تنظیم تجارت ابریشم بود[3] سابقاً اشاره نمودیم که ایرانیان هرگونه وسایل را بکار انداختند که داد وستد ابریشم چین را بخود منحصر سازند چنانچه سالنامهای چینی عهد اشکانیان ازاین‌رویه پارتها شکایت کرده ایشان رامانع ارتباط خودشان با ممالك دیگر میشمارند اما بطوریکه معلوم میشود بعدها دولت ایران با سلطنت آسمانی روابط تجارتی را روی زمینهٔ مرضی الطرفین کشانیده بوده است چنانچه شواهدی در دست هست که جهازات چین مستقیماً

---

(۱) ابل رموزه و مسیو رنو صفحه ۳۴ و ۱۱۵

(۲) ایضاً صفحه ۳۹ (۳) ایضاً صفحه ۱۷۳

به سواحل فرات آمده مال‌التجارهٔ خود را تحویل میداده اند[1] علامهٔ مسعودی مینویسد : (در عهد ساسانیان کشتیهای چین مستقیماً به خلیج و شط‌العرب آمده تجار چینی کالای خود را فروخته امتعه‌ای که میخواستند میخریدند اما در ضمن انقلابات بعد از اسلام چون نسبت بایشان زیادروی بهائی میشد ترك مراوده کردند و فعلا در عهد ما چینی ها و مسلمانان بجزیره «کله‌پاره» که نیمهٔ راه چین است تا شط‌العرب اجتماع کرده معامله مینمایند .) مال‌التجارهٔ چین علاوه برابریشم پاره‌ای ادویه مانند کبابه چینی و بسیاری ازصنایع ظریفه مثل نقاشی وغیره بود[2] اما آنچه که بچین میرفت طلا ، اشجارکریمه و مروارید ، عطریات و حجرالقطن (که در آتش نمیسوزد) وبعضی عصاره‌ها و شاخ کرکدن که بسبب صورتهای طبیعی که در آن یافت میشود بقیمت گزافی میخریدند و منسوجات مختلفه وفرش وغیره[3] تجار ایرانی که از راه خشگی با چین مراوده میکردند در معاودت ازمعادن نزدیك پامیر نوشادر نیز میآوردند[4] وسعت تجارت ایران وچین اواخر عهد ساسانیان بجائی رسیده بود که هزارها مردم بلاد خراسان و سغدیان هرساله بچین میشتافتند چنانچه شهر بیکند که از حملهٔ مسلمانان خراب شد مردمش که از تجارت چین باز گشتند تصمیم گرفتند وطن خود را آباد کنند و بقدری عدهٔ آنها زیاد بود که با سهولت بمقصود نائل شدند[5] حسن پذیرائی فیروز فرزند آوارهٔ یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی ازطرف خاقان چین واجازهٔ بنای آتشکده و نیز روایات مسعودی درحسن عقیده چینیان نسبت بدولت ایران تماماً دلایل روابط صمیمانه دولتین است[6]

---

(۱) رنو و ابل‌رموزه (۲) مروج الذهب

(۳) رنو صفحه ۲۰۱ ومروج الذهب (٤) ایضاً

(٥) تاریخ بخارا تألیف قاضی نرشخی (٦) طبری ومسعودی و ابن‌اثیر

بنادر مهم ایران ـ بنادر مهم ایران درعهد ساسانیان نخستین (بهمن اردشیر) است که اعراب أبله مینامند و ریواردشیر درجنوب بوشهروهرمز اردشیر که اعراب اهواز و سوق الاهواز خواندند و استاباد اردشیر که عرب کرخ میسان نامید و فسا اردشیر در بحرین و بود اردشیر (بوشهر) [۱] و بندر هرمزیه نزدیك بندرعباس حالیه وغیره است . بندر مهم دیگری مقابل عمان بود که اعراب آنرا (سیراف) نامیدند و اهالی آن مشهورترین بحرپیمایان بودند [۲] جزایر خلیج فارس تجارت وسیعی داشته و در منتهای آبادانی بوده است [۳] بنادر مهم دیگر درسواحل عربستان جنوبی وجنوب غربی متعلق بایران وجود داشته که سلطهٔ شهنشاهی را در شبه جزیرهٔ عربستان استوار میساخته است [٤] در کتیبهٔ استخر که برادرشاهپور ذوالاکتاف موقع عزیمتش بایالات شرقی نگاشته ازمستملکات ایران درهند اسمی میبرد [٥] جای شبهه نیست درصورتیکه حکومت شهنشاهی درهٔ سند را تا مصب آن رود تحت تسلط داشته بنادری هم در آن قسمت تحت ادارهٔ ایرانیان بوده است . اشارهٔ طبری براینکه اشغال أبله ازجانب مسلمانان برای جلوگیری ازکمك هند بپایتخت بود ، خود دلیلی است که میتوان تصور کرد در قسمت سند و بنادر آن قوای تابع ایران ساخلو بوده است [٦]

---

(۱) طبری و ابن خرداد به نام های قدیم را ضبط کرده اند

(۲) سیراف نزدیك بندر طاهری بوده است (۳) مروج الذهب

(٤) رنو صفحه ۲۹۲

(٥) نقل از متون پهلوی است ـ الفنستن نیز درتاریخ هند متصرفات ساسانیان را در پنجاب و سواحل هند تصدیق کرده است

(٦) بتصریح الفنستن هنوز درهند بعضی راجه‌ها خود را دختر زاده انوشیروان و دست نشاندهٔ وی میدانند

فصل چهارم

حمایت از تجارت ـ قضای تجارت ـ تأثیر شرق بغرب و بالعکس بوسیله تجارت ـ انتقال و توطن نباتات غیر بومی

حمایت از تجارت ـ موقع ایران وحالت جغرافیائی آن طوری‌است که طبعاً رابط مابین شرق و غرب میباشد هر زمان که در این سر زمین دولت ترقی پرور و تجارت پسندی بوده بآسانی توانسته است تجارت آسیا واروپا را در ایران تمرکز بخشد . دولت ساسانی چون درپی این مقصود بود بزودی موفق گردیده توانست برتری و نفوذ اقتصادی خویش را نمایانیده رقیب بزرگی را مانند روم از میدان بدرکند به شهادت اکثر مورخین قدیم دولت ساسانی با یك خط مشی معین و نقشهٔ متینی که در حمایت تجارت پیش گرفت بکمك هوشمندی و لیاقت ملت خود مملکت ایران را مرکز داد وستد بین المللی قرار داده رشته های بازرگانی شرق و غرب را بدست خویش آورد[1]

قضای تجارت ـ در عهد ساسانیان قضات مخصوص در همهٔ بلاد ونواحی برای رسیدگی بدعاوی مقرر بودند وعلاوه‌برایشان خاندانها وطبقهٔ مخصوصی بکارحکمیت پرداخته عنوان مصلح ومنصف داشتند[2] اما راجع به تجارت هرچند از کم وکیف قضای آن در عهد ساسانیان اطلاع مکفی نداریم ولیکن همینقدرمطلع هستیم ومیدانیم که ملك‌التجار یا (شاه‌بندر) درپایتخت بود ودرسایر ولایات نیز نمایندگانی داشت که آنها نیز به‌شاه‌بندر

---

(۱) رنو و بارتولد روسي و دیگران (۲) هوارد صفحه ۱۹٤

موسوم بودند رسیدگی به شکایات تجار از یکدیگر و حل و فصل قضایای مربوطه به بازرگانی بوسیلهٔ ادارهٔ وی بعمل می‌آمد ـ علاوه بر شاه بندر که بنا به پیشنهاد و رضای تجار از طرف دولت مقرر میگشت (بازار بد) هم منتخب تجار بوده که اعراب (شیخ‌السوق) نامیدند و مشارالیه رهنمای تجار بیگانه و سرپرست بازاری ها بود و دکانهای تازه به‌اجازهٔ او باز میشد و معاملهٔ بیگانگان با تجار محلی بمعرفی و تحت نظر او صورت می‌گرفت و کار دلالها نیز عموماً باو راجع میگشت و یکنفر مفتش از جانب دولت تحت امرشاه بندر مقرر میشد که مأمور احصائیه و سرشماری بود ـ یکنفر مأمور وصول مالیات و یکنفر داور یا حکم نیز تعیین و این جمله سرپرستی تجار و ادارهٔ تجارت را متعهد بودند[۱] ظن غالب آنست که انجمنی مرکب از رئیس‌التجار ومأمور مالیه بهمراهی مأمور احصائیه و مأمور حکمیت یاشیخ‌السوق درمرکز به قضای تجارت میپرداختند و درولایات نمایندگان ایشان موظف بهمین وظیفه بوده‌اند اما هرگاه امری از حدود داوری وحکمیت میگذشت از عهدهٔ آن انجمن خارج و به قضات عمومی رجوع میشد ـ بهرصورت شواهد عدیده دردست داریم که کارهای راجع به‌تجارت وقضای تجارتی عهد ساسانیان غالباً بوسیلهٔ اداره شاه بندری و مابین خود تجار حل و فصل میشده است .

تمدن شرق و تأثیر آن بمغرب و بالعکس ـ منتسکیو مینگارد : نتیجهٔ تجارت ثروت است وثروت زائیده تجمل است وتجمل باعث‌تکمیل فنون و صنایع میگردد پس چون آثار تکامل صنعت و تجمل را در یك زمانی یافتیم آنرا بر توسعهٔ تجارت همان زمان دلیل میگیریم ـ بنابر این تاریخ تجمل قسمت مهم تاریخ تجارت را تشکیل میدهد[۲]

(۱) هوارد ۱٦۹ (۲) روح القوانین کتاب ۲۱ صفحه ٤

در عهدی که ملل قویهٔ آسیا به منتهای تجمل و شکوه زندگانی میکردند اهالی اروپا مانند یونانیان و رومی ها وضع معیشت ساده‌ای داشتند و تدریجاً بعد از مرابطه با مشرقیان زینت و تجمل را آموختند هرودوت در کتاب نهم آنجا که گذارش غارت اردوی سردار ایرانی مردانیوس (مردنیو) راشرح داده مینویسد: مشاهدهٔ صندلی ها و میزها و آن اثاثیهٔ مفضض و مذهب اسباب حیرت پادشاه وسرداران یونانی گردیده هوس کردند یکبار در آنها صرف غذا نمایند و پادشاه اسپارت گفت چگونه یکچنین ملت محتشمی به ما بینوایان طمع می برد - پلوتارك میگوید بستن و گشودن تخت خوابی را که اردشیر هخامنشی به سفیر آتن هدیه فرمود ملازمین یونانی سفیر بلد نبودند ناچار دو نفر ایرانی برای آن کار استخدام کرد - به تصریح اکثر مورخین اروپائی های قدیم برزمین نشسته برزمین غذا خورده بر زمین میخوابیدند اما بعدها استعمال میز و صندلی و تهیهٔ وسایل آسایش و تجمل را از مشرقیان فرا گرفتند[1] پلوتارك تصریح دارد که پریکلس (Pricles) حکمران آتن عمارت اودئون (Odéon) را که ازمهمترین آثارصنعت یونان است ازروی نقشهٔ تالار خشایارشاه دراستخر بنا کرد و نیز ضبط و ثبت وقایع یومیه در روزنامها از خصوصیات دربار شهنشاهی ایران بوده است که بعدها دیگران آنرا تقلید کردند[2]

بعد از تسلط یونانیان خیلی ازآداب بدونیك ایشان میان ایرانی ها معمول گشت و ایشان نیز بسیاری ازقواعد وعادات ملت ایران را تدریجاً پذیرفتند - در آسیای وسطی مدتها زبان و تمدن یونانی سرمشق اعیان و متشخصین گردید اما پس از دوقرن یعنی اواخر عهد اشکانیها ملیت ایرانی

---

(۱) سینیوبوس در تاریخ تمدن صفحه ۲۷۷ و پلوتارك

(۲) هرودوت و پلوتارك و دیگران

باز تفوق جسته دورهٔ ساسانیان آداب ورسوم ملی احیا گشت جزآنکه چون دراینـدوره وسایل مسافرت و آمدورفت کاملتر گردیده تجارت دریا وخشکی توسعه یافته بود تجار وسوداگران ایرانی هرچیز نو و نکوئی را که در بلاد خارجه میدیدند بداخله خود جلب میکردند چنانچه سایرین نیز هرچه را در ایران میپسندیدند ازآن تقلیدمینمودند مثلا رومیها تربیت یوزپلنك را برای شکار و شکار جرگه و ایجاد باغهای وحش و بسیاری از آداب درباری ومعیشت را از ایرانیان فرا گرفتند[۱] ایرانی ها بازی شطرنج را از هند و کاغذ را از چین گرفته با زعفران وگلاب تکمیل و صیقلی کردند[۲] رومیها نظام سوارهٔ ایرانی را مکرر تقلید میکردند[۳] چون اسکندر چنانچه در مقدمه این کتاب اشاره شد حکمت و فلسفه را از ایران ریشه کن کرده بود عهد ساسانیان کتب فلسفه وحکمت از یونانی به پهلوی ترجمه شد ــ بالاخره چنانچه طبیعت بشری است ملل متمدنهٔ آنزمان هرقدر بیشتر با یکدیگر رابطه پیدا کردند بدآداب و روش هم آشناتر گشته هرچه را می پسندیدند تقلید مینمودند والبته آلت عمدهٔ نقل وانتقال رسوم و آداب اقوام علاوه بر لشگرکشی ها، آمدورفت تجار و سوداگران بود .

توطن نباتات بیگانه ـ چون یکی از وظایف دینی ایرانیان توجه بفلاحت و زراعت بود طبعا بیش از دیگران در جلب نباتات و اشجار سودمند از همه دنیا به مملکت خود میکوشیدند ـ طبری تصریح دارد که شهنشاهان ساسانی درآوردن درختهای میوه دار و کشت وکار آنها بذل همت مینمودند ــ پلوتارك میگوید حاکم بابل عهد اسکندر نباتات یونانی را خواسته در حوزهٔ حکومت خود بعمل آورد[٤] و نیز میدانیم که زمان

(۱) پروکوپیوس (۲) راولنسن و هوارد (۳) ایضا
(٤) پلوتارك در احوال اسکندر

ژوستی‌نین اصلهٔ توت دالخور را که برای ابریشم لازم است رومیان میخریدند[1] عهد شاپور دوم زیتون زیادی رومی‌های مغلوب بابت غرامت جنك از شام به سورستان آورده کاشتند[2] زمان انوشیروان نی‌شکر را از هند بخوزستان حمل کرده عمل آوردند . البته قسمت مهمی از درختان وگیاهها در آسیا و اروپا بومی نبوده درنتیجهٔ تجارت نقل وانتقال یافته و کشت* و زرع کرده اند . « بنا بر روایت جمعی از مورخین انگور از مازندران به عالم رفته پسته و بادام و فندق از ایران به اروپا وچین منتقل گردیده زردالو و هلو نیز از راه چین باروپا رفته است »[3]

(۱) دائرة المعارف بریتانیا
(۲) طبری
(۳) تاریخ ایران تألیف سایکس جلد اول صفحه ۳۱

ایران اقتصادی

تالیف

رحیم زاده صفوی

جلد دوم

«اگر مردمان خویشتن بشناسند و چگونگی سرشت وگوهر خود دریابند پیوسته چنان پیشه یا مایه وجاهی جستجو کنند که درخور گوهر آنان باشد»

«از سخنان یزدگرد بزرگ»

یادبود به روان جاویدان سید جلال الدین مؤید مدیر فقید نامه حبل المتین

از قیمت سابق این کتاب بنا به تقاضای عموم تخفیف کلی داده شده و بعد از این بهای جلد اول که هفت قران بود : **بطور مقطوع چهار قران وجلد دوم (ده) قران است**

هر دو مجلد حاوی ۵۰۴ صفحه است

فروشندگان در طهران :

ناصریه	لاله زار	شاه آباد	چراغ برق	شاهپور
کتابخانه ترقی	کتابخانه طهران	کتابخانه ابن سینا	شرکت مطبوعات	کتابخانه مرکزی

کتابخانه خاور کتابخانه شرق

تاریخ انتشار : بهمن ماه ۱۳۰۹

چاپخانه اتحادیه . طهران لاله زار

تشکر از شورای عالی معارف ایران

دانایان معاصر ونسل‌های آینده تصدیق نموده و خواهند نمود که تألیف تاریخ اقتصادی ایران ، باندرت اسناد و مدارك و فقدان هرگونه تشویق و و تأیید اجتماعی و مشکلا ت مدهش دیگر چه خدمت صعب و دشواری بوده خصوصاً در حالیکه تا امروز در هیچیك از زبانهای مغربی و مشرقی کتابی در این باب تألیف نیافته است که لا اقل رهنمای مصنف دومی باشد ـ مؤلف این کتاب تمام این زحمات و رنج و تعب را برای حصول مقصود بزرگ خود با شوق و همت خستگی نا پذیری تحمل کرد بدین امیدکه‌تاریخ مزبور مورد مطالعهٔ هموطنان واقع شده ـ محتویات روح پرور آن حس ملی و وطن دوستی آنان را پرورش داده پژمردگی و افسردگی و نا امیدی را که‌متأسفانه برجان و روان جوانان ما بر اثر تعالیم نا مناسب تسلط یافته است یکجا زدوده ، ذوق جنبش و کوشش و استقلا ل فردی و خدمات اجتماعی را درنهاد آنان تقویت بخشوده ، مردانگی و کوششی را که نیاکان ایرانی در طریق تعالی صناعت و توسعهٔ تجارت و کسب ثروت و جهانگردی و جهانداری از خود بروز میداده اند دستور فرزندان آنها سازد

هر چند تاریخ اقتصادی در ممالك مشرقی لازم وملزوم تاریخ سیاسی است و اهمیتش روز بروز افزوده شده تا امروز بجائی رسید است که بر تاریخ سیاسی برتری گرفته و در جمیع مدارس متوسطه و عالیه تعلیم آن اجباری شده معهذا چون مملکت ایران تا کنون تاریخ اقتصادی نداشته در دستور تعلیمات متوسطه وعالیه نیز طبعاً اسمی ازآن برده‌نشده اینست که شورای عالی‌معارف که‌مرکب‌از دانشمندان‌است‌این کتاب رابعداز مطالعه‌تقدیر نموده عجالتاً تا زمانیکه وزارتجلیله معارف تصمیم جدیدی بگیرند تعلیم آنرا به مدرسه عالی تجارت تأکید کرده‌اند.

مؤلف نسبت به حسن توجه و تقریظ شورای عالی معارف تقدیم تشکر مینماید.

اینك عین تقریظ شورای عالی معارف ایران که از طرف جناب آقای کاتوزیان رئیس دارالانشاء شورا برای مؤلف فرستاده شده ذیلا نقل میشود ،

تقریظ شورای عالی معارف

تاریخ اقتصادی که رویهٔ تجارت مملکت ایران را از اقدم ازمنهٔ تاریخی تا آخر سال ۱۳۰۹ محتوی و موسوم به (ایران اقتصادی) است و بقلم آقای رحیم زاده صفوی در دو جلد تألیف و اخیراً بطبع رسیده مورد مطالعه شورای عالی معارف قرار گرفته و آن کتاب را یکی از آثار مفیده که بزبان فارسی نوشته است تشخیص داده و از هر جهة مورد تحسین وقدر دانی قرار میدهد.

مطالعات و سعی وافری که مؤلف درگرد آوری اسناد پراکنده مربوط باین موضوع و تنظیم و تدوین آن متحمل شده اند و حسن سیاق و تبویب و تفصیل و استدلالات کتاب مذکور در شورای عالی معارف مقبول و بسی مطبوع افتاد .

از این روی قرائت و مطالعه تاریخ مذکور بمحصلین مدرسه تجارت مخصوصاً تأکید میشود وبالجمله کامیابی محقق محترم مزبور را در تکمیل این موضوع که دقیق ترین نکات تاریخ اقتصادی و تجارتی ایران و ملل مجاوره آن را محتوی میباشد خواستار و توفیق ایشانرا در خدمات علمی و معارفی آرزومند است

فهرست مطالب جلد دوم

مندرجات | صفحات

فصل دوم

باب هفتم ـ از عهد شاه اسمعیل تا شاه عباس

فصل اول

فصل دوم

باب هشتم ـ ازتاجگذاری شاه عباس تافتنه افغان

فصل اول

مندرجات | صفحات

باب نهم از فتنه افاغنه تاعهدنامه ترکمن چائی

فصل اول

غلط نامه

با آنکه نهایت خورسندی حاصل است که اغلاط این دو جلد کتاب (با ٥٠٤ صفحه) نسبت بسایر مطبوعات فارسی کم است معهذا از وجود همین اغلاط معدود نیز متأسفیم و از خوانندگان محترم تمنای تصحیح داریم :

					صحیح
				غلط	صحیح
صفحه	١	سطر	١٢	این جامعهٔ	این جامعه
»	٧	»	١٧،١٣،١١،٨	فسقاط	فسطاط
»	٢٥	»	١٤	دایره	دایر
»	٢٨	»	آخر	نظام‌الملك	نظام الملك
»	٤٠	»	٣	گذشه	گذشته
»	٧٥	»	١٨	کد	که
»	٩٥	»	٧	انگلیان	انگلیسان
»	١١٣	»	٩	سوئز	سوئد
»	١٢٠	»	٢١	امتعهٔ	تبعهٔ
»	١٢٦	»	٧	متعقله	متعلقه
»	١٨٠	»	١٧	٢١ تومان	٢١ قران
»	٢٥٢	»	٢٠	باتات	نباتات
»	٣٠٦	»	١٢	رامینو	رابینو
»	٣٤٤	»	آخر	٥٠١/٠	١٥٠/٠
»	٣٥٩	»	١٨	٢٠	٢٠/٠
»	٣٧٤	»	٢١	شمول	مشمول
ایضاً		»	١٦	جا مه	جامعه

باب چهارم

فصل اول

تجارت در آغاز اسلام ـ آزادی تجارت و مصونیت تجار ـ صنایع و محصولات و ثروت بلاد وسیعهٔ اسلام ـ معادن مستخرجه



تجارت در اغاز اسلام

اعراب بادیه نشین درسایهٔ دین حنیف اسلام بر حصه های آباد و متمدن دنیای قدیم فرمانروائی یافتند چون اعراب بجز قرآن مجید دستوری در ادارهٔ مملکت و رسوم جهانداری نداشتند طبعاً هرمملکتی را که متصرف میشدند اداره و تشکیلات سیاسی و اجتماعی آنرا بهمان حالی که داشت وامیگذاردند و هر چند نفر از اهالی که دین ایشان را اختیار میکردند بجامعهٔ اسلامی میپیوستند واین جامعهٔ در حقیقت حکم اردوی مجاهدی را داشت ومعیشت ایشان از مرسومی که خلیفه ثانی برای مرد وزن واطفال جمیع مسلمانان مقرر ساخت میگذشت بعلاوه از غنائم جنگی هم بهرهٔ متساوی میبردند اما مردمیکه بدین سابق مانده بودند قسمت اعظم سکنه مملکت وطبقات فلاح، پیشه ور و سوداگر را تشکیل داده با ادای باجی موسوم بهسرگزیت (جزیت)

مالیانه تحت دولت اسلام آزادی کامل داشتند . بنا بر این احوال حالت تجاری ایران درآغاز سلطنت اسلام چندان تفاوتی باعصر ساسانیان نکرده بود جز اینکه درآنزمان دولتی با تجارب چندین صد ساله نگهبان تجارت و صنعت بوده و در این زمان تجارت و صنعت آن پشتیبان را دیگر نداشت . یعنی مانند عهد ساسانیان یك دولت و حکومت ملی درکار نبود که سر پرست تجار ایرانی بوده برای ترقی تجارت وصنعت ملی یك سیاست ثابتی داشته باشد . اما این حالت چندان دوامی نیافت حکومت سادهٔ اسلامی بعد از خلفای راشدین دگرگونه گشته روزگار پادشاهی بنی‌امیه و وسعت مملکت و مجاورت دولت اسلام از سمتی باروم وممالك فرنك واز جانبی باهند وچین هیئت حاکمه را بلزوم اتخاذ یك سیاست معین اقتصادی ناگزیر ساخت چنانچه بعدها شرح آن خواهد آمد .

آزادی تجارت
مصونیت تجار

هرچند بطوریکه نوشتیم عهد خلفای راشدین سیاست مستقیمی نسبت بحمایت تجارت درکار نبود معهذا امر بازرگانی رونق روز افزون داشت وعلت عمدهٔ آن نیز وجود عدالت و مساوات حقوقی بوده که تا چندین قرن کم و بیش مجری گشته سوداگران ممالك بعیده از مرزوبوم خویش مهاجرت کرده در مملکت اسلام زیر حمایت قوانین عادلانهٔ مسلمانان توطن میگزیدند - برای ارائه نمونه‌ای از مساوات حقوقی درآن زمان ذکر این روایت شاید کفایت کند . وقتی از حضرت علی ابن ابیطالب (ع) سپری در راه مفقود شده یهودی سوداگری آنرا یافت و بحضرت مسترد نمیداشت نزد قاضی بترافع رفتند چون عارض ومعروض

بنشستند قاضی نخست حضرت امیرالمومنین را به کنیتش (یعنی یا اباالحسن) برخواند اما یهودی را باسمش خطاب کرد فوراً آن حضرت اعتراض فرموده برخاستند قاضی حیرت زده پرسید آیا نقصی در قضاوت دیده‌اید پاسخ فرمودند آری تو مرا احترام نهاده به‌کنیت خواندی و اورا باسم و دراینصورت نوعی از طرفداری بروز داده‌ای و یهودی که احترام تو را بمن میبیند جرئت نخواهد کرد تمام دلایلش را برعلیه ادعای من اقامه نماید . تو را میبایست هر دو تن ما را به کنیت بخوانی یا باسم بطوریکه مساوات حقوقی نقض نشود(۱) و نیز از این قبیل است داوری خلیفه ثانی در بارهٔ جبله پادشاه غسانیان چون در ضمن طواف کعبه یکنفر اعرابی جامهٔ پادشاهی ویرا لگد کرده و دریده بود و او سیلی بروی اعرابی نواخته دماغش را شکسته بود خلیفه فرمان کرد پادشاه عارض را خوشنود سازد و یا حاضر برای قصاص گردد جبله که آنچنان دید تحمل مساوات اسلام را دشوار یافته شبانه رو به قسطنطنیه گریخته باز بمسیحیت رجوع کرد .

مختصر آنکه چون پیروان هردین و آئین همینکه تحت حمایت اسلام درمیآمدند جان و مال و آزادی ایشان در اعمال مذهبی و کسب و تجارت قرین امنیت کامل میگشت سوداگران ملل دیگر ازهرجانب به بنادر وتجارتگاههای خاك اسلام مهاجرت میکردند چنانچه از کشور اسپانیا وجزایر دریای مغرب وغیره یهودیان رخت بربسته به‌پناه خلفای اسلام رحل اقامت میافکندند(۲) آزادی و آسایش ملل غیرمسلم مورث رونق تجارت گردیده بلاد اسلام را مرکز ثروت و مدنیت قرار داد .

---

(۱) سبط ابن‌الجوزی . (۲) تاریخ تمدن اسلام .

صنایع و محصولات وثروت بلاد وسیعهٔ اسلام

هنوز از قرن اول اسلام نیمی نگذشته بود که از یك جانب پشت دیوار چین و از سمتی در بلاد اسپانیا و جزایر بحرالروم خطبه بنام خلفای نبی علیه‌السلام خوانده میشد تا زمانیکه مساوات و عدالت و امنیت حقوقی که دیانت اسلام آورده بود از جانب فرمانروایان ملاحظه و مراعات گشته دملل غیر مسلم و بیگانه درحمایت قوانین اسلام با آزادی و اطمینان بکار وکسب خود میپرداختند روز بروز برقوه استحصال ممالك و ولایات تابعهٔ خلافت افزوده اراضی بایرو باتلاقها و غیره آبادان گشته (۱) معادن مختلفه در جمیع ممالك مسلمین بکار افتاده با ادای مالیاتی که شرح آن خواهد آمد از طرف اهل فن استخراج میشد اما وسعت فلاحت وزراعت در عهد خلفا سرمایهٔ شگفتی و حیرت اهل اطلاع میگردد هرچند زمان خلافت بنی امیه بسبب بدرفتاری عمال و مظالم ایشان کار زراعت رو به اختلال گذارد لیکن در دوره عباسیان ویرانیها ترمیم شد و تا روزگاریکه سلوك فرمانروایان و مأمورین دولت بر پایه‌انصاف ودادگری بود ترقی فلاحت و زراعت روز افزون میگشت . اینك برای ارائه‌نمونهٔ کوچکی از توسعهٔ فلاحت درآن عهد مثالی چند ذکر میکنیم . سرزمین عراق عرب که سابق مسلمانان آنرا سواد مینامیدند وایرانیها سورستان میخواندند ودر روزگار ما غالباً صحاری لم یزرع است زمان خلافت بنی عباس صدوبیست ملیون درهم مالیات میپرداخته وهرچند نسبت بدورهٔ ساسانیان تنزل‌یافته بود زیرا در شهنشاهی قباد پور فیروز

---

(۱) تمدن اسلام

صدو پنجاه ملیون مالیات آن بوده است معذالك زمان عباسیان هم در نهایت آبادی بوده چنانچه بتصدیق عامهٔ نویسندگان آن عهد زمینهای بایر امروز که مابین دجله و فرات واقع است از نخلستانها و باغها و اراضی مزروع پوشیده بوده بطوریکه حدود ملکی از ملك دیگر بزحمت تشخیص میشده وتمام ناحیهٔ سواد بواسطهٔ ترعه‌ها و نهرهائیکه ازشط دجله و فرات کشیده شده بود مشبك مینمود (۱) علامهٔ مقدسی در ضمن گفتگوی از شهر های عراق روی سخن را بخراسان معطوف داشته گوید : این شهر ها متعلقات بغداد است اما در خراسان قریه‌های بسیار است که در آبادی بسی برتر از شهرهای عراق باشد و اغلب وقت‌ها خلفای عباسی خراسان را تمامی مملکت خویش میشمرند (۲) ازاین عبارت مقدسی بیاد گفته پلین طبیعی دان دانشمند رومی میافتیم که چندین قرن قبل از اسلام ایالت باختر (بلخ) را دارای هزار شهر آبادان شمرده . هرگاه بقول مقدسی قریه های خراسان به آبادی شهری بوده وجود هزار قریهٔ بزرگ در باختر یعنی خراسان چندان غرابتی ندارد . از نکات فوق می فهمیم که هرچند آبادی وثروت بلاد اسلام مخصوصاً قسمت ایرانی آن متعلق به قبل از ظهور مسلمانی بوده اما فضل حکومت اسلام درآن است که اسباب حصول آبادی و ثروت را که امنیت و عدالت است باز فراهم آورده فلاحت و تجارت را زنده و با رونق نگاهداشته است . حکومت جمهوری روم در آسیای صغیر و یونانیها قبل از اسلام و ترکها و تاتارها بعد از اسلام هرجا که دست یافتند بسبب سلب عدالت ومساوات و محو آزادی و امنیت

(۱) تمدن اسلام صفحهٔ ٦١ (۲) تمدن اسلام و ابن حوقل

بویژه در وطن سیاه طالع ما ریشه فلاحت و تجارت را خشکانیدند و آبادی و عمران را از صفحهٔ این سر زمین برانداختند یعنی از رود سند تا ساحل فرات و از جبال قفقاز و سیحون تا بحر هند و خلیج فارس را که معمور ترین نواحی آسیا بود تدریجاً بروزی نشانیدند که امروزه می بینیم جز قناتهای خشکیده و آبادیهای ویران شده چیزی بنظر نمیرسد . وجود تجمل و زینت در هر عصری دلیل توسعهٔ تجارت و ثروت در همان عصر میباشد و ازاین رو منتسکیو دانشمند فرانسوی تاریخ تجمل را رکنی از تاریخ تجارت میداند بنابراین برای تکمیل این ماده مثالی چند هم از ثروت و تجمل فردی مسلمانان بیان میکنیم . شکوه و ثروتمندی خلفا و درباریان ایشان وعمال دولت درعهد بنی عباس شهرت عظیم دارد و ما از تذکار آنها صرف نظر کرده در اینجا فقط شواهدی میآوریم که به غیر عمال دولت یعنی بمتوسطین وسوداگران راجع شود . یکی از گوهر فروشان بغداد مشهور به ابن الجصاص یعنی پور کچکار درسال ۳۰۲ هجری اموالش تقویم شد بیش از بیست ملیون دینار یا چهارصد ملیون درهم بوده تاجر دیگری در بغداد موسوم به محمدابن عمر عایدی سالیانه املاکش دو ملیون ونیم درهم بوده . در شهر استخر خاندانی معروف به آل حنظله بود که عایدی املاکشان سالی ده ملیون درهم بود . عمرابن عینیه یکی از افراد این خاندان یکملیون ببهای چند قرآن داده آنهارا بشهر های اسلامی هدیه فرستاد . در بندر سیراف ساحل خلیج فارس نزدیك بندر طاهری امروزه عده زیادی ازتجار برمی شمردند که ثروت هریك ازایشان بیش ازشصت ملیون درهم بود . و همهٔ آن اموالرا از تجارت عود وعنبر و کافور وجواهر

و خیزران و عاج و آبنوس و غیره تحصیل کرده بودند. یکی از تجار سیراف سی هزار دینار بمصرف ساختمان یك خانه رسانید و تاجر دیگری ثلث مالش را بامر خیری وصیت کرد که یکملیون دینار یا بیست ملیون درهم بود (۱) یکی از تجار بصره موسوم به حسن‌ابن عباس که کشتیهایش بهندوچین مسافرت میکرد سالی صد هزار دینار بابت ده یك کشتیها بدولت مالیات میداد (۲) و از این معنی میزان خرید وفروش و منافع سالیانه اورا قیاس توان کرد. اهمیت صنعت و رواج صنعتگری در بلاد اسلام چنان بود که فقط شهر فسفاط در مصر که بنای آنرا خود مسلمانان کرده اند هفتاد هزار اوستاد صنعتگر داشته و هر صنعتگری چند تن شاگرد بکار میگماشته معهذا یکی از سیاحانیکه اواخر قرن سوم هجری به فسفاط وارد شده میگوید بصنعتگری حاجتم اوفتاد وهرچه جستجو کردم یکی را بیکار نیافتم (۳) در شهر بغداد خانه هائیکه قیمت ساختمان آنها بچند ملیون بالغ میشد متعدد بود در شهر فسفاط بواسطهٔ ازدحام جمعیت خانه های پنج وهفت طبقه میساختند و بسا بود که در یك‌خانه دویست کس منزل گزیدی و مصارف ساختمان بعضی از این خانه ها بهفتصد هزار درهم بالغ میشدی در تجمل مسلمانان آن عصر روایت‌ها بما رسیده از جمله مردی از اهل فسفاط سیصد رختخواب جزء اثاث‌البیت خود داشت. قضاعی مورخ گوید در جزء جهیز دختری از فسفاط هزار بند شلوار بود که هرکدام را ده دینار یا دویست درهم بها مینهادند که کلاً ده هزار دینار یا دویست هزار درهم میشود وسایر

---

(۱) تمدن اسلام ص ۱۳۳ (۲) تمدن اسلام و ابن‌حوقل

(۳) تمدن اسلام

اسباب اورا بر این قیاس توان کرد (۱) در شهر بصره و سیراف که مرکز تجارت مسلمانان ایرانی بود حکایات عجیبی از ثروت اهالی ذکر شده که بعضی از آنها با اسناد متعدد و موثق بما رسیده است مثل خبر هدایای ابومحمد کسلان تاجر اهل بصره که به هارون الرشید تقدیم واهل خبره از تقویم آن عاجز ماندند و اخبار دیگری از ثروت سکنهٔ جزایر خلیج فارس مثل جزیرهٔ کیش و غیره که باعث طول کلام است و در اینجا مورد ذکر ندارد .

معادن مستخرجه درخراسان معادن طلا و نقره فیروزه ومرمرگل مختوم نشادر زیبق کار میشده . در ماوراءالنهر طلا و نقره و زیبقیکه هیچیك از معادن زیبق دنیا بخوبی وفراوانی آن نداشته در بلاد فارس وخوزستان معادن نقره آهن سرب گوگرد نفت مس زیبق ودر جانب غربی اصفهان معدن سرمه بوده و در ایالت کرمان شهر دمندان معدن طلا و آهن ومس و نشادر نزدیکی آن شهر بوده در سواحل افریقای شمالی غوصگاه مرجان بوده و مقدار بسیاری ازآنجا مرجان بدست میآمد . چنانچه از یك غوصگاه بیش از پنجاه زورق بار میگرفتند ودر هر زورق بیست رطل مرجان بود در سوریا معدنهای آهن وجود داشته در فلسطین مرمر و ارغوان گوگرد و در صعید مصر معادن شب یمانی بوده اعراب از این معادن آنرا استخراج وباسکندریه برده به تجار رومی می فروختند هرساله دوازده هزار قنطار از آن میفروختند هر قنطاری (۲) به ٤ تا ٦ دینار و همچنین از بندر نطرون

---

(۱) تمدن اسلام جلد دوم

(۲) قنطار ۱۲۰ رطل بوده و رطل مطابق قاموس ۱۲ وقیه است که از قرار هر وقیهای ٤۰ درهم ٤۸۰ درهم میشود .. اما درهم بوزن اصلی آن

واقع در صحرای غربی نیل همه ساله ده‌هزار قنطار شب یمانی بیرون میآوردند . در ملك نوبه مقابل اصوان معدن طلای مشهوری بوده . ابن‌حوقل گوید این معدن از اراضی مصر نباشد بلکه در سرزمین بجه واقع است معدن زمینی هموار و شن زار است و محل اجتماع تجار در ولایات (علاقی) است در بلاد غرب ناحیهٔ سجلماسه معدنهای طلا و نقره بوده وهمچنین تا نواحی سودان یافت میشده در صعید مصر سمت جنوبی نیل درصحرای دور دست معدن زبرجد بوده در بحرین وخلیج فارس غوصگاه مروارید ودر صنعا ویمن معدن‌عقیق در ینبوع و مروه معدنهای طلا و برسواحل عدن عنبر پیدا میشده است . (۱)

فصل دوم



طرز استخراج معادن ـ تجارت ایران نسبت بسایر بلاد اسلام ـ وضع تجارت در داخله

طرز استخراج معادن

معادن در دولت خلفا بر دو قسم بود معادنیکه مواد آن آشکار بود چون معدن سرمه و نمك و قار (قیر) و نفت و امثال آن اینگونه معادن را اجاره نمیدادهٔند و هرکس آزاد و ذیحق بوده در آنها کار کنند و هرقدر میخواهد برگیرد . قسم دوم معادنی که مواد آن پنهان

---

۱٤ قیراط و زمانی ۲۲ قیراط بوده هر قیراطی پنج جو است بعدها درهم را ملل مختلفه باوزان گوناگون اطلاق کرده اند

(۱) تمدن اسلام جلد ۲

بوده است چون طلا و فلزات دیگر و غیره اینگونه معادن را دولت بکسانیکه مایل بوده اند وامیگذارد و از مواد مستخرجه یك خمس حق دولت بوده . گاهی معدنیرا به‌تیول اشخاصی میداده‌اند وقانون اجاره نیز معمول بوده چنانچه معدن فیروزه نیشابور دراواسط قرن چهارم هجری ۷۵۸۷۲۰ درهم مال‌الاجاره سالانه داشته است (۱) و معدن شب یمانی واقع در ناحیه نظرون غربی نیل به ۱۵۵۰۰ دینار سالانه اجاره داده شده بود (۲)

تجارت ایران نسبت بسایر ایالات اسلام

مملکت ایران نظر بموقع مهم وعظمت و ثروتیکه داشت و بسبب هوشمندی و کاردانی اهالی پیوسته مطمح نظر خلفای راشدین بوده چنانچه بزرگترین رجال اسلام را به اقامت ایران مأمور ودو شهرکوفه و بصره را برای تمرکز مسلمین درخاك ایران بنا نهادند و حضرت علی ابن ابیطالب امیرالمؤمنین پایتخت اسلامرا بکوفه نزدیکی مداین تختگاه سابق ایران نقل فرمودند تا بهتر بەادارهٔ امور این کشور رسیدگی شود خلفای عباسی که دولت ایشان بهمت ایرانیان استوار گشت پایتخت را در بغداد پهلوی مداین از قسمت شمال مقرر داشته ازهرجهت بتقلید شهنشاهان گذشته ایران پرداختند . مسیونولدکه آلمانی و دارمستتر فرانسوی گوید طرز تشکیلات و اداره و تمدن ایران بطوری چشم اعرابرا خیره ساخت که قدم بقدم آنرا سرمشق ودستور خود قراردادند ومدنیت روم (بیزانس) نسبت بایران بدیدهٔ مسلمانان نمودی ننمود . پس جای شگفتی نیست که در زمان عباسیان همانطوریکه زمام

---

(۱) تمدن اسلام

(۲) تمدن اسلام جلد دوم صفحه ۷۰

سیاست درکف وزراء و رجال ایران افتاده بود رشته های تجارت وکسب ثروت نیز بدست ایشان افتد مورخین عرب متفق‌القول هستند که ماهرترین بحر پیمایان اسلام ایرانیان خاصه سکنهٔ سواحل خلیج فارس و اهالی سیراف بودند که بگفتهٔ مسعودی جمیع دریاها را به نیکوئی شناخته بلدیت تامه داشتند وکشتیهای ایشان برای حمل ونقل مسافر و مال‌التجاره مورد اطمینان عامه بوده (۱) قسمت اعظم تجارت هندوستان وچین بوسیلهٔ ایرانیها انجام می پذیرفت و نیز از سمت شمال با ملل اسلاو وروسیه واز شمال شرقی با تبت ومغولستان کاروانهای ایرانی مرابطه داشتند (۲) در باره جهانگردی و تاجر پیشه‌گی ایرانیان ساحل نشین عهد اسلام مثل زده میگفتند بصریان و خوزستانیان از تمام مردم در طلب سود دورتر روند چنانکه هرکس از جانب مشرق به فرغانه اندر شود و از جانب مغرب به سوس اقصی در آید ناچار یك تن از اهل بصره یا از مردم خوزستان یا از اهالی حیره در آنجا بیابد (۳) واقعاً ایرانیها از اینجهت جای نشین فینیقی های قدیم شده بودند که یك زمانی نظیر این مثل نسبت بایشان هم صدق میکرد . باید متذکر بود که در آنزمان سکنهٔ اصلی بغداد و بصره و موصل و سایر نقاط بین النهرین ایرانیان بودند و عنصر ایرانی از سمتی تا سرحد حلب و دیار بکر و از جانبی تا حدود نجد همه‌جا برغیر ایرانی غلبه داشت چنانچه درقرن سوم هجری هنوز صد هزار خاندان از طبقات ممتازهٔ ایرانی در بین‌النهرین بشمار میآمدند (٤)

---

(۱) مروج الذهب دراحوال خلیج فارس ـ

(2) Sentenaire d'Ecole des Langues Orientale.-Paris P. 5

(۳) تمدن اسلام صفحه ۱۳۷ (٤) ابن خرداد به

از آنجائیکه مرکز خلافت و سلطنت در ایران بوده ثروت و تجمل و شکوه و زینت در اطراف کرسی خلافت و درباریان و عمال دولت گرد میشد و مشتریهای بزرگ امتعهٔ پربها این طبقه بودند مردم مملکت برای سود بردن به سفرهای دور ودراز و تحمل مخاطرات دریا و خشکی تشویق میشدند وهمچنین سوداگران ملل دیگر نفیس ترین امتعه خود را برداشته بجانب بغداد میشتافتند و این سبب بود که ایران را مرکز یك جنبش عظیم تجارتی گردانید . حرکت بزرگ تجارت در عهد هارون‌الرشید و پسرش مأمون باعلی مدارج ارتقاء رسید وهرچند جوشش آن با ضعف خلافت و قوت ترکان وایجاد ملوك‌الطوایف رو بضعف گذارد لیکن تا حملهٔ مغول باز اهمیت خودرا حائز بود و واردات و صادرات ایران و معاملات اقتصادی در این مملکت نسبت بسایر بلاد اسلام برتری داشت

وضع تجارت در داخله

در داخله بلاد اسلام تجارت آزاد بود جز آنکه عوارض گمرکی و باج راه داری و غیره بر طبق عادتیکه هر کشور قبل از اسلام داشت بعدها نیز معمول و مجری ماند .

عوارض گمرکی بدوگونه بوده یکی آنکه در سرحدات مملکت یا در بنادر از مال‌التجارهٔ وارد می‌ستاندند دوم باجهائی بود بنام گمرك یا راهداری که در داخلهٔ مملکت در شهرها و در حدود دو ولایت از مال‌التجاره دریافت میشد و این هردو نوع تا قرون اخیره درایران ودر ممالك دیگر مشرق ومغرب معمول بوده گمرکهای داخله درایران تاسال ۱۳۱۹ که تعرفهٔ گمرکی مقرر شد مرسوم و از آنزمان ملغی

گردیده دفاتر منظم گمرك در سرحدات تاسیس یافت در دولت اسلام باجهای گمرکی اززمان خلفای راشدین بعد از تصرف مصر وشام مرسوم گشت (۱) اما تا زمان اقتدار بنی‌عباس این قبیل مالیاتها هنگفت نبود فقط از آغاز ضعف خلافت و اقتدار ولاة عامل های خراج هر اندازه میتوانستند بر مال‌التجاره عوارض تحمیل میکردند چنانچه بروایت ابن‌حوقل از مال‌التجاره ایکه از اطراف آذربایجان بنواحی ری حمل شدی و همچنین از بردگان و چارپایان و گاو و گوسفند در عرض سال یکمیلیون درهم باج حاصل آمدی در بعضی از بلاد اسلام قاعدهٔ انحصار نیز نسبت بپارهٔ متاع جاری بود چنانچه شمس‌الدین مقدسی اواسط قرن چهارم آنچه را که در مصر شخصاً دیده مینویسد : بافتن و فروش جامه های زمستانی در مصر برای قبطیان ممکن نباشد و باید دردست دلالان معین ومحدود بفروش رسد ومأمورین سلطانی هرچه‌را فروخته شد در دفاتر خود ثبت میکنند از آن پس متاع را نزد کسی برند که آنرا در پیچد ودیگری با تسمه بر بندد و سومی در سبد گذارده چهارمی بار خود بندد و هریك از این اشخاص حقوقی جداگانه از دولت مقرر دارند و میستانند و نام و علامت خویش بر روی متاع مینویسند . تمام کشتیها هنگام حرکت تفتیش میشوند ـ اما اینگونه باجها در سرتاسر مملکت اسلام یکسان نبوده بعضی نقاط اصلاحق‌العبور بر ارزاق نمی بسته اند و جاهای دیگر مانند مصر بهرخیك روغن یکدینار گمرك تعلق میگرفت و در یمن از هربار گندم نیم دینار باج می‌ستاندند و مقدسی گوید تجار یمنی ثلث مال‌التجاره خود را بابت گمرك بحکومت میپرداختند

(۱) تاریخ تمدن اسلام جلد دوم

چنانچه قبلاً تذکر دادیم رواج بزرگ این قبیل عوارض از هنگام ضعف خلافت و سلطنت مرکزی آغاز گشت و با پدیداری ملوك الطوایف رو بفزونی گذارده هرجا نسبت باندازه تحمل مردمان ومیزان انصاف وعدالت عمال و ولاة باجی برمال‌التجاره تحمیل میشد

در بنادر از مال‌التجارهٔ وارده حقوقی اخذ میشد بدین ترتیب که ده یك یا ده درصد از محمولات تجارتی کشتیها حق دولت بود و اینقبیل عوارض را (مکس) مینامیدند ـ مثلاً شهر عدن درقرن چهارم دویست هزار دینار بابت ده یك (مکس) کشتیها عایدی سالانه داشت(۱) و در سالهای ضعف خلافت بغداد شهر سیراف مبلغ ۲۵۸ هزاردینار از همین بابت بخزانه میفرستاد البته اضعاف آنرا عمال و ولاة حیف ومیل میکردند (۲) گمرك کشتی‌ها در زمان قدرت خلافت یك ممر عایدی عظیمی بوده زیرا تجارت بحری به منتهای وسعت رسیده بود چنانچه یکنفر تاجر موسوم به حسن‌ابن عباس مقیم بصره که کشتیهایش با هندوچین رابطه داشتند سالانه صدهزار دینار بابت دهیك بدولت میپرداخت (۳) طبیعی است که امثال این تاجر چنانچه در فصل دیگر نوشتیم متعدد بوده اند از قرار اشاره بعضی مورخین عوارض موسوم به مکس در همه‌جا یکسان نبوده ومخصوصاً زمان ضعف مرکز وخودسری ولاة در بعضی نقاط از قاعده تجاوز میشده چنانچه مقدسی گوید در یمن ثلث مال‌التجاره بعنوان مکس عاید دولت میشود .

---

(۱) تمدن اسلام جلد دوم (۲) ایضا (۳) ایضاً

فصل سوم

روابط مسلمین با چین ـ تجارت باهند ـ تجارت با بیزانس و روم و اروپا ـ تجارت اسلام با ممالك فرنگ

روابط تجارتی مسلمین با چین

بطوریکه در باب گذشته نگاشتیم روابط تجارتی ایرانیان و چین به نهایت وسعت رسیده بود اما بعداز سقوط ساسانیان بواسطه جنگهای دائمی مسلمانان در خراسان و ترکستان راه خشکی از اهمیت سابق افتاده بود طریق دریا نیز چون دولت چین با دربار خلافت مناسباتی نداشت برای چینی ها چندان اطمینان بخش نبود فقط ایرانیان زرتشتی مذهب تحت شرایطی میتوانستند بخاك دولت آسمانی وارد شوند سببش‌هم آن بود که فیروز فرزند شهنشاه یزدگرد سوم را خاقان چین باهمراهانش پناه داده باو و پسرش مساعدت میکرد وچندین بار ایشانرا بحدود ایران فرستاد شاید کشور موروث را از مسلمانان باز ستانند واجازت بنای آتشکده درخاك چین به وی ارزانی داشت(۱) وایرانیهائیکه بمعیت شاهزادگان درخاك چین اقامت گزیدند در مراودهٔ با هموطنان خود بااطلاع اولیای دولت خاقانی آزاد بودند . سال ۹۶ هجری بعدازآنکه قتیبة ابن مسلم به‌ترکستان تاخته تا کاشغر سرحد چین را مصفی گردانید خاقان چین خود را ناگزیر دید بامسلمانان رابطه دوستی بهم‌رسانیده از پیشرفت ایشان بداخله مملکت جلوگیری کند لذا برای قتیبه هدایا

---

(۱) قرنیهٔ مدرسه السنهٔ شرقی پاریس و ابن‌اثیر

کله پاره در بحر الجزایر اقیانوس هند اقامت گزیده با تجار مسلمان متاع خودرا مبادله میکردند.(۱) اما مسلمین ایران بعداز آنکه درنتیجهٔ فترت ها از دریا نوردی باز ماندند بیشتر از راه خشکی بخاك چین آمدورفت میکردند.(۲) متاع مهمیکه ازچین بایران وسایر ممالك اسلام وارد میشد و در فصول گذشته ذکر نشده عبارت است از چائی ختائی و ظروف چینی و نیز مسلمانان عرق (جوهر شراب) را از چینی های شمالی فرا گرفتند (۳) باید دانست مسلمانان قسمت شمالی چین را ختا مینامیدند وچون چائی درآن قسمت میروئید چائی ختائی مشهورشد،

تجارت با هند

رابطه تجارتی مسلمانان با هند از صدر اسلام و اوان تصرف ایران آغاز شده و بمنتهای وسعت و اهمیت رسیده‌است پیش‌ازاواخر قرن اول هجری که ایالات سند ومولتان رسماً بصورت یك کشور اسلامی در آمد کاروانهای تجارت از راه قندهار بهم پیوسته بازرکانان مسلمان تا اقاصی بلاد هند و درممالك مختلفه آن سرزمین مرفه‌الحال مشغول کسب وتجارت شدند علامهٔ مسعودی راجع به اول قرن چهارم مینگارد مشهورترین دولتهای هند سلطنت پادشاهان بلهزی است که پایتخت ایشان شهر مانکیز است و درمملکت بلهزی (٤) مسلمانان عدهٔ زیادی هستند و دولت بایشان حرمت گذارده در عزت و امنیت میباشند . وجوامع ومساجد آبادان دارند علت عمده ادامه و توسعه تجارت مسلمانان درممالك مختلفهٔ هندوستان آنست که هر یك

---

(۱) مروج‌الذهب (۲) حبیب السیر

(۳) منتظم ناصری سال ۲۳۷

(٤) سلطنت بلهزی زمانی از حدود بنگال تا حدود دهلی و تا نواحی مرکزی هند را مالك بوده است.

از پادشاهان آن اقلیم اگر با دولت اسلام بجنگ اندر میشدند مسلمانانیرا که درخاك ایشان بودند آزار وزحمتی نمیرسانیدند زیرا امرای اسلام که در حدود هند حکمرانی داشتندچه هنگام‌صلح وچه درجنك هندوهارا تهدید میکردند هرگاه به مسلمانان و منازل و مساجد ایشان صدمه‌ای وارد کنند آنها نیز نسبت به معابد هندوها معامله متقابله روا میدارند و چون بزرگترین معبد ها وازجمله بتکدهٔ مولتان در تصرف مسلمانان بود اینگونه تهدید مؤثر افتاده جان‌و مال افراد و اقلیت های مسلمین مقیم هند محفوظ میماند (۱) وضع معامله درهمه ممالك هند یکسان نبود زیرا در بعضی کشورها سکه زروسیم رواج داشت همچون مملکت بلهری که بآن اشاره شد اما در بعضی دیگر چنانچه علامه مسعودی تصریح دارد بجای سکه نوعی از صدفهای دریائی که صیدش منحصر بدولت‌بود الت‌مبادله محسوب میشد(۲) چنانچه دردولت رهمی که‌مطابق تعریف مسعودی در شرق هند واقع بوده و در بسیاری از جزایر اقیانوس هند عادت براین منوال بود اما چون واردات در همهٔ هند کمتر از صادرات بوده و تجاریکه از خارجه میآمدند بیش از آنچه میفروختند خرید داشتند داد وستد خارجی بنفع هند تمام میشد و نبودن سکه دربعضی ممالك هند سکته‌ای بمعاملات نمیرسانید در روابط مسلمین باهندوستان راه خلیج فارس نیز نهایت اهمیت را حائز بود درشهرهای سیراف وبصره دائماً صدها کشتی باما‌ل‌التجاره هند وجزایرلنگر انداخته بودند . بعضی از تجار بزرگ برای کشتی رانی در اقیانوس هند وشرق

(۱) مروج الذهب

(۲) و نیز الفنستن در تاریخ هند میگوید نقاطی‌که صدف بجای سکه رواج بوده فعلا جزء ایالات دکن ومیسور و بنگال در سواحل شرقی شبه جزیره واقع است .

اقصی با نزدیکان و معتمدین خوذ شرکت ها تأسیس میکردند مانند شرکت عبدالرحیم ابن‌جعفر و اخوانش احمد و عبدالصمد در سیراف و محمدابن (زندبود) و امثال وی که همگی مسلمین ایرانی نژاد ساکن سیراف و بنادر دیگر خلیج بودند (۱) کشتیهای مسلمین که از بصره وسیراف یا سنجار شهر مهم عمان لنگر میکشیدند آنها که با سند وهند غربی و شمال غربی تجارت داشتند درنزدیکی شهر دبیل که در مصب رود مهران (سند) بوده وارد آن گردیده طول شط مهران را گرفته بشهر منصوره میآمدند که پایتخت دولت اسلامی سند و در قرن اول هجری بنا شده بود جهازاتیکه با هند جنوبی و جزایر کلاه پاره ونارگل و زایجات تجارت داشتند مستقیماً به جزیره سرانديب رفته بعد از توقفی در سواحل آنجا بمقصد خویش رهسپار میشدند عدهٔ تجاریکه با هندوستان و جزایر اقیانوس رابطه داشتند در بنادر خلیج فارس بصدها نفر بالغ میگردید که‌همگی ازمعتبرین بوده ثروت ایشان به ملیونها میرسید امتعه و محصولیکه بیشتر مایهٔ معامله سوداگران بوده دراین قسمت مروارید عقیق یاقوت الماس سنباده طلا نقره مشك عنبر عود و انواع عطریات و چوبها برای بنا و خراطی وچوب مشهور به دارزنگی وخیزران و آبنوس و بعضی بافته های لطیف از حریر و کتان وشاخ کرگدن وکافور وعاج و فلفل و ادویه و غیره میباشد اما صید مروارید بیشتر در اطراف بحرین و جزیرهٔ خارك وسرانديب میشد عنبر اکثر درسواحل شرقی افریقا یا درجزایر نارگل از دریا بدست میآمد و بهترین عنبرها آن بود که نهنگ موسوم به (اوال)

---

(۱) مسعودی

بلعیده و بعدها ازشکم آن بیرون میآوردند وکافور خوب ازجزایر قیصور میآوردند وطلاهای آن کشور نیز حمل ونقل میشد ودرمقابل اهالی آنجا آهن و پارچه های بافته میخریدند از جزایر کله پاره و جزایر مَهراج سرب و نقره و طلا وکافور و انواع ادویه عطریات و عود و قرنفل و صندل و جوزبوا و قاقله و کبابه و غیره خریداری میشد و این جزایر در منتهای ناحیهٔ جنوبی هند و ابتدای بحر چین واقع است از تعریف علامهٔ مسعودی چنین برمیآید که مسلمانان بامجمع‌الجزایر استرالیا روابط تجارتی داشته اند واین جزایر تحت حکومت مهراج بوده که نام خانواده شهریاران آن جزایر است (۱)

تجارت با بیزانس و روم غربی و اروپا

تجارت مسلمانان از آغاز اسلام با مملکت بیزانس (قسطنطنیه) دایر بوده انواع پارچه‌های ظریف و اطلس و دیبا و پرنیان (۲) و آلات و اسباب فلزی و بعضی داروها از روم شرقی بممالك اسلام وارد میشد و در مقابل ادویه و محصولات هند ومصنوعات ایران وشام و محصول مصر وغیره که جزء بلاد مسلمین بوده به بیزانس میبردند ــ درباب گذشته توضیح دادیم که تجارت روم با شرق بضرر آن ملت تمام میشد و صادرات ممالك روم بمشرق خیلی کمتراز واردات مشرق بروم بود. در آغاز اسلام که تجارت مسلمانان باروم رواجی گرفت چون هنوز خلفا رسماً بضرب سکه اسلامی نپرداخته بودند پول رایج‌المعامله یا سکه های شهنشاهان ساسانی بود که هنوز در دست مردم معامله میشد و یا سکه های رومی بود . اما مسکوکات

---

(۱) مسعودی ـ در مروج الذهب (۲) کامل ابن اثیر

ساسانی چون تجدید نمیگشت روزبروز رو به نقصان رفته پولهای رومی جای آنرا میگرفت. رواج سکه رومی در مملکت اسلام برای آندولت سود بزرگی داشت و تصور میرفت فوایدیکه رومیها از بابت عیارسکه وخرید وفروش طلا وضرب آن میبردند تا حدی خسارات حاصله از واردات را جبران کند اما در عهد عبدالملك مروان مسلمانان به مفاسد آن برخوردند و در صدد ضرب مسکوکات بر آمدند. دولت روم قبلا مبلغ خطیری بخلیفه هدیه میداد که از این قصد منصرف کردد. ولی او نپذیرفت ورومی ها چون ازنتائج تطمیع مأیوس شدند عبدالملك را بدان تهدید نمودند که اگر بضرب سکه پردازد آنها درسکه های خود لعن وسب بحضرت رسول (ع) نقش خواهند کرد. اما این نیز مؤثر نیافتاد وعبدالملك بمشورت حضرت امام محمدباقر (ع) وضع مسکوکات اسلامی را بر بنیادیکه جای دیگر نکاشته میگردد بنهاد و در تمام بلاد وسیعه اسلام مقرر شد جز سکه اسلامی رایج نباشد و وارد کنندهٔ پول اجنبی مجازات سخت یابد (۱) بعد از این واقعه تا مدتی تجارت اسلام و روم معطل ماند زیرا مسلمانان از خریداری بافته های رومی نیز اجتناب میکردند چون عادتاً در حاشیه آنها علاوه بر نام کار خانه (پدروپسر وروح القدس) (۲) نقش میشد ومسلمین ازبیم آنکه نوشتها مطلب مذمومی باشد از معاملهٔ امتعهٔ رومی کراهت داشتند تا پس از مدتی رومیها بقبول سکه اسلامی تن در دادند و مطابق معاهده ای جداکانه در اواخر عهد عبدالملك روابط تجارتی تجدید گشت (۳)

---

(۱) مقریزی در کتاب (السکة والاسلام) و ابن‌اثیر

(۲) ایضاً مقریزی (۳) تمدن اسلام و منتظم ناصری و ابن‌اثیر

وپس از آنکه جزایر دریای مغرب مانند قبرس ورودس وسیسیل وغیره بتصرف مسلمانان درآمد در حقیقت مملکت بیزانس از هرجانب محصور مسلمانان گردیده تجارت مدیترانه بایشان تعلق گرفت ومردم قسطنطنیه و سایر ایالات روم امتعهٔ شرق و غرب را از مسلمانان میخریدند. هنگامیکه دولت روم باخلفای بغداد درجنگ بود و راه تجارت شرق بریده میشد رومیها بوسیلهٔ مسلمانان اسپانیا و جزایر مدیترانه امتعهٔ شرق را تحصیل میکردند زیرا مابین خلفای فاطمی مصر وخلفای اموی اسپانیا با خلفای عباسی بغداد رقابت دائمی برقرار بود

بعد از وقوع جنگهای صلیبی که مدت دویست سال ایالات سوریه و فلسطین و سواحل شمالی فرات و قسمتی از اناتولی میدان جدال اروپائی ها با مسلمانان بود راه تجارت مشرق زمین و بیزانس بسوی مصر افتاد زیرا آن مملکت که در تصرف خلفای فاطمی بود بیشتر در حال صلح میزیست و محصولات شرق که در بنادر بحر احمر بخشکی نقل میگشت در سواحل نیل و اسکندریه بکشتیهای عازم روم و اندلس تحویل میشد و باز از قرن هفتم هجری ببعد که دست تصرف اروپائیان صلیبی از شام کوتاه گشت جادهٔ ایران و اناتولی و شام بحال سابق برگشته بنادر ازمیر واسکندرون وغیره مرکز امتعه‌ای شد که ازهند وایران باروپا برده میشد(۱) درمواقع امنیت امتعهٔ هند نیز از آن راه برای قسطنطنیه صرف میکرد اما تجار ونیز (Venise) وژن (Gênes) راه شام را برای تجارت مشرق زمین برآناتولی ترجیح مینهادند زمانیکه سلطنت سلجوقی ها تا به سواحل سوریه امتداد یافت چون مابین

(۱) Marco Polo

جمهوریهای تجارت پیشه ژن و ونیز درباره حکومت بعضی جزایر و کشتی رانی‌دریای مغرب(مدیترانه) با آن دولت مناقشه بوده وهمچنین بادولت خلفای فاطمی مصر نیزروابط آنها دائماً تیره‌بود عبور کاروانهای اروپا ــ مشرق از خط شام یا مصر به مشکلات برخورد وازاین پیشآمد مملکت بیزانس استفاده‌کرد زیرا کاروانهای اروپا وشرق بدریای‌سیاه و بوغازها منتقل گشت و درحقیقت زمام تجارت از کف ژن و ونیز درآمد (۱) و بعقیده بعضی از مورخین یکی از علل مشارکت جمهوری های تجارت پیشه مذکور در جنگهای صلیب همین قضیه بود زیرا با داشتن متصرفاتی در شامات باز رشته تجارت هند و اروپ را بدست میگرفتند اما جنگهای صلیب این نتیجه را نبخشید چه محاربات دائمی صلیبی ها و مسلمانان قریب دوقرن راه شامات را از اهمیت سابقش انداخت .

تجارت اسلام با ممالك فرنك

دردریای مغرب یا مدیترانه مسلمانان تجارت وسیعی داشتند و بعد از آنکه جزایر قبرس رودس و سیسیل و کورس و غیره بتصرف مسلمانان درآمد برای بحریه اسلام تکیه‌گاههای بزرگی تشکیل یافت بطوریکه میتوانستند بدون وحشتی ازدزدان دریائی و رقبای ایتالیائی خود طول مدیترانه را در نوردند .

در مدیترانه مهم ترین قوای بحری مسلمانان نخست جهازات مصر بود وپس‌از آن بحریه اندلس بمیدان آمد که در قرن سوم وچهارم هجری به نهایت وسعت و قوت رسید مشهور است که عبدالرحمن

(۱) Esquisse de l'Histoire Universelle par H. G. Wells P. 328

ناصر سلطان اموی اسپانیا کشتیهائی ساخت که ازحیث بزرگی و استواری تا عصر وی نظیرش ساخته نشده بود (۱) ومقصود از ساختمان این کشتیها آن بود که امتعه و مال‌التجاره اسپانیا را به بلاد شرق حمل کنند وتجارت اسپانیا را بامصر وشام توسعه بخشند ازجمله محصولات و امتعه مشهور اسپانیا یکی عنبر بود که در سواحل اقیانوس اطلس بدست میآمد . عنبر از موادی است که در قعر دریا ترکیب یافته وچون بحد کفایت میرسد قطعات بسیار بزرگ آن کنده شده روی آب میآید و بهترین عنبر ها آنی است که نهنگ موسوم به (اوال) می بلعد ودرشکم ماهی رنگ آن سفید مایل بهسبزی میگردد ـ علامه مسعودی میفرماید عنبر دراندلس اوقه‌ای سه‌دینار طلا بفروش میرسد چون بمصر حمل شد اوقه‌ای ده دینار میفروشند از معادن اندلس نقره و زیبق استخراج و ببلاد اسلام و اروپا حمل میکشت اما زیبق آنجاچندان تعریفی نداشت ریشه‌زنجبیل وزعفران اندلس نیزشهرتی داشت (۲) انواع منبت کاری و زرگری و بافته های لطیف وپربها نیز از اندلس ببلاد مشرق میآوردند مسلمانان اندلس درحکومت بنی امیه با مصر که دولت بنی فاطمه در تصرف داشت رقابت بحری و تجارتی داشتند (۳) روابط تجارتی اندلس با قسطنطنیه بر پایهٔ معاهدات منظم برقرار بود چیزهائیکه کشتیهای اسپانیا ازمشرق میبردند اکثر اشیاء تجملی وگوهر ها و نفایس و کنیزکان موسیقی شناس وآلات موسیقی بود (٤)

---

(۱) منتظم جلد دوم ص ۱۳۰ و ابن‌اثیر و تاریخ اسپانیا

(۲) مسعودی (۳) منتظم ج ۲ ص ۱۳۰

(٤) ایضاً و تاریخ اندلس

در قرن سوم روابط تجارتی مسلمانان با فرانسه جنوبی که پادشاهی لیون باشد برقرار بوده (۱) و در متصرفات مسلمانان درفرانسه جنوب غربی کاروانهای سوداگران ایاب و ذهاب داشتند و تا زمان عقب نشینی مسلمانان و واگذاری نواحی شمال پیرنه بفرنگها مناسبات دوام یافت (۲) در قرن سوم اکثر جزایر در اطراف ایتالیا بتصرف مسلمانان در آمده و شهر رم را تهدید میکردند چنانچه درعهد پاپ لئون چهارم مسلمانان از جزایر کرس و سیسیل دائماً بداخله ایتالیا می تاختند (۳) در آنزمان اهالی ساحلی اروپا غیر از آنهائیکه با مسلمانان پیمان دوستی داشتند به سهولت نمیتوانستند دریا نوردی کنند واز تنگهٔ جبل طارق که دروازهٔ دنیای معلوم ومتمدن بوده تا سواحل شام و مصر دریای‌مغرب (مدیترانه) تحت نفوذ مسلمانان قرار داشت تا آنکه حدوث جنگهای صلیبی و جنبش اروپائیان از یکسمت وتفرقهٔ مسلمانان از سمت دیگر مایه زوال آن تسلط گشت.
رابطه تجارتی مسلمانان با آلمان نیز دایره بوده و علامهٔ مسعودی تصریح دارد در قرن سوم و چهارم تجار مسلمان باروپای مرکزی ایاب وذهاب داشته‌اند اما ارتباط سیاسی آلمان وشرق از عهد شارلمانی شروع شده که با هارون الرشید هل وگل مبادله میکرد. فردریك دوم امپراتور آلمان درحملهٔ ششم صلیبی عوض جنگ وجدال بیهوده با سلطان ایوبی مصر یك معاهدهٔ سیاسی و یك قرارداد تجارتی منعقد ساخت (٤)

(۱) مروج الذهب ، احوال جلالقه و بعلاوه تاریخ عمومی واز
(۲) مسعودی (۳) منتظم ج ۲ ص ۱۱٦ و تاریخ ایتالیا
(٤) Wells - Esq. H U·

روابط منظم تجارتی با روسها و بلغارها و لهستان از هنگامی شروع میشود که المقتدر خلیفهٔ عباسی سال ۳۰۹ هجری نزد پادشاه بلغار سفراء فرستاد تا ایشانرا بدین اسلام دعوت کنند ضمناً قراردادهائی بمیان آمد (۱) اما از بیان ابن فقیه و مسعودی چنین بر میآید که پیش‌از آن درسواحل رود ولگا ودر بلاد اوکرانیا و لهستان عدهٔ زیادی از مسلمانان تجارت داشته و کاروانهای سوداگران در آمد و رفت بوده اند . متاع مشهور آن ممالك انواع پوستهای قیمتی مانند خز وسنجاب و سمور وامثال آن و بازهای شکاری وطلا وغیره بوده‌است .

با طوایف خزر که مجارها نژادی از آنانند و ترکهای شمال بحر سیاه و بحر خزر مسلمانان از قرن اول هجری تجارت وسیعی داشته‌اند چنانچه مورخ سابق‌الذکر درشرح حوادث آن صفحات برنگاشته است رابطهٔ مسلمانان با طایفهٔ ایغور و تاتارهای شرق نیز از همان قرن آغاز شده یعنی پس از گوشمالی که قتیبة ابن مسلم والی خراسان بایشان داده تجار مسلمین توانستند از خراسان تا چین هرجا بازار های معامله باز کنند اما در مواقع ضعف دولت اسلام تجار با خاقان بزرگ ترکهاقراری گذارده باجی پرداخته آسوده بکسب وکارخود میپرداختند(۲) باید دانست که یك مال‌التجاره مهم ترکها غلام بود . تجار برده فروش پسران زیبا ورشید وخوش‌اندامی را که میان ترکها می یافتند ازخانوادهٔ آنها خریده در دبستانهائیکه مخصوص تربیت بردگان بود تربیت کرده میفروختند ـ همچنین خریداری کنیزکان سیم اندام یکی از مقاصد

---

(۱) ابن‌اثیر و منتظم ج ۲ ص ۱۱۶ و Wells ۲۳۰

(۲) مروج الذهب

عمدهٔ تجاری بود که با فرانسه و ایتالیا و سایر بلاد فرنك معامله میکردند. دوشیزگان فرنگی و رومی بعداز پرورش یافتن و اکتساب هنرهای بسیاری مانند موسیقی و نواختن سازهای گوناگون و طب و حکمت و غیرها با قیمت گزافی بفروش میرفتند (۱)

فصل چهارم

اعتبارات و بروات تجارتی - محاکمات تجارتی - اقوام تجارت پیشه ومهارت بحری ایرانیها - حقوق ممتازهٔ مسلمانان در هند وچین - اسبابیکه به توسعهٔ تجارت آنزمان کمك کرد

اعتبارات و بروات تجارتی

اعتبارات وبروات تجارتی ازقرن اول هجری ما بین تجار مسلمان معمول بود. آئین آن عهد چنان بود که چون بازرگانی عازم ولایت اجنبی میشد از تجاریکه درمسقط‌الرأس او بودند و درآن ولایت اجنبی عمال یا شرکاء داشتند معرفی نامه‌ای میگرفت و آن معرفی نامه‌را ملك‌التجار محل تصدیق میکرد. پس هرزمان که بازرگان درولایت اجنبی برای خریدمتاع و غیره به پولی محتاج میگشت مبلغی‌استقراض میکرد باین شرط که در نزدیك ترین شهر تجارتی که داین و مدیون میپسندیدند قرضش را ادا کنند. گاهی اتفاق میافتاد که تاجر مقیم قسطنطنیه در شهر سورت هندوستان مبلغی میگرفت تادریکی از بنادر خلیج فارس مسترد دارد. در ساحل خلیج قرض دیگر میگرفت که

(۱) ابوالفرج اصفهانی در اغانی و مسعودی

در اصفهان پس بدهد و در اصفهان بشرط ارزروم و در ارزروم بشرط قسطنطنیه استقراض میکرد . این قبیل قرضها تا صدی نود و پنج نزول برمیداشت (۱) و فقط تاجر بامید اهمیت و مطلوبیت متاعیکه داشت میتوانست بچنین معاملاتی بپردازد مابین بازرگانان متدین ومعتبریکه از رباخواری اجتناب داشتند این معامله ها منفور بوده . مشهورترین نوع برات میانه تجار مسلمان ازاینقرار بوده است که چون بازرگانی دریك شهر بخرید متاع میپرداخت تمام قیمت یا سهمی از آنرا برعهده میگرفت درمسقط‌الرأس خود یا در شهر دیگریکه فروشنده نماینده دارد تحویل دهد طبعاً فروشنده مجبور بود بنمایندهٔ خویش برای خرید اجناس‌مبلغی برساند وغالباًبدینطریق بمقصود میرسید ازطرفی خریدارهم علاوه بر سرمایهٔ موجودی خود اعتباراتی تحصیل میکرد و امتعه‌ایرا که سودمند می‌پنداشت بدست میآورد از سیاق کلام بعضی نویسندگان چنین برمیآید که مابین تجار بصره و سیراف اصول حواله نیز معمول بوده بدین طریق که خواهندهٔ حواله به بازرگان سیرافی مبلغی داده بر سر نمایندهٔ وی در بصره حواله میگرفت وشاید این اصول در بنادر وتجارتگاههای ساحلی بیشتر مجری میشده است .

زیرا حمل و نقل نقدینه از طریق دریابرای مسافرین چندان مطلوب نبوده و طبعاً اصول برات و حواله رواج می یافته است در عهد اسلام هر زمان که ممالك وسیعه تحت سلطنت یك پادشاه و دولت مقتدر درمیآمده خرید و فروش بروات مابین ولایات بعیده ممکن بوده چنانچه داستان خواجه نظام‌الملك طوسی مشهور است

(۱) تاورنیه

که درکاشغر عوض مزد عملجات برواتی بر مالیه شهر انطاکیه (شام) صادر کرد و بدین ترتیب خواست وسعت سلطنت ملکشاه واعتبار امضای دولت را در آن عهد ثابت نماید و تجار کاشغر آن بروات را با صرف جزئی از عملجات خریدند .

محاکمات تجارتی

تشکیلات اجتماعی و اداری در سلطنت اسلام خاصه عهد عباسیان کاملا تقلید عهد ساسانیان بوده انتخاب ملك التجار و سرپرست های اصناف بهمان قراری بود که راجع بزمان ساسانی نگاشتیم (۱) جمیع اختلافات و مناقشات حاصله مابین تجار در محاکم مخصوصه حل وفصل میشد مگر آنچه که خارج از معاملات و دفاتر تجارتی بوده که آن قبیل دعاوی در عدالت خانه قاضی بلد میگذشت

اقوام تجارت پیشه
مهارت بحری ایرانیها

در صدر اسلام زمام تجارت را قوم یهود بکف داشتند و غالباً بااردوی مسلمین در حرکت همراهی میکردند که ازخرید غنائم بهره مند شوند چیزی نگذشت که پس ازحصول امنیت وآرامش ایرانیان توجه و هم خودرا به تجارت مصروف ساختند علت عمدهٔ مشغولیت عمومی ایرانی ها به بازرگانی آن بود که سلطنت بنی امیه جز عربی نژادان را بکارهای حکومتی نمی گماشت و دربعضی امور مثل استیفای مالیه که بایرانی ها واگذار میشد از عهدعبدالملك مروان دانستن زبان عربی شرط آن بود و با اینحالت بعلت استبداد و تعدی والی های عرب اینگونه مشاغل خطر مالی و جانی هم دربر داشت خصوصاً برای ایرانیان که ملت محکومه بودند

---

(۱) C. Hbuart و طبری و استخری

طبعاً ایرانیان آبرومند لیاقت خود را به‌امور تجارتی صرف کردند و چون بیش‌از اعراب وسایر ملل به راههای هندوستان وچین ودریاهای مشرق آشنائی داشتند بزودی رشتهٔ بازرگانی مشرق را بکف آوردند. مهمترین قسمت کشتیهائیکه در خلیج فارس وعمان و اقیانوس هند بحمل ونقل مسافر و مال‌التجاره میپرداخت متعلق بایرانی ها بود و ثروتمندترین تجار مسلمین در مشرق ایرانی نژادان بودند ایرانیان درجزایر حوزهٔ سراندیب وسواحل مالبار و سایر جزایر وسواحل هند از عهد ساسانیان مهاجرین و تجارتخانها داشتند بنا بر این در عهد اسلام وسایل معامله ومرابطه برای ایشان نسبت بدیگران بهتر فراهم بوده. این تفوق ایرانیها وزبردستی ایشان در کار تجارت تا قرن هفتم و زمان تاخت تاز مغول ادامه یافت و فقط فترت مغولان توانست روح پرنشاط وفعال ایرانی وفضایل نژادی وی را با قتل عام وستمکاریهای دویست ساله خود واژگون سازد.

حقوق ممتازه مسلمانان در هند و چین

باید دانست که حقوق ممتازه مسلمانان که از آن به‌کاپیتولاسیون تعبیر میشود درممالك هند و چین بحد اکمل موجود بوده است در بلاد مختلفه هند وحتی درسیام وانام وبنادر چین هرکجا عدهٔ مسلمانان به عشرات بالغ میشده برای خود مسجدی ساخته و امامی تعیین نموده و دبستانی برای تعلیم و تربیت اطفال وآموختن اصول مذهب و زبان خویش فراهم میاوردند و یکنفر را که پرهیزکارتر واصلح میشناختهاند از مابین خود به سمت قضاوت معین ومرافعات‌را مابین‌خود حل وفصل میکردند واز حکومت‌محلی

رسمیت دادن تشکیلات مذهبی وسیاسی خودرا در خواست وتصدیق آنرا احرازمیکرده‌اند اینکه مینویسیم دربلاد مختلفه‌هندوچین عموماً ترتیب ازهمین قرار بوده بدلیل آنستکه راجع به‌سه چهار شهر ازممالك مختلفهٔ به‌روایت نویسندگان بسیار معتبر شواهد داریم وسبك بیان آنان معلوم مینماید که‌پدید آوردن اینگونه تشکیلات مخصوصه عادت جمیع مسلمانانی بوده‌است که دربلاد غیر مسلم زندگی میکرده اند. سلیمان تاجر وعلامهٔ مسعودی هرکدام راجع به قرنهای سوم و چهارم هجری تفصیل جامعهٔ مسلمانان چین را نوشته اند و مسیو رنو Reinaud فرانسوی اسناد دیگری در تأیید ایشان یافته بعد ها چندین سیاح دیگر از جمله یکی ازمسلمین چین که‌بزیارت حج رفته درسفر نامهٔ خود شرح زندگی مسلمانانی را که در سیام و آنام و هند ملاقات کرده بر نوشته است استاد شفر فرانسوی رساله ای در بارهٔ مسلمانان چین و معیشت آنها نکاشته وهرچه ازمعلومات مختلفه بدست آورده در آن گنجانیده است یکی از اسباب عمده ایکه دولت های هندو چین را به احترام مسلمانان و شناختن حقوق ممتازه ایشان وادار کرده رویهٔ پادشاهان و امراء سند و خراسان بوده. مسعودی و ابن‌اثیر تصریح دارند که پادشاهان مسلمان سند همیشه شهریاران هند را تهدید میکردند که اگر بجان ومال مسلمانان مقیم خاك های آنان لطمه‌ای وارد آورند در سند نسبت بمعابد مقدس هنود معاملهٔ متقابله خواهد شد. ضرب شستی که قتیبه ابن‌مسلم والی خراسان به تاتار وترکانیکه مورث اندیشهٔ دائمی چین بودند واردآورد حکومت آسمانی را بحفظ حرمت مسلمانان و مراعات جانب ایشان وادار کرده وبعد ها در ضمن معاهداتی که مابین چین

سلطنت بنی امیه منعقد گشته ودر عهد بنی عباس تجدید شد (۱)
طبعاً دولت چین حفظ و حمایت مسلمانان را متعهد گردید وهمین
سوابق باعث آن شد که هردولتی پس از آن در زمان تشتت مسلمانان
هندو چین روی کار آمد کم وبیش سابقه و عادت را احترام گذارد
و سبب دیگر آن بوده که مسلمانان عمده ترین مشتریهای امتعهٔ هند
و چین بودند و بلاد اروپا و مغرب غالباً بوساطت ایشان محصول
شرق اقصی را بدست میآوردند از اینرو دولت های شرق مراعات خاطر
مشتریان خود را لازم میشمردند . سبب دیگریکه مسلمانان را باحراز
حقوق ممتازه نائل ساخت صفات نیکو و اخلاق حسنهٔ ایشان بوده
که جالب توجه واستحسان سلاطین اجنبی میشد . دانشمندی ووسعت
نظر مسلمانان که به صحبت شهریاران بیگانه میرسیدند باعث تقرب
و نفوذ آنان میگردید چنانچه حکایت آن طایفه از سادات علوی که
از ظلم بنی‌امیه گریخته در چین پناه یافتند وغالبا بشغل ترجمانی
وسفارت در بارهای اسلامی ازجانب خاقان مامور میشدند در تواریخ
مسطور است (۲) امثال این قضایا در تاریخ روابط اسلام با هند و
چین بسیار است که نقل آنها خارج از موضوع کتاب ما میباشد .

اسبابیکه بتوسعهٔ تجارت آنزمان کمک کرد

فتوحات اسلام مسلمانان را با اقالیم و ممالك
بعیده آشنا ساخته میل جهانگردی و معرفت
اقوام و ملل مختلفه را مابین ایشان توسعه
داد . سیاحت ومسافرت ها آب وهوا ومحصولات
و مصنوعات هر ناحیه را معروف نموده حوائج هر قومی را بامتعهٔ

---

(۱) Centenaire E. L. O. P. 6
(۲) مسعودی

بیگانه معلوم داشته آرزوی استفاده وجلب منفعت را بیدار و مردم را بتجارت وادار میکرد . از طرفی توجه دربارهای خلافت چه در بغداد و چه اندلس و مصر بعلوم مختلفه محرك مردمان میشد که در پی معرفت در اقطار عالم بگردند و تجارت را هم وسیلهٔ معاش خود قرار دهند کتب عدیده‌ایکه درعلم حیوان شناسی وگیاه شناسی وتربیت‌النبات وجغرافیا تالیف شده مؤلفین آنها غالباً جهانگردان تجارت پیشه بوده‌اند مانند مقدسی و یاقوت وامثال ایشان . از طرفی قوانین اسلام که حق هرگونه تصرفات و مداخلهٔ در مال غیر را سلب کرده هیئت حاکمه را باحترام امنیت و مصونیت جان و مال مردم مجبور میدارد باعث اقبال مسلمانان به تجارت وکسب ثروت گردید زیرا شخص ثروتمند هرگز به اخفاء اموال خود نمیپرداخت و مانند دورهٔ بعد از مغول از عمال دولت بیم و هراسی نداشت که بدون حق دارائی ویرا غصب کنند . انتظام محاکم قضائی واستقلال آنها نیز مؤید عدالت و حصول امنیت بود شکی نیست که عدالت و ثروت در هرجامعه ای مستلزم یکدیگراند

در هر عهدیکه می بینیم ثروت یك ملتی فزونی داشته اگر بگوئیم پایهٔ عدالت استوار نبوده قطعاً بخطا رفته ایم زیرا ثروت از پی عدالت میرود .

فصل پنجم

احوال عمومی ایران - وضع تجارت و سوداگری

احوال عمومی ایران

از آنجائیکه فترت مغول به منزلهٔ دیواری تعبیر میشود که اوضاع گذشتهٔ ایران را از دوره واپس‌تر خود یکباره جدا ساخته در آداب و رسوم و اخلاق و اداره و زراعت و تجارت و سایر شعب حیات اجتماعی تأثیرات شکرفی کرده یعنی تاحد وسیعی احوال عمومی را تغییر داده است مقتضی دیدیم در خاتمهٔ باب چهارم یك نظر اجمالی به کلیات اوضاع قبل از مغول انداخته حتی‌الامکان بعضی نکات اصلی را توضیح دهیم — از قرن دوم هجری تا قرن هفتم مملکت ایران مرکز نشوونمای علوم مختلف گردیده در مدارس بغداد ، ری ، نیشابور ، بلخ و مرو و بخارا علما و حکمای بزرگی در ریاضیات و طبیعیات کار میکردند - درشناسائی اجرام و طبیعت اجسام (فیزیك) و درکیفیات تجزیه و ترکیب آنها که علم‌الکیمیا مینامند ترقیات عمده پدید آمد چنانچه می بینیم درجنگهای صلیبی مسلمانان به‌اختراع بمب‌وسوزانیدن منجنیق های دشمن موفق شدند (۱) و بسیاری از مواد کیمیاوی را کشف کردند (۲) عده‌ای از علما در طبیعت سباع و بهائم و طیور و عدهٔ دیگر در نباتات مطالعات عمیق بکار برده تجربیات خود را در

---

(۱) تاریخ جنگهای صلیب - محاصرهٔ عکا

(۲) تاریخ شیمی

کتابهای حیوان شناسی و گیاه شناسی انتشار دادند (۱) خدمات بزرگ مسلمانان ایرانی در توسعه و تکمیل ریاضیات مثل جبر و مقابله و هندسه و نجوم امروزه مسلم عالمیان است ـ دلایل قویه موجود است که علمای آندوره به شناسائی قوهٔ برق نائل شده بوده اند چنانچه خواجه نصیر طوسی که آخرین حکیم بزرگی است که فروغ علوم قبل از مغول را تا اوایل تسلط آن طایفه باز منتشر می ساخته از امکان مکالمهٔ با آلات فلزی در فواصل بعیده سخن میراند که فی‌الواقع همان نظریه تلگراف است. ترقیاتی که در علم طب حاصل آمده بود محتاج به تذکار نیست ـ ظرافت واطافتی که در اصول معیشت و زندگانی اجتماعی پدید آمده بود مورد تصدیق عموم مورخین است بطوریکه می بینیم مثلا در باغها عمارت بلند به هیئت برج چندین طبقه ساخته میشد و بالای درختها پارچهٔ توری میکشیدند که مگس نتواند بگذرد و مورث زحمت و کثافت نگردد (۲) نظافت و پاکی در تمام جزئیات معیشت عمومی کاملا مراقبت میشد ـ هیچ دهکده ای نبود که برای خود حمامی نداشته باشد ودر شهرهای بزرگ مانند بغداد و ری شمار حمام ها از هزار متجاوز بود ـ توجه مردم به تعلیم و تحصیل در آن دوره طوری بود که مثلا در یك شهر ری هزارو چهارصد دبستان اطفال و ششصد وبروایتی هشتصد مدرسهٔ علمی وجود داشته است ـ میل مردم به خیرات و مبرات چنان بوده که در اکثر شهر های بزرگ و کوچك خانقاه ها و مهمانخانه‌های مجانی و وقفی بنا شده بوده که مسافرین از عایدات موقوفه تا سه شب یا بیشتر آنجا خوراك

(۱) مسعودی در مروج الذهب

(۲) چهار مقاله نظامی عروضی در باب نجوم

وخوابگاه‌میبافته‌اند ودر طول راهها همه‌جا کاروانسراها وآب انبارهای وقفی موجود بوده و همه ساله از طرف اهل خیر تعمیر و مرمت میگردیده است ـ شواهد عدیده دردست است که در آن دوره اشتیاق سفر وگردش امصار وبلدان روز افزون میشده و چون اهل هنر و علما در همه جا احترام زایدالوصف داشته اند دائماً شمار این طبقه رو به تزاید میرفته است ـ پادشاهان و حکومت ها در آن عهد برای جلب اهل علم وادب به دربار خود به تمام وسایل مختلف متوسل میشده واگر از طریقه صلح و صفا به مقصود نمیرسیده اند از توسل به تهدید و شمشیر خود داری نمیکرده اند چنانچه داستان فشار و تضییق سلطان محمود غزنوی برای جلب علما از دربار خوارزم به غزنین مشهور است ونیز از سلوك دولت سامانی و آل‌بویه وسلجوقی و دیگران نسبت به علما امثال و روایات بسیار داریم که در اینجا مورد تذکار آن نیست .

وضع تجارت و سوداگری

وضع سوداگری در این عهد تفاوت بزرگی با سایر دوره ها داشته زیرا شغل تجارت و بازرگانی بسیار محترم و مطبوع بوده است و تا قدرت مغول داشتن حرفه و کسب مایهٔ شرافت شمرده میشده اما چون آن طایفه وحشی وبیابانگرد حکومت یافتند مقامات خانی وبیگی و نوکری دولت به علت تسلط و استبداد آن طبقه بر دیگران بیشتر مطلوب عموم گردید زیرا نوکر باب میتوانست بر فرق تاجر و کاسب بکوبد و کلاه همه را بردارد و به اعراض و نوامیس مردم متعرض شود . این بود که مردم از کسب وکار آزاد که بی پناه بود منصرف و برای

حفظ حقوق وآبروی خود به‌نوکری زورمندان متمایل میشدند ـ ولی قبل از مغول همه‌کس مالك حق خود بود و اگر یك بازرگان در شهر غربت از مأمورین حکومت تجاوزی میدید به‌شیخ‌السوق مراجعه میکرد و توسط شاه بندر (ملك‌التجار) احقاق حق او بعمل میآمد و همیشه وزراء و حکام و پادشاهان مراقب حفظ حقوق این طبقه بودند وبعلاوه محکمهٔ قاضی شهر مرجع ومأمن عموم بود واگر مظلومی از ظلم بزرگترین عمال دولت به قاضی شکایت میبرد بدون مضایقه و تأملی داد عارض را میگرفت چنانچه از عهد بنی‌عباس امثال بسیاری از این قبیل در دست است (۱) در آن عهد اقتدار قضاة مافوق جمیع اقتدارات بود و اما کیفیت سوداگری چنان بود که چون تاجر وارد شهری میشد بار خود را در تیم‌ها و تیمچه هائی فرود میآورد که بناء آنها در نهایت استحکام و مانند قلعهٔ نظامی ساخته میشد ـ این تیم ها دوقسمت بود قسمت اخیر برای اسطبل و طویله دواب و قسمت پیشین مخصوص نشیمن تجار بنا میگشت ـ تاجر تازه وارد اسم ورسم متاع خودرا به‌کاروانسرادار خبر میداد که سایر تجار را مستحضر گرداند و خودش بدیدن شیخ‌السوق میرفت و بوسیله او به شاه بندر معرفی میشد و نمونه متاعش را به دلالها نشان میداد ـ این دلالها کسانی بودند که شیخ‌السوق از اعتبار آنها واقف بود و هم او دلال را به تاجر تازه وارد معرفی مینمود ـ درشهرهای بزرك تجار هرمتاع تیم مخصوصی داشتند وهمچنین سوداگران هرمتاع بازار معینی داشتند چنانچه بازار زرگران بخارا یا بازار برده فروشان وسوق گوهریان در بغداد

(۱) اغانی تالیف ابی‌الفرج اصفهانی اموی

و بازار های دیگر در تاریخ نرشخی و در کتاب اغانی و متن عربی الف لیل وغیره مکرر یاد شده است . درآن دوره برخی از اهل حرفه به عشق آنکه در شهر دیگری مشتری صنعت آنها بیشتر است سفر میکردند مانند صنف پیرایشگر (دلاك) که علاوه بر پیرایش وآرایش مو و پیرایش ناخن و مالش بدن ورك زدن وحجامت اکثر مردم فصیح و بذله گو بوده از علم نجوم و تاریخ و شعر و ادب و طب وجراحی نیز میبایستی تاحدی مطلع باشند تا مشتریان خود را باخوش سخنی مشغول دارند و این صنف اکثر به شهرهائی میرفتند که مرکز تجارت وثروت بود وطبعاً مردم ثروتمند آنجا بیشتر خریدار معلومات آنان میشدند.

در خاتمه مقتضی است چند سطرهم از کیفیت قضاوتخانه ها قبل از عهدمغول بیان نمائیم - قاضی القضاة از طرف پادشاه منصوب میگشت و غالباً از طرف خلیفهٔ بغداد هم فرمانی برای تأیید او صادر میشد - قاضی های ایالات و نایبان قاضی را قاضی القضاة میفرستاد با فرمان شاهی قضاوتخانه در هر شهری چند تن ازاهالی را بعنوان معتمدان و امینان و عدول همیشه رسمیت میداد شغل معتمد معرفی اصحاب معاملات بود و شغل عدول شهادت بود و شغل امین امانت داری بود قاضی انبار های رسمی و عمومی داشت که جمیع مردم هنگام سفر یا بروزحوادث اموال خود را از نقد وجنس درآن انبار مینهادند و امناء قاضی حافظ آن بودند زندان شهر عموماً تحت امر قاضی بود وچون یك قاضی معزول ودیگری بجای او می آمد در بدو ورود نخست به حال زندانیان وارسی میکرد و بوسیلهٔ جار مدعیان محبوسین را میطلبید وهر محبوسی که مدعی خصوصی نداشت مرخص میشد سپس به کار انبار میرسید و هر مال امانی را که در خطر خرابی وتضییع میبافت با حضور امناء و معتمدین وعدول میفروخت و قیمتش را در انبار میگذارد و نیز به کار قیم ها و اوصیاء صغیران ویتیمان که همگی زیر نظر قاضی بودند رسیدگی میکرد که خیانتی رو نداده باشد - قاضی در غالب کارها با علمای شهر مشورت میکرد - قاضی همواره در مرکز معینی می نشست که نسبتاً بمرکز شهر نزدیك و در دسترس عموم بود - اما کیفیت قوانین قضائی وشرایط محاکمه از موضوع بحث ما خارج ودر کتب فقهیه مضبوط است

باب پنجم

تجارت ایران در عهد چنگیزیان و تیموریان

فصل اول

شکست بزرك صنایع ایران - محدود شدن روابط خارجی - فترت قضائی - شکست تجارت داخلی - عدم امنیت شوارع - عدم مسئولیت حکام و عمال

شکست بزرك صنایع ایران

ترکتازی مغول در ایران تنها عبارت از قتل عام نبود این طوایف وحشی بعداز کشتارها و قصابیهائی که تاریخ بشری را تا ابد ننگین نموده است مدتی نیز مملکت زیبا و آباد ایران را در پنجه نالایق احفاد و اولاد خود آنطوریکه قلم هر مورخی ازتوضیحش عاجز است زیرو زبر ساختند ایرانیهای رشید و دلاور هرچه بودند در جنگها تباه شدند و ایرانیهای فاضل ومدبر وکاردانان آنچه از قتل عام ها جان بدر بردند از خاك وطن گریخته درممالك بعیده با غربت وکربت باقی زندگی را گذرانیدند و اگر اشخاص شریف و شایسته‌ای بودند که نتوانستند بگریزند وکشته هم نشدند یا به‌بیغوله ها متواری گردیدند و یا باسارت مغول افتاده جبراً روانه خاك ختا گردیدند زیرا چنگیز و پسرانش علماء و حکماء و هنرمندان و صنعتگران را پیش از هر قتل عامي به اردو گرد آورده دسته دسته بخاك مغولستان و ختا که

چین شمالی باشد میفرستادند که در پایتخت خان برای او خدمت کنند اما ببینیم صنعتگریکه پیش چشم او اهل وطن و همشهریها و افراد خانواده‌اش از دم تیغ گذشته مولد و مسکنش ویران گردد آنگاه جبراً به‌اقلیمیکه اصلاً باطبیعت وی سازگار نیست فرستاده شود و با گرگان تاتار بزندگی ناچار باشد آیا فکر وقریحه یا شایستگی و مهارتی برایش باقی خواهد ماند ؟ !

پروفسور شفر فرانسوی مسلمانان چین را از نژاد ایرانیهائی میداند که پیش از عهد مغول بدلخواه و زمان مغولان باجبار در آن کشوراقامت گزیده‌اند واین مطلب‌را اکثرمورخین مسلم داشته‌اند. (۱)

بهر حال در بدو حمله مغول کشور ایران بطریقیکه ذکر شد از فرزندان هنرمند و بزرگان وصنعتگران خود محروم گشت پس از آن بیش‌از یکقرن سر زمین ایران دوچار نفرت انگیز ترین حکومتها بود . چون مغولان از علم اداره و مملکت داری بکلی بی بهره بودند و به تدبیر و تصمیم ایرانیانیکه خود آنها بتصدی دیوان و دفاتر مامور میکردند وقعی نمینهادند کار مالیات مشوش گردیده از رعیت چندین برابر بدهی او میگرفتند و بخزانه ده یك آن نمیرسید . برای ارائهٔ نمونه ای از حال باقی ماندهٔ مردم بدبخت ایران این دومثل کافی است : خواند میر گوید : ــ شدت ظلم و جور بانجا رسید که در دهاتی که صد ها خانوار زندگی میکردند وقتی چون محصل مالیه وارد شد بغیراز کدخدا کسی را نیافت . در دهاتیکه چندین صد خانوار مسکن داشتند پس از چند سال جز بوم ویرانه نشین دیاری نماند زیرا روستائیان

(1) Centenaire E. L. Q.

تامیتوانستند گاو و گوسفند و اسباب خانه را بخواهش مامورین صرف میکردند و چون کارد باستخوان میرسید سر به بیابان گذارده یا از گرسنگی و تشنگی می مردند یا شریك دسته های غارتگری میشدند که که در هرگوشه وکنار در پناه کوه ها می زیستند وحکومت مغول از سرکوبی آنان عاجز بود . و یا بگدائی پرداخته یا عاقبت بسرحدات مملکت می گریختند . با این احوال تحصیلدار مالیه وقتی وارد ده ویرانه میشد کدخدا را بچوب می بست که حق دولت را بپردازد و اگر کدخداهم نمانده بود هر جانداری را مییافت بجای او بهمان مصیبت گرفتار میکرد . (۱) و نیز همین مورخ گوید : هریك ازبزرگان و سرداران وحتی خانمهای مغول حق داشتند برای رفع حوائج شخصی وارسال مرسول خود هیئت های سفارت وفرستادگان مخصوصی از یك سمت مملکت بسمت دیگر اعزام دارند و مخارج این هیئت ها بعلاوهٔ مال سواری وغیره بر عهدهٔ آبادیهای عرض راه بود گاه میشد در یك ده بتنهائی یکروز چندین دسته فرستادگان میرسیدند که علاوه برمنزل واسباب وبارگیر وخوراك از روستائی عرق تاتاری میطلبیدند و باندك رنجشی بیمورد بجان وناموس آن بیچارگان متعرض میشدند .

این دو نمونه گویا کافی باشد که حالت تجارت و ثروت و روزگار تاجر وصنعتگر ایرانی را شمه ای معلوم دارد .

محدود شدن روابط خارجی

مغولان مردمی بت پرست بودند و با مسلمانان دائماً در جنك وکینه وری می زیستند . در دربار پادشاهان مغول مردم یهود ومسیحی و

---

(۱) حبیب‌السیر مقدمهٔ قوانین غازانی

مسلمان بالسویه خدمت میکردند ولیکن پادشاهان مذکور میل داشتند عناصر یهودی ومسیحی را بر مسلمان ترجیح نهند و این مطلب چه در دربار مغولان ایران وچه در دربار خان بزرگ که در خان بالغ می‌نشست بثبوت پیوست(۱) شاید یکی از علل سیاسی این‌عمل اکثریت عنصر مسلمان وقدرت وی و سابقه عداوت مسلمین با مغول بوده است . بهر صورت این سیاست سبب آن گردید که مسلمانان در بلاد مغول بتوسعهٔ تجارت خود چندان کوشش ننموده واطمینانی به امنیت جان و مال خویش نداشتند و نیز مسلمانان مصر و شام و جزایر مدیترانه و مغرب و مسلمین اندلس و هند آمد و رفت در حدود فرمانروائی مغول را برای خود خطرناك میدیدند . مخصوصاً که مابین سلاطین مصر وشام با مغول غالباً جنگ وجدال درکار و روابط تیره و تار بود . عهد مغول ابتدای زمانی است که تجارت ایرانی محدود شده بازماندگان ایرانیها جهانگردی را چه در دریا و چه در خشکی فراموش کردند و تدریجاً زمام تجارت اروپا و مشرق از کف ایشان بیرون رفت . تجار ایرانی درعهد مغول هیچکدام از معلومات اسلاف خویش را راجع بجغرافیای اروپا و وضع تجارت با ملل آن سرزمین نداشتند و از فنون بحر پیمائی و مهارت اجدادشان در تجارت دریا نیز بکلی عاری و بی بهره گردیدند .

فترت قضائی ، شکست تجارت داخلی وعدم امنیت شوارع وعدم مسئولیت عمال ــ چنانچه مکرر توضیح داده شد مغولان از حسن اداره بکلی عاجز بودند و در اصلاح احوال عمومی جز استعمال

(۱) حبیب‌السیر و روضة الصفا وظفرنامه

سر نیزه وسیله‌ایرا نمایشناختند این بود که بزودی اوضاع دیگرگون شده اختلال و اغتشاش در همهٔ کارها راه یافت . بعد از قتل عام ها وخرابی هائیکه مدت آن پنجاه سال کم وبیش طول کشید چون اولاد چنگیز خواستند در ایران بحالت صلح حکومت کنند در هریك از ولایات ویران و نیمه ویران حاکمی از جنس مغول برگماشتند و آن حاکم اشخاصیرا بسلیقه خود از میان مسلمانان برای امور استیفا و قضاوت انتخاب میکرد و غالباً اینگونه دستیاران حکومت از نالایقترین مردمان بودند چه اشخاص شایسته و صالح اگر از قتل عامها رسته یامهاجرت نرفته بودند در گوشه انزوا خزیده بهمدستی مغولان وشرکت در مظالم ایشان تن در نمیدادند و این حالت جدائی ملت محکومه از حاکمه مدتها ادامه داشت و معدودی هم از بزرگان که بخدمت مغول تن دادند هرگز خیری نبردند .

در آن زمان عیاران و جان بازان تردست خودرا بلباس اهل علم وفقاهت درآورده با ظاهری کامل‌الصلاح برحاکم مغول ورود مینمودند واکثر خودرا بالقاب شامخه واسامی مشکله عرب مانند (ابوقاموس شمراخ ابن فضل الاشجعی الفقیه المکی) ملقب و با مغول جاهل دوستی میانداختند . خان مغول که از علوم و رسوم اسلامیه بکلی بیخبر بود ظاهرشیخ را دلیل بر علو شان وی پنداشته خیلی خورسند میشد که چنان عالمی را برای اصلاح امور رعایای مسلمان خود بچنگ آورده است از این رو بیشتر عدالتخانه ها و مسند های شرع و قضا درعهد مغول بچنگ این قبیل شیادان افتاده جان و مال و ناموس مردم در معرض ناسخ و منسوخ ها و هوس رانی ایشان واقع

گشت (۱). از اینجا است که باعتقاد بعضی صدمات وخساراتیکه ازسلطنت مغولان بآبادی واجتماع واخلاق ونظامات ملت ومملکت ایران وارد شده چندین برابر لطماتی است که از قتل عام ها وخرابیها بر این ملك وملت رسیده‌است زیرا قتل عام وویرانی بلاد که در آغاز امر بعمل آمد جبران پذیر بود اما تباهی نظامات و آئین و رسوم ملی واخلاق فردی واجتماعی که درمدت دویست سال انجام گرفت هرگز دیگر ترمیم نیافت. اغتشاش امور قضائی تاعهد غازان خان همچنان دوام داشت چنانچه شرح آن میآید. و این خود یك سبب عمده سلب اعتماد مردمان ازیکدیگر ودلسردی آنان ازتجارت شد زیرا مخفی ساختن ودفن سرمایه خودرا بهتر از آن میدانستند که ضمن معاملات دست خوش شیادان قضاوت پیشه گردد. علت دیگریکه توسعهٔ تجارت را مانع آمدناامنی طرق و شوارع بود. در اکثر بلاد هرجا که قلل مرتفعه جبال و دربندها وغارهای مناسبی برای تحصن یافت میشد دسته‌های راهزنان در آنجا گرد آمده از آبادیهای اطراف وکاروانهای تجار و زوار سلب آسایش مینمودند و گویا اغلب این اشخاص کسانی بودند که از فرط تعدی و ظلم مغولان و همدستان ایرانی آنان که در بدنهادی همسر هم شمرده میشدند گریخته میخواستند انتقام خودرا از جامعهٔ فاسد شده برگیرند وچون مابین بزرگان مغول برسر تخت وتاج مناقشه درکار بود به بر انداختن ریشه ناامنی کمتر میپرداختند. عیب بزرگتریکه عهد چنگیزیان در کار تجارت پدید آمد خود سری واستقلال عمال وحکام بود که اکثر ازمیان امراء آن طایفه انتخاب میشدند وهمینکه

(۱) حبیب‌السیر (قوانین غازانی)

به‌محل‌ماموریت خود پا میگذاردند از قید هرگونه نظارت و تفتیش رسته ولایت را تیول خویش میدانستند وبااهالی مخصوصاً بازرگانان و ثروتمندان هرگونه میخواستند معامله میکردند . محتاج بتکرار و توضیحی نیست که با این سبك از حکومت بهیچوجه تجارت و ثروت پانمیگیرد . وجز ویرانی وپریشانی وفقر عمومی رخ نمینماید، بطوریکه در نتیجهٔ همان وضع خود حکومت نیز فقیر گشته واژگون میگردد چنانچه برای حکومت مغول رویداد .

باب ششم ـ فصل اول

بهبودی عهد غازان خان ـ قوانین غازانی



بهبودی عهد غازان خان

سلطنت غازان خان رابابد دورهٔ طلائی‌حکومت چنگیزیان در ایران دانست نخستین قدمیکه غازان در بدو اقتدار خویش برداشت قبول دین اسلام بود که بسعی و کوشش امیر نوروز پیشکار وسردارش صورت بست . همینکه پادشاه اسلام آورد لشکریان نیز که شمار ایشان بصد هزار میرسید تبعیت کردند واین اقدام تا اندازه ای دورنگی ومباینت بزرگیرا که مابین ملت و دولت وجود داشت تخفیف بخشید . غازان بتمام معایب کار ها واقف وهنگامیکه به تخت وتاج رسید علاوه بر تهی بودن خزانه مبالغ هنگفتی دولت به سوداگران و رباخواران مقروض بود که با تنزیل صدی صد مخارج ومصارف یومیه دربار را پرداخته بودند . وصول وایصال مالیات متعسر بلکه نا ممکن گشته

بود زیرا چنانچه اشاره کردیم آبادانی و فلاحت از میان رفته بود سایر امور اداری و اجتماعی نیز بهمین منوال باختلال افتاده مسئلهٔ سکه ونقدینه ازجمله مشکلات لاینحل بنظر میرسید چنانچه درجای خود شرح آن بیاید . غازان خان باصلاح همه احوال کمر همت بسته با وضع بیست ودو ماده قوانین غازانی وکوششی که دراجرای آنها نمود بهبودی بزرگی در اوضاع مملکت پدید آورده عدالتخانه های منظم و دادرس ایجاد کرده باعث ترمیم حیات تجاری و اقتصادی کشور گردید . خلاصهٔ آن مواد را برای تکمیل بیان وضعیات آنعهد نقل کرده یقین داریم خوانندگان در مطالعهٔ هرماده اسباب واحوالی را که باعث تدوین آن گردیده است پیش خود تصویر خواهند کرد . در اینجا بایستی بیادداشت که واضعین قوانین غازانی خواجه بزرگ رشیدالدین صاحبدیوان و سایر وزرای ایرانی وی بودند .

شرایط قضاوتخانه مطابق فرمانهای متحدالمال غازانی قاضیها باید از میان عالمترین مردمان انتخاب شوند قاضی باید یك معتمدی بگمارد که جمیع دفاتر را او نگهدارد و همه قباله ها واسناد را با متن وتاریخ درآن ثبت کنند ـ قاضی چند کاتب مطمئن برای خود انتخاب میکند ومردم دیگررا از نوشتن اسناد ممنوع میدارد اجرت محررین قاضی برای سند صد دیناری یکدرهم و برای بیش‌از صد دیناری یکدینار است قاضی بهیچ اسم ورسم ازاحدی هدیه نپذیرد هیچکس هر مقام که داشته باشد حق ندارد قاضی را بخانهٔ خود دعوت نماید که بمرافعه بنگرد و باید بمحکمهٔ وی حضور یابند ـ چون معمول شده که طرفین دعوا برای پیش رفت مدعای خود به بزرگان مغول

و تاجیك (فارسی) متوسل و هریك باگروهی طرفدار به دیوانخانه میروند که در رای قاضی نفوذ کنند مقرراست که قاضی تا طرفداران طرفین از محکمه خارج نشوند برسیدگی دعوا نپردازد قاضی نزد خود طاسی میگذارد که (طاس عدل مینامند) تا هر سند تقلبی ببینند فوراً در آن طاس بشوید ـ بمرافعاتی که تاریخ آن پیش از سی سال است قاضی نرسد وقباله ها واسناد ودعاوی قبل از سی سال را در طاس عدل بشوید ـ قاضی باید سفارش ووساطت هیچ یك از بزرگان را در کار خود نپذیرد واگر امراء مغول اصرار ورزند رفتار آنان را به پادشاه عرضه دارد تا مجازاتی شوند که مایهٔ عبرت دیگران گردد و هرکس میخواهد ملکی را بفروشد باید مالکیتش قبلاً بطور وضوح نزد قاضی ثابت شود وچون قبالهٔ ملکی تازه نوشته و ثبت شد قبالهٔ کهنه را در طاس عدل بشویند

چون مردمان قبل از فروش ملکی آنرا وقف میکنند یا بیکی از اولاد خود صلح مینمایند و مدتی بعد آنها بدعوی برمیخیزند مقرر است که قاضی ها بهیچوجه این گونه دعاوی را نپذیرند ـ هرگاه برسر مالکیت ملکی مناقشه باشد احدی از شاهزادگان وخاتونان وامراء مغول یا تاجیك حق خریداری آنرا از یکی از طرفین دعوا ندارند وقاضی باید احتیاط کند تا دیگری بنام ایشان قباله ننویسد هرکسی بعد از این قباله دروغی یا سند مزور بسازد یا کاتب هائی که تقلید خط و مهر مردم را میکنند و قباله جعل مینمایند وکسانیکه ملکی را دوباره برهن گذارده یا میفروشند وکاتبان قاضی که ازاین معامله آگاه بوده وساکت میمانند ودعوی خرها وتزویرکارانرا قاضی باید ریش

تراشیده سوار گاو کرده گرد شهر بگرداند ـ قاضی بظاهر شهود بنگرد وشاهد های هر امری را جدا جدا استنطاق کند ـ اما در مرافعات مابین دو مغول یا یك مغول و یك تاجیك بایستی هر ماهی دو روز حکام وعمال وقضاة وعلویان و دانشمندان درمسجد جامع گرد آمده بدیوان مظالم نشینند و آنگونه دعاوی را فیصل دهند درجمیع دعاوی مشکله نیز همچنان کنند (راجع بکیفیت قضاوت مواد دیگری نیزهست که ما از نقل آنها اینجا صرف نظر میکنیم) غازان خان با سخت گیری بسیار عاقبت توانست مقام قضاوت را که شیادان از امراء مغول اجاره میکردند تطهیر و تنزیه نماید.

مرابحه ـ سلطنت مغول بسبب بی نظمی کارهای خزانه و مالیه پیوسته مجبور بود بوسیلهٔ وزراء و پیشکاران حتی برای مخارج روزانه وخرج سفره استقراض کند و ربح پول درعهد مغول بهصدی هفتادو دو برای حکومت ومعتبرین وصدی صد برای سایرمردم بالارفته بود چنانچه ناظر صدرجهان یکی از وزراء چند هزار گوسفند رأسی پنجدینار برای مطبخ اربابش خرید که دوماهه قیمتش تأدیه شود سر مدت تاجر مطالبه قیمت کرد وچون صدرجهان پول حاضر نداشت فرمودگوسفندان را فروخته به طلبکار بدهند گوسفند ها قدری تلف ولاغر شده بود و از فروش آنها هرچه عاید شد فقط ربح دوماهه را کفایت کرد که تاجر دریافت وعلی الرسم برای اصل طلبش بازتجدید سند نمود ـ درنتیجهٔ این اوضاع معدودی پولدار ها خانمان مردم را برانداخته از دولت نیز همیشه ملیونها ادعای طلب داشتند ـ غازان خان چون بمضرات عمدهٔ این اوضاع مستحضر شد فرمان نوشت در تمام ممالك او از

کنار آمو (جیحون) تا حدود مصر گرفتن سود ممنوع باشد ودر کتاب قانون مجازات سختی برای رباخواران مقرر داشت

ایلچیان — حکومت مغول برای انجام کارهای دولتی بولایات مأمورینی بنام ایلچی میفرستاد که خرج سفر و مال سواری ومایلزم ایشان برعهدهٔ سکنهٔ دهات و آبادیهای عرض راه بود ـ تدریجاً شاهزادگان وخاتونان وامراء تومان (ده‌هزار) و هزاره (هزار سوار) و امراء صده و سایر بزرگان سپاه وغیرهم برای کارهای شخصی ایلچی بولایات میفرستادند وهرکدام ازاین ایلچی‌ها برای پیشرفت مقصود خود از دویست تا هزار نفر ملازم که غالباً اوباش و رنود بودند همراه میبردند و مانند وبا و طاعون بجان‌مردم می‌افتادند و بخانهای اهالی وارد شده اسباب خانه را غارت وبناموس ایشان متعرض میشدند ـ گاه میشد که در یك شهر برای دویست هیئت ایلچی باید اسباب پذیرائی فراهم کنند وهمراهان ایشان را جا و غذا دهند ایلچی ها در عرض بلاد ستور کاروانها و تجار و مسافرین راگرفته سوار میشدند و صاحب مال در بیابان سرگردان میماند غالباً دزدها نیز دویست سیصد تن گرد شده بالباس و حالت ایلچیان به غارت مال و ستور مردم میپرداختند و بگمان آنکه‌مأمور مغول‌است کسی متعرض آنهانمیگشت ـ غازان خان این رسم را یکباره برانداخت وغدغن فرمود درطول راهها همه‌جا چاپارخانه (یام‌خانه) ساخته اسب های دولتی گذاردند تا مأمورین به ستور مردم متعرض نشوند و خرج آنهارا فرمود حکام بحساب مالیات بپردازند و مقرر کرد هرگاه حاکمی بابت مخارج ایلچی مبلغی برسر رعیت حواله

دهد بهسختترین مجازات گرفتار آید ضمناً چاپارخانه‌ها که براه افتاد غالباً فرمانها توسط عمال چاپارخانه ارسال شده احتیاج باعزام ایلچی کم شد .

مواد دیگر قوانینی که غازان خان تدوین کرده راجع است بکیفیت وصول مالیات ـ تقسیم اراضی و خالصجات بزارعین تاخرابیهای صد ساله جبران پذیرد واعطای بعضی تسهیلات در امر زراعت ـ ایجاد راهدارخانه‌ها که از بارهای مال‌التجاره مبلغی معین میگرفتند و در مقابل مسؤل هر سرقتی بودند و عوارض راهداریرا فرمود برمیلهای سنگی سرراهها نقش کردند تا تجار بدانند وبیش ازحق مقرربراهدارها نپردازند ـ اوزان و مقادیر و پیمانه‌ها که در هر گوشهٔ ولایت دگرگونه بود و به ضعفا خیلی صدمه میرسید بفرمان غازان در همهٔ کشور بیك صورت درآمد و من تبریز از شام تا جیحون معمول شدواستاد فخرالدین و بهاءالدین خراسانی مأمور شدند تمام سنگها و گزها و پیمانه‌ها را مهر ونشان بزنند ودرهر شهر هرسنگ وگزو اندازه‌ای نشان آنهارا نداشت صاحبش مجازات میشد ـ قوانین دیگر راجع‌به اصلاح عیار نقره از قرار ده‌یك و عیار طلا و تنظیم امر سکه که خیلی خراب و گوناگون شده بود وضع گشت ـ مواد دیگر راجع باصلاح خزانه وتنظیم خالصجات قشون وسایر مهام مملکت تدوین یافت و جمیع این قوانین در محل موسوم به بیت‌القانون در شهر تبریز نهاده شدومقرر گشت چندین نفر از اهل دانش موظفاً بحفظ و استنساخ قوانین پرداخته هرکس نسخه‌ای بخواهد باو بدهند

فصل دوم

تجارت و صنایع عهد امیر تیمور ـ تجارت در زمان میرزا شاهرخ ـ دورهٔ سلطان حسین میرزای بایقرا ـ روابط ایران و چین



تجارت وصنایع در عهد امیر تیمور

امیر تیمور گورکان در هنگامی طلوع کرد که مملکت ایران را ملوك‌الطوایف حکومت مینمود . در فارس شاه منصور و سایر فرزندان پهلوان محمد خوافی در بغداد احمد شیخ اویس از جلایرها که از ادبا و صنعتگران عصر خود بود سلطنت میکردند در آذربایجان قرا یوسف ترکمان در سبزوار و گرگان سربداریه و درهرات ملوك کرت ودر سایر ایالات و ولایات واقعهٔ در افغانستان وترکستان و سیستان و بلوچستان همچنین حکمرانان با استقلال فرمانروائی داشتند . این ملوك الطوایف وقتی صورت قطعی گرفت که طغاتیمور آخرین پادشاه مغول را خراسانیهای مشهور به سربداریه در بارگاهش بکشتند بدین امید که حکومت تا تارهای بیگانه را از ایران ریشه کن سازند .

پر واضح است که وجود ملوك الطوایف مستلزم جنك و جدال داخلی است که پیوسته مابین حکمرانان ایالات روی میدهد . بنابراین بزرگترین دشمن آبادی و تجارت همان اصول ملوك‌الطوایف است . امیر تیمور گورکان در حملهٔ بایران ملوك‌الطوایف را برانداخت وطرق وشوارع را امنیت بخشید بطوریکه قوافل و کاروانها هرچند ازادای باجهای سنگین معاف نبودند اما بآسودگی درطول مملکت وسیع تیموری

ایاب وذهاب میکردند . از جملهٔ کارهای امیر تیمور یکی آن بودکه هرجا صنعتگر ماهر یا عالم متفنن سراغ میکرد احضار وبه سمرقند اعزام میداشت که پایتخت دولت بود وبدین روش شهرسمرقند مرکز دانشمندان و هنرمندان گردیده آثار اجتماع ایشان بعدهاظهور نمود

فرزندان ونوادههای امیر تیمور نزد آن استادان بزرگوارباشوق و ذوقی هرچه تمامتر بتحصیل علوم پرداخته هریك درفنون مختلفه سرآمد اقران وشهرهٔ دهر شدند چنانچه زیج الغ بیك گرگان کهنتیجه زحمات منجمین وستاره شناسان ماهر آن عهد و کوشش خود آن پادشاه است دردقت وصحت معروف میباشد . قطعات خط میرزا بایسنقر ابن میرزا شاهرخ ابن امیر تیمور چه درعصر خود آن امیر زاده وچه امروز بهائی عظیم وارد. دورهٔ سلطنت کورکانیه برای روابطتجارتی ایران و اروپا آغاز یکعهد نوینی محسوب میشود کهبعد از حملهٔمغول منقطع گردیده بود . گرچه از زمان قبلای قاآن اروپائیها برای استقرار رابطهٔ جدید با مشرق جنبشی کردند و از دربار پاپ سفرا نزدخاقان مغول به خانبالغ اعزام شد و مقصود عمدهٔ ایشان تبلیغ مغولان بود بمذهبعیسی که موفق نگشتند اما برای آمدورفت مسیحیان وتجارت ایشان تسهیلاتی حاصل کردند (۱) در عهد امیرتیمور دول اروپا و بیزانس برایایجاد روابط ومناسبات بادولت کورگانی سفرا فرستادند وهرچند مطلوب ایشان تضعیف دولت جوان عثمانی بود لیکن آمد ورفت نمایندگان مورث توسعهٔ تجارت وحمل ونقل امتعهٔ آسیا باروپا و بالعکس گردید . و اروپای عقب ماندهتدریجاً ممالك آسیارا شناخته راه کاروکسب ثروت را آموخت .

(1) Esq. H. U. Wells, P. 344

تجارت در زمان میرزا شاهرخ

دورهٔ شهریاری میرزا شاهرخ نسبتاً عهد آسایش و امنیت بشمار میآمد. درآن دوره مردم توانستند بسبب طول سلطنت پادشاه وندرت حادثات اختلال انگیز بتجارت و صنعت متوجه شوند. تجار اروپائی در آن دوره بایران آمدند و تجار ایرانی بممالك هندوچین و اقاصی دشت قبچاق وترکستان مسافرت میکردند (۱) مناسبات دولتین ایران ومصر که در زمان امیر تیمور مقطوع بود عهد میرزا شاهرخ مجدداً آغاز و اياب وذهاب تجار برقرار گردید (۲)

دوره سلطان حسین میرزا

سلطنت سلطان حسین میرزای بایقرا که بوجود وزیر دانشمندی مانند امیر علی شیر نوائی زینت یافته بود برای خراسان بزرگ و گورکان عهدامنیت و آسایش ودورهٔ ترقی صنایع و توسعهٔ تجارت بود. ما برای نمونه سطری چند از حبیب السیر نقل مینمائیم که نشان میدهد در شهر هرات پایتخت دولت صنایع تاچه پایه رسیده بوده است:

(درضمن جشن عروسی اولاد خاقان منصور سلطانحسین میرزای بایقرا صنعتگران و محترفه هرات انواع عجایب نمودند از آنجمله شیشه‌ای بود که درآن تصویرسی‌ودوصنف ازاهل حرفت را تجسم داده بود کههریك دردکان خود نشسته مشغول کار خویش است وهمچنین صندوق ساعتی بود صنعت مولانا حاج محمد نقاش که در کتابخانه امیر نظام‌الدین علیشیر جای داده شد و درآن صندوق صورتی تعبیه

(۱) حبیب‌السیر وروضة‌الصفا
(۲) ایضاً و تاریخ مصر و اخبارالدول

کرده بود که چون یك ساعت ازروز میگذشت آن پیکر باچوبی که‌بدست داشت یکنوبت به نقاره میکوفت وساعت دوم‌دو نوبت وهمچنین‌الی‌آخر.

خواند میر در جای دیگر اشاره به منجنیقی میکند که یکی از استادان مهندس درهرات ساخت و سه خروار سنگ را بفاصله‌دو میل پرتاب میکرد . ونیز ظرافت ودقایق صنعت چینی سازی مولانا حاج محمد مذکور است که جای دیگر بدان اشاره شده است وهمچنین سایر صنایع که هر یك موجب بسی حیرت میگردد

روابط ایران و چین

در دورهٔ شهریاری مغول رابطهٔ تجارتی ایران و چین برخلاف دیگرها روبه توسعه و نهایت ترقی گذارد . دروازه های شهرهای داخلی چین که همیشه بروی جمیع بیگانگان بسته بود بعد از تسخیر آن کشور مخصوصاً از عهد خاقانی قبلای قاآن برای مسلمانان مفتوح گشت (۱) تجار ایرانی بهریك از بلاد چین که میخواستند ورود کرده هر متاعی را که مایل میشدند خریده یا میفروختند و این عادت بعد از خاتمه خاقانی مغولان در چین با تحدید هائی برجا ماند بدین معنی که هرچند مسلمانان مانند گذشته بهمه‌جای چین سفر نمیکردند و معاملات را بعادت دیرین با اجازه و تصویب دولت آسمانی باید انجام دهند معهذا ورود و تجارت درچین برای مسلمین ایرانی‌سهل تر از سایر ملل صورت میگرفت . از هنگامیکه تجارت خارجی رادولت چین باز درقبضهٔ اختیار خویش درآورد تجار ایران و ترکستان بعنوان نمایندگی از جانب حکام بلاد خود با معرفی نامهٔ رسمی بخاك چین

(۱)Esq. H U. Wells. P. 340

میرفتند . ودریك عریضه کتبی مقدار امتعه واشیائی که بازرگان با خویش همراه داشت تفصیل داده شده آنچه را هم در مقابل میخواستندصورت مینمودند . اینگونه نامه هارا اکثر فارسی وندرتاً بزبان ترکی مینوشتند زیرا عدهٔ فارسی زبان وفارسی‌دان در همه‌جای آسیا زیاد بود و زبان مذکور در حکم لسان بین‌المللی آسیائیهای متمدن بشمار میآمد بطوری که حتی در جزایر مسلم نشین اقیانوس هند مانند جاوه و غیره نیز فارسی رواج داشت ودر هندوستان پارسی زبان رسمی دولت بودتاسال ۱۸۳۷ میلادی که دولت انگلیس آنرا از رسمیت انداخت . اینك ما ذیلا سواد چند فقره مکاتیبی را که درتجارت چین بکار میبرده‌اند مینگاریم و تذکر میدهیم که وضع معاملهٔ باچین درآنعهد خیلی‌شبیه بوده است بمعاملات روسیه ساوتی در این زمان یعنی مبادلهٔ جنسی معمول بوده وآنهم باجازه دولت صورت میپذیرفته است .

ذیلا ۳ نسخه عریضه را که از خاقان چین تقاضای مبادلهٔ جنسی شده است مینگاریم شکی نیست که‌این قبیل مکاتیب بخط فارسی دانان کم سوادی نوشته میشده است که در دربار چین سمت مترجمی‌داشته اند و با اندك دقتی معلوم میشود که نوع این مکاتیب تجارتی بیك عبارت و متن متحدالشکل نگاشته میشده .

نسخهٔ اول ــ طرفان ایلچی احمدخان پیش عرضه اکنون بنده بمثال کهنه قولی نه زیر در زرین سرزد تقدیم صوف ده قطعه عینك بیست فو مغول اسب پنج سر امید که‌بغنداريد قبول درگاه بیش‌درخواستن زربفت گلدارنوار چایه دیگر چیزی امیدکه لطف دهدعرضه داشته‌یرلیغ بدان . ترجمهٔ مکتوب بفارسي درست اینست احمدخان فرستادهٔ شهر طرفان

عرضه میدارد که حالیه بدستور بندگان قدیمی نه‌بار بدرگاه (آستان) زرین سرخدمت می‌ساید و ده قطعه صوف وبیست جفت عینك وپنج سر اسب مغولی تقدیم و امید است مقبول درگاه افتد و در ازاء بدرخواست بنده زربفت گلدار، نوار حریر، چائی و چیزهای دیگر که عرضه داشته لطف فرموده فرمان فرمائید داده شود .

نسخهٔ دوم - قامل دیار بنده محمدخان پیش عرضه اکنون علی‌الخصوص فرستاده ایلچی حسن نه زیر در زرین سرزده تقدیم یشم سنگ دوصدمن خرد کارد سه صد دسته امید که بغنداريد قبول درگاه بيش در خواستن زربفت‌نوار کتان گرم دارو وچایه دیگر چیزی امیدکه لطف دهد عرضه داشته یرلیغ بدان .

ترجمهٔمکتوب حسن - فرستادهٔمخصوص محمد خان بندهٔ(خاقان) حاکم کامل نه بار بدرکاه زرین سر خدمت میساید و دو صد من سنگ‌یشم وسیصد قبضه کاردکوچك تقدیم وامیداست بفرمائید مقبول درگاه افتدودرازاء درخواست‌بنده زربفت و نوار کتان و داروی گرم و چای وچیز های‌دیگر که عرضه داشته بفرمائید داده شود .

نسخهٔ سوم - مملکت کعبه ایلچی تاج الدین خان پیش تقدیم یشم سنگ یکصدو پنجاه من تازی‌اسب دوسر در خواستن لای قطع چایه لاجوردی کاسه لاجوردی طبق امید که لطف دهد عرضه داشته یرلیغ بدان

یعنی - تاج‌الدین خان فرستادهٔ مملکت کعبه یکصدو پنجاه‌من سنگ یشم ودورأس اسب تازی تقدیم داشته درخواست او طرقو (پارچه کرکی اشتر سفید) چائي کاسه لاجوردي بشقاب لاجوردي که عرضه

داشته امیداست لطف فرمائید داده شود .

تدنی فکری و انحطاط مدنی ـ چنانچه مکرر توضیح داده‌ایم جهانگیری و جهانداری مغول اسباب نکبت وفلاکت کشور ایران شده طرز سلطنت آن طایفه مورث تدنی فکری و انحطاط تمدن ایرانیان گردیده است . شوق دریا نوردی وگیتی شناسی وحب معرفت وکنجکاوی که همه‌جا ضمن تاریخ از رفتار وکردار ایرانیان بارز وظاهر میشود از آغاز حکومت مغول نابود گشته و قسمتی از اخلاق تاتار و سبك وسلیقه وحشیانه ایشان مابین ملت متمکن گردید . خرابیهای وارده از ترکتازی مغول هنوز در سرتاسر ایران باقی است و ضربت هائیکه از حکومت آن طایفه بر بنیاد حیات اجتماعی و تمدن ملی ما وارد شده است تا چند قرن ایرانی را از ترقی وتعالی بازداشته علوم‌وصنایع این ملت که قبل از مغول رو به اوج تکامل سیر میکرد با تاخت و تاز آن طایفه به حضیض مسکنت ونقصان برگشت .

باب هفتم

از عهد شاه اسمعیل صفوی تا تاجگذاری شاه عباس

فصل اول

آغاز نهضت صنعتی و تجارتی ـ روابط تجارتی ایران و هند

اغاز نهضت صنعتی و تجارتی

اسمعیل بزرگ شاهنشاه صفوی وقتی قیام کرد که‌ایران راملوك الطوایف تاتارها وترکمانها بصورت اسف انگیزی در آورده و بدتراز همه

یکی از قسی ترین حکومتها یعنی سلطنت اوزبك باز دامنهٔ خود را بسمت ایران میکشانید و محمدخان شیبانی که خویش را از احفاد چنگیز میشمرد برای تسخیر ایران کمر بربسته پادشاهی گورکانیه و ذریهٔ تیمور را با نهایت وحشت و قساوت از خراسان برانداخت و روی دل بسوی عراق داشت . اما آتش حرص و آز اورا شمشیرآبدار شهنشاه صفوی خاموش گردانید و سرتاسر ایران از دیار بکر وبغداد تاحدود سند وبلخ وجیحون وجبال قفقاز تا خلیج فارس در تحت یك قوهٔ یگانه درآمده تدریجاً بوسیلهٔ اتحاد مذهب به‌یگدلی و یکجهتی گرائیده مملکتی را که ملوك‌الطوایف بصدرنگ در آورده بودسلطنت صفویه یکرنگ ساخته اعتبار و استقلال بخشید و از نو ملتی بنام ایرانی ایجاد کرد . طبیعی است که اینگونه سلطنتی مردم رابکوشش ومجاهدت وکار و صنعت تشویق میکند چنانچه هنوز اندك مدتی از آغاز سلطنت صفویه نگذشته بود که کاروانهای تجارتی از هرسمت بهم‌اتصال یافته باردیگر مملکت ایران مرکز تجارت شرق‌وغرب گردید .

روابط تجارتی ایران و هند

بابر پادشاه که مؤسس سلطنت کورکانیه در هند شد خودرا بندهٔ شاه اسمعیل مینامید و بهمین مناسبت مابین دولتین ایران وهند در طول مدتیکه احفاد آن دو مؤسس بزرگ فرمانروا بودندمناسبات و روابط حسنه برقرار بود جز ایامیکه برسر قلعه قندهار فیمابین نقاری موقتاً رویداد همواره نمایندگان و اتباع و تجار طرفین با آسودگی بخاکهای یکدیگر ذهاب و ایاب میکردند و راه قندهار در نهایت امنیت وعمران بوده چنانچه تجار اروپائی پیوسته بدون‌هیچ اشکالی از آنجا میآمدند و میرفتند (۱)

(۱) تاورنیه طبع سردار اسعد مرحوم ص ۱۳۰

فصل دوم

آغاز تجارت ایران با اطریش و اسپانیا ـ روابط تجارتی ایران وعثمانی ـ قالی بافی و نقاشی

اغاز تجارت ایران با اطریش و اسپانیا

شارل کن امپراطور آلمان و اسپانیا برای ایجاد اتحادی با ایران برعلیه عثمانی بدربار شاه اسمعیل سفیری فرستاد (۱) و بعد ازآن اتباع آندولت برای تجارت بسواحل خلیج فارس آمدورفت میکردند تا زمان شاه عباس که چنانچه خواهیم خواند روابط منظم برقرار گردید .

روابط تجارتی ایران و عثمانی

روابط تجارتی ایران وعثمانی که تدریجاً در طول حدود غربی همسایه ماشده بود این دوره بر بنیاد یك عهدنامه ای که مابین شاه طهماسب اول و سلطان سلیمان قانونی انعقاد یافت صورت منظمی بر خود گرفته و مقرر گردید از مال التجارهٔ اتباع دولتین چیزی بیش از سایرین و غیر معمول دریافت نشود و فقط حقوق گمرکی درسرحد اخذ گردد

قالی بافی و نقاشی

پادشاهان صفوی بصنعت وتجارت توجه بزرگی داشتند وشخصاً نیز ازعلم صنایع مستظرفه بهره ور بودند چنانچه شاه طهماسب اول در مکتوب خودش به سلطان سلیمان قانونی (عثمانی) تصریح میکند که درنقاشی

---

(۱) تاریخ روابط ایران وروس تألیف آقای جمال زاده

و طراحی مهارت دارد و پیشنهاد مینماید اگر سلطان اندازهٔ مسجدی را که تازه ساخته بدست خود بدون وساطت غیر بگیرد و بشاه بنویسد او نیز قالیهای پربها دستور خواهد داد بیافند و برای مسجد خواهد فرستاد (۱) صنعت های قالی بافی و حریر بافی و کنده‌کاری در این عهد روبه توسعه وترقی گذاردمخصوصاً پادشاهان شخصاً کارخانه هارا سرکشی کرده مطابق ذوق وسلیقه خویش دستور هائی داده درتکمیل صنایع وترقی صنعتگران ملت خود میکوشیدند . فن تربیت نوغان و تحصیل ابریشم نیز دراین عهد روبتکامل نهاد وهرساله مبالغ هنگفتی از آنرا تجار پرتغالی که در جزیرهٔ هرمز اقامت داشتند خریده باروپا میفرستادند .

باب هشتم

ازتاجگذاری شاه عباس تا فتنهٔ افغان

فصل اول

سیاست اقتصادی ـ مسئله هرمز وپرتغالی ها ـ قرارداد باهلندیها

سیاست اقتصادی

همینکه شاه عباس کبیر باعادهٔ ممالك از دست رفته نائل شده در سرتاسر شهنشاهی پهناور خود از سواحل بحرسیاه تا بلخ و قندهار امنیت را برقرار ساخت‌بفکر بهبودی احوال اقتصادی افتاد زیرا قرنها بود که موجودی این کشور را غارتهای بیگانه و سوء اداره نابود ساخته ثروتی در بساط مردم

(۱) منتظم ناصری و روضة‌الصفا تألیف هدایت

نبود . شاه‌عباس برای پیشرفت مقصود خود رویه ایرا اتخاذ کرد که هزار سال پیش دولت ساسانی پیروی مینمود . گوئی مابین روح شهنشاه صفوی با انوشیروان ساسانی ارتباط حقیقی موجود بوده یااسناد مثبتی دربارهٔ خط مشی ساسانیان بنظر صفویه رسیده بوده است . بهر صورت شاه‌عباس کبیر دو مقصود عمده را درسیاست اقتصادی خود پیروی مینموده نخستین آنکه ملل اروپارا بخریداری محصولات‌ایران تشویق کند دوم اینکه باز ایران را معبر تجارت هندوستان ــ مغرب قرار دهد و به هردو مقصود خویش فائز گردید . شاه عباس چنان مصلحت دید که تجارت ابریشم ایران در خارجه بانحصار دولت درآید و بنابراین همه ساله مقادیر ابریشمی را که درولایات بعمل میآمد بقیمت عادله از رعیت میخریدند و در انبار های دولتی ضبط کرده متدرجاً هرقدر لازم‌بود برای بافتن‌تسلیم کارخانه میگردید و ابریشمی که زیاد میماند یا به کمپانیهای بیگانه فروخته شده ویا مستقیماً توسط عمال تجارت پیشه ایکه دولت از میان سوداگران بر میگزید بخارجه ارسال میگشت (۱) اولین باریکه شاه عباس خواست مستقیماً باممالك اروپا در تجارت مخصوصاً معاملهٔ ابریشم داخل مذاکره شودسفارتی بدربار هانری چهارم فرستاد اما بدبختانه سفیر ایران بعداز مرگ‌آن پادشاه وارد پاریس گشت و جواب شنید که باید سفیر جدیدی بانامهٔ بنام لوی ۱۳ اعزام دارند . مجدداً شهریار صفوی سفارتی باسپانیا فرستاد وهرچند که ازنتیجهٔ آن چندان خوشنود نشد معهذا مناسبات تجارتی مابین دولتین بوجهی منظم گردید (۲) سفارت مذکورمقداری

---

(۱) تاورنیه ۹۱۸ (۲) ایضاً ۶۲۱

هم ابریشم خام‌بهمراه‌داشت . سومین بار یك نمایندهٔ تجارتی ازایران با بارهای ابریشم به ونیز Venise رفت و ازآن پس هرساله چندتن از تجار ایرانی ارمنی یا مسلمان از جانب دولت مامور تجارت‌ابریشم گشته باروپا و شرق اقصی رهسپار و باسود گزافی باز میگشتند اما شاه عباس برای ابریشم نرخی از روی انصاف معین کرده و مأخوذ داشته‌مازاد منافع را بخود تجار می بخشید . مسیو تاورنیه Tavernier تاجر و سیاح فرانسوی مینویسد که همین رویه و سلیقه شاه عباس ارامنهٔ ایران رابتجارت تشویق کرد چنانچه امروز رشتهٔ تجارتی نیست که درآن داخل نباشند ونه تنها باروپا بلکه به هندوستان وجاوه و تنکن و فیلیپین آمدورفت دارند

مسئله هرمز و پرتغالیها

پرتغالیها که‌در بمبئی وسایر سواحل هندوستان ودرسراندیب ومالبار صاحب نفوذو مستملکاتی شده‌بودند تدریجاً بحدود خلیج فارس رخنه کرده جزیرهٔ هرمزرا گرفته‌شهری آبادان درآنجا ساخته‌مرکز تجارت قرار دادند وزمام‌دادوستد ایران را باخارجه یکجا بکف‌خود گرفتند چنانکه کشتی‌های جمیع ملل از هند واروپا بهرمز وبندر عباس آمده بوسیلهٔ پرتغالی ها خرید وفروش خودرا خاتمه داده باز میگشتند وکمپانی های انگلیسی وهلندی و دانمارکی و غیر ها بهیچوجه نمیتوانستند مستقیماً با ایرانی ها وارد مبادلات و معاملات شوند . پرتغالیها درهر فصل مظنهٔ هرمتاعی را که میخواستند بالا برده یا بنفع خود تنزل‌داده و ابداً حق حکومت ایران را هم میل نداشتند بشناسند هر جهازیکه از تنگهٔ هرمز میخواست وارد خلیج فارس شود باید به پرتغالی ها

حق‌العبور میپرداخت و گرنه‌اجازه نمیدادند و اگر میگذشت تعقیب می کردند . جزیره هرمز سابقاً ضمیمهٔ حکومت لار وتحت حکومت یکی از خانواده‌های بسیار قدیم ایران بود که ارثاً فرمانروائی آن صفحه راداشتند بعدها هرمز را بعضی امراء عرب متصرف شدند و پرتغالی ها از آنان گرفتند چنانچه در تاریخچه خلیج فارس جداگانه خواهیم نگاشت . پرتغالی ها که‌هرمز را فتح کردند دو پسر جوانی را که از پادشاه آنجا مانده بود باسپانیا فرستادند . شهریکه پرتغالیها درهرمز ساختند روز بروز بر تجملاتش افزوده میگشت زیرا منافع تجارت خلیج غالباً عاید اهالی آن شهر میشد . اما پرتغالیها بجزیرهٔ هرمز قانع نبودند لذا سال ۹۱۸ هجری مطابق ۱۵۱۲ میلادی بساحل تجاوز کرده بندر جرون راکه جای‌عباسی‌حالیه بوده متصرف وکمبرون نام نهادند ولی مکرر مردم و امرای اطراف شهررا باز گرفتند تا سال ۱۰۲۱ هجری، که پرتغالی ها بطور قطع برآن سواحل دست یافتند و این هنگامی روی داد که سرداران شاه‌عباس صفحات لار ومکران را بکلی تصفیه کرده بودند . دولت ایران قبلا از تضییقات پرتغالیها نسبت به تجارت این مملکت رنجیده باندیشهٔ چاره جوئی افتاده بود و کمپانی انگلیسی هند هم که با پرتغالیها رقابت شدیدی‌داشت منتظر فرصت مناسبی بود . لذا مابین انگلیسها با ایران قراردادی انعقاد یافت و کشتیهای انگلیسی برای نقلیات سپاه ایران حاضرشدند سال ۱۰۲۳ لشگریان ایرانی بندر عباس رااز پرتغالیها گرفتند درسال ۱۰۳۱ مطابق ۱۶۲۱ مسیحی جزیرهٔ هرمز استرداد و برطبق‌معاهده غنایم حاصله مابین انگلیسها با ایران بالمناصفه تقسیم شد . انگلیسها

مدعی بودند که اسرای مسیحی بآنها تسلیم شوند اما شاه عباس نپذیرفته وپاسخ داد که آنها همه مقیم خاك ایران و تبعهٔ ایران محسوب میگردند لذا اسرای پرتغالی را باصفهان احضار وبخدمات صنعتی گماشت وتدریجاً مسلمان شدند (۱) اما انگلیسها درازای مساعدت خود به امتیازاتی نائل شدند که از آن جمله معافیت مال‌التجاره کمپانی انگلیسی از ادای حقوق گمرك بود . ونیز انگلیسها مدعی بودند که برطبق معاهده عایدات گمرك بندرعباس باید بالمناصفه تقسیم شود و آنها باید مقابل گمرك ایران یك گمرکخانه انگلیسی بنا کنند اما این دعاوی پذیرفته نشد .

قرارداد باهلندیها

همانطور که انگلیسها تدریجاً در شهر سورت هندوستان وکلکته وغیرها نفوذ خودرا از راه تجارت برقرار میکردند و پرتغالیها در سواحل گوا وبمبئی ونواحی مالبار وغیره حکمرانی خود راتوسعه میدادند هلندیها نیز جزایر جاوه را گرفته روبه سمت مشرق پیش رفته تجارت ژاپن و شرق اقصی را بکف آورده بودند. کمپانی هلندی بادولت ایران قراردادی منعقد ساخت که ابریشم خام ایرانرا بمظنهٔ عادلانه خریداری کند و درازای این کمکی که بصادرات ایران مینماید درادای حقوق گمرکی معاف باشد . کمپانی هلندی مادامیکه باژاپن تجارت بزرگی داشت هرساله تاهزارعدل ابریشم حمل میکرد و در مقابل فلفل ومیخك و انواع ادویه که سالانه تخمیناً به یك ملیون وسیصد هزار لیور (۲) میرسید از هند وارد ایران کرده بفروش میرسانید (۳)

---

(۱) تاورنیه ۱۰۰۴

(۲) ۱۲ لیور فرانسوی یکمن شاه است

(۳) تاورنیه ۳۹۱

تجارت ایران و روسیه

تجارت ایران وروسیه از زمان شاه عباس کبیر ببعد رو به ترقی وتوسعه نهادو بعد ازآمدورفت هیئت های نمایندگان سیاسی مابین دو دربار روابطدولتین منظم گشتههرساله تجار روسیه باسفارشنامههای مخصوص مبالغ هنگفتی پوستخز وسنجاب و عرق (الکل) بازهای شکاری و غیره از روسیه وارد ایران کرده انواع پارچههای ابریشمین وشالهای پشمی و ابریشم خام وچرم ساغری وتیماج و بعضی میوههای خشک و چیزهای دیگربهروسیه برمیگردانیدند . (۱) ابریشم خام وتیماج وساغری ایران به لهستان نیز از راه روسیه حمل میشد (۲) لاجوردیکه از حدود تاتارستان غربی (کریمه) بایران میآوردند مطبوع بوده (۳) طلق نیز از مسکو میآمد (٤) ما در قلم صادرات و واردات ایران امتعهٔ باب روسیهرا مشروحاً خواهیم نگاشت . اما راه معمول تجارتی مابین ایران و روسیه چنان بود که از سرحد ایران یعنی شهر دربند چون میگذشتند هفت روز خشکی را پیموده بشهر تدارك میرسیدند و از آنجا کشتیها پنجروزه و اگر باد مساعد نبود نه روزه بحاجی ترخان میرفتند . در حاجی ترخان گمرك روسی پنج درصد ازامتعهٔ وارده حقوق میگرفت و از آنجا بوسیلهٔ رود ولگا کشتی رانده در شهر ساراتوف یا شهر سیمبیرسك بخشگی پیاده شده بوسیلهٔ ارابه یا اسب و اگر زمستان و برف بود بوسیله سورتمه بمسکو میرفتند . پادشاهان روسیه گاهی برای جلب منفعت هیئت های سفارت بدربار صفویه اعزام و با آنها مبالغ هنگفتی مالالتجاره میفرستادند که بفروش

(۱) ایضاً تاورنیه ۸۹۲ (۲) ایضاً (۳) ایضاً ۸۱۷ (٤) ایضا ۸۱۹

رسد زیرا احمال سفراء از حقوق گمرکی معاف بود

تجارت ایران و دانمارك

دانمارکی ها که از سال ۱۰۲۸ هجری در هندوستان به تجارت و استقرار نفوذ خود پرداخته بودند بعد از سقوط پرتغالیها وآزادی تجارت خلیج در صدد مراوده با ایران بر آمده نمایندگان دولت دانمارك سال ۱۰۴۹ هجری مطابق ۱۶۳۹ مسیحی یکقرارداد دولتی و تجارتی با ایران منعقد نمودند

تجارت ایران و فرانسه

روابط تجارتی ملت فرانسه با ایران از عهد هانری چهارم و لوی سیزدهم برقرار بوده و مکرر از جانب دولت فرانسه راجع بامورتجار و اتباع آندولت که مقیم ایران بودند عریضه ها و سفارشنامه ها بنام دولت ایران فرستاده شده بود اما اولین سفارتیکه از دربار اصفهان به پاریس اعزام گشته وبانیل مرام مراجعت کرد هیئتی بود تحت ریاست محمد رضا بیك مستوفی ایروان که سال ۱۷۱۵ بتوسط لوی چهاردهم پذیرفته شد (۱) فرانسویها با ایران قراردادی بستند که هرساله مبلغ ۱۴ هزار تومان (۲) ابریشم از ایران خریده در عوض پول طلا و قدری ماهوت بدهند اما ابتدای روابط تجارتی ملتین از زمانی بود که فرانسه‌ها درهند نفوذی یافتند . شاه‌عباس کبیر عدهٔ زیادی مستخدمین فرانسوی داشت وهمچنین شهنشاهان دیگر صفوی بجلب و استخدام اروپائیان خاصه فرانسویها شایق بودند . شوالیه دو شاردن فرانسوی (Chevalier de Chardin) و مسیو تاورنیه هرکدام جداگانه

---

(۱) تاریخ لوی ۱۴ (۲) هرتومان صفویه معادل هشت تومان حالیه است

شرحی دربارهٔ مستخدمین فرانسوی دولت ایران و عدهٔ آنها نگاشته‌اند (۱) درخاتمه این فصل چند سطر ذیل را از مسیو تاورنیه نقل مینمائیم « شاه عباس کبیر که طالب افتخارات ونام نیك بود پیوسته بازدیاد وسایل ثروت و انتظام مملکت فکر میکرد ونمیخواست پول مملکت خارج شود چنانکه وجود بانیان ها (هندوها) را که درصرافی نهایت ستمگرند برای ملتش چون طاعون و قانقرایا شمرده از ورود و تجارت و اقامت آنها در ایران جلوگیری میفرمود ونیز میخواست تجارت دست ملت خودش باشد تا نقدینه بخارج حمل نشود وچون هرسال جماعتی بزیارت مکه ومدینه رفته مبلغها بجیب ترك وعرب میریختند جنبه پلتیکی بر جنبه مذهبی وی غالب شده مرقد حضرت رضا (ع) را ترویج وشخصاً برای تشویق ملت با ارکان دولت پیاده بزیارت شتافت (ضمناً مسیو تاورنیه شرح تعمیرات مشهد رضوی وترغیب مردم را بزیارت آنجا مینکارد) شوالیه دو شاردن فرانسوی نیز در تائید این مدعا از ممنوعیت زیارت مکه درعهد شاه‌عباس گفتگو مینماید .

ترقی و تکمیل صنایع

عهد صفویه را باید دوره جنبش و کوشش ایرانیان بشماریم و شکی نیست همانطوریکه ملت ایران در آن زمان با سرپرستی دولت پیش میرفت اگر سکته ووقفه‌ای پیدا نمیشد امروز ازسایر ملل حیه وامانده‌تر نبود . شهادت نویسندگان اروپائی که خود نهضت ترقی پرورانهٔ آنعهد را معاینه کرده اند برای ما درس عبرتی خواهد بود تا بدانیم چگونه یك فترت و سوء ادارهٔ چند ساله ممکن است بنای سعادت و عظمت ملت را واژگون سازد .

---

(۱) تاورنیه ص ۷۷۸

در عهد شاه عباس کبیر و شاه عباس ثانی معادن زیادی باجستجو وجدیت عمال دولت در اطراف مملکت کشف و استخراج شد که از آن جمله بود معدن طلا و نقره و مس (۱) ومعدن لاجورد که درضمن استخراج مس بدست آمد . در آنزمان لاجورد را از تاتارستان بقیمت گزافی وارد میکردند ولی پس از کشف این ماده دولت بنام ترویج محصول داخله رسماً بصنعتگران حکم داد لاجورد وطن استعمال کنند(۲) اما استخراج معادن طلا ونقره متروك شد زیرا مبالغ طلائیکه از معادن حبشه و سوماترا و چین و غیره خارج میشد ونقره‌ایکه از مملکت پرو (Pérou) بیرون میآمد کارکردن در معدنهای ایران را بی‌صرفه ساخت و چون هرساله در ازای ابریشم وسایر محصولات ایران از ژاپون و اروپا طلا ونقره مسکوك بسیار وارد ایران میگشت برای ضرب مسکوکات چندان احتیاجی بطلاو نقره شمش نداشتند . عهد شاه‌عباس ثانی معدن سرب در نواحی یزد یافتند و طلق وزاج قلمی وذغال‌سنك نیز کشف شد ویکقسم مرمر برنگهای مختلف که مثل بلور حاجب‌ماوراء نبود بدست آوردند . محمد بیك اعتمادالدوله وزیر شاه عباس ثانی که عشق مفرطی باستخراج معادن داشت وشخصاً در امور میکانیکی کار میکرد برای جلب متخصصین معدن از ممالك خارجه اقداماتی بعمل آورد وزحمات آن مرد بزرگ اسباب تشویق و تحریص همه مردم بصنایع گردید . (۳)

کارخانه ها

قبلا توضیح دادیم که دولت صفویه برای توسعه وترقی صادرات معامله ابریشم را بخودانحصار

---

(۱) تاورنیه ص ۸۱۵ (۲) ۸۱۷ (۳) تاورنیه ۸۲۱

داد اینك باید بگوئیم که بزرگ ترین کارخانهای بافندگی را نیزدولت بخرج خود تأسیس کرد و بعدها مصنوعات آن کارخانها مایه سرافرازی ومباهات ایران گردید . در کارخانه های دولتی ایران انواع قالی های ابریشمی با تار های سیمین و زرین و پارچه های زربفت و قالی و پارچه‌های پشمین و کرکی وزری اعلا و مخمل و تافته و قناویز وسایر اقسام حریر بافته میشد (۱) بعلاوه دردارالصنایع دولتی صنعتگران میناکار و نقاش و جواهر تراش و زرگرهای ماهر دائماً مشغول کار بودند (۲) و آثار بسیاریکه اینك از میناکاری قدیم در ایران باقی است نتیجهٔ تشویق وترغیبی است که دولت مستقیماً نسبت باین قبیل استادها مبذول داشته برای اکثر آنها مکاتب مخصوص ایجاد شده بود که صنعت خودرا بشاگردها میآموختند مانند مکتب نقاشی علیرضا و غیره .

تاورنیه (Tavernier) میگوید مابین زرگرهای میناکاریکه در خدمت دولت ایران هستند دوتن فرانسوی میباشند اما مسلم است که نقاشان و مذهب کارها همه ایرانی نژاد بوده‌اند . صنعت ساعت سازی از عهد شاه‌عباس کبیر در ایران رو به ترقی و توسعه نهاد و استادان ماهر ایرانی و اروپائی کـه در خدمت پادشاهی میزیستند انواع ساعتهای زنگی بغلی و ساعتهای بزرگ دیواری وغیره میساختند (۳) یکنفر یعقوب نام از اهل جلفای اصفهان که درفنون مکانیك ماهر بوده و در خدمت دولت ریاست نجارخانه را داشته است در سفر خود به اروپا از فن طبع اطلاع کامل یافته در معاودت اصفهان عهد شاه‌عباس ثانی مطبعه‌ای ایجاد کرد که قالب های آنرا خودش میساخت . اما

---

(۱) تاورنیه ۸۶۲ (۲) ایضاً (۳) ایضا ۸۶۳

این مطبعه خیلی کار نکرد زیرا خطاطها و مستنسخین که عده آنها زیاد بود و محل معیشت آنها از رونویس کتابها میگذشت شکایت کردند که ممر ارتزاق آنها مسدود خواهد شد و یعقوب بدین ملاحظه ناگزیر از تعقیب کار خود باز ماند (۱) کارخانهای چینی سازی درعصرصفویه به نهایت ترقی رسیده بود چنانچه مسیو تاورنیه اعتراف میکندکه چینی سازی ازصنایع خیلی عالی ایران است و بر چینی (سه‌ور) فرانسه ترجیح دارد زیرا وقتیکه میشکنند مغزش سفید است و باطن باظاهرش فرقی ندارد اما امتیازش این است که چینی ایران هرگاه مایع گرمی درآن بریزند مثل سایرین داغ نمیشود وهرقدر مایع گرم باشد بلب وپایهٔ فنجان سرایت نمیکند (۲) خاك چینی از نواحی کرمان بدست می آمد .

کارخانهای تیماج سازی و چرم ساغری ایران در آنعصر نهایت شهرت را داشت (٤) وکارخانهای اسلحه سازی در کمال رواج بود . چندین استاد فرنگی برای شمخال سازی استخدام شده دائماً مشغول کار بودند (٥) ایرانی ها در صیقل دادن مهارت بزرگی داشتند (٦) پارچه هائی باگلهای برجسته برای پرده میساختند و صنف مخصوصی کارشان این بود که روی تافته گلهای طلا و نقره می چسبانیدند رنگ طلا و نقره ایران بمرور ایام تغییر نمیکرد (۷)

صادرات ایران

مهمترین قلم صادرات ایران عهد صفویه ابریشم بود هرساله مبالغ گزافی ازپارچه های زری و مخمل و تافتهٔ ایرانی باروپا حمل میشد وتا زمانیکه در

---

(۱) تاورنیه ۸٦٤ (۲) تاورنیه ۸۹۱
(٤) تاورنیه ۸۹۰ (٥) ایضاً (٦) ایضاً ۸۸۸ (۷) ایضاً

خود اروپا این پارچه ها ارزان تر بعمل نیامده بود این تجارت رواج داشت مخمل وابریشم خام ایران به عثمانی و بمسکو ولهستان زیادحمل میشد و بمصرف قلابدوزی میرسید ساغری وتیماج ایران یك چشمهٔ عمدهٔ تجارت هلندیها بود که بهندوستان و ژاپن حمل میکردند و به لهستان ومسکو نیز زیاد میرفت (۱) روناس ایران تماماً بهندوستان فروخته شده همچنین انواع ترشی آلاتیکه از میوه میانداختند وگلاب وعرقهای معطر دیگر مقدار بسیاری بهند میفروختند پسته قزوین و بادام یزد و کرمان و غیره و کشمش وآلوی خراسان بیشتر خوراك مردم هندوستان بود . از ایران مقدار بی شماری هرساله مرباجات در جعبه‌ها بخارج میرفت‌وبیشتر اهالی هند و پرتغالیهامشتری آن بودند(۲) انواع میوه‌های خشك از آذربایجان بخاك عثمانی و دیار بکر وبغداد میبردند . یك تجارت بزرگ ایرانیها شتر بود که به عثمانی هامیفروختند زیرا شتر ایران را آنها بهتر از شتران خاك خود میدانند و اسب و قاطر ایران در هندوستان بفروش میرسید (۳) وعدد بی شمار آن اسباب حیرت بیگانگان میشد هرساله تجار ازخاك عثمانی برای خریدگوسفند بایران میآمدند وگله های این مملکت را تا اسلامبول و ادرنه می بردند وعمدهٔ مصرف رومانی واناتولی از گوسفند ایران بود (٤) فیروزهٔ سنگ کهنه در ممالك خارجه مشتری زیاد داشت نمك از هرمز به پتاویه (Patavia) و ژاپن توسط هلندیها حمل میشد (٥) ازایالات داغستان ایران پشم واسب چرکسی وفولاد بمسکو میبردند (٦) وعلاوه برقالی و زربفت وحریر انواع پارچه های قلمکار و قلمدان و اشیاء

(۱) ایضاً ص ۸۹۰ (۲) تاورنیه ۸۹۲ (۳) ایضا ۸۹٤
(٤) ایضاً (٥) ایضاً ۹۹۸ (٦) ایضا ٥۳۹

مذهب‌کاری و غیره برای خارجه میخریدند تریاك ایران نیز بهندوستان میرفت اما آنزمان زراعت تریاك افیون قره حصار عثمانی خیلی‌مهم‌تر از ایران بود (۱) کرك نبافته و زعفران ایران جزء صادرات بشمارمی آمد . شالهای کشمیری مشگ نافه وعنبر و ادویه‌جات دیگر که از تبت و هند میآمد جزء صادرات ایران بود (۲) شالها و بافته های پشمی کرمان و قالیهای پشمی یا ابریشمی با گلهای برجسته نظیر اطلس های گلدار امروز جزء صنایع عالی ایران محسوب میشد .

واردات ایران

ماهوت انگلیسی وهلندی وماهوت ارغوانی از (ونیز) یك قلم مهم واردات این مملکت بود (۳) با آنکه مس در داخله استخراج میشد برای ساختن ظروف مس از برمه و ژاپن وارد می شد برای چرم سازی مازوی موصل و حلب مشتری داشت . فولاد از کلکته میآوردند و بر فولاد فرنگ وفولاد خود ایران ترجیح میگذاردند زیرا برای سواد کردن مستغدتر بود . فولاد کلکته از طریق ایران بشام ومصر و استانبول نیز حمل میشد وزمانیکه پادشاه کلکته خروج آنرا ممنوع داشت دولت ایران نیز از صدور فولاد هندی بممالك دیگر جلوگیری نمود تا بصنایع اسلحه سازی داخله سکته وارد نشود (٤) از بلغارستان چرم بلغار میآوردند(٥) انواع آئینه ها شمعدانها وچهلچراغها و اسباب خرازی مثل آئینه‌های کوچك زنانه و سنگهای بدلی و مروارید بدل و منجوق و قطب نما و غیره از ونیز Venise و اتریش و فرنگستان وارد می کردند (٦) خز و سنجاب از روسیه و بعضی سازها مثل ارك و غیره وپرده های

---

(۱) تاورنیه ۸۹۲ (۲) ایضا ۱۸۲ (۳) ایضا ۵۹۸/۱۸۸/۱۸۳
(٤) تاورنیه ۸۹۰ (٥) ایضا ۲۰۹ (٦) ایضا ٦۱٦

مصور وپارچه های اطلس ومخمل فرانسوی و زری ونیزی و منسوجات پشمینه بعد از اواسط عهد صفویه بایران میآمد . هرگونه سنگهای پربها مانند الماس و زمرد ویاقوت وغیره بوسیله تجار اروپائی واردمیشد وکلیتاً اشیاء تجملی اعم از بلور آلات یاخرازی وجواهرات و بافته های سنگین مهم‌ترین متاع اروپا بود .

امتعه و مصنوعات ژاپن همچون سینی های مقوائی مصور و وبعضی ظروف و پارچه توسط هلندیها وارد میگردید هرنوع ادویه مثل فلفل دارچین زردچوبه میخك و قهوه وغیره از جزایر اقیانوس هند و جاوه بیشتر توسط هلندیها وارد میشد .

یك قلم واردات طلا ونقرهٔ مسکوك بود که در ازاء صدورابریشم توسط تجار وارد ایران میگشت و پولهای طلای اروپائی ماننددوکای آلمانی ریال اسپانیا و اکوی فرانسه بمظنهٔ خود در همه جای ایران رواج داشت (۱) و این مطلب افزایش عظیم صادرات عهد صفویه‌را بر واردات مسلم میدارد نقره مسکوك خارجه را غالباً تجار به‌ضرابخانه های بلاد سرحدی هنگام ورود پرداخته به سکه ایران تبدیل میکردند

هرچند نیل وشکر در خوزستان بعمل میآمد معذلك چیت‌ونیل و شکر هند نیز بایران میآمد . (۲)

طبقات تجارت پیشه

ایرانیان مسلمان و پس از ایشان یهودیهای ایرانی زمام تجارت داخله را در دست‌داشتند اما در تجارت خارجه چنانکه قبلا توضیح دادیم از عهد شاه عباس کبیر ارامنهٔ جلفای اصفهان پیشدستی گرفتند

(۱) تاورنیه ۵۱٤ (۲) ایضا ۹۹٦

ارامنه اصفهان غالباً با سرمایهٔ دولت یا رجال و بزرگان ایران سفرهای دور ودراز بخارجه میکردند وغالباً در سودای خود سود میبردند زیرا در زندگی قانع و صرفه‌جو بوده مخصوصاً یگانگی مذهب آنها با اروپائیان در تجارت فرنگ کمك بزرگی بشمار میآمد طبقه دیگر از سوداگران هندوهائی بودند موسوم به بانیان که اواخر عهد صفویه شمارهٔ آنهادر اصفهان به ده هزار نفر میرسید و کار این بانیانها معاملات صرافی بوده که با نهایت بی انصافی مجری میداشته اند . مسیو تاورنیه Tavernier راجع باین جماعت مینویسد (شاه عباس کبیر حق داشت که‌نمیخواست اینها در مملکت او تجارت نمایند بجهت اینکه در ربا خواری از یهودی بدتر هستند وعنقریب تمام نقدینه مملکت را مالك خواهند شد زیراکه پول را از متمولین و بزرگان در صدی هشت یانه میگیرند آنوقت با گرو و وثیقهٔ زیاد صدی ۲۰ و ۳۰ قرض میدهند و اگر زورشان برسد از ۳۰ هم بیشتر فرع دریافت میدارند (۱)

شهرهای تجارتی ایران

شهر های تجارتی ایران درعهد صفویه یکی تبریز بود که از بلاد مشهور آسیا بشمارآمده برای تجارت با عثمانی و اعراب وگرجی ها و روسیه با هندوستان وجزایر و تاتارستان وغیره مرکز مهمی بود . مسیو تاورنیه میگوید . بازار های آن که سر پوشیده است همیشه از امتعهٔ نفیسه مملو میباشد . صناعت آهنگری و ابریشم بافی تبریز معروف بود بیشتر چرم ساغری نیز در آنجا ساخته میشد .

دیگر شهر ایروان که از سمت خاك عثمانی اولین شهر بزرگ

---

(۱) تاورنیه ۷۷٦

ایران و پایتخت قسمت مهم قفقاز ومعبر قوافل ایران و هندبه‌عثمانی و اروپا محسوب میشد . صدی شانزده از عایدات گمرکی این شهرکه بدولت می رسید سالیانه به بیست و یکهزار تومان بالغ میگردید که معادل صد و شصت و هشت هزار تومان پول حالیه ایران میشود

بندر عباس نیز برای تجارت هند وشرق اقصی و اروپا مرکز شهیری محسوب و سالانه ۲۱ تا ۲۲ هزار تومان عایدات دولت ازگمرك آنجا بود که ازصدوهشتادهزار تومان حالیه تجاوز میکند (۱) تمام‌مال‌التجاره مشرق برای عثمانی و اروپای شرقی وبالعکس در این بندر می‌ریخت وکشتیهائیکه از هند وشرق برای گذشتن از دماغه امید و رفتن به اروپای غربی بادبان میافراختند غالباً در این بندر لنگر میانداختند(۲) بعداز اصفهان که درجه اول از اهمیت را حائز بود وسه شهر مذکور فوق بلاد همدان وقزوین ومشهد و قندهار که از راه خشکی معبر تجارت هند محسوب میگشت اهمیت تجارتی داشتند . ولایات‌اردبیل وگیلان نیز از جهت محصول ابریشم مشهور بودند .

نظامات گمرکی — در جمیع حدود ایران دفاتر گمرکی منظم موجود بود و آنزمان گمرك ها مستقیماً تحت نظر عمال دولت اداره میشد و اجاره دادن‌آن مرسوم نبود بعدهایعنی عهد قاجاریه ترتیب اجاره گمرك را از دول خارجه تقلید کردند حقوق گمرکی بر مال‌التجاره وارده تعلق میگرفت کد صدی پنج از قیمت متاع دریافت میداشتند (۳) هرگاه مال‌التجاره بطور قاچاق می‌گذشت و دستگیر می‌شد دوبرابر حقوق معمولی جریمه می‌گرفتند ازمسکوکات

(۱) تاورنیه ۱۰۰۸ (۱) تاورنیه ۱۰۱٤ (۳) ایضا ۱۰۱۲

وطلا ونقره‌ای که تجار میخواستند صادر کنند هردوکای (۱) طلا یکشاهی گمرك اخذ میشد و اگر بطور قاچاق خارج میکردند وکشف میگشت تمام آن ضبط میگردید (۲)

نظامات واوضاع گمرکی ایران نسبت به عثمانی برتری بی اندازه داشته مورث رضایت وخوشنودی تجار بوده است . در خاك عثمانی کاروانها به هرشهری که می رسیدند مورد تفتیش واقع شده حقوقی جداگانه می پرداختند وهمواره تجار در معرض تجاوزات گمرکچی های هرشهر واقع میشدند (۳) اما در ایران اینطور نبود وجز در گمرك سرحدی جای دیگر بارهای مال‌التجاره را تفتیش نمیکردند

گاهی که گمرکچی های عثمانی در یکی از حدود بیش از حد نسبت به تجار تجاوز میورزیدند کاروانها راه را برگردانیده از سرحد دیگر عبور میکردند و به گمرکچی متجاوز در نتیجه خسارت هنگفتی وارد می‌شد زیرا غالباً صد پنجاه تا صدی هشتاد از حقوق گمرکی عاید والی ولایت وعمال گمرك میگشت . این بود که آنوقت گمرکچی نزد حاکم سرحد ایران آمده معذرت جسته مبلغی گروکان می نهادکه حاکم ایرانی قوافل را به حسن سلوك گمرکچی عثمانی اطمینان بدهد و دوباره راه را بشارع قدیم برگردانند چنانکه این‌واقعه مکرر در گمرك ارز روم رویداد که بحاکم ایروان ملتجی می‌شدند (٤) در داخلهٔ ایران نزدیك هریك از شهرها مامورین راهداری مبلغی دریافت می داشتند که مظنه آن متفاوت بود و از بار شتر بیشتر از بار قاطر و یابو

(۱) هردوکای طلا ۹ شلنك و ٤ پنس قیمت داشته ومابین ۲۵ تا ۳۰ قران کنونی ارزش دارد

(۲) تاورنیه ۲۲٤ (۳) ایضا ۸۹ (٤) تاورنیه ٦٤

میگرفتند ومال سواری وبارهای آذوقه کاروان هم از حق راهداری و وهم از حق گمرك معاف بود . مسیو تاورنیه Tavernier میگوید : این وجه بمصرف حراست و امنیت راه میرسد و اگر سرقتی به‌کاروان وارد شود حاکم هر محل در قلمرو خود مسئول ادای غرامت آنست همین فقره اسباب امنیت کامل در تمام طرق و شوارع مملکت ایران شده بطوریکه شخص محتاج باجتماع نیست و تنها میتواند بهمه جا آمدو رفت نماید (۱)

آسایش تجار و امنیت حقوقی

قبلا باید بگوئیم که از قدیم‌الایام در سرزمین ایران نسبت به غربا واجانب همه‌گونه مهربانی و حسن پذیرائی مبذول میشده و در عهد صفویه مخصوصاً شواهد عدیده داریم که دولت مرکزی پیوسته متوجه حال بیگانگان بوده به همه جای مملکت برای رفاه و آسایش ایشان تعلیمات مؤکده صادر میکرده‌اند. مسیو تاورنیه مینویسد: خان ها و حکام ایالات ایران نسبت باجانب وغربا مهربان و مؤدب هستند و نیز همین نویسنده و شاردن در بارهٔ امنیت جان ومال مردم و پلیس ایران مینگارند : چون اساساً ایجاد پلیس درممالك دنیا برای تسهیل امور زندگانی‌است میتوان گفت پلیس ایران از این نقطهٔ نظر بهتر از پلیس تمام دنیااست ریاست بلدیه وتعیین نرخ ارزاق با محتسب‌است که بمنزلهٔ قاضی پلیس میباشد محتسب دارای یك عده معاونین بوده در اثنای هر هفته مشغول مشاوره وملاحظه نرخ اجناس و تغییرات آن میشده روز اول هفته بعد اعلان میکرده اند . هرکاسبی یکدرهم کمتر فروخته

---

(۱) ایضا ۱۵۰

یا یکشاهی از مظنه بیشتر میگرفت فوراً به مجازات میرسید و اگر جنس پسند مشتری نمیبود فروشنده ناگزیر باید پس گرفته پولش را رد کند.

درخصوص امنیت شهر و راه ها مقرر بوده است هرچه را از تاجر بسرقت ببرند صاحب مال از روی ثبت دفتر خودش بدرستی آن سوگند یاد کرده غرامت مال را از حاکم ولایت بگیرد. مسیو تاورنیه چندین واقعه را چه راجع بخودش وچه راجع بدیگران نقل میکند که بدون معطلی غرامت مال مسروقه تادیه شده بود ومیگوید حکام در ترضیهٔ خاطر تجار اینگونه مواقع خیلی تعجیل میکنند مبادا در اصفهان بشاه تظلم نمایند

دوایر عدلیه که عهد صفویه دیوان عدالت مینامیدند همه جای مملکت زیر نظر پادشاه با انتظام ودادگری اداره میشد. در هر شهر شاه یکنفر دیوان بیگی مأمور مینمود که فقط تحت اوامر مستقیم مرکز بود وحاکم ولایت هم از طرف خود یکنفر داروغه به همراهی او میگماشت دیوان بیگی بمسائل حقوقی رسیدگی کرده بهمراهی صدر دیوانخانه که قاضی شرع بود به حل و فصل دعاوی میپرداخت. صدر دیوانخانه از طرف صدرالصدور انتخاب میگشت وصدرالصدور ریاست ادارهٔ کل روحانیت و اوقاف مملکت را حائز بود. منصب صدارت عهد صفویه از بزرگ ترین مناصب بشمار آمده با رتبه شیخ الاسلامی عثمانی برابر بود جمیع قضات ووعاظ رسمی و متصدیان اوقاف وغیره از جانب صدرالصدور بعد از امتحانات لازمه مأمور ولایات میشدند

---

(۱) تاورنیه ۹۰۶

اما عهد نادر و مخصوصاً زمان قاجاریه این ادارهٔ وسیع و منظم روحانی تباه گشت و هر ملائی درهرکجا بداشتن محاکم و رسیدگی دعاوی و غیره آزاد شد.

انتخاب صدرالصدور از جانب شخص شاه بعمل میآمد (۱) اما رسیدگی باموارت راجعه بدزدی و جنگ و نزاع وقتل و جنایت و مراقبت خانه های عمومی و اماکن معروفه از وظایف داروغه بود وصاحبمنصب دیگری زیر دست داروغه بود که اورا اعطاس میگفتند و اعطاس ریاست شبگردان را داشت که حفظ امنیت شهر برعهدهٔ آنها بود علاوه براینها در هر شهر یکنفر کلانتر نیز بود که از طرف شاه مأمور شده مطیع امر احدی نبود ووظیفه کلانتر حراست و حفاظت حقوق اهالی ولایت از تجاوز مأمورین وحکام بود. (۲) ما در خصوص حسن جریان امور عدالت وحل وفصل دعاوی ومرافعات عهد صفویه شواهد عدیده داریم چنانچه شوالیه دوشاردن Chevalier de Chardin و دیگران مکرر باین مطلب اشاره نموده اند و تاورنیه میگوید: « عدالت درایران در کمال صحت و در نهایت سرعت مجرا میشود مرافعه بطول نمی انجامد و فوراً به محاکمه اقدام میکنند بدون اینکه محتاج وکیل یا مدعی العموم بشوند یا عمداً مسئله را پیچ وخم داده اشکال تراشی نمایند. نه این است که مباشرین عدلیه بکلی معصوم باشند اما اگر مابین آنها رشوه گیر یا متجاوز پیدا شود باز از عثمانی ها بدرجات عادل ترند و رضایت خاطر مظلوم را زودتر و بهتر فراهم میآورند واز هرجهت در بی اعتدالی خودداری میکنند زیرا اگر تعدی آنها کشف

(۱) عالم آرای عباسی. (۲) تاورنیه ۸۹۷

شده بسمع شاه برسد عفو و بخشایش برای ایشان امکان ندارد و نیز تاورنیه میگوید هرگاه یك اجنبی در ایران بمیرد از اموال او قاضی و مأمورین ثبت برداشته در دست امنای محل تا یکسال میسپارند و بعد از آن اگر ورثه متوفی پیدا شد برای آنکه ضایع نشود تمامرا میفروشند و در نهایت درستکاری حفظ میکنند تا وارث پیدا شود و نظیر این صحت عمل ایرانیهارا من در ممالك اروپا ندیده ام . »

بهترین دلیل عدالت و انتظام آنزمان برای ما علاوه بر شهادت نویسندگان بیگانه همان آبادی و عمرانی است که آثارش بما رسیده میدانیم که ملت در نهایت خوشدلی و ثروت زیسته مملکت آبادو اجانب از جمیع ملل اروپا و آسیا با اطمینان و آسایش درهرگوشه و کنار ایران مسکن گرفته بکسب وتجارت میپرداختند

دفاتر ثبت تجارت

در کاروانسراها دفتر مخصوصی بکاروانسرادار سپرده بود که جمیع معاملات تجار بایکدیگر در آن ثبت میشد و هر قرض و طلبی یا هر قراری که داده شده بود از روی ثبت آندفتر معلوم میگشت دفترمذکور برای تجار و قضات حجت بود و صدی نیم از میزان معاملات جاریه بکاروانسرادار حق ثبت داده میشد . در غالب موارد تجاریکه آشنا بحال مردم محلی نبودند کار خودرا بمعرفی کاروانسرادار وامیگذاردند که اعتبار یابی اعتباری اشخاص را میدانست و او ازطرف دولت بقدری اختیارات داشت که اگر مدیونی در رأس مدت مقرره بدهی خود را نمیداد ویرا شخصاً تعقیب کند .

محصول ابریشم در خاتمهٔ این فصل سزاوار است چندکلمه مخصوصاً راجع به محصول ابریشم ایران بنگاریم که بزرگترین وسیله جلب طلا بداخله مملکت بوده یگانه قلم خیره کنندهٔ صادرات ایران بشمار میآمده است ـ محصول ابریشم درشهرهای شماخی و گنجه و تفلیس ونواحی تبریز وگیلان وخراسان بهوفورعمل میآمد وابریشم آذربایجان و قفقاز غالباً بخارجه میرفت مرکزفروش ابریشم ایران در مغرب منحصراً شهر حلب و ازمیر بود که از آنجا اروپائیان ابریشم را بفرنگستان میبردند (۱) ابریشم گیلان از سایر ولایات نازکتر واعلی تر بوده گران تر بفروش میرسید وسه قسم خارج میشد اول ابریشم شعربافی دوم خرواری و سوم ابریشم کج . اما ابریشم قفقاز دوقسم بود یکی ابریشم نازك شعربافی دیگری ابریشم خشنی که (ازوش) مینامیدند

مظنه ابریشم همه ساله درتنزل وترقی بود هرگاه ابریشم ازوش دهتومان می ارزید ابریشم شعر بافی بهیجده تومان فروش میرفت (۲)

خاتمه باب هشتم ــ اجانب در خلیج

حصهٔ عمدهٔ مطالب این قسمت که منحصراً راجع به خلیج نوشته میشود از کتاب مسیو (رومی وادالا) قنسول فرانسه در بوشهراقتباس گردیده است وکتاب مزبور را آقای میرزا محمد علیخان سدید (سدید السلطنهٔ سابق) که ازمأمورین دانشمند ووظیفه شناس دولت شاهنشاهی بوده عمری را در خدمات مهمه وطن خود در خلیج فارس به سر برده اند به فارسی ترجمه کرده معلومات عالمانهٔ خودرا برآن افزوده اند ـ

(۱) تاورنیه ص ٦٤ (۲) ایضا

اسناد دیگر آن، کتاب کرزن وتاورنیه وکتاب (پرشین گلف) میباشد که‌دوسال قبل در لندن به طبع رسیده است .

تصرفات پرتغالی‌ها

سال ۹۰۴ هجری مطابق ۱۴۹۸ میلادی یك شرکت پرتغالی موسوم به (واسکودوکاما Vasco de Gama) تجارت بحری پرتغال وهند را دایر ساخت . پرتغالیهابدواً در سواحل بمبئی وگوا برای خود تکیه گاه‌هاواستحکامات ساختند سپس به توسعهٔ متصرفات خود پرداخته و از آنجمله روبه‌خلیج آمدند ـ سردار مشهور پرتغالی ها (آلبوکرك Albuquerque) بود که سال (۱۵۰۷ ـ ۹۱۳) به جزیرهٔ هرمز تاخت و امیر آنجارا باجگذار گردانید وباز سال (۱۵۱۴ ـ ۹۲۰) همان سردار به‌هرمز آمده از راه خیانت امیر هرمز را دستگیر وشخصی از اقوام اوراموسوم به سیف‌الدین امارت داد وسالانه صدهزار طلاباج بر هرمز نهادوخزینه امرای آنجارا به یغما برد ـ در آن عهد هرمز به منتهای آبادانی رسیده دارای چهل هزار جمعیت ومرکز تجارت شرق و غرب بود از تاریخ فوق پرتغالی‌هادر ادارهٔ داخلی هرمز مداخله کردند ودرآنجا برای خود قلعه و استحکامات ساختند و تدریجاً به بندر جرون که بندر عباس حالیه است دست انداختند وهرچند شهر جرون تاسال ۱۰۲۱ هجری کاملا به تصرف آنها در نیامد معهذا تحت نفوذ آنان بود و مردم گاهی به جنگ وگاهی به مدارا بطور کجدار ومریز با آنان سلوك مینمودند در ساحل جرون پرتغالیها برای خود استحکاماتی ساختند وشهرجرون را کامبرون خواندند ـ ازآن نقطه پرتغالی ها به جزیرهٔ قشم وباسعیدو وبحرین وبندرهای ریشهر وکنگ وگنگون نیز دست اندازی نمودند ـ

رفتار پرتغالی ها با مردم بومی و مسلمانان بسیار بد و غیر قابل تحمل بود وطمع آنان حدواندازه نداشت

سال ۱۰۲۱ مردم ساحل نشین بکمك والی لارستان باپرتغالی ها جنگیدند امّا چون از مرکز ایران پشتیبانی نداشتند مغلوب شدند دوسال بعد شاه عباس کبیر سپاهی زیر فرمان والی فارس مأمور کرد و آنها پرتغالی هارا از کمبرون به دریا راندند وبعدها مابین انگلیس ها با دربار اصفهان قراردادی منعقد شد که جهازات کمپانی هند برای نقلیات سپاه ایران درجنگ پرتغالی ها حاضر شوند پرتغالی ها ازبحریه انگلیس در مقابل بندر جاشك جلوگیری کرده مغلوب گردیدند وسال ۱۰۳۱ هجری کشتی های انگلیسی خود را به ایرانیان رسانیدند ــ قشونهای ایران در ۹ فروند کشتی های انگلیسی بدواً به قشم تاختند وقلعهٔ آنجارا متصرف شدند و بعد ازآن در یك جنگ دریائی سی کشتی پرتغالی را مغلوب وامیرالبحر دشمن راموسوم به (آندرادا Andrada) اسیر گردانیدند ـ بیست روز بعد شهر هرمز را ایرانیان اشغال و پرتغالی ها در قلعه متحصن گردیدند وپس ازچند روز تسلیم شدند ــ و تسلیم آنها باعث شد که پرتغالی ها از سایر نقاط خلیج گریخته به مسقط پناه بردند مجدداً سال ۱۰۳٤ پرتغالی‌ها با ۲٤ فروند کشتی جنگی و استعداد تمام به خلیج تاختند و ایرانی‌ها که در جهازات انگلیسی و هلندی جا داشتند آنان را مقهور ساخته‌فراردادند ــ سال ۱۰۳۵ مابین دولتین ایران و پرتغال معاهده ای انعقاد یافت که بر طبق آن دولت پرتغال تمام حقوقش را در خلیج به ایران واگذارد و فقط درصید مروارید بحرین و حقوق گمرك جزیره قشم دولت ایران حقی برای پرتغال

قائل آمد و دولت پرتغال تمام جهازات جنگی و تجارتی خود را در خلیج به ایران تسلیم کرد ـ گویا این معاهده بنابر وساطت بعضی از صاحبمنصبان پرتغالی انجام یافته که به اسارت ایران افتاده وارد خدمت شده بوده اند ودولت پرتغال هم که قوت ونیروی دولت ایران را سنجیده رقبای اروپائی را نیز در مقابل میدید نفع خودرا درسازش با دربار اصفهان دانست . پرتغالی ها تا فتنهٔ افاغنه در خلیج تجارت داشتند وبعد از پیدایش انقلابات مانند سایر اروپائی ها از نواحی ایران رخت بیرون کشیدند .

هلند درخلیج

سال ۱۶۰۲ مطابق ۱۰۱۱ هجری شرکت تجارتی هلند وهندوستان تحت‌عنوان (V. O.) تشکیل یافته است . سال ۱۰۳۳ شرکت مزبور از دولت ایران اجازهٔ تجارت حاصل و در هرمز وعباسی واصفهان شعباتش برقرار گشت و به طوریکه تاورنیه مینویسد هولندیها در عباسی برای خود عمارات‌عالیه ساخته بودند ـ تجارت هولندیها در ایران توسعه داشت وغالباً ازایران ابریشم برده در مقابل قند وادویه و بعضی امتعه وظروف ژاپنی‌وارد میکردند ـ در عهد شاه عباس ثانی بطوریکه تاورنیه نگاشته مابین‌دولت ایران با هلندیها مناقشه افتاد زیرا آنها میخواستند ابریشم ایران را ارزانتر از نرخ عادل بخرند و ادویه را گران‌تر بفروشند این بود که دولت ایران معاملهٔ خودرا مقطوع و ورود ادویه را ممنوع گردانیده مقرر ساخت ایرانی ها عوض فلفل بعضی گیاه های‌تند را که در داخله بدست میآمد و فلفل سرخ که تازه وارد ایران شده بود استعمال کنند. وبحرن هلندیها پس از مدتی ناگزیر مطابق میل دربار اصفهان معامله

را از سر گرفتند ـ تجارت هلندیها تا زمان محمود افغان در نهایت رواج بود ولی محمود چند تن از تجار هلندی را در اصفهان سر برید وازبقیه چهار صدهزار قران باج گرفته رخصت داد که دست‌وپای خودرا برچیده از ایران خارج شوند وازآن عهد دیگر تجارت هلند از داخله و سواحل ایران منقطع گردید . هلندیها در بصره نیز تجارتخانهٔ بزرگی داشتند وبعدها از ظلم عمال عثمانی به ستوه آمده به جزیرهٔ خارك در خلیج فارس منتقل وبه تجارت مروارید پرداختند اما چون درجزیرهٔ خارك تصرفات مالکانه میکردند سال ۱۱۷۹ بر حسب اشارهٔ دولت‌ایران میر مهنا حاکم بندر ریگ با استعداد بحری به خارك تاخته هلندیها را اخراج کرد .

انگلیس در خلیج

پس از کشف طریق دماغهٔ امید انگلیس ها به‌هند وخلیج فارس راه یافتند . سال ۹۸۹ هجری یکنفر انگلیسی موسوم به (ژان نیوبری) به هرمز و ایران آمد و آنزمان هرمز در تصرف پرتغالی ها بود وشش هفته آنجا توقف کرد ـ همان سال درخاك عثمانی یك شرکت انگلیسی تأسیس گشت که‌مقصودش خرید ابریشم ایران وحمل آن از طریق بصره وبغداد و حلب به‌بندر اسکندرون و استانبول و اروپا بود ـ سال ۹۹۱ مجدداً همان سیاح اول موسوم به ژان نیوبری با سه نفر دیگر به هرمز آمده با احتیاط بسیار مشغول تجارت شدند ولی مأمورین پرتغال آنان را دستگیر ونزد نایب ـ السلطنه پرتغال در شرق که ساکن گوا بود فرستادند و آنها همان‌سال از گوا گریختند سال ۱۰۰۹ که انگلیس ها درهند به تأسیس کمپانی موفق شدند و از دولت هند امتیازاتی گرفتند شعبات خودرا به‌خلیج

فارس دوانیدند و کشتی های تجارتی آنها که مسلح بود بنای آمدورفت را گذارد ـ سال ۱۰۲۴ مطابق فرمان شاه عباس کبیر شعبهٔ تجارتی انگلیس ها در اصفهان افتتاح یافت و سال ۱۰۲۷ هجری مطابق یك فرمان دیگر شاه عباس مقرر گشت که انگلیسان کارهای خود را به فرمانروای فارس ووالی های بنادر رجوع کنند وتابع آنها باشند ـ دو سال بعد از این تاریخ مابین نمایندهٔ انگلیسها با دربار ایران قراردادی منعقد گردید و آنها مجاز شدند در بندر جاشك یك شعبهٔ دیگرتجارتی باز کنند ونیز آنقسمت از ابریشم را که دولت ایران به تجار اجنبی میفروخت برطبق معاهده بانحصار کمپانی انگلیسی واگذارد باین‌شرط که یك ثلث قیمت را وجه نقد و دوثلث را از اجناسی بدهند که دولت ایران معین نماید ـ ضمناً باید متذکر بود که ابریشم فروشی به تجار بیگانه غیر از مقادیر ابریشم کلافه وبافته‌ای بود که‌دولت ایران‌خود مستقیماً بوسیلهٔ تجار تبعهٔ ایران بخارجه میفرستاد ـ بعد از اخراج پرتغالی ها کمپانی انگلیسی شعبهٔ خود را از جاشك به کامبرون انتقال داد و آن بندر بافتخار شاه عباس به (عباسی) موسوم گشت ـ تجارت انگلیس ها در جنوب ایران تا اصفهان بعد از اخراج پرتغالی ها خیلی توسعه یافت معهذا رقیب نیرومندی چون کمپانی هلندی در مقابل داشتند ـ پس از حدوث فتنهٔ افاغنه انگلیس ها نیز مانند سایراروپائیان از اصفهان بیرون رفته به عباسی آمدند وضمن اغتشاشات قبل از نادر و بعداز نادر از عباسی نیز خارج شدند ـ سال ۱۱۶۸ هجری‌تجارت خانه انگلیسی مقیم بصره که میخواست در عباسی یك شعبه از نو دایر کند بعلت تحریکات هلندیها موفق نگشت ولیکن سال ۱۱۷۷ نمایندهٔ

تجارتخانهٔ مزبور موسوم به (ویلیام اندرو پریس William andrew Price) با حاکم بوشهر داخل مذاکره و اجازه یافت که تجارتخانهٔ خود را در بوشهر دایر سازد ـ این شخص از طرف انگلستان رسماً به نمایندگی معرفی گشت وعهدنامه‌ای با دربار مرحوم کریم خان زند منعقد ساخت که در تاریخ دوم ژویه سال ۱۷۶۳ میلادی به امضای شهریار مزبور رسیده و برطبق آن امتیاز وارد کردن اجناس پشمینه به انگلیس واگذار شده ونیز مال‌التجارهٔ آنها از حقوق گمرکی معاف گردیده‌است و شکی نیست که معاهدهٔ مزبور برای انگلستان بی اندازه سودمندافتاده است . اهمیت‌بوشهر از عهد نادرشاه آغاز گردیده که‌آنجارا مرکز امیر-البحری ایران قرارداد وبعدها که تجارتخانه های اجنبی نیزدربوشهر دایر گشت مرکزیت آنجا برعباسی رجحان گرفت ـ مال التجاره‌ای‌که‌انگلیسها وارد میکردند عبارت‌بوداز منسوجات وقند وآهن آلات وبارفتن وبا آنکه تا چند سال تجارت ایشان در بوشهر مبلغی هرساله ضرر میکرد ازادامهٔ آن منصرف نشدند ـ سال ۱۲۱۵ هجری نمایندگی سرجان ملکم به دربار ایران وعقد معاهدهٔ بافتحعلی شاه روابط دولتین راتوسعه بخشید چنانکه درباب‌های بعدخواهیم خواند ـ ازسال ۱۲۲۷ هجری‌انگلیس‌ها در بوشهر ژنرال قونسولگری دایر کرده اند درطی قرن اخیر انگلیس‌ها دوبار بوشهر را اشغال نظامی کرده اند یکی سال ۱۲۷۳ تا ۷٤ که بدولت ایران اعلان جنگ دادند دیگری سال ۱۳۳۳ هجری ضمن جنگ بین‌المللی که در عین حالیکه دولت ایران بکلی بیطرف بود دول‌متحارب هرکدام درقسمتی از خاك هایش مداخلات نظامی کرده خسارات عمده برای ملت ومملکت ما فراهم ساختند .

بنادر سمت مغرب خلیج ازعهد بسیار قدیم تحت حکومت مشایخ محلی بوده است که عموماً تابع دولت ایران میباشند — از زمانیکه روابط انگلستان با ایران رو به توسعه نهاد یعنی از دورهٔ فتحعلی شاه به‌بعد ژنرال قنسول ها وقونسول های انگلیس در خلیج فارس که‌همگی تابع دولت هندوستان هستند سعی کردند که با مشایخ مزبور رابطهٔ مستقیم بهم رسانند وبرای این تشبث خود که‌بهیچوجه نمی‌تواندصورت مشروع وحقوقی داشته باشد چند چیز را دست آویز ساختند که ازآن جمله یکی جلوگیری از دزدان دریائی بود ودیگری رواج تجارت برده درسواحل خلیج ومدعی شدند که چون دولت ایران ازخودبحریهٔ مکفی ندارد مطابق معاهدات جلوگیری از دزدان وبرده فروشان برما لازم‌است بنابراین از آغاز قرن اخیر قوای دریائی حکومت هند به عنوان‌جلوگیری از دزدان دریائی در خلیج فارس به جولان پرداختندوچندبار جهازات اعراب را خراب کردند از جمله یکی سال ۱۲۲۵ که به (رأس‌الخیمه) حمله برده پنجاه سفینهٔ اعراب را سوزانیده قصبه را ویران ساختندو نیز در ۱۲۳۵ هجری مجدداً رأس‌الخیمه را متصرف ودویست‌ودو کشتی اهالی را آتش زدند — درسال ۱۲۳۶ قراردادی مابین فرمانده بحریهٔ انگلیس ها با مشایخ ساحلی بسته شد و باز در سال ۱۲٦٤ - و سال ۱۲۷۰ — و ۲۷۳، و — ۱۲۸۱ — و ۱۲۹٦ و — ۱۳۰۹ و ۱۳۱۹ هجری با مشایخ شش گانه سواحل مغربی که عبارتند از شیخ رأس الخیمه — شیخ ام‌القیوین — شیخ عجمان — شیخ شارجه شیخ دوبی — شیخ بوضبی معاهداتی بستند که تماما بدون استحضار دولت ایران بود — مطابق این معاهدات شیوخ مزبور متعهد شدند

تجارت برده وتجارت اسلحه را موقوف دارند وجنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر رامصلح امور خود بشناسند ــ درطی معاهدهٔ ۱۳۰۹ شیوخ ششگانه وشیخ بحرین که همگی اتباع مسلم ایران هستند متعهد شده اند که روابط خودرا بادول خارجه بتوسط ژنرال قنسول مزبور قرار دهند ــ در سنوات اخیر و سال های بعداز جنگ چون شیوخ مزبوربه اشتباه خود پی برده اند مکرر درصدد نقض قراردادهای مزبوربرآمدند اما مأمورین انگلیسی خلیج بقوهٔ سفاین مسلح خود آنهارا محکوم گردانیدند .

در جزیرهٔ هنگام انگلیس ها براثر اجازه‌ای که از دولت ایران تحصیل کردند اراضی معینی را برای ایجاد تلگرافخانه گرفتند اما تدریجاً بعنوان محافظت تلگرافخانه یکدسته قشون در آنجا قراول ساختند و شیخ احمد حاکم جزیره را مغرور گردانیدند بحدیکه‌ازاوامر دولت علیه سرپیچی نمود اما روز بیست‌و یکم اردی بهشت ۱۳۰۸ شمسی که یکروز از تاریخ الغای کاپیتولاسیون گذشته بود حسب الامر دولت شاهنشاهی پهلوی در دوفروند کشتی مسلح ایران یکعده سپاه ایرانی از عباسی به هنگام وارد شدند وقوای اجنبی ناگزیر آنجا را تخلیه کردند ــ در نقطهٔ باسعیدو که در منتها الیه جزیرهٔ قشم واقع است فعلا انگلیس ها انبار ذغال برای جهازات خود دارند . حکومت انگلیسی هندوستان علاوه بربحرین وسواحل مغربی خلیج باامام‌مسقط نیز معاهداتی بسته اورا تحت‌الحمایهٔ خود قرار داده اند در حالیکه مشایخ مسقط همواره وابسته وتحت‌الحمایهٔ دولت ایران بوده اند ــ سال ۱۲۸۱ هجری انگلیس هایك سیم تلگراف تحت‌البحری ازکراچی

تا (فو) در دهانهٔ شط‌العرب کشیدند که به بوشهر وهنگام نیز اتصال دارد ـ سال ۱۳۱۷ که لرد کرزن نایب‌السلطنه هندوستان به خلیج ایران آمد با شیخ کویت وشیخ خزعل حاکم محمره نیز قراردادهای مخفی منعقد ساخت ولیکن باید متذکر بود که دولت شاهنشاهی ایران بهیچیك از تشبثات و اقدامات سیاسی انگلیس در خلیج شناسائی رسمی نداشته وندارد و حاکمیت مشروعه وحقوقیهٔ خودرا بر خلیج استوار میداند چنانکه هنگام لزوم شیخ محمره را معزول ومقهوراً به طهران آورده توقیف کردند و تمام معاهدات و سازش های وی با بیگانه بلانتیجه و بی‌ثمر گشت وطبعاً وحقا درسایر موارد نیز همین گونه‌خواهد بودبطوریکه درمسئله‌هنگام‌نیزدیدیم وبلاشبهه‌هیچ دولتی‌در دنیای امروزی وجود نخواهد داشت که علناً به حقوق مسلمهٔ دولت دیگر در حال صلح وصفا تجاوز نماید وغالب مداخلاتی که در جانب غربی خلیج وجزایر بعمل آمده نتیجهٔ تعدی پسندی وغرور مأمورین ونمایندگان سیاسی حکومت هند بوده است وبس . برای روشنائی‌خلیج فارس و راهنمائی سفاین انگلیس ها در بوشهر ـ عباسی و چابهار و هنگام و جاشك وباسعیدو وبحرین ـ وکویت ـ وطنب‌وبنات سلامه وبوموسی و حلیله پایه هانصب کرده فانوس قرار داده اند ولی دولت شاهنشاهی در این مورد نیز اقدام عاجل خواهند کرد چنانکه درمورد ادارات صحیه وپست وتلگراف اقدام وهمه را بدست خود گرفتند و اکنون زیر نظر ایران است

روس ها در خلیج

دولت امپراطوری روس از قرن نوزدهم به بعد توجه مخصوص خودرا به خلیج فارس

معطوف داشت ودائماً میکوشید که در سواحل ایران برای خود یك بندر آزادی بچنك آورد واین کشش و کوشش تاسال ۱۹۰۷ دوام داشت اما در آن سال بعد از امضای معاهدهٔ مشهور با انکلستان نقشهٔ سابق محو شد ـ اولین کشتی تجارتی روس ها که محمولات آن قند ومنسوجات ومحصولات روسیهٔ بود سال ۱۸۹۹ وارد بوشهر گشت وپرنس دابیژا قنسول روس در اصفهان مخصوصاً برای پذیرائی کشتی مزبور به بوشهر آمده بود ـ قبل از آن تاریخ چندبار جهازات جنگی روسیه به خلیج آمده و از طرف قنسولگری فرانسه که نمایندگی روسها را هم داشت پذیرائی شده بود ـ چندی هم یك طبیب روسی موسوم به شیوانسگی در بوشهر اقامت جسته مرضا را مجاناً معالجه کرده ضمناً تحقیقات محلی میکرد وبعد از انجام مأموریت خود بروسیه برگشت . سالی که پرنس دابیژا به بوشهر آمد وکالت تجارت روس ها به شرکت هلندی واگذار شد وبعدازآن تاریخ چندبار جهازات جنگی از خلیج بازدید کردند ـ سال ۱۹۰۳ میلادی مطابق ۱۳۲۱ هجری شعبهٔ تجارت بحری روس‌ها درخلیج فارس تأسیس گردید ودولت روس سالانه‌دویست هزار منات به آن شرکت کمك خرج میداد وهمین کمك باعث پیشرفت سریع کارهای آن‌موسسه شد کشتی های شرکت هرسه‌ماه یکبار از ادسا در دریای سیاه لنگر کشیده از بوغاز داردانل گذشته بعد از طی سواحل شام‌ومصر وعربستان به بوشهر وبصره می‌آمد واین ترتیب تاسال ۱۹۱٤ برقرار بود. مال‌التجاره روس ها که به خلیج میرسید عبارت بود از تخته وچوب برای سقف خانه ونفت وچینی و بلور وقند وآرد وشیشهٔ جام وماشین فلاحتی و منسوجات وکبریت و سماوار و آبجو و عرق

روسی (وتکا) ومرباجات ـ وآنچه ازخلیج بروسیه میبردند عبارت‌بود از خرما ، کنجد ، انقوزه ، کتیرا و خشکه‌بار وغیره

روس ها بعداز تأسیس شرکت تجارتی خلیج برای بوشهر از خود ژنرال قنسولگری مقرر و در اکثر بنادر نمایندگان داشتند ـ بعد از جنگ عمومی کار تجارت روس‌ها در خلیج فارس مختل گشت و مجدداً در طی چهار پنج سال اخیر حکومت ساوتی روسیه در مسکو شرکت تجارت بحری را دائر ساخته کشتی های شرکت مزبور سالی چند بار به سواحل خلیج فارس آمدورفت میکنند .

آلمانی‌ها در خلیج

آلمانی ها نیز از قرن نوزدهم به‌خلیج‌فارس توجه کرده اند و بزرگترین تشبث آنها ساختمان راه آهن هامبورك ـ خلیج فارس بود که هامبورك را به استانبول و استانبول را به‌حلب وموصل وبغداد متصل گردانیده‌در کویت ساحل خلیج خاتمه میبافت و این نقشهٔ بزرگ با آنکه نزدیك به‌انجام بود در نتیجهٔ جنگ عمومی از میان رفت . اولین کشتی تجارتی آلمان سال ۱۳۱۳ هجری به خلیج فارس آمد وهمان سال‌هم یك جهازجنگی آنها در آبهای خلیج گردش کرد ـ اجناسی که بحریهٔ تجارتی آلمان به خلیج میآورد عبارت بود از ذغال سنگ اسلحهٔ ناریه ساروج قند شمع آهن آلات تخته صابون چراغ وماشین زراعتی عطریات وبلور آلات و خرازی و منسوجات پشمی وغیره وآنچه که از خلیج خرید میشدگندم بود وجو وپوست وکتیرا و پشم و کرك و گل سرخ وغیره ـ بحریهٔ تجارتی آلمان ها در آن سال شامل سه فروند کشتی بود وتعلق داشت به کمپانی موسوم به (ج . و . وکمپانی برمو) که سال ۱۳۱٤ ورشکست

گردید ویکی دو کمپانی دیگر هم از آلمانی هابه خلیج آمدند وضرر کردند اما شخصی موسوم به (ربرت ونکهوس) در بندر لنگه رحل اقامت انداخته با فروتنی واحتیاط بسیار به تجارت صدف ومروارید پرداخت و تدریجاً از هموطنان آلمانی خود از جمله کمپانی بحری هامبورك مساعدت یافت و شعبات تجارتخانه اش را به نقاط مهمهٔ خلیج کشانید وهرچند در ایام جنگ کارهای وی دوچار وقفه شد اما بعد از جنگ باز مرکزش را در طهران قرار داده اینك مشغول تجارت است ـ سال ۱۳۱۵ دولت آلمان در بوشهر ویس قنسولگری خودرا برقرارساخت از سال ۱۳۲٤ کشتی های تجارتی آلمان از کمپانی (هامبورك ـ امریکا لین) منظماً وبطور ماهانه به خلیج فارس میآمدند و تا ایام جنگ تجارتشان روز افزون میشد واین خط کشتی رانی بطور شگفت‌آوری مورد توجه‌مخصوص امپراطور ویلهلم‌ودولت آلمان بود کشتی‌های‌مزبور کرایه محمولات را از خلیج به اروپا بی اندازه ارزان کردند و حتی حاج را مجاناً به جده میبردند و بهمین سبب نزد مسلمانان محبوبیت تامه‌یافتند و تجارتخانه ونکهوس نیز محصولات ایران را از اهالی بقیمت گزاف خریده امتعهٔ آلمانی را ارزان میفروخت ـ دراین ضمن نقشهٔ راه آهن هامبورك ـ کویت نیز پیشرفت عمده حاصل کرد وچندین‌بار نمایندگان آلمان از استانبول به خلیج مأمور شدند تا مطالعات لازمه را تکمیل کنند و با مبارك‌بن صباح شیخ کویت برای خریداری قسمتی از ساحل که مورد احتیاج راه آهن بود داخل مذاکره شدندااماچون شیخ درسال ۱۳۱۷ با انگلیس ها معاهده‌بسته بود معاملهٔ آلمانی هارا نپذیرفت وآنها هم دولت عثمانی را تحریك کردند که شیخ را سرکوبی

دهد و عثمانی ها جزیرهٔ (بی بیان) را متصرف شدند چندی بعد یکی از اتباع آلمان در جزیرهٔ بحرین طرف مزاحمت اعراب واقع گشت و آلمانها اعتراض سخت نمودند ولی قنسول انگلیس در بوشهر میانجی شده مبلغی ازاعراب جریمه گرفته غائله راختم کرد ـ سال ۱۳۲۳ هجری آلمانها دولت عثمانی را تحریك کردند که بر بحرین وغوصگاه مروارید که جزء جزیرهٔ (حالول است) ادعا کنند زیرا آن ایام شیخ بحرین عیسی بن علی بن خلیفه بود وعیسی برخلاف پدرش که نوکر صادق ایران بود با انگلیس ها سازش داشت طبیعی است که دعوی عثمانی بر املاك مسلمهٔ ایران بلانتیجه بود و آلمانها ناگزیر توجه خودرا به جزیرهٔ بوموسی معطوف گردانیدند که در حوزهٔ حکومت شارجه محسوب میشد ـ باید دانست که جزایر (بوموسی) و (طنب) و(نابیوطنب) و (سری) مطابق تصریح کتاب مشهور (پرشین گلف پیلوت) که انگلیس ها نوشته اند تابع بندر لنگه وازاملاك مسلمهٔ ایران میباشد اما حاکم های لنگه گاهی یك یاچند جزیره را به بعضی از مشایخ عرب در ازاء مبلغ معین اجاره میدادند ـ دربوموسی غوصگاه مروارید ومعدن گل سرخ موجود است و شیخ شارجه آنجارا به سه نفر عرب اجاره داده بود و دو نفر از آنها حق خود را به تجارتخانهٔ ونکهوس واگذاردند واین قضیه اسباب اعتراض انگلیس ها گشت وشیخ شارجه را که با او بدون اطلاع دولت ایران معاهده بسته اند وادار بجنگ ساختند و یکدسته جهازات جنگی انگلیسی و سفاین شیخ به بوموسی حمله بردند وسیصد نفر تفنگچی شیخ عملجات کمپانی ونکهوس رااز معدن گل سرخ اخراج وبه لنگه معاودت دادند واین واقعه درمطبوعات

آلمان هیاهوی بزرگی افکند ـ بعد از اتفاقات مذکوره کمپانی ونکهوس ناچار گل‌سرخ را از جزیرهٔ هرمز که درامتیاز حاج معین‌التجاربوشهری است خریداری کرده به هامبورك میفرستاد . آخرین اقدام مهم کمپانی ونکهوس در خلیج عبارت بود از کشتی‌رانی در رود کارون که بوسیله یکدسته کشتی های شطی زیر بیرق آلمان درآن رودخانه مابین اهواز ومحمره مشغول حمل ونقل شد و بسبب ارزانی کرایه رقیب بزرگ انگلیان گشت و تا آغاز جنگ عمومی کشتی رانی کمپانی در کارون ادامه داشت ولی بعد از جنگ تمام شعبات تجارتی وقنسولگریهای آلمانی از خلیج فارس برچیده شد

فرانسه‌ها در خلیج

آمدورفت فرانسه ها به‌خلیج فارس بعد از سال هزارم هجرت آغاز گردیده شاه عباس کبیر وشاه صفی وشاه عباس ثانی چندین فقره فرامین برای تسهیل تجارت فرانسویها صادر کرده اند ـ سیاحت شوالیه دوشاردن فرانسوی که مدتی در خدمت دولت ایران میزیست و سفرهای مسیو تاورنیه مشهور است ـ بعد از عقد معاهده ایران وفرانسه شرکت بحر پیمائی فرانسوی به مجلس شورای فرانسویان در شهر (پوندی چری) که مستملکه فرانسه است در ساحل غربی دریای بنکال حکمی صادر نمود که برای تجارت با ایران یك مؤسسه‌مخصوص ایجاد کنند وهمین‌حکم نیز به مجلس شورای فرانسویان درشهر (چندر ناگور) رسید که‌واقع است در چند میلی کلکته بر کنار رود هوگلی که شعبهٔ گنگ میباشد . مجلس شورای چندر ناگور دونفر از اعضای شرکت را موسوم به مسیو (بومان) و مسیو (بلگارد) به بندر پوندی چری فرستاد تا با مشورت

مطلعین شرکت یك عده کشتی که بارگیری هرکدام تا سیصدتون‌میرسید برای مسافرت خلیج معین کردند ومسیو بومان با سفاین و مال‌التجاره سال ۱۱۵۲ هجری به عباسی آمد وخودرا به میرزا تقی خان والی‌فارس معرفی نمود . میرزا تقی خان از جانب نادرشاه والی فارس بود و فرمانفرمائی مسقط وعمانات وجمیع کارهای خلیج باوی بود وامیرالبحر مشهور ایران موسوم به علی‌شاه پدر حسن شاه که اونیز امیرالبحر بود تحت امر میرزا تقی خان فتوحات خود را درسواحل عربستان تکمیل کرد . والی فارس پیشنهاد ها وعرایض مسیو بومان را به‌عرض دربارنادری رسانیده خودش هم به‌عباسی آمد ومسیو بومان پیشکشی وهدایای‌خویش را از نظر والی گذرانید اما باوی چندان مساعدتی نشد و مخصوصاً دسایس هولندیها مانع پیشرفت تجارت فرانسویان میشد ـ در آنهنگام مسیو مارتین ویل قنسول فرانسه در بصره اصراری داشت که مسیو بومان شعبهٔ تجارت عباسی را به بندد زیرا یقین داشت که از عهده مخارج بر نمی‌آیند . اما مسیو بومان وبلگارد دنبال مأموریت خودرا رهاننموده به خرید ابریشم وفروش قند وماهوت پرداختند جزآنکه هردو نفر سال ۱۱۵۳ متوالیاً در عباسی فوت کردند . بعد از فوت آن دوتن‌مسیو مارتین ویل قنسول بصره منشی تجارتخانه را موسوم به (دوپلوسی ـ Duplesis) بجای آنان گماشت وامرداد موجودی انبار را که عبارت بود از ماهوت ومخمل وگلابتون زردوسفید و گونی وقهوه وچینی آلات بفروشد وپشم خریداری کند اشکال کار دوپلوسی درآن بود که امیرالبحری ایران برای ساختمان کشتی های جنگی خود میخواست‌اورا مجبور گرداند که تخته وچوب وارد کنددر حالیکه مشارالیه ازطرف

کمپانی چنین اجازه‌ای نداشت وفقط مامور خرید پشم کرمانی بود. مسیو دوپلوسی سال ۱۱۵۶ فوت کرد

باب نهم

از فتنهٔ افاغنه تا عهد نامهٔ ترکمان چائی

فصل اول

انحطاط اقتصادی وقطع روابط تجارتی

- وقایع اقتصادی ایران -

قطع روابط تجارتی ایران باعده ای از ممالک

ایالت قندهار یکی از ایالات شرقی ایران بواسطه واقع شدن در طریق تجارت هند حائزاهمیت بود و با آنکه نظر به‌مساعدت‌های شاه اسمعیل به بابر پادشاه جد پادشاهان تیموری هند دربار دهلی نسبت بصفویه غالباً اظهار ارادت می‌نمود معهذا مکرر برسر تصرف این ایالات مابین دولتین محاربات روی داد اما بالاخره هندیها ناگزیر حکومت ایران را بر قندهار تصدیق نمودند ودولت ایران بحفظ امنیت و آسایش در آن سامان پیوسته توجه میورزید زیرا معبر قوافل و کاروانهای تجارتی هند - مغرب بود. همه‌میدانیم که چگونه شاه سلطانحسین صفوی به‌خلاف رویه پدرانش تحت‌نفوذ روحانیون واقع شده کارهای مملکت را بدسیسه وتحریکات درباریان و ملاها تسلیم کرد و تعدی حکام و ولات در ایالات روز

افزون گشت و چگونه میرویس افغان بدستیاری طایفه خود گرگین خان گرجی حاکم قندهار را کشته طغیان نمود . بعد از مرك میرویس پسرش محمود با یکعده افغانان به پایتخت مملکت حمله آورد و امراء و بزرگان ایران که درخارج پایتخت بودند و از سوء سلوك روحانیون و درباریان رضایت نداشتند و نیز این واقعه را یك طغیان داخلی می پنداشتند بیطرفی گزیدند تا اصفهان بچنك افغانان افتاد و بنای قتل و غارت و وحشیگری را گذاردند آنوقت امرای ایران دانستند که بدکرده‌اند اما تیر از شست جسته بود . از سالیکه سیاست مداران ساده لوح اصفهان برای محمود غلیجائی پسر میرویس افغان فرمان حکومت قندهار را با شمشیر مرصع فرستادند یعنی از سنه ۱۱۳۰ هجری یك هرج و مرج عظیم در ایران آغاز شد که تاسال ۱۱۴۲ هجری امتداد یافت و از آن سال ببعد هرچند افاغنه قلع و قمع شده بودند اما جنگهای داخلی و خارجی نادر شاه ابداً فرصت نداد که بصنایع و تجارت ایران آنطوریکه می‌بایست توجهی مبذول گردد . تجارتخانه‌های هلندی و فرانسوی و انگلیسی و تجار دانمارکی و پرتغالی وونیزی و غیر هم که داد و ستد داشتند دوچاد خسارات عمده شده هرچه توانستند از حدود این مملکت رخت کشیدند . قتل و غارت افغانان و تعدیات حکام وولاتی که بعنوان حفظ ولایات خود از تجاوز افغانها ازاهالی مال و سلاح میطلبیدندونا امنی‌راهها فقدان عدالت و قشون کشی ها و فلاکت های دیگر ملت و مملکت ایران را که قدم بشاهراه ترقی گذارده بود و مسلماً از هم کنان باز نمی‌ماند بینوا ساخت وچیزهای خوبی که‌تازه به‌ذهن مردم رسیده

بود مانند استخراج معادن ایجاد کارخانه ترویج صنایع ماشینی و همکاری با استادان اروپائی و غیره همگی از خاطرها محو شدبالاخره هرج و مرج بیست ساله بنیاد ترقیات دویست ساله را که میبایست پایهٔ پیشرفتهای مهمتر آینده گردد یکباره واژگون کرد

وقایع اقتصادی ایران

نادر شاه آرزومند بود از تجارت و صنعت ایران را ترویج کند چنانکه وقتی شنید شرکتهای روسی و انگلیسی که مرکز آنها مسکو و پطروگراد است جهازاتی بدریای خزر انداخته با ایران و ترکستان و تاتارستان تجارت می کنند به نتایج آن متوجه گردیده دونفر از صاحبمنصبان بحری انگلیسی را بهرطوری بود وارد خدمت کرد . آن دونفر یکی (آلتون) و دیگری (ویروف) نام داشتند. آلتون باسلام گرویده جمال بیك نامیده شد و هر دو مامور شدند با کمك عمال دولت ایران درسواحل بحرخزر مشغول ساختمان جهازات باشند (۱) در آنعهد چون شهنشاهی توران با نادرشاه بود و مهام آن کشور بابستی با نظر آن شهریار حل وفصل میشد سال ۱۱۵۸ ـ ۱۱۵۹ سفرای چین و ختن بدربار ایران آمده راجع به تعیین حدود ختا وختن با توران و تنظیم مسئله آمدورفت قوافل و غیره قرارهائی گذاردند ـ از اوان هجوم افغانان دولت عثمانی اغتشاش اوضاع ایران را مغتنم شمرده سلطنت محمود و اشرف را در ایران برسمیت نشناخته با دولت روس معاهدهٔ منعقد ساخت که ایالت قفقاز ایران تاتبریز از آن عثمانی و سواحل بحر خزر متعلق بروس بوده مابقی ایران را

(۱) منتظم سال ۱۱۵۷ ـ جلد دوم تاریخ سایکس و فریزر

بخاندان صفویه باز گردانند و هرچند شاه طهماسب صفوی با وجود سرگردانی این معاهده‌رانپذیرفت (۱) دولتین همسایه آنرا بموقع‌عمل آوردند ـ نادرشاه عثمانیهارا از حدود ایران رانده در صلحیکه مجدداً با دربار استامبول امضاء کرد مقرر شد مال‌التجاره ایران فقط حقوق گمرکی معموله بپردازد و دیگر تجار و متاع ایشان در داخلهٔ آن مملکت از ادای هرگونه باجها و راهداری و تحمیلات تجاوزکارانه عمال عثمانی معاف باشند

بعد از اینکه روسها بصرف پیام نادرشاه اراضی ایران را چه‌در سواحل دربند و قفقاز و چه در گیلان و مازندران تخلیه کردند مابین پطرکبیر و دولت ایران بعضی ترتیبات دوستانه راجع بتجارت مقررشد که جزئیات آن بمانرسیده است احتمال قوی میرود که‌هرگاه مشکلات داخلی و جنگ های خارجی به نادرشاه مهلت می داد در ترقی اقتصادی مملکت سعی وافر مینمود لیکن متاسفانه از یك جانب اشکال تراشی های دائمی عثمانیها در مقابل منظورات خیر ـ خواهانه وی و از جانب دیگر انقلابات داخلی به آن پادشاه فرصت مکفی نداد . سالهای اخیر سلطنت کریمخان زند برای نواحی جنوبی ایران از حیث امنیت و رونق تجارت مورث نیکبختی بود امادوامی نیافته با مرك آن پادشاه دادگر دوباره انقلابات و جنگهای داخلی آسایش و امنیت را تباه ساخت

بطوریکه ضمن احوال خلیج بیان نمودیم در دورهٔ نادرشاه و عهد زندیه کمپانی های فرانسوی و هلندی میکوشیدند که تجارت‌خود

---

(۱) یادداشتهای میرزا صالح خان شاگرد اعزامی نایب السلطنه عباس میرزا به لندن موجود در کتابخانه آقای بهار

را در سواحل رونق بخشند

در عهد آقا محمد شاه قاجار (و وانویچ) نام روسی با چند فروند کشتی از حاجی طرخان باسترآباد آمده آن زمان هنوز سلطنت آقا محمد خان استقرار نیافته ولی حکومتش در استراباد مسلم بود روسها از او اجازه خواستند سرائی برای تجارتخانه خود بسازند و رخصت یافتند اما بعدها معلوم شد عوض تجارتخانه یك قلعهٔ محکم نظامی دوازده‌فرسخی استراباد بنانهاده هیجده‌توپ وقورخانه مکفی در آن قلعه جا داده‌اند . آقا محمد شاه (ووانویچ) و صاحبمنصبان روسی را به مهمانی خوانده وهمه را شبانه در مجلس دستگیر کرده فرمان داد بملازمین خود کتباً حکمی بفرستند که توپخانه و هرچه‌درقلعه وساحل دارند بدریا حمل کنند و تهدیدات سخت نمود (ووانو یچ) از همانجا حکمی داد تا توپخانه و لوازمی را که داشتند بکشتی ها کشیدند و بالاخره در نتیجه فشار و اصرار آقا محمد شاه روسها از از استراباد بیرون رفتند و این تشبث که در پردهٔ تجارت سر گرفته بود بجائی نرسید (۱) اشتباه (ووانو یچ) و همکارهای او از اینجا بوده که‌اعمال انگلیسها یا هلندیهارا درهند و جاوه شنیده میخواستند در ایران تقلید کنند بدون آنکه اختلاف عظیم روحیات ملت‌ایران را با سایر آسیائی‌ها در نظر گرفته باشند

در زمان آقا محمد شاه قاجار ارگـلی خان والی گرجستان از اطاعت دولت ایران سر باز زد و سپاهیان دولت بسر کوبی مشار الیه پرداختند . ارگـلی خان سال ۱۲۰۹ هجری چون تاب مقاومت

(۱) ناسخ التواریخ و منتظم جلد قاجاریه ص ۴۸ ـ

نیاورد بروسیه گریخته از دربار پطرسبورغ پناه خواست و (کاترین) امپراتریس روسیه که منتظر چنین موقعی بود به گرجستان ودربند سپاه فرستاد لشگریان روسی خانواده پادشاهان گرجستان را بجای حمایت دستگیر و تفلیس را قتل عام کرده بسایر ولایات ایران‌تاختند

فصل‌دوم ـ معاهدهٔ گلستان ـ معاهدهٔ ارز روم

از سال ۱۲۱۲ تا سال ۱۲۲۸ مابین دولتین‌ایران وروسیه جنك بر پا بود و با وجود تفوق روسها از حیث سلاح و نظام‌غالباً ایرانیان در سایه همت و شجاعت بفتوحات عمده نایل می‌شدند ولی بالاخره روسها باردوی عباس میرزای ولیعهد شبیخونی آوردند و اردوی آن شاهزاده پریشان شد. این واقعه در روحیات سپاه ایران تزلزلی انداخت و بالنتیجه دولت ایران باصرار سفیر انگلیس قبول مصالحت نموده معاهدهٔ گلستان را امضاء کرد.

فصل پنجم معاهدهٔ گلستان راجع بازادی کشتیهای تجارتی دولتین است که‌دربحرخزر به‌بنادر یکدیگر ایاب وذهاب داشته هنگام غرق و شکست از همدیگر استمداد نمایند.

فصل هفتم برقراری سفراء و نمایندگان تجارتی است که به کار اتباع دولتین در خاك یکدیگر رسیدگی نمایند

فصل هشتم آزادی قوافل و تجار طرفین را مقرر میدارد که با داشتن تذکره از هر طریق خواهند وارد مملکتین شده هر قدر مایل‌باشند بدون تشویش توقف نمایند ودر معاملات نقدی ومبادلات جنسی آزاد باشند و اگر در میانه سوداگران طرفین مناقشه‌ای روی دهد نزد وکلای دولتین و اگر وکیل نباشد نزد حاکم محل رفته

مناقشه آنها از روی صحت و صداقت حل و فصل گردد و نیز اتباع طرفین از خاکهای مملکتین حق ترانزیت خواهند داشت که متاع خود را به مملکت ثالثی حمل کنند و اگر یکی از اتباع روسیه در ایران بمیرد ماترك او محفوظ بماند تا ورثه فقید آمده بتصرف آنها داده شود ـ

فصل نهم درباب حقوق گمرکات است که مال‌التجاره اتباع روس از روی قیمت تومانی پانصد دینار گمرك پرداخته و دیگر از عوارض راههامعاف باشد و همچنین با مال‌التجارهٔ ایرانی ها رفتار شود .

فصل دهم میگوید تجار بعد از ورود بخاك یکی از طرفین در فروش امتعه خودمحتاج باجازه گمرکچی نباشندواجاره داران گمرك باج را از بایع یا متاع هرطور رضایت حاصل شود بگیرند بدون اینکه اسباب معطلی و تاخیر معاملات تجار را فراهم آورند .

چنانکه ملاحظه میشود این معاهده در عین اینکه خاکهای گرجستان و داغستان و مقداری از آذربایجان قفقاز را از ایران تجزیه میکند در مواد دیگر تساوی دولتین مراعات گردیده فصل‌های راجع بتجارت و گمرك و ترانزیت و کشتی رانی نسبت بمعاهدات بعد از آن خیلی بهتر نگاشته شده‌است ـ سال ۱۲۳۳ سفارتی از جانب فتحعلی شاه بدربار های اطریش و فرانسه اعزام شده و حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی بسفارت انگلستان رفته روابط استمراری دربار ایران با دربارهای بزرك اروپا آغاز گشت (۱)

---

(۱) منتظم جلد قاجاریه وناسخ‌التواریخ

معاهدهٔ ارز روم با عثمانی

چون تعدیات عشایر وعمال دولت عثمانی به زوار و تجار اتباع ایران از حد گذشته بود مابین دولتین ایران وعثمانی نقار سختی پدیدآمد از طرفی طایفه وهابی نجد نیز از زجر و آزار وقتل و غارت قوافل و اتباع ایران ابداً خودداری نداشتند لذا حاجی حیدرعلیخان شیرازی بمصر مامور و با محمد علی پاشا موسس سلسله سلاطین کنونی آن مملکت ملاقات وتقاضای دولت ایران را در سرکوبی وهابی هااظهار داشت محمد علی پاشا خواهش دربار طهران را پذیرفته فرزند خود ابراهیم پاشا را با سپاهی به‌نجد فرستادتا شهر درعیه مرکز وهابیان را خراب کرده عبدالدین مسعود رئیس آن قوم را گرفته باستامبول‌فرستادتا مقتول شد و نیز سپاهیان ایران تحت قیادت عباس میرزای نایب ـ السلطنه بخاك عثمانی تخطی کرده شکست‌های سختی به عثمانیان وارد وچندین ولایت رابتصرف در آوردند (١) دولت عثمانی برای استرداد ولایات از دست رفته رئوف پاشا را بارزنة الروم فرستاده ضمناً تمام تجار و زوار ایرانی را در سرتاسر خاك عثمانی دستگیر و اموال ایرانیان را توقیف کردند (٢) بالاخره پس از چندین جنك سخت که غالباً فتوحات عمده نصیب ایرانیان شد در اواخر ماه ربیع‌الثانی ١٢٣٩ معاهدهٔ مابین دولتین انعقاد یافت که برطبق آن هرچه از خاکهای عثمانی به تصرف ایران درآمده بود استرداد گشت ـ مادهٔدوم عهد نامه مقرر میدارد مال‌التجاره اتباع ایران فقط یکبار حقوق گمرکی ازصد قروش چهار قروش از روی قیمت متاع بپردازد و دیگر

---

(١) منتظم جلدقاجاریه وسایکس
(٢) ناسخ جلد قاجاریه صفحه ١٧٧

درداخله عثمانی از هرگونه عوارض و تحمیلاتی معاف باشد . چوب چپق شیراز که قلم مهم صادرات ایران باستامبول بود چون منافعی داشت از طرف عمال عثمانی تجارت آنرا بحال انحصار در آورده از تجار ایران به عنف می خریدند که خود در داخله بفروش رسانند. مادهٔ دوم عهدنامهٔمذکور تصریح کرده‌است که تجارت چوب چپق بعد ها بانحصار نیافتاده سوداگران ایرانی آزاد هستند بهرکه بخواهند بفروشند

مادهٔپنجم عهدنامه مقرر داشته است که هرچه از اموال اتباع ایران چه در پایتخت و چه در بلاد دیگر عثمانی ضبط شده موافق شرع در دفتر محفوظ نگاهداشته شده در ظرف شصت روز بموجب دفتر و اطلاع نماینده ایران بصاحبان آنها تسلیم شود و سوای اموال مضبوطه هرچه را از تجار ایرانی عمال عثمانی جبراً گرفته‌اند بعداز اظهار دولت علیه ایران دولت عثمانی فرمان صادر کند که در هر محل پس از اثبات شرعی گرفته تسلیم نمایند

مادهٔ ششم عهدنامه راجع به اموال متوفیات است که هرکس از اتباع طرفین در خاك دیگری می‌میرد اموالش را تا یك سال در مأمنی با ثبت وسجل شرعی حفظ کنند تاوارث متوفی آمده رسوم عادیه و کرایه محل را پرداخته ارث خود را تحویل بگیرد و اگر در مدت یکسال وارث پیدا نشود امتعه‌را ماموربن بیت‌المال بااطلاع نماینده ایران فروخته قیمت آنرا نگاهدارند .

مادهٔهفتم راجع‌باقامت نمایندگان دولتین است درخاك یکدیگر که هرسال یکبار یکنفر معین شود و حق مصونیت سفراء را حائز باشند (۱) .

---

(۱) ناسخ‌التواریخ ص ۱۸۵

باب دهم

از معاهدهٔ ترکمان چائی تا مشروطیت

فصل اول ـ معاهدهٔ ترکمن چائی

علت انعقاد معاهدهٔ ترکمنچائی

سال ۱۲۴۱ هجری چون از سوء سلوك سربازان روس درایالات قفقاز شکایات عدیده بعلماء و روحانیون و دربار طهران می ـ رسید وا ز طرفی روسها به دو سه قریه از نواحی ایروان که ملك ایران بود تخطی کرده بودند بناباصرار و ابرام روحانیون بزرك شیعه که در چمن سلطانیه باردوگاه فتحعلی شاه انجمن داشتند دولت ایران بجهاد با روسیه پرداخت و آنچه سفیر روس برای دوام صلح و مسالمت الحاح کرد بجائی نرسید در این نوبت جنك ایران و روس تا سال ۱۲۴۳ امتداد یافت و ولایات ایروان و نخجوان و لنکران وجمیع محالات ماوراء رود ارس بچنك روسها افتاده ماه شعبان سال ۱۲۴۳ در قریه ترکمن چائی از محال تبریز عهدنامهٔ که باسم همان قریه موسوم شده مابین نمایندگان ایران و روس بامضاء رسید ـ جنك دوساله ایکه بامصالحه ترکمن چائی انتها پذیرفت بزرگترین لطمات را بحیثیت بین‌المللی ایران وارد آورد وعهدنامهٔ که امضا شد دولت ایران را در عداد اسرای مغرب زمین کشانیده زنجیر شوم کاپیتولاسیون را بگردن وی در افکند.

گذشته از این آن جنك و آن صلح در روحیات ملی ماتأثیرات

عمیقی نموده شهامت و جرئت و جلادت و آزادگی ایرانیان را که همواره در برابر بیگانگان بروز میدادند بی اندازه بکاست . نتایج عهدنامه ترکمن چائی و بعمل آمدن لوازم کاپیتولاسیون باخلاق و طبیعت نژاد ایرانی تا سه نسل صدماتی رسانیده غرور ملی را نابود ویکنوع حس فروتنی ورضاوتسلیمی نسبت باجانب پدید آورد بطوری که تدریجاً عادت کردیم دیگران را همیشه برتر از خود پنداشته خویشتن را بدیدهٔ حقارت بنگریم .

فصل ششم از معاهدهٔ ترکمن چائی راجع بغرامت جنك است که مبلغ ده کرور تومان دولت ایران بروسیه میپردازد .

مطابق فصل هشتم کشتی های تجارتی دولتین آزادانه میتوانند در بحر خزر آمدورفت نمایند اما تنها روسیه درآن دریا کشتیجنگی خواهد داشت .

فصل نهم راجع بتعیین سفرا و قونسولها در ممالك یکدیگر است و مقرر میدارد راجع به تجارت معاهدهٔ جداگانه منعقد شود

فصل دهم ـ به سکنه قفقاز که مایل به مهاجرت به ایران باشند حق میدهد املاك خودرا در مدت معینی بفروشند وفقط حسن‌خان ملقب به ساری اصلان (شیر زرد) و برادرش حسین خان سرداران ایروانی که فداکارتر و شجاع ترین خدام ایران بودند از حق تصرف املاك و اموال خودشان درایروان مطابق این فصل محروم گردیدند

فصل یازدهم در بارهٔ مرافعات و دعاوی اتباع طرفین است از یکدیگر که بواسطه جنگ معوق مانده و باید به سرعت خاتمه یابد .

عهدنامهٔ تجارتی که ضمیمهٔ معاهدهٔ ترکمان چائی و مبنای روابط تجارتی

دول کاملةالوداد با ایران است در نه فصل نوشته شده که خلاصهٔ آن از اینقرار است .

فصل اول ـ راجع بآزادی تجارت اتباع در خاکهای طرفین و اینکه مایملك متوفی بورثه وشرکای او و در صورت غیبت آنها به قونسولهای دولتین واگذار شود .

فصل دوم ـ بروات و ضمانت ها و دیگر عهدنامه ها که برای امور تجارت مابین اتباع طرفین منعقد میشود باید نزد قونسول روس وحاکم محل ثبت شود وادعا بصرف شهادت شهود بدون اینگونه‌اسناد مصدقه مقبول نیست ودر صورتیکه تبعهٔ روس درایران ورشکست شود بطلبکاران از اموال او حق داده میشود واگر از قونسول روس‌سئوال شود که آیا ورشکسته در روسیه نیز اموالی دارد برای تحقیق مطلب مساعی جمیله بکار خواهد برد

فصل سوم ـ از صادرات وواردات یکی از دو مملکت بدیگری هنگام ورود وصدور فقط یك صدی پنج حق گمرك در یافت شود و هرگاه دولت روس بخواهد تعرفهٔ مجددی برقرار دارد متعهد میشود که به واردات از ایران بروسیه صدی‌پنج بیشتر گمرك نه‌بندد

فصل چهارم ـ اگر دولت روس یا ایران با دولت دیگر درجنك باشد تبعهٔ جانبین ممنوع نخواهند بود ازاینکه امتعهٔ خودرا بآن مملکت ثالث ببرند .

فصل پنجم ـ تبعهٔ روس حق دارند در ایران خانه برای سکنا و انبار برای وضع امتعه باجاره یا ملکیت بگیرند و متعلقان دولت ایران نمیتوانند عنفا بآن مکانها وارد شوند مگر با اجازهٔ قونسول یا

وکیل روسیه که ایشان در وقت ملاحظه خانه یا امتعه حضور داشته باشند .

فصل ششم ـ امتعه ایکه برای مصرف شخصی نمایندگان لازم است از باج و عوارض معاف خواهد بود و ایرانیهائیکه در خدمت نمایندگان روس هستند مانند تبعهٔ روس از حمایت ایشان بهره مند میباشند و هرگاه یکی از این اشخاص بسبب ارتکاب جنایتی مستحق عقوبت شود وزیر دولت یاحاکم وبزرگ ولایت مستقیماً آن شخص را از نمایندهٔ دولت روسیه طلب میکند و اگر این مطالبه مبتنی بردلائلی باشد که جرم وتقصیر متهم را بثبوت رساند ایلچی یا قنسول ازدادن او مضایقه نخواهد کرد .

فصل هفتم ـ دعاوی اتباع روس بر یکدیگر بوسیله قونسولهای روسیه تصفیه میشود ومرافعات اتباع روس بادولت خارجی نیزباتراضی طرفین به قونسولها محول میگردد اما مرافعه تبعهٔ روس باایرانی بدیوان حاکم شرع یا حاکم عرف معروض میگردد وطی نمیشود مگر درحضور ترجمان یاوکیل یاقنسولها چون اینگونه ادعاها که یکدفعه مطابق قانون طی شده باشد دوباره استعلام نمیتواند شد هرگاه اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق وملاحظه ثانی کند بدون استحضار نمایندگی روسیه نمی تواند شد و در این حالت آن امر محکوم علیه نمیتواند گردید مگر در دفتر خانهٔ اعظم پادشاهی که در تبریز یاطهران باشد کذالك درحضور یك نفر ترجمان وکیل یا قنسول روسیه

فصل هشتم ـ کار قتل و امثال آن گناههای بزرگ که درمیان خود رعایای روسیه واقع شود تحقیق وقطع و فصل آن مطلق در

اختیار ایلچی یا وکیل یا قنسول روسیه خواهد بود که طی می کند بر وفق قوانین شرعیه که بایشان درباب اهل ملت خود داده شده است اگر یکی از اتباع روسیه متهم جرمی باشد بهیچوجه اورا تعقیب نباید کرد مگر در صورتیکه شرکت او بجرم ثابت ومدلل بشود در این حالت نیز مانند حالتیکه یکی از تبعهٔ روسیه بنفسه بجرمی‌متهم میشد حکام ولایات نمیتوانند به تشخیص جرم پردازند مگر در حضور گماشتهٔ قنسول و اگر در محلی قونسول نباشد مجرم را به محلیکه اقامتگاه قونسول یا وکیل او است میفرستند و استشهاد نامه بمهرحاکم و مفتی محل دایر بر اثبات جرم مجرم فرستاده خواهد شد واینگونه استشهاد نامه‌ها معتبر خواهد بود مگر درصورتیکه متهم عدم صحت‌آنرا ثابت نماید و در صورتیکه جرم متهم ثابت شود مجرم توسط وکیل یا قنسول روس بروسیه اعزام خواهد شد تا مجازاتیکه در قوانین آن مملکت مقرر است اجرا شود

فصل نهم از عهدنامهٔ تجارتی راجع بکیفیت اجرای معاهده و صحت آنست معاهدهٔ ترکمان چائی ومخصوصاً آن فصلهائیکه راجع‌به حقوق قضاوت قنسولها وحمایت اتباع و پذیرائی سفراء وغیره‌منعقد گشته است مجموعاً کاپیتولاسیون را بر دولت ایران تحمیل کرده مابین ملل مغرب زمین با ایندولت بنای‌روابط آینده گردید

همه میدانیم که اساس کاپیتولاسیون این است که دول و ملل اروپانخواسته اند خود را با اقوام ودول مشرق زمین برابر نمایند و تمدن اروپا یا صریح‌تر گفته باشیم عالم مسیحیت را با تمام آداب و رسوم زشت وزیبای آن مافوق دیگران می‌پندارند

اروپائیان در ممالك عثمانی و مصر وایران و غیره بهانه میآوردند که چون قوانین قضائی مسلمانان با احکام قرآن مجید مخلوط وجنبهٔ مذهبی دارد البته اجرای آنها نسبت بملل غیر مسلم جایز نیست بنابر این بایستی باتباع ممالك اروپا این امتیاز داده شود که مرافعاتشان در محاکم قونسولگریها مطابق قوانین دول متبوعه آنها حل وفصل گردد درصورتیکه دول مسیحی اروپا وامریکا هرقدر ضعیف بوده اموردا خلی آنان اختلال پذیر باشد مورد چنین تحمیلی واقع نمیشوند . امتیاز کاپیتولاسیون در حقیقت لطمهٔ بزرگی است که بحق حاکمیت یك ملتی در داخلهٔ وی وارد میشود و هیچ دولت و قوم مقتدری زیر بار آن نمیرود زیرا اصول کاپیتولاسیون در وسط یك مملکت مستقلی محاکم و دوائر وتشکیلات مستقله دیگری ایجاد میسازد

در ایران برقراری کاپیتولاسیون مورد سوء استفادهٔ دول اجنبی گردیده هنگامی پیش آمد که قونسولگریهای خارجه از اتباع ایران نیز حمایت کرده آنان را بتعدی و تجاوز و ایذاء هموطنان دیگر خود تشویق مینمودند . و بالجمله بعد از انعقاد معاهدهٔ ترکمانچائی سایر ممالك اروپ و آمریك ضعیف یاقوی در انعقاد معاهدات و افتتاح روابط سیاسی وتجارتی با ایران خودرا زیر سایهٔ جمله مشهور (دول کاملةالوداد) کشیده وهمان امتیازات و حقوقی را که روسیه جبراً به چنگ آورده بود تحصیل کردند

قرارداد با اسپانیا

سال ۱۲۶۴ مابین دولتین ایران و اسپانیا یکعهد نامه مودت و تجارت منعقد گردیده فصل دوم معاهده راجع بآزادی کسب و مسافرت و

احترام اتباع طرفین است درخاك یکدیگر

فصل سوم ـ اتباع دولتین درخاك یکدیگر از هرگونه عوارض ومالیاتی معاف هستند ومال‌التجاره آنها همان گمرکی را میپردازد که اتباع دول کاملة‌الوداد میپردازند

مطابق فصل چهارم ـ دولت ایران درپایتخت اسپانیا شهر (مادرید) و در شهر (بارسلن) یابندر دیگر که مرجح بداند دونفر وکیل تجارتی منصوب میدارد و اسپانیا دووکیل درطهران وتبریز مقرر میدارد

فصل پنجم ـ هرگاه مابین رعایای طرفین مرافعه‌ای ظهور کند محاکمهٔ آن بی‌حضور وکیل تجارتی یا دور گمان اسپانیا قطع نخواهدشد ولی مواد محاکمه مطابق قوانین و عادات مملکتی خواهد بود . اگر یکی از اتباع طرفین درخاك دیگری مفلس شود تمام اموال واشیاء او رسیدگی ودارائی اوازروی تناسب مابین طلبکاران قسمت خواهد شد و طلبکاران بعد از اخذ سهمی قبوض طلبشانرا باید مسترد دارند ـ در صورت فوت یکی از رعایای طرفین ماترك متوفی بحفاظت مأمور تجارتی واگذار خواهد شد که قروض متوفی را پرداخته مابقی را مطابق رسوم و قوانین مملکت خود بمصرف مقتضی برساند .

بعدازآن معاهده مجدداً سال ۱۲۹۰ یك معاهدهٔ دیگری مابین دولتین ایران و اسپانیا منعقد گردیده که عهدنامهٔ سابق را تأییدکرده و مطابق فصل دوم و سوم آن به تجارت اسپانیا و ایران فواید دول کاملة الوداد اعطاء گردیده و بوشهر درایران وبندر کادیکس دراسپانیا بر محال قونسولگریهای طرفین افزوده شده است ـ پرواضح است مقصود کلی از این معاهده وارد شدن اسپانیا است در عداد دول کاملة

الوداد تا حق کاپیتولاسیون را احراز کنند

قرارداد تذکره باروسیه

سال ۱۲٦٥ برای تفسیر و توضیح فصل چهارم عهدنامهٔ ترکمان چائی مابین ایران و روسیه قراردادی منعقد وتحت چهارفصل بامضاء رسید

مطابق این‌قرارداد اتباع طرفین هنگام ورود بخاك یکطرف بایستی تذکره عبور داشته باشند و اشخاص بی تذکره تحت الحفظ بمأمورین سرحدی دولت متبوعه آنها مسترد خواهند شد .

فصل دوم

ایران فرانسه ـ امریکا ـ سوئز و نروژ ـ اطریش ـ دانمارك هلند و بلژیك

مناسبات ایران و فرانسه

سال ۱۲۷۱ هجری مطابق ۱۸٥٥ میلادی مابین ناپلئون سوم وناصرالدین شاه معاهده‌ای منعقد گردید که مواد مربوطه بتجارت درآن عهدنامه ازاینقرار است :

مطابق فصل سوم ـ اتباع فرانسه در ایران دارای حقوق اتباع دول کاملة الوداد میباشند و تبعهٔ دولتین در خاك یکدیگر هر گونه آزادی مسافرت و تجارت را دارا میباشند .

مطابق فصل چهارم حقوق گمرکی که از مال‌التجارهٔ تبعهٔ دولتین درخاك یکدیگر اخذ میشود مطابق همان حقوقی است که از اموال دول کاملة الوداد اخذ میشود و هیچ نوع حقوق فوق‌العاده در مملکتین مطالبه نخواهد شد .

مطابق فصل پنجم ـ مشاجرات مابین اتباع فرانسه بقنسولگری های آندولت رجوع میشود که مطابق قوانین فرانسه فیصل دهند . اما مرافعات ما بین اتباع ایران و فرانسه به محاکم ایرانی رجوع خواهد شد که با حضور مأمورین فرانسه رسیدگی شود .

مناقشات اتباع فرانسه با اجانب دیگر بقنسولگریهای همانها ارجاع خواهد گشت در فرانسه مرافعات اتباع ایران ما بین خود یا با فرانسویها یا با بیگانگان بطوریکه با اتباع دول کاملة‌الوداد معمول است محاکمه خواهد شد (یعنی عموماً به محاکم فرانسوی ارجاع میشود) اما درباب مسائل‌راجعه به محاکمه جنایتی که اتباع‌فرانسه درایران وایرانیها در فرانسه بدان متهم شده باشند این قبیل‌مسائل در مملکتین بطوریکه با اتباع دول کاملة الوداد معمول است رفتار خواهد شد .

مطابق فصل ششم متروکات اتباع متوفی در مملکتین بورثهٔ آنها واگذار و در صورت غیبت ورثه بقنسول دولت متبوعهٔ متوفی تسلیم‌میشود که موافق قوانین و عادات مملکت خود هرطورمقتضی است بمصرف برساند .

مطابق فصل‌هفتم قونسولهای ایران در پاریس و مارسیل‌ولیون قونسولهای فرانسه در طهران تبریز و بندر بوشهر مقیم جواهند بود .

مناسبات ایران و امریکا

سال ۱۸۵۶ دولتین ایران واتازونی عهدنامهٔ مودت و تجارت منعقد داشتند و مواد آن در قسمت تجارت ازاینقرار است :

فصل سوم ـ آزادی تجارت و مسافرت اتباع طرفین را مقرر

داشته آنها را از حقوق دول کاملةالوداد بهره یاب میدارد و اضافه میکنند : « مقرر است که تجار هر یك از دولتین که بتجارت داخله مملکت دیگری اشتغال ورزند از حیث این تجارت مطیع قوانین همان مملکت خواهند بود که درآنجا تجارت مینمایند ودرصورتیکه یکی از مملکتین متعاهدین از این ببعد امتیازات دیگری درخصوص چنین تجارت داخله باتباع سایر دول بدهد همین امتیازات بالسویه بتجار طرف مقابل که در خاك آن مملکت مشغول بتجارت داخله هستند داده خواهد شد .

فصل چهــارم راجع بحقوق کمرکی است که از مال التجارهٔ طرفین مطابق امتعه سایر دول کاملةالوداد اخذ خواهد شد .

فصل پنجم راجع بامور قضائی است وآن نظیر قرارداد بافرانسه است که ذکر شد .

فصل ششم راجع به متروکات متوفی و نظیر مواد معــاهدهٔ فرانسه است .

مطابق فصل هفتم سه قنسول ایران در واشنگتن ، نیویورك ، نیواورلئان اقامت کرده و سه قونسول امریکائی در طهران تبریز و بندر بوشهر جای خواهند داشت و مأمورین سیاسی و قونسولهای اتازونی نه بر خفا و نه بر ملا از اتباع ایران حمایت نخواهند نمود و هر یك از قونسولها که بتجارت پردازد مطیع همان رسوم وقوانینی خواهد بود که سایر تجار تبعه اتازونی مطیع هستند ـ برخلاف معاهدهٔ اسپانیا و معاهدهٔ فرانسه که بلا مدت انعقاد یافته عهدنامهٔ اتازونی دو سال مدت دارد ،

ایران و سوئد نروژ

اواخر سال ۱۲۷٤ مطابق ۱۸۵۷ مسیحی مابین دولت ایران با سوئد نروژ عهدنامهٔ مودت و تجارت در پاریس انعقاد یافت وفصول مربوطه بتجارت درآن از اینقرار است :

فصل سوم ـ آزادی تجارت ومسافرت اتباع طرفین را مقرر میدارد .

فصل چهارم ـ از کشتیهای طرفین هنگام ورود و خروج از بنادر یکدیگر همان حقوق اخذ گردد که از کشتی های دول کاملة الوداد گرفته میشود .

فصل پنجم ـ سه قنسول ایران در (استکهلم ، کریستانیا و گوتانبورك) و سه قنسول سوئد نروژ در طهران، تبریز و بندر بوشهر اقامت خواهند گزید . قونسولهای دولتین دارای امتیازات قونسولهای دول کاملة الوداد خواهند بود . نمایندگان سوئد نروژ چه بر خفا و چه بر ملا از تبعه ایران حمایت نخواهند نمود ـ قونسولهای دولتین که بتجارت پردازند مطیع همان قوانین هستند که هموطنان همکار آنها مطیع میباشند . موافق فصل ششم مدت معاهده ۱۲ سال مقرر شده است .

ایران و اطریش

سال ۱۲۷۳ مطابق ۱۸۵۷ مسیحی مابین دولتین ایران واتریش هنگری عهدنامهٔ مودت و تجارت منعقد گردیده فصـول آن راجع بتجارت ازاینقراراست :

فصل سوم و چهارم راجع بازادی تجارت و مسافرت و اینکه

اتباع طرفین در خاك یکدیگر دارای حقوق اتباع دول کاملةالوداد باشند و خانه و مغازه اتباع اتریش درایران بدون حضور نمایندگان اطریش از تعرض مأمورین ایران مصون گردد .

فصل پنجم ـ راجع بحقوق گمرکی که مانند سایر دول کاملة الوداد رفتار شود چون تاریخ انعقاد معاهده قبل از تشکیل امپراتوری آلمان است دولت امپراتوری اتریش اتباع دول آلمان را مانند اتریشی ها دراین معاهده شریك قرار میدهد .

فصل هفتم راجع بتعیین سه قنسول از جانب طرفین وحقوق وامتیازات قونسولها است مانند سایر دول کاملةالوداد .

فصل هشتم‌ونهم راجع بثبت قرارنامه‌های تجارتی و حل وفصل مرافعات اتباع و حق قضاوت قنسولها است که موافق شرایطیکه در عهدنامهٔ ایران ـ آلمان مذکور خواهد شد اعطا گردیده‌است .

فصل دهم ـ راجع برسیدگی امور تجار ورشکسته و فصل یازدهم راجع بـه تسلیم ما ترك متوفی بقنسولهای طرفین و فصل دوازدهم درمحاکمه جرم وجنایت منعقد وکاملا شبیه سایرمعاهداتی است که فوقاً نگاشته‌ایم .

ایران
دانمارك

سال ۱۸۵۷ مابین دولتین ایران ودانمارك معاهدهٔ مودت و تجارت در پاریس انعقاد یافت که مواد آن درقسمت تجارت ازاین‌ـ قرار است :

فصل سوم ـ آزادی تجارت و مسافرت و اینکه تجار طرفین در خاك یکدیگر مطیع قوانین مملکتی هستند

فصل چهارم ـ سفاین و مال‌التجارهٔ طرفین حقوق گمرکی را مانند سایر دول کاملة‌الوداد میپردازند .

فصل پنجم ـ اقامت سه قنسول ایران در شهرهای (کپنهاك) (فلنس بورك) و (آلتونا) سه قنسول دانمارکی درطهران ، تبریز و بندر بوشهر مقرر شده و امتیازات قنسولها در حدود شرایط سایر عهدنامه ها اعطاء گردیده است .

ایران و هلند

سال ۱۸۵۷ معاهدهٔ مودت و تجارت مابین دولتین ایران وهلند درپاریس منعقد گشت این معاهده بمدت ۱۲ سال در شش فصل شبیه بمعاهدهٔ ایران و دانمارك نگاشته شده است

ایران و بلژیك

سال ۱۸۵۷ مابین دولتین ایران وبلژیك عهدنامه ای در (بروکسل) تحت نه فصل انعقاد یافت .

فصل سوم ـ راجع بازادی سیاحت و تجارت است

فصل چهارم ـ حقوق گمرکی از سفاین و مال التجاره مثل سایر دول کاملة‌الوداد اخذ میشود .

فصل پنجم ـ راجع به قضاوت قونسولها ومحاکمهٔ اتباع است

فصل ششم ـ در نگاهداری ماترك متوفیان بحث میکنند

فصل هفتم ـ راجع به اقامت سه قنسول از طرفین در خاك یکدیگر و در تعیین حقوق وامتیازات آنها است

مدت معاهده ده سال و مواد آن از هر بابت شبیه بمواد سایر معاهدات میباشد

فصل سوم

ایران انگلیس ـ ایران یونان ـ ایران ایتالیا ـ ایران عثمانی (معاهدهٔ دوم‌ارزروم) ـ ایران و آلمان ـ قرارنامه گمرکی ایران و آرژانتین ، مکزیك ، شیلی ، برازیل ، اوروگه

ایران و انگلیس

مابین دولتین ایران وانگلیس در طول قرن اخیر معاهدات نظامی وسیاسی مکرر بامضا رسیده اما تا زمان محمد شاه دولت بریتانیا برای اجراء حق کاپیتولاسیون سندی بدست نیاورده بود ولی بعداز وقعهٔ هرات یك قرارداد تجارتی تحت دوماده مابین دولتین منعقد شد که بر طبق آن تجار انگلیس از حقوق دول کاملة الوداد استفاده‌کنند واین قرارداد حق کاپیتولاسیون رابرای دولت انگلیس محرز داشت و نیز سال ۱۸۵۷ عهدنامهٔ صلح از طرف نمایندگان دولتین درپاریس بامضاء رسید که دراثر آن جنك هرات وسواحل خلیج فارس خاتمه یافت .

مطابق فصل نهم آن عهدنامه قنسولها و اتباع دولتین درخاك یکدیگر دارای حقوق وامتیازات دول کاملةالوداد خواهند بود

قرار داد گمرکی

سال ۱۳۲۱ مطابق ۱۹۰۳ مسیحی یك قرار نامهٔ گمرکی مابین دولتین ایران و انکلستان نظیر قرارداد گمرکی ایران وروس که جداگانه شرح داده میشود انعقاد یافت

ایران و یونان

سال ۱۲۷۸ مطابق ۱۸۶۱ مسیحی مابین دولتین ایران ویونان معاهدهٔمودت وتجارت و سیر سفائن انعقاد یافت و بوسیلهٔ این عهدنامه دولت یونان که آن زمان ضعیف‌ترین دول اروپا بوده تازه از مملکت عثمانی مجزی شده بود در شهنشاهی ایران بداشتن حقوق کاپیتولاسیون وامتیازات دول‌عظیمهٔ دیگر نائل گردید فصولی از آن عهدنامه که بتجارت ارتباط دارد ازاینقرار میباشد :

فصل چهارم ـ راجع بحق اجاره کردن منزل و تجارتخانه و معافیت اتباع طرفین از عوارضی که بر اتباع دول کاملة الوداد تحمیل نمیشود انعقاد یافته ضمناً اضافه مینماید : « مقرراست که هرگونه فواید و حق و امتیازاتیکه طرفین معظمین بدولت ثالثی میدهند همین فواید حق وامتیاز هم باتباع دولتین داده خواهدشد مگر فوائدیکه باطمینان داشتن فوائد مخصوصه داده شده باشد ولی این هم مقرر است که هریك از دولتین حق دارد که همین فوائد را بخواهد و معادل آن در عوض بعضی فوائدی بدهد مشروط بر اینکه چیزیکه درعوض داده میشود مقبول ومطبوع طرف مقابل‌گردد . »

در دنبالهٔ این فصل مقرر است که تجار طرفین تابع قوانین همان مملکتی هستند که آنجا تجارت میکنند اما مأمورین ایران نباید عنفاً وارد دکان یا خانه تبعه یونان شوند مگر با حضور نمایندکان قنسولگری یونان و اگر درمحلی قونسولگری یونان نباشد بطوریکه با امتعهٔ دول کاملةالوداد رفتار میشود بعمل خواهد آمد .

فصل پنجم ـ حقوق گمرکی ازمال‌التجارهٔ یونان همانی اخذ

میشود که از امتعه دول کاملة الوداد مسیحی میگیرند .

فصل ششم ـ سفاین دولتین دربنادر یکدیگر از جمیع احترامات سفاین دول کاملة الوداد بهره مند میشوند و امتعه ایکه با این سفاین میرسد بدون ملاحظه محل صدور وورود همان حقوق گمرکیرا میپردازند که به سفاین دول کاملةالوداد تعلق میگیرد .

فصل هفتم ـ راجع بامداد کشتیهای شکست یافته طرفین در سواحل یکدیگر .

فصل هشتم ـ سه قنسول یونانی در ایران و سه قنسول ایرانی در یونان مقیم خواهند بود قونسولهای طرفین از امتیازات دول کاملةالوداد بهره مند میشوند در صورت ظهور اغتشاش بموجب اظهار قونسول مستحفظین برای مصونیت وی برقرار خواهند شد ـ نمایندگان یونان ازایرانیانیکه مستخدم آنها نباشند حمایت نخواهند نمود دنبالهٔ این فصل راجع بوضع مستخدمین قونسولگریها است .

فصل نهم ـ راجع بحق قضاوت و اعطای حقوق دول کاملة الوداد بقنسولهای یونان است و اینکه متروکات اتباع متوفی به قونسولگریهای دولتین تسلیم گردد .

فصل یازدهم ـ مدت اعتبار معاهده را دوازده سال مقرر داشته است .

ایران و ایتالیا

سال ۱۸۶۲ ما بین دولتین ایران وایتالیا در طهران معاهدهٔ مودت و تجارت انعقاد پذیرفت که فصلهای آن راجع بتجارت ازاین قرار است :

فصل سوم ـ آزادی مسافرین وتجار طرفین دراقامت‌وتجارت

فصل چهارم ـ حقوق گمرکی امتعه طرفین همانی است که از امتعهٔ دول کاملةالوداد اخذ میشود .

فصل پنجم ـ حق قضاوت و امتیازات قونسولها را موافق شرایط سایر معاهدات مقرر داشته است .

فصل ششم ـ معاملهٔ با ماترك متوفیان طرفین مانند مدلول سایر معاهدات نگاشته شده است

فصل‌هفتم سه‌قنسول ایران در (تورن)، (ژن) و (کاگلیاری) وسه قونسول ایتالیا در طهران ، تبریز و بندر بوشهر اقامت خواهند داشت . قونسولها از امتیازات دول کاملة الوداد بهره مند خواهند بود . قونسولها از اتباع دولت متعاهد مقابل حمایت نخواهند کرد و اگر بتجارت بپردازند تابع همان قوانین و رسومی خواهند بود که دربارهٔ هموطنان همکارشان مجری میگردد .

فصل هشتم ـ مدت اعتبار معاهده را دوازده سال مقرر داشته است .

ضمیمهٔ این عهدنامه در چهارفصل راجع بتجارت پیله ابریشم از اینقرار نگاشته شده است :

فصل اول ـ دولت ایران تا مدت چهار سال برعایای خود اجازه میدهد تخم ابریشم وپیله را به تجار اتباع ایتالی بفروشند و بتجار ایتالیا اجازه میدهد این دو محصول را صادر کنند و صدی پنج حقوق گمرکی بپردازند .

فصل دوم ـ مناقشات مابین مأمور گمرك و تجار ایتالیائی

مانع صدور مال‌التجاره نمی‌گردد و در طهران مابین دولت وسفارت ایتالیا تصفیه خواهد شد .

فصل سوم ـ دولت ایران اذن میدهد در سه تجارتگاه یعنی تبریز ، رشت و بوشهر قونسولگری یا وکلای قونسول ایتالیا برقرار شوند و دولت ایتالیا علاوه بر شهر های مقرر در متن معاهده در یك شهر دیگر که دولت ایران برای تجارت خود صلاح بداند اجازهٔ برقراری قونسولگری ایران را خواهد داد .

فصل چهارم ـ این فصول ضمیمه تا مدت چهار سال جزء عهدنامه اعتبار خواهد داشت .

ایران و سویس

سال ۱۲۹۰ مطابق ۱۸۷۳ مسیحی معاهده‌ای ما بین دولت ایران وسویس در نه فصل انعقاد یافت و مواد این عهدنامه راجع بتجارت و مودت مانند سایر معاهداتی است که مجملاً نگاشته‌ایم . مدتش دوازده سال است و برطبق آن دولت سویس در عداد دول کاملة الوداد وارد شده ازحقوق کاپیتولاسیون و غیره استفاده مینماید

ایران و عثمانی

در عهد محمد شاه و سلطان عبد المجید عثمانی سال ۱۲۶۳ مابین دولتین کدورت سختی پدید آمد و دولتین روس وانکلیس میانجی شده بالنتیجه بنمایندگی میرزا تقی خان که بعدها امیرکبیر لقب یافته بصدارت رسید و انور افندی از جانب عثمانی در ارز روم باحضور فرستادکان روس و انکلیس عهدنامه‌ای انعقاد پذیرفت این عهدنامه مبنای روابط عهد جدید دولتین گردید در فصل ششم

مقرر است : ـ تجار ایران حقوق گمرکی مال‌التجاره خودرا روی قیمت هر روزه و متداوله نقداً یا جنساً ازقراریکه در عهدنامه ارزروم سال ۱۲۳۸ درمادهٔ راجعهٔ به‌تجارت ذکر شده است بپردازند و از مبلغی که در عهدنامهٔ مزبوره ذکر شده است زیاده وجهی مطالبه نشود .

فصل هفتم ـ دولت عثمانی وعده میدهد که امتیازات لازمه را دربارهٔ زوار ایران معمول دارد تا از هر نوع تعـدیات مصون بوده بتوانند محال متبرکه را که در خاك عثمانی واقع شده است زیارت کنند و همچنین برای استحکام و تأکیـد روابط دوستی و اتحادی که لازمهٔ دولتین اسلام وتبعهٔ طرفین است دولت‌عثمانی تعهد میکند که مناسب ترین وسایل را بکار برد تا چنانکه زوار ایران در ممالك عثمانی از جمیع امتیازات متمتع میباشند سـایر اتباع ایران نیز از امتیازات مذکوره بهره ور بوده خواه درتجارت و خواه در مواد سایره از هر نوع تجاوز و تعدی و بی حرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این در تمام نقاط عثمانی بغیر از مکهٔ مکرمه و مدینه منوره هر جائی که از طرف ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار قنسول لازم شده و معین میشود دولت عثمانی مشارالیهم را قبول نموده و وعده میدهد امتیازاتیکه لازمهٔ سمت رسمیت آنها است و دربارهٔ قنسولهای سایر دول متحابه معمول است دربارهٔ مشارالیهم نیز معمول دارد و دولت ایران نیز تعهد میکند که درمادهٔ قونسولهای عثمانی در هر محل خاك ایران که لازم شده و معین میشود و نیز در مادهٔ تبعه و تجار آن

دولت که بایران رفت‌وآمد مینمایند معاملهٔ‌متقابله را کاملا مرعی‌دارد

چنانکه ملاحظه میشود معاهدهٔ با عثمانی تنها قرار دادی است که بعد از عهدنامهٔ ترکمان چائی بسبك آبرومندانه ای نگاشته شده منافع تجارتی دولت ایران در آن محفوظ مانده و راجع به کاپیتولاسیون نیز وعدهٔ معاملهٔ متقابله داده‌اند .

در سال ۱۲۹۲ چون دولت عثمانی تنباکو و نمك را در خاك خود تابع انحصار گردانید ناچار باید راجع به تنباکو و نمکی که از ایران بآن مملکت صادر میشد ترتیباتی میداد . لذا ما بین دولتین قرارنامه ای تحت هشت ماده انعقاد یافت که بر طبق آن دولت عثمانی صدی هفتاد و پنج از تنباکوی ایران گمرك میگیرد و نیز صدور نمك و توتون ایران بعثمانی ممنوع شده بدولت ایران نیز حق‌میدهد که عنداللزوم ورود نمك و توتون عثمانی را بایران ممنوع دارد .

و نیز در همان موقع یك معاهدهٔ تجارتی بتوسط سفارت ایران و وزارت خارجه استامبول بامضاء رسید .

بر طبق فصل اول این معاهده هرگاه تبعهٔ ایران در عثمانی علناً و آشکارا مصدر جنحه و جنایتی شود مأمورین عثمانی حق دارند مستقیماً اورا تحت محاکمه ومجازات در آورند اما هنگامیکه فقط‌متهم‌به جنحه وجنایتی شوند محاکمهٔ ایشان بایستی بااطلاع کار-پردازان دولت ایران بعمل آید و نتیجهٔ محاکمه نیز رسماً بقونسول-گریهای ایران ابلاغ میشود . در مرافعات حقوقی وتجارتی که مابین اتباع ایران با عثمانی رو میدهد حضور ترجمان های کار پردازان

ایران جایز است و احکام صادرهٔ از محکمه بوسیله سفارت و قونسولگریهای ایران اجرا میشود مگر در صورتیکه آنها باجرای حکم نپردازند درآنصورت بلاواسطه عمال عثمانی اجرا خواهندنمود

مطابق ماده دوم اگر ایرانیها در خاك عثمانی مشغول صنعت و حرفت بشوند محکوم نظامنامهای مربوطه بآن حرفت هستندو مانند همکاران عثمانی خود عوارض مرسومه را باید پرداخته در کار های متعلقهٔ بآن صنعت مطیع محاکم و مامورین عثمانی خواهند بود .

مطابق ماده سوم کار پردازان ایران و نواب و مترجمین‌ایشان از امتیازات قونسولهای دول متحابه بهره‌مند خواهند بود .

مطابق فصل چهارم کار پردازان ایران حق دارند اگر شکایتی از اتباع ایران به بینند درولایات بحکومت محلی کتبا یاشفاها اظهار و تقاضای رسیدگی‌نمایند ونیز حق دارند اعادهٔ هر کدام از اتباعشان را بخواهند بحکومت محلی اظهار دارند .

تصرف ترکهٔ تبعهٔ متوفی ایران باکار پردازان ایران است و اگریکی‌ازتبعه عثمانی برآن ادعائی داشته باشد درمحاکمی‌که‌مخصوص این قبیل امور است رسیدگی خواهد شد .

مطابق مادهٔ پنجم اجرای نظامات تذکره و قرانتینه بر تابعیت تبعهٔ ایران سکته وارد نمیکند .

مطابق مادهٔ ششم اتباع ایران از خدمات عسکریه و ادای مرسومیکه برای معافیت از نظام است معاف هستند

مطابق مادهٔ هفتم هر گونه مرافعات حقوقی و جنائی و قتل و غیره که مابین اتباع ایران واقع شود رسیدگی بآن مخصوص

بکار پردازان ایران است . و اگر ازحکومت محلی مساعدتی بخواهند بعمل خواهد آمد

مطابق مادهٔ هشتم در مالیات و عوارضیکه تبعهٔ ایران باید بکار پردازان خود بپردازند از طرف عمال عثمانی هیچگونه مداخله جایز نخواهد بود .

مطابق مادهٔ نهم تغییر تابعیت ایرانی بتابعیت عثمانی مطابق شرایطیکه با عموم اتباع دول متحابه مقرراست بعمل میآید .

مطابق مادهٔ دهم چون معاملهٔمتقابله در میان است اگریکی از موادیکه در بارهٔ اتباع ایران مقرر شده در ایران نسبت بتبعهٔعثمانی مجری نشود دولت عثمانی حق دارد همان ماده را در باره اتباع ایران مجری ندارد .

مطابق مادهٔ یازدهم اگر دولت ایران بخواهد اتباعش دارای حقوق تصرف املاك شوند مقاوله نامهٔ مخصوص منعقد خواهد شد و تا قرار دادی منعقد نشده مسئله تصرف املاك به نهج سابق بر قرار خواهد ماند .

مطابق مادهٔ دوازدهم در باب مرافعات اتباع ایران با اجانب مقیم عثمانی تا قراری مابین سفارت ایران و سفارت خانهای دیگر داده نشده به نهج سابق معمول خواهد شد ،

مطابق مادهٔ سیزدهم رسیدگی به‌عمل ورشکستگی ایرانیان با کار پردازان ایران است .

مطابق مادهٔ چهاردهم از حیث مسائلی که در این قرار داد ذکر نشده با اتباع طرفین در خاك یکدیگر مانند اتباع دول کاملة

الوداد رفتار خواهد شد و نیز هریك از موادیرا که ذکر شده اگر دولت ایران نسبت باتباع عثمانی مجری ندارد دولت عثمانی حق خواهد داشت همان ماده را اجراء نکند .

ایران و آلمان سال ۱۸۷۳ مابین دولتین ایران و آلمان یك معاهدهٔ مودت و تجارت و سیر سفاین تحت ۲۱ ماده برای مدت ده سال انعقاد یافت

مطابق فصل سوم عهدنامه قونسولهای آلمان در تحت همان شرایط و امتیازات دول کاملة الوداد قرار می گیرند

فصل چهارم — باتباع طرفین حقوق اتباع دول کاملة الوداد را میدهد .

فصل پنجم راجع بآزادی و امنیت اتباع طرفین در خاك یکدیگر و حق عبور از مملکتین بهمملکت ثالث است .

فصل ششم — تجارطرفین میتوانند آزادانه درممالك یکدیگر تجارت کنند و از حیث این شغل تابع قوانین مملکتی خواهند بود و اگر دولت ایران باتباع یکی از دول متحابه حق خریداری اراضی وخانه ومغازه بدهد آن حق بتبعهٔ آلمان نیز داده خواهدشد

مطابق فصل هفتم طرفین از حیث حقوق گمرکی با امتعهٔ یکدیگر مانند سایر دول کاملةالوداد رفتار خواهند کرد .

فصل هشتم — سفاین تجارتی طرفین را مجاز میدارد کهدر تمام بنادر رودخانها وشاخهٔ آنها و خلیج های کوچك که برای تجارت مفتوح باشد ایاب و ذهاب کنند وهرگونه تجارتیکه دول کاملةالوداد مجاز هستند بعمل خواهند آورد .

مطابق فصل نهم از حیث حقوق روشنائی و تناژ (ظرفیت کشتی) و حقوق رهنمائی و غیره با کشتیهای طرفین مانند سایر دول کاملة‌الوداد رفتار میشود

فصل دهم راجع بکشتی های غرق شدهٔ طرفین وحفظ محمولات و اشیاء قیمتی است .

فصل یازدهم ـ مأمورین ایران حق ندارند بخانه ومغازه اتباع آلمان وارد شوند وبه تفتیش و تفحص پردازند مگر با اطلاع قونسول و یا نمایندهٔ آلمان

فصل دوازدهم ـ دولتین تمام تعهدات و کنتراتهای اتباع طرفین را راجع بتجارت بدون کم و کسر منظور خواهند داشت . قرارنامه‌های مابین ایرانی والمانی درایران باید بامضای وزارتخانه یا حکومت محل و اگر قنسول آلمان باشد بامضای مشارالیه برسد و ادعای ایرانی بر آلمانی بدون اینگونه اسناد مقبول نیست . اما با اتباع ایران در آلمان مانند اتباع سایر دول کاملة‌الوداد رفتار خواهد شد .

فصل سیزدهم راجع بحق قضاوت قونسولها است مانند سایر معاهداتیکه فوقاً ذکر شده لیکن در پایان آن فصل مسطور است در مرافعات ما بین اتباع آلمان و ایران بعد از آنکه مرافعه بواسطه حکم قاضی ختم‌شد اگر تجدید رسیدگی لازم شود با اطلاع نمایندهٔ آلمان در محاکمات اعلی و تمیز که در طهران و تبریز و اصفهان منعقد است رسیدگی خواهد شد .

در فصل چهاردهم مقرر است که رسیدگی بکار اتباع ورشکسته

آلمان با اطلاع قونسول آندولت بعمل خواهد آمد .

فصل پانزدهم ـ ماترك اتباع متوفی در صورت غیبت شرکاء و ورثه بقنسولهای طرفین واگذار خواهد شد .

فصل شانزدهم در باب محاکمهٔ جرم وجنایت با اتباع طرفین مانند اتباع سایر دول کاملةالوداد رفتار میشود .

فصل هفدهم ـ طرفین متعهدند اتباع یکدیگر رابدون تحصیل رضایت دولت متبوعه آنهابه تابعیت نپذیرفته تذکره ندهند .

قرارنامه گمرکی

سال ۱۳۱۹ مطابق ۱۹۰۱ مسیحی یك قرارنامه گمرکی مابین دولتین ایران وروس منعقد گردید تا سنه مزبوره گمرکهای ایران هر ساله باشخاص معینی اجاره داده میشد و این وضع اجاره نیز بیش از قرنی نبود که در ایران معمول شده بود زیرا چنانکه در احوال عهد صفویه نکاشتیم آن زمان گمرکهای ایران مستقیماً تحت نظر عمال دولت قرار داشت و اصول اجاره داری گمرك سبك قدیم اروپا بود که در ایران تقلید شد . علاوه بر گمرکهای سرحدی در شهر های داخله نیز از بارها و امتعهٔ وارده و صادره حقوقی می‌گرفتند وگذشته ازحقوق گمرکی حکام و ولاة از بارهای مال‌التجاره باجی بنام راهداری و حفظ امنیت شوارع اخذ میکردند ولیکن‌این باجها مطابق معاهده ترکمان چائی در بارهٔ امتعه روسیه و بعد ها از امتعهٔ سـایر ممالك ملغی گردید و فقط صـدی پنج از قیمت مال‌التجاره صادره یا وارده در سرحدات گمرك میگرفتند بعد از عقد قرارداد گمرکی با روسیه سال ۱۹۰۳ یعنی دو سال بعدعین

همان قرارداد هم با دولت انگلیس بسته شد و دولت ایران بوسیلهٔ هیئت مستشارانی که ازبلژیك استخدام کرد و ریاست آنها بامسیو (نوز) بود دفاترمنظم گمرکی در سرحدات و مراکز ولایاتایجاد و وضع قدیم بر چیده شد اما قرارنامه گمرکی که ما بین ایران و دولتین همسایه انعقاد یافت از چندین جهت بحال ایران مضربوده دست دولت ایران را درتشویق و تزبید صادرات و تقلیل واردات مملکتی بسته برای نهضت اقتصادی کشور پای بندی محسوب‌میشود ولازم است هیئت های دولت معاصر ما در الغاء آنها بذل مساعی کرده هر طور باشد باز آزادی و استقلال گمرکی ایران را ازتزلزل کنونی برهانند اینك متن قرارنامهٔ گمرکی ذیلا نقل میشود

خلاصهٔ

قرار نامهٔ گمرکی ایران - و - روس

۲۶ رجب ۱۳۱۹ – ۲۷ اکتبر ۱۹۲۱

فصل اول – مقرر میدارد از مال‌التجاره‌اینکه اتباع ایران و روس از سرحدات دریائی یا خشکی عبورداده از مملکتی بمملکت دیگر (ایران و روس) وارد یا صادر مینمایند حقوق گمرکی مطابق تعرفه (آ) (ب) و (ث) اخذ گردد و از این ببعدحقوق گمرکی که‌مطابق‌قرارنامه های سابق است الغاء شود .

فصل دوم – بمال‌التجارهٔ فوق‌الذکر که از مملکتی بمملکت دیگر صادر میگردد فقط حقوق گمرکی تعرفه (آ) و (ب) تعلق میگیرد وامتعه‌صادرهٔ ازروسیه مورد تحمیل هیچگونه عوارض دیگر

نخواهد بود مگر حقوقیکه در فصل پنجم ذکر شده است . بامتعهٔ صادرهٔ ایران نیز غیر از حقوقیکه استثناءً در فصول ۱ و ۳ ذکر شده است حقوق دیگری تعلق نخواهد گرفت .

مفاد فصل سوم حقوق صادره صد پنج را که گمرك ایران بامتعهٔ صادره از ایران بسته بود موقوف داشته و فقط نسبت بپارهٔ امتعه که موافق تعرفه (ث) تابع حقوق خروجی است استثناء قائل شـده است و در خاتمه اصل آزادی عملیات تجارت خارجی را کاملاً تضمین کرده است .

فصل چهارم ـ اخذ حقـوق راهداری را موقوف داشته و کلیتاً تحمیل باج را براه های عرابه روی که بموجب امتیازی تسطیح شده باشد محدود کرده است . در خاتمه تعرفه راهداری خط رشت الی طهران را مأخذ وضـع باج ها قرار داده است که صاحب امتیاز بایـد باطلاع سـفارت روس برساند و شروع باخذ راهداری را موکول بدان نموده است که قسمت عمدهٔ راه که مابین نقاط معتبر واقع است تسطیح شده باشد . ومیزان آن که برامتعهٔ روس تحمیل میشود نباید از حقوقیکه بر امتعهٔ سـایرین تحمیل میگردد تجاوز نماید .

فصل پنجم ـ اختیار اجارهٔ گمرکات را از دولت ایران سلب کرده مقرر میدارد درسرحدات مملکت گمرکخانه های منظم تأسیس یابد و حقوق گمرکی بالسویه از تمام تجار دریافت گردد و عمال ادارهٔ گمرك مسؤلیت حفظ وصیانت امتعه ایرا که درمخزنهای گمرکی انبار میشود عهده دار گردند . درخاتمه فصل پنجم ازمقررات دیگر

آنکه نظامنامه‌ای در اجرای ترتیبات پنجگانه ذیل با اطلاع سفارت روس نگاشته شود :

۱) تعیین انواع گمرکخانه ها و امور آنها ـ تعیین نقاط سرحدی برای صدور و ورود امتعه ـ تعیین طرق تجارت ـ تعیین امور مخزن ها و ساعات دائر بودن آنها .

۲) نظامنامهٔ ورود و خروج امتعه تدوین و مجری گردد .

۳) وضع قواعد انبارداری بطوریکه مال‌التجاره روس را از پرداخت هرگونه حقی ازاین بابت تا یکسال مستثنی بدارد .

٤) حقوقیکه بابت حق انبار داری و همراهی های گمرك نسبت به تجار باید مأخوذ شود بر مال‌التجاره تحمیل گردد .

٥) وضع نظامات وترتیبات گمرکی راجع به ممیزی امتعه که حقوق گمرکی آن از روی وزن یاتعداد و مقدار تأدیه میشود ونیز نظامات راجع بطرز تقویم مال‌التجاره‌ایکه حقوق آن از روی قیمت تعیین میشود و بالاخره نظامات در اخذ جرایم بمناسبت تقلب و تخلف در مواد گمرکی .

اما درباب ترتیباتیکه در روسیه در موقع ورود و خروج مال‌التجاره باید مجری شود رعایای ایران مطیع قوانین آن دولت خواهند بود مشروط براینکه قوانین مذکوره سخت تر ازآن نباشد که بمناسبت تجارت خارجی دول کاملة الوداد وضع گردیده است

فصل ششم ـ مقرر داشته است حقوق گمرکی روسیه بپولی که برای پرداخت حقوق گمرکی در تمام سرحدات مملکت رایج میباشد تأدیه شود ومأخذ تعیین ومحاسبه این حقوق‌درروسیه‌وزنه

روس (پود) و مأخذ تعیین حقوق گمرکی ایران من تبریز خواهد بود .

در مواقع عادی مظنهٔ پول چنان است که : یکصد قران پول ایران با ۱۸ منات پول روس یا ٤۸ فرانك طلای فرانسه مساوی و معادل خواهد بود .

فصل هفتم ـ ترتیب وشرایط و موعد اجرای این قرارنامه را مقرر داشته است .

ایران و ارژانتین

سال ۱۹۰۲ ما بین دولت ایران وجمهوری آرژانتین یك معاهدهٔ مودت و تجارت و حکمیت در هشت فصل انعقاد یافت .

فصل سوم راجع بآزادی تجارت و مسافرت و فصل چهارم راجع بحقوق گمرکی است که مانند امتعهٔ سایر دول کاملة الوداد اخذ میشود .

مطابق فصل پنجم هرگاه اختلافی مابین دولتین حاصل شود که با مجاری سیاسی تسویه نشود یکی از دول متحابه را که مرضی الطرفین باشد حکم قرار خواهند داد .

ایران و مکزیك و برازیل و شیلی و اوروگه

ما بین ایران وجمهوری مکزیك سال ۱۹۰۲ یك معاهدهٔ مودت و تجارت در ۸ فصل بامضاء رسید و سال ۱۹۰۳ بادول برازیل شیلی و اوروگه هرکدام جدا کانه عهد نامه هائی منعقد شد هرکدام در هشت فصل و مداول همگی مانند مفاد معاهدهٔ آرژانتین است که فوقا نگاشته شد .

فصل چهارم

ترقیات عمومی - کارخانها - امتیازات - شرکت ها

ترقیات عمومی

دورهٔ اخیر عهدی است که قوهٔ بخار وبرق را بشر استخدام کرده کشتیهای بخار وقطار های راه آهن ممالك و ملل را بهم نزدیك ساخت ، صنایع دستی در مغرب زمین رو بزوال رفتـه چرخها و ماشین های سریع‌العمل جای آنرا گرفت .

دولت ایران از عهد فتحعلی شـاه به آشنا شـدن با حیات اروپائی تمایل کرده چندین تن جوانان هوشیار بامر عباس میرزای نایب‌السلطنه بمدارس لندن اعزام شدند که در طب و کیمیا و مکانیك تحصیل کنند . زمان محمدشـاه ارتباط ایران با مغرب روز افزون گشته ایرانی‌ها باروپا سفر کرده تا اندازهٔ وسیعی بااصول معاملات مغرب زمین آشنا شدند و نیز در عهد محمد شـاه برای جلب و بکار انداختن صنایع جدیده کوشش ضعیفی بعمل آمد .

در قسمت اول سلطنت ناصرالدین شاه برای ترویج و ترقی صنایع جنبش های مجدانه تری بظهور رسید اما دو عامل عمده آن جنبش ها را بی نتیجه گذارد یکی فقـدان تشکیلات صحیحه و ادارهٔ منظم که بتواند هر اصلاح و تجددی را دنباله دهد دیگری تحریکات و دسایس اجانب که نیکو پائیده بوسائل گوناگون که عمدهٔ آن جهالت خود ملت بود هر اصلاحی را خنثی میکردند . تأسیس مدرسهٔ دارالفنون و تشکیل دارالترجمه و دارالتألیف وادارهٔ

انطباعات و انتشار روزنامه و سالنامهٔ دولتی که حاوی وقایع مهمه یکساله در تمام عالم بود رویهم رفته خیلی به بیداری و هوشیاری مردم این سرزمین خدمت نمود . ناصرالدین شاه درطریق اصلاحات چندین تشبث عمده نموداماتشبثات وی چه درمسائل سیاسی و چه اقتصادی عقیم ماند چنانکه تأسیس وزارتخانه های هشت گانه و تشکیل مجلس شورای دولتی و استخدام معلمین اروپائی برای نظام و دارالفنون هیچکدام به نتیجه مطلوبه نرسید اقدامات دیگر وی نیز برای استخراج معادن و ساختن راه آهن مازندران و آوردن چرخ بخار و ایجاد دارالصنایع دولتی که ابتدای امر خیلی امید ــ بخش بنظر میآمد و کار های دیگرش عاقبت ناچیز شد . یکی از مقاصد عمدهٔ ناصرالدین شاه آن بود که یکی از دول معظمهٔ اروپا را درایران علاقمند سازد تا در میان دولتین روس وانکلیس ثالثی پیدا شود و برای حصول این مقصود چندین بار کوشش نمود از جمله وقتی به تطمیع دولت آلمان پرداخت و پیشنهاد کرد امتیاز راه آهن تمام ایران را بعلاوه معادنیکه در طرفین راهها واقع خواهد شد بآن دولت واگذارد اما پرنس (بیسمارك) پیشنهادشاه را نپذیرفت سال ۱۲۷۹ برطبق قرارداد مخصوص مهندسین انکلیسی برای تلگرافخانه استخدام ونخستین رشته های سیم تلگراف مابین مرکز و ولایات کشیده شد و نیز در همین سالها چون دولت وعده داد هرکس معدنی را کشف کند بخود او واگذار خواهد شد در ساوه و زرند معدن فیروزه و در جوشقان ذغال سنك مس زرنیخ گوگرد در سمنان نفط و در خراسان مس و غیره کشف گردیده

بعضی از این معادن بسبك قدیم استخراج میشد

چون مقرر شد تمام خلعت ها و عطیات دولتی که سابقاً از ترمه کشمیری بود بعد ها از شالهای بافت ایران باشد شال بافی در شیراز و کرمان رو به توسعه رفته از دویست (۲۰۰) کارخانه متجاوز تأسیس یافت (۱)

در طهران به تشویق دولت کارخانه‌های شمع ریزی دایر گردید و انواع شمعهائی ریختند که بقول مؤلف منتظم ناصری بر شمع‌های فرنگستان‌ترجیح داشت وهمچنین کارخانه کاغذسازی طهران کاغذ های صیقلی بسیار ظریف بعمل آورد .

در کاشان و کرمان نوعی پارچهٔ نمدی از پشم و کورك برای لباس نظامیان بافتند که بظرافت ماهوت بود (۲) سال ۱۲۹۲ دوایر پستی ایران صورت منظمی برخود گرفته مانند پست خانه‌های اروپا بکار افتاد .

سال ۱۲۹٤ دولت ایران در اکسپوزیسیون پاریس شرکت جسته درعمارتیکه بخرج دولت ساخته شد انواع‌پارچه‌ها ومحصولات و مصنوعات ظریفهٔ ایران بمعرض نمایش‌گذارده شد . سال ۱۲۹٦ ماشینهای الکتریسیته که برای دارالصنایع دولتی خریده بودند بکار افتاد و کارخانه چراغ گاز که مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار در سفر فرنك ابتیاع کرده بود وارد گشت و نیز بر چرخهای بخار ضرابخانه افزودند بطوریکه همه روزه منظماً پنج دستگاه کارمیکرد

---

(۱) منتظم جلد قاجاریه ص ۱۲۷۹ ـ

(۲) منتظم جلد قاجاریه ص ۱۲۹۹

و روزی صد هزار سکهٔ طلا و نقره وغیره ضرب میشد .

سال ۱۲۹۹ برای اولین بار از طرف امین‌السلطان که‌وزیر گمرکهای ایران بود احصائیه‌ای از اجناس و امتعهٔ وارده و صادره تهیه شده معلوم گشت که واردات ایران بر صادرات فزونی گرفته است ، البتـه با فقدان دفاتر منظم گمرکی تهیـه احصائیهٔ تجارتی خدمت قابل تقدیری‌بوده لیکن باید تصدیق کرد که قبل از سـال ۱۳۲۰ استاتیستیک های واردات وصادرات آنقدر ها طرف وثوق نمیتوانست باشدزیرا تعرفه گمرکی و دفتر های ثبت امتعه ، قانونی و منظم نبوده است و نیز همین سال چون نصیرالدوله وزیر تجارت مرد با اطلاعی بود درامور اقتصادی ایران بعضی اصلاحات روی داد ازجمله راجع به مسئله اسکناس اجنبی بود که بر اثر توسعهٔروابط تجارتی ایران با خارجه مبالغ هنگفتی وارد مملکت شده عوض‌آن طلا ونقره رو به نقصان‌میرفت نصیرالدوله فرمانی بامضای شاه رسانید که معاملهٔ اسکناس در تمام کشور ممنوع گردد . اینجا لازم است متذکر باشیم که بیشتر اسکناسهای رایج ایران منات روسی بود و مناتهـای کاغذ روسی از زمان کاترین امپراتریس تا سال ۱۸۹۷ مسیحی قیمت واعتبار ثابتی نداشت و فقط ازآن ببعد که واحدپول روسیه از نقره به طلا تبدیل شد و مناتهای تازه با اعتبار ثابت طلا رواج یافت اسکناسهای روس معتبر گردیده تا ۱۹۱۳ بحال‌توازن و ثبوت باقی‌ماند . بنابراین پر واضح است که رواج پولهای کاغذی روس قبل از ۱۸۹۷ در ایران باعث ضرر و خسارت دائمی تجار و سوداگران ما میگردید . — و نیز چون استعمال رنگهای مصنوعی

خارجه در کارخانهای قالی بافی ایران معمول گردیده نقشه و طرح قالیها هم سبك نو نا پسندیده‌ای گرفته بود که برواج قالی ایران در خارجه سکته بزرگی وارد میآورد وزیر تجارت فرمانی‌صادر کرده استعمال رنگهای مصنوعی ونقشه های فرنگی را قدغن اکید نمود .

برای ارائه نمونه‌ای ازتشبثات قرن اخیرکه‌در طریق اصلاحات اقتصادی ایران بعمل آمده ما قسمتی از فصل یازدهم کتاب گنج شایگان را که راجع باقتصادیات ایران معاصر سند نفیسی است ذیلا نقل میکنیم :

« ۱ ـ کارخانه ریسمان ریسی سال ۱۲۷۵ توسط محمودخان ناصرالملك بمبلغ ۹۵ هزار تومان نزدیکی قصر قاجار بکار افتاده پس از مدتی تعطیل و محل آن ضرابخانهٔ دولتی شده اسبابش‌رابا چرخ بخار بعد ها بده هزار تومان فروختند ـ ۲ ـ کارخانه‌کاغذ سازی در طهران ـ ۳ ـ کارخانه شکر ریزی در مازندران ـ ٤ ـ کارخانه چلوار بافی نزدیکی طهران ـ ٥ ـ کارخانه تفنك سازی در طهران مؤسسه ۱۲۷٦ که ماهی هزار تفنك دنگی بیرون میداد ـ ٦ ـ کارخانه بلورسازی مؤسسه ۱۲۸٥ که بمعلمی مسیو ولانژ نام بلور بسیار اعلی بعمل آورد و بعدها بواسطه نقصان مواد لازمه بهم خورد سپس حوالی سال ۱۳۰٥ حاج محمد حسن امین دارالضرب کارخانه دیگری احداث نمود و سال ۱۳۰۹ شرکتی موسوم به (کمپانی بلژیکی بلور سازی در ایران) کارخانه را براه انداخت ولی باز بسته شد ـ ۷ ـ کارخانه چینی سازی حاج امین‌الضرب درطهران و چینی سازی حاج عباسعلی و حاج رضا در تبریز

که بواسطه دسایس روسها بهم خورد و ۱۳۰ هزارتومان بمشارالیهما خسارت رسید ـ ۸ ـ کارخانه شمع ریزی طهران ـ ۹ ـ کاغذ گری اصفهان ـ ۱۰ ـ کارخانجات جباخانه درطهران واصفهان ـ ۱۱ ـ کارخانه نساجی اقمشه کتانی دراصفهان که قشون مسعودی ظل السلطان ازآن لباس داشتند ۱۲ ـ کارخانه ابریشم تابی حاج امین الضرب در گیلان که با اسباب کامل از لیون فرانسه وارد کرده بودند ـ ۱۳ ـ کارخانه ابریشم تابی در برکاده نزدیك رشت با سرمایهٔ روسی بدستیاری آقا ـ محمد حسن رشتی ساخته شد ولی بملاحظات سیاسی و سوء اداره تعطیل گشت ـ ۱۴ ـ کارخانهٔ باروت کوبی دولتی با چرخهای بخار ـ ۱۵ ـ کارخانه چاشنی سازی مؤسسه ۱۲۷۸ ـ ۱۶ ـ کارخانه گاز که سال ۱۲۹۷ با سی هزار لیره بمباشرت حاج میرزا حسین خان سپهسالار در طهران برقرار و بملاحظه نبودن ذغال سنك تعطیل و چندی بعد یکنفر ایرانی آنرا بده هزار لیره خرید و سال ۱۳۰۹ فروخت بیك کمپانی بلژیکی موسوم به (کمپانی عمومی بلژیکی روشنائی وحرارت در ایران) این کمپانی هم پس از آنکه ماشین های زیادی آورد کارش پیشرفت ننموده کارخانه بسته شد ـ ۱۷ ـ سومین کمپانی بلژیکی موسوم به (کمپانی قندسازی در ایران) با سرمایه بزرگی بایران آمد ودر زمستان ۱۳۱۳ شروع بچغندرکاری نمود ولی مواد خام گران و خرجهای اتفاقی مجبورش نمود که سال ۱۳۱۷ تعطیل کند جای کارخانه در کهریزك جنوب غربی طهران است ـ ۱۸ ـ کارخانه کبریت سازی که در سال ۱۳۰۸ در نزدیکی طهران در خرازین با یك سرمایه ابتدائی هزار لیره بتوسط

کمپانی روسی ایجاد شد ولی نتوانست با کبریت اتریش و سوئد رقابت نماید و بسته شد .

۱۹ ــ کارخانهٔ ریسمان ریسی که در سال ۱۳۱۲ بتوسط مرحوم مرتضی قلیخان صنیع الدوله با ماشین های بسیار گران ایجاد شد و در ابتدا محصول آن اعلی بود ولی با مال التجارهٔ خارجه از حیث قیمت نتوانست رقابت‌نماید و بسته شد - ۲۰ - کارخانه‌ریسمان ریسی در تبریز که هنوز هم کار میکنند مؤسسه ۱۳۲۶ - ۲۱ - کارخانه پنبه متعلق بحاج میرزا علیمحمد اصفهانی در سبزوار و پسنانسکی درنیشابور- ۲۲ ــ کارخانه چراغ برق حاج امین‌الضرب در طهران مؤسسه ۱۳۲۳ و چراغ برق ارك دولتی و چراغ برق‌مشهد که سال ۱۳۲۰ بامر مظفرالدین شاه توسط حاج‌محمدباقر محلاتی رضایوف برای‌آستانه رضوی خریداری شد و کارخانه چراغ برق‌رشت و چراغ برق تبریز - ۲۳ - کارخانه آجر پزی طهران متعلق بحاج امین الضرب که مدتی است بسته شده - ۲٤ - کارخانه آجر پزی ارومیه که آلمانها سال ۱۳۳۲ با یك آسیاب بخاری تأسیس کردند - ۲۵ - کارخانه صابون پزی نظافت که ۱٤ ذیقعده ۱۳۲۸ امتیازش بربیع زاده اعطاء شده بکار افتاد و کارخانه آبجو سازی مؤسسه‌همان سال علاوه براینها از اوایل قرن دوازدهم هجری باینطرف‌کارخانهای بسیار دیگری هم درایران بر پا شده چنانکه نادرشاه در حدود نیمهٔ قرن مذکور نزدیکی آمل یك کورهٔ آهن گدازی بر پا کرد که در آنجا کلوله و خمپاره و نعل اسب و لنگر کشتی میساختند و عباس‌ میرزای نایب السلطنه در تبریز استادان ایرانی را گماشت که تفنك

بطرز انکلیس و عثمانی با نهایت مهارت ساختند و بوضع فرنك باروت خانه ایجاد کرد و استادانی بانکلستان فرستاد که پس از چند سال باز گشته چخماق تفنك و سایر آلات جنك میساختند که پر کاری و تکلف آنها بیش از ساخت انکلستان بود . . . . »

امتیازات

درظرف قرن اخیر امتیازات عدیده باجانب داده شده است که بعضی از آنها بحیطهٔاجرا و عمل رسیده و پاره‌ای فقط در صفحهٔکاغذ مانده و منتج نتایجی نشده است ـ مؤلف محقق گنج شایگان مینویسد :

امتیازاتی که بخارجه ها داده شده بطور عموم عبارت از امتیازاتی است که اغلب در مقابل حیله وفشار و تزویر به‌دوهمسایه نا میمون شمالی (روسیهٔ تزاری) و جنوبی داده شده است و امتیازاتی که باتباع دول دیگر از قبیل آلمان و فرانسه و بلژیك داده شده بالنسبه دارای اهمیت زیاد نیست .

از جملهٔ امتیازاتی که باتباع روسیه داده اند و بدایرهٔ عمل رسید یکی‌امتیاز ساختن راه انزلی تا قزوین بود که سال ۱۳۱۰ از طرف ناصرالدین شاه به شرکت (بیمهٔ حمل ونقل در ایران) اعطا گردید و بنا بقرارداد بایستی توسط آن شرکت شرکت تازه‌ای با سرمایهٔ مرکب از ایرانی و روسی تشکیل و براه سازی بپردازد .

مدت امتیاز ۹۹ سال و از ادای هرگونه مالیاتی معاف بود سال ۱۳۱۵ امتیاز ساختن راه طهران ـ قزوین وقزوین‌ـهمدان نیز بحقوق آن شرکت افزوده شد ـ مدت امتیاز اخیر ۷۵ سال

و شرایطش بحال ایران نامساعد بود از جمله حق استخراج معادن طرفین راه تا مسافت معین به شرکت واگذار شده بودبعد ازآنکه راهها ساخته شد شرکت حق راهداری مقرر داشت که از یکقران تا ۱۳قران میرسید مثلا درشگه دواسبه ازرشت بطهران ۱۳ قران میپرداخت (۱)

دیگر امتیاز استخراج معادن قراجهداغ بود که سال ۱۳۱۶ به شرکت معادن روس واگذار شد مدت امتیاز ۷۰ سال و ۱۶ در صد از منافع خالص معادن حق دولت ایران بود ضمناً معادن فلزات پر قیمت و جواهر و نمك خوراکی و معادنی که سابقاً در اجاره یا ملکیت دیگران بوده از امتیاز مستثنی شده بود و نیز شرکت برای حمل هرهزارپوت (۵۵ خروار) سنك آهن بخارج ایران دومنات و نیم (۱۲/۵ قران) و برای همانقدر ذغال سنك پنج منات (۲۵قران) باید بدولت ایران بپردازد ــ بعد از ۱۳ سال تفتیش بموجب راپرتی که عمال شرکت مذکور بوزارت معادن تقدیم کردند هشت معدن از قبیل سرب مس آهن نفت و غیره در آنجا کشف و بکار افتاده بود (۲)

امتیاز جنگلهای مازندران به کوسس روسی داده شد که سالی بیست هزار تومان بدولت بپردازد .

سال (۱۲۸۵) امتیاز شیلات سواحل خزر به لیانازف داده شد و چندین بار تجدید گشت تا ۱۳۲۴ برای مدت بیست سال هر سالی شصت هزار تومان از نو واگذار شد

---

(۱) گنج شایگان ۱۰۳ (۲) ایضاً

یك امتیاز مهم دیگر مؤسسه بانك استقراضی بود که روسها برای رقابت با بانك شاهنشاهی از دولت ایران گرفتند و بانك استقراضی در راه تقویت نفوذ روس اصراف بسیار کرد و مبالغ کلی بدرباریان و اعیان و ارباب نفوذ و علما قرض داد وگاهی قرضه چند برابر اعتبار مالی مقروض بود این افراط کاری چنان شد که سال ۱۳۳۲ وقتیکه وزارت مالیه روس جلو اعتبار سیاسی بانك را گرفت معلوم گشت که از سی ملیون منات سرمایهٔ اولیه بانك فقط سه ملیون منات بر جا مانده و بقیه در محل های بی اعتبار از اعیان و علما و تجار قرض داده شده و تنها در طهران طلب بانك از مردم ۱٦ ملیون منات بود (۱) بانك استقراضی یك شعبه بانك رهنی نیز داشت .

دیگر امتیاز راه شوسهٔ جلفا ـ تبریز بود با مدت ۹۹سال و ده ملیون منات خرج ساختمان آن جاده شد .

دیگر امتیاز راه آهن جلفا تبریز ـ شرفخانه بود که سال ۱۲۹۱ بیکی از اتباع روس واگذار شد اما عملی نگشت تا عهد مشروطیت و سال ۱۳۳۱ که بانك استقراضی امتیازش را درغیاب مجلس گرفت و سال ۱۳۳٤ ساختمان خط انجام یافت .

دیگر امتیاز خط تلگرافی جلفا ـ طهران است که بکمپانی انگلیسی هند ـ اروپا داده شد اما آن کمپانی مرکزش در مسکو و تحت حمایت روس بود .

این امتیازات که در نتیجه فشار و دسیسه از دولت ایران

(۱) گنج شایگان ۱۰۵ وتاریخ سایکس ج ۲

گرفته شده بود درسایهٔ معاهدهٔ ١٩٢١ مابین دولتین ایران وحکومت آزادیخواه روسیه بلشویکی ملغی گردید چنانچه شرحش خواهد آمد

اما امتیازاتی که‌انگلیسها گرفته‌اند – یکی امتیاز نفت و موم طبیعی است که سال ١٣١٩ داده شده و متن آن در خاتمهٔ این کتاب ضمیمه شده است .

این امتیاز نهم ماه صفر ١٣١٩ به مسیو دارسی فرانسوی واگذار شده بعضی مسیو دارسی را استرالیائی دانسته‌اند و بهر حالت مسیو دارسی امتیاز خود را به یك شرکت انگلیسی موسوم به (شرکت استخراجات اولیه) واگذارد امتیازنامهٔ دارسی که فعلاً در بیش ازنیمهٔ‌ایران حدود عملیات او توسعه میگیرد بانهایت بی احتیاطی تدوین یافته است چنانکه از ملیونها خروار نفتی که شرکت نفت خارج میکند حتی اهالی نواحی نفت خیز نمی توانند بقیمت‌مناسب مایحتاج خویش‌را تحصیل‌نمایند (کمپانی استخراجات اولیه) سال ١٣٢١ با ششصد هزار لیره سرمایه تشکیل شد و قرار شد بیست هزار لیره اسهام وهمانقدر نقد در ازاء امتیازبدولت ایران بدهد – چون قرار بود هر عملیاتی در داخل خاك بختیاری بشود صدی سه بخوانین بختیاری داده شود یك شرکت امدادی با چهارصد هزار لیره سرمایه بنام (شرکت نفط بختیاری) تأسیس گشت – بعد در سال ١٣٢٧ شرکتی بنام (شرکت نفت انگلیس و ایران) تشکیل و دو ملیون سرمایه آن بود . پس از مذاکراتی که ١٢ شعبان ١٣٣١ و ٤و٩ ربیع‌الثانی ١٣٣٢ در پارلمان انگلیس راجع به نفت بمیان آمد دولت انگلیس هیئتی برای بازدید

نفت جنوب ایران اعزام و بالنتیجه قراردادی با (شرکت نفت انکلیس وایران) منعقد شد که برطبق آن دولت بریطانیا دوملیون وهزار لیره بر سرمایهٔ شرکت افزوده و درحقیقت بطور نیم رسمی شرکت را دولتی گردانید و مجموع سرمایهٔ آن به ٤ ملیون لیره بالغ گردید (۱) عایدات این شرکت در سنوات اخیر رو بفزونی رفته و صدی ۱٦ آن که سهم دولت ایران است از ششصد تا هفتصد هزار لیره و بیشتر بالغ شده است

امتیاز دیگر مسئله راه آهن بود که سال ۱۲۸۹ به بارون ژولیوس دورویتر انکلیسی داده‌شد ــ مطابق‌این‌امتیاز یکرشته‌خط‌آهن از رشت بطهران وخلیج فارس ممتد گردیده پس از وعده هفتاد سال تمام خطوط ملك دولت میشود و بیست در صد منافع خالص راه بدولت ایران میرسد و باید ۱۵ ماه پس از (دهم محرم ۱۲۹۱) بارون رویتر دست بکار زده باشد وگرنه مبلغ چهل‌هزار لیره که قبلاً در بانك گذارده بود بدولت ایران تعلق بگیرد ــ در عوض بارون رویتر حق داشت تمام معادن ایران را جز طلا ونقره و جواهرات استخراج و صدی ۱۵ از عایدات خالص آنها بدولت بدهد و نیز حق تأسیس بانك و پست وتلگراف و استعمال جنکلها و غیره را نیز داشت و واردات وصادرات او از گمرك معاف بود بقول نویسندهٔ فاضل کتاب گنج شایکان هست و نیست ایران در این معامله سودا شده بود اما دولت ایران بخطای خود ملتفت شده بنای اشکال تراشی را گذارد بطوریکه در سر موعد خط آهن

(۱) گنج شایگان ۱۰۹

شروع نشده و امتیاز رویتر باطل شده بود پس از آنکه مدت ۱۶ سال بین دولت ایران وبارون رویتر درخصوص امتیاز مذکور مشاجره و گفتگوبود محض ختم‌دعاوی مشارالیه ازطرف ناصرالدین شاه امتیاز تأسیس بانک‌شاهی‌به‌وی واگذار شد ـ مدت‌امتیاز بانک ۶۰ سال است و خلاصه امتیازنامچهٔ بانک ضمیمهٔ این کتاب می‌شود ـ مبلغ چهل هزار لیره وجه‌الضمانه که بعد از بطلان‌امتیاز سابق بتصرف دولت ایران درآمده بود بدو کرور فرانک تسعیرشده قرض دولت ببانک محسوب و مقرر شد تا ده کرور تدریجاً بانک بپردازد و صدی هشت تنزیل بگیرد ـ بعد ها بعضی قرارداد های دیگرنیز ضمیمهٔ‌امتیازنامچه گردید ازجمله‌بانک‌ابتداحق داشتن‌اسکناس کمتر ازدوتومانی نداشت وبعد اجازهٔ طبع کاغذ یك تومانی تحصیل کرد دیگر قرارداد ذیقعده ۱۳۰۶ میباشد که برطبق‌آن بانک باید همیشه ثلث قیمت اسکناس های نشر شده را نقد داشته باشد اما سال ۱۳۱۵ در وزارت‌خارجه حاج شیخ محسن خان مشیرالدوله این قرار ها تعدیل یافت و حق دولت ایران در نظارت و تفتیش اسکناسهای بانک ومقدار آن از میان رفت و در صورتیکه بر طبق امتیازنامه بانک بایستی وجوه مساعده و استقراض های دولت‌ایران را هر وقت لازم باشد بدهد سال ۱۳۱۵ قرار شد غیر از چهل هزار لیرهٔ سابق که بانک طلبکار است بعد ها قرضه را بدون‌ضمانت کافی نپردازد و نیز وجوه مساعده ها و قرضه ها نباید زیاد تر از ثلث سرمایهٔ ادا کردهٔ بانک باشد (۱) مطابق فصل ۱۱ امتیاز نامه

(۱) گنج شایگان ۱۱۲

امتیاز تمام معادن ایران غیر ازفلزات قیمتی و جواهر ومعادنی که قبلاً بدیگران واگذار شده متعلق بباورن رویتر میگردید و مقرر بود صدی ۱۶ عایدات خالص بدولت داده شود وپس از ختم‌مدت که شصت سال‌است جمیع ابنیه و ادوات و متعلقات معادن بایران واگذار گرددمطابق امتیازبانك حق دارد معادن رابدیگران بفروشداما اجازهٔدولت‌شرط است . سال ۱۳۰۷ ماه جمادی الاول بنابه تقاضا نامه بانك دولت ایران اجازه داد که معـادن بیك شرکت انکلیسی بمدیریت یکی از رؤسای بانك شاهنشاهی واگذار شود اما بعد ها این مسئله بجائی منتهی نگشت (۱)

امتیاز دیگر راجع بخطوط تلگرافی بین خانقین و طهران و بوشهر وبین طهران وبلوچستان بوده که‌بانکلیسها واگذار ومدت آن خاتمه یافته بدولت ایران برگشت . فقط سه رشته سـیم بین طهران وبلوچستان که از کاشـان و یزدوکرمان میگذرد بر طبـق قراردادی که سال ۱۳۱۹ منعقد شد توسط دولت انکلیس امتداد یافت و باید سال ۱۳٤۳ خاتمه پذیرد . مخارجی را که دولت انکلیس برای کشیدن آن خط کرده است بدون مرابحه از عایدات تلگرافی همان خطوط بر میدارد ـ سال ۱۳۲۷ قرارداد تازه‌ای ما بین سعدالدوله از طرف ایران وجارج بارکله از طرف انکلیس منعقد گشت که مدت‌امتیاز خطوط تلگرافی را که در دست‌حکومت هنـد است تا سال ۱۳٦۳ مطابق ۱۹۳۵ مسیحی ممتد نمـود

دیگر امتیاز انحصار ادخال تنباکو بخاك عثمانی است که‌در

(۱) گنج شایگان ۱۱۳

چهاردهم ربیع الاول ۱۳۱۰ بیك کمپـانی انگلیسی با شـرایط مساعدی داده‌شد ـ مطابق امتیازنامچه کلیه خرید کمپانی درایران باید بتوسط تبعهٔ مسلمان ایرانی باشـد و در صورت تساوی قیمت کمپانی باید تجار ایرانی را بر دیگران مقدم بدارد مدت امتیاز ۲۵ سال است و دولت ایران متعهد میشود در این مدت از تنباکوئی که وکلای کمپانی صادر میکـنند بیش از پنج درصـد حق گمرك نگیرد . کمپانی از ابتـدای بیست و پنج سال بموجب تفصیل ذیل مبلغی بدولت ایران میدهد : ـ سه سال‌اول سالی ۱۳ هزار وپانصد لیره ٦ سال دوم سالی ۱۵ هزار لیره ۱٦ سال سـوم سالی ۲۰ هزار لیره که جمـعاً ٤۵۰ هزار و ۵۰۰ لیره میشود . تاریخ ابتدای قسط از ٦ رمضان ۱۳۱۰ بود ـ اما در شوال ۱۳۱۲ ضمیمه‌ای بامتیاز نامهٔ مذکور افزوده گشت که تا حدی شرایط مساعد آنرا سکته‌دار کرد از آنجمله کمپانی حق داشت تنباکو را درایران توسط وکلای خود خریداری نمـاید و در صورت تشکیل انحصار دخانیات در ایران با شروط متساوی حق تقدم با کمپانی خواهد بود و نیز قرار شد تا مدتی که کمپانی درعثمانی حق انحصار دارد برای تنباکوی ایران هر کیلو گرام ده پارهٔ طـلا (ربع قروش عثمانی) بپردازد و اگر تنباکوی صادر شده از ٤ کرور کیلو تجاوز کرد هر کیلو ۱۵ پاره بپردازد و نیز اول هر سال شش هزار لیره پیشکی بدولت ایران خواهد پرداخت (۱)

علاوه بر امتیازات مذکور شرکت ها و اشخاص انگلیسی‌مکرر

(۱) گنج شایگان ۱۱۵

در صدد بعضی تشبثات اقتصادی در ایران بر آمده‌اند لیکن نتیجه‌ای حاصل نگردیده است چنانکه بروایت آقای جمال زاده بر اثر تشویق مرحوم عباس میرزای نایب السلطنه لندزی Lindsay نام انگلیسی برای استخراج معادن قرجه‌داغ دستگاه بخار و سرمایه با کارگر های ماهر آورد ولی کاری از پیش نبرد (۱)

اما امتیازاتی که در دست تبعهٔ فرانسه است یکی امتیاز استخراج آثار عتیقهٔ شوش میباشد که دیولافوای فرانسوی در حدود سال ۱۳۰۰ — ۱۳۰۱ با مساعدت سفیر فرانسه در ایران از ناصرالدین شاه تحصیل نمود و مطابق این امتیازنامه تمام جواهر آلات و نیمهٔ اشیاء مکشوفه حق دولت ایران است. دیولافوا با همدستی زوجهٔ خود و یکی دوتن دیگر مدت دو سال در شوش کار کرده اشیاء زیادی بچنك آورده بپاریس برد — پس از وی دولت فرانسه در حدود سنهٔ ۱۳۱۴ — ۱۳۱۵ امتیاز تفتیش آثار عتیقه را در تمام ایران تحصیل نمود با شرایط بسیار مضری که ابداً برای ایران تحمل پذیر نیست. از جمله آنکه دولت ایران از حفریات شوش هیچ حقی ندارد اما درحفریات استخر و سایر ویرانه‌ها مطابق امتیازنامه سابق جواهرات ونیمی از اشیاء مکشوفه حق ایران خواهد بود — بدتر از همه آنکه در فرمان واگذاری این امتیاز هیچ مدتی معین نشده مثل اینکه امتیاز ابدی باشد (۲)

در نیمهٔ قرن اخیر امتیازات عدیده باجانب داده شده است که غالباً موعد آنها بدون آنکه عملی شود سر رسیده و از درجهٔ

---

(۱) گنج شایگان ۱۰۳ (۲) این امتیاز ملغی گشت چنانکه شرحش بیاید

اعتبار ساقط گردیده است از این قبیل است امتیاز راه آهن رشت بطهران که بیك شرکت فرانسوی موسوم به آلئون Alléan اعطاء گشت (سال ۱۲۹۶) و شرکت یك مهندس اتریشی برای مقدمهٔ کار فرستاد اما چون باید دولت ایران ضمانت بدهد که هفت در صد منافع سرمایهٔ مصروفه بهرصورت عاید شرکت شودمعامله سرنگرفت (۱) سال ۱۳۰۰ مسیو بواتال فرانسوی که صاحب کارخانهٔ گاز در طهران بود امتیاز راه آهن رشت ـ طهران را تحصیل کرد و بعد امتیاز از طهران تا خلیج را بچنك آورد باضافه معادن طرفین راه تا ده کیلومتر نیز باو تعلق داشت موعد امتیاز نود سال بود و دولت ایران شرط کرد تا سال ۱۳۰۲ که رودخانهٔ ولگا برای تجارت عمومی باز میشود باید راه آهن از طهران برشت رسیده باشد . بواتال با زحمت زیاد بکار پرداخت و خط طهران ـ حضرت عبدالعظیم را هم شروع کرد ولی دولت روس حمل مال التجارهٔ اروپا را از طریق قفقاز بایران قدغن نمود ولهذا لوازم کار را دیگر با سهولت نمیشد وارد ایران کرد لذا پیشرفت امر معوق ماند و ضمناً و با هم بر مملکت مستولی گشته مسیو بواتال در شمیران بمرد ـ سال ۱۳۰۷ پلاسخفیسکی نام همین خطرا امتیاز گرفت وسال ۱۳۱۷ خمپاکف وترتیاکف نامان امتیاز مهمی تحصیل کردند اماهیچکدام بجائی منتهی نگشت (۲)

از امتیازات مهمی که عهد استبداد داده شده یکی امتیاز دخانیات است که حق انحصار فروش تنباکو، توتون وانفیه درداخله

(۱) گنج شایگان ۸۹ (۲) ایضا

و خارجه بیك شرکت انگلیسی موسوم به (هیئت شاهنشاهی دخانیات درایران) واگذار شد . ناصرالدین شاه درسفرسوم خودسال ۱۳۰۷ وعدهٔ این امتیاز را داد و سال ۱۳۰۸ ماه رجب بامضا رسید مدت امتیاز پنجاه سال و سالی ۱۵ هزار لیره بعلاوه یك ربع از منافع خالص بدولت ایران میپرداختند و دولت متعهد بود درظرف پنجاه‌سال بررسوم گمرکی تنباکو که وجود داشت دیگر نیفزاید سرمایه شرکت ۶۵۰ هزار لیره و منافع خالص یك کرور لیره تخمین میشد — شرکت با جدیتی بکار پرداخته عمال بولایات فرستاد اما ملت نا راضی بود و مخصوصاً مطلعین در مقایسهٔ این معامله با انحصار عثمانی به مضراتش متوجه میشدند زیرا با آنکه محصول عثمانی از هر جهت کمتر از ایران بود اولا سالی ۷۰۰ هزارلیره عثمانی باخمس منافع عایـد دولت میگشت ثانیاً مدت انحصار فقط سی سال و توتونی هم که بخارج میرفت از قید انحصار آزاد بود در همان حال ملت در عملیات شرکت نیزرنگ سیاست تشخیص میداد بنابر دلایل فوق ماه جمادی الاول ۱۳۰۹ علما و مردم بر ضد آن شوریدند ومرحوم حاج میرزاحسن شیرازی که اعلم علمای عصرو بمسائل سیاسی آشنابود حکم تحریم تنباکورا صادر فرمود و جمیع روحانیون مساعدت و متابعت کردند تا در جمادی الثانی شاه ناچار امتیاز را لغو کرد و پانصد هزار لیره بابت خسارت بکمپانی پرداخت این مبلغ از بانك شاهنشاهی صدی شش استقراض شد و نخستین قرض ایران در خارجه همین بود — واقعه تنباکو در بیداری ملت خیلی تأثیرات کرد .

شرکت ها

درعهداستبدادبسبب فقدان قانون ونبودن اداره و تشکیلات منظم و اینکه امنیت حقوقی و عدالت بحد مکفی نبود مردمان در افشاء سرمایه و ثروت و تشبث بکار های بزرك اقتصادی خود داری داشتند معهذا چندین شرکت معتبر ایرانی در نیمهٔ قرن اخیر تشکیل یافته است که ما بعضی ازآنهارا ازکتاب گنج شایگان ذیلا نقل میکنیم:
۱ ــ کمپانی امنیه درحدود سال ۱۳۰۰ بدستیاری مشهدی کاظم امنیه تشکیل و شــهرت زیادی حاصل کرد ولی‌بعدها ورشکست‌شد ۲ ــ شرکت اتحادیه سال ۱۳۰۵ در تبریز بدستیاری حاج مهدی کوزه کنانی و برادران وحاج سید مرتضی صراف تشکیل ودرطهران نیز شعبه داشت و قریب ۱۵ سال دوام یافت ۳ ـ کمپانی‌منصوریه در حدود سال ۱۳۱۰ در یزد تأسیس گشت ـ ٤ ـ کمپانی فارس در تحت ریاست حاج عبدالرحمن‌شیرازی در حدود سال (۱۳۱۵) ایجاد و هنوز با نهایت اعتبار پایدار و هر روز اسهامش رو بترقی است (۱) ـ٥ـشرکت مسعودیه‌اصفهان که بدستیاری حاج محمدحسین کازرونی دایر واز سال۱۳۱٦ تا کنون دوام کرده است ـ٦ـشرکت اسلامیه که آن نیز در حدود ۱۳۱٦ از طرف حاج محمد حسین کازرونی تشکیل شد مقصود این‌شرکت رواج پارچه‌های وطنی است در بدو امر سرمایهٔ این شرکت صد و پنجاه هزار تومان در ۱۵ هزار سهم ده تومانی بود و علاوه بر حاجی کازرونی چهار نفر از تجار اصفهانی وکلای آن بودند : حاج میرزا محمد مشکی حاج

(۱) کمپانی فارس چون بیش ازحداعتماد وطن پرستانهٔ مردم‌راجلب کردوبیجك های آن اسکناس را متزازل ساخت بانك‌شاهنشاهی بر علیه کمپانی مستقیما و غیرمستقیم دسایس نمود و اولیای کمپانی که از حمایت دولت‌خودشان ایران مایوس شدند در ایام جنك عمومی شرکت را فسخ کردند .

محمد جعفر حاج میرزا اسداله نقشینه حاج محمد کاظم مثقالی ـ اکنون که سال ١٣٤٦ هجری است شرکت اسلامیه دایر و یك کارخانهٔ بزرك پارچه بافی در اصفهان دارد که انواع منسوجات پشمینه از آن خارج میشود و امید است روز بروز بر توسعه و ترقی آن افزوده گردد ـ٧ـ شرکت عمومی ایران که سال ١٣١٨ بدستیاری هفده نفر از تجار پایتخت تشکیل یافت و سرمایه آن بدو کرور تومان بالغ گردید و بیست هزار سهم پنجاه تومانی داشت که به مهر و امضای مؤسسین بود و مقصود شرکت تجارت داخله و خارجه و صرافی بود . سال اول ریاست شرکت با حاج سید محمد صراف بود و در آن سال ششصد هزار تومان پول در شرکت جمع شد ولی‌بعد بسبب مداخله وبی‌قانونی حاج محمد کاظم ملك‌التجار اطمینان مردم ازشرکت سلب و کارهای آن در حدود سال ١٣٢٣ و ٢٤ متوقف گشت یکی ازآثار مهم شرکت عمومی تشکیل شرکتی بود موسوم به (شرکت راه آستارا ـ اردبیل) واسهام آن هرکدام صد تومان بود و مقدار زیادی ازآن اسهام را خود شرکت عمومی خرید ـ قریب صد هزار تومان خرج ساختن راه مذکور شد و بقدری عایدات این جاده فزونی گرفت که ما بین اتباع داخله مشتری پیدا شد که تا صد هزار تومان سالیانه آنرا اجاره میکرد ولی باز بمناسبت خلاف کاری حاجی کاظم ملك این راه سالی ٣٦ هزار منات به یکنفر روسی اجاره داده شد ـ توقف کار های شرکت عمومی و عدم تعقیب و مجازات حاجی کاظم که خود را تحت‌ـ الحمایه روسیه تزاری گردانید یك لطمهٔ سختی بر اعتبارات ملی

وارد آورد و اطمینان و اعتمـاد را از میان ایرانیـان بر انداخت بطوریکه دیگر سرمایه‌داران به کار های اجتماعی وشرکت ها اقبا ل ننمودند -۸- شرکت کشتی رانی ناصری که در دورهٔ ناصرالدین شاه از طرف چندین تاجر معتبر فارس تأسیس گردید عدهٔ کشتی های این شرکت اکنون از بیست فروند متجاوز است مانند کشتی های مظفری ، خسرو ، اسلامی ، رحمان ، حسینی و غیره — این کشتی ها در مواقع حج منظماً مابین بوشهر و جده به حمل ونقل تجار و حاج میپردازند و زیر بیرق انکلیسی هستند ناخدا ها انکلیسی و چند نفری هم هندی میباشند در هر کشتی چند تن پارسی بسمت منشیگری و مترجمی هست . (۱)

علاوه بر این چند مؤسسه شرکت های دیگری نیز درایران تأسیس گردید ولی اغلب آنها بسبب ضعف اطلاع مؤسسین ومخصوصاً بمناسبت سعایت و بدخواهی دوهمسایه شمالی (روسیه تزاری) و جنوبی که چشم ندارند اساسی را که ممکن است بمنافع و طمع آنها خدشهٔ برساند بر پا ببینند بجائی نرسید ولی کینهٔ دوهمسایهٔ مزبور نسبت به ترقی ایران در دومسئلهٔ ذیل بطور غریبی محسوس گردید یکی مسئلهٔ قند سازی بود که مرحوم امین الدوله در حدود سالهای ۱۳۱۶ و ۱۷ در کهریزك کارخانهٔ بر پا نمود و مشغول چغندر-کاری شده قند ممتازی که بمراتب برقند روسی رجحان داشت بعمل آورد و بهمین سبب قند روسی شکست خورد اما روسها بشدت بنای

(۱) نخستین تجارتخانه در یا نورد ایرانی ازحاج امین التجار شیرازی بود مقیم بمبئی که پس از فوتش اولاد او کشتی ها را فروختند تجارتخانه دوم از حاج سلطا نعلی شوشتری بود که هر چند بحریهٔ آنها نقصان یافته اماهنوز سه کشتی بخار دارند-تجارتخانه سوم ازحاج محمد حسن نمازی بود که سه سال قبل متوقف گشت وسه کشتی بخاری وی اکنون به آقا محمد خلیل شیرازی مشهور به مدرسی تعلق یافته ما بقی جهازات به اجانب فروخته شد

همچشمی را گذارده قیمت قنـد را تنزل دادند تا هر من تبریز ۴۵ شاهی شد و این مبلغ از قیمت عمل آوردن خود قند هم کمتر بود ولی روسها برای شکست متاع ایران این ضرر را تحمل کردند و در این راه بقدری عناد ورزیدند که مساعی مرحوم امین الدوله بهدر رفت ـ شاهد دومین قضیه بانك ملی است که در طی حوادث عهد مشروطیت نگاشته خواهد شد .

باب یازدهم

عهد مشروطیت

فصل اول

اوضاع عمومی ـ امتیازات ـ تجارت خارجی ایران ـ دولی که با ایران تجارت دارند ـ واردات ایران ـ صادرات ایران ـ قالی ـ ابریشم ـ پوست ـ تریاك ـ صمغ و کتیرا پشم ـ تنباکو و توتون ـ برنج ـ رنگها ـ حیوانات اهلی

اوضاع عمومی مشروطیت ایران آغاز ترقیات عمومی و اقتصادی و افتتاح ابواب سعادت ملك و ملت باید محسوب شود ـ در این دوره اهالی ایران بحقوق و حدود و وظایف خود پی برده با سـرعت مهمی نسبت بدورهٔ اسـتبداد بکوشش و مجاهدت پرداختند ـ در نتیجهٔ بیست سال مشروطیت اینك راههای عمده ای که رابط ما بین ایالات و ولایات است تسطیح شده صنایع داخلی روز بروز توسعه یافته ،

تجارت باندازهٔ شایان توجهی ترقی کرده وعلی‌الخصوص اندیشهٔ اقتصادیات بر همهٔ دلها ودماغ ها مسلط گشته است که این خود ما را بشاهراه مقصود خواهد رسانید

امتیازات

در عهد مشروطه چند فقره امتیاز باجانب داده شد اما همگی در نتیجهٔ فشار و اعمال قوه‌ای بود که از جانب همسایگان نسبت بدولت ایران بعمل می آمد از آنجمله یکی امتیاز راه آهن جلفا ـ تبریز بود که چنانکه شرحش گذشت ببانك استقراضی روس داده شد دیگری امتیاز خط آهن محمره تا خرم آباد بود که سال ۱۳۳۱ موقعی که امتیاز راه آهن جلفا داده میشد آن نیز به شرکت انگلیسی موسوم به (شرکت خط آهن ایران) واگذار گشت اما هیچکدام ازاین دو امتیاز از تصویب مجلس شورای ملی نگذشت و دومی اصلا بحیطهٔ عمل واقدام نرسیده از اعتبار ساقط گشت .

باید متذکر باشیم که اوضاع سیاسی ایران و ضعف قوای دولت و مملکت که نتیجه یکقرن و نیم سـوء اداره بود کار های عمومی را به مجرائی سوق داده بود که حکومت ما در پنجه قهر و غلبهٔ دو همسایهٔ خود گرفتار مانده قراردادها واستقراض ها و فقر خزانه و تشتت اوضـاع داخلی برای دولت تاب و توان آنرا نگذارده بود که بتواند استقلال سیاسی و اقتصادی خویش راصیانت نماید . روسیهٔ تزاری و انگلستان میخواستند تمام منابع ثروت این مملکت را بچنگ خویش آورند اما ملت ایران باین آرزوی واهی ایشان تن در نمیداد ـ در مقابل هرگاه دول غیر مجاور درصدد

کسب امتیاز و معامله ای بر می آمدند که بحالت ایران مفید بود دو همسایهٔ نامهربان مانع میشدند چنانکه سال ۱۳۲۸ چون مدت تعهدنامه‌های ایران وروس که مدت بیست سال حق داشتن راه‌آهن را از ایران سلب نموده بود منقضی گشت از طرف بانك مشهور آلمان موسوم به (دویچ بانك) مأموری بطهران آمد که امتیاز راه آهن خانقین بطهران را کسب کند این مسئله مایهٔ اضطراب روس وانگلیس گردیده یاد داشتی مورخهٔ ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۸ بدولت ایران نوشتند که بموجب آن تقاضا میکردند دولت ایران نباید اصلا هیچ امتیازی که بمنافع سیاسی و نظامی آنها بتواند سکته وارد نماید به اتباع دول خارجه بدهد !!!

بحمداله اکنون تمام آن اوضاع ناهنجار نابود گشته دولت وملت ایران باندازه‌ای مقتدر شده است که بتواند خویشتن بدون صوابدید دیگری خط سیر و وظایف خود را مقرر دارد لیکن برمورخ فرض‌است اینگونه مواقع و آنچنان روزکار های تیره را بر صفحهٔ تاریخ خود بنکارد تا آیندکان را درس عبرت و موعظتی بوده باشد

تجارت خارجی ایران

تجارت خارجی و داخلی ایران در قرن اخیر و مخصوصاً عهد مشروطیت روز بروز روبه ترقی رفته و از ملاحظهٔ احصائیهٔ گمرکی ثابت میشود که جنبش تجارتی ایران روز افزون است . هر چند بر خلاف عهد صفویه در این قرن واردات مملکت همیشه بیش از صادرانش بوده اما با در نظر گرفتن ترقیات عالم و نزدیکی ممالك و امم و تفاوتی که در مایحتاج زندگی مردمان پدید آمده

است و با توجه باین نکته که اکثر ممالك دنیا مبتلا به کسر صادرات هستند از این بابت نبایستی آنقدرها بیمناك بود درصورتیکه احصائیه های گمرکی نشان‌میدهد مبلغ کسری صادرات نسبت‌بواردات از بیست سال قبل بپوسته رو به تنزل رفته و میتوان امیدوار بود با حصول استقلال تعرفهٔ گمرکی و توجهی که دولت و ملت باین موضوع مهم مبذول میدارند قریباً این نقیصه جبران پذیرد مثلاً در ۱۳۱۹-۱۳۲۰ صادرات(٪ ۳۳،۵۳)در صد وواردات (٪ ٦٦،٤۷) بوده اما ده‌سال بعد یعنی در ۱۳۲۸-۱۳۲۹ صادرات(٪ ٤۳،٦۵۷) وواردات (٪ ۵٦،۳٤۳)بوده است (۱)

دولی که با ایران تجارت دارند

بیش‌ازهمهٔ دول‌دولت ایران بادولتین روس و انکلیس مناسبات تجارتی دارد ــ اماتجارت با روسیه از حیث واردات وصادرات تقریباً مساوی است و بعداز جنك عمومی‌گاهی صادرات ایران برواردادتش از روسیه میچربید و مطابق قرارداد تجارتی اخیر صادرات ایران بروسیه باید صدی ده بیش از واردات روسیه‌به‌ایران باشد ــ اما تجارت با انکلیس غیر از این است یعنی واردات انکلیس و هند بایران پنج تاهفت مقابل صادرات ایران است بانکلستان وهندوستان بعد ازاین دو دولت در بیست سال اخیر رویهم رفته عثمانی وپس از وی فرانسه و آلمان و اتریش قرار دارد ــ اما عثمانی پیوسته صادراتش بایران بمراتب کمتر از واردات ایران به آن کشور بوده

(۱) متأسفانه احصائیه چند سال اخیر تنزل فاحشی در صادرات ایران نشان میدهدچنانکه‌صادرات سال ۱۳۰۷ باستثنای محصول نفت جنوب قدری کمتراز (۲۱) در صد یا تقریبا یك خمس ازمجموع تجارت ایران است

یعنی در تجارت باترکیه صرفه با ایران است ـ اماتجارت ایران با فرانسه فقط بعد از جنك عمومی قدری ترقی کرده و تجارت ایران با اتریش رو بزوال‌است ـ تجارت ایران با آلمان روز بروزتوسعه گرفته و هر چند جنك عمومی سکتهٔ بزرگی بر آن وارد آوردلیکن اکنون باز رو بترقی میرود ـ در ظرف سنوات اخیره تجارت ایران با اتازونی نیز ترقی روز افزون گرفته است ـ بعد از جنك تجارت ایران با ایتالیا و افغانستان و ممالك بالکان و لهستان و هلاند و اسکاندیناوی و ژاپن و مصر رو بترقی گذارده است .

واردات ایران واردات ایران در نیمهٔ قرن اخیر ومخصوصاً در عهد مشروطه از اینقرار است : ـ

منسوجات پنبه ئی ـ قند کله و خاکه چای طلا و نقره شمش ـ مسکوکات‌طلا و نقره ـ منسوجات پشمی‌خالص نخ‌پنبه ـ نفت ـ بافته‌های ابریشمین ـ مس وآهن ونیکل وآلات فلزی ـ خرازی‌آلات ـ بافته های پشم وپنبه‌و کتان ـ آرد گندم کبریت ـ آهن‌و فولاد ـ مخمل از ابریشم وپنبه بلوروشیشه‌آلات‌نخ کتان‌وبافته کتانی وپوست‌وموتور و ماشین آلات که‌برای دانستن جزئیات هریك‌ازاین اقلام بایستی باحصائیه های سالانهٔ گمرك رجوع کنند .

پارچه و منسوجات بیشتر از انکلستان و آلمان و فرانسه و روسیه وارد میشود و قند و شکر از روسیه و بلژیك و جاوه و هندوستان و فرانسه ـ اما اواخر جنك عمومی قند روسیه جایش را بدیگران داده بود و اینك بعد از استقرار روابط حکومت ساوت با ایران مجدداً قند روسی میرود مقام اول را احراز کند ـ چائی

از هندوستان و سراندیب (سیلان) وچین ونفت ازروسیه واز معادن جنوبی ایران که منافعش بانکلیس ها عاید میشود می آید

صادرات ایران در ظرف بیست‌سال اخیر رویهم رفته صادرات ایران بقرار ذیل بوده است : پنبه ــ میوه وخشکه بار ــ قالی و سایر اجناس پشمینه

برنج ــ ابریشم پیله و بافته ــ مسکوکات طلا و نقره ــ تریاك ــ صمغ وکتیرا و غیره ــ پوست ــ پشم خام‌وحیوانات‌اهلی ــ عتیقه آلات و غیره ــ اما پنبهٔ ایران که مشتری بزرك آن روسیه است در سنوات اخیر قدری تنزل کرده و امید است حالا که مجدداً تجارت با روسیه بر قرار میشود بموقع اولی و بیش از آن باز گردد ــ بعد از روسیه پنبه ایران بهند و بین النهرین و عثمانی میرود ــ اما خشکبار و میوه مشتری بزرك آن نیز روسیه سپس هندوستان و و انکلستان و عثمانی است قالی های ایران چنانکه در این کتاب دیده میشود از عهد بسیار قدیم مشهور بود و انواع آن مانندقالی پشمی ، ابریشمی ، پنبه و پشم ، پشم و ابریشم بافته میشود اما قالی های پشمی بیشتر مطلوب است و در تبریز کاشان سلطان آباد خراسان وکرمان و کردستان بافته میشود و قالی های خراسان‌مشهور به نقش هراتی یا فارسی‌باف خیلی پر بها است .

گلیم‌های کردستان نیز در خارجه مطلوب است ــ درسنوات اخیره استعمال رنگهای جوهری قدری فرشهای ایران را بد نام کرد ولی امید است با جدیتی که دولت در باب استعمال رنگهای ثابت مبذول‌میدارد این‌معایب مرتفع گردد . قالی های ایران درترکیه‌ومصر

اتازونی انکلستان آلمان فرانسه و سایر ممالك اروپا بفروش میرسد

اما حاصل برنج ایران بیشتر از گیلان و مازندران و لرستان وفارس و کرمانشاه و غیره بعمل می آید ولی در گیلان از زمان خیلی قدیم یگانه محصول مهم برنج بوده است ـ برنج ایران بروسیه ترکیه انکلستان مصر وسایر ممالك صادرمیشود وخیلی مطبوع است

ابریشم در جمیع ایالات شمالی ایران بعمل میآید مانندگیلان مازندران استراباد خراسان آذربایجان ، یزد و کاشان ولی ایالت گیلان از زمان بسیار قدیم در افزونی محصول ابریشم سر آمدولایات دیگر بوده است شاردن راجع به محصول ابریشم ایران در سال ۱۰۸۱ میگوید شش هزار خروار و سیصد و سی من بود وازاین مقدار چهار هزار خروار و کسری محصول گیلان بود بعد در سال ۱۹۵۷ بنا براپرت جوناس هنوی که در گیلان مدیر تجارت ابریشم بوده محصول ابریشم ۳۶ هزار و ۳۳۵ من شد و بمناسبت مشتری زیاد ۱۵۰ در صد بر قیمتش افزوده گشت و چون از ابتدای قرن سیزدهم مظنهٔ ابریشم هر روز در فرنگستان بالامیرفت محصول ایران رو بترقی گذارده سال ۱۲۶۷ به ۳٤۰ هزار من رسید و ازاینمقدار ۲۰۳ هزار و ٤۰۰ من بخارج رفت ولی ناخوشی پبرین (Pébrine) پس از احاطهٔ بر فرنگستان و مشرق بایران آمد و چنان تأثیری کرد که محصول ابریشم به ۳۳ هزار و ۸۰۰ من تنزل یافت (۱) در آنزمان اگر اولیای امور درصدد استفاده ازاصول معالجه پاستور بر می آمدند البته چارهٔ مرض میشد لیکن کسی در

---

(۱) گنج شایگان ۲۵ و دائرةالمعارف بریتانیا

فکر نیفتاد بالاخره عمل آوردن تخم نوغان که در قدیم مخصوص ایران بود بکلی از میان رفت و تخم نوغان خارجه جای آنرا گرفت اکنون در ایران نزدیك دویست هزار من ابریشم بعمل می آید و وزارت فلاحت و فوائد عامه متخصصی برای تربیت نوغان آورده درمدرسهٔ فلاحت‌طهران (*) ودررشت کلاس مخصوصی برای تربیت عملی نوغان تأسیس شده بعلاوه حاج معین‌التجار بوشهری کارخانه مخصوصی برای اینکار در رشت ایجاد کرده که بیش از پانصدکارگر زن و مرد درآن مشغول هستند اما معاملهٔ تخم نوغان ازاینقراراست که بعد از سرایت مرض بایران و ضایع‌شدن تخم نوغان فرنگیهائی که مقیم گیلان بودند از ژاپن تخم نوغان آوردند (۱) در صورتیکه سابقاً ایرانی هامثل‌سایرممالکی که‌ابریشم‌بعمل میآورندتخم‌راخودشان‌می پرورانیدندو چنانکه‌در ضمن معاهدهٔ ایران ـ ایتالیاملاحظه‌شدفرنگی ها تخم نوغان را از ایران میبردند ـ بالجمله از ۱۲۷۶ تخم نوغان ژاپن وارد شـد و تا سال ۱۳۰۸ تخم نوغان ایران مخلوطی بود از ژاپنی و خراسانی در این سال تجارتخانهٔ یونانی پاسکالیدیس و برادران تخم بغدادی الاصل که در بروسه (آسیای عثمانی) عمل میآید وارد نمود و از آنسال ببعد تخم نوغان‌ایران از عثمانی وکمی از روسیه وارد میشود (۲) و احد وزن در خرید و فروش ابریشم در هم است (هردرهم ۶ مثقال ونیم)

---

(۱) گنج شایگان ۲۶ (۲) ایضا ۲۹

(*)مدرسهٔ فلاحت از طهران به قریهٔ کرج انتقال یافته است

پوست

صادرات پوست ایران روز بروز حائز اهمیت میشود ـ سالهای قبل از جنگ قریب ۹عشر از پوست صادری به‌روسیه میرفت و ما بقی بهند و عثمانی و اروپا اما بعد از سد باب تجارت روسیه تدریجاً برای پوست ایران در فرانسه و آلمان و انگلستان مشتری زیادی پیدا شد و اکنون که طریق روسیه نیز مفتوح شده امید است این قلم صادرات ترقی روز افزون داشته باشد . پوست خراسانی وشیرازی و اصفهانی و همدانی در مقام اول استواز سایر ایالات نیز صادر میشود ـ چرم همدان نیز که در فرنگستان به چرم روسی مشهوراست مشتری دارد (۱)

تریاك

تریاك ایران از سال ۱۲۸۲ در تجارت خارجی وارد شده و بعد از ناخوشی کرم ابریشم قائم مقام آن گردیده ـ شهر هائی‌که در زراعت تریاك مشهورند اصفهان شیراز آباده یزد ترشیز و مشهد بروجرد کرمانشاه همدان کرمان و غیره میباشد ولی در اصفهان بیشتر تریاك عمل آمده وتجارتش توسعه دارد مشتریهای بزرك‌تریاك ایران چین وانگلستان وعثمانی وروسیه بود بممالك دیگر نیز برای گرفتن مرفین و عملیات دیگر حمل میشود ـ تریاك ایران در چین نخست با تریاك عثمانی رقابت کرده آنرا شکست داد سپس با تریاك هندوستان برقابت پرداخت و فائق آمد

اما حکومت هند و دولت انگلیس تحمل این معنا را نکردند

---

(۱) گنج شایگان ۳۰

وچون حکومت اتازونی امریکا برعلیه‌زراعت وتجارت تریاك‌قیام نمود عمال بریتانیا بر علیه تریاك ایران تبلیغات کرده همه جا چنان وانمودند که فقط تریاك ایران مایهٔ خرابی نوع بشر گردیده اگرزراعت آنجا ور افتد عالمیان از مضرات افیون آسوده خواهند شد و بالاخره دنبالهٔ موضوع را به مجمع اتفاق ملل کشانیدند ولی نمایندگان ایران حتی الامکان رقابت تجارتی هند را بیان نموده حالی کردند که‌برفرض ترك زراعت تریاك در ایران ممالك هند و عثمانی و بالکان و مصر و غیره کار خودرا ادامه خواهند داد و نیز اهمیتی را که زراعت تریاك در تجارت ایران حائز است معلوم داشتند ـ جامعه ملل کمیسیونی برای تفتیش محلی بایران اعزام داشت و بالاخره درجلسهٔ عمومی مجمع که امسال (۱۳۰۶ شمسی) براپرت کمیسیون و بیانات نمایندگان ایران رسیدگی شد مقرر گشت مطابق نظریهٔ خود ایران اولا کمك هائی از خارج به ملت بشود تا تدریجاً بتواند بذر دیگری بجای تریاك عمل آورد و ثانیاً حق استقلال تعرفهٔ گمرکی ایران کاملا از طرف سایرین تصدیق شود ـ هر چند در این تاریخ که نگارنده مشغول تألیف این کتاب است هنوز از جزئیات تصمیم جامعه آگاهی نیافته لیکن آنچه محقق است مقاصد رقبای ایران پیشرفتی ننموده است . صادرات تریاك ایران در سالهای اخیر تا بیست کرور بالغ شده و رجحان آن بر محصول هند و غیره نزد جمیع مشتریان مسلم گردیده است .

صمغ و کتیرا

در میان محصولات نباتی که از ایران صادر میشود صمغ هاورنگها و نباتات روغنی اهمیت

مخصوصی دارند و در میان صمغ ها صمغ عربی مشتری بسیار دارد کتیرا نیز یك قلم مهم صادرات است مخصوصاً بعد از آنکه دردورهٔ پنجم تقنینیه مجلس شورای ملی صمغ وکتیرا را از عوارض مالیاتی معاف داشت افزایش محصولات مذکوره تشویق بزرگی شده حاصل صمغ اعلی از کرمانشاه ، بروجرد ولرستان است وکتیرا در کردستان وخرقان و نواحی مابین کاشان و اصفهان (قهرود) ودر ایالت‌فارس و کرمان از گون سفید بعمل میآید (۱)

سقز از حدود کردستان وپشت‌کوه و انقوزه از صحرا های قاینات‌وطبس و بلوچستان ایران و خراسان یزد وکرمان و سیرجان حاصل می شود .

پشم ــ پشم اعلای شتر از کرمان و خراسان‌وپشم گوسفند از کردستان کرمانشاه و لرستان زیادتر عمل میآید ــ از زمانیکه درعهد مشروطیت به صنایع داخلی اهمیتی گذارده شده و مخصوصاً کارخانه های قالی بافی‌درولایات ونساجی کازرونی دراصفهان‌و غیره‌تاسیس وفزونی گرفته مصرف پشم داخله رو بزیادتی گذارده است ــ صادرات پشم ایران به روسیه ، هندوستان ، انگلستان و اخیراً به امریکا وآلمان است پشم‌شتر کرمان و خراسان در جمیع فرنگستان مطبوع و مرغوب میباشد و باجزئی تبلیغاتی که بعمل‌آید صادرات این متاع روز افزون خواهد شد

تنباکو و توتون تنباکوی ایران غالباً به عثمانی و مصر صادر میشود اما فعلا تجارت آن روبه تنزل میرود

---

(۱) مجدداً در تعرفه گمرکی جدید برصادرات کتیرا مالیاتی بسته اند

زیرا عادت قلیان کشیدن نقصان می پذیرد اما توتون ایران روز بروز مرغوب‌تر شده امید است باجزئی توجهی بتواند در اروپا با توتون ترکی برابری نماید زراعت تنباکو در شیراز اصفهان کاشان و طبس خراسان میشود اما زراعت توتون در گیلان اهمیت دارد و نواحی ارومیه نیز زراعت مذکور معمول است

برنج زراعت برنج در تمام ایالات ایران معمول است امابرنج گیلان پنج ازشش صادرات برنج تمام مملکت است(۱) و بعد از آن برنج مازندران و استراباد و حوالی ارومیه و لنجان و لرستان، فارس و ذهاب و غیره میباشد چنانکه در مقدمهٔ فصل صادرات نگاشتیم زراعت برنج در گیلان خیلی قدیم است و حمداله مستوفی که سال ۷۴۱ کتاب نزهةالقلوب را تألیف میکرد برنج و ابریشم را محصول عمدهٔ گیلان شمرده است (۲) جوناس هنوی (Jonas Hanway) تاجر انگلیسی سال ۱۱۵۶ مینویسد هیچ ایالتی در ایران بقدر گیلان برنج و ابریشم بعمل نمی آورد (۳)

از سالهای ۱۲۴۶ ـ ۱۲۴۷ که وبا و طاعون دویست‌هزار سکنه گیلان را بهلاکت رسانید زراعت برنج رو به تقلیل نهاد و تربیت کرم ابریشم نیز همچنان شد حتی کار بجائی رسید که سال ۱۲۷۷ برای حوائج محلی گیلان از مازندران و نقاط دیگر برنج حمل شد اما مجدداً از سال ۱۲۸۳ ببعد زراعت برنج رونق تازه یافت (۴) درمدتی که بعد از جنك طریق تجارت روسیه مسدود بود برنج ایران قدری‌از رونق افتاد امادرظرف پنج سال‌اخیرصادرات

---

(۱) گنج شایگان ۲۰ (۲) ایضاً (۳) ایضاً (۴)ایضا ۳۵

برنج ترقی روز افزونی را نشان میدهد

دواجات انواع دواهای طبی در ایران میروید و صادراتی ازین جنس داریم مانند : ریباس ، کنجد ، سنای مکی ، افسنتین ، زنجبیل ، دارچین ، کندر ، خردل ، بادیان ، انچوچك گشنیز ، زیرهٔ کرمان یا زیرهٔ سیاه ، زیرهٔ سبز یا سفید یا کراویه ، بزرك یا بزرکتان ، کوکنار ، دستنبو ، مصطکی ، ثعلب — علاوه بر اینها ترنجبین که در شمال و شرق ایران میروید ، گزانگبین که درخوانسار وفریدن بدست میآید و گزاصفهان که از گزعلفی خوانسار ساخته میشود ، شیرخشت که درخراسان فراوان است (۱)

رنگها ازجملهٔ رنگهای معدنی ونباتی که صادراتی دارد زعفران ، حنا ، روناس ، مازو ، کافشه ، قره چهره ، نیل و قرمز روناس درحوالی ارومیه کاشان اصفهان یزد زعفران در قاینات وکافشه دراصفهان وورامین ، قره چهره در خراسان و قزوین حنا از خبیص کرمان مازو و از کردستان و ساوجبلاغ مکری بدست میآید (۲)

حیوانات سابقاً تجارت اسب اهمیت بزرگی داشت و همه ساله عمال انگلستان در خراسان مقدار زیادی اسب و مادیان می-خریدند اما اکنون این تجارت تنزل کرده و اصلاً تربیت اسب گوئی از یاد مردم رفته سی چهل سال قبل رمه‌های بزرك اسب در رادکان خراسان و سلطانیه و غیره مشغول چرا بودند و امروزه بندرت یك رمه هزار یا پانصد رأسی دیده میشود — صادرات گاو گوسفند بروسیه زیاد است بخاك عثمانی نیز احشام میبرند

---

(۱) گنج شایگان ۳۶ (۲) ایضاً ۳۶

فصل دوم

اداره تجارت و ثبت اسناد ـ راههای تجارتی ـ مسکوکات : (وضع سکه و ضرابخانه ـ اداره ضرابخانه)

ادارهٔ تجارت و ثبت اسناد ـ چنانکه درباب مخصوص ساسانیان و عباسیان نگاشتیم ادارهٔ تجارت پیوسته تحت ریاست یکنفر ملقب به بهشاه بندر یا ملك التجار قرار داشته عهد صفویه وقاجاریه نیز بهمین قرار معمول بوده‌است در اواخر عهد فتحعلی‌شاه و اوان شهریاری محمد شاه چون اتباع روس با حیله و تزویر درمعاملات کلاه اتباع ایران را ربوده یاخود را ورشکست قلم‌داده اموال مردم را فرو میکشیدند قرارنامهٔ مابین دولت ایران با سفارت روس بامضارسید که بر طبق آن‌تمام معاملات تجار طرفین میبایستی دردیوان حکومت محل ثبت گردد همچنین جمیع دفاتر تجار با ترتیباتی که در آن قرار داد مقرر است تحت تفتیش درآمد و نیز مجازاتهای سختی برای ورشکست بتقصیر معین گشت ـ درنتیجهٔ آن قراردادادارات کارگذاریهای ولایات‌تاسیس گشت و کار ثبت اسناد و معاملات ازحکومت‌ها تجزیه شده برعهده کار-گذاریها قراریافت اما امر ثبت اسناد ومعاملات به آن قسمتی‌منحصر گشت که فقط مابین اتباع ایران با اجانب جریان داشت وعمومیت نگرفت ـ درعهد ناصرالدین‌شاه مابین‌سالهای ۱۲۸۰ ـ ۱۲۹۰ وزارت تجارت ایجاد شد و در امور تجارتی ایران گاه بگاهی ملاحظات بعمل مـی‌آمد اما وزارت تجارت فقط پس از استقرار مشروطیت

صورت‌جدی گرفته و اینك ادارهٔ تجارت که جزء وزارت فوائدعامه وفلاحت و تجارت است درکار اتخاذ یك‌خط مشی ثابت و روشنی است و امید است بزودی تشبثات سودمند آن اداره رونق تجارت مملکت‌را روز افزون نماید – امانیت معاملات تجارتی که‌ازوظایف ادارهٔ دلالی و دفتر بورس است هنوز مورد توجه حکومت نگردیده هرگاه نظامات اساسی اداره دلالی و بورس تدوین شود البته‌منافع عمده‌ای از آن عاید ملك و ملت خواهد شد.

راههای تجارتی از جملهٔ مهم‌ترین طرق تجارتی در عهداخیر یکی راه طهران – رشت – انزلی – بادکوبه باطوم است –

دوم راه طهران – کرمانشاه – بغداد – بصره است

سوم راه تهران – تبریز – بایزید – ارزروم - طرابزون است

سوم راه طهران – تبریز – جلفا – تفلیس – باطوم است

چهارم راه طهران – اصفهان – شیراز – بوشهر است

پنجم راه تهران – بروجرد – خرم‌آباد – محمره است که اخیراً مشغول ساختمان هستند و امیداست قریباً مفتوح شودعلاوه برآنکه راه آهن‌نیز ازاین خط به‌طهران و بندرجز یا مشهد سرکشیده خواهد شد. این راه نزدیکترین فاصلهٔطهران است‌به خلیج فارس (۱)

ششم‌راه طهران – مشهد – بیرجند – سیستان – دزداب است که به راه آهن بلوچستان – هندوستان متصل میشود.

---

(۱) راه طهران‌به‌محمره بطوریکه‌در باب ۱۲ خواهیم خواند دوسال‌است که‌مفتوح شده

هفتم راه تهران ـ مازندران بارفروش است

ازمشهد راهی بباجگیران وراهی است به قهقهه و راهی‌است بدوشاخ که هرسه به‌راه آهن‌روسیه در ماوراء خزر متصل میشود

و نیز راهی است از مشهد به کاریز و هرات (افغانستان)

از تبریز راهی است به اردبیل و آستارا ساحل بحرخزر

از کرمان راهی به بندر عباس .

در عهد استبداد راههای شوسه فقط آنهائی بود که به امتیاز بیگانگان واگذار شده‌بود امادردوره مشروطیت بزرگترین راههای تجارتی که بلاد داخله را به خارجه مربوط میسازد تسطیح شده مانند راه قزوین ـ همدان ـ کرمانشاه ـ خانقین و راه مشهددزداب که هنگام جنك عمومی از طرف سپاهیان روس و انگلیس تسطیح شده و اکنون تحت توجه ادارهٔ طرق و شوارع قرار دارد ـ راه طهران ـ اصفهان ـ شیراز ـ بوشهر و راه طهران ـ همدان‌بروجرد راه‌طهران ـ قم ـ عراق ـ که کمپانی لینچ انگلیسی امتیاز آنراداشت و فعلاً تحت نظر ادارهٔ طرق و شوارع است و راه طهران ـ قزوین زنجان ـ تبریز و عده‌ای راههای فرعی دیگر تسطیح شده ـ راه طهران ـ مشهد و راه‌بروجرد ـ خرم آباد محمره و راه قم ـ کاشان و اصفهان ـ یزد ـ کرمان ـ بندر عباس و بعضی راههای فرعی دیگر اکنون در کار ساختن شدن است ـ راه طهران ـ مازندران که از چندین جهت حائز اهمیت است سال (۱۳۰۶) افتتاح‌یافت و قرار است از تبریز بشهر زورو بحدود موصل یعنی براه حلب تا بندر اسکندرون جادهٔ جدیدی بسازند .

مسکوکات بعد از تشکیل سلطنت ساسانیان دولت ایران که مدتها بودبواسطه معاهداتی که با روم داشت از ضرب سکهٔ طلا خودداری‌کرده بودمجدداً به ضرب مسکوکات طلا پرداخت و نخستین اردشیر بزرك باین اقدام آغازید سکه های طلای عهد ساسانیان از حیث عیار متفاوت بود . بعضی مواقع صدی‌شصت و گاهی که‌پادشاه عدالت پیشه و تجارت پسند بود هفت در ده طلای خالص داشت

در سلطنت ساسانیان پولهای نقره (درهم) و نیم درهمی نقره نیز سکه میزدند و پول مسینه برای مصارف خرد رواج‌بزرك داشت

سکه‌های اسلام در دولت اسلام تاعهد عمرسکه نزده اند و همان پولهای ممالك و دول مفتوحه رواج داشت درسال ۱۸ که خلیفه به حفر نهر معقل در بصره فرمان داد بضرب سکه نیزپرداخت واین پولها به عین همان سکه های خسروان ساسانی بود و حتی علامات معموله سابق را نیز داشت (۱) یعنی‌در یکطرف سکه تصویر تاجدار ایران و درسمت دیگر نقش آتشکده و اسم‌شهر و ضرابخانه و تاریخ سکه منقوش بود جز آنکه دراطراف بعضی الحمدلله وبرخی محمد رسول‌الله و پارهٔ لااله الاالله نگاشته‌بود عیار سکه ها هرده درهمی شش مثقال خالص بود (۲) در سلطنت معاویه به صوابدید زیاد بن ابیه برای استمالت مردم سکه ای زدند که هرده درهمی هفت‌مثقال خالص داشت دربعضی ازسکه‌های معاویه نقشی بود از تمثال شخصی باشمشیر آخته-درآن‌عهد سکه‌ها ضخیم و کوتاه ومایل بدرازی بود و لیکن عبدالله‌زبیر در مکه وقتی قیام‌نمود سکه زد ودرهم‌های گرد و مدوردر آورد و نقش آن یکقسمت عبدالله

---

(۱) مقریزی در (السکة والاسلام) — (۲) ایضا

سمت‌دیگر (محمد رسول‌الله) وبرخی (امرالله‌بالوفاء و العدل) بود.
سکه‌های عبدالله هرده هفت مثقال خالص داشته است

عهد عبدالملك چنانکه در فصل مخصوص راجع بروابط اسلام وروم‌تصریح شد ـ مسکوکات مانند سایر کارها یعنی اوزان و مقادیر ودفاتر منظم گشت ـ سال ۷۶ بامر عبدالملك در همهٔ بلاد دینار طلا سکه زدند بوزن ۲۲ قیراط ویکجو کمتر که همان مثقال‌شامی است و درهم نقره (۱۵) قیراط کامل سکه خورد ـ استادضراب در عهد عبدالملك مردی یهودی موسوم به سمیر بود و دراهم‌سمیریه منسوب به‌اواست که درروایات میخوانیم ـ حق‌الضرب صدیك مقرر گشت و نیز فرمان رفت که خراج و زکوة جز به سکه اسلامی پذیرفته نشود ـ درسکه‌ها از آن وقت طوق و حاشیه قرار دادند یك‌سمت‌سکه اسم شهر بود و سمتی (لااله الاالله) و سمتی(محمد رسول‌الله‌ارسله بالهدی و دین‌الحق لیظهره . . الخ) امتیاز درهمهای عبدالملکی یکی آن بود که همه‌را شش دانگی سکه زدند درصورتیکه پیش از آن درهم ها چند نوع ضرب میشد ـ درهم بغلی چهار دانك‌و درهـم طبری هشت دانك و درهم جوراقـی چهار دانك و نیم بوده (هردانك هشت‌جو پوست نکنده بعلاوه خمس جوبوده است) تفاوت دوم درهم های عبدالملکی آن بود که عیار آن درهر ده درهم هفت مثقال خالص مقرر گشت بعدها درعهد خلفای اموی گاهی عیار شش و گاهی بازهفت میشد ـ هشام بن عبدالملك ضراب خانه‌های بلاد را منسوخ و فقط شهر واسط را دار الضرب عمومی قرار داد ـ خلفای عباسی اوایل دو سه جو از خلاصی سکه کسر

کردند ـ مهدی عباسی سکه‌های مدور ضرب کرد درعهد هارون‌الرشید امر سکه برای نخستین بار در اسلام‌به دیگری رجوع شد یعنی به جعفر برمکی واگذارده گشت درصورتیکه پیش از آن خلفا خود باین کار رسیدگی مینمودند

بعد از جعفر سکه را به سندی بن شاهك واگذاردند و او عیار درهم رامانند دینار طلا مساوی و هردو را از عیار زیادی پاك گردانید خلاصی زر سندی مشهور است این متصدیان مجاز بودند نام خودرا نیز درحاشیه سکه نقش کنند و این افتخاری بزرك بود که خلیفه‌اعطا میکرد ـ بعدها وقتی که ترکها بر بغداد مستولی شدند و بلاد اسلام ازهم تجزیه گشت هر حاکمی بدلخواه خود از عیار سکه کاسته یا برآن می افزود (۱) سکه‌های ملکشاه ساجوقی و بعد از وی تا مدتی هفت در ده عیار داشت ـ چون روزکار مغول پیش آمد کار سکه به‌نهایت اغتشاش انجامید چنانکه‌ازیك دینارده دو فقط طلا بدست می‌آمد و این کار بدانجهت بود که جمیع حکومت های ترك و تاجیك درشام و آناتولی و ایران که باجگذار ایلخانی مغول بودند سکه‌میزدند و نفع خودرا در داخل کردن غش زیاد ملاحظه مینمودندواین بی نظمی تاعهد سلطنت‌غازان درکار بود ودر آن زمان چنانکه ضمن قوانین غازانی نگاشته آمد امر سکه نیز مانند سایر کارها منظم گشت ـ از اتفاقات قابل تذکاریکه عهد مغول در امر سکه روی نمود قضیه طبع چاو یا اسکناس است از اینقرار که : در شهریاری کیخاتوخان چون بسبب اصراف وتبذیر دربار خـزانه

(۱) حبیب‌السیر جلد ترکستان

تهی مانده مصارف یومیه پادشاه نمیرسید عزالدین مظفر نام به صدر جهان زنجانی که صاحب دیوان (صدر اعظم) بود پیشنهادی نمود که مانند کشور چین در ایران نیز چاو را رایج کنندتا هرچه زرو سیم است ازمیان مردم بخزانه جمع شود و پادشاه را این رای پسند افتاد و صدر جهان بهمراهیمظفر بامشورة جنگپد یانك سفیر خاقان چین (که او نیز از احفاد چنگیزوبرسایر پادشاهان مغول ریاست داشت) مشغول تهیهاسباب کار شدند و مقرر گشت : ازروز رواج چاو احدی با زر و سیم معامله نکند و پارچه زر بفت جز برای حوائجپادشاهی نبافند ـ به زرگران و زردوزان که از کارخودممنوع میشوند سالانه معاشی از چاوخانه بپردازند ـ در هرشهری از بلاد آذربایجان عراق عرب عراقعجم خراسان دیار بکر وغیره چاو خانهها بنیاد نهادند ـ قرار شد به تجاریکه عازم بلاد خارجه هستند زرو سیم بپردازند که درمعامله معطل نمانند ـ چاوکاغذی مربعمستطیل بود چند کلمه با خط ختائی (چینی) برآن نوشته و در دوسمتش (لا اله الا الله ـ محمد رسول‌الله) و لفظ (ایرنجی دورجی)که لقبقاآن بزرك تاتار وچینبودکهبپادشاه ایرانداده‌بود ـ نگاشتهدر وسط دایرهٔ کشیده از نیمدرم تادهدرم بناباختلاف چاو رقم زده بودند ـ ایضاً سطری چند مسطوربود بدین مضمون که درسال ۶۹۳ پادشاه جهان این چاو مبارك را در ممالك روان گردانید تغییر و تبدیل کننده با زن و فرزند و پیوند بیاسا (مجازات) خواهد رسید ـ هرچند مردم از این بابت متغیر بودند اما بعضی شعرا برای خوش آمد اولیایدولت ابیاتی گفتند از آنجمله (چاو اگر درجهان روان

باشد رونق ملك جاودان باشد)

در ماه ذیقعده ۶۹۳ چاو در تبریز روان گشت و دو سه روزی مردم آن پایتخت ناچار به بیع و شری پرداختند بعد از آن گروهی تاب‌نیاورده از شهر هجرت کردند و آنهائی‌که‌از بیم مجازات دکان خودرا میگشودند امتعه و اجناس را مخفی میداشتندتادرروز جمعه مردم زبان بفریاد و فغان گشوده بر عزالدین مظفر نفرین و لعنت نمودند و رنود و اوباش شهر بقصد جان او رفتند و بروایتی ویرا کشتند ـ آمدوشد کاروان و معامله طبقات انسان منقطع شد لذا امرا ونوئینان باتفاق صاحبدیوان اختلال احوال را بعرض کیخاتو رسانیده فرمان ابطال چاو صادر شد .

اما پولهای عهد صفویه‌از این‌قرار است :

(غازبکه) مساوی پنج دینار

(غازبکه دوتائی) مساوی با سه دینار (۱)

(چهار غازبکه ساده یا دودوتائی) مساوی است‌با یك بیستی

(ده غازبکه ساده یا پنج دوتائی) مساوی است با یکشاهی

دوشاهی یك محمودی است دومحمودی یکعباسی

سه عباسی بعلاوهٔ یکشاهی مساوی بوده است بایك اکوی فرانسوی یا یك ریال اسپانیول ـ غازبکه از مس بوده و بیستی از نقرهٔ بیضی شکل و مابقی از نقرهٔ مدور ـ یکطرف سکه اسم پادشاه بوده و طرف دیگر اسم شهر و تاریخ هجری ـ اما در مسکوکات مسی یکطرف شیر وخورشید است وطرف دیگر اسم شهریکه سکه

---

(۱) تاورنیه ۲۲۲

خُرده است (۱)

پول‌طلا عهد صفویه مساوی پنج عباسی بوده و ده طلا یکتومان بشمار می آمده است نادرشاه بعد از فتح هند از طلا ئی که از آنجا آورد مهر اشرفی را سکه زد (۱۱۵۲) ووزن‌آن‌دومثقال ونه نخود بود (۲)

تاسال ۱۱۶۰ پولی باسم (نادری) بقیمت پانصد دینار معمول بود و اسمی بوده است که در ایران بروپیه می نهاده اند (۳)

سال ۱۲٤۱ هجری فتحعلی‌شاه فرمان داد درهم نقره معادل ۳٦ نخود سکه زدند بانقش (سکهٔ فتحعلی شه خسرو صاحبقران) و سکهٔ طلارا هیجده نخود زر خالص ساختند با نقش (سکهٔفتحعلی شه خسرو کشورستان) بعد ها درهم نقره را قران نامیدند و دینار طلارا کشورستان خواندند و ۹ درهم را یکدینار بها نهاده یکدینار را باضافهٔ یکدرهم یعنی ده درهم را یك تومان خواندند (٤)

پول خرد در عهدقاجاریه‌یکی (جندك-نیم‌پول-یك‌پول) بودویك‌پول از عهد قدیم معمول و ۲۵ دینار ارزش داشت وبعد از سال ۱۳۱۹ که سکهٔ نیکل رواج یافت در مرکز ور افتاد ولی هنوز در خراسان یك پولی ودوپولی مسی که مساوی یکشاهی نیکل است دادوستدمیشود در تبریز یکشاهی را تنبل مینامیدند چنانچه در احوال اقتصادی عهد صفویه نگاشتیم بمناسبت گرانی مصارف استخراج معادن داخله نقره و طلااز خارجه وارد میشد ـ بعدها طلا و نقرهٔ شمشی که نادرشاه

(۱) تاورنیه ۲۲۳ (۲) گنج شایگان ۱۷٤ (۳) ایضا
(٤) ناسخ‌التواریخ

در ضمن غنائم دیگر از هند آورد مدتها احتیاج ضرابخانهای ایران را مرتفع ساخت ولی اخیراً بملاحظهٔ نقره‌هائی‌که در زرگریها بکارمیرفت و نیز بسبب گرد آوردن نقره و طلا در خزانه هرساله مقدار مهمی مسکوکات از جریان بیرون میآمد زیرا ناصرالدین شاه از سال ۱۲٦۵ تصمیم گرفته بود سالی یك کرور عایدات دولت را پس انداز کند (۱) ونیز بعلت نقصان صادرات از واردات که هرساله مبلغی طلا و نقره باید در ازاء واردات خارج شود احتیاج به این فلزات روز افزون میگشت و در بعضی ایالات پول مسکوك بکلی نایاب شد تا از سال ۱۲۹۷ ببعد تجار اروپائی که میخواستند با ایران دادو ستد داشته باشند به وارد کردن شمش نقره پرداختند تا در ضرابخانه طهران مسکوك شود(۲) سال ۱۲۹٤ قنسول روس در بوشهر ضمن راپرتش از کمی مسکوکات طلا ونقره و مس در جنوب ایران شکایت کرده میگوید اگر اینطورپیش برود عنقریب چرخ تجارت از کار خواهد افتاد نظیر همین راپرت‌را قنسول انگلیس مقیم تبریز سال ۱۲۹۷ راجع به شمال مینگارد (۳)

وضع سکه وضرابخانه

تا پیش از عهد ناصرالدین شاه هریك ازشهر های ایران ضرابخانهٔ جداگانه داشت و دولت بهر کدام آنها یکنفر سرپرست بسمت مشیری میگذاشت لهذا در نقش عیار و غیره همیشه اختلافات پدید میآمد علاوه بر پایتخت تبریز مشهد قزوین رشت بار فروش استرآباد قم کاشان اصفهان همدان کرمانشاه شیراز کرمان سیستان هرات و غیره دستگاه منگنه برای سکه زدن داشتند ــ حق ضرب سکه را حکام

(۱) گنج شایگان ۱۷۲ (۲) ایضا (۳) ایضا ۱٤۰

ولایات از رئیس کل ضرابخانه بقیمت معین سالیانه اجاره میکردند و از این رو هر حاکمی برای کسب نفع عیار مسکوکات راکمتر ازحد مقرر میداشت و از همین جهت ۲۵ درصد از قیمت قران همدان مشهد استراباد کسر میکردند بعلاوه شکل و قطر قرانها متفاوت بود و طبعاً در معاملات تولید اشکال مینمود ـ ناصرالدین شاه از سال ۱۲۸۲ در صدد ایجاد ضرابخانه بطرز جدید افتاد و حسنعلی خان امیر نظام گروسی که آنزمان سفیر پاریس بود مأمور خریداری لوازم آن گشت پس از ورود ماشین آلات به انزلی مدتها بسبب فقدان وسایل حمل و نقل معطل ماندوبالاخره سال ۱۲۹٤ پشان Pechan نامی که برای مستشاری ضرابخانه استخدام شده بود ماشین هارا در طهران دایر گردانید (۱) پشان پیشنهاد کرد وزن سکه را ۵ گرام و عیارش را نود درصد قرار دهند تا قیمتش با فرانك مساوی باشد و اولین سکه هائی که زدند یکطرفش شیر وخور شید و حاشیه‌اش نیمی برگ بلوط و نیمی برگ خرزهره بالا تاج کیانی و پائین مبلغ وتاریخ ضرب بود طرف دیگر اسم شاه و محل ضرب (طهران) نقش شد اما در خصوص قیمت قران به پیشنهاد پشان عمل نشد و عیار را از آنچه بود کمتر ساختند ـ این قرانهای را بمناسبت اسم آقا محمدابراهیم امین‌السلطان که آن تاریخ ریاست ضرابخانه را داشت امین السلطانی نامیدند و چرخی گفته شد ـ وزن سکهٔ طلا (اشرفی) که معادل ده‌قران ۲۸ نخودی بود تا پیش از ۱۲۹٤ بنا بقانون بایستی ۱۸ نخود باشد و ۹۵ در صد طلای خالص داشته باشد واز این روقیمت

---

(۱) گنج شایگان ۱۲۷۵

اشرفی (۱۱/٤۰) فرانگ میشد ولی چون در موقع سکه زدن وزن طلای آنرا کمتر از میزان میگرفتند قیمت متوسط اشرفی درست ده فرانگ میگشت و بواسطه این اختلاف وزن وعیار غالبا قبل‌ازمعامله آنرا با ترازو میکشیدند ولی درسال ۱۲۹٤ پشان اشرفی هائی سکه‌زد که تقریباً ۱۷ نخود (۳/۲۰٦) گرام وزن و (۹۰/۵۵) درصد طلاداشت و قیمت آن درست ده فرانگ بود در همین تاریخ مقداری هم پنجهزاری طلا (نیم اشرفی) ضرب شد ـ پول خرد ایران ازمس بودعبارت ازنیم‌پول‌پول یکشاهی وغیره‌وضرابخانهٔ‌مرکزی هم اوایل ازهمان سکه ها میزد چنانچه از ۹ رجب ۱۲۹٤ تا ۱۷ ربیع الاول ۹۵ معادل ۱۲ کرور پول مس سکه زد ولی‌از ۱۳۱۹ سکه‌های یکشاهی و صددیناری نیکل جای آنها را گرفت (۱)

واحد پول ایران از عهد قدیم نقره بوده در خلافت اسلام هم که واحد پول در ایالات مصر طلا بود در ایران نقره را حساب میکردند ـ از زمانیکه دول عظیمهٔ دنیا واحد پول شان را به طلا بر گردانیده اند ونقره در حکم مال‌التجاره‌شده است دائما مظنهٔ پول ایران در تغییر و مخصوصا رو بـه تنزل رفته است . مثلا در سال ۱۲۸۰ یك لیرهٔ انگلیسی ۲۱ تومان بوده و سال بـه سال ترقی کرده تا۱۳۱۸(۵۰) قران و ۱۳۲٤ (۵۵) قران گردیده است (۲) منات روسی نیز بهمین وضع ترقی کرده اما در هنگامهٔ جنك عمومی برای دولت ایران فرصت بسیار مناسبی پیدا شد که بتواند واحد پولش را بطلا بگرداند زیرا سالهای اخیر جنك برات لیرهٔ انگلیسی به نزدیك دو تومان تنزل

---

(۱) گنج شایگان ۱۲۷۵   (۲) گنج شایگان ۱۷۰

کرد وصد روپیه از ۱۸ تومان کمتر شدوبرات فرانك طلا مابین ۱۰ تا تا چهارده تومان هر صدی تقویم میگشت . متأسفانه‌آن فرصت گرانبها بدون آنکه طرف استفاده واقع گردد گذشت و اکنون باز اسعار پول های طلای خارجه روبه فزونی گذاشته تقریباً بـه سر منزل پیش از جنك رسیده است

ادارهٔ ضرابخانه ضرابخانه که بزبان فارسی (درم سرا) نامیده می شد چنانچه قبـلا نگاشتیم سابق باجاره واگذار میگشت بعد از تأسیس ضرابخانهٔ جدید ناصرالدین شاه ریاست آنرا بحاج محمد حسن امین الضرب داد(سال ۱۳۰۰) وعایداتش سالانه ۲۵ هزار تومان بود وجزووزارت مالیه محسوب میگشت. از سال ۱۳۰۷ که بانك شاهنشاهی تأسیس گشت ضرابخانه تدریجاً تحت ادارهٔ بانك رفت ولی سال ۱۳۱۳ مظفر الدین شاه آنراضمیمه وزارت داخله گردانید که باوزارت خزانه به مرتضی قلیخان صنیع الدوله سپرده بوده است (۱) میرزا علیخان امین الدوله سال۱۳۱۵ سه نفر بلژیکی بایران آورد که یکی از آنها انگلس نام مأمور ضرابخانه شده بانهایت امانت وکاردانی رفتار کرد (۲) تا پیش ازا۱۳۲۸ قرار ضرابخانه بر این بود که کسی می‌آمد با دولت برای عمل نقره قراری میگذاشت وچون نقره میرسید ضرابخانه بکار میافتاد وگرنه کار نمی کرد - اما از آنسال قرار شد حمل نقره وتعیین مقدار آن و مدت کار ضرابخانه منحصر بخود دولت باشد دولت هم با بانك شاهنشاهی قرار دادی بست که از اول حمل ۱۳۲۸ تا حوت ۱۳۲۹ وکالت انحصار

(۱) گنج شایگان ۱٤۰ (۲) ایضاً

خرید نقره با بانك مزبور باشد در آنسال بانك ۱۲۰ کرور مثقال نقره بقیمت یکملیون و ۱٤ هزارلیره وارد و بسکه رسانید و نفع دولت از این بابت ۷۵۰ هزار تومان گردید - بانك بابت سرمایه ای که صرف خرید نقره کرده بود صدی ۹ تنزیل گرفته بعلاوه ربع در صد از قیمت نقره ای که میخرید حق العمل مأخوذ میداشت - مجدداً پس از انقضای مدت مقرر بنا به پیشنهاد وزارت مالیه یکسال دیگر قرار داد تجدید شد ودر موقع تصویب لایحهٔ آن در مجلس اصلاحاتی بعمل آمدازجمله فرع صدی ۹ به صدی پنج تخفیف واختیار تعیین مقدار نقرهٔ مضروب بدولت منحصر گشت ومقرر شد این مبلغ رویهم رفته از ۱۲۰ کرور مثقال تجاوز ننماید .

توضیح مولف ـ کتاب ایران اقتصادی که حسب الامروزارت تجارت تالیف و سال (۱۳۰٦) خاتمه یافت تا این جا تمام می شود و باب دوازدهم و معاهدات ضمیمه قسمتی است که اخیرا مولف بر آن افزوده است .

باب دوازدهم ـ عصر پهلوی

عصر پهلوی از لحاظ سیاسی با کودتای (۳ حوت ۱۲۹۹) آغاز میشود ولیکن از لحاظ تبدلات اساسی که در حیات اقتصادی مملکت حاصل شده بایستی شروع آنرا از تاریخ بیستم اردی بهشت ماه ۱۳۰۷ بدانیم که اصول کاپیتولاسیون و امتیازات بیگانه سرنگون و استقلال گمرکی ایران برقرار گردیده است .

اصول کاپیتولاسیون از سال ۱۸۲۸ میلادی تا سال ۱۹۲۸

درست مدت یکقرن در ایران استوار بود و فی الحقیقة چون کابوس فنا زندگانی سیاسی و مالی و تجاری ایران را زیر فشار و تضییقات گرفته رو به تباهی فرو برد و طبعاً همانطور که وجود آن بر پیکر این مملکت مایه رنج و درد و امراض گوناگون گشت دفع آن نیزباعث برگشت خوشیو سلامتی و تندرستی گردید و همانقدر که بودش زیان آورد اکنون نبودش سود میبخشد .

هرچند که تاریخ ما بایستی باب دوازدهم را از سال ۱۳۰۷ بیاغازد ولیکن از آنجائیکه الغای کاپیتولاسیون در نتیجهٔ وجود اسباب وعواملی بود که قبلا فراهم آمده بود مقتضی است مختصری ازحوادث دهسال اخیر بطور فهرست تذکر داده و تشبثات و اصلاحاتی را که در حکم مقدمهٔ نفی امتیازات مضرهٔ اجانب بشمار میآید بیاد آوریم

نخستین سنگی که برای بنیاد حیات ایران نوین گذارده شده است عبارت از عهدنامهٔ ایران با روسیه ساوتی میباشد که مواد آنرا در ضمیمهٔ این کتاب میخوانید . روسیهٔ ساوتی درطی این عهد نامه از هرگونه امتیازات و حقوقی که سلطنت تزار ها بطریق غیر مشروع از ایران حاصل کرده بود صرف نظر کرده مؤسسات راه آهن تبریز ـ جلفا و راه شوسه تبریز ـ جلفا و راه شوسهٔ طهران ـ انزلی (پهلوی) و مؤسسهٔ بانك استقراضی روس و مؤسسهٔ شیلات بحرخزر و بعضی امتیازات دیگر را بعلاوهٔ کلیهٔ مطالبات روسیه از دولت ایران بهخود ایران بخشید و بعد از امضا و اجرای این معاهده کلیهٔ اتباع روس در ایران در امور حقوقی و جنائی و کلیهٔ محاکمات قضائی بایستیمطلقاً مانند اتباع ایران به محاکمایرانی رجوع کنند ـ هرچند این عهدنامه

در سال ١٢٩٩ مطابق ٢٦ فوریه ١٩٢١ بتوسط آقای مشاورالممالك در مسکو انعقاد یافت ولیکن تصویب آن در مجلس شورای ملی ایران سال ١٣٠٠ صورت پذیرفت .

کودتای حوت ١٢٩٩ بعد از امضای این عهد نامه و قبل ازاجرای آن صورت گرفت وسال ١٣٠٠ که مجلس شورای ملی (دورهٔ چهارم) افتتاح یافت و حکومت قانونی تشکیل شد دولت ایران تاحدی موانع عظیم قبل از جنگ را که از آنجمله وجود دولتین همسایه بود دیگر درمقابل نداشت زیراروسیهٔ متجاوز تزاری ازمیان رفته بود وانگلیس نیزبه فرسودگی های جنگ مبتلابود و خوشبختانه ایرانیان هم بعد از سالها فلاکت و تدنی تازه برای پذیرفتن یك قائد توانا و صمیمی یکدل و یکجهت گردیده بودند لهذا همینکه کوکبهٔ پهلوی در مقام فرماندهی سپاه ایران طالع گشت دیدهٔ امید ملت به آنجانب دوخته شد و کاروان ایران رو به منزلگاه ترقی و سعادت رهسپار آمد .

سال ١٣٠٠ فوج ها و ستونهای سپاه ایران که تازه از تحت قیادت فرماندهان و معلمین بیگانه رهائی یافته به صاحبمنصبان ایرانی سپرده‌شده‌بودندبرای استقرار امنیت‌و تنبیه یاغیان وسرکشان وبرانداختن ملوك‌الطوایف در چهار سمت مملکت مشغول فعالیت شدند وآذربایجان‌و کردستان وخراسان را انتظام بخشیده گیلان و مازندران وسواحل دریای خزر رااز مفسدهٔ متجاسرین نجات دادند — درهمان حالیکه قشون ایران باعادهٔ امنیت داخلی میپرداخت دولت مرکزی روابط خارجی خودرا با ممالك دیگر ترتیب میداد .

پلیس جنوب را که انگلیس ها در جنوب‌ایران تشکیل دادەبودند

ناگزیر منحل ساختند ودفاتر پستی وتلگرافی خلیج را تدریجاً بـه دولت ایران واگذاردند هیئت مستشاران انگلیسی که متعاقب قرار داد وثوق الدوله با انگلیس هادرکابینهٔ آسید ضیاء الدین در وزارت مالیه وجنك مشغول خدمت شده بودند بامر دولت ایران از کار برکنار گردیدندوبنا برتصویب مجلس چهارم هیئت مستشاران امریکائی تحت ریاست دکتر میلیسپو استخدام وکار های مالیه را بدست گرفتند ودر وزارت فوائد عامه نیز بخدمت پرداختند .

انتظام مملکت و اقتدار دولت در اقاصی و حدود کشور باعث وصول مالیاتهای عقب افتاده گردیدو کوشش مستشاران امریکائی راآسانترساخت بطوریکه در ظرف مدت کمی مالیهٔ ایران ترقیات عمدهٔ نمود و بودجه‌دولت برای نخستین بار در تاریخ مشروطیت موازنه‌پیدا کرد در حالتیکه‌ازسال ۱۳۱۳ قمری‌ببعد هرگز روی تعادل ندیده بود ـ قانون نظام وظیفه‌دولت ایران را در عداد دول مستقله وارد کرد و اجرای قوانین سجل احوال ثبت اسناد و املاك بنیان شخصیت و مالکیت رادر جامعه استوار ساخت در دورهٔ پنجم و ششم دولت ایران لوایح بسیار مهم و سود مندی را از تصویب مجلس گذرانید که از آنجمله قانون عوارض انحصاری قند و چائی بود واین سرمایهٔ ملی برای ساختمان راه‌آهن بحر خزر ـ خلیج فارس اختصاص یافت و نیز قانون تاسیس بانك ملی با سرمایهٔ داخلی بود و تمام‌این قوانین متوالیاً بحیطه‌عمل واجرا در آمد ـ در سال ۱۳۰۶ مدت خدمت مستشاران امریکائی خاتمه‌پذیرفت ودولت ایران به تجدیداستخدام آنها نپرداخت ولی در ۲۶ بهمن ماه همان سال لایحهٔ استخدام یکنفر متخصص مالی و یکنفر مفتش از آلمان و یك نفر خزانه دار از سویس

به تصویب مجلس رسید

بنا بر اصلاحات مذکور و ترقیات دیگری که در این کتاب مورد تذکار ندارد و بنا بر آنکه در سال ۱۳۰۵ دولت ایران بتجدید تشکیلات قضائی مملکت پرداخته عدالتخانه و قوانین جدید را بنیاد نهاد و نفوذ خود را به تمام انحاء مملکتش بسط داده خوانین و روسای عشایر و حکام محلی را که مانع پیشرفت اصلاحات و توسعهٔ اقتدارات حکومت مرکزی در حدود تسلط خودشان بودند و غالباً آلت اغراض و مقاصد بیگانگان میشدند بکلی از میان برداشت و لیاقت و قابلیت ایرانی را در ادارهٔ کشور خود به ثبوت رسانید علیهذا سال ۱۳۰۶ بر حسب امر اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایرانیان دولت ایران تصمیم گرفت که حقوق ممتازهٔ اجانب و جمیع آثار کاپیتولا سیون را از مملکت بر اندازد و این تصمیم روز ۱۹ اردیبهشت ماه از همان سال در مجلس شورای ملی اعلام گشت و مدت یکسال برای دولی که بخواهند ازروی حسن نیت ووداد با دولت ایران معاهدات جدید بر پایهٔ تساوی کامل و احترامات متقابل منعقد سازند مهلت داده شد و سال ۱۳۰۷ روز نوزدهم اردیبهشت ماه این مهلت خاتمه پذیرفته از بیستم همان ماه عموم اتباع خارجه با اتباع ایران در داخلهٔ مملکت متساوی گردیده عدالتخانه ما مرجع تظلمات همگی مقرر گشت و با جمیع دول معاهدات موقتی بامضا رسید تا ازسر فرصت عهدنامه‌های اساسی انعقاد یابد و معاهدات اساسی و دائمی اینک تدریجا با دول مختلف مبادله شده ومیشود وآنچه تا کنون مبادله گردیده درقسمت تجارت و اقامت وبحر پیمائی و گمرگی در ضمیمهٔ این کتاب موجود است

تعرفه گمرکی ـ در باب یازدهم تفصیل ایجاد گمرك جدید و تدوین تعرفهٔ گمرکی نگاشته شده مضرات و معایب عمدهٔ تعرفهٔ سابق و سکته‌ای را که بر استقلال اقتصادی ایران میزده است تذکر داده ایم ـ اینك بحمدالله با سر افرازی می‌بینیم که آن بلای مبرم نیز از پیکر این مملکت مرتفع گردیده دولت ایران موفق شد که تعرفه گمرکی خود را مستقلا مدون سازد و در تاریخ ۱۳ ماه اردیبهشت از سال ۱۳۰۷ تعرفه مذکور را به تصویب مجلس شورای ملی رسانید و متن آن در ضمیمهٔ کتاب موجود است . تعرفهٔ گمرکی جدید برای امتعهٔ دول هم عهد ایران حد اقل عوارض را قائل شده و برای متاع دولی که با ایران معاهده ندارند حد اکثر حقوق گمرکی را مقرر داشته و طبیعی است که بدینطریق تجارت دولت هائی که ممکن بود بعد از الغای کاپیتولاسیون از عقد معاهدات متساوی با ایران امتناع ورزند دوچار منتهای عسرت و تضییق میگشت و همین نکته یکی از عوامل پیشرفت مقاصد حکومت متبوع ما شناخته شده بسیاری از حکومات اجنبی را وادار کرد که برای حفظ تجارت خودشان با ایران از حسن قبول آرزوی ملی ما در امحاء کاپیتولاسیون امتناع نورزند .

فصل اول

جاده ها ـ راه آهن

جاده ها در طی ده سال اخیر از چهار جانب مملکت راهها و جاده های چرخ رو کشیده شده و دائما بر عدهٔ آنها افزوده می

شود وما حالت طرق وشوارع ایران را تا امروز که مهرماه۱۳۰۹ میباشد ذیلا مینگاریم:

از بندرآستارا در سر حد ایران ـ روس یك جادهٔ ساحلی کشیده شده است که به پهلوی(انزلی) ـ فرح آباد ـ مشهد سر ـ بندرشاه وبندر جز رسیده تا انتهای حدود ایران در ولایت گرگان خاتمه می پذیرد وبدین طریق خاکهای ایرانرادر سواحل بحر خزر بهم مربوط می گرداند .

از جلفاجادهٔ چرخ روبه خوی ـ سلماس ـ رضائیه (ارومیه) سلدوز وساوجبلاغ مکری میرسد .

از ساوجبلاغ مکری جادهٔ چرخ روبه بانه ـ سقز ـ سنندج ـ کرمانشاه میرسد ودر واقع جلفا و کنارهٔ ارس رادر سر حد روس بخاك لرستان می پیوندد واز کرمانشاه جادهٔ دیگری به خرم‌آباد درکار ساختمان است که از طریق الشتر میگذرد وقریباً خاتمه خواهدیافت وچون خرم‌آباد هم بمحمره وبندر شاه متصل است باید گفت که‌از جلفا در سر حد روس تا بندر شاهپور در خلیج فارس خط مستقیم موتور رو موجود میگردد .

از جلفا جادهٔ چرخ روبه خوی و تبریز موجود است

از تبریز جادهٔ چرخ رو بـه میانج ـ زنجان ـ قزوین ـ طهران ساخته شده

ازپهلوی (انزلی) به‌رشت قزوین طهران جادهٔ چرخ‌رواست

از بندر جز به ساری ـ فیروز کـوه ـ دماوند ـ طهران جادهٔ چرخ رواست که مازندران و استراباد را به‌طهران می پیوندد

ازطهران به قزوین ـ همدان ـ برو جردخرم‌آباد ـ دزفول محمره جادهٔ مشهور شاهی ساخته شده است

از طهران به قم و عراق و از عراق‌به کرمانشاه وبه‌بروجرد جادهٔ چرخ رو است

از طهران به قم ـ کاشان اصفهان ـ یزدکرمان ـ بندر عباس جادهٔ چرخ رو است

از طهران‌به فیروز کوه‌ـسمنان ـ دامغان‌ـشاهرود ـ مزینان سبزوار ـ نیشابور ـ مشهد جادهٔ چرخ‌رو است

از باجگیران‌سرحد روس بقوچان ـمشهد و از بجنورد نیزبشیروان قوچان ـ مشهد جادهٔ چرخ رو موجود است

از مشهد به تربت حیدریه ـ کاریز تا هرات جاده چرخ رو است و فعلا موتورها ایاب و ذهاب دارند ولیـکن تعمیرات جزئی ضرورت دارد

از مشهد به تربت ـ گنا باد ـ شهر قاین ـ بیرجند ـ دزداب جادهٔ چرخ رو موجود میباشد که در حقیقت خراسان را بـه راه آهن بلوچستان و هندوستان پیوسته است ولیکن این جاده‌راچون انگلیس ها در دورهٔ جنك ساختند بیشتر از لحاظ سوق الجیشی‌به استقامت آن نظر داشتندلهذا ولایت سیستان از جاده بر کنارافتاده اینك مقتضی است وزارت طرق وشوارع از بیرجند جاده رابطریق قصبه نه بندان بسیستان‌بسازند و از سیستان به دزداب تا آن‌ولایت حاصل خیز از ایاب و ذهاب‌قوافل‌بهره مند گردد و تجارتش‌رونق بگیرد در حال کنونی راه از بیابان بی آبادانـی و ریگستان لوت

می گذرد ودائما بعلت‌سیل های متواتر جاده خراب میشود بعلاوه دولت ایران مقتضی است اهمیت سیستان را که غلهٔ آن می تواند در هندوستان به بهای بسیار شیرین فروش‌رود بیش از امروزتقدیر کنند - هرگاه ما بین سیستان تا دزداب که ایستگاه راه آهن بلوچستان است یك خط سبك (دوكویل) کشیده شوداین‌مقصود بعمل می آیدو چون فاصلهٔ فی مابین همه‌جا مسطح است‌ساختمان این خط آهن خیلی ارزان تمام میشود :

از دزداب به‌ایرانشهر (فهرج) و بمپور جاده چرخ رواست .

از طهران به قم - اصفهان - آباده - شیراز - کازرون - بوشهر جاده چرخ رو است .

از طهران بقزوین - همدان - کرمانشاه- قصرشیرین تابغداد جاده چرخ رو است .

چنانچه در فهرست مشروح فوق دیده میشود اینك مرکزایران باتمام سر حدات شمالی و جنوبی و شرقیو غربی بوسیلهٔ جاده های‌شوسه و موتور رو متصل میباشد و در ظرف شش شبانه روز از جلفا در کنار رود ارس بدزداب در سر حد هندوستان بطور عادی و معمولی سفر می کنند. راههای فرعی دیگر فعلا در کارساختمان است از آنجمله جادهٔ‌بندر جز از راه صحرا به بجنورد که ساحل بحر خزر را به مشهد متصل می گرداند و جاده ساحلی جنوب است که ما بین محمره - بندر شاهپور - بوشهر - لنگه - عباسی - جاسك - چابهار - گواتر کشیده میشود و جادهٔ دیگری که بمپور را به چابهار متصل‌میگرداند - در شمال‌ازایستگاه راه آهن ترکستان مقابل لطف آباد بمحمد آباد درگز جادهٔ چرخ رو

موجود است و از درگز بجلگهٔ رادکان و چناران جاده قابل موتور رانی است فقط کتل مشهور به الله اکبر دو فرسخ راه راسد کرده‌است که هر گاه وزارت طرق توجه کنند و جاده تسطیح گردد راه آهن ترکستان خیلی بمشهد نزدیکتر میشود و برای تجارت سودمند تر از جادهٔ قوچان ـ باجگیران ـ عشق آباد می‌باشد.

راه آهن - مطابق قانون انحصار قند وشکر وچائی که در دورهٔ پنجم تقنینیه گذشت راه آهن ایران بایستی از سرمایهٔ داخلی یعنی از عایداتیکه بابت انحصار قند وچائی گرد میاید ساخته شود و عایدات مزبور را مطابق دفاتر مخصوص در دوائر گمرکی جمع می کنند ـ راه آهن ایران میباید مابین دو دریای شمال و جنوب که بحر خزر وخلیج فارس باشد ممتد گردد ـ در موضوع راه آهن ایران ازمدت شصت سال قبل حرفهای مختلف گفته شده مهندسین ومتخصصین اروپائی نقشه های گوناگون پیشنهاد نموده اند که ازآن جمله یکی طرح امتداد راه است در حدود همین نقشهٔ امروزی‌که دولت پذیرفته ودیگری ساختمان راهی است که بغداد را به دزداب ملحق سازد ولیکن مشهور ترین نقشه عبارت از راه تبریز -چابهار است که از شمال غرب بجنوب شرق کشیده شده اروپا رابه ساحل عمان اتصال میبخشد ـ اما دولت ایران بنا بر دلایل عدیده همچو صلاح دانستند که فعلا نقشهٔ اتصال بحر خزر بخلیج فارس ازطریق بندر جز - شاهرود ـ طهران ـهمدان - بروجرد ـ خرم‌آباد دزفول خور موسی که کوتاه ترین فاصلهٔ خشکی است مابین دو دریا اجرا گردد ودر بارهٔ جزئیات این نقشه مهندسین و متخصصین تفحصات

بسیار کرده عبور راهرا از همدان بقزوین نه پسندیده جلگه قم و عراق را ترجیح نهادند و همچنین در مورد عبور راه از مازندران بسمت شاهرود ویا کندن نقب (تونل) وگذرانیدن آن از شمال جلگه سمنان تحقیقات کرده طریقهٔ اخیر را پسندیدند .

دولت ایران همچو خیال داشت که خود متصدی ساختمان این راه باشد لهذا مستر پولند را از امریکا استخدام کرده اداره‌ای بنام راه آهن ایجاد و بمشار الیه واگذارد ـ اما پس از نقشه برداری ومخارج مقدماتی چنان مشهور شدکه تصدی مستقیم دولت در ساختمان راه‌مصلحت نیست وپیشنهاد مقاطعه دادن آن بسندیکائی که از کمپانی‌های آلمانی . امریکائی . فرانسوی .وانگلیسی تشکیل یافته بود در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۰۷ از تصویب مجلس گذشت وبه دولت اعتبار مکفی داده شد که مخارج ساختمان را به سندیکا به پردازد ـ راه آهن ایران از جنوب تا دزفول واز شمال تا ایستگاه علی آباد میبایستی تا پائیز ۱۳۰۸ تمام شده باشد و ظاهراً هم تمام شد اما پس‌از آنکه اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی برای افتتاح‌راه وبازدید آن تشریف بردند معلوم شد ساختمانها چندان اساسی نبوده و حیف و میل بسیار در کار آمده است و بالنتیجه دولت معاملهٔ سندیکا را ملغی نمود واینك مجدداً وزارت طرق وشوارع تعمیرو تکمیل قسمت شمال رابه‌یك مؤسسهٔ آلمانی واگذارده وقسمت جنوب را مستقیماً خود تحت نظر گرفته اند وبرای ادامهٔ تعمیرات علاوه‌بر مهندسین ایرانی و امریکائی و اروپائی که در خدمت ایران هستند اخیرا یك مهندس ژاپونی نیز استخدام شد . مخارجی که تاکنون

برای ساختمان این دو خط و تعمیرات بندر شاه در شمال و بندر شاهپور در جنوب شده است به هیجده ملیون بالغ میگردد !

اما قوانین مصوبه راجع به راه آهن از اینقرار است :

در بیستم بهمن ماه ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی به دولت اجازه میدهد که با مطالعات و تحقیقات کافی مقدماتی به ساختمان راه آهن ایران بیاغازد ـ از جمله شرایط قانون مزبور یکی آنست که آنچه از مواد و ابزار ساختمان که تهیه آن در داخلهٔ ایران ممکن است از خارجه نیاورند و نیز معدن آهن استخراج و کورهٔ آهن گدازی را دایر کنند و دو متخصص یکی از آلمان برای آهن گدازی و دیگری از امریکا برای راه آهن استخدام شود (مادهٔ راجع به آهن گدازی بحیطهٔ عمل در نیامد .) ـ در ۳۰ فروردین ۱۳۰۷ دولت ایران لایحه ای تقدیم مجلس نمود که امر ساختمان راه آهن بیك سندیکای خارجی واگذار شود متشکل از : (یولن و کمپانی های آلمان) ـ (فیلیپ هولتسمان و یولموس برگر و سیمینس باواونیون) و بقیهٔ نقشه برداری را سندیکای مزبور انجام دهد بشرطی که مخارج آن از قرار کیلومتری ۳۲۸ تومان تجاوز ننماید و نیز دولت مجاز است ساختمان ۱۵۰ کیلو متر راه را درشمال و ۱۵۰ کیلو متر راه را در جنوب برای نمونه به سندیکای مزبور مقاطعه دهد ومخارج آنرا از عایدات انحصار بپردازد . (قانون انحصار در نهم خرداد ۱۳۰٤ بتصویب رسیده مقرر میدارد از هرمن قند وشکردو قران وهر من چائی ٦ قران در گمرکات بابت حق انحصار گرفته شده حساب آن جدا گانه ثبت گردد ومخصوص ساختمان راه آهن باشد.)

فصل دوم

امتیازات ـ انحصار ها

امتیازات از لحاظ قانون اساسی در مملکت ایران فقط امتیازاتی صورت‌قانونی خواهد داشت که به تصویب مجلس‌شورای ملی رسیده باشد ــ در دورهٔ مشروطیت غالب امتیازات پس‌ازتصویب مجلس بموقع عمل درآمده جز آنکه درسال‌های اول انقلاب همسایگان زورمند حکومت ایران را در غیاب مجلس زیر فشار گذارده بعضی امتیازات حاصل کردند که از آنجمله ساختمان راه آهن جلفا ـ تبریز بود که نظیر آنرا هم انگلیسان میخواستند در طریق محمره ــ خرم‌آباد بسازند ولیکن انعقاد معاهدهٔ ایران با حکومت ساوتی (سال ۱۲۹۹) هرگونه امتیازات غیر مشروع را باطل گردانید .

امتیازاتی که در طی هفت دورهٔ تقنینیه به تصویب رسیده از قرار ذیل است :

۱ ــ دولت ایران در سلطنت محمد علی میرزادرغیاب مجلس به امر شاه مستبد به نرسس تاجر باشی روس امتیاز انحصاری خرید پوست بره را میدهد (تاریخ ۷ صفر ۱۳۲۷) ـ در جمادی الاولی ۱۳۲۸ دولت مشروطهٔ ایران برای الغای آن امتیاز که فی الحقیقة مایهٔ زحمت وخسارت بوداقداماتی کردبالنتیجه قرار شد مبلغ دویست هزار تومان در ٥ سال به تجارتخانه علی اوف که امتیاز مزبور را از نرسس گرفته بود بابت مخارج مقدماتی که کرده است پرداخته‌شود و معاملهٔ محمد علی میرزا باطل باشد ـ از جمله شرایطی که درآن

موقع به دولت ایران تحمیل شد یکی آن بود که برای معاملهٔ پوست بره جوازی مقرر میگردد و قیمت آن جواز دربانك جمع شده از قرار سالی چهل هزار تومان بابت دویست هزارتومان به تجارتخانه علی اف تأدیه خواهد شد و لهذا دولت ایران تا پنج سال حق ندارد بره کشی را در مملکت ممنوع سازد .

این لایحه به تصویب مجلس دوم رسید و لهذا با آنکه نسل گوسفند در ایران روبه تقلیل گذاشته از حیث گوشت مردم جداً در زحمت افتاده بودند دولت نتوانست تا پنجسال کشتار بره را ممنوع گرداند .

۲ ـ در ۱۹ شعبان۱۳۲۸ امتیاز طلاشوئی عراق بنام‌میرزا علیمحمد خان و شهاب‌الممالك و حاج سید ابوالحسن وحسین‌آقا به تصویب مجلس رسید ـ طلاشوئی در رود آزنا به طول (۱۰۵۷۰) ذرع و به عرض (۱٤٤) ذرع بعلاوه حق استفادهٔ از معادن فلزات دیگر به استثنای طلا ونقره که درآن محوطه کشف شود به صاحبان امتیاز واگذارگردیده است . حق طلاشوئی بیست ساله و معادن‌دیگری که کشف گردد سی ساله بوده و مقرر است که از عایدات خالص‌معادن ده درصدواز طلای‌حاصل از طلاشوئی قبل از وضع مخارج ده‌درصد بدولت تسلیم شود .

۳ ـ امتیاز دیگر راجع است به کارخانه چرم سازی ، صابون پزی و روغن کشی که در تاریخ ۲٤ ذیقعده ۱۳۲۸ به ربیع زاده واگذار گردیده است ـ ماشین آلات مربوط به این امتیاز ازحقوق گمرکی معاف است و ادویه و دهنیات لازمه که از خارجه وارد

می‌کنند نیز تامدت شش سال بعد از تصویب امتیاز از گمرك معاف گردیده است و نیز تا مقدار ده هزار ذرع از اراضی بایردولتی در کنار رود کرج برای کارخانه بربیع زاده داده میشود

٤ ــ لوله کشی نفت که امتیاز آن درتاریخ ۲۸ سنبله ۱۳۲۹ به طول دوفرسخ وسبع فرسخ از بندر بیجار خاله به جادهٔ پیره‌بازار تا رشت برای مدت ۱۵ سال به کمپانی نوبل تصویب گردیدومقرراست که ربع از مجموع نفتی که هر هفته بوسیلهٔ این لوله‌ها منتقل میشود متعلق به تجار ایرانی باشد واتباع بیگانه درآن یکربع ذیدخل نباشند

٥ ــ در ۳۱ میزان ۱۳۲۹ بنام جلالیانس تبعه ایران امتیاز وارد کردن کارخانه چرم سازی تصویب میشود به شرط آنکه هرگاه از تاریخ تصویب امتیاز تا دو سال به وارد کردن کار خانه موفق شود ماشین آلات او از تادیه حقوق گمرکی معاف باشد .

٦ ــ امتیاز کشیدن سیم نقاله در تاریخ ٥ ذی قعده ۱۳۲۹ بشرکت قند سازی کهریزك تصویب میگردد که بهر یك از معادن ذغال که صلاح بداند سیم را بکشد و نیز در حمل بار و مسافر آزاد باشد بشرطی که ذغال سنك را از خرواری ۳۵ قران گرانتر نفروشد مدت امتیاز پنجاه سال و فروش اسهام بخارجه ممنوع است وهرگاه تا سه سال سیم را دایر نکند امتیاز ملغی میشود

۷ ــ امتیاز استخراج معدن خاك سرخ (اوکسید دوفر) در تاریخ ۹ ذیقعده ۱۳۲۹ بحاج معین التجار بوشهری واگذار می شود که در ظرف مدت ٥ سال مقدار سی‌هزارتن خاك از جزیره‌هرمز استخراج و به مستر استریك تسلیم دارد (بمقدمات این معامله در

فصل مخصوص خلیج فارس سابقا اشاره نموده ایم) بعد از مدت پنجسال هر قدر خاك استخراج شود صدی ۷۵ از دولت و صدی ۲۵ بابت حق الزحمه و مصارف بحاج معین تعلق می گیردو کلیهٔ معاملات حاج معین در باب خاك سرخ باید با اطلاع دولت انجام پذیرد .

۸ ـ در تاریخ ۲۰ عقرب ۱۳۰۰ هیئت وزراء یك لایحهٔ فوری به مجلس شورای ملی تقدیم داشتند که بر طبق آن امتیاز استخراج معادن نفت آذربایجان ، گیلان . مازندران ، استراباد ، خراسان بکمپانی استا ندارد اویل امریکائی واگذار میشد ـ ومجلس شورای ملی لایحه مزبور را در همان جلسه تصویب نمود مطابق این لایحه مدت امتیاز نبایستی بیش از پنجاه سال باشدو حقوق دولت بیش از صدی ده از عایدات نفت قبل از وضع مخارج مقرر گردد و نیز کمپانی حق انتقال آنرا بشرکت های دیگر ندارد . این امتیاز حائز نهایت اهمیت بود و همینکه از تصویب مجلس شورای ملی گذشت مطرح بحث وجنجال وگفتگوی سرمایه داران خارجی و کشمکش های داخلی شد و مدتها مباحثهٔ در جزئیات امتیازنامه مابین دولت و مجلس و کمپانی جریان داشت ـ و بالاخره بعد ها معلوم گشت که کمپانی استا ندارد اویل برای آنکه بتواند نفت را از خاك ایران خارج کند با شرکت نفت جنوب مشغول سازش است ـ در ۲۵ جوزای ۱۳۰۱ قانون دیگری از تصویب مجلس گذشت که شرکت کمپانی استا ندارد اویل با سرمایه داران سایر ملل برای استخراج نفت شمال ایران بایستی بااستصواب مجلس شورای

ملی صورت بگیرد ـ مسئله نفت‌شمال ایران بالاخره‌بصورت بغرنجی در آمد ـ مذاکرات دولت با استاندارداویل مقطوع گشت وکمپانی امریکائی دیگری بنام سینکلر بعنوان رقابت وی داو طلب معامله‌شد و مدتها وقت مجلس شورای ملی درتهیه و تدوین قانونی مصروف گشت که میبایستی اساس امتیاز نامه باشد و عاقبت بعد از آن همه زحمات و اتلاف وقت و مال هنگامی که قانون‌امتیاز نفت تکمیل‌و از تصویب مجلس چهارم گذشت و به کمپانی سینکلر اخطار شد کمپانی مذکور جواب داد که از این معامله منصرف گردیده‌است !

قانون امتیاز نفت شمال در ۲۳ جوزای ۱۳۰۲ تکمیل‌وبه تصویب رسید و شرایط عمده آن یکی آن بود که صاحب امتیاز بایستی امریکائی باشد و ده ملیون دولار بدولت ایران قرض دهد و در ظرف سه سال کارهای مقدماتی را از حیث نقشه برداری و غیره انجام داده باشد ـ مدت امتیاز را پنجاه سال مقرر ساخته‌و حق دولت را باصول تصاعدی قائل آمده است (خوانندگان برای‌فهم جزئیات بایستی بقانون مزبور رجوع کنند .)

۹ ـ در تاریخ ۲۰ جوزای ۱۳۰۲ قانونی از تصویب‌مجلس گذشت که استخراج نفت یکی ازپنج ایالت شمال که یا گیلان و یا مازندران باشد بیك شرکت ایرانی واگذار شود مقصود از این قانون اعطای امتیاز بود بشرکتی‌که حاج معین التجار بوشهری میخواست‌تشکیل دهد ولیکن پیش آمد های‌سیاسی انجام مقصود را معوق گذارد و قانون مزبور بلانتیجه و مسکوت ماند

۱۰ ـ در سال ۱۳۰۱ روز ۱۵ جدی‌امتیاز کبریت سازی

آذربایجان بنام محمد رحیم خوئی و حاج‌محمد باقر خوئی از تصویب مجلس گذشت ـ مطابق این قانون شرکت‌صاحب‌امتیاز بایستی درمدت پنج سال حوائج ایالت آذربایجان را به‌کبریت‌مرتفع سازد و ازمالیات معاف خواهد بود مگرآنکه مالیات جدیدی وضع شود ـ صدی دواز عایدات خالص را بمعارف و صحیهٔ آذربایجان تقدیم دارد ـ بعد از گذشتن ده سال صدی ده از عایدات خالص خود را بدولت بدهد از واگذاری امتیاز بخارجه‌ممنوع باشد ـ مدت‌امتیاز ۱۵ سال‌است

از آنجائیکه بعد از بکارافتادن کارخانه کبریت‌سازی رقابت‌سخت اجانب آغاز گشت صاحبان کارخانه دوچار عسرت شدند مجدداًدر تاریخ ۷ خرداد ۱۳۰۶ قانونی از مجلس گذشت و بر طبق آن مواد خام و ما یحتاج کارخانه کبریت سازی آذربایجان که از خارجه وارد میکند از حقوق گمرکی معاف گشت و محمولات آن بوسیله‌راه آهن آذربایجان و کشتی های دریاچهٔ رضائیه نیز مقرر شد مجانی‌پذیرفته گردد

۱۱ ـ در ۲۸ حوت ۱۳۰۱ قانونی از تصویب‌مجلس گذشت که مقرر میدارد استخراج خاك سرخ جزایر هرمز ، لارك‌و هنگام تا مدت ۱۵ سال به امتیاز حاج معین التجار بوشهری واگذار شود و مشار الیه در عوض از کلیه دعاوی گذشتهٔ خود بردولت صرف نظر نماید ـ حاج معین بایستی هر ساله پنجاه‌در صد از عایدات‌خالص خود را بدولت بدهد و نیز سالانه ۲ هزار تومان بمعارف بنادر و جزایر خلیج تقدیم دارد ـ آلات و ابزار کار که از خارجه‌وارد می کنند از حقوق گمرکی معاف است و صاحب‌امتیاز حق واگذاری آنرا به اتباع خارجه ندارد

۱۲ ـ در ۲۵ دیماه ۱۳۰۵ قانونی از مجلس گذشت که بر طبق آن امتیاز اتوبوس رانی شهر طهران بیك کمپانی دانمارکی واگذار گردید در آن موقع این امتیاز ناده از جنبهٔ سیاسی اهمیتی داشت بدینمعنی که کمپانی میپذیرفت در مناقشات و مرافعات خود با مردم ودولت تابع محاکم ایرانی باشد و طبعاً از لحاظ تصمیم دولت در الغای کاپیتولاسیون این قرار ذیقیمت بود - کمپانی دانمارکی سال ۱۳۰۷ چند دستگاه اتوبوس بزرك و مجلل وارد کرده بکار آغازید اما چون اساسا سرمایهٔ مکفی نداشت بعد از مدتی ورشکست شد

۱۳ ـ در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۰۷ حق تفتیش وانتخاب محل حفر چاه آرتزین در ولایت یزد باقا محمد رشتی واگذار شد و مقرر گشت که اگر در مدت ٤ سال صاحب امتیاز بحفر یك یا چند حلقه چاه موفق شد امتیاز مزبور تا مدت ۲۵ سال متعلق بخودش باشد

۱٤ ـ در ۳۱ تیر ماه ۱۳۰۷ کشیدن و بکار انداختن ترامواى بين محمره وعبادان باقا میرزا حسین خان موقر امتیازداده شد ـ مدت امتیاز سی سال است ونقشهٔ آن باید بتصویب وزارت فوائد عامه برسد وبیش ازصدی ۳۳ سهام آنرا نمیتوان باتباع اجنبی فروخت آلات وابزار کار تامدت پنجسال از حقوق گمرکی معاف میباشدونیز استخدام مهندسین ومتخصصین اجنبی برای ادارهٔ امور فنی ترامواى فقط بعداز تصویب وزارت خارجه ایران امکان پذیر میباشد.

انحصارها سال ۱۳۲۸ دولت ایران تصمیم گرفت که استخراج و فروش نمك طعام را بخود انحصار دهد واین تصمیم برطبق قانونی که از تصویب مجلس دوم گذشت بموقع عمل در آمد وادارهٔ انحصار

نمك در مراکز مهمهٔ ایالات و ولایات تأسیس شد ولیکن مردم از مؤسسهٔ نمك ناراضی بودند و در بعضی نقاط انقلاباتی پدید آمد و دولت ناچار گشت که انحصار نمك را ملغی سازد .

۲ ــ قانون انحصار خرید وفروش روده به دولت در هشتم ثور ۱۲۸۹ به تصویب مجلس رسید ــ مطابق این قانون معاملهٔروده منحصراً باوزارت مالیه میشود ــ وزارت مالیه بایستی مابین‌خریداران روده تجار داخله را حق تقدم بدهد وبه صنف زهتاب ایرانی روده را دوثلث کمتر از قیمت عادله بفروشد .

۳ ــ در تاریخ ۲۳ حوت ۱۲۸۹ دولت ایران تصمیم گرفت که محصول تریاك را تحت انحصار خود در آورد ولهذا قانون آنرااز تصویب مجلس گذرانید مطابق این قانون‌سوختهٔ تریاکی که درخاك های ایران کشیده میشود بایستی‌به ادارهٔ تحدید تریاك تسلیم گردد و ادارهٔ مذکور از قرار مثقالی سه شاهی قیمت سوخته را به تسلیم کننده بپردازد ــ از ابتدای‌سال سوم بعداز تاریخ این قانون هرساله هر مثقالی سه‌شاهی برقیمت تریاك‌وسه‌شاهی برقیمت شیرهٔ تریاك (بنام باندرل) افزوده خواهد گشت تا سال هفتم و سال هشتم استعمال‌تریاك در داخلهٔ مملکت بکلی ممنوع میشود ــ تریاکی که از ایران صادر میگردد از تحمیل مالیات معاف است و مجری این قانون وزارت‌مالیه ووزارت داخله میباشد .

٤ ــ در تاریخ ششم میزان ۱۳۳۳ قانون انحصار تنباکو از مجلس شورای ملی گذشت ــ مطابق این قانون دولت از محصول‌تنباکوی ایران صدی سی و از محصول‌توتون سیگار صدی بیست(ازروی قیمت)

مالیات میگیرد و بعد از وصول مالیات فروش آنرا آزاد میگذارد ـ قانون مزبور به‌دولت اجازه میدهد که تنباکو وتوتونی را که ازمملکت صادر میشود در ازای مالیات معاف گرداند

۵ ـ درطی مبحث امتیازات به معاملهٔپوست بره و امتیاززیان بخش آن اشاره‌نمودیم ـ در ۳۰ جوزای ۱۳۰۱ شمسی چون‌بره‌کشی مورث‌نقصان گله‌ها وکمیابی گوشت گردیده بود قانونی از تصویب‌مجلس گذشت که صدور پوست بره را ممنوع ساخت ونتیجهٔ آن این شد که کشتار بره تخفیف یافت .

۶ ـ در ۱۱ سرطان ۱۳۰۱ قانونی از تصویب گذشت که‌بر طبق آن هرگونه عوارض و مالیات هائی که بر کتیرا تعلق میگرفت ملغی گردید وفقط مقرر شد هنگام صدور صدی ٤ از قیمت درسرحد بابت حقوق گمرکی بپردازد .

۷ ـ اول جدی ۱۳۰۱ قانون منع خروج طلاونقره ازایران به تصویب مجلس رسید .

۸ ـ ۲۹ داو ۱۳۰۱ قانونی از تصویب مجلس گذشت که‌بر طبق آن بایستی جمیع وزراء و نمایندگان مجلس و مأمورین‌قضائی و کشوری و لشگری‌لباس خودرا از پارچه وطنی قرار دهند و این قانون از میزان ۱۳۰۲ میبایست بموقع اجرا گذارده شود (اما حالا که مهر ۱۳۰۹ میباشد هنوز اجرا نگردیده است .)

۹ ـ درتاریخ ۳۰ جوزای ۱۳۰٤ مجلس تصویب نمود که منع صدور پوست بره ملغی و صدور پوست بره آزاد باشد ولی در سرحد صدی ٤ از قیمت آن‌حقوق گمرك وصول شود .

۱۰ ـ در تاریخ ۹ فروردین و۱۲ خرداد ۱۳۰٤ قانون تجارت از تصویب مجلس شورای ملی گذشت ونیز قانون علائم صنعتی در ۹ فروردین همان سال به تصویب رسید

۱۱ ـ قانون اصلاح دخانیات هم در همان ماه مطرح بحث و تصویب شد ـ مطابق این قانون تنباکو وتوتون به سه قسم تقسیم شده ازتنباکوی قسم سوم منی ۲ قران قسم دوم منی ۳ قران و اول منی ٥ قران مالیات گرفته میشود ـ از توتون چپق سوم ٥ قران دوم ۸ قران اول ۱۲ قران ـ از توتون سیگار قسم سوم منی ۸ قران دوم ۱۲ قران سوم ۱۸ قران وصول میشود ـ توتون و تنباکوی خروجی از ادای مالیات معاف است .

۱۲ ـ قانون انحصار قندوچائی در ۹ خرداد ۱۳۰٤ به تصویب رسید مطابق این قانون از هرمن قند و شکر در سرحد دوقران و از هرمن چائی شش قران وصول میشود و این عواید مخصوص ساختمان راه آهن است ـ حساب عایدات مزبور جداگانه نگاهداری شده وبیش از صدی هشت عواید نباید صرف کار اداره و وصول وایصال آن گردد .

۱۳ ـ در تاریخ دهم خرداد ماه ۱۳۰٤ قانون توحید اوزان و مقادیر وتبدیل آن به (سیستم متریك) از تصویب مجلس گذشت مطابق این قانون یك گز مطابق میشود با یك متر ـ یك درم مطابق یك گرام ـ یك پیمانه مطابق یك لیتر ـ و تمام اوزان و مقادیر به مهر دولت ممهور میگردد .

یك گره ده یك متر ـ یك بهر صد یك متر ـ یك مو هزاریك متر ـ یك میل هزار متر ـ یك فرسنك ده هزار متر ـ یك گز مربع

مطابق یك متر مربع ــ یك قفیز صدمتر مربع ــ یك جریب دههزار
متر مربع ــ یك‌میل مربع یك ملیون متر یاگز مربع‌محسوب میگردد
و نیز یك نخود مطابق دهیك گرام یا درم ــ یك ارزن صدیك درم
یك خردل هزار یك درم ــ یك مثقال ده درم ــ یك سیر صد درم
یك سنك هزار درم میباشد.

با آنکه اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی شخصاً در این تبدیل و تجدد سودمندمبتکر و جداً طرفدار آن بودند همینکه قانون از مجلس گذشت و به وزارتخانهٔ مربوطه رجوع شد به تعلل و مسامحه دوچار آمد ــ بعضی ها خیال داشتند ساختن اوزان و مقادیر را به اروپا سفارش دهند و بسیاری این قصد را خطا دانسته میگویند در داخله قورخانه دولتی و کارخانه های شخصی کاملا از عهدهٔ انجام آن بر میآیند اما متصدیان امر معلوم نیست بنا بر چه عللی پیوسته از تصمیم قطعی در این موضوع خودداری میکنند و اکنون چند سال از موعد مقرر قانون گذشته و این اصلاح نافع هنوز به حیطه عمل‌واجرادر نیامده است.

١٤ ــ در سال ١٣٠٤ قانون ثبت شرکت نامه ها نیز به تصویب مجلس رسید و این قانون به ضمیمهٔ قانون تجارت دو تشبث پر سودی بود که برای اصلاحات اقتصادی مملکت بعمل آمد.

١٥ ــ در ١٨ بهمن ماه ١٣٠٤ شمسی قانون انحصار روده مصوب ١٣٢٨ قمری ملغی گردید و مقرر شد تهیه و فروش روده و کپون وزه متصل به روده آزاد باشد ولی هنکام صدور آن‌درسرحد ادارهٔ گمرك مخارج تهیه و حمل و نقل روده را بعلاوه صدی ده از

قیمت عادله برای متصدی گذارده مابقی قیمت را بنفع دولت ازصادر کننده وصول کند .

۱۶ – در سال ۱۳۰۴ مجلس قانونی تصویب کرد که برطبق آن ورود ماشین آلات فلاحتی و صنعتی از ادای حقوق گمرکی معاف گردید .

۱۷ – در تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ قانون انحصار دولتی تریاك از تصویب مجلس گذشت ـ مطابق این قانون معامله و نگاه داری و انبار کردن و حمل و نقل و صدور تریاك و شیره و چونه عموماً به دولت منحصر گردید ـ زارعین تریاك بایستی در ظرف سه ماه قبل از کشت تریاك اظهار نامه مشروحی باداره انحصار تقدیم دارند ـ محصول تریاك عموماً در انبار دولتی جمع شده بقیمتیکه اهل خبرهٔ محلی معین میکنند از مالکین خریداری میشود ـ دولت برای صدور تریاك جوازی میدهد و قیمت آن جواز را در فروردین هر سال اعلان مینماید ـ از تریاك لوله شده مثقالی دو قران و پانصد دینار قیمت باندرل گرفته میشود ـ سوخته تریاك بایدباداره انحصار مثقالی صد دینار فروخته شود ـ ورود تریاك از خارجه ولو برای ترانزیت باشد ممنوع است .

۱۸ – در تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۷ قانون جدیدانحصار دخانیات از تصویب مجلس گذشت ـ مطابق این قانون حق خرید و فروش و وارد و صادر کردن وتهیه و نگاهداری و حمل و نقل اجناس دخانیه و کاغذ سیگار در کلیه مملکت منحصر بدولت است و ماشین های توتون بری را باید صاحبان آن بقیمت عادله باداره انحصار دولتی

دخانیات بفروشند و یا برای نگاهداری آن از ادارهٔ انحصار اجازهٔ مخصوص حاصل کنند ـ از دخانیات محصول داخله مبالغ ذیل اخذ می شود :

از توتون سیگار و توتون چپق نیم کوب که در سیگاریاجیگاره کشیده میشود هریك من سه تومان ـ از چپق اشنویه ـ سلوانه جرمی ـ لاهیجان که از محال ساوجبلاغ مکری است سال اول منی ۵ قران سال دوم ۸ قران سال سوم و بعد از آن منی ۱۲ قران ـ از توتون چپق سنندج و کرمانشاه و ساوجبلاغ مکری سال اول منی ۳ قران سال دوم ۵ قران سال سوم و بعد از آن ۸ قران از توتون چپق سقزو بانه و همدان و دهخوارقان و نهاوندو تویسرکان و اطراف طهران سال اول منی ۲ قران سال دوم ۳ قران سال سوم و بعد از آن ۵ قران ـ از دمار سیگار منی ۲ قران ـ از کلیه اقسام تنباکو سال اول منی سی شاهی سال دوم ۲ قران سال سوم و بعد از آن ۳ قران ـ از تنباکوی چوب قلیانی منی یك قران از انواع توتون و سیگار های خارجه و اقسام کاغذ سیگار صدی پنجاه ـ از قیمتی که بعد از تأدیه گمرك تمام شده است ـ تعیین نرخ هر ساله با اداره انحصار است و مالکین بایستی مطابق آن نرخ محصول خودرا باداره بفروشند ـ هرگاه اجناس دخانیه از مملکت صادر شود ادارهٔ انحصار مالیاتی را که گرفته است باید مسترد بدارد ـ ادارهٔ انحصار میتواند با اخذ حقوق انحصار تهیه و تجارت اجناس دخانیه را بموجب جواز مخصوص آزاد بگذارد .

ضمیمه باب دوازدهم

از پروتکل منضم به عهد نامه ایران - افغان - ۲۲ آذرماه ۱۳۰۷

ماده دوم ـ دولتین متعاهدین قبول میکنند که جهت ترقی و تعالی مملکتین وملتین هرگونه وسائل و و سائطی را که برای طرف دیگر نافع ومورد احتیاج بوده ودر مملکت طرف مقابل موجود باشد اعم از وسایل مادی ومتخصص فنی وغیره باختیار طرف مقابل واگذار وطرف مقابل را بآن معاونت نماید ترتیب واگذاری ومعاونت مذکور را بر طبق مقاولات مخصوص معین خواهند کرد

همچنین طرفین متعاهدین معظمین توافق نظر حاصل نمودند که باهمدیگر تشریك مساعی اقتصادی بنمایند وقبول نمودند که در اسرع اوقات متخصصین فنی طرفین مجتمعاً شرایط و وسایل تشریك مساعی اقتصادی مزبور را بطور کلی و بالخصوص شرایط و ترتیب ایجاد وتکمیل وسایل ارتباطیه بین مملکتین را اعم از اتصال راههای مملکتین وایجاد واتصال پست زمینی و هوائی وخطوط تلگرافی باسیم و بی سیم و شرایط دادن ترانزیت آزاد واستفاده تجارت در سر تاسر خاك یکدیگر ودادن مزایا وتسهیلات گمرکی وامثال آنرا تحت مطالعهٔ دقیق قرار دهند تا پس از تصویب بموقع عمل گذارده شود

ماده سوم - اتباع طرفین متعاهدین در خاك یکدیگر درمسائل عمومی مورد معامله ملت کاملة الوداد خواهند بود

در قرار داد های تجارتی وگمرکی واقامت که باید در اسرع اوقات بین طرفین منعقد شود طرفین متعاهدین نسبت بهمدیگر معاملهٔ را که

غیرمساعد تر از معامله هر یک از آنها با هر دولت ثالثی نباشد خواهند نمود .

عهده نامه مودت واقامت بین دولتین ایران ومصر

مادهٔ سوم ـ هریك از طرفین معظمین متعاهدین حق خواهد داشت که درمملکت متعاهد دیگر ژنرال قنسول و قنسول و ویس قنسولهای کاریری تعیین نمایدمشارالیهم در پایتخت ودر شهر های عمده که معمولا این قبیل مأمورین مجاز باقامت هستند توقف خواهند نمود

بعلاوه هریك از طرفین معظمین متعاهدین پس از آنکه قبلا جلب موافقت طرف دیگر را نمود حق خواهد داشت که خارج از مأمورین کاریری قنسول و ویس قنسول یا نمایندگان قنسولی افتخاری که در شهر های مذکورهٔ در فوق اقامت خواهند نمود معین نماید . مأمورین مزبور را بهیچوجه نمیتوان از اهالی مملکت متوقف فیها انتخاب نمود نمایندگان کاریری و افتخاری هریك از طرفین که موافق ترتیب دارای اگزگواتور باشند بشرط معامله متقابله کامله از مزایای افتخاری و معافیت هائی که بموجب حقوق عمومی بین المللی مقرر است بهره مند خواهند گردید

ماده چهارم ـ اتباع هریك از طرفین معظمین متعاهدین برای دخول واقامت در خاك طرف متعاهد دیگر آزادی تام خواهند داشت و بالنتیجه میتوانند در مملکت طرف متعاهد دیگر با رعایت قوانین ونظامات جاریه آن رفت وآمد ومسافرت وتوقف واقامت نمایند .

ماده پنجم ـ اتباع هریك از طرفین معظمین متعاهدین حق خواهند داشت در خاك متعاهد دیگر بهر قسم صنعت یا تجارت

و بهر نوع کسب و حرفه اشتغال ورزند سوای حرف و مشاغلیکه بموجب قوانین مملکتی مختص اتباع داخلی است وکلیه اتباع خارجه از آن مستثنی هستند و سوای کسب یا تجارتی که مشمول انحصار دولتی یا انحصاری است که از طرف دولت داده شده اتباع هریك از دولتین حق خواهند داشت با رعایت قوانین و نظامات مملکت متوقف فیها و بهمان شرایطی که برای اتباع دولت کاملة الوداد معمول است اموال منقول یا غیر منقول خریداری وتملك وتصرف نمایند اموال اتباع مزبور را نمی توان مثل اموال اتباع داخله از تصرف آنها خارج یا آنها را از تمتع از اموال خود حتی بطور موقت محروم نمود مگر بعلتی که قانوناً مربوط بمصالح عمومی باشد ودر صورتی که غرامت اموال تأدیه گردد

مادهٔ ششم ـ اتباع هریك از طرفین معظمین متعاهدین در خاك طرف متعاهددیگر مثل اتباع داخله در امور جزائی وحقوقی وتجارتی واداری ومالیاتی وغیره تابع قوانین واحکام و مقررات و نظامات مملکتی وهمچنین تابع مقامات قضائی هستند که مختص اتباع داخله است

در موضوع احوال شخصیه چنانچه یکی از طرفین دعوی به مقامات قضائی که قانوناً ذی صلاحیت باشند رجوع نمایند مقامات قضائی مزبوره بموجب قواعد حقوق بین المللی قوانین ملی طرف متعاهد دیگر را مجری خواهند داشت مقررات فوق بوظایفی که به موجب رسوم بین المللی معمولا در قسمت سجل احوال برای قنسولها شناخته شده ونیز بحق حکمیت دوستانه آنها لطمهٔ وارد نمیسازد

ماده هفتم ـ اتباع هر یك از طرفین معظمین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر از هر گونــه تکلیف شخصی یا بیگاری یا تحمیلات نظامی و همچنین از ادای هر قسم هدایای ملی و قرضه های اجباری ومالیات های استثنائی کـه بواسطهٔ احتیاجات نظـامی تحمیل شده باشد معاف میباشند

ماده هشتم ـ طرفین معظمین متعاهدین موافقت مینمایند که در اسرع اوقات قرار داد های قنسولی وگمرکی و تجارتی که مبنی بر تساوی کامل حقوق طرفین باشد منعقد نمایند .

ماده نهم ـ این قرار داد در مدت پنج سال مجری خواهد بود چنانچه یکیاز طرفین معظمین متعاهدین شش ماه قبل از انقضای پنجسال فسخ آنرا بطرف متعاهد دیگر اعلام ننماید پس از انقضای پنجسال در هرموقع فسخ آن ممکن خواهد بود بشرط آنکه شش ماه قبل از وقت اعلام شود .

پرتکل الحاقی

۱ ـ این عهد نامه بهیچوجه بمقررات قرار داد موقتی کـه بین طرفین معظمین متعاهدین در تاریخ ۱۲ مه ۱۹۲۳ منـعقد گردیده خللی وارد نمی سازد

۲ ـ راجع بکار هائی که قبل از اجرای این عهـد نامه بر طبق قواعدجاریه بمقامات قضائی ارجاع گردیده فقط مقامات مزبوره صلاحیت رسیدگی وصدور حکم را خواهد داشت

طهران در تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۲۸ ـ ۷ آذر ۱۳۰۷

مراسلهٔ آقای کفیل وزارت امور خارجه به آقای وزیر مختار مصر

مورخه ۷ آذر ماه ۱۳۰۷ – ۲۸ نوامبر ۱۹۲۸

محترماً باستحضار آنجناب میرسانم که راجع باجرای مادهٔ ششم عهد نامه بین ایران و مصر مورخه امروز در مراتب ذیل موافقت حاصل است .

۱ – مقررات عهد نامه مزبوره بحقوق محاکم مملکتین راجع بتقاضا ودر یافت مدارك مربوطه باحوال شخصیه لطمه واردنمی‌آورد

۲ – چنانچه محاکم مصری که راجع باحوال شخصیه معمولا نسبت باتباع ایران صلاحیت اعمال قوانین ملی آنهارا بنحوی که‌در ایران مجری است داشته باشند نتوانند قوانین مزبوره را اعمال نمایند این قبیل اختلافات بمحاکم دیگربطور استثناء نسبت بصلاحیت عمومی آنها رجوع میشود .

ونیز محاکم عرفی ایران که بقضاوت بین اتباع مصر دعوت شوند در موضوع احوال شخصیه برطبق اصول‌حقوق عمومی‌بین المللی قوانین شرع را بنحوی که در مصر مجری است نسبت بانها اعمال خواهند نمود . احترامات فائقه را تجدید مینماید   امضاء پاکروان

عین همین مضمونرا نیز آقای وزیر مختار مصر متقابلة به‌کفیل وزارت امور خارجه اشعار داشته است

قرار داد اقامت

بین دولتین ایران و آلمان

ماده اول– اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر نسبت به شخص و اموالشان موافق اصول و معمول‌حقوق عمومی بین المللی پذیرفته شده و از این حیث با آنها مطابق اصول

و معمول مزبور رفتار خواهد شد

مشار الیهم از حمایت دایم قوانین و مصادر امور مملکتی نسبت بخود و اموال و حقوق و منافعشان بهره مند خواهند شدو می توانندبخاك طرف متعاهد دیگر وارد و از آنجا خارج شده و درآن مسافرت و توقف و اقامت نمایند . بااین شرط و تا وقتی که موافق قوانین و نظامات جاریه در خاك مزبور عمل نمایند

اتباع مذکوره فوق در تمام این مسائل از رفتاری که مادون رفتار معموله نسبت باتباع دولت کاملة الوداد نباشد بهره مند خواهندشد

معهذا هیچیك از مراتب فوق مانع از آن نیست که هر یك از طرفین در هر موقع مقرراتی برای تنظیم و یا منع مهاجرت‌درخاك خود وضع نمایند مشروط بر اینکه آن مقررات در حکم تبعیضی نباشد که مخصوصا متوجه کلیه اتباع طرف‌متعاهد دیگر باشد

ماده دوم ــ مقررات این قرار داد به حق هیچیك از طرفین متعاهدین لطمه وارد نمی‌آورد که توقف اتباع طرف متعاهد دیگر را در موارد مخصوصه خواه در اثر تصمیم قضائی یا از لحاظ امنیت داخلی و یا خارجی مملکت و یا بملاحظات معاونت عمومی و یا صحی و یا اخلاقی ممنوع بدارد

اخراج بترتیباتی صورت خواهد گرفت که موافق مقتضیات حفظ الصحه و انسانیت باشد

ماده سوم ــ اتباع هر یك از طرفین متعاهدین حق دارند در خاك طرف متعاهد دیگر بشرط مراعات قوانین و نظامات مملکتی مثل اتباع داخله بهر قسم صنعت و تجارت پرداخته و بهر شغل و

حرفه اشتغال ورزند اما تا حدی که مربوط بانحصارات دولتی یاانحصارات اعطائی از طرف دولت نباشد

و نیز حق مذکور فوق شامل مواردی نخواهد بود که‌مطابق قوانین و نظامات مملکتی تبعه داخله بودن شرط حتمی اشتغال بشغلی باشد

ماده چهارم ـ شرکتهای آنونیم‌وهر قسم شرکت های تجارتی منجمله شرکت های صنعتی و مالی و بیمه و ارتباطات و حمل و نقل که مقر شرکتی‌آنها در خاك یکی از طرفین متعاهدین بوده و مطابق قوانین مملکتی که مقر شرکت در آن واقع است تاسیس و شناخته شده باشد هویت حقوقی و اهلیت و حق ترافع قضائی برای آنها در خاك طرف متعاهد دیگر شناخته می شود و مبادرت آن ها بعملیات تجارتی در مملکت متوقف فیهامطابق قوانین و مقرراتی خواهد بود که در مملکت مزبوره مجری است

راجع بشرائط پذیرفته شدن شرکت های مزبوره در مملکت متعاهد دیگر و اجرای عملیات آنها و همچنین راجع بکلیه مسائل دیگر شرکتهای مزبوره میتوانند بشرط متابعت از قوانین و مقررات مملکت متوقف‌فیها بکلیه عملیات تجارتی و صنعتی بپردازند که‌مطابق مادهٔ سوم این قرار داد برای اتباع مملکتی که شرکت های مذکوره در آنجا تاسیس شده مجاز است با شرکت های مزبوره از هرحیث باید همان رفتاری بشود که با موسسات متشابه دول کاملة الوداد بعمل می آید

ماده پنجم ـ اتباع‌هر یك از دولتین و شرکت های هریك

از طرفین متعاهدین که در مادهٔچهاربآنها اشاره شده در خاكطرف متعاهد دیگر راجع بهر قسم مالیات و عوارض و همچنین کلیهٔ تحمیلات دیگری که جنبه مالی داشته باشد نسبت بشخص و اموال و حقوق و منافعشان در پیشگاه مامورین و محاکم مالیه از همان رفتار و حمایتی که نسبت باتباع‌داخله بعمل میآید بهره مندخواهندشد

ماده ششم ـ اتباع هر يك از طرفین متعاهدین حق دارندبامتابعت از قوانین و نظامات جاریه‌در خاك طرف متعاهددیگر هرقسم حقوق‌و اموال و اموال منقوله تحصیل و تصرف و نقل و انتقال نموده و یا بمعرض فروش برسانند و از این حیث با آن ها رفتار اتباع دولت کاملة الوداد میشود

راجع بحقوق و اموال غیر منقوله با اتباع هريك از طرفین متعاهدین در خاكطرف متعاهد دیگر در هر حال معامله اتباع دولت کاملة الوداد می شود و تا انعقادقرارداد مخصوصی موافقت‌حاصل‌است که اتباع آلمان در خاك ایران مجاز نیستند اموال غیر منقوله‌غیر از آنچه برای سکونت و شغل و یا صنعت آن ها لازم است‌تحصیل یا تصرف و یا تمليك نمایند

ماده هفتم ـ در منازل و کلیه اموال غیر منقوله دیگر که اتباع هر يك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر بر طبق مقررات این قرار داد تحصیل یا تمليك و یا اجاره نمایندنمی توان داخل شده و یا بتفتیشات مبادرت نمود مگر بهمان ترتیبات و مراسمی که در قوانین جاریه برای اتباع داخله مقرر است ـ و همچنین دفاتر تجارتی یا صورت حساب و یا هر قبیل اسنادی را

که در منازل یا در ادارات اتباع هریك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر باشد نمیتوان مورد تفتیش یا توقیف قرار داد مگر در تحت شرایط و مراسمی که بموجب قوانین جاریه برای اتباع داخله مقرر است

ماده هشتم ـ اتباع هریك ازطرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر راجع بحمایت خود و اموالشان در پیشگاه محاکم و مصادر امور از همان رفتاری که نسبت به اتباع داخله می شود بهره مند خواهند شد

مشار الیهم مخصوصا بدون هیچگونه مانعی به محاکم دسترسی داشته و میتوانند تحت همان شرایطی که بـرای اتباع داخله مقرر است ترافع نمایند معهذا تا انعقاد قرار داد مخصوصی ترتیبات راجعه بارفاق قضائی نسبت باشخاص بی بضاعت ووجه الضمانه خارجی ها بموجب قوانین محلیه حل و تسویه میگردد

و در مسائل راجعه بحقوق شخصی و خانوادگی و وراثت و ترکه اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر مطیع مقررات و قوانین مملکت متبوعه خود میباشند و دولت متعاهد دیگر نمیتواند از اعمال قوانین مزبوره منحرف بشود جز بطریق استثناء و تا حدی که یك چنین رویه علی العموم نسبت بکلیه ممالك خارجه دیگر اعمال شود .

ماده نهم ـ اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در موقع صلح و جنك در خاك طرف متعاهد دیگر از هر گونه الزام کار کردن برای دولت معاف میباشند مگر برای دفاع از بلایای طبیعی . مشارالیهم از

هر نوع خدمت نظامی اجباری چه در قشون بری و قوای بحری‌وهوا پیمائی و چه در گارد ملی و یا چریك و همچنین از کلیه مالیاتهائی که بجای خدمت شخصی وضع شده باشد معافیت دارند و اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر ازکلیه قرضه های‌اجباری معاف‌میباشند و نمیتوان مالیاتهای‌نظامی یاهر قسم‌مصادراتی اعم از نظامی یا غیر نظامی‌و یا انتزاع‌مالکیت برای مصالح عمومی‌جز بهمان‌شرائط و بهمان ترتیبی که نسبت به اتباع دولت کاملةالوادمعمول میگردد بآنها تحمیل نمود .

برای جبران مصادراتیکه در قسمت اول این ماده‌مذکور است و همچنین در مورد انتزاع مالکیت برای مصالح عمومی به اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر از بابت قیمت اموال منتزعه و یا مصادره شده غرامت منصفانه مطابق مقررات‌قوانین مملکت متوقف فیها که بموجب آن ترتیب این قبیل غرامات معین می گردد داده خواهد‌شد مقررات این ماده شامل شرکتهای‌مذکوره در ماده چهار نیز خواهد بود .

ماده دهم ــ این قرار داد بدونسخه اصلی بفارسی و آلمانی و فرانسه نوشته شده و در صورت بروز اختلاف در تفسیر این قرار داد متن فرانسه‌معتبر خواهد بود پس از تصویب این‌قرار دادمبادله نسخ مصوبه در اسرع اوقات ممکنه بعمل خواهد آمد

این قرار داد یکماه بعد از مبادله نسخ مصوبه بموقع اجراء گذاشته میشود و مدت پنجسال هم مجری خواهد بود و چنانچه شش ماه قبل از انقضای مدت مزبور فسخ نشود بطور ضمنی برای

مدت غیر معینی تمدید خواهد یافت در آن صورت هر موقع بفسخ آن میتوان مبادرت نمود بشرط آنکه شش ماه قبل از وقت بطرف متعاهد دیگر اخطار شود .

بناء علیهذا نمایندگان طرفین متعاهدین که دارای اختیارات لازمه بودند این قرار داد را امضا و بمهر خود ممهور نمودند

در طهران بتاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۰۷ مطابق ۱۷ فوریه ۱۹۲۹

امضا : محمد علی فرزین

امضا : فریدریك ورنر کنت فن درشولنبورك

پروتکل اختتامیه

در موقع امضای قرار داد اقامت که امروز بین دولتین ایران و آلمان منعقد گردیده اختیار داران امضاء کننده ذیل این اظهار را که جزو لایتجزای این قرار داد میباشد نمودند :ـ

— ۱ —

راجع به ماده اول

مادهٔ اول ـ قرارداد اقامت به قواعد مربوطه به تذکره و به مقررات عمومی که هریك از طرفین متعاهدین راجع به شرایط پذیرفتن کارگران خارجه در خاك خود واشتغال آنها بمشاغل وضع نموده و یا خواهد نمود لطمه وارد نمی آورد

راجع به ماده چهارم

موافقت حاصل است که به استناد مقررات ماده چهارم و هیچیك از مقررات دیگر قرار داد اقامت نمیتوان از مزایای مخصوص اعطائی ایران

به شرکتهای خارجی که عملیات آنها بموجب امتیاز نامه‌های مخصوصی تعیین شده استفاده نمود

راجع به ماده هشتم قسمت سوم

دو لتین متعاهدین موافقت‌دارند که حقوق شخصی و خانوادگی و و راثت وترکه یابعبارة‌اخری حقوق‌مربوطه به احوال شخصیه مشتمل بر مسائل ذیل است

ازدواج،ترتیب‌اموال‌بین‌زوجین– طلاق، افتراق، جهیز، ابوت نسب، قبولی فرزندی، اهلیت حقوقی – بلوغ، ولایت، و قیمومت حجر، حق وراثت بموجب وصیت نامه یا بدون وصیتنامه، تصفیه و تقسیم ما ترك و یا اموال و بطور عموم کلیه مسائل مربوطه به حقوق خانوادگی و کلیه امور مر بوطه باحوال شخصیه

— ۲ —

دولتین متعاهدین تعهد می نمایند که اتباع طرف مقابل دیگر را بدون این که قبلا دولت متبوعهٔ آنها موافقت کرده با شد به تا بعیت خود نپذیرند در طهران

بتاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۰۷ مطابق ۱۷ فوریه ۱۹۲۹

امضاء: محمدعلی فرزین

امضاء: فرید ریك ورنر کنت فن در شو لنبرك

☆☆☆

قرار داد تجارتی و گمرکی و بحرپیمائی بین دولتین ایران و آلمان

ماده اول – از محصولات طبیعی یا صنعتی آلمان در ورود

بایران حقوق گمرکی و کنفیسیان و سور تاکس یا هیچ قسم عوارض ورودی دیگری زیادتر یا غیر از آنچه از محصولات متشابه دولتی که نسبت بآن در این قسمت معامله دولت کاملة الوداد میشود دریافت می‌گردد اخذ نخواهد شد

از محصولات طبیعی یا صنعتی آلمان درموقع خروج از آلمان بایران هیچگونه حقوق گمرکی و عوارض خروجی دیگری زیاد تر یا غیر از آنچه که از امتعه متشابه در موقع خروج بقصد مملکتی که نسبت بآن در این قسمت معامله دولت کاملة الوداد می شود در یافت میگردد یا دریافت خواهد گردید اخذ نخواهد شد

ماده دوم ـ محصولات طبیعی یا صنعتی ایران در موقع ورود بآلمان مورد ادای هیچگونه حق گمرکی و کنفیسیان و سور تاکس یا هر قسم عوارض ورودی دیگری زیادتر یا غیر از آنچه از امتعه متشابه مملکتی که نسبت بآن در این قسمت معامله دولت کاملة الوداد می شود دریافت میگردد یا در یافت خواهد گردید واقع نخواهد شد

محصولات طبیعی یا صنعتی ایران در موقع صدور از ایران بآلمان مورد ادای هیچ گونه حق گمرکی و هیچ قسم عوارض خروجی دیگری زیاد تر یا غیر از حقوق گمرکی و مالیاتهای خروجی که از امتعه متشابه در موقع صدور بمملکتی که در این قسمت از معامله دولت کاملة الوداد بهره مند می شود در یافت میگردد یا در یافت خواهد گردید واقع نخواهد شد

ماده سوم ـ امتعه هر یك از طرفین متعاهدین که موافق قاعده بخاك طرف دیگر وارد گردیده و از آنها حقوق و مالیاتهای

ورودی که بموجب قوانین و نظامات برای امتعه خارجه مقرر گردیده است دریافت شده باشد پس از آن بهیچوجه مورد رفتاری مادون معامله که نسبت بمحصولات طبیعی یا صنعتی متشابه مملکت ثالث دیگری بعمل می آید واقع نخواهد گردید

ماده چهارم — راجع بکلیه ترتیبات مربوطه باخذ حقوق گمرکی و ضمانت و هر گونه مراسم دیگری راجع بورود و خروج مال‌التجاره هر یك از طرفین متعاهدین متقبل میگردد طرف دیگر رااز معامله که در این مسئله با دولت کاملة الوداد میشود بر خور دار سازد

ماده پنجم — هر گاه مبدأ یك مال التجاره مورد شك و شبهه واقع شود ادارات گمرکی هر یك از طرفین متعاهدین میتوانند تا درجهٔ که لازم بدانند ارائه تصدیقنامه‌های مبدء را تقاضا نمایند این تصدیقنامه‌ها از طرف ادارات گمرکی یا از طرف سایر مقامات صالحه مملکتی که مال التجاره از آنجا صادر گردیده داده میشود. طرفین متعاهدین صورت این ادارات و تغییراتی را که در این‌صورت بعمل آید بیکدیکر ابلاغ خواهند نمود. اگر تصدیقنامه های مبدء را یکی از ادارات گمرکی صادر ننموده باشد دولتی که مال‌التجاره به مملکت آن حمل شده ممکن است تقاضا نماید که تصدیقنامه‌های مبدء را ادارات گمرکی مملکتی که مال التجاره از آنجا صادر گردیده تصدیق نماید

تصدیقنامه‌های‌مبدء ممکن است هم بزبان مملکت مقصد وهم بزبان مملکتی که مال التجاره از آنجا صادر گردیده نوشته شود. درصورت اخیر دفاتر گمرکی مملکت مقصد میتوانند ترجمه فرانسه

تصدیقنامه راتقاضا نمایند . مال التجاره هائی که از خارجه به یکی از مملکتین وارد شده و در آنجا تغییر شکل داده یا از لحاظ صنعتی تکمیل شده باشد مثل امتعه همان مملکت محسوب خواهدشد

ماده ششم ــ طرفین متعاهدین راجع بمبادله مال التجاره بین مملکتین بهیچگونه منع یا تحدید واردات یا صادرات اقدام نخواهند نمود باستثنای ممنوعیت ها یاتحدیداتی که در موارد ذیل بعمل می آید بشرط آنکه ممنوعیتها یا تحدیدات مذکوره بنحوی اعمال نگردد که وسیله تبعیض بلامجوزی نسبت بآنها گردیده یا نسبت بمال التجاره آنها باطناً تحدیداتی را موجب گردد

۱ ــ ممنوعیتها یا تحدیدات مربوطه به امنیت عمومی .

۲ ــ ممنوعیتها یا تحدیداتی که جهات اخلاقی و نوع پروری آنهارا الزام مینماید .

۳ ــ ممنوعیتها یا تحدیدات مربوطه به تجارت اسلحه و ذخائر و مهمات جنگی یا در موارد استثنائی آنچه که به کار جنك بخورد

٤ ــ ممنوعیتها یا تحدیداتی که به ملاحظه حفظ صحت عمومی یا حفظ حیوانات یا نباتات در مقابل امراض و هوام و حشرات طفیلی موذیه لازم میشود

٥ ــ ممنوعیتها یا تحدیدات صادرات که منظور از آن حفظ ذخائر مستظرفه ملی یا آثار عتیقه یا تاریخی باشد

٦ ــ ممنوعیتها یا تحدیدات شامل طلا و نقره و مسکوکات و اسکناس و اوراق بها دار

۷ ـ ممنوعیتها یا تحدیداتیکه بموجب آن محصولات خارجه نیز مشمول رژیمی باشد که در داخله مملکت راجع به تولید و تجارت و حمل و نقل و مصرف محصولات متشابه ملی برقرار است.

۸ ـ ممنوعیتها یا تحدیدات معموله نسبت به امتعه که تولید یاتجارت آنها در داخله مملکت موضوع انحصار دولتی یاانحصارات واقعه در تحت نظارت دولت بوده و خواهد بود.

۹ـ ممنوعیتهایا تحدیداتی که غرض از آن حفظمنافع حیاتی مملکت در مواقع فوق العاده و غیر طبیعی باشد. هرگاه این قبیل اقدامات اتخاذ شود باید قسمی اجرا گردد که بالنتیجه هیچگونه تبعیض بلا مجوزی بضرر طرف متعاهد دیگر بعمل نیاید دوام اقدامات مزبوره تا وقتی است که علل یا کیفیاتی که سبب آنها بوده باقی باشد

ماده‌هفتم ـ طرفین متعاهدین حق‌ترانزیت آزاد ازخاك‌خود بیکدیگر میدهند. مواردی را که ذیلا اسم برده شده ممکن است مستثنی نمود بشرط آنکه موارد مذکوره شامل تمام ممالك یا شامل ممالکی گردد که دارای وضعیت متشابهی باشند

ا ـ بعلتی که مربوط به امنیت عمومی باشد.

ب ـ بجهات مربوطه بانتظامات صحی یا برای حفظ حیوانات یا نباتات در مقابل امراض و حشرات طفیلی

ت ـ برای تجارت اسلحه‌و ذخائر و مهمات جنگی و در موارد استثنائی هر چه که بکار جنك بخورد

طرفین متعاهدین متعهد میگردند که ازبابت ترانزیت حقوقی دریافت

نمایند معذالك از بابت حمل و نقل هائیکه بطور ترانزیت بعمل می آید ممکن است فقط بجهت مخارج نظارت و تفتیش که این ترانزیت الزام می نماید عوارضی اخذ گردد

این مقررات هم شامل مال‌التجاره هائی میباشد که بطور ترانزیت مستقیم حمل میگردد و هم شامل مال‌التجاره هائی است که از کشتی به کشتی دیگر نقل یا از نو بسته میشود و یا در موقع ترانزیت در انبار گذارده میشود

ماده هشتم — مقررات این قرار داد شامل موارد ذیل نخواهد بود

۱ — مساعدتهای مخصوصی که یکی از طرفین متعاهدین به ممالك مجاور خود برای تسهیل تجارت سرحدی در قسمتی از خاك واقعه در طرفین سرحد نموده یا خواهند نمود.

۲ — تعهداتیکه یکی از طرفین بموجب اتحاد گمرکی نموده یا خواهند نمود.

ماده نهم — طرفین متعاهدین نسبت به مسطوره جات و نمونه ها مقررات قرار داد بین‌المللی سوم نوامبر — ۱۹۲۳ امضا شده در ژنو را راجع به تسهیل مراسم گمرکی اجرا خواهند نمود.

مهلت حمل مجدد اشیاء مزبوره دوازده ماه خواهد بود.

ماده دهم — نسبت به کشتی های آلمانی و محمولات آنها در ایران و نسبت به کشتیهای ایرانی و محمولات آنها در آلمان همان قسم که نسبت به کشتیهای خود آن مملکت و محمولات آنها رفتار میشود رفتار خواهد شد و معاملهٔ که درباره آنها همیشه میشود بهیچوجه مادون رفتاری نخواهد بود که نسبت به کشتیها ومحمولات مملکت دیگری میشود

هیچگونه حقی بابت تعیین ظرفیت کشتی و ترانزیت و کانال و بندر و راه‌نمائی و فانوس دریائی وقرنطینه یاحقوق و عوارض متشابه یا متجانس دیگری بهراسمی که باشد در آبهای ساحلی یکی از طرفین از کشتی های‌طرف دیگرباسم یابه نفع دولت و مستخدمین دولتی و اشخاص متفرقه و شرکتها یامؤسسات دیگر اخذ نخواهدشد مگراینکه درتحت همان شرائط از کشتی های خود آن مملکت نیز اخذ گردد این رفتار متساوی نسبت به کشتی‌های طرفین از هر نقطه که‌وارد شوند ومقصد آنها هرجا باشد مجری خواهد گردید

مقررات‌فوق‌شامل‌طرزمعامله مخصوصی که‌یکی‌ازطرفین‌متعاهدین در مورد کشتی های صیادی‌معمول‌میدارد و همچنین‌شامل واردات ماهی که از طرف مستخدمین کشتی های خود آن مملکت صید گردیده و به خاك آن حمل میشود نخواهد بود.

همچنین‌مقررات مزبور شامل کاپوتاژ که ترتیب آن از مختصات قوانین مملکتی است نخواهد بود . معذلك راجع به‌کاپوتاژ هریك از طرفین متعاهدین برای کشتیهای خود حق کلیه مساعدتها و مزایائی را که خواهد داشت که طرف دیگر در این قسمت برای مملکت ثالثی ملحوظ نموده یا در آتیه بنماید بشرط آنکه طرف مزبور در خاك خود نسبت به کشتی های طرف دیگر همان مساعدتها و مزایا را ملحوظ بدارد .

موارد ذیل کاپوتاژ محسوب نمیشود .

۱ ـ حرکت کشتیها بین یك بندر و بندر دیگر خواه برای پیاده کردن مسافرین یا خالی کردن تمام یا قسمتی از بارهای وارده

از خارجه وخواه برای سوار کردن مسافرین با بارگیری تمام بارهائی که بخارجه حمل میشود .

۲ ــ حمل مسافرینی که دارای بلیطهای مستقیمی باشند که در خارجه یا بقصد خارجه داده شده باشد از یك بندر به بندر دیگر وحمل مال التجاره هائی که با بارنامه‌های مستقیمی که در خارجه یا بقصد خارجه داده شده باشد حمل بکشتی میشود .

ماده یازدهم ــ در صورت غرق کشتی یا وارد شدن آسیبی در دریا یا توقف اجباری آن هر یك از طرفین متعاهدین باید نسبت بکشتی های طرف متعاهد دیگر اعم از اینکه کشتی های مزبور متعلق بدولت یا متعلق باشخاص متفرقه باشد همان کمك و حمایت و همان مساعدتهائی را که در این موارد نسبت بکشتی های خود آنمملکت بعمل می آید بعمل آورد اشیائیکه از کشتیها غرق شده یا آسیب دیده نجات داده شود از هرگونه حقوق گمرکی معاف خواهد بود. در صورتیکه تحت نظر ادارات گمرکی یا سایر ادارات صالحه محلی قرار گرفته باشد . ادارات محلی باید در اسرع اوقات ممکنه غرق کشتی یا آسیب وارده را بنزدیکترین قونسول مملکتی که کشتی بآن بوده است اطلاع دهند . قونسلهای طرفین متعاهدین مجاز هستند که نسبت به اتباع خود مساعدت لازم را بعمل آورند .

ماده دوازدهم ــ این قرار داد در دو نسخه اصلی به فارسی و آلمانی و فرانسه تحریر میگردد در صورت بروز اختلاف در تفسیر قرار داد متن فرانسه معتبر خواهد بود .

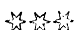
پس از تصویب این قرار داد مبادله نسخ مصوبه در اسرع

اوقات ممکنه بعمل خواهد آمد

این قرار داد یکماه بعد از مبادله نسخ مصوبه بوقمع اجرا گذارده میشودو در مدت پنج سال مجری خواهد بود چنانچه‌قرار داد شش ماه قبل از انقضاء مدت مزبور فسخ نگـردد بطور ضمنی برای مدت غیر معینی تمدید خواهد یافت و در آنصورت فسخ آن در هر موقع ممکن خواهد بود بشرط آنکـه شش ماه قبل بطرف متعاهد دیگر اعلام گردد .

بناء علیهذا اختیار داران طرفین کـه بدین ا.ر کاملا مجاز میباشند این قرار داد را امضا و بمهر خود ممهور نمودند .

در طهران ۲۸ بهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۷ فوریه ۱۹۲۹



پروتکل اختتامیه

در موقع امضای قرار داد تجارتی و گمرکی و بحر پیمائی که امروز بین دولتین ایران و آلمان منعقد گردیده اختیار داران امضا کننده این پروتکل اظهار ذیل را کـه جزء لا یتجزای خود قرار داد میباشد بعمل آوردند

مربوط به ماده ٦ موافقت حاصل است که

ا ــ تعهداتیکه طرفین نموده اند به ممنوعیتها و تحدیدات واردات یا صادرات دیگری غیر از آنچه بموجب ماده شش اجازه داده شده‌و در حین امضای این قرار داد در هر یك از مملکتین مجری و در ظرف دو ماه به طرف مقابل اعلام شده باشد مربوط نمیگردد .

ب ـ هرگاه یکی از طرفین متعاهدین باستناد مستثنیات مذکوره در ماده شش ممنوعیتها یا تحدیدات جدیدی که به تجارت طرف دیگر لطمه شدیدی وارد سازد اعمال و اجرا نماید طرف مزبور می تواند در ظرف یکسال از تاریخ اعمال و یا اجرای ممنوعیتها یا تحدیدات مزبوره این قرار داد را فسخ نماید . در این صورت قرار داد شش ماه پس از فسخ خاتمه خواهد یافت .

طهران بتاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۰۷ مطابق ۱۷ فوریه ۱۹۲۹

امضاء : محمد علی فرزین

امضاء : فریدریك ورنر کنت فن در شولنبورك



ترجمه مراسله وزیر مختار آلمان به کفیل وزارت امور خارجه ایران طهران ۱۷ فوریه ۱۹۲۹

جناب مستطاب اجل آقای میرزا محمد علی خان فرزین کفیل وزارت امور خارجه

بر حسب تقاضائی که فرموده بودند با کمال احترام خاطر عالی را مستحضر میدارد که موافق تفسیری که دولت متبوعه دوستدار از ماده دهم قرار داد تجارتی و گمرکی و بحر پیمائی امضاء شده امروز می نماید مسلم است که ماده مزبوره شامل کشتی های جنگی دولتین متعاهدتین نمی باشد

متمنی است بدوستدار لطفاً مرقوم فرمائید که دولت ایران هم مادهٔ مذکوره را بهمین معنی تفسیر می نماید مراتب احترامات فائقه

را تجدید می نماید

امضاء : فریدریك ورنر کنت فن در شولنبورك



ترجمهٔ مراسلهٔ وزارت امور خارجه بسفارت آلمان در طهران

طهران ۲۸ بهمن ۱۳۰۷ ـ ۱۷ فوریه ۱۹۲۹

جناب آقای کنت شولنبورك وزیر مختار آلمان در طهران از اظهاری که در مراسله محترمه مورخه امروز فرموده اید دائر باینکه موافق تفسیر دولت آلمان راجع بماده دهم قرار داد تجارتی و گمرکی و بحر پیمائی امضاء شده امروز مسلم است که ماده مزبوره شامل کشتیهای جنگی دولتین متعاهدتین نخواهد بود اتخاذ سند نموده و به استحضار خاطر محترم میرساند که دولت متبوعه دوستدار نیز ماده مذکور را بهمین معنی تفسیر می نماید . مراتب احترامات فائقه را تجدید می نماید

امضاء ـ فرزین

قرار داد تجارتی و گمرکی و بحر پیمائی بین دولتین ایران و جمهوری چکواسلواکی

ماده اول ـ از محصولات طبیعی یا صنعتی چکواسلواکی در ورود بایران هیچگونه حقوق گمرکی ـ کوئفسیان سور تاکس یا عوارض ورودی گمرکی زیادتر یا غیر از آنچه بامتعه متشابه دولت کاملة الوداد تعلق میگیرد یا خواهد گرفت اخذ نخواهد شد .

از محصولات طبیعی یا صنعتی چکواسلواکی در موقع صدور از

چکواسلواکی بایران هیچگونه حقوق گمرکی یا عوارض خروجی دیگر زیاد یا غیر از حقوق گمرکی و عوارض خروجی که در موقع صدور امتعه متشابه بقصد هر مملکت دیگری که از رفتار دولت کاملةالوداد بهره مند میباشد تعلق‌میگیرد و یا خواهد گرفت اخذ نخواهد شد .

ماده دوم ــ از محصولات طبیعی یا صنعتی ایران در ورود به چکواسلواکی هیچگونه حقوق گمرکی کوئفسیان ــ سورتاکس ــ یا عوارض ورودی دیگری زیادتر یا غیر از آنچه بمحصولات متشابه دولت کاملةالوداد تعلق میگیرد یا خواهد گرفت اخذ نخواهد شد .

از محصولات طبیعی یا صنعتی ایران در موقع خروج از ایران به چکواسلواکی هیچگونه حقوق گمرکی یا عوارض خروجی دیگری زیادتر یا غیر از حقوق گمرکی و عوارض خروجی که در موقع صدور امتعه متشابه بقصد هر مملکتی که از رفتار دولت کاملةالوداد بهره‌مند میباشد تعلق میگیرد یا خواهد گرفت اخذ نخواهد شد .

ماده سوم ــ محصولات هر یک از طرفین متعاهدین که مطابق قاعده بخاك طرف متعاهد دیگر و حقوق و عوارض ورودی مقرره در قوانین و نظامات مربوطه بمحصولات خارجه را پرداخته باشد بعد از آن بهیچ عنوان دیگری مشمول رفتاری مادون معاملهٔ که نسبت بمحصولات طبیعی یا صنعتی متشابه هر مملکت ثالثی میشود نخواهد شد

ماده چهارم ــ راجع بطریق اخذ حقوق گمرکی و گرفتن

وثیقه و هر نوع مراسم دیگر ورود و خروج هر یك از طرفین تعهد، مینماید طرف دیگر را از رفتاریکه نسبت بدولت کاملةالوداد میشود بهره مند سازد

ماده پنجم ـ طرفین متعاهدین در قسمت تصدیقنامه مبدأ مال التجاره مقررات قرار داد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی منعقده در ژنو مورخه پنجم نوامبر ۱۹۲۳ را اعمال خواهند نمود.

ماده ششم ـ طرفین متعاهدین بوسیله هیچنوع ممنوعیت یا تحدید واردات و یا صادرات عائقی برای مبادله امتعه یکدیگر ایجاد نخواهند نمود جز در مورد ممنوعیتها یا تحدیدات مشروحه ذیل و آنهم تا حدیکه اقدام بآن طوری نباشد که وسیله تبعیض بلامجوز یا تحدید باطنی نسبت بموارد مذکوره باشد

۱ — ممنوعیت ها یا تحدیدات مربوطه به امنیت عمومی.

۲ — ممنوعیت ها یا تحدیداتیکه بنا بر جهات اخلاقی و نوع پروری بر قرار شده باشد.

۳ ـ ممنوعیت ها یا تحدیدات مربوطه بتجارت اسلحه و ذخائر و مهمات جنگی یا در موارد استثنائی آنچه که بکار جنگ بخورد.

٤ ـ ممنوعیت ها یا تحدیداتی که برای حفظ الصحه عمومی یا حفظ حیوانات و نباتات در مقابل هوام و حشرات طفیلی موذیه بر قرار میشود

٥ ـ ممنوعیت ها یا تحدیدات صادرات که منظور از آن حفظ ذخائر مستظرفه ملی یا آثار عتیقه و یا تاریخی باشد.

۶ ـ ممنوعیت‌هایا تحدیدات مربوطه بطلاو نقره و مسکوکات و اسکناس و اوراق بهادار

۷ ـ ممنوعیتهایا تحدیداتی که بموجب آن محصولا ت خارجه نیز مشمول رژیمی باشد که در داخله مملکت راجع به تولید و تجارت و حمل و نقل و مصرف محصولا ت متشابه مملکتی برقرار است

۸ ـ ممنوعیتها یا تحدیدات معموله نسبت بامتعهٔ که تولید یا تجارت آنها در داخله مملکت موضوع انحصار دولتی یا انحصارات واقعه در تحت نظارت دولت بوده و خواهد بود .

۹ ـ ممنو عیتها یا تحدیداتی که غرض از آن حفظ منافع حیاتی مملکت در مواقع فوق العاده و غیر طبیعی باشد هر گاه این قبیل اقدامات اتخاذ شود بایدقسمی اجرا گرددکه بالنتیجه هیچگونه تبعیض بلامجوزی بضرر طرف مقابل بعمل نیاید

دوام اقدامات مزبوره تا وقتی است که علل یا کیفیاتی که مسبب آنها بوده باقی باشد

ماده هفتم ـ طرفین متعا هدین متقابلا آزادی ترانزیت در خاك خود بیکدیگر خواهند داد این آزادی ترانزیت شامل اشخاص و اسباب و امتعه و هر قسم اشیاء و محصولات و هر نوع مصالح و وسایط حمل و نقل چه با راه آهن و چه با هرنوع وسیله نقلیه دیگری که متناسب با مراوده بین المللی است خواهد بودوطرفین از این حیث معامله دولت‌کاملةالوداد رانسبت‌بیکدیگرخواهند نمود .

در موراد ذیل ممکن است‌نسبت بترتیب فوق مستثنیاتی قائل

شد ولی تاحدیکه این مستثنیات شامل ممالك دیگر و ممالکی نیز که دارای وضع متشابهی هستند باشد .

۱ ـ مستثنیاتی که بنا بر جهات امنیت عمومی وضع شده باشد

۲ ـ مستثنیاتی که بملاحظه تنظیمات صحی یا حفظ حیوانات یا نباتات در مقابل امراض و هوام و حشرات موذیه بر قرار شده باشد

۳ ـ مستثنیات راجعه به تجارت اسلحه و مهمات و ملزومات جنگی و در موارد استثنائی آنچه که بکار جنك بخورد طرفین متعاهدین متعهدمیباشند که‌از بابت ترانزیت عوارضی دریافت ننمایند معهذا ممکن است از اشیائیکه بطور ترانزیت حمل و نقل میشود عوارضی که منحصراً برای جبران مخارج نظارت لازمه این حمل و نقل باشد دریافت گردد

این مقررات شامل امتعه که مستقیماً بطور ترانزیت عبور مینمایند و همچنین شامل امتعه که از کشتی بکشتی دیگر حمل میشود یا از نو بسته و یا در مدت ترانزیت در انبار گذاشته میشود خواهد بود

ماده هشتم ـ مقررات اینقرار شامل موارد ذیل نخواهد بود

۱ — مزایای مخصوصی که هر یك از طرفین متعاهدین بممالك مجاور خود برای تسهیل مراوده در قطعه معینی از طرفین سرحد اعطاء مینمایند یا در آتیه خواهد نمود

۲ ـ تعهداتیکه هر یك از طرفین متعاهدین بموجب اتحاد گمرکی نموده است

ماده نهم ـ طرفین متعاهدین نسبت بمسطوره جات و نمونه ها مقررات قرار داد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی منعقده در ژنو

مورخه سیم نوامبر ۱۹۲۳ رااعمال خواهند نمود مهلت حمل اشیاء مزبوره ششماه خواهد بودولی ممکن است ششماه دیگر هم تمدید شود

ماه دهم — راجع بارتباط پستی مملکتین مطابق مقررات قراردادها و مقاولات پستی بین المللی رفتار خواهد شد ولی تاحدیکه راجع ببعضی از اقسام مرسولات‌قرارداد مخصوصی بین ادارات پست مملکتین منعقد نشده باشد

نسبت بمرسولات پستی طرفین هر نوع تسهیلات ممکنه که مخالف با قوانین و مقررات داخلی طرفین متعاهدین نباشد بعمل خواهد آمد تا با اینطریق ادارات‌پستی مملکتین از هر حیث مخصوصاً از حیث ترتیب و سرعت حمل و نقل بتوانند کاملا بتعهداتیکه در موقع امضای قرارداد های پستی بین المللی و مقاولات پستی خصوصی نموده‌اند وفا نمایند مخصوصاً نسبت بمرسولات پستی‌که از خاك یکی از مملکتین متعاهدین صادر و بخاك مملکت متعاهد دیگر فرستاده شده باشد در صورتیکه لازم باشد از گمرك بگذرد لازمه تسریع بعمل آمده و از عوائق غیر لازم احتراز خواهد شد تا باین طریق تعویق بلامجوزی در ایصال مرسولات مزبوره حاصل نشود.

مسائل فوق العاده ارتباط پستی بین مملکتین که محتاج به تنظیمات مخصوص و اشتراك مساعی ادارات دیگری نیز غیر از ادارهٔ پست می‌باشند با حسن موافقت کامل طرفین تسویه خواهد شد.

ماده یازدهم — نسبت بکشتی های تجارتی چکو اسلواك و محصولات آنها در ایران و کشتیهای تجارتی‌ایران و محمولات‌آنها در چکواسلواکی همانطور که با کشتیهای مملکتین و محمولات آنها رفتار میشود

رفتار خواهد شد و معاملهٔ که در بارهٔ آنها میشود بهیچوجه مادون رفتاری نخواهد بود که نسبت به کشتی ها و محمولات مملکت دیگری می شود کاپوتاژ و مزایائی که برای صید ماهی در آبهای ساحلی مملکت و استفادهٔ از آن مقرر است از ترتیب فوق مستثنی است .

ماده دوازدهم ـ اینقرارداد بدو نسخه بفرانسه نوشته شده است و پس از تصویب مبادله نسخ مصوبه در اسرع اوقات ممکنه در طهران بعمل خواهد آمد ،

اینقرارداد پانزده روز بعد از مبادله نسخ مصوبه بموقع اجرا گذاشته می شود و پنجسال مجری خواهد بود چنانکه ششماه قبل از انقضای مدت مزبور فسخ نشود بطور فصول برای مدت غیر معینی تمدید خواهد یافت و در آنصورت در هر موقع ممکن است بفسخ آن اقدام نمود مشروط باینکه ششماه قبل از وقت اعلام فسخ بشود بنابمراتب مذکوره نمایندگان مختار طرفین بامضای اینقرارداد مبادرت و آنرا بمهر خود ممهور نمودند .

طهران بتاریخ سی‌ام آوریل ۱۹۲۹ امضا فرزین امضا شوبرت

پروتکل اختتامیه

در موقع امضای قرارداد تجارتی و گمرکی و بحرپیمائی منعقدهٔ امروز بین دولت ایران و دولت جمهوری چکو اسلواکی اختیارداران امضا کننده ذیل این اظهار را که جزء لا یتجزای قرارداد محسوب میشود نمودند

(۱)

راجع بماده ـ ٦

۱ ـ بدیهی است تعهدات طرفین متعاهدین مربوط به ممنوعیتها یا تحدیدات واردات و صادرات غیر از آنچه بموجب ماده ٦ اجازه داده شده و در خاك هر یك از طرفین متعاهدین در موقع امضای اینقرار داد مجری است و در ظرف دو ماه بعد از اجرای اینقرار داد باطلاع طرف متعاهد دیگر خواهد رسید نخواهد بود

۲ ـ در صورتی که یکی از طرفین متعاهدین باستثناء مستثنیاتی که در ماده ٦ مذکور است ممنوعیتها یا تحدیدات تازه که جداً سکته بتجارت طرف متعاهد دیگر برساند مقرر بدارد دولتی که بتجارت آن لطمه وارد شده میتواند در ظرف یکسال از تاریخ برقراری ممنوعیتها و تحدیدات مزبوره اینقرار داد را فسخ نماید در این صورت هم باز قرار داد مزبور ششماه بعد از آن معتبر خواهد بود

(۲)

موافقت حاصل است که مقررات اینقرار داد بهیچوجه لطمهٔ بمقررات هر یك از طرفین متعاهدین راجع به تذکره وارد نخواهد ساخت

(۳)

چنانچه در ظرف یکسال طرفین متعاهدین عهد نامه مودت و قرار داد اقامتی را که مذاکرات آنها در جریان است امضا نمایند هر یك از طرفین متعاهدین حق خواهند داشت با وجود مقررات ماده ۱۰۲ بشرط یکماه اخطار قبل از وقت این قرار داد را فسخ نماید

طهران سی‌ام آوریل ۱۹۲۹ فرزین

قرارداد تجارت و بحرپیمائی بین دولتین ایران و اتحاد اقتصادی بلژیك و لوکزامبورك

ماده اول ـ طرفین متعاهدین با استقرار روابط خود بر روی اصل استقلال گمرکی موافقت مینمایند که به محصولات ارضی و صنعتی مملکت ایران در ورود بخاك اتحاد اقتصادی بلژیك و لوکزامبورك و بالعکس بـه محصولات ارضی و صنعتی اتحاد اقتصادی بلژیك و لوکزامبورك در ورود بایران هیچگونه حقوق و کوئفیسیان و عوارضی زیادتر یا غیر از آنچه از محصولات متشابه مملکت ثالثی اخذ میشود و یا خواهد شد تعلق نخواهد گرفت

بدیهی است که چنانچه در موقعی یکی از طرفین متعاهدین یك یا چند فقره از حداقل حقوق تعرفه گمرکی خود را تخفیف بدهد استفاده ازاین تخفیف بخودی خود شامل امتعه محصوله و یا مصنوعه از خاك طرف متعاهد دیگر نیز خواهد شد

ماده دوم — بمحصولاتی که از خاك یکی از طرفین متعاهدین بخاك طرف متعاهد دیگر صادر میشود حقوق یا عوارضی زیادتر یا غیر از آنچه از محصولات متشابه صادر بخاك دولت کاملة الوداد اخذ میشود یا خواهد شد تعلق نخواهد گرفت

ماده ۳ ـ معامله کاملة الوداد شامـل طریقهٔ وصول حقوق از واردات و صادرات و ترتیب انبار داری و عوارض و مراسم گمرکی و عملیاتی که نسبت بامتعه و ارسال آن ها در گمرك میشود اعم از این کـه امتعه مزبوره وارد یا صادر یا بطور ترانزیت حمل شود خواهد بود

ماده ٤ — محصولات ارضی و صنعتی هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر یا قسمت مالیات های داخلی ازهر قبیل که باشد از رفتاری که نسبت بمحصولات متشابه مملکتین یا محصولات متشابه دولت کاملة الوداد میشود و یا ممکن است در آتیه بشود بهره‌مند خواهند بود

ماده ٥ — طرفین متعاهدین موافقت دارند اصولا جنبه الزامی برای تصدیق نامه مبدء قائل نشوند معهذا در صورتیکه بعضی از امتعه در موقع ورود بخاك یکی از طرفین متعاهدین مشمول حقوق گمرکی مختلفی برحسب تفاوت مبدء باشند ممکن است بطور استثنا تصدیق نامه مبدء مطالبه شود تا امتعه وارده از خاك طرف متعاهد دیگر از خفیف ترین حقوق گمرکی بهره مند شود

در موقعیکه تصدیق نامه مبدء مطالبه شود طرفین متعاهدین موافقت دارند مقررات قراردادبین‌المللی تسهیل مراسم گمرکی منعقده در ژنو مورخه سیم نوامبر ۱۹۲۳ را اعمال نمایند

ماده پنجم (نمره ۲) طرفین متعاهدین تعهد مینمایند در روابط فیمابین بمقررات ذیل ترتیب اثر دهند : —

۱ — بقرارداد منعقده در ژنو مورخه ۱۹۲۳ مربوط بتسهیل مراسم گمرکی .

۲ — قرارداد و اساسنامه ترتیب بین المللی بنادر بحری که در ژنو در ۱۹۲۳ امضا شده .

۳ — پروتکل مواد حکمیت منعقده در ژنو مورخه ۱۹۲۳ راجع به قرارداد هائی که در حقوق بین الملل برسم قرارداد های تجارتی

شناخته میشود .

اعم از این که طرفین متعاهدین فقرات مذکوره دراین ماده را تصویب نموده باشند یا خیر .

ماده ششم ـ بین مملکتین متعاهدین متقابلهٔ آزادی تجارت و بحر پیمائی بر قرار خواهد بود و بدین طریق طرفین متعاهدین تعهد مینمایند در راه روابط تجارتی متقابله خود بوسیله هیچگونه ممنوعیت یا تحدیدی در واردات یا صادرات تولید عائق ننمایند .

معهذا طرفین متعاهدین این حق را برای خود محفوظ میدارند که ممنوعیت ها و تحدیدات ذیل را بشرط آنکه نسبت بتمام ممالك یا ممالکی که در وضعیت متشابهی هستند اعمال شود برقرار نمایند

۱ ـ ممنوعیت ها یا تحدیدات مربوطه بامنیت عمومی

۲ ـ ممنوعیتها یا تحدیداتی که بجهات اخلاقی یا نوع پروری ایجاب میشود

۳ ـ ممنوعیت ها و تحدیداتی که مربوط بتجارت اسلحه و مهمات و ذخایر جنگی یا در مواقع استثنائی آنچه که بکار جنك بخورد

٤ ـ ممنوعیت ها یا تحدیداتی که برای حفظ الصحه عمومی یا حفظ حیوانات یا نباتات در مقابل امراض و هوام و حشرات طفیلی موذیه برقرار شود

۵ ـ ممنوعیتها یا تحدیدات صادراتیکه منظور از آن حفظ ذخائر عتیقه و مستظرفه و تاریخی ملی باشد

٦ ـ ممنوعیتها یا تحدیدات شامل طلا و نقره و مسکوکات و اسکناس و اوراق بها دار

۷ ـ ممنوعیتها یا تحدیداتیکه‌بموجب آن محصولات خارجی نیز مشمول رژیمی باشد که در داخله مملکت راجع بتولید وتجارت و حمل و نقل و مصرف محصولات متشابهه مملکتی برقرار است

۸ ـ ممنوعیتها یا تحدیدات معموله نسبت به محصولا تیکه تولید یاتجارت آنها در داخله مملکت موضوع انحصار دولتی یا انحصارات واقعه در تحت نظارت دولت بوده و یا خواهد بود

از طرف دیگر هیچیك از مواد این قرارداد بحق هیچیك از طرفین متعاهدین خللی وارد نمی سازد که اقداماتی راجع بممنوعیت یا تحدید واردات و یا صادرات برای حفظ منافع حیاتی مملکت در مواقع فوق العاده و غیر طبیعی بنمایند چنانچه این قبیل اقدامات بعمل آید طوری اجرا خواهد شد که موجب تبعیض بلامجوز بضرر طرف متعاهد دیگر نباشد دوام اقدامات مزبوره تا وقتی است که علل یا کیفیاتی که مسبب آنها بوده است باقی باشد

از طرف دیگر در صورتیکه طرفین متعاهدین به قرارداد بین المللی رفع ممنوعیتها و تحدیدات صادرات و واردات ملحق شوند تعهد عدم ایجاد ممنوعیت ها و تحدیدات صادرات و واردات مذکوره در این ماده شامل مواردی نخواهد شد که بموجب قرار داد بین‌المللی مزبور مجاز است

ماده هفتم ـ طرفین متعاهدین تعهد می نمایند متقابلا در خاك خود بشرط انجام مراسم قانونی حق انبار و آزادی ترانزیت اسباب و مال التجاره و هر قسم کشتی و وسائط نقلیه و واگون راه آهن وسائر وسائل نقلیه را بیك دیگر بدهند و از این حیث معاملهٔ را

که نسبت به دولت ثالثی می نمایند در حق یکدیگر تضمین کنند

هر قبیل امتعه کـه از خاك گمرکی یکی از طرفین متعاهدین عبور نماید از بابت انبار و ترانزیت فقط حقوق و عوارضی را که برای تکافوی مخارج اداری و نظارت لازم است خواهند پرداخت بدون اینکه از این حیث به عوارض مالیاتی مربوطه بمعاملاتی که در مدت ترانزیت و یا انبار داری نسبت بمحصولات مزبوره می شود خللی وارد سازد

ترانزیت امتعه ممکن است ممنوع شود

۱ ـ در موقع جنك و در هـر موقع دیگـر بنا بملاحظـه حفظ امنیت

۲ ـ بجهات صحی یا برای جلوگیری از امراض حیوانی و نباتی

ماده هشتم ـ عمال سیاریکه از طرف دارالصنایع یا دارالتجاره هـای واقعه در خاك یکی از طرفین متعاهدین نمایندگـی دارند در خاك طرف متعاهد دیگر راجع بعملیات و مخصوصاً راجع بتسهیلات گمرکی که نسبت به مسطور جات میشود از همان رفتاری که در مورد عمال سیار دولت کاملة الوداد مبذول میگردد بهره‌مند خواهند شد.

اتباع هر یك از طرفین متعاهدین که ببازارهای دیگری کـه برای تجارت میروند در خاك طرف متعاهد دیگر مشمول رفتاری مادون اتباع کاملة الواد نخواهند شد.

مقررات فوق نظر باینکه شامـل طوافی و تجارت دوره گردی نیست هر یك از طرفین در این قسمت آزادی خود را محفوظ میدارد

ماده نهم ـ هر یك از طرفین متعاهدین در قسمت حق معامله

کاملة الوداد را در امر کشتیهای تجارتی و محمولات آنها اعم ازمالیات یا تسهیلات و یا چیز دیگری بطرف متعاهد دیگر میدهد

ماده دهم ـ معامله متساوی با مملکت ثالث شامل موارد ذیل نیست

۱ ـ مزایائیکه یکی از طرفین متعاهدین در قسمت تجارت سرحدی به ممالك مجاور خود در منطقه که از طرفین سرحدازپانزده کیلومتر نوعاً تجاوز ننماید داده و یا خواهد داد

۲ ـ مزایای خصوصیکه در موارد اتحاد گمرکی داده میشود.

ماده یازدهم ـ اینقرارداد هرچه زودتر برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد و مبادله نسخ مصوبه در طهران بعمل خواهد آمد و پانزده روز بعد از مبادله اسنادتصویب‌شده بموقع‌اجرا گذاشته میشود و مدت آن پنجسال خواهد بود چنانچه ششماه قبل از انقضای این پنجسال فسخ نشود بطور ضمنی ادامه یافته و تا شش ماه بعد از تاریخی که یکی از طرفین فسخ آنرا بطرف متعاهد دیگر اعلام نماید دارای اعتبار خواهد بود

ماده دوازدهم ـ اینقرارداد بدونسخه نوشته شده است

بنا بمراتب فوق اختیارداران طرفین اینقرارداد را امضا و بمهر خود ممهور نمودند طهران بتاریخ ۹ مه ۱۹۲۹ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۸)

پروتکل اختتامیه

در موقع امضای قرارداد تجارت و بحرپیمائی منعقده امروز بین ایران و اتحاد اقتصادی بلژیك و لوکزامبورك اختیارداران امضا

کننده ذیل این اظهار را که جزء لایتجزای قرار داد میباشد نمودند
طرفین متعاهدین موافقت دارند معاملهدولت کاملةالوداد مذکور
در ماده نهم شامل تسهیلاتیکه از قرار داد های خصوصی که هر یك
از طرفین با دولت دیگری راجع بنظارت و تعیین حجم سفائن منعقد
داشته نخواهد شدشناسائی متقابل تصدیقنامههای حجم سفائنوجواز
دریا نوردی باتصدیقنامههای قابلیت سیرسفائن هرچه زودتر موضوع
مقاوله نامهمخصوصی بین طرفین متعاهدین واقع خواهد شد
(طهران بتاریخ ۹ مه ۱۹۲۹ ـ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۸)

***

مراسله کفیل وزارت امور خارجه به زیر —

در طهران

آقای وزیر مختار — در موقع امضاء قرارداد تجارت و بحر پیمائی بین ایران و اتحاد اقتصادی بلژیك و لوکزامبورك مورخه ۹مه ۱۹۲۹ بانهایت احترام باستحضار خاطر محترم میرسانم که امتعه کنگوی بلژیك و قطعات «رواندا اورندی» که تحت قیمومت بلژیك است بشرط معامله متقابله در موقع ورود بایران از حد اقل تعرفه گمرکی که شامل محصولات اتحاد اقتصادی بلژیك ولوگزامبورك است کمافی السابق بهره مند خواهند بود و این ترتیب خاتمه نخواهد یافت مگر اینکه ششماه قبل از وقت این مسئله اخطار و یا این که این قرارداد فسخ شود مراتب احترامات فائقه را تجدید مینماید

محمد علی فرزین

طهران ۹ مه ۱۹۲۹ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۷)

جناب مستطاب اجل آقای فرز ین کفیل وزارت امور خارجه ـ
در مراسله مورخه ۹ مه جناب مستطاب اجل لطف فرموده تصمیم دولت ایران را در باب اینکه محصولا ت کونگوی بلژ یك و قطعات رو آندا ـ اوروندی که تحت قیمومت بلژ یك می باشد از حد اقل تعرفهٔ گمرکی که در باره محصولا ت اتحاد اقتصادی بلژ یك ولوگزامبورك مجری میگردد بهره مند خواهند بود اطلاع داده بودند .

با کمال افتخار خاطر جناب مستطاب عالی را مستحضر میدارم که بعنوان معامله متقابله دولت پادشاهی بلژ یك در مواد گمرکی راجع بمحصولا ت ایران صادره بمستملکات بلژ یك ترتیبی را که در باره دولت کاملة الوداد مجری میدارد مجری خواهد داشت و باین ترتیب خاتمه داده نخواهد شد مگر این که ٦ ماه قبل از وقت اعلام فسخ آن بشود و با قرار داد تجارتی و بحر پیمائی بین ایران و اتحاد اقتصادی بلژ یك ولوکزامبورك مورخه۹ مه۱۹۲۹ فسخ شود مراتب احترامات فائقه را تجدید مینماید کوولیه

قرارداد اقامت بین دولتین ایران و بلژ یك

ماده ۱ ـ اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهددیگر راجع بشخص و اموالشان بر طبق حقوق عمومی بین المللی پذیرفته شده و مطابق همان ترتیب با آنها رفتار خواهد شد

اتباع مز بور از حمایت قوانین و مصادر امور مملکتی نسبت بخود و اموال و حقوق و منافعشان دائماً بهره مند بوده و میتوانند در خاك طرف متعاهد دیگر داخل شده و از آن خارج و در آن مسافرت و توقف و اقامت نمایند بشرط آنکه از قوانین و نظامات جار یه در

آن مملکت متابعت نمایند

معهذا مقررات مذکوره فوق بنظاماتی که راجع بتذکره مجری است و یا در آتیه مجری خواهد شد و همچنین بحق هیچیك از طرفین متعاهدین لطمه وارد نمی‌سازد که در هر موقع تصمیماتی برای تنظیم یا منع مهاجرت در خاك خود یا تعیین شرایطی که بموجب آن کارگران خارجی بطور عموم حالا یا در آتیه بتوانند بحرفه اشتغال ورزند اتخاذ نمایند مشروط باین که تصمیمات مزبوره در حکم تبعیض نباشد که مخصوصاً متوجه اتباع طرف متعاهد دیگر باشد .

ماده ۲ هر یك از طرفین متعاهدین این حق را برای خود محفوظ میدارد که اتباع طرف متعاهد دیگر را انفراداً خواه در اثر تصمیم قانونی خواه بموجب قوانین و نظامات مربوطه به نظمیه خواه بجهات امنیت داخلی و یا خارجی مملکت که خود یگانه مشخص آن است اخراج نماید .

اخراج بترتیباتی که مطابق حفظ الصحه و نوع پرستی باشد صورت خواهد گرفت

ماده ۳ ـ اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر با متابعت از قوانین و نظامات مملکت متوقف فیها حق دارند بهر تجارت و صنعت و حرفـه و یا شغلی اشتغال ورزند باستثناء آنچه که بموجب قوانین ونظامات فقط باتباع داخله منحصر و یا در آتیه انحصار خواهد یافت و باستثناء آنچه مشمول انحصار دولتی و یا امتیاز اعطائی از طرف دولت بوده و یا خواهد بود و باستثناء طوافی و هر قسم تجارت دوره گردی اتباع مزبوره درخاك طرف متعاهد دیگر

مشمول عوارض حقوقی یا مالیات بهر عنوان که باشد ز یادتر یاغیر از آن چه از اتباع داخله در موارد متشابه مطالبه می شود نخواهند بود بدون اینکه از این حیث خللی بمقررات ماده ۸ این قرارداد وارد آید

معهذامراتب فوق درموارد لازمه مانع از وصول عوارض «توقف» و عوارض راجعه باجرای مراسم مربوطه به نظمیه نخواهد بود و بدیهی است از این حیث اتباع هر یك از طرفین در خاك طرف متعاهد دیگر از رفتار اتباع دولت كاملة الوداد استفاده خواهند کرد .

ماده چهارم ـ مساکن و کلیه اموال غیر منقوله که اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر کسب نموده یا تصرف و یا اجاره نموده باشند مورد رسیدگی و تفتیش واقع نخواهد شد مگر بهمان شرائط و همان مراسمی که بموجب قوانین و احکام و نظامات برای اتباع داخله مقرر است

ماده پنجم ـ اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر در امور مربوطه بحمایت قانونی و قضائی خود و اموالشان از همان رفتاری که نسبت باتباع داخله مبذول می گردد بهره مند خواهند شد

علیهذا آزادانه و بسهولت بمحاکم دسترس داشته و میتوانند مانند اتباع داخله در عدلیه ترافع نمایند بشرط مراعات مقررات مربوطه بوجه الضمانه مخصوص خارجیها و ارفاق قضائی مجانی که تابع مقررات محلی خواهد بود تا وقتیکه تکلیف تسویه این دو موضوع درقرارداد مخصوصی بین طرفین متعاهدین معلوم شود

ماده ششم — در امور مربوطه باحوال‌شخصیه محاکم هر یك از طرفین متعاهدین نسبت باتباع طرف متعاهد دیگر قانون مملکت متبوعه آنهارا اعمال خواهد نمود .

ماده هفتم — اتباع هر یك از طرفین متعاهدین حق خواهند داشت با متابعت از قوانین و نظامات جاریه در خاك طرف متعاهد دیگر هر قسم حقوق و اموال منقول و یا غیر منقول که تحصیل و فروش و انتقال و یا تصرف آن برای اتباع مملکت ثالثی بموجب‌قوانین و نظامات مملکت متوقف فیها مجاز و یا در آتیه مجاز خواهد بود تحصیل و تصرف نموده و یا بمعرض فروش و انتقال درآورند

مالکیت اتباع مزبوره را نسبت باموالشان نمیتوان سلب نمود و یا آنهارا ولو موقتاً هم باشد از استفاده از اموالشان باز داشت مگر بهمان شرائط و در مقابل ادای غراماتی کــه در قوانین محلی برای اتباع داخله مقرر است

ماده هشتم — اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك‌طرف متعاهد دیگر از هر خدمت نظامی و هر خدمت اجباری معاف می باشند جز خدمتی که برای دفاع از بلیات طبیعی مقرر شود .

اتباع مزبوره در خاك طرف معاهد دیگر از هر قرضه اجباری و هر مالیاتی که برای حوائج جنگ برقرار شود معاف میباشندو نمیتوان آنهارا در موقع صلح و جنگ جز بمصادرات نظامی که قانوناً به اتباع داخله تحمیل میشود ملزم نمود آنهم بهمان اندازه و شرائطی کــه نسبت باتباع داخله معمول میگردد .

ماده نهم — شرکتهای صنعتی و یا تجارتی کــه برطبق قوانین

یکی از طرفین متعاهدین تاسیس و مقر شرکتی آنها در خاك مملکت مشارالیها بوده و در آنجا قانوناً بتابعیت آن مملکت شناخته شده باشند هویت حقوقی و اهلیت آنها در خاك طرف متعاهد دیگر شناخته خواهد شد .

شرکت های مزبور میتوانند در خاك طرف متعاهد دیگر بشرط متابعت از قوانین و مقررات جاریه آن مستقر شده و بهر تجارت یا صنعتی که برای اتباع مملکت متبوعه آنها مجاز است و برای همان قسم شرکتهای دولت کاملةالوداد نیز ممنوع نیست اشتغال ورزند

در امر اموال منقوله و غیر منقوله در خاك طرف متعاهد دیگر همان حقوقی را دارا خواهد بود که بموجب ماده هفتم باتباع دولت

در امر مالیات از همان ترتیبی که همان قسم شرکتهای دولت کاملةالوداد دارند استفاده خواهند نمود

ولی معهذا مسلم است مقررات این قرارداد بشرکت های مزبور حق نمیدهد مزایای مخصوصی را در حق خود دعوی نمایند که در ایران بشرکتهائیکه ترتیب عملیاتشان بموجب امتیاز نامه های مخصوص معین شده اعطا گردیده است

از طرف دیگر شرکتهای هر یك ازطرفین متعاهدین که شرائط عملیاتشان در خاك طرف متعاهد دیگر بموجب امتیاز نامه های مخصوص معین شده حق نخواهند داشت راجع بموادیکه در امتیاز نامه آنها پیش بینی شده مزایائیکه بموجب عهود و قرارداد های جاریه یا ناشیه از ترتیب معامله دولت کاملةالوداد اعطا میشود دعوی نمایند

ماده دهم ـ باستثناد این قرارداد هیچیك ازطرفین نمیتوانند استفاده از مزایائی را که طرف متعاهد دیگر بمملکت ثالثی بموجب اتحاد اقتصادی، داده و یا خواهد داد دعوی نمایند

ماده یازدهم ـ اینقرارداد شامل مستملکات یا ممالك تحت قیمومت طرفین متعاهدین نیست

ماده دوازدهم ـ اینقرارداد برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد و مبادله نسخ مصوبه هر چه زودتر در طهران بعمل خواهد آمد وپانزده روز بعداز این مبادلهبموقع اجرا گذاشته میشود و تا مدت پنجسال مجرا خواهد بود ودر صورتیکه ششماه قبل از انقضاء مدت پنجسال مزبور فسخ نشود بطور ضمنی ادامه یافته و اعتبار آن ششماه بعد از آنکه یکی ازطرفین متعاهدین فسخ قرارداد را بطرف دیگر اعلام نمود زائل میشود

ماده سیزدهم ـ اینقرارداد بدو نسخه نوشته شدهاست

بنا بمراتب فوق اختیار داران طرفین متعاهدین اینقرارداد را امضا و بمهر خود ممهور نمودند .

طهران بتاریخ ۹ مه ۱۹۲۹ ـ اردیبهشت ۱۳۰۸

عهد نامه اقامت و تجارت و بحر پیمائی

بین دولتین ایران و سوئد

مادهٔ ۱ ـ اتباع هر یك از دولتین متعاهدین میتوانند آزادانه بخاك مملکت متعاهد دیگر وارد و از آنجا خارج شده و در آن مسافرت و توقف و اقامت نمایند با این شرط که موافق قوانین و

نظامات جاریه در خاك مزبور عمل نمایند مشارالیهم از حمایت دائم قوانین و مصادر امور مملکتی نسبت بخود و اموال و حقوق و منافعشان بهره مند خواهند شد و در تمام مسائل مذکوره در این ماده از رفتاری که مادون رفتار معموله نسبت به اتباع دول کاملةالوداد نباشد بهره‌مند خواهند شد

واضح است که مقررات مذکوره فوق موجب تحدید حقوق هیچ یك از دولتین متعاهدین نخواهد شد که در موقع معینه بموجب حکم قضائی یا از لحاظ امنیت داخلی و خارجی مملکتی و یا انتظامات عمومی و یا بجهات معاونت عمومی یا انتظامات صحی و اخلاقی از صدور اجازه اقامت اتباع طرف متعاهد دیگر در خاك خود امتناع نمایند

مادهٔ دوم — اتباع هر یك از دولتین متعاهدتین حق دارند در خاك طرف متعاهد دیگر بهمان شرایطی که برای اتباع دول کاملةالوداد مقرر است اموال منقول و غیر منقول تحصیل و تصرف نموده و بوسیله فروش و هدیه یا نقل و انتقال و یا از طریق ازدواج وارثیه و ما ترك و یا بوسائل دیگری در آنها تصرف مالکانه بنمایند بعلاوه مشارالیهم آزادند اموالی که بطریق مذکوره در مقدمه اینماده بدست آورند از مملکت خارج نمایند و در موارد مذکوره در فوق هیچ گونه مالیات حقوق و عوارض و تحدیداتی زیادتر یا غیر از آنچه شامل اتباع دول کاملةالوداد میباشد بآنها تعلق نمی گیرد .

مادهٔ ۳ — اتباع هر یك از دولتین متعاهدتین در خاك مملکت متعاهد دیگـر از حیث اشتغال بهرگونه تجارت و صنعتی از همان امتیازات و معافیت ها و مساعدتهائی که برای اتباع دول کاملةالوداد

شناخته شده و یا ملحوظ خواهد گردید بهره‌مند خواهند شد ـ

مشارالیهم حق دارند بهمان شرائط و حدودی کـه برای اتباع دول کاملةالوداد مقرر است بهر شغل و حرفه اشتغال ورزند مشروط براینکه شغل مزبور منحصرا باتباع داخله اختصاص نداشته و یاموضوع انحصارات دولتی یا انحصارات اعطائی از طرف دولت نباشد

ماده ٤ ـ اتباع هر یك از دولتین متعاهدتین در خاك دولت متعاهد دیگر نسبت به خود و اموال و حقوق و منافعشان وهمچنین برای اشتغال بهر قسم تجارت و صنعتی مشمول هیچگونه عوارض و مالیات مستقیم و غیر مستقیم زیادتر یا غیر از آنچه از اتباع دول کاملةالوداد ماخوذ میگردد نخواهند بود

ماده ٥ ـ اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك مملکت متعاهد دیگر راجع بحفظ و حمایت خودو اموالشان در پیشگاه محاکم و مصادر امور مملکتی از همان رفتار یکه نسبت به اتباع داخله می شود بهره مند خواهند شد

مشارالیهم مخصوصاً بدون هیچگونه مانعی بمحاکم دسترس داشته میتوانند در تحت همان شرایطی که برای اتباع داخله مقرر است ترافع نمایند مسائل راجعه بوجه الضمانه مخصوص خارجی ها و ارفاق قضائی مجانی و اوراق قضائی و غیر قضائی و استرداد مقصرین باید بموجب قرارداد مخصوص بین دولتین متعاهدتین تنظیم گردد در مسائل مربوطه باحوال شخصیه اتباع دولت سوئد در ایران و اتباع دولت ایران در سوئد تابع قوانین مملکت متبوعه خود هستند

ماده ٦ ـ منازل و کلیه اموال غیر منقوله دیگر اتباع هر

یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر مورد دخول یا تفتیش واقع نخواهد شد مگر در تحت شرایط و مراسمی که بموجب قوانین و احکام و نظامات برای اتباع داخله مقرر است و همین طور نمی توان دفاتر و اوراق و محاسباتی که در آنجا است تحت رسیدگی در آورده و تفتیش نمود مگر بشرایط و مراسمی که در فوق مذکور شد

ماده ۷ — از اتباع هر یك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر نمیتوان سلب مالکیت نمود یا مشارالیهم را و لو موقت هم باشد از حق استفاده از اموال خودشان محروم داشت مگر بشرایط و در ازای غراماتی که در قوانین برای اتباع داخله پیش بینی شده است

ماده ۸ — اتباع هر یك از دولتین متعاهدتین در خاك مملکت متعاهد دیگر در مواقع صلح یا جنگ از قرضه های اجباری وهدایای مالی و همینطور کلیه مالیات ها از هر قسم که باشد و برای احتیاجات جنگی تحمیل شده باشند معاف هستند .

مشارالیهم همینطور ازخدمت نظامی شخصی و اجباری و هر مالیات و عوارضی که بجای خدمات مذکوره وضع شده باشد معاف خواهند بود ، راجع به مصادرات و کلیه تحمیلات نظیر آن که برای احتیاجات قشونی مقرر شده باشد با مشارالیهم مادون آنچه نسبت باتباع دول کاملةالوداد معمول میگردد رفتار نخواهد شد

ماده ۹ — شرکتهای آنونیم و کلیه شرکتهای دیگری که منظور آن تجارت و یا انتفاع باشد از قبیل شرکتهای تجارتی و صنعتی و مالی و حمل و نقل و بیمه که مقر شرکتی آنها در خاك یکی از طرفین متعاهدین بوده و در آنجا مطابق قوانین مملکتی تاسیس و تابعیت

آنها رسماً شناخته شده باشد در خاك طرف متعاهد دیگر نیز شناخته شده و در آنجا حق ترافع قضائی بعنوان مدعی و مدعی علیه خواهند داشت و با شرکتهای مزبوره از هر حیث و مخصوصاً از لحاظ عملیات مربوطه بخود و تحصیل و تصرف اموال منقول و غیر منقول و تصرفات مالکانه در آنها و همچنین راجع بمالیات همان رفتاری خواهد شد که نسبت بشرکت های دول کاملة الوداد معمول میگردد ـ و بعلاوه مقررات مواد ۵ و ۸ راجع باتباع دولتین متعاهدتین نسبت بشرکتهای مذکوره در فوق نیز برسم تشابه معمول ومجری خواهد بود

ماده ۱۰ ـ دولتین متعاهدتین نسبت به واردات و صادرات مال التجاره طرفین هیچ قسم ممنوعیت ها یا تحدیداتی که در تحت همان شرایط نسبت بواردات وصادرات مال التجاره متشابه سایر ممالك معمول و مجری نباشد وضع ننموده وبرقرار نخواهند گذاشت معهذا ممنوعیت‌ها یا تحدیدات ذیل درحکم انحراف از اصل معاهده کاملة الوداد تلقی نخواهد شد

الف ـ ممنوعیت ها یا تحدیدات برای انتظامات عمومی و امنیت داخلی و خارجی مملکت

ب ـ ممنوعیت ها یا تحدیداتی که برای حفظ الصحه عمومی یا بملاحظه حفاظت حیوانات یا نباتات مفیده در مقابل امراض وحشرات مضره و یا طفیلی و یا برای جلوگیری از فساد نسل و از بین رفتن جنس ا تات مفیده وضع شده باشد

ج ـ ممنوعیت ها یا تحدیدات راجع بصادرات اسلحه و ذخائر و مهمات جنگی

د ـ ممنوعیت ها یا تحدیداتی که شامل محصولاتی باشد که در تحت انحصار دولت بوده و یا در تحت انحصار اعطائی از طرف دولت باشد

ماده ۱۱ ـ هر یك از دولتین متعاهدتین در باب حقوق ورودی و کلیه حقوق و مالیاتهائی که بهر اسم و رسم در موقع ورود مال التجاره ماخوذ میگردد متعهد میشود که بمحصولات ارضی وصنعتی مملکت متعاهد دیگر همان حقوق گمرکی کوئفیسیان و سور تاکس و عوارض ورودی که عموماً به محصولات متشابه دول کاملة الوداد تعلق گرفته یا خواهد گرفت فوراً بدون شرطی معمول و مجری دارند

۲ ـ دولتین متعاهدتین متقابلا معامله دول کاملة الوداد راراجع بحقوق خروجی و کلیه حقوق یا مالیات هائی که در موقع صدور امتعه تعلق میگیرد نسبت به یکدیگر مرعی خواهند داشت

۳ ـ بعلاوه دولتین متعاهدتین متقابلا متعهد میشوند که راجع به ترتیبات و مراسم گمرکی « در و باك » (حقوقی است که از مواد خام وارده بمملکت بطور امانت گرفته میشود که چنانچه همان مواد بصورت ساخته شده از مملکت خارج شود حقوق مزبور مسترد گردد) و انبار گذاشتن مال التجاره و عملیاتی که نسبت بآنها میشود و حقوق و مالیاتهائی که بآنها تعلق میگیرد و همینطور درباب طرز تفتیش و تجزیه شیمیائی امتعه در گمرك و شرائط پرداخت حقوق و مالیاتها و تفسیر تعرفه گمرکی و ارسال مال التجاره وارد شده و صادر شده و ترانزیتی در گمرك معامله دولت کاملة الوداد را نسبت بیکدیگر بنمایند

ماده ۱۲ ـ دولتین متعاهدتین موافقند که درباب تجارت

فیمابین آنچه راجع به تصدیقنامه مبدء است ترتیبات و مقررات قرارداد بین‌المللی تسهیل مراسم گمرکی امضا شده در ژنو مورخه ۳ نوامبر ۱۹۲۳ را مجری و معمول بدارند

تصدیق صحت تصدیقنامه های مبدئیکه از طرف اداره گمرك یا اطاق تجارتی که برای این کار صلاحیت داشته باشند صادر شده باشد ضروری نیست در مواقعی که تصدیقنامه مبدأ را ادارات یا مؤسسات دیگری صادر نموده باشند دولت مملکتی که مال‌التجاره به آنجا وارد میشود حق دارد تقاضا نماید که این قسم تصدیق‌نامه‌های مبدأ از طرف نمایندگان سیاسی یا قونسولگری صالحه در محل ارسال تصدیق شده باشد این تصدیقات مجانی خواهد بود ـ ادارات مملکت مقصد حق دارند ترجمه فرانسه تصدیقنامه های مبدء را بخواهند

ماده ۱۳ ـ حقوق و مالیاتهای داخلی را که در خاك هر یك از طرفین متعاهدین بهر اسمی از مال‌التجاره در موقع تولید و تهیه و حمل و نقل و یا هنگام خرید و یا مصرف آن بنفع دولت یا ولایات و یا نواحی و یا اتحادیه ها مأخوذ میگردد و یا مأخوذ خواهد گردید نمیتوان در تحت هیچ عنوانی از مال‌التجاره طرف متعاهد دیگر سنگینتر از میزانی در یافت کرد که بامتعه دول کاملة‌الوداد تعلق میگیرد

ماده ۱۴ ـ اشخاص و یا شرکتهائیکه در سوئد اشتغال بامر تجارت و یا صنعت دارند در ایران راجع به علائم تجارتی و صنعتی با این شرط که مراسم مقرره این مملکت را مرعی دارند از همان حمایتی بهره مند خواهند گردید که نسبت به تجار یا صنعتگرانی که در ایران سکنی دارند معمول بوده و یا خواهد بود و همینطور اشخاص

و یا شرکتهائیکه در ایران بامر تجارت و یا صنعت اشتغال دارند در سوئد راجع به علائم تجارتی و صنعتی با این شرطیکه مراسم مقرره آن مملکت را مجرا دارند از همان حمایتی بهره مند خواهند گردید که نسبت بتجار و صنعت گرانی که در سوئد سکنی دارند معمول بوده و یا معمول خواهد بود معهذا مقررات این ماده موجب نمیشوند که طرفین متعاهدین ادعا نمایند که حمایت علائم مذکوره بیشتر و برای مدت طولانی تری باشد که در مملکت اصلی مقرر است

ماده ۱۵ — دولتین متعاهدتین متقابلا در قسمت ترانزیت اشخاص و اسباب و هر قبیل امتعه و هر قسم مرسولات و وسائط نقلیه معامله کاملة الوداد را نسبت بیکدیگر مرعی خواهند داشت معهذا ممنوعیتها و تحدیدات ذیل که بر طبق اصول عمومی وضع و یا بر قرار شده باشد در حکم انحراف از اصل معامله کاملة الوداد نخواهد بود :

۱ — ممنوعیتها و یا تحدیداتی که بملاحظه امنیت عمومی یا امنیت داخلی و یا خارجی مملکت وضع شده باشد

۲ — ممنوعیتها و یاتحدیداتیکه بملاحظه حفظ الصحه عمومی یا حفظ حیوانات یا نباتات مفیده در مقابل امراض و هوام موذیه و حشرات طفیلی یا برای جلوگیری از فساد نسل یا از بین رفتن نباتات مفیده وضع شده باشد

ماده ۱۶ — تجار یا صاحبان کارخانه و سایر صنعتگران اتباع یکی از دولتین متعاهدین و همینطور عمال تجارتی آن درخاك طرف متعاهد دیگر آنچه راجع بعملیات آنها و مخصوصاً در خصوص مالیات و تسهیلات گمرکی که شامل مسطورجات است از همان رفتاری که

راجع بتجار و صاحبان کارخانه و صنعتگران و عمال تجارتی که دول کاملة‌الوداد معمول است بهره‌مندخواهند شد

در مواقعی که ارائه ورقه هویت برای عمال تجارتی در یکی از دولتین متعاهدتین تقاضا شود مقررات قرارداد بین‌المللی تسهیلات مراسم گمرکی که در سوم نوامبر ۱۹۲۳ در ژنو امضاء شده است معمول خواهد گردید معهذا ویزای ورقه مزبور از طرف قونسولگری یا ادارات دیگری لازم نخواهد بود

ماده ۱۷ — کشتیهای سوئدی و محمولات آن در ایران و کشتیهای ایران و محمولات آن در سوئد ازهر کجا که حرکت نموده باشند و مقصد آنها هر جا باشد و همینطور مبدأ و مقصد محمولات آنها هر کجا باشد از همان رفتاری که نسبت بکشتیها و محمولات دول کاملة‌الوداد ملحوظ میگردد بهره مند خواهند شد مقررات این ماده شامل کابوتاژ و امتیازاتی که دولتین متعاهدین نسبت به صید ماهی در آبهای خود مرعی میدارند و یا خواهند داشت نخواهد بود

از اجازه ورود کشتیهای جنگی هر یك از طرفین متعاهدین در آبهای طرف متعاهد دیگر در این قرارداد بحثی نشده و تابع مقررات موضوعه مملکتی خواهد بود

ماده ۱۸ — تابعیت کشتیهای هر یك ازطرفین باسناد و تصدیقنامه هائی که در این باب از ادارات صالحه دول متعاهد بر طبق قوانین و نظامات هر یك از دولتین صادر شده است تعیین میگردد

اوراق تعیین حجم کشتی وهم چنین اسناد مربوطه بتعیین حجم که از طرف یکی از دولتین متعاهدتین صادر شده باشد ازطرف

دولت متعاهد دیگر بر طبق مقررات مخصوصی که ممکن است بین دولتین منعقد گردد شناخته میشود

ماده ۱۹ ـ هرگاه کشتی های طرفین متعاهدتین در آبهای طرف متعاهد دیگر آسیبی دیده یا غرق شوند کشتی و محمولات آنها از همان معافیت هائی که قوانین و مقررات دولتین متقابلا در مواقع نظیر آن برای کشتی ها ومحمولات خود مرعی میدارند بهره‌مند خواهند شد و به نا خدا و اعضاء کشتی چه نسبت بخودشان و چه نسبت به کشتی و محمولات آن همان درجه مساعدت و حمایتی مبذول خواهد شد که نسبت به اتباع داخله ملحوظ میگردد اشیائی که از کشتی آسیب دیده یا غرق شده نجات داده میشود از هرگونه حقوق و گمرك معاف خواهد بود مگر اینکه اشیاء مز بور برای مصرف داخلی بکار برده شود

ماده ۲۰ ـ دولتین متعاهدتین متقابلا حق دارند نمایندگان قنسولی در پایتخت و شهر های مهمی که این قبیل مأمورین خارجی مجاز به اقامت هستند معین نمایند

نمایندگان قنسولی که از طرف یکی از طرفین متعاهدین منصوب شده اند مطابق اصل معامله متقابله در خاك طرف متعاهد دیگر از کلیه مزایا و معافیت ها و مصونیتها و حقوقی که برای نمایندگان قنسولی دول ثالثی شناخته شده و یا شناخته خواهد شد بهره مند خواهند گردید

ماده ۲۱ ـ معامله دول کاملةالوداد مذکوره در این قرارداد شامل موارد ذیل نخواهد بود

الف ـ مزایائی که یکی از طرفین متعاهدین بدول مجاور برای تسهیلات تجارت سرحدی داده و یا خواهد داد

ب ـ مزایائی که دولت سوئد ممکن است بدولت دانمارك یا نروژ و یا بهر دوی آنها بدهد در صورتی که این مزایا را بهیچ دولت دیگر نداده باشد

ج ـ تعهداتی که یکی از طرفین متعاهدین بموجب اتحاد گمرکی کرده و یا در آتیه خواهند کرد

ماده ۲۲ ـ این عهد نامه بر طبق قانون اساسی هـر یك از دولتین متعاهدتین بتصویب خواهـد رسید و مبادلهٔ نسخ مصوبه به اسرع اوقات ممکنه صورت خواهد گرفت ـ این قرار داد ۱۵ روز پس از مبادله نسخ مصوبه بموقع اجرا گذاشته میشود و مدت آن ۵ سال است چنانچه ۲ ماه قبل از انقضاء مدت مذکور درفوق این قرارداد فسخ نشود بطور ضمنی ادامه یافته و تا ٦ ماه بعد از تاریخی که یکی طرفین فسخ آن را بطرف متعاهد دیگـر اعلام نماید دارای اعتبار خواهد بود

بنا بمراتب فوق اختیار داران طرفین این قرارداد را امضاء و بمهر خود ممهور نمودند

طهران ۱۰ مه ۱۹۲۹ ـ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸

پروتـکل اختتامیه

در موقع امضای عهد نامه اقامت و تجارت و بحر پیمائی اختیار داران دولتین متعاهدتین در باب مقررات ذیل نیز که جزء لا یتجزای عهد نامه است توافق حاصل نمودند :

راجع به ماده ۱ بهیچ وجه بمقرراتی که در هر یك از مملـکتین در باب تذکره مجری بوده و یا خواهد بود و همچنین بمقرراتی که در

باب حق اشتغال اتباع خارجه بکار وضع شده و یا بشود خللی وارد نخواهد آورد و بعلاوه هیچیك از مقررات عهدنامه اقامت و تجارت و بحر پیمائی مانع نخواهد شد که هر یك از دولتین متعاهدین در هرموقع مقرراتی برای تنظیم یا منع مهاجرت به خاك خود وضع نمایند مشروط بر آنکه این مقررات در حکم تبعیضی نباشد که بالا ختصاص متوجه کلیه اتباع طرف متعاهد دیگر باشد

راجع به ماده ۳ و ۹ ـ مقررات این عهد نامه نسبت به رفتار معامله کاملة الوداد موجب نمی شود کــه یکی از طرفین متعاهدین باستناد آن از رفتاری که از لحاظ مالی برای احتراز از تأدیه مالیات مکرردر روابط خود بادولت ثالثی بموجب قراردادمخصوصی که موضوعش توزیع حق اخذ مالیات راجع به مواد مالیات بده باشد استفاده نماید

بدیهی است مقررات این معاهده نمی تواند حق تقاضای مزایای مخصوصی را بدهد که در ایران به شرکتهائی که عملیاتشان به موجب امتیازات مخصوصی تعیین شده است اعطا گردیده

از طرف دیگر شرکتهای هر یك از دولتین متعاهدتین که شرایط اشتغالشان در خاك طرف متعاهد دیگر بر طبق امتیازات مخصوصی تنظیم شده باشد مجاز نیستند برای مسائلی که در امتیاز نامه ذکر شده است مزایائیرا که بموجب عهد نامه هاو قرارداد های جاریه یا ناشیه از معامله کاملة الوداد اعطائی است تقاضا بنمایند.

راجع بماده ۲۰ ـ نمایندگان قونسولی که از طرف هر یك از دولتین متعاهدتین در خاك طرف متعاهد دیگر تعیین شده اند نمی توانند قبل از آنکه اگزکواتور خودرا از طرف دولت دیگر و بترتیبی

که در مملکت مشار الیهما مقرر است دریافت نموده باشند بانجام مأموریت خود اشتغال ورزند

و هر یك از دولتین متعاهدتین اینحقرا برای خود محفوظ می دارند که پس از اینکه قبلا از مجرای سیاسی دلائل خود را بطرف متعاهد دیگر اعلام نمودند اگزکواتور صادره را مسترد دارند بدون اینکه بهیچوجه ملزم باثبات دلائل مزبوره بوده و یا آنکه مجبور باشند تصمیم خودرا موکول بموافقت طرف دیگر نمایند

طهران دهم مه ۱۹۲۹ ــ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸

معاهدهٔ ایران ــ و روس

فصل اول ــ دولت شوروی روسیه مطابق بیانیه های خود راجع به مبانی سیاست روسیه نسبت به ملت ایران مندرجهٔ در مراسلات ۱٤ یانوار ۱۹۱۸ و ۲۶ ایون ۱۹۱۹ یکمرتبهٔ دیگر رسماً اعلان می نمایند که از سیاست جابرانهٔ که دولت های مستعمراتی روسیه که به ارادهٔ کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند نسبت بایران تعقیب مینمودند قطعاً صرف نظر مینماید .

نظر به آنچه گفته شد و با اشتیاق باینکه ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و بتواند آزادانه در دارائی خود تصرفات لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادها را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع مینمود ملغی و از درجهٔ اعتبار ساقط شده اعلان مینماید .

فصل دوم ــ دولت شوروی روسیه از سیاست دولت های روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانه تأمین استقلال ملل مزبوره

با سایر ممالك اروپا در باب مشرق معاهداتی منعقد مینمودند که بالنتیجه منجر باستملاك آن میگردید اظهار تنفر مینماید .

این سیاست جنایتکارانه را که نه تنها استقلال ممالك آسیا را منهدم مینمود بلکه ملل زندهٔ مشرق را طعمهٔ حرص غارتگران اروپائی و تعدیات مرتب آنها قرار میداد دولت شوروی روسیه بدون هیچ شرطی نفی مینماید .

نظر بآنچه گفته شد و مطابق اصول مذکوره در فصل اول و چهارم این معاهده دولت شوروی روسیه استنکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقدامی که منجر به تضعیف و محفوظ نماندن سیاست ایران بشود اعلان نموده و کلیه معاهدات و قرارداد هائی را که دولت سابق روسیه با ممالك ثالثی بضرر ایران و راجع به آن منعقد نموده است ملغی و از درجهٔ اعتبار ساقط میداند .

فصل سوم ــ دولتین معظمتین متعاهدتین رضایت میدهند که سرحد ایران و روسیه را مطابق تعیین کمسیون سرحدی ۱۸۸۱ تصدیق و رعایت نمایند ضمناً بواسطهٔ عدم میلی که دولت شوروی روسیه از استفاده از ثمرهٔ سیاست غاصبانهٔ دولت تزاری سابق روسیه دارد از انتفاع از جزائر عاشوراده و جزائر دیگری کهدر سواحل ولایت استرآباد ایران واقع میباشد صرف نظر کرده و همچنین قریهٔ فیروزه را با اراضی مجاورهٔ آن که مطابق قرارداد ۲۸ مای ۱۸۹۳ از طرف ایران بروسیه انتقال داده شده است بایران مسترد میدارد

دولت ایران از طرف خود رضایت میدهد که شهر سرخس معروف به سرخس روس یا سرخس کهنه با اراضی مجاور آن که منتهی به

رودخانه سرخس میشود در تصرف روسیه باقی بماند .

طرفین معظمتین متعاهدتین با حقوق مساوی از رودخانه اترك و سایر رود خانه ها و آبهای سرحدی بهره مند خواهند شد و ضمناً برای تنظیم قطعی مسئلهٔ انتفاع از آبهای سرحدی و برای حل کلیه مسائل متنازع فیهای سرحدی و ارضی یك کمسیون مرکب از نمایندگان ایران و روسیه معین خواهد شد .

فصل چهارم ــ با تصدیق اینکه هر یك از ملل حق دارد مقدرات سیاسی خود را بلامانع و آزادانه حل نماید هر یك از طرفین معظمتین متعاهدتین از مداخله در امور داخلی طرف مقابل صرف نظر کرده و جداً خودداری خواهد نمود .

فصل پنجم ــ طرفین معظمتین متعاهدتین تقبل مینمایند که :

۱ ــ از ترکیب و یا توقف تشکیلات و یا دستجات (کروپ‌ها) بهر اسم که نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصود تشکیلات و یا اشخاص مزبوره مبارزهٔ با ایران و روسیه و همچنین با ممالك متحدهٔ با روسیه باشد در خاك خود ممانعت نمایند .

و همچنین از گرفتن افراد قشونی و یا تجهیزات نفرات برای صفوف قشون و یا قواء مسلحـه تشکیلات مزبوره در خـاك خود ممانعت نمایند .

۲ ــ بکلیه ممالك و یا تشکیلات قطع نظر از اسم آن تشکیلات که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظم باشد نباید اجازه داده شود که بخاك هر یك از طرفین معظمتین متعاهدتین تمام آنچه را که ممکن است بر ضد متعاهد دیگر استعمال شود وارد نموده و یا عبور دهند .

۳ ـ با تمام وسایلی که به آن دست رس باشد از توقف قشون و یا قواء مسلحه مملکت ثالث دیگری در صورتیکه احتمال برود توقف قواء مزبوره باعث تهدید سرحدات و یا منافع و یا امنیت متعاهد معظم دیگر میشود باید در خاك خود و متحدین خود ممانعت نمایند.

فصل ششم ـ طرفین معظمتین متعاهدتین موافقت حاصل کردند که هرگاه ممالك ثالثی بخواهند بوسیله دخالت مسلحه سیاست غاصبانه رادر خاك ایران مجری دارند یاخاك ایران را مرکز حملات نظامی برضد روسیه قرار دهندو اگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحادی شوروی روسیه و یامتحدین آنرا تهدید نمایدو اگر حکومت ایران پس از اخطار دولت شوروی روسیه خودش نتواند این خطر را رفع نماید دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را بخاك ایران وارد نماید تااینکه برای دفاع از خود اقدامات لازمه نظامی را بعمل آورد دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر بلادرنك قشون خودرا از حدود ایران خارج نماید.

فصل هفتم ـ نظر باینکه ملاحظات مذکوره درفصل ٦ میتوانند همچنین در باب امنیت در بحر خزر مورد پیدا نمایند لهذا طرفین معظمتین متعاهدین موافق هستند که اگر درجزء افراد بحریه ایران اتباع دولت ثالثی باشند کهاز بودن خود در بحریه ایران برای تعقیب مقاصد خصمانه نسبت بروسیه استفاده نمایند دولت شوروی روسیه حق خواهد داشت کهانفصال عناصر مضرهٔ مزبورهرا از دولت ایران بخواهد

فصل هشتم ـ دولت شوروی روسیه انصراف قطعی خودرا از سیاست اقتصادی که حکومت تزاری روسیه در شرق تعقیب مینمود

و بدولت ایران‌نه از نقطه نظر توسعه اقتصادی وترقی ملت ایران بلکه برای اسارت سیاسی ایران پول میداداعلان‌مینماید.

بنابر این دولت شوروی روسیه از هر نوع حقوق خود نسبت بقروضی‌که دولت تزاری بایران داده‌است صرف نظر کرده و اینگونه استقراض هارا نسخ شده و غیر قابل تادیه میشمارد همچنین دولت شوروی روسیه ازتمام تقاضاهای راجع بانتفاع‌از عواید مملکتی ایران که وثیقهٔ استقراض های مذکوره بودند صرف نظر مینماید.

فصل‌نهم ـ دولت شوروی‌روسیه نظر باعلان‌نفی سیاست مستعمراتی سرمایه‌داری که باعث بدبختیها و خونریزیهای بی‌شمار بوده ومیباشد از انتفاع از کار های اقتصادی روسیه تزاری که قصد از آنها اسارت اقتصادی ایران بود صرف نظر مینماید.

بنابر این دولت شوروی روسیه تمـام نقدینه و اشیاء قیمتی و کلیه مطالبات و بدهی بانك استقراضی ایران را و همچنین کلیه دارائی منقول و غیر منقول بانك مزبور را در خاك ایران بملکیت کامل ملت ایران واگذار مینماید.

توضیح آنکه در شهر هائی که‌مقرر است قنسولگریهای‌روسیه تاسیس شوند و در آنجا خانه‌های‌متعلق ببانك استقراضی ایران وجود داشته و مطابق همین فصل ۹ منتقل بدولت ایران میشود دولت ایران رضایت میدهد که یکی‌از آن خانه‌هارامجاناًبرای استفاده مطابق انتخاب‌دولت شوروی روسیه‌برای محل قنسولگری روسیه واگذار نماید

فصل دهم ـ دولت شوروی‌روسیه کوشش سیاست مستعمراتی دنیارا که در ساختن راهها و کشیدن خطوط تلگرافی در ممالك غیر

برای تامین نفوذ نظامی خود بر توسعه تمدن ملل ترجیح میدهد نفی کرده و مایل است که وسایل مراودات ومخابرات که برای استقلال و تکمیل تمدن هر ملتی لزوم حیاتی دارد باختیار خود ملت ایران واگذارده شود و ضمناً هم بقدرامکان خسارات وارده بایران بواسطه قشون تزاری جبران شود لهذا دولت شوروی روسیه مؤسسات روسی ذیل را بلاعوض بملکیت قطعی ملت ایران واگذار مینماید :

ا ـ راه های شوسه از انزلی بطهران و از قزوین بهمدان با تمام اراضی و ابنیه واثاثیه متعلق براه های مذکوره

ب ـ خطوط راه آهن از جلفا بتبریز و از صوفیان بدریاچه ارومیه با تمام ابنیه و وسایل نقلیه و متعلقات دیگر

ت ـ اسکله ها و انبار های مال التجاره و کشتی های بخاری و کرجی هاو کلیه وسایل نقلیه در دریاچه ارومی با تمام متعلقات آنها

ث ـ تمام خطوط تلگرافی و تلفونی باتمام متعلقات و ابنیه و اثاثیه که در حدود ایران بتوسط دولت تزاری سابق ساخته شده است .

ج ـ بندر انزلی (پرت) با انبار های مال التجاره و کارخانه چراغ برق وسایر ابنیه

فصل یازدهم ـ نظر باینکه مطابق اصول بیان شده در فصل اول این عهد نامه ـ عهدنامه منعقده در دهم فورال ۱۸۲۸ مابین ایران وروسیه در ترکمان چائی نیزکه فصل ۸ آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجه اعتبار ساقط است لهذاطرفین معظمتین متعاهدتین رضایت میدهند که از زمان امضای

این معاهده هردو بالسویه حق کشتی رانی آزادرا در زیر بیرق های خود در بحر خزر داشته باشند

فصل دوازدهم ـ دولت شوروی روسیه پس از آنکه رسماً از استفادهٔ از فواید اقتصادی که مبتنی برتفوق نظامی بوده صرف نظر نمود اعلان مینماید که علاوه برآنچه در فصول نه‌وده ذکر شد سایر امتیازات نیز که دولت سابق تزاری عنفاً برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود از درجه اعتبار ساقط میباشند.

دولت‌شوروی روسیه از زمان‌امضای این‌عهدنامه تمام امتیازات مذکوره را اعم از آنکه بموقع اجرا گذارده شده باشند ویا گذارده نشده باشند وتمام اراضی راکه بواسطه آن امتیازات تحصیل شده‌اند بدولت ایران که نماینده ملت ایران است واگذار مینماید.

از اراضی ومایملکی که در ایران متعلق بدولت تزاری سابق بوده محوطهٔ سفارت روس درطهران ودر زرگنده با تمام ابنیه و اثاثیه موجودهٔ درآنها و همچنین محوطه ها وابنیه و اثاثیه جنرال قنسولگری‌ها و قنسولگریها وویس قنسولگریهای سابق روسیه درایران درتصرف روسیه باقی میماند.

توضیح آنکه: دولت شوروی روسیه ازحق اداره کردن قریه زرگنده که متعلق بدولت سابق تزاری بود صرف نظر مینماید

فصل سیزدهم ـ دولت ایران‌از طرف خود وعده میدهد که امتیازات و مایملکی راکه مطابق این عهد نامه بایران مسترد شده است بتصرف و اختیار ویا استفاده هیچ دولت ثالث و اتباع دولت ثالثی واگذار ننموده وتمام حقوق مذکوره را برای‌رفاه ملت ایران

محفوظ بدارد.

فصل چهاردهم – باتصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشهٔ روسیه دولت ایران پس از انقضاء اعتبار قانونی تقبلات فعلی خود نسبت بشیلات مزبوره حاضر است که با اداره ارزاق جمهوریت اتحادی اشتراکی شوروی روسیه قرار دادی در باب صید ماهی باشرائط خاصی که تاآن زمان معین خواهد شد منعقد نماید. همچنین دولت ایران حاضر است که با دولت شوروی روسیه داخل مطالعهٔ وسائلی که حالیه نیز تا رسیدن موقع شرایط مذکوره در فوق امکان رسانیدن مواد شیلات مزبوره را بروسیه در نظر ادارات ارزاق جمهوری اشتراکی روسیه تامین بنماید بشود.

فصل پانزدهم – دولت شوروی روسیه نظر باصول اعلام شده خود درباب آزادی عقاید مذهبی مایل است بتبلیغات مذهبی که مقصود باطنی از آن اعمال نفوذ سیاسی در تودهٔ مردم و کمك بدسایس سبعانهٔ تزاری بوده در ممالك اسلامی خاتمه دهد – بنابراین دولت شوروی روسیه انحلال تمام هیئتهای روحانی را که در ایران دولت سابق تزاری تاسیس کرده بود اعلان مینماید واقدام خواهد نمود که بعدها از روسیه بایران اینگونه هیئت هااعزام نشوند – دولت شوروی روسیه اراضی وابنیه ودارائی هیئت اورتودوکس رادر ارومیه و همچنین تمام دارائی سایر مؤسسات سنخ هیئت مزبوره را بلاعوض بملکیت دائمی ملت ایران که دولت ایران نمایندهٔ آن است واگذار مینماید – دولت ایران اراضی وابنیه و دارائی مزبور را بمصرف ساختن مدارس وسایر مؤسسات معارفی خواهد رسانید

فصل شانزدهم ـ نظر بمندرجات مراسلهٔ دولت شوروی بتاریخ ۲۵ ایون ۱۹۱۹ راجع بابطال قضاوت قنسولها ـ اتباع روسیه ساکن ایران و همچنین اتباع ایران ساکن روسیه از تاریخ امضاء این معاهده دارای حقوق مساوی باسکنه محلی بوده و محکوم قوانین مملکت متوقف فیها خواهند بود و بتمام کارهای قضائی آنها درمحاکم محلی رسیدگی خواهد شد.

فصل هفدهم ـ اتباع ایران در روسیه وهمچنین اتباع روسیه درایران ازخدمت نظامی وتادیه هرنوع مالیات نظامی یاعوارض نظامی معاف هستند.

فصل هیجدهم ـ اتباع ایران درروسیه واتباع روسیه درایران در آزادی مسافرت درداخله مملکت دارای حقوقی میباشند که باتباع دول کاملة الوداد بغیر از دول متحده باروسیه واگذار میشود

فصل نوزدهم ـ طرفین معظمتین متعاهدتین در مدت قلیلی پس ازامضاء این عهدنامه اقدام در تجدید روابط تجارتی خواهند نمود وسایل تنظیم واردات و صادرات مال التجاره و تادیهٔ قیمت آن وهمچنین طرز دریافت ومیزان حق گمرکی که از طرف ایران برمال التجارهٔ روس تعلق میگیرد مطابق قرار داد خاص تجارتی که بوسیلهٔ کمسیون خاص از نمایندگان طرفین تشکیل خواهد شد معین خواهد گردید.

فصل بیستم ـ طرفین معظمتین متعاهدتین متقابلا بهمدیگر حق ترانزیت میدهند که از طریق ایران ویا طریق روسیه بممالك ثالثی مال التجاره حمل نمایند ضمناً بر مال التجاره حمل شده عوارض

بیش از آنچه از مال التجارهٔ دول کاملة الوداد غیراز ممالك متحده باجمهوری اتحادی شوروی روسیه اخذ میشود نباید تعلق بگیرد

فصل بیست و یکم ـ طرفین معظمتین متعاهدتین دراقل مدت پس از امضاء این عهدنامه اقدام دراستقرار روابط تلگرافی و پستی مابین ایران و روسیه خواهندنمود شرایط روابط مذکوره درقرارداد خاص پستی وتلگرافی معین خواهد شد .

فصل بیست ودوم ـ برای تثبیت روابط ودادیهٔ همجواری و تهیه موجبات درك حسن نیت همدیگر که پس از امضاء این عهد نامه‌فیمابین برقرار میشود هریك از طرفین معظمتین متعاهدتین در پایتخت طرف مقابل نماینده مختار خواهند داشت که‌چه درایران وچه‌در روسیه دارای حق‌مصونیت خارج ازمملکت (اکستریتوریالیته) وسایر امتیازات مطابق قوانین بین المللی وعادات وهمچنین قواعد و مقررات جاریه در مملکتین نسبت بنمایندگان سیاسی خواهند بود.

فصل بیست و سوم ـ طرفین معظمتین متعاهدتین بنیت توسعه روابط مملکتین متقابلا در نقاطیکه برضایت طرفین معین خواهد شد تاسیس قنسولگریها خواهند نمود حقوق و صلاحیت قنسولها در قرار داد مخصوصی که بلاتاخیر پس‌از امضاء این عهد نامه منعقد خواهد شد وهمچنین مطابق‌قواعد ومقررات جاریه درهر دو مملکت نسبت بمؤسسه قنسولها معین خواهد شد .

فصل بیست و چهارم ـ این عهد نامه باید در ظرف سه ماه تصدیق شود مبادلهٔ تصدیقنامه ها باید در شهر طهران حتی الامکان در مدت قلیلی بعمل خواهد آمد .

فصل بیست وپنجم — این عهدنامه بزبان فارسی و روسی در دو نسخه اصلی نوشته شده ودر موقع تفسیر آن هر دو نسخه معتبر می باشند

فصل بیست و ششم — این عهد نامه فوراً پس از امضاء دارای اعتبار خواهد شد.

برای تصدیق آنچه گفته شد امضا کنندکان ذیل این عهدنامه را امضاء کرده وبامهار خود ممهور نمودند — در شهر مسکو در ۲۶ فورال ۱۹۲۱ تحریر شد امضاء: گه ارگی چیچرین — . ل .کاراخان -مشاورالمالك .

(نص امتیازنامه دارسی)

مابین دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران از یك طرف وویلیام ناکس دارسی ساکن شهر لندن نمره ۴۲ گرازونراسکورر (که من بعد در تمام امتیاز نامه مختصراً اسمشان ذکر خواهد شد) از طرف دیگر موافق این امتیاز نامه فصول ذیل مقرر شده است :

(فصل اول)

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران بموجب اجازه نامه امتیاز مخصوص بجهت تفتیش و تفحص وپیدا کردن و استخراج و بسط دادن و حاضر کردن برای تجارت ونقل و فروش محصولات ذیل که عبارت ازگاز طبیعی ونفط وقیر و موم طبیعی است در تمام وسعت مملکت درمدت شصت سال از تاریخ امروز اعطا مینماید

(فصل دوم)

صاحب این امتیاز دارای حق بالانحصار کشیدن لوله های لازم

از سرچشمه های نفت وقیر و غیره تا خلیج فارس و همچنین شعبات لازمه لوله های قوی بجهت توزیع و تقسیم نفط بچاه‌های دیگر خواهد بود و کذالك حق بنای چاه های نفت وحوضها ومحل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم وتاسیس کارخانه و غیره که لازم هم خواهد داشت .

(فصل سوم)

دولت علیه ایران اراضی بایر خودرا در جاهائیکه مهندسین صاحب امتیاز بجهت بنا و تاسیس کارخانه‌هائیکه‌در فوق مذکوراست لازم بداند مجاناًبه‌صاحب امتیاز واگذار خواهد کرد و اگر آن اراضی دایر با شد صاحب امتیاز باید آنهارا از دولت بقیمت عادله خریداری نماید ودولت علیه بصاحب امتیاز نیزحق میدهد که‌اراضی واملاك لازمه‌را بجهت اجرای این امتیازاز صاحبان‌آن املاك برضایت آنها ابتیاع نماید و معلوم است که این ابتیاع موافق شرایطی خواهد بود که‌بین‌صاحب امتیاز ومالکین ملك مقررخواهدشدولی صاحبان املاك مجاز نخواهند بود که ازقیمت عادله اراضی واقعه درحول وحوش تجاوز نمایند ـ

امکنه مقدسه و جمیع متعلقات آنها در دائرهٔ که دویست ذرع شعاع آن باشد مجزی ومستثنا هستند ـ

(فصل چهارم)

چون معادن نفط شوشتر ـ قصر شیرین و دالکی وبندربو شهر فعلادایرو مبلغ دو هزار تومان جمع دیوانی دارند که‌متعلق بدیوان همایون اعلی میبا شد شرط شد که آنها را نیز دولت بموجب فصل اول بصاحب امتیاز واگذار نماید مشروط براینکه علاوه برصدی

شانزده مذکوره درفصل دهم که باید بدولت برسد صاحب امتیاز همهٔ ساله دو هزار تومان جمع حالیهٔ معادن مذکوره را نیز بدولت کار سازی نماید

(فصل پنجم)

طرح ریزی و نقشه کار گذاشتن لوله ها بتوسط مهندسین صاحب امتیاز ویا خود او خواهد بود ـ

(فصل ششم)

قطع نظر ازآنچه که در فوق ذکر شده این امتیاز شامل ولایات آذربایجان، گیلان، مازندران خراسان و استراباد نخواهد بود ولی بشرطیکه دولت علیه بهیچکس اجازه ندهد که لوله های نفت بطرف رودخانه‌ها وسواحل جنوبی ایران تاسیس نماید.

(فصل هفتم)

تمام اراضی که بصاحب امتیاز واگذار شده وهمچنین اراضی که صاحب امتیاز بموجب فصل سوم استملاك خواهد کرد وهمچنین تمام محصولات آنها که بخارجه حمل میشود از همه نوع مالیات و عوارض در مدت امتیاز نامه معاف خواهد بود وتمام اسباب وآلات لازمه برای تفتیش و تفحص واستخراج معادن وبسط آنها وکذالك بجهة تاسیس لوله ها در وقت دخول بایران بهیچوجه من الوجوه گمرك را نخواهد پرداخت

(فصل هشتم)

صاحب امتیاز مکلف استکه بدون تعلل وتاخیر بخرج خود یك یاچندنفر از اهل خبره رابایران بجهة تفتیش صفحاتیکه صاحب امتیاز

احتمال وجود معادن مزبوره را در آنها میبرد بفرستد و در صورتی که راپورت آن اشخاص خبره به عقیده صاحب امتیاز کافی باشد صاحب امتیاز مکلف است که بدون تأخیر وبخرج خود اجزای عالم لازمه با اسباب و آلات و ادوات استخراج بجهت تعمیق وکندن چاهها و امتحانات لازمه بفرستد

(فصل نهم)

دولت علیه ایران به صاحب امتیاز اجازه میدهد که یك یا چند شرکت بجهت انتفاع از این امتیاز تأسیس نماید اسامی ونظامنامه وسرمایه آن شرکتها بتوسط صاحب امتیاز معین خواهد شد مشروط بر اینکه در ایجاد هر شرکت صاحب امتیاز آن ایجاد را رسماً بتوسط کمیسر بدولت اطلاع داده و نظامنامه آن شرکت را با تعیین محلی که شرکت مزبور در آنجا کار خواهد کرد بدولت علیه اظهار دارد و مدیران چنین شرکتها تمام حقوق صاحب امتیاز را خواهند داشت ولی از طرف دیگر باید تمام تعهدات و مسئولیت های صاحب امتیاز را نیز در عهده خود گیرند

(فصل دهم)

بین صاحب امتیاز از یك طرف و شرکتی که تشکیل میدهد از طرف دیگر قرارداده خواهد شد که یك ماه بعد از تاریخ تأسیس رسمی شرکت اول صاحب امتیاز مکلف است مبلغ بیست هزار لیره انگلیسی نقداً و بیست هزار لیره دیگر اسهام پرداخته شده شرکت اول که بموجب فصل قبل تشکیل شده بدولت علیه بدهد علاوه بر این آن شرکت و تمام شرکتهائی که مطابق فصل مذکور تأسیس خواهند

شد مکلف خواهند بود که از منافع خالص سالیانه خود صدی شانزده به دولت علیه سال بسال کار سازی نمایند

(فصل یازدهم)

دولت علیه مختار است که یك نفر کمیسر معین کند که آن کمیسر طرف شور صاحب امتیاز و مدیران شرکتها خواهد بود و برای مزید اطلاعات این مؤسسه میتوانند هرگونه اطلاعات مفیدهٔ لازمه را بآنها داده و همه نوع راه نمائیها بآنها خواهد کرد ومحض حفظ حقوق دولت متفقا با صاحب امتیاز هرگونه تفتیشی که مفید بداند بعمل خواهد آورد حقوق و مشاغل کمیسر دولت صریحاً در نظامنامه شرکتی که تشکیل میشود معین خواهد گردید صاحب امتیاز همه ساله از تاریخ تشکیل شرکت اول مبلغ هزار لیره انگلیسی به کمیسر دولت خواهد داد

(فصل دوازدهم)

عمله و فعله که در تاسیسات فوق کار میکنند باید از اتباع اعلیحضرت شاهنشاه باشند باستثنای اجزای فنی از قبیل مدیر و مهندس و عمال و مباشرین

(فصل سیزدهم)

در تمام نقاطی که مدلل شود که اهالی محل از نفت آنجا منتفع میشوند شرکت باید بآنها مجانا همان مقدار نفت را که اهالی سابقاً جمع میکردند حالا هم بدهد این مقدار به اظهار خود آنها و به تصدیق حکومت محل معین خواهد شد

(فصل چهاردهم)

دولت علیه متعهد میشود که اقدامات لازمه را در حفظ امنیت

و اجرای این امتیاز و اسباب و آلات و ادوات مذکوره در فوق بعمل آورد و نیز نماینده های فنی و وکلای شرکت را در حمایت مخصوصه خود گیرد و چون دولت علیه این تکلیف خودرا ادا کرد صاحب امتیاز و شرکتهای تشکیل شده دیگر بهیچ اسم ورسم حق مطالبه‌خسارت‌از دولت علیه ندارند

(فصل پانزدهم)

بعد از انقضای مدت معینه این امتیاز تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجوده شرکت بجهت استخراج و انتفاع معادن‌متعلق بدولت علیه خواهد بود و شرکت‌حق‌هیچگونه غرامت‌ازاین بابت نخواهد داشت

(فصل شانزدهم)

اگر درمدت دوسال ازتاریخ‌این امتیازصاحب امتیازنتواندشرکت اولی مذکوره‌در فصل نهم را تأسیس‌نمایداین امتیازازدرجهٔ اعتبار بکلی ساقط است

(فصل هفدهم)

در صورتیکه مابین طرفین متعاهدین منازعه و اختلافی در تأویل و ترجمه این امتیاز نامه و همچنین در باب حقوق و مسئولیت طرفین مشاجره اتفاق افتد حل مشکل باید رجوع بدو حکم در طهران شود و آن دوحکم بتوسط طرفین انتخاب خواهند شد و دوحکم قبل از مبادرت به مرافعه حکم ثالثی را معین خواهند نمود، حکم و یادر صورتی‌که‌حکمین‌مزبورین‌متفق نشوندحکم‌حکم ثالث‌قطعی‌خواهدبود

(فصل هیجدهم)

این امتیاز نامه در دو نسخه بفرانسه نوشته شده و بهمان مضمون

بفارسی ترجمه شده است اگر اختلافاتی در مضمون این امتیازنامه مابین دو زبان حاصل شود متن فرانسه اولویت دارد و به آن متن باید رجوع کرد

طهران — شهر صفر ۱۳۱۹

مطابق با ۱۹۰۱ میلادی

امضای اعلیحضرت قدرقدرت همایونی مظفرالدین شاه

امضای ویلیم تاکس دارسی بتوسط وکیلش

الفرد — ل ماریت

مهر امین السلطان اتابك اعظم صدر اعظم ایران

مهر مشیرالدوله وزیر خارجه ایران

(نظارت در خرید وفروش بروات)

لایحه ذیل که از طرف دولت تهیه گردیده راجع بکنترول اسعار خارجه‌است که‌درشب ششم‌اسفند بمجلس تقدیم‌و تصویب گردید

(ساحت محترم مجلس شورای ملی)

البته نمایندگان محترم کاملا متوجه مضرات تزلزل پول مملکت و ترقی نرخ اسعار خارجی بوده و از علل متعدد آن اطلاع دارند

برای جلوگیری از تضررات ملی مطالعات زیادی بعمل آمده است که قسمتی از حاصل آن مطالعات باید بلاتأخیر بموقع اجرا گذارده شود و قسمت دیگر بتدریج تا بمقصود اصلی که تثبیت پول مملکت است و ایجاد وضعیت مناسب تأدیه که آن خود نتیجه تفوق صادرات بر واردات است نائل شویم

یکی از شرایط حتمیه جلوگیری از تزلزل پول ایران که باید فوراً عملی شود تفتیش و نظارت موقتی دولت در خرید و فروش اسعار

خارجی است ـ برای تأمین این منظور لایحه ذیل تقدیم و با قید دو فوریت تصویب آن تقاضا میشود

ماده اول ـ حق معاملات مذکور در این قانون موقتاً منحصر بدولت و بانکهائی خواهد بود که مطابق قوانین و نظامات در ایران مقیم بوده و بر طبق مقررات این قانون عمل کرده و در کمسیون نرخ اسعار مذکور در ماده ۳ عضویت پیدا کنند دولت مکلف به سلب حق معاملات مربوطه به اسعار و نقود خارجی از هر بانکی است که معامله بر خلاف مقررات این قانون نموده یا از اعزام نماینده در کمسیون نرخ اسعار خودداری کنند ـ

تبصره — دولت می تواند به تجارت خانه‌هائی‌که دارای دفاتر قانونی منظم باشندو تبعیت‌ازمقررات قانون را تعهد کنند جوازمعاملات فوق رابدهدولی در هر مورد این اجازه بر حسب‌تصویب نامه مخصوص هیئت وزراء خواهد بود

ماده دوم ـ عملیات ذیل ممنوع است ـ:

۱ ـ خریدوفروش واقاله بطور کلی هر قسم معامله راجع به‌اسعار و نقود خارجی اعم از اینکه بطریق انتقال تلگرافی یا طریق دیگر بشکل برات تجارتی یا نوشته اعتبار یا چك یاهر نوع اوراق تجارتی دیگر باشد به نرخی غیر از نرخ مقرر از طرف کمسیون نرخ اسعار

۲ ـ تسلیم اسعار و نقود خارجه بهر طریق که باشد بدون اجازهٔ کمسیون مخصوص تعیین اسعار

۳ ـ جمع آوری و احتکار اسعار یا نقود خارجی

٤ ـ خرید و فروش نقود و اسعار خارجی بقصد ترقی یا تنزل

دادن تصنعی قیمت آنها

۵ ـ نقل و تحویل پول ایران از خارجه به ایران بصورت محاسبه در دفاتر بدون اینکه در مقابل آن واقعاً نقود یا اسعار خارجی تسلیم شود و بطور کلی هر نوع عملی که با قصد تقلب برای فرار از انجام مقررات این قانون باشد

۶ ـ قرض دادن یا استقراض به اعتبار نقود یا اسعار یا اوراق بها دار دیگر خارجی بدون اجازه مخصوص کمسیون تفتیش

۷ ـ تهاتریکه موضوع آن یکی از اسعار خارجی و مربوط بمنافع اشخاص مختلف باشد بهر عنوان و بهر علتی که بعمل آید

۸ ـ وارد کردن نقره خواه بشکل مسکوك خواه به اشکال دیگر به استثناء اشیاء نقره زرگری شده

۹ ـ صادر کردن طلا بهر صورتی که باشد ـ

۱۰ ـ صادر کردن نقره به استثناء نقره زرگری شده ـ هر مسافر تا بیست تومان حق صادر کردن نقره مسکوك خواهد داشت

۱۱ ـ صادر کردن اسکناس ایران مگر در حدودی که قوانین و نظامات اجازه بدهد

۱۲ ـ اجرای معاملات بانکی راجع به پول ایران بصورت محاسبه در دفاتر از ایران بخارجه بدون اجازه مخصوص کمسیون تفتیش

ماده سوم ـ برای تعیین نرخ خرید و فروش اسعار و نقود خارجی در طهران و تعیین نرخ آنها در ایالات و ولایات کمسیونی به اسم کمسیون نرخ اسعار در طهران تشکیل خواهد شد مرکب از

۱ ـ یك نفر نمایندهٔ وزارت مالیه

۲ ـ یك نفر نماینده وزارت اقتصادیات

۳ ـ یك نفر نماینده اداره گمرکات

٤ ـ یك نفر مفتش دولت در بانك ملی

٥ ـ یك نفر نماینده از طرف هر بانگی که مطابق قوانین و نظامات در ایران مقیم بوده و اجرای مقررات این قانون را بعهده بگیرد

امتناع هر یك از بانگهای فوق الذکر از قبول شرکت در کمسیون و همچنین عدم حضور نماینده هر یك از آنها در جلسات مانع تشکیل کمسیون و اتخاذ تصمیمات مقتضیه نخواهد بود

تصمیمات کمسیون به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ میشود

نظامنامه‌های مربوط به کمسیون را هیئت وزراء تصویب خواهند کرد

ماده چهارم ـ کمسیونی موسوم به کمسیون تفتیش مرکب از پنج نفر که هیئت وزراء انتخاب خواهند کرد در طهران تشکیل می شود وظیفه این کمسیون رسیدگی به تقاضا هائی است که هر کس مشتری اسعار و نقود خارجی است باید قبلا بدهد کمسیون بشرط تصویب هیئت وزراء و در حدودی که هیئت معین خواهد کرد می تواند برای اعمال حق رسیدگی فوق الذکر به یك یا چند موسسه بانگی وکالت بدهد در این صورت مؤسسات بانگی فوق مکلف هستند کاملا مطابق تعلیمات کمسیون تفتیش عمل نمایند

خرید اسعار و نقود خارجی را فقط در حدود احتیاجات واقعی و موجه اجازه میتوان داد

در جواز خرید اسعار اسم خریدار باید ذکر شود بدون اجازه کمسیون هیچ جوازی قابل انتقال بغیر نخواهد بود .

فروش اسعار و نقود خارجی بدون جواز کمسیون یاجواز بانکهائی که از طرف کمسیون حق دادن جواز دارند ممنوع است

بانکهای مجاز در معاملات اسعار و نقود خارجی در موارد فوتی تا معادل دو هزار قران اسعار و نقود خارجی می‌توانند بفروشند مشروط بر این که از خریدار دلائل کتبی فوتی بودن تقاضا رااخذ نمایند و بانکها مکلف هستند دلائل کتبی فوق را به اسرع اوقات به کمسیون تفتیش برسانند کمسیون تفتیش نظر بوضعیات بازار اسعار قبول تقاضا های مربوط به تحصیل اسعار را اجازه داده یا بتأخیر خواهد انداخت

ماده پنجم ـ دارندگان اسعار و نقود خارجی مکلفند دولت یا بانکی را که برای این موضوع از طرف دولت معین شده از مقدار نقود و اسعاری که دارند مطلع نمایند هر فروشنده اسعارونقود خارجی مکلف است خریداسعار و نقود خود را بدواً بدولت یا بانکی که دولت معین کرده پیشنهاد کنند دولت یا بانك مذکور باید تصمیم خود را راجع بخرید یاعدم آن بلا فاصله‌بفروشنده اعلام نمایند ـ

خرید به نرخی‌که برای‌اسعار از طرف کمسیون نرخ اسعار معین شده بعمل خواهد آمد

هر گاه دولت یا بانکی که برای این عمل از طرف دولت معین شده امتناع از خرید نمود بانکهائی که در کمسیون نرخ اسعار عضویت دارند و اسعار و نقود خارجی‌را پس از امتناع دولت یا بانك فوق الذکر تحصیل کرده اند در موقع فروش مکلف نیستند خریداران اسعار یانقود را بدولت یا بانك نماینده دولت پیشنهاد نمایند مگر آنکه از روز تحصیل

اسعار و نقود خارجی تا روز فروش بیش از ده روز گذشته باشد

ماده ششم ـ بانکهائی که مطابق این قانون اجازه معامله اسعار و نقود خارجی را پیدا میکنند مکلفند کلیه معاملات خودرا راجع به اسعار و نقود خارجی در دفاتر مخصوصی که مطابق مقررات قانون تجارت صفحات آن نمره و امضاء شده باشد بلافاصله پس از معامله ثبت نمایند، مفتشین دولت در هر موقع میتوانند در دفاتر مذکور تفتیش نمایند مدلهای دفاتر را ممکن است کمسیون نرخ اسعار معین کنند

ماده هفتم ـ متخلفین از مقررات مواد(۱ ـ ۲ ـ ٤ و ٥) این قانون مجرم ـ شرکاء و معاونین بطور تضامنی معادل مبلغی که موضوع عمل یا معامله ممنوع بوده محکوم به تأدیه جریمه خواهند شد پرداخت جریمه مستخدمین و اجزاء مؤسسات بانکی و تجارتی بعهده مؤسسه یا بانکی خواهد بود که متخلف از اجزاء آن بوده مشروط براینکه من حیث شغلی که در مؤسسه یا بانك داشته مرتکب جرم شده باشد

تبصره ـ به کاشفین تخلفات از این قانون سی در صد از جرائم مأخوذ پرداخته خواهد شد

ماده هشتم ـ این قانون در طهران سه روز پس از تصویب و در ایالات و ولایات ۱۰ روز پس از تصویب بموقع اجراء گذارده میشود ـ

(رئیس الوزراء ـ وزیر مالیه)

(لایحه تبدیل واحد پول به طلا)

(ساحت محترم مجلس شورای ملی)

بطوری که خاطر نمایندکان محترم مسبوق است مسئله تثبیت مسکوك رائج مملکت و تبدیل واحد آن بطلا همیشه منظور نظر دولت

بوده است در این اواخر که تنزل نرخ نقره منضماً بعوامل دیگر موجب تنزل قران شده در تعقیب سایر اقدامات دولت تسریع در عملی نمودن این مقصود نیز بیشتر مورد توجه و اهتمام واقع گردید و اینك اصول مهمه آن بمجلس شورای ملی پیش نهاد و تصویب آن تقاضا میشود

تصویب قسمتهای دیگر نیز بطوری که در متن قانون مقرراست در موقع خود تقاضا خواهد شد

ماده ۱ — مقیاس طلا

واحد پول قانونی ایران ریال طلااست که بصد دینار تقسیم میشود

ماده ۲ ـ مسکوك مضروب و جزء واحد مقیاس

مسکوکات قانونی در جریان عبارتند از :

(الف) مسکوك طلا: سکه طلای بیست ریالی بنام « پهلوی »
سکه طلای ده ریالی بنام « نیم پهلوی »

(ب) مسکوك نقره ـ سکه نقره نیم ریالی
سکه نقره یك ریالی
سکه نقره دو ریالی
سکه نقره پنج ریالی

(ج) مسکوکات نیکل ـ سکه نیکل پنج دیناری
سکه نیکل ده دیناری
سکه نیکل ۲۵ دیناری

(د) مسکوکات مس ـ سکه مس یك دیناری
سکه مس دو دیناری

ماده ۳ وزن خالص و وزن مسکوك

(الف) یك ریال معادل است با ۰/۳۶۶۱۱۹۱ گرام طلای خالص

(ب) مسکوك طلای ۲۰ ریالی یا « پهلوی » دارای ۷٫۳۲۲۳۸۲ گرام طلای خالص است و ضراب خانه دولتی باید یك کیلو گرام طلای خالص را بمصرف ضرب ۱۳۶ ر ۵۶۷۵ عدد مسکوك یك پهلوی برساند

(ج) مسکوك طلای ده ریالی یا «نیم پهلوی» دارای ۳٫۶۶۱۱۹۱ گرام طلای خالص است و ضراب خانه دولتی باید یك کیلو گرام طلای خالص را بمصرف ضرب ۲۷۳٫۱۳۵ عدد مسکوك نیم پهلوی برساند

(د) مسکوك نقره نیم ریالی که در داخله مملکت جریان قانونی دارد و نماینده نیم ریال طلا می باشد دارای ۲٫۵۰۰۰ گرام نقره خالص است وضرابخانه دولتی باید یك کیلوگرام نقرهٔ خالص رابه مصرف ضرب ۴۴۴٫۴۴۴ عدد مسکوك نیم ریالی به رساند

(ه) مسکوك نقره یك ریالی که در داخله مملکت جریان قانونی دارد و نماینده یك ریال طلامیباشد دارای ۴٫۵۰۰۰ گرام نقره خالص است و ضراب خانه دولتی باید یك کیلوگرام نقره خالص را به مصرف ضرب ۲۲۲٫۲۲۲ عدد مسکوك یك ریالی برساند

(و) مسکوك نقره دو ریالی که در داخله مملکت جریان قانونی دارد و نماینده دو ریال طلامی باشد دارای ۹ گرام نقره خالص است و ضراب خانهٔ دولتی باید یك کیلوگرام نقره خالص را بمصرف ضرب ۱۱۱٫۱۱۱ عدد مسکوك دوریالی برساند

(ز) مسکوك نقره ۵ ریالی که در داخله مملکت جریان قانونی دارد و نماینده پنج ریالی طلامیباشد دارای ۲۲٫۵۰۰۰ گرام نقره خالص

است و ضرابخانه دولتی باید یك کیلو گرام نقره خالص را بمصرف ضرب ٤٤٤٤ر٤٤ عدد مسکوك پنج ریالی برساند

(تبصره) میزان عیار مسکوکات طلا (مذکوره در بند های « ب - ج » فوق) عبارت از نه صد در هزار طلای خالص و یك صد در هزار مس است ، و میزان عیار مسکوکات نقره (مذکوره در بند های « د - ه - و - ز -) عبارت از نه‌صد در هزار نقره خالص و یك صد در هزار مس است

ماده ٤ ــ طریقه و طرز ضرب و حد ترخص

برای تأمین مقررات قانونی مربوطه به وزن خالص و اوزان مسکوکات و تعیین ابعاد مسکوك نظامنامه طریقه ضرب مسکوکات را هیئت دولت تعیین و تصویب خواهد کرد

مسکوکات طلا فرداً ممکن است از حیث وزن مسکوکی تا میزان حد اکثر ۲ و نیم در هزار و از حیث عیار تا میزان حد اکثر ۲ در هزار نسبت بحد قانونی معینه در ماده ۳ اختلاف کسری یا اضافی (حد ترخص قانونی) داشته باشند و همچنین مسکوك نقره فرداً ممکن است از حیث وزن مسکوکی تا میزان حد اکثر ده در هزار و از حیث عیار تا میزان حد اکثر سه در هزار نسبت بحد قانونی معینه در ماده ۳ اختلاف کسری یا اضافی (حد ترخص قانونی) داشته باشد ولی من حیث المجموع باید با مقررات ماده ۳ کاملا تطبیق نماید

ماده ٥ ــ شکل و سکه مسکوکات

(الف) کلیه مسکوکات مذکور در ماده ۲ مدور خواهند بود

(ب) مسکوکات طلا در یك طرف تمثال اعلی حضرت همایون

شاهنشاه ایران و در طرف دیگر شیر و خورشید و قیمت مسکوك و سنه ضرب را خواهند داشت

(ج) مسکوکات نقره در یك طرف شیر و خورشید و در طرف دیگر عدد مشخص قیمت قانونی مسکوك و سنه ضرب را خواهند داشت

(د) مسکوکات نیکل و مس در یك طرف شیر و خوشید و در طرف دیگر عدد مشخص قیمت قانونی مسکوك وسنه ضرب را خواهند داشت

ماده ٦ ـ حق ضرب

ضرب کلیه مسکوکات ایران منحصراً در ضراب خانه دولتی بعمل خواهد آمد ضرب مسکوك طلا برای عموم افراد آزاد است و حق‌الضرب برای هر کیلو گرام طلای خالص نباید از ده ریال تجاوز کند

ضرب مسکوك نقره و نیکل و مس منحصر بدولت است و این حق بهیچ وجه من الوجوه قابل انتقال نخواهد بود

ماده ۷ حد قبول مسکوك نیکل و مس

برای هیچ کس قبول مسکوك نیکل و مس بیش از مبلغ دوریال در تبدیل معاملات اجباری نیست ولی دوائر دولتی از این قاعده مستثنی بوده و هرقدر مسکوك نیکل و مس بابت مالیات و عوارض داده شود باید قبول نمایند بانك ملی وشعبات آن نیز به نمایندگی وحساب دولت هر مقدار از مسکوکات مزبوررا که به آنها تسلیم نمایند مبدل خواهند نمود

ماد ۸ ـ مسکوك معیوب و قلب

ضرب و بجریان انداختن مسکوکاتی کـه مخالف مقررات این قانون تهیه شده باشد ممنوع است مسکوکات مذکور در این قانون در صورتیکه

معیوب باشند مانند مسکوك سوراخ دار یا شکسته یا دسته دار یا مسکوکاتی که بوسیله مواد شیمیائی و تیزابی یا بوسیله آلات و ادوات از مقدار فلزی آن مصنوعاً کاسته شده باشد دارای اعتبار مسکوکی نبوده و جریان قانونی نخواهد داشت

ماده ۹ ـ ذخیره مسکوکات

حفظ و نگاهداری ذخیره که لا اقل باید معادل با مبلغ کل مسکوك نقره و نیکل و مس باشد اجباری است و ذخیره مذکور مرکب خواهد بود از شمش طلا یا مسکوك طلا یا اسعار خارجی ممالکی که خرید و فروش و معاملات طلا در آنجا آزاد باشد

ذخیره قانونی مذکور در بانك ملی ایران بامانت گذارده میشود و بانك مزبور قسمت شمش و نقود را در ایران و قسمت اسعار خارجی را بر طبق تعلیمات هیئت دولت در بانکهای درجه اول خارجه نگاهداری و حفظ خواهد نمود

ماهی دو مرتبه صورت وضعیت ذخیره قانونی و مقدار مسکوك نقره و نیکل و مس در جریان با امضاء مفتش دولت در بانك ملی ایران و رئیس بانك ملی ایران و خزانه دار کل و یك نفر مفتش بانتخاب مجلس شورای ملی منتشر و درجراید باطلاع عموم خواهد رسید.

ماده ۱۰ ـ اخذ حقوق و عوارض دولتی

از تاریخ اجرای این قانون کلیه حقوق و عوارض دیگر دولتی که در داخله یا در سرحدات مملکتی در موقع ورود و خروج اخذ میشود اعم از اینکه در خود سرحد اخذ شود یا در داخله مملکت مانند حقوق گمرکی و حق انحصار قند و چای و تاکس راه و حق انحصار دخانیات و تریاك و عوارضی که در سفارت خانه ها و قونسول گری

ها درخارجه اخذ میشود و وجوه تذکره و ویزا و غیره بر اساس ریال طلا مطابق تسعیری که دولت معین خواهد کرد اخذ خواهد شد .

﴿ ماده ۱۱ ـ تاریخ رواج ﴾

تاریخ رواج ریال و تاریخ و طرز تبدیل قران بریال و طرز تبدیل ریال نقره به ریال طلا و یا اسعار خارجی و حد ضرب ریال نقره و مسکوکات نیکل و مس بر طبق قانون جداگانه که باید در ظرف مدتی که بیش از یك سال نباشد بتصویب مجلس شورای ملی برسد معین خواهد شد

﴿ ماده ۱۲ ـ ممنوعات و مجازات ﴾

ورود طلا بایران آزاد است

ورود نقره بهر شکل باستثناء اشیاء نقره صنعتی ممنوع است و همچنین ضرب مسکوکی که تا بحال در جریان است ممنوع است

خروج طلا و نقره بهر شکل باستثناء اشیائی که درقوانین علیحده مراعات شده‌اند ممنوع خواهد بود

متخلفین از مقررات این قانون بپرداخت جریمه از یك برابر الی ضعف مبلغ مورد تخلف و به حبس از یك الی سه سال محکوم خواهند شد

﴿ ماده ۱۳ ـ خرید طلا بحساب دولت ﴾

بانك ملی ایران در طهران موظف است در هرموقع طلا را براساس ۲۷۲۱ر۳۵ ریال برای هر کیلوگرام طلای خالص بحساب دولت خریداری نماید .

خرید طلا در شعب بانك در ولایات اختیاری خواهد بود و خرید بر اساس قیمت مرکز با کسورات بابت حمل و نقل بضراب خانه دولتی و

بیمه و مخارج تعیین عیار بعمل خواهد آمد —

مخارج تعیین عیار چه در مرکز و چه در ولایات در هرصورت به عهده فروشنده خواهد بود، فقط عرضه‌هائی که بیش از یك کیلوگرام باشد مورد قبول و خرید خواهد شد

﴿ ماده ۱٤ — تاریخ اجراء ﴾

این قانون ده روز بعد از تصویب بموقع اجرا گذارده خواهد شد —

﴿ وزیر مالیه حسن مشار ﴾

﴿ نظامنامه مسکوکات ﴾

نظامنامه ذیل در جلسه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ بتصویب هیئت وزراء رسیده بوزارت مالیه ابلاغ گردیده است

﴿ ماده ۱ — اوزان مسکوکات نیکل و مس ﴾

الف — وزن مسکوك ۵ دیناری نیکل عبارت از ۲ گرام و وزن مسکوك ۱۰ دیناری نیکل عبارت از ٤ گرام و وزن مسکوك ۲۵ دیناری نیکل عبارت از ۵ گرام خواهد بود

ب — وزن مسکوك ۱ دیناری مس عبارت از ۱ر۵ گرام و وزن مسکوك ۲ دیناری مس عبارت از ۲ر۵ گرام خواهد بود

﴿ ماده ۲ — میزان عیار و مسکوکات نیکل و مس ﴾

۱ — میزان عیار مسکوکات نیکل عبارت از ۲۵ در صد نیکل خالص و ۷۵ در صد مس خواهد بود

ب — میزان عیار مسکوکات مس عبارت از ۹۵ در صد مس و چهار در صد قلع و یك در صد روی خواهد بود

﴿ ماده ۳ — حد ترخص مسکوکات نیکل و مس ﴾

الف ـ مسکوکات نیکل فرداً ممکن است از حیث وزن مسکوکی تا میزان حداکثر ۵ در صد نسبت به اوزان معینه در بند (ب) ماده یك این نظامنامه و از حیث عیار نیکلی تا میزان حداکثر ۲ درصد نسبت بمیزان عیار معینه در بند (ب) ماده ۲ این نظامنامه اختلاف کسری یا اضافی داشته باشد

ب ـ مسکوکات مس فردا ممکن است از حیث وزن مسکوکی دو درصد (نسبت به وزن معینه در بند ب ـ ماده یك این نظامنامهٔ) تفاوت داشته باشد

ماده ٤ ـ قطر «دیامتر» مسکوکات

الف ـ بیست ریالی طلا ۲۲ میلیمتر ـ ۱۰ ریالی ۱۹ میلیمتر ۵ ریالی نقره ۳۷ میلیمتر ـ ۲ ریالی نقره ۲۶٫۵ میلیمتر ـ یك ریالی نقره ۲۲٫۵ میلیمتر ـ نیم ریالی نقره ۱۸ میلیمتر ـ ۲۵ دیناری نیکل ۲٤ میلیمتر ـ ۱۰ دیناری نیکل ۲۱ میلیمتر ـ ۵ دیناری نیکل ۱۸٫۵ میلیمتر ـ ۲ دیناری مس ۱۷ میلیمتر ـ ۱ دیناری مس ۱۵ میلیمتر

ماده ۵ ـ دور مسکوکات

۱ ـ دور مسکوکات طلا بموجب تصویب نامه علیحده تعیین خواهد شد

ب ـ دور مسکوکات نقره زنجیره دار خواهد بود

ماده ٦ ـ نظامنامه طریقه ضرب مسکوکات بموجب تصویب نامه علیحده تعیین خواهد شد

امتیاز نامچه بانك شاهنشاهی و ضمائم آن

مقدمه

اشکالاتیکه مدتها بین دولت بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی ایران و بارون ژولیوس رتیر معلق بود چون آخرالامر بر طرف گردید وامتیاز نامچهٔ که به بارون ژولیوس رتیر مذکور دربیست و پنجم ژویه ماه ۱۸۷۲ عیسوی اعطا شده بود چون معدوم گردید به‌اتفاق طرفین مراتب مفصله ذیل بر قرار شد.

فصل اول

امتیاز نامچه ـ بموجب این امتیاز نامچه دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری به بارون ژولیوس رتیروشرکاء یاعاملین او در مملکت ایران حق احداث یك بانك دولتی موسوم ببانك شاهنشاهی ایران میدهند.

مدت حق مزبور برای مدت شصت سال ابتداء از تاریخ امضاء این امتیاز نامچه بتوسط بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی اعطاء میشود

مرکز بانك ـ مرکز ومقر بانك در طهران خواهد بود وبانك مزبور خواهد توانست در شهرهای دیگر ایران ودر خارجه شعبات بر قرار سازد

اقدامات مختلفه ـ محض تجارت و ازدیاد ثروت ایران بانك شاهنشاهی ایران گذشته از اعمالی که متعلق بصرافی میباشد یابخرج خود یابخرج ثالثی اقدام در تمام کارهای محاسبه وصنعتی و تجارتی که برای این مقصود مانع ندانند خواهد کرد مشروط براینکه هیچ یك از آن اقدامات

مخالف عهد نامه‌هاو قوانین دولت و ملت ومذهب ایران نباشد وقبل از شروع اطلاع بدولت ایران داده شود .

تعهدات ـ بانك حق نخواهد داشت در قلمرو دولت ایران گرو بیع شرطی قبول کند واموال غیر منقول از قبیل املاك واراضی و دهات وغیره ها خریداری نماید مگر اراضی که برای یك بنای کافی در طهران وشعباتش در سایر ایالات لازم میباشد ونیز قدغن اکید است که بانك مزبور بروات دولتی را که حواله باو شده است تنزیل کند ویا باعتبار آنها وجهی بکسی قرض بدهد .

فصل دوم

سرمایه ـ سرمایه بانك مبلغ دویست کرور فرانك یعنی هشت کرور لیره انگلیسی خواهد بود لهذا مقداری اسهام احداث خواهد شد که بانك آنهارا بدفعات نشر خواهد داد هروقت که تقبل قسمت اول سرمایه یعنی پنجاه کرور فرانك یادو کرور لیره انگلیسی امضا شد بانك مزبور تشکیل شده ملاحظه خواهد گردید محل امضاء تقبل سرمایه در پایتخت های مختلفه خصوصا در طهران وبرلین و لندن وپاریس وپطرز بورغ وویـنه در صورت اجازه دول متبوعه‌آن ممالك وضع خواهد شد اسهام باسم حامل خواهند بود و بانك اسهام اسم دار هم میتواند نشر بدهد ـ بانك مزبور میتواند هر وقت مفید بداند سرمایه وعدد اسهام خود را باتفاق دولت علیه زیاد کند .

فصل سوم

نشر بلیطهای بانك ـ بانك شاهنشاهی چون بانکی است دولتی حق مانع للغیر نشر بلیتهای بانك بی‌اسم خواهد داشت که بمحض رؤیت قابل

الاداء خواهد بود و هرگز متجاوز از چهل کرور فرانك که هشتصد هزار لیره انگلیسی باشد بلیط بانك نشر نخواهد داد مگر اینکه بدولت اطلاع بدهد برای مساعدت بسط اعتبار عامه و برای تجدید جریان مسکوکات نقره و ازدیاد ونشر مسکوکات طلا بانك دولتی من حیث القاعده قبول وضع یك عیاری میکنند مبنی بر تومان طلا در مدت ده سال اول تشکیل بانك دولت بندگان اعلیحضرت شهریاری و مدیرهای بانك بین خود قرار ومدارهای لازمه را برای وصول به این مقصود خواهند داد معهذا نظر به اقتضای وضع حالیه مسکوکات نشر بلیط های بانك شاهنشاهی بدواً مبنی بر پایه قران نقره خواهد بود این بلیطها را تمام عمال و مامورین دولت علیه قبول خواهند کرد و در تمام معاملات ایران رواج خواهد داشت ولی هرآنیکه بانك نتواند قیمت یکی از بلیطهای خود را ادا نماید نشر بلیطهای بانك در تمام مملکت ایران منع خواهد گردید و بانك مجبور خواهد بود که قیمت تمام بلیطهای خود را ادا کند

ضمانت ادا ـ محض اطمینان ادای بلیطها بانك مزبور صریحا متقبل میشود که در دو سال اول ابتدای از شروع بکار اقلا نصف قیمت بلیطهای منتشر شده خود را و پس از انقضای این دو سال اقلا ثلث قیمت آنها را نقدا موجود داشته باشد

تفاوت بین وجه موجودی وسر جمع بلیطهای منتشر شده ـ به توسط اسناد و منقولات وغیر منقولات متعلقه به بانك که آنها را در ایران موجود خواهد داشت ضمانت کرده می شود

بانك شاهنشاهی مجبور است که قیمت بلیطهای خود را بمحض

رویت در هر کجا نشر شده ادا کند معهذا بلیطهای شعباتش خواهند توانست در طهران ادا شوند ـ بلیطهای بانك بزبان ایرانی خواهد بود و بانك نخواهدتوانست بدون اذن دولت علیه ایران بلیط کمتر از دو تومان نشر بدهد

بلیطهای بانك علامت یا مهری خواهد داشت که مبین ثبت دفتری ایران باشد و ممضی خواهدبود به امضای یك مدیر یادومدیر و به امضای تحویلدار عمده مؤسسه‌که در آنجا نشر شده‌است

دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری متقبل می شود که در طول مدت این امتیاز نامچه هیچ نوع مسکوکات کاغذی نشر ندهد و احداث هیچ بانك یا تاسیسی را که صاحب اینگونه امتیاز باشد اجازه ندهد

فصل چهارم

دولت علیه ایران سرمایه بانك را ضمانت نمیکند و خواهد توانست بمال خود خریدار سهام بشود یا در خرید اسهام مساعد تبعه خود گردد تا بحد خمس سرمایه منظوره و یا بهیچوجه مداخلت نکند ـ اداره بانك تقسیم سرمایه به اسهام و عدد و قیمت بلیطهای بانك مطلقا بمدلول فصل سوم این امتیاز نامه ونظم و نظارت بانك و تعیین رؤساء و اجزا چه در ایران و چه در خارجه اداره کردن وجوهات بانك یا منافعی که حاصل کند یا خساراتی که ممکن است عایدش گردد بکلی بر عهده دارندهٔ این امتیاز و شرکاء و عمال آن خواهد بود و هر نفع و ضرر به او مدخلیت دارد ٠

مامور محترم مخصوص دولت علیه ایران مراقبت تامه خود

را در بانك بتوسط یك مامور محترمی که خود معین کند جاری خواهد ساخت و این مامور حق خواهد داشت در نظارت بانك اطلاع تحصیل کند و مواظب باشد که امورات بانك موافق این امتیاز نامچه بگذرد مامور مزبور هروقت دعوت شود برحسب تکلیف درمجالس عمومی اسهام داران وهمچنین در مجالس شورای مدیران در طهران حضور بهم خواهد رساند و نشر بلیط های بانك را وارسی خواهد کرد و مواظبت تام خواهد داشت که مدلولات فصل سوم این امتیاز نامچه رعایت شود مراقبت روابط بانك باخزانه دولت علیه برعهدهٔ اوست ونخواهد توانست در تدبیر ونظارت اعمال بانك خود را داخل کند وماموریت او بهیچوجه اسباب مسؤلیت دولت علیه ایران نخواهد گردید ـ

❋ فصل پنجم ❋

حمایت دولت — چون غرض از تاسیس این بانك خیرعامه وخیر دولت میباشد دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری حمایت عسکریه خود را که برای حفظ امنیت مقر اصلی و شعباتش لازم است دریغ نخواهد داشت ـ

دولت علیه ایران ابتیاع اراضی و امکنهٔ را که برای مقر اصلی بانك وشعباتش لازم است حتی الامکان تسهیل وبوجه عادلانه وعادیانه خود را بین بانك و صاحبان اراضی ثالث خواهد ساخت

معاف بودن از مالیات ـ خود بانك وبناهای آن و شعباتش بکلی از هر نوع و اردات و مالیات معاف می باشند وبهمچنین اسهام و بلیط ها وقبوضات و بیجکها و جمیع اسنادی که در باب امورات

و داد و ستد های او از طرف خودش صادر می شوند نیز معافندولی هرگاه دولت در ملك خود مالیات تمبر را قرار بدهد بانك هیچ برات و سندی را نخواهد گرفت که تمبر دولت علیه را نداشته باشد —

﴿فصل ششم﴾

اداره وجهیه - بانك شاهنشاهی در سهولت تادیه جات خزانهٔ عامره چه در ایران وچه در خارجه کوتاهی نخواهد کرد و برای هر خدمتی که دولت علیه به او رجوع کند گماشتگان دولت وروسای بانك ملی‌حقی‌را که باید در این باب ببانك‌داده شود معین خواهند نمود —

قرض دو کرور فرانك - پس از تشکیل وتهیه سرمایه خود بانك شاهنشاهی تعهد میکند که مبلغ دو کرور فرانك یعنی چهل هزار لیره انگلیسی برای مدت ده سال سالی صد شش تنزیل به بندگان اعلیحضرت شهریاری قرض بدهد و اصل آن تنخواه‌ومنافعش بموجب میل بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری از بابت صدی‌شش منافع خالص که بر حسب فصل هفتم این امتیاز نامچه به پیشگاه سلطنت تعهد شده است محسوب خواهد گردید

پیشکی — علاوه برآن‌بانك شاهنشاهی پیوسته پس ازتشکیل حاضر خواهد بود از برای تمام وجوه پیشکی واستقراضاتیکه دولت علیه لازم داشته باشد و از او طلب نماید و موعد تادیه این استقراض ها بین دولت وبانك داده خواهد شد وبا اینکه آن وجوه پیشکی یا استقراضات بمعادل خود یك ضمانتی خواهد بوداز برای

سرجمع بلیطهای نشر شده-این وجوه پیشکی و استقراضات را دولت‌علیه در راس وعده های مقرره ادا خواهد نمود سر جمع تنزیلات منظما در هر سال مالیاتی ایران یعنی در آخر حوت داده خواهد شد -

ده کرور فرانك - اولین این وجوه پیشکی که غیر از مبلغ دو کرور فرانك فوق الذکر میباشد تدریجی وتاده کرور فرانك یعنی دویست‌هزار لیره انگلیسی میرسدودرسالی باصد هشت تنزیل خواهد بود-

❊ فصل هفتم ❊

حصه منافع — در آخر هرسال مالیاتی ایران یعنی آخر حوت بانك شاهنشاهی باید صد شش منافع خالص آن سال خود را بدولت اعلیحضرت اقدس شهریاری بدهد ویا بجمعش بیاورند در صورتی‌که حصه منافع صد شش مذکوره در یك سال کمتر از صد هزارفرانك یعنی چهار هزار لیره انگلیسی بشود بانك مجبور است که این مبلغ را کار سازی نماید ومبلغ کسری آن را هرچه خواهد باشد در جزو مخارج‌خود محسوب بدارد بدون اینکه حق داشته‌باشد وجهامن‌الوجوه آن را بخرج حصه منافعی که نتیجه عمل سال بعد است بیاورد —

❊ فصل هشتم ❊

ضمانت وجه‌الضمانه چهل هزار لیره انگلیسی که در ۱۸۷۲ عیسوی‌بارون ژولیوس ریتر در بانك انگلیس گذارده و برای ضمانت تشکیل بانك شاهنشاهی بدولت علیه ایران تسلیم خواهد شد فردای تشکیل بانك دولت علیه ایران مبلغ مزبور چهل هزار لیره انگلیسی‌را ببارون مذکور پس خواهد داد هرگاه ابتدای‌از تاریخ امضای این‌امتیاز نامچه بتوسط اعلیحضرت اقدس شهریاری تامدت نه ماه بانك‌شاهنشاهی

دایر نشود وجه‌الضمانه مزبور بدولت ایران منتقل خواهد شد و این امتیازنامچه معدوم وساقط الاعتبار خواهد بود مگر درصورتی که بین بعضی دول بزرك اروپا جنگی برپا شود ویا در صورتی که دولت ایران در آن جنك دخالت بهمرساندویا درصورت‌هر اتفاق فو ق العاده

﴿ فصل نهم ﴾

قوانین—درحین تشکیل بانك شاهنشاهی بانیهای آن قواعدی را که بموجب آنها باید بانك دایر شود نشر خواهند داد و آن قواعد باید مطابق مدلولات این امتیازنامچه باشد پس از تشکیل بانك قواعد مزبور متغیر نخواهد شد مگر بموجب قرار داد مجلس عمومی صاحبان اسهام و مجلس مزبور باید در تغییراتیکه جاری میسازد حفظ و رعایت این امتیازنامچه را بنماید —

﴿ فصل دهم ﴾

حمایت — برای اجرا وحفظ حقوقی که بموجب این امتیازنامچه داده شده بانك مزبور در ظل حمایت بندکان اعلیحضرت شهریاری و دولت شان خواهد بود و بانك هم متقبل میشود که قوانین عمومی مملکت را از جمیع جهات محترم دانسته اطاعت نماید .

حکمیت—درصورتیکه بین دولت و بانك و یا بین بانك وسایر مردم اختلافی ظاهر گردد هریك از طرفین یك یا دو حکم انتخاب خواهد نمود و قرار داد آن حکمها قاطع خواهد بود و در صورت عدم توافق بین حکمها حکم دیگر منتخب خواهند نمود که حکمش بدون برگشت اطاعت خواهد شد —

﴿ فصل یازدهم ﴾

معادن ـ از آنجائیکه بانك شاهنشاهی حاضر است که برای ایجاد تمام وسایل استخراج ثروتهای طبیعی مملکت فوراً کمال جدیت را بجا بیاورد دولت علیه به بانك مزبور در تمام مدت این امتیاز ـ نامچه امتیاز مانع للغیر قطعی میدهد که در تمام وسعت مملکت ایران معادن آهن ـ مس ـ سرب ـ زیبق ـ ذغال سنك ـ نفت ـ مانکانز بورن ـ امیانث ـ که متعلق بدیوان می باشد وقبل از وقت بدیگران وا گذار نشده است دایر نماید لهذا مضافا بر این امتیاز نامچه دولت علیه ایران از روز امضای این امتیاز نامچه به بارون ژولیوس رتیر صورت رسمی معادنی را خواهد داد که قبل از وقت بدیگران داده نشده است ـ معادن طلا ونقره وجواهرات و آن فلزاتیکه در فوق ذکر نشده متعلق بدیوان می باشد لاغیر ومهندسین بانك که آنها را کشف کنند مجبورند فورا کشف آنها را بدولت همایون اعلیحضرت شهریاری اطلاع بدهند ـ غیر از مهندسین و سرکار هائی که ضرور می باشند تمام عملجات معدن که برای دایر نمودن معادنش بانك اجیر نماید از میان تبعه دولت اعلیحضرت اقدس شهریاری منتخب خواهند شد ـ

دولت علیه ایران بتمام وسایلی که دردسترس دارد بانك را اعانت خواهد کرد بر اینکه مزد عملجات لا زمه بنرخ عادلهٔ وقت برایش میسر شود تمام معادنی که بانك ده سال بعد از تشکیل خود شروع در دایر نمودن آنها ننموده باشد مثل این ملاحظه خواهند شد که بانك مزبور صرف نظر از آنها نموده است و دولت علیه خواهد

توانست هر نوع تصرف در آنها بکند بدون اینکه بانك صاحب امتیاز بتواند مانع شود -

فصل دوازدهم

اراضی مجانی - اراضی که برای دایر نمودن آن معادن و برای ساختن یك راه مراوده یا طریق حمل و نقل اقرب یا اسرع لازم می میباشد آنچه متعلق بدیوان است از جانب دولت علیه مجاناً ببانك داده خواهد شد هرگاه در معبر این راه مراوده املاکی یافت شود متعلق باشخاص متفرقه دولت علیه ایران بانك را در خرید آن املاك از صاحبانش بتمام وسایلی که در دست دارد اعانت خواهد نمود

معافیت ازخرج - ادوات لازمه برای دایر نمودن معادن بخاك ایران داخل خواهد شد بدون این که هیچ حقی بپردازد اراضی و ابنیه متعلقه به آن اداره جات معدنی معاف از هر مالیات وعوارض خواهند بود -

فصل سیزدهم

منفعت دولت - از منافع خلص تمام معادنی که بانك دولتی دایر نموده است دولت علیه ایران سالی شانزده درصدش را اخذ خواهد نمود -

رجعت بدولت - بعدازانقضای مدت این امتیاز نامچه اراضی معادن باابنیه آنها و ادوات و متعلقات بدولت علیه ایران تعلق خواهد گرفت موافق قوانین کلیه که دول آن را معمول داشته اند ودر این باب شرایط بسیار مساعد را برقرار ساخته اند

فصل چهاردهم

صرف نظر از حقوق سابقه ـ درازای حقوقی که بموجب این امتیاز نامچه بباورن ژولیوس رتیر وا گذار شده است بارون مذکور صریحا اقرار بر ترك کامل وبلا استفاده تمام حقوق وامتیازاتی را می ـ نماید که بر حسب امتیاز نامچه قدیم مورخه ۲۵ ژویه سال یکهزارو هشتصدو هفتادودوی عیسوی که اکنون بتوسط این شروط معدوم وساقط الاعتبار گردیده بمشار الیه عطا شده بود

این قرار داد در طهران نسختان نوشته شده و این دو نسخه یکی بقبول وصحه مبارك بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری و بمهر وزارت امور خارجه رسیده و دیگری را مسیو بارون جرج رتیر از جانب مسیو بارون ژولیوس رتیر امضا کرده در بیست و هفتم جمادی الاول ۱۳۰٦ هجری مطابق سی ام ژانویه ۱۸۸۹ میلادی مبادله شد ـ

محل امضای جارج رتیر ـ در حضور من امضاء شد محل امضاء هنری ورامن دودیف ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس بحضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ایران ـ

فصل ملحقه امتیاز بانك شاهنشاهی

(ضمیمه اول)

امضاء کننده ذیل متعهد می شود اصل امتیازی را که ببارون ژولیوس رتیر بتاریخ ۲۵ ژویه ۱۸۷۲ مرحمت شده در ظرف ده روز بعدازورود خودش بلندن بوزیر امور خارجه انگلیس تسلیم نماید آن نوشته باسم نماینده اعلیحضرت پادشاه انگلیس در

طهران عنوان خواهد شد و جناب معزی الیه متقبل میشود که نوشته مزبور را بدولت علیه ایران تسلیم نماید ـ تحریر در طهران بتاریخ سوم ژانویه ۱۸۸۹ (محل امضاء و مهر) جارج وتیرسامضاء شده است در حضور من (محل مهر و امضاء) هنری ورامن دودیف ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بدربار ایران ـ

ضمیمه دوم

مقرر است که بانك شاهنشاهی مواجب مامور مخصوص مذکور در فصل چهارم این امتیاز را بدولت علیه ایران ادا نماید این مواجب مذکور که عبارت است از سه هزار تومان در آخر هرسال مالی یعنی در ۲۰ مارس بانك باید کارسازی نماید ـ

تحریر در طهران مورخه ۲۰ ژانویه ۱۸۸۹ (هزار و هشتصد و هشتادو نه)

(محل مهر و امضاء) هنری ورامن دودیف ایلچی و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس بدربار ایران مدار ـ

ضمیمه سوم

واضح ومعلوم میباشد که وجه الضمانه چهل هزار لیره انگلیسی که بموجب فصل هشتم امتیازنامچه بایدبدولت علیه ایران داده شودتسلیم بندگان اعلیحضرت شهریاری خواهد گردید این تنخواه برای بندگان اعلیحضرت همایونی همان قرض دو کرور فرانك یعنی چهل هزار لیره انگلیسی خواهد بود که در فصل ششم ذکر شده و به این نحو از پیش تسلیمش وقوع بهم میرساند بناء علیه فردای روز تشکیل بانك بندگان

اعلیحضرت اقدس شهریاری بعوض اینکه از برای دوست شان قـرض مذکور دو کرور قید شده در فصل ششم را بخواهند بمدیرهای بانك شاهنشاهی امر خواهند فرمود که این مبلغ راهمچنان در وجه‌الضمانه بارون ژولیوس رتیر بدهند ـ

این مضاف همان اعتبار را خواهد داشت که هرگاه کلمه بـه کلمه در خود امتیاز نامچه درج شده میبود ۱۸۸۹ در دارالخلافه طهران قلمی گردید (محل مهر وامضا) در حضور من امضاء شده (محل امضاء) هنری درامن دودیف ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس ـ

(فصل اصلاحیه ـ ضمیمه چهارم)

این فصول ذیل اگر چه باشرایط امتیاز نامچه وضعیات آن تفاوت دارند برقرار وقاطع خواهند بود —

﴿ فصل اول ﴾

مرکز معاملات در طهران خواهد بود ونشراصلی همه بلیطهای بانك در همانجا خواهد بود درسایر جاها نخواهد بود ـ

﴿ فصل دوم ﴾

بانك شاهنشاهی بدون اجازهٔ دولت علیه ایران حق نخواهد داشت در قلمرو دولت علیه ایران گرو بیع شرطی از قبیل املاك واراضی و دهات و غیره کنند و هم بدون اجازه حق نخواهد داشت بروات دولت را تنزیل کنند یابه اعتبار آنها وجهی بکسی قرض بدهد غیر از برواتی که حواله شده باشد ـ

﴿ فصل سوم ﴾

سرمایه بانك میتواند منقسم شود باسهام و استاتکو که مناسب باشد بانك میتواندتشکیل شود مطابق قانون آن‌کشور که‌سرمایه یاقسم اکبر آن در آن تحصیل شده باشد محل امضاء فقط در مکان‌های مناسب وضع اسهام بانك خواهد شد

﴿ فصل چهارم ﴾

ضمانت ادای بلیط از قرار ذیل خواهد بود بانك صریحاً متقبل می‌شود که اقلا یك ثلث از وجه بلیط های منتشر شده خودرا نقداً موجود داشته باشد و دو ثلث از این وجه نقداً می تواند قرص طلا و نقره باشد تفاوت ما بین وجه موجودی نقدی و وجه بلیطهای منتشر شده هرگز زیادتر از وجه سرمایه ادا کرده نخواهد بود

﴿ فصل پنجم ﴾

دولت علیه‌مراقبت تامه خود را در بانك به توسط مأمورمحترمی که‌خودمعین‌می کند جاری خواهد ساخت حقوق این مأمور ازقرار ذیل خواهد بود بر حسب حق در مجالس عمومی بانك و همچنین در مجالس شورای رؤساء در طهران حضور بهم خواهد رسانید و دولت علیه را از تغییر و تبدیل فصول امتیاز نامچه مطلع خواهد ساخت و مخصوصاً مراقبت تام خواهد داشت که مدلولات فصل سوم امتیازنامچه که در این فصل بیان شده است رعایت شود و مراقبت روابط بانك با خزانه دولت علیه‌بر عهده او است وچون نخوهد توانست در تدابیر و نظارت اعمال بانك خود را داخل سازد مأموریت او بهیچوجه من‌الوجوه اسباب مسئولیت دولت علیه نخواهد بود —

❊ فصل ششم ❊

علاوه بر چهل هزار لیره انگلیسی که قرار شده است بانك شاهنشاهی بدولت علیه بدهد استقراضات و پیشگی دیگری را بدون ضمانت پسندیده نخواهد داد وجوه کل این پیشگی و استقراضات هیچوقت زیاد تر از یك ثلث وجه سرمایه ادا کرده بانك نخواهد بود ـ

❊ فصل هفتم ❊

ادای حق سالیانه بدولت علیه که در فصل هفتم از امتیاز نامچه مقرر است در بیستم ماه مارس یعنی آخر حوت خواهد بود که بعد از انقضای یك سال میباشد بعد از شروع بانك بکار

❊ فصل هشتم ❊

در صورت عدم توافق بین دوحکمی که مطابق فصل دهم از امتیاز نامچه مقرر شده اند برای انتخاب حکم آخری جهت قطع اختلافی که مابین بانك و اشخاص مختلف ظاهر گردد حکم آخری بتوسط سفیری از دول فرانسه یا آلمان یا اطریش یا ایطالیا مقیم طهران انتخاب خواهد شد و هر اختلافی که در ممالك ایران خارج از دارالخلافه مابین بانك و اشخاص مختلف ظاهر گردد می تواند قطع شود بتوسط حکمی که در خود محل اختلاف بتوسط قنسول یا وکیل قنسول گری دول مزبوره برضایت طرفین انتخاب شده است و هرگاه اختلافی مابین دولت علیه و بانك ظاهر گردد بانك حق دارد که شخصی از اهل خبره جهت حکمیت بخواهد و این شخص باید ساکن اروپ باشد و توسط رؤسای کل از بانکهای دولتی دول فرانسه آلمان اطریش و ایطالیا یا بتوسط یکی از آنها انتخاب خواهد شد و دولت علیه رای حکم اول

و یا رأی حکم آخری را فوراً جاری خواهد ساخت

﴿ فصل نهم ﴾

خود بانك معادن و کار های دیگر مذکوره در فصل یازده و دوازده و سیزده از امتیاز نامچه و ایضا کار های تجارتی مذکور در فصل اول از امتیاز نامچه‌رادایرنموده وهم اینکه بانك حق دارد همه یایکی از حقوقی که مطابق فصول مزبور اعطا شده‌استبکسی یا بکسانی بفروشد یاواگذار نماید این فروش یا واگذاری باید مطابق فصول امتیاز نامچه باشد مشروط بر اینکه آن کس یا کسان را جهت اجازه‌به‌دولت معرفی کند وبدون چنین اجازه از جانب دولت چنین واگذاری یا فروش کامل نخواهدبود هرگاه دولت علیه اجازه را بدون اظهار سببی که صحیح باشد به تعویق بیندازد یاهیچ ندهد بانك حق دارد فقره را بحکمین رجوع نماید مطابق فصل ده امتیاز نامچه که درفصل هشتم این اصلاحات بیان شده است وحق سالیانه فصل سیزدهم از امتیازنامچه‌را آن کس یاکسان که معادن را دایر نمایند اداء خواهند نمود و بانك ضامن صحت حساب ورساندن آن حقوق دولت است که در فصل سیزدهم اصل امتیاز نامچه مقرر است وبانك حق دارد این معادن و کارهای دیگر را تصدیق وعموما اعتبار آنها را تحقیق کند بتاریخ ۲۸ ذیقعده ۱۳۰۶ هجری مطابق ۲۷ جولائی ۱۸۸۹ وپس از امضاء به دو نسخه متساوی مبادله شد

﴿ سواد دستخط مبارك همایونی در باب نشر بلیط یك تومانی ﴾

بموجب فصل سوم از امتیاز بانك شاهنشاهی‌بانك درایران‌حق

ندارد بدون اذن دولت علیه بلیط کمتر از دو تومان نشر بدهد ولی چون در این اوقات معلوم کار گذاران دولت ابد مدت گردید که نشر بلیط های یك تومانی اسباب سهولت معاملات ودادو ستد های بانك مزبور می شود با اهالی ایران لهذا بموجب این نوشته دولت بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی اجازه می دهند که بانك شاهنشاهی از بابت آن اندازه بلیطی که بموجب امتیازنامچه حق نشر دارد قسمتی از آن را که صلاح بداند بلیط یك تومانی نشر بدهد بتاریخ ۲۲ شهر رجب المرجب اودئیل ۱۳۰۷

محل صحه مبارك است

بحضور مبارك جناب مستطاب اجل اکرم اشرف عرضه میدارد مطابق فصل نهم از ضمیمه چهارم امتیاز نامچه که اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ببانك شاهنشاهی مرحمت فرموده اند با کمال شرف افتخار بدولت علیه عرض می نماید خیال دارد که حقوق دایر نمودن عمل معادن را به کمپانی انگلیسی واگذار نماید که مدیری آن کمپانی بایکی ازرؤسای بانك شاهنشاهی باشدوجزء رؤسای دیگر سه نفرازرؤسای بانك مذکورخواهند بود وچون اینقرار مذکوربرای دولت علیه ضمانت کلی خواهدبود که عایدی نصفه از معادن بدرستی کارسازی خواهد شد محترما از جناب مستطاب اجل اکرم اشرف استدعا مینماید که از دولت علیه اذن و اجازه حاصل نماید که این واگذاری مذکور قبول بشود —

(رامینو)

مقرب الخاقان دوستان استظهار مشفق مکرم مهربان مسیو رابینو

رئیس بانك شاهنشاهی ایران در خصوص واگـذار کردن حقوق دایر نمودن عمل معادن را بکمپانی انگلیس که بانك شاهنشاهی ایران بموجب فصل نهم ضمیمه چهارم امتیاز نامه مجاز گردیده کاغـذی در تاریخ یوم جمعه سوم ژانویه ۱۸۸۹ میلادی مطابق یازدهم جمادی الاول ۱۳۰۷ هجری نوشته بودید ملاحظه گردید ازخاکپای مبارك همایونی روحنا فداه گذراندم مقرر فرمودند در صورتی که بانك شاهنشاهی متقبل اجرای تمام شرایط مندرجه در فصل مزبور ضمیمه ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ اصل امتیاز نامچه وضامن صحت حساب و رسانیدن تمام حقوق دولت علیه ایران است که در فصل سیزدهم اصول امتیاز نامچه قید شده است اجازه باو میدهم که واگذاری مذکور را جاری سازد و البته در صورتی که شرکت معدنی بایـن ترتیب تشکیل شود از جانب دولت علیه کمال تقویت باو خواهد شد ـ فی ۱۳ جمادی الاول ۱۳۰۷ مطابق ۵ ژانویه ـ ۱۸۸۹

نسخه بصحه مبارك رسیده شده را حضرت اجل اشرف آقای امین السلطان وزیر اعظم مدظله العالی ضبط و نسخه دیگر بمهر حضرت اجل برئیس بانك رابینو سپرده شد ـ

﴿ قرار داد دولت بابانك شاهنشاهی ﴾

ضمیمه نمره ۵

ماده (۱) بانك از حق صدور اسکناس که بطور حق انحصاری از طرف دولت به او واگذار شده بود صرف نظر می کـنـد ـ

مسلم است بانك عهده دار است که در تحت نظارت کمیسر عالی دولت و در مدتی که باید بین دولت وبانك معین شود ولی

نباید دیر تر از مدت ۲۰ ژون ۱۹۳۱ (آخر خرداد ۱۳۱۰)باشد پول مجموع اسکناسهای صادره خود را تادیه نماید پس از انقضای مدت مذکور بانك پول اسکناسهائی را که برای تبدیل مسترد نشده باشد بدولت خواهد پرداخت ـ

ماده (۲) در نتیجه ماده قبل ـ

اولا ـ پس از اتمام تادیه قیمت اسکناس های صادرهٔ بانك از طرف بانك ودر تحت نظارت کمیسر عالی دولت از حق خودش در داشتن کمیسر عالی برای اجرای تفتیش خاص خود صرف نظـر می کند ـ

شغل کمیسر عالی منحل شده و مبلغـی را که بانك بعنوان حقوق مشار الیه بدولت تادیه می نمود دیگر بر عهده بانك نخواهد بود ـ

ثانیا ـ از تاریخ اعتبار این (قرار نامه) ضمیمه تادیه حق‌الامتیاز بانك که عبارت از صدی شش عایدات خالص سالیانه بوده و بر طبق شرایط امتیاز باید بدولت میرسید از عهده بانك برداشته خواهد شد ـ

ثالثا ـ برای جبران انصراف بانك از حق صدور اسکناس دولت به بانك در لندن در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۳۱ مبلغ دویست هزار لیره تادیه خواهد نمود ـ

رابعا ـ دولت به بانك اجازه می دهد که در معاملات خود املاك غیر منقول را و ثیقه قبول کنند وحتی برای وصول طلب خود املاك وثیقه گذاشته شده را ابتیاع نماید ولی این مالکیت موقتی بوده ونباید از یکسال تجاوز نماید ـ

ماده (۳) در موقع بروز هرنوع اختلافی مابین دولت وبانك که نشود بطور اصلاح تمام کرد بر حسب تقاضای هر یك از طرفین به‌حکمیت مراجعه خواهد شد -

طرز حکمیت بشرح ذیل خواهد بود

هریك از طرفین در ظرف مدتیکه از سه ماه تجاوز نخواهد کرد حکم خودرا معین می نماید هر یك از طرفین که در ظرف این مدت حکم خود را تعیین ننمود در حکم این خواهد بود که حکم طرف مقابل وا بعنوان حکم واحد قبول نموده است حکمین باختلافات رسیدگی کرده ومکلف خواهند بود که آن را در ظرف مدتیکه از سه ماه نباید تجاوز کند رفع نماید ودر صورت عدم توافق نظردرظرف مدت فوق حکمین در مدتیکه از یك ماه‌تجاوز نخواهد کرد در باب تعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل خواهند کرد و حکم ثالث مزبور بر حکمین اضافه شده و محکمه حکمیت که به این ترتیب تشکیل شده به اکثریت حکم خواهند کرد -

در صورت عدم توافق نظر حکمین در مدت مزبور و در باب حکم ثالث طرف عقدم از رئیس تشکیلات اقتصادی و مالی جامعه ملل تقاضا خواهد کرد که حکم ثالث را معین کند وپس از این تعیین به ترتیب مذکور در فوق عمل خواهد شد حکم حکمین و یا محکمه‌حکمیت در صورت تشکیل آن که مرکب از حکمهای ثلاثه خواهد بود قطعی و غیر قابل استیناف و تجدید نظر خواهد بود .

در صورتیکه یکی از اشخاص تعیین شده نتواند در محکمه حاضر شود ثانیا برئیس تشکیلات اقتصادی و مالی جامعه ملل برای تعیین عوض مراجعه خواهد شد ـ

ماده (٤) نظر باینکه نمایندگان مختار بانك اعلام نموده‌اند که امضای آنها اعتبار قانونی وقطعی بمقررات این قرار نامه میدهد وبقدری که مطلب مربوط ببانك است صادر بانك محتاج برساندن بهیچ نوع تصویب دیگری نیستند لهذا این قرار نامه پس از تصویب مجلس شورای ملی که تا ۱۵ خرداد ۱۳۰۹ باید انجام گیرد دارای اعتبار خواهد بود ـ

معامله متقابله تجارتی

ساحت محترم مجلس شورای ملی

خاطر نمایندگان محترم مستحضر است که دولت علیه ایران معاهداتی را که از قدیم الایام بادول خارجه داشت بملاحظه اینکه با مقتضیات امروزه مملکتی نامتناسب شده بود فسخ نموده وعهدنامه های جدیدی منعقد ساخت ولیکن بابعضی از دول هنوز هیچ معاهده بسته نشده وبا بعضی دیگر فقط قرار داد گمرکی منعقد گردیده است اینك باین نکته توجه میشود که با ممالکی که عهد نامه تجارتی نه بسته ایم تکلیف چگونگی معاملات ما با آنها معلوم نیست و داشتن قرار دادهای گمرکی هم بدون عهد نامه تجارت احتیاجات تجارتی را بطوریکه باید تامین نمیکنند بنا براین هیئت دولت مناسب میداند که قانونی وضع شود که چگونگی معاملات مملکت ایران را با ممالکی که عهد نامه تجارتی با ما ندارند معلوم کنند و در این خصوص

بهترین شقوق را معامله متقابله تشخیص داده است و نیز قانون مزبور مقرر سازد که از این به بعد عهدنامه تجارتی و گمرکی توأماً منعقد شود علیهذا مواد ذیل را به مجلس محترم شورای ملی پیشنهاد و تقاضای تصویب آن را مینماید

ماده اول — پس از انقضای مدت عهود تجارتی و گمرکی موجوده انعقاد عهدنامه یا قرارداد تجارتی و گمرکی منفرداً ممنوع بوده و مسائل مربوطه بگمرك وتجارت حتماً باید در یك عهدنامه یاقرارداد و برای مدت واحد تنظیم شود

ماده ۲ — با ممالکی که دولت ایران عهدنامه تجارتی ندارد تجارت ایران چه از حیث شرایط ورود وچه ازحیث واسطه ها وعمال معاملات ویا کیفیت تبدیل وخروج وجوه حاصله از فروش واردات بر روی اساس معامله متقابله خواهد بود

ماده ۳ — این قانون پس از تنظیم نظامنامه اجرائیه که باید به تصویب هیئت دولت برسد مجری خواهد شد

« رئیس الوزرا — مهدیقلی »

کفیل اقتصاد ملی — محمد علی فروغی »

قانون مالیات برعایدات

ماده (۱) از تاریخ اجرای این قانون مالیات های ذیل بمیزان و ترتیبیکه در مواد آتیه ذکر میشود مأخوذ خواهد شد

ماده (۲) شرکت های انتفاعی و کارخانجات باستثنای بانگها و سائر موسسات صرافی

الف — در صورتي که مرکز اصلی آنها درایران باشد

ازپنج هزارتومان تا صد هزار تومان عایدات خالص سالیانه خود صدی سه

از صد هزار ویك تومان تایك ملیون تومان عایدات خالص سالیانه نسبت بمازاد از صد هزار تومان صدی سه ونیم

از یك ملیون ویك تومان ببالا نسبت بمازاد از یك ملیون تومان صدی چهار مالیات خواهد داد

ب ـ در صورتی که مرکز اصلی آن ها در خارج ایران باشد از عواید خالصی که از عملیات یا محصولات بدست آمده در ایران تحصیل می شود (بتناسبی که فوقا ذکر شد) مالیات خواهندپرداخت

تبصره ـ عایدات خالص عبارت است از مجموع عایدات پس از وضع مخارجی که برای تحصیل عایدات شده است

ماده(۳)ـ بانك ها و سایر مؤسسات صرافی و فروشندگان بروات بتناسب نیم در هزار از بروات واوراق تجارتی که میفروشند مالیات تمبر خواهند پرداخت

تمبر مبالغ کمتر از صد تومان معادل با ده شاهی خواهد بود برای هر ورقه چك (بدون رعایت مبلغ) یکصد دینار مالیات تمبر خواهد پرداخت

ماده ٤ ـ تجار بترتیب ذیل مالیات جواز خواهند داد

۱ ـ	تاجر درجه اول	سالیانه	۲۵۰	تومان
ب ـ	« « دوم	«	۱۵۰	«
ج ـ	« « سوم	«	۸۰	«

د ــ تاجر درجهٔ چهارم سالیانه ۳۰ تومان

تبصره ۱ ــ تاجردرجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه‌اش بیش ازشصت هزار تومان باشد

تاجر درجه دوم کسی است که میزان فروش سا لیانه اش بیش از چهل هزار تومان ومنتهی شصت هزار تومان باشد

تاجر درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه‌اش بیش از بیست هزار تومان ومنتهی چهل هزار تومان باشد

تاجر درجه چهارم کسی است که میزان فروش سالیانه‌اش بیش از پنج هزار تومان ومنتهی بیست هزار تومان باشد

تبصره ۲ ــ تاجری که میزان فروش سالیانه اش از پنج هزار تومان تجاوز نمیکند از پرداخت مالیات معاف است

ماده ۵ ــ اصناف بترتیب ذیل مالیات خواهند داد

الف ــ صنف درجه اول سالیانه ۱۰۰ تومان

ب ــ صنف درجه دوم سالیانه ۴۸ تومان

ج ــ صنف درجه سوم سالیانه ۱۸ تومان

تبصره ۱ ــ صنف درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از چهل هزار تومان باشد

صنف درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از بیست هزار تومان و منتهی چهل هزار تومان باشد

صنف درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از پنج هزار تومان ومنتهی بیست هزار تومان باشد

تبصره ۲ ـ صنفی که میزان فروش سالیانه اش از پنج هزار

تومان تجاوز نمیکنند از پرداخت مالیات معاف است

ماده (٦) دلال و حق العمل کار بترتیب ذیل مالیات خواهند داد

حق العمل کار و دلال درجه اول سالیانه ۱۰۰ تومان

حق العمل کار ودلال درجه دوم سالیانه ٥۰ تومان

حق العمل کار ودلال درجه سوم سالیانه ۳۰ تومان

تبصره ۱ - حق العمل کار و دلال درجه اول کسی است که واسطه معامله بیش از ۱۰۰ هزار تومان در سال باشد

حق العمل کار و دلال درجه دوم کسی است که واسطه معامله بیش از ٥۰ هزار تومان ومنتهی ۱۰۰ هزار تومان باشد

حق العمل کار و دلال درجه سوم کسی است که واسطه معامله بیش از ۳۰ هزار تومان ومنتهی ٥۰ هزار تومان باشد

تبصره ۲ — حق العمل کار و دلالی که واسطه معامله کمتر از سی هزار تومان باشد از پرداخت مالیات معاف خواهد بود

ماده ۷ - وکلای عدلیه و اطباء به تناسب ذیل مالیات خواهند داد

الف - طبیب ووکیل درجه اول در طهران سالیانه ۱۲۰ تومان در ایالات وولایات ٦۰ تومان

ب - طبیب ووکیل درجه دوم در طهران سالیانه ٤۸ تومان در ایالات وولایات ۲٤ تومان

ج - طبیب ووکیل درجه سوم در طهران سالیانه ٦ تومان در ایالات وولایات ۳ تومان

ماده ۸ ـ طبقات مذکور در مواد ٤ و ٥ و ٦ و ٧ برای اشتغال بمشاغل خود باید جواز تحصیل نمایند ومبالغ مذکوره در آن مواد بعنوان حق جواز اخذ خواهد شد هر یك از افراد طبقات مذکوره در مواد ٤ و ٥ مکلف هستند اظهار نامه که حاکی از میزان فروش سال قبل و مشخص درجه بندی آن ها خواهد بود به مالیه محل بدهند

افراد طبقات مذکوره در ماده (۷) درجه خود را در ضمن اظهار نامه که خواهند داد معین می نمایند

اشتغال بمشاغل مذکوره در مواد ٤ و ٥ و ٦ بدون تحصیل جواز ممنوع بوده و متخلفین بجریمه معادل دو برابر حق جواز محکوم خواهند شد

ماده (۹) کسانی که از عواید مملکتی وبلدی ایران حقوق می گیرند باستثنای نظامیان وصاحب منصبان امنیه نظمیه و کسانی که از صندوق تقاعد استفاده میکنند بتناسب ذیل مالیات خواهند داد

الف ـ هر کسی بیش از ۳٥ و منتهی پنجاه تومان حقوق ماهیانه میگیرد نیم در صد از کل حقوق

ب ـ هر کس بیش از پنجاه و منتهی صد تومان حقوق ماهیانه میگیرد نسبت بمازاد یك و نیم در صد

ج ـ هرکس بیش از صد و منتهی دویست تومان حقوق ماهیانه میگیرد نسبت بمازاد دو درصد.

د ـ هر کس بیش از دویست تومان حقوق میگیرد نسبت بمازاد چهار در صد

ماده (۱۰) کسانی که عایداتی از غیر منابع مذکوره در مواد فوق دارند در صورتی که عایدات خالص آنها سالیانه بیش از پانصد تومان باشد بتناسب ذیل مالیات خواهند داد:

الف ـ از پانصد و یك تومان تا دو هزار تومان عایدات خالص سالیانه صدی یك نسبت بمازاد پانصد تومان

ب ـ از دو هزارویك تومان تا ٦ هزار تومان عایدات خالص سالیانه نسبت بمازاد صدی دو

ج ـ از شش هزار و یك تومان عایدات خالص سالیانه ببالا نسبت بمازاد صدی سه

تبصره ۱ ـ عوایدی که مطابق قانون مالیات املاك اربابی مصوب ۲۰ دیماه ۱۳۰٤ حاصل می شود محکوم بتادیه مالیات مذکوره دراین ماده نبوده و مطابق قانون مذکور مالیات تادیه خواهند نمود مالیات اغنام واحشام که مطابق قانون مصوب بیست و یکم امرداد ۱۳۰۷ ملغی است کماکان ملغی خواهد بود

تبصره ۲ مادام که مالیات مستغلات مخصوص ببلدیه ها است عواید حاصله از مستغلات مشمول این قانون نخواهد بود

ماده (۱۱) نمایندگان سیاسی و قنسولی خارجه در ایران از پرداخت مالیات مذکوره درماده دهم این قانون معاف خواهند بود

ماده (۱۲) هر شرکت یامؤسسهٔ مکلف است در فروردین هرسال صورتی از اسامی مستخدمین و اجزاء خود که میزان حقوق یامزد سالیانه آن ها از پانصد تومان تجاوز میکند بمالیه محل صورت بدهدوشرکت یامؤسسه مذکوره برای مدتی که مستخدمین واجزاء

فوق‌الذکر درخدمت آنهاهستندمسئول‌وصول‌وایصال‌مالیات‌آنان‌خواهدبود

ماده (۱۳) مشمولین مواد - ۲ -و۱۰ مکلف هستند تا آخر سال بتناسب عایدات سالیانه خود مالیات قانونی را بپردازند مشمولین مواد (٤و٥و٦و۷) مکلف هستند تا ۱۵ خرداد هر سال اظهار نامه داده تحصیل جواز نمایند

میزان مالیات مشمولینی را که تامواعد مقرره فوق اظهارنامه نداده اند مالیه معین خواهد کرد ودر این صورت هیچگونه‌اعتراض بمیزانی که مالیه معین کرده است از طرف مشمول پذیرفته‌نخواهد شدمگرآن که‌عذر موجه‌داشته‌ویامدارك کافیه‌آن رانزدمالیه‌محل اثبات‌نماید

ماده (۱٤) کسانی که برای فرار از مقررات این قانون پایه مالیات خود را کمتر از واقع قلم داد کنند پس از اثبات امر به ترتیبی که در ماده ۱۵ مذکور است معادل دو برابر مالیاتی کـه بایست پرداخته شود خواهند پرداخت

تبصره - تفتیش در دفاتر و اوراق و محاسبات تجارتی و شخصی برای تعیین پایه مالیات اکیداً ممنوع است

ماده (۱۵) هرگاه بین مالیه و مودی مالیات راجع بـه میزان عایدات ومالیات اختلافی حاصل شود بجز در مورد مذکور در ماده سیزده این قانون هریك از طرفین حق دارند بکمسیونی که مطابق ترتیب مشروح در ماده ده قانون موسوم بقانون مالیات املاك اربابی ودواب (مصوبه ۲۰ دیماه ۱۳۰٤) تشکیل‌خواهد شد رجوع نمایند ورأی اکثریت کمسیون قاطع است

ماده (۱٦) مالیات های مقرره دراین قانون از اول‌سال ۱۳۰۹ ماخوذ خواهد شد.

دستور العمل

راجع باجرای قانون اول اسفند ۱۳۰۷

در موضوع معافیت های گمرکی

۱ ـ اشیاء وارده یا صادره برای اعلیحضرت اقدس همایونی و والا حضرت اقدس ولایت عهد و اشیاء متعلقه بدربار سلطنتی از حقوق گمرکی و معاینه معاف است ولی در هر مورد باید از اداره مرکزی حکمی راجع بآنها صادر یا اینکه اظهار نامه تفصیلی بامضای حضرت اشرف آقای وزیر دربار یا شخصی که رسما ازطرف معظم‌له نمایندگی داشته باشد برای آنها تنظیم گردد

اسباب سفر سلاطین و رؤسای دول متحابه خارجه که بایران مسافرت نمایند از معاینه وحقوق گمرکی معاف است

۲ ـ اشیاء وارده یا صادره بجهة مصرف شخصی سفراء کبار ووزراء مختار که در ایران مأموریت رسمی دارند شارژدافرها ـ مستشاران اتاشه های کشوری یا نظامی سفارتخانها که بترتیبات مقرره از طرف وزارت امور خارجه معرفی شده باشند در باره آنها همان ترتیب مجری میشود که از طرف دول مزبور نسبت بواردات و صادرات نمایندگان سیاسی ایران در آن ممالك معمول است

اثاثیه و سایر اشیاء مخصوص مصرف بعضی ژنرال قونسولها وقونسولها و نایب قونسولهای کاریری که در ظرف مدت نه ماه از تاریخ برقرار شدن آنها وارد گردد بشرط معامله متقابله مساعدتهای قانون حد اکثری است که فقط بنمایندگان سیاسی یا قونسولی ممالکی که لااقل همین اصول را در باره نمایندگان ایران منظور میدارند اعطا میشود سایر مأمورین مشمول همان رژیم هستند که در ممالك مزبور نسبت بمأمورین سیاسی یا قونسولی ایران مجری و معمول است

علائم مملکتی ـ بیرق ولوازم التحریر متعلق بدفتر ژنرال قونسولگریها و قونسولگریها و نایب قونسولگریها بشرط معامله متقابله و قطع نظر ازتاریخ ورود یعنی بدون رعایت مدت نه ماه که درفوق مذکور گردید بمعافیت پذیرفته میشود اشیاء مزبور علی الاصول از معاینه معافند ولی این معافیت بحق مسلم مأمورین نبوده بلکه فقط ازلحاظ احترام ونزاکت در باره ایشان مرعی میگردد

بغیر از اسباب سفر شخصی که نمایندگان سیاسی یا قونسولی در موقع ورود یاخروج باخود حمل میکنند برای سایر اشیاء وارده یاصادره باید اظهارنامه تفصیلی بامضای شخص ذی نفع تنظیم والدی الضروره رئیس میسیو ن (هیئت مأمورین) نیز آنرا تصدیق کنند مزایای مشروحه درماده ۲ قانون را میتوان برحسب دستور وزارت امور خارجه شامل حال مأمورین سیاسی خارجه که عبوراً از ایران میگذرند قرار داد ؛

۳ - اسباب سفر مسافرین شامل ملبوس و رخوت زیر لباس باستثنای اشیاء نو و آنچه ممکن است مانند اشیاء تجارتی تلقی شود

مسافرینیکه تذکره مرتب داشته باشند مجاز هستند مقداری آذوقه یالوازم سفری بمعافیت ازحقوق وارد یاخارج کنند ولی این معافیت نسبت بهر تذکره مجموعاً از ۲۵ قران تجاوز نخواهد کرد

هکذا البسه ورخوت زیر لباس و ملافه و هوله و هر نوع مبل متعلق باشخاصیکه برای اقامت در ایران می‌آیند مشروط بر اینکه این اشیاء نونبوده و از ظاهر آنها آثار استعمال مشهود و بجهت فروش وارد نشده وبا وضعیت اجتماعی وارد کنندگان متناسب باشد مشمول معافیت خواهد بود

پیانو - ویولون هارمونیکا - دوچرخه - اسباب سینما توگراف و دستگاه‌های حمل از هر قبیل مشمول معافیت واقع نمیشود

انزار و ادوات کار وارده بتوسط کارگران و صنعتگران و کسانی که برای اقامت درایران ولو برسبیل موقة می‌آیند بمعافیت پذیرفته میشود غیراز مستثنیات‌مشروحه فوق

٤ - اسباب موزیك و لباس و جزوه های موسیقی و زینت تئاتر و متعلقات آن که بتوسط آرتیست های (بازیگر) یا کمپانی وارد ایران شود

پیانو - هارمونیکا - دوچرخه و کالسکه از هر قبیل و سینما توگراف که بتوسط این طبقه اشخاص وارد شود میتوان آنهارا موقتاً تحت رژیم ترانزیت بمعافیت قبول نمود

۵ - دواب و حیواناتیکه مرتباً برای تعلیف بخارجه فرستاده میشود از حقوق خروجی معاف است خروج دواب باید از دفتر گمرکی صورت گیرد که

در آنجا کلیه ترتیبات لازمه برای خروج موقتی انجام شده باشد هکذا ورود مجدد آنها باید از دفتر گمرکی واقع شود که حق صدور جواز تعلیف داشته باشد دواب و احشام خارجه که برای تعلیف بنقاط سرحدی ایران فرستاده شود موقتاً بمعافیت پذیرفته و ممکن است ثانیاً بطور ترانزیت آزادانه خارج شود

اجناس ایرانی الاصل که از خارجه عودت داده میشود خواه در آنجا قبول نشده یا بفروش نرسیده باشد خواه در نتیجه ممنوعیت یا عناوین دیگری که معلول فرس ماژور باشد از قبول آن امتناع نموده باشند مشمول معافیت است باستثنای اشیائیکه ورود یا خروج آن ممنوع است

چنانچه برای این اشیاء حقوق خروجی داده باشند ممکن است بدستور اداره مرکزی گمرکات مسترد گردد

۷ ـ اشیائیکه اصل یا ساخت آن ایرانی یا خارجه باشد و برای پارهٔ ترمیمات و اصلاحات یا تکمیل ساخت بخارجه فرستاده شود موقع ورود ثانوی فقط به نسبت افزایش قیمت یاوزن که حاصل نموده باشند به آنها حقوق تعلق خواهد گرفت برای استفاده از این ترتیب اشیاء باید قبل از حمل بخارجه در گمرك ایران پلمب یا مهر شود و آن امهار سربی موقع ورود مجدد دست نخورده باشد اشیائیکه نتوان بهآنها مهر یا پلمب الصاق نمود مشمول این ترتیب نمیتوان واقع شود

۸ ـ دستگاهها و حیوانات باری و وسائل حمل از هر قبیل که برای بردن مسافرین بخارجه بکار برده شود وبعد مجدداً وارد بایران گردد ازحقوق خروجی و ورودی معاف است مشروط باینکه مبلغ کافی ودیعه سپرده ورود ثانوی آنها در ظرف مدتی که از دوازده ماه تجاوز نکنند صورت گیرد

۹ ـ لکوموتیف و واگون ودستگاههای هوائی که بطور مرتب ودائمی در خطوط بین ایران و خارجه آمد و شد کنند و مقدار سوختی که بجهت راه لازم است بمعافیت قبول میشود

۱۰ — لفافهای متعارفی حاوی اشیاء معاف یا اجناسیکه مطابق وزن خالص یا قیمت به آنها حقوق تعلق میگیرد باستثنای ظروف شیشه و لفافهای

تجملی (فانتزی) از حقوق ورودی معاف هستند

۱۱ ـ کسرات ـ دگل ـ شراع ـ لنگر طناب وسایر افزار کشتی متعلق بجهازاتیکه در سواحل ایران غرق یادر گل نشسته باشد هکذا افزار ومتعلقات کشتیهای تجارتی ایران که در سواحل خارجه غرق یا دچار اینگونه خطرات گردد و درظرف ششماه از تاریخ وقوع سانحه مجدداً بایران ارسال شود از حقوق معاف است

تبصره ۱ ـ معافیتهای مذکور نمیتواند شامل اجناسی که ورود یاخروج آنها ممنوع است و پذیرفتن آن موکول باجازه مخصوص است واقع گردد

برای شمول معافیت باید برای هر فقره مال التجاره یا اشیاء یکورقه اظهارنامه تنظیم و در آنجا تعداد و علامات و نمرات کلیها و نوع و مقدار و قیمت و مقصد محتویات آنها ذکر شود

۲ ـ ادویه و اشیاء متعلق بمؤسسه شیر و خورشید سرخ و مؤسسات صحیه و خیریه و همچنین اسباب و ادوات وغیره که اختصاص بمدارس داشته باشد ممکن است مشمول معافیت واقع گردد در مواردیکه مؤسسه شیرو خورشید سرخ خواسته باشدنسبت باشیاءمخصوص بستن زخم ودواجات واسباب جراحی واثاثیه مریضخانه وتخت روان وغیره تقاضای معافیت نمایدهکذادر مواقعیکه مدارس بخواهند معافیت نقشه وتخته و ادوات فیزیکی و شیمیائی و اشیاء دیگر مخصوص تعلیم مدارس یاماشین و افزار مخصوص مدارس صنعتی وارد نمایند میبایست صورت تفصیلی آنها را بوزارت مالیه ارسال تاالدی الاقتضا پیشنهاد معافیت آنها بهیئت وزراء عظام تقدیم و تصمیم مقتضی اتخاذ گردد اجناسیکه بطریق فوق بمعافیت وارد میشود باید برای آنها اظهارنامه معمولی گمرك تنظیم و بطور تفصیل معاینه شوند

۳ ـ تخته و مقوا و کاغذهای مقطع که برای لفاف خرما وارد و باید مجدداً خارج شود از حقوق معاف است ورود این اشیاء بموجب جواز ترانزیت و بوسیله ودیعه نقدی واقع میشود در مقابل حقوقیکه احیاناً به آن ها تعلق بگیرد یکماه بعد از انقضای فصل خروج خرما مقادیریکه صادر نشده باشد راساً بعنوان مصرف شدن اظهار و ودایع بالقطع بجمع دایدات منظور میگردد

حقوق ورودی مأخوذه ازپارچهای ابریشمی طبیعی خالص که برای چاپ یا قلاب دوزی وارد ایران و مجدداً خارج شود بقرار $\frac{۸}{۱۰}$ (هشت دهم) مسترد می گردد

اشخاصیکه خواسته باشند از این ترتیب استفاده نمایند باید در موقع ورود پارچها دفتر یا دفاتریکه از آنجا مجدداً صادر خواهد شد مشخص نمایند

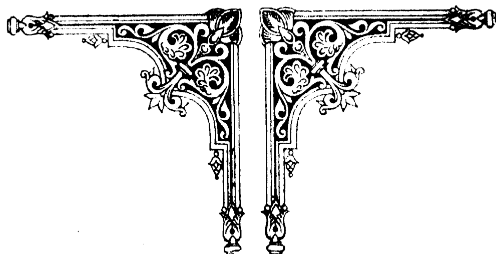
دفتر ورودی نمونهائی از پارچهای وارده بر داشته و آنها را ممهور و یکی از مسطوره ها را بدفاتر خروجی ارسال و ضمناً تاریخ و نمره جواز ورودی و مقداری‌را که واردشده است مشخص مینماید

اصل جواز ورودی باید همیشه همراه اجناسیکه ثانیاً خارج میشود باشد و هر دفعه مقداری که بخارجه عودت داده میشود در ظهر جواز ذکر شود

چنانچه خروج ثانوی از دفتری سوای دفتر ورودی صورت بگیرد وجوه مسترده مانند پرداختی باداره مرکزی منظور و عین‌آن از دفتر ورودی مطالبه می شود

این دستور العمل قائم مقام مقررات ماده ۲۷ نظامنامه قانونی گمرکات است

رئیس کل گمرکات



ملاحظات ابتدائی

۱ـ کلیه اشیاء واجناس ومأکولات باستثناء آنهائیکه بموجب تعرفه ها و نظامنامها معاف شده اند وقطع نظر از آنچه نسبت باجناسیکه باید از جهازی به جهاز دیگر نقل یا بطور ترانزیت عبور کنند مقرر گردیده یابعد مقرر شود در موقع ورود یاخارج گردند بآنها حقوق تعلق میگیرد مگر اینکه باداره گمرک ثابت شودکه آن اجناس یا اشیاء یا مأکولات سابقاً در موقع ورود یا خروج حقوق مقرره را پرداخته اند .

۲ ـ اجناس وارده بمملکت ایران ازممالکی که بادولت ایران عهدنامه منعقد نموده اند حقوق گمرکی را بر طبق مقررات آن عهدنامه تأدیه نموده و عوارض جاریه قانونی رانیز خواهند پرداخت .

نسبت بممالکی که بادولت ایران عهدنامه نبسته اند حقوق اجناسیکه ازآن ممالک وارد میشود در تعرفه حد اکثر تعیین شده است .

۳ ـ در صورتیکه در تعرفه‌ها تغییراتی عارض شود حقوق مقرره همان است که‌در مواقع ذیل‌بر قرار بوده :

آ ـ نسبت بواردات روز تسلیم اظهارنامهٔ عمومی در اولین دفترورودی قطع نظر ازاینکه بعداز ورود اجناس بمملکت بچه‌مصرف رسیده باشد

ب ـ نسبت بصادرات روز تسلیم اظهار نامه تفصیلی

ج — نسبت بکسرات کشتی روز انشاء صورت مجلس تصرف از طرف گمرک

٤ ـ علاوه بر حقوق گمرکی تاکسها وعوارض ذیل نیز اخذ میشود :

آ ـ ۲ قران تاکس شانسلری بابت‌هر اظهار نامه یا عریضه

ب ـ چهار شاهی بابت هرمهر سربی گمرک و ۲ شاهی بجهة هرمهـ لاکی که‌از طرف گمرک روی اجناس یا کلیها الصاق شود

ج ـ حقوق انبار داری که باید از تاریخ روز چهاردهم بعد از تسلیم صورت محمولات کشتی یا بارنامه پرداخته شود ولی آن حقوق قبل‌از روز پنجم بعداز تاریخ وصول اجناس بگمرک اخذ نخواهد شد

برای هرده من وده روز هرگاه اجناس در مواضع ذیل‌جا داده شده :

در مخزن های در بسته		٤ شاهی
در انبار ها یازیر رو پوش	۳ر۱	۱ شاهی
در جاهای بی سقف و حیاط یا محوطهٔ گمرکی		۱ شاهی
در مخازن انبار عمومی		۲ شاهی

د — عوارض حمالی بموجب تعرفه های محلی در صورتیکه گمرك متصدی آن باشد

ه - حقوق بابت استعمال منجنیق (جراثقال) های گمرك هر صد من ۱ شاهی

حقوق در ازاء استفاده ازبار انداز وراه آهن و غیره که متعلق بگمرك باشد بموجب تعرفه های محلی

و - تاکس افتتاح ومحارست انبار های خصوصی ٥ قران در ازاء هر یك روز کار

ز - تاکس نقل از جهازی بجهاز دیگر

۱ - از کشتی بکشتی بدون نقل‌بار انداز هرکلی ۱/۲ ۲ شاهی

۲ - در صورت نقل ببار انداز هر کلی ٥ شاهی علاوه بر حقوق‌انبار اندازی ومنجنیق (جراثقال) وحمالی لدالاقتضا

۳ - نسبت باجناس بیطرف تاکسها بترتیب از قرار یکمن ده شاهی و یك قران است

٥ - حقوق گمرکی بایدنقداً قبل‌از خارج‌کردن اجناس ازگمرك پرداخته شود ترتیب تأدیه وجه بپول مسکوك یا اسکناس خواهد بود کهدر ایران رواج قانونی داشته باشد واحد مسکوکات قران نقره است که وزن آن یك مثقال و بعیار ۹۰۰ هزارم($\frac{۹۰۰}{۱۰۰۰}$) مثقال نقره خالص میباشد .

٦ - مال التجاره تضمین‌حقوق گمرکی‌بوده وگمرك در هیچ صورت‌حاضر نخواهد بود قبل‌از پرداخت حقوق وسایر عوارض که قانوناً باید تأدیه شود آنها را از گمرك خارج کنند .

۷ - واحد وزن راجع باجناسیکه بر طبق این مأخذاز آنها حقوق‌گرفته میشود من ایران است که معادل ششصد وچهل مثقال ایران و٥٤ ٦ ابور

انگلیسی ودو کیلو گرام ونهصد و هفتاد گرم فرانسه میباشد در صورتیکه دولت ایران واحد وزنی غیر ازمن ٦٤٠ مثقال اختیار کند حقوق مخصوصی که در تعرفه ها ذکر شده ممکن است بنسبت کسر یا اضافه شود

۸ - حقوق اجناسیکه در تعرفه مذکور وحقوق آنهااز روی وزن غیر خالص معین شده مطابق وزن حقوق آن اجناس محسوب میشود بضمیمه وزن لفافکه بترتیب معمول به تجارت باخود جنس بخریدار تعلق میگیرد خصوصاً چلیك وبطری وظروف یا شیشه های حاوی مایعات وکوزه وجعبه های متنوعه . و مقوا ولفافهای کاغذی یا پارچه وسایر لفافهائی که هرگاه از جنس مجزا شود باعث تضییع آن بوده یا آنرا از صورتی که معمولا بآن شکل برای فروش کلی یا جزئی در بیآید خارج کند

۹ - نسبت باجناسیکه حقوق آنها از روی وزن مأخوذ ودر تعرفه ها ذکر نشده باشدکه از روی وزن غیر خالص گرفته میشود وارد کنندگان یاصادر کنندگان باید در اظهار نامهای خود قید کنند که بکدام یك ازدو شق ذیل مایل اند حقوق محسوب شود

مطابق وزن خالص حقیقی یعنی وزن جنس که از تمام لفافهاش مجزا شده باشد .

از روی وزن خالص قانونی یعنی وزن جنس بعلاوه تمام لفافها ازهر قبیل بعداز وضع کسر ظرف قانونی

در صورتیکه در اظهار نامهیکی ازاین دو شق تصریح نشده باشدحقوق همیشه از روی وزن خالص قانونی محسوب میشود .

۱۰ - کسر ظرف قانونی راجع باجناس وزنی بقرار ذیل است

آ - جام شیشه محتوی در صندوق بقرار چهل درصد از وزن باظرف

ب - نسبت بسایر مال التجار بقرار ذیل است :

۱ - صندوق یا چلیك از قرار صدی بیست تمام وزن غیر خالص

۲ - محتوی درسبد وزنبیل وسایر لفافهای چرمی معادل صدي هشت کل وزن غیر خالص

۳ ـ محتوی در حصیر یا کیسه یا سایر لفافهای نظیر آن از قرار صدی سه کلیه وزن غیر خالص ـ کسر ظرف بلفافهائیکه کاملا جنس را نپوشیده ازقبیل لفاف تخته یامشبك وغیره تعلق نمیگیرد .

۱۱ ـ اجناسیکه بدون ظرف وارد یا خارج میشود صاحب مال باید در اظهار نامهٔخود وزن خالص آن را معین کند .

مال التجاره که از ادای حقوق معاف بوده وبا کلی وارد یا صادر شده باشد باید وزن باظرف آن کلی در اظهار نامه معین شود مأمورین گمرك در اینصورت کسر ظرف مقرره را از وزن موضوع کرده وزن خالص را مشخص می نمایند .

۱۲ ـ مال التجاره که باید حقوق آن از روی قیمت محسوب شود وارد کنندگان یا صادر کنندگان باید قیمتیکه برطبق آن میخواهند حقوق اخذ گردد در اظهار نامه معین نمایند .

۱۳ ـ هرگاه اجناس مختلفه در عدل واحد باشد که بموجب قیمت بآنها حقوق تعلق میگیرد وقیمت آنها از یکدیگر تفاوت داشته باشد شخص ذی نفع باید قیمت هریك راجدا گانه معین نماید :

لیکن در صورتیکه مال التجاره مرکب ازاسباب خرازی یااشیاء تجملی (فانطزی) که بایکدیگر بی تناسب نباشد وقیمت مجموع آن از یکصد تومان تجاوز ننماید ممکن است فقط بذکر جمع کل قیمت آنهادر اظهار نامه اکتفا نمایند .

۱٤ ـ تعیین قیمت مال التجاره درگمرك از روی قیمت اصلی مال است در محل اولیه یا محل ساخت بعلاوه مخارج باربندی وخرید وبیمه وحمل ونقل وحق الجعاله (کمیسیون) وسایر مخارج لازمه ورود یا خروج مال التجاره تا محلیکه در آنجا گمرك میشود .

نسبت باجناس وارده قیمت مزبور در هیچ صورت از قیمت اصلی عمده فروشي اجناس نظیر آن در بازار محلی ایران یا نزدیکترین بازاردر موقع ورود کمتر نخواهد بود وپس از وضع ۱۰٪ ومبلغی متناسب باحقوق وتاکسهائیکه در ورود باین قبیل اجناس تعلق میگیرد در موقعیکه قیمت اجناس در مبداء بپول

مسکوك خارجه قید شده باشد قیمتهای مزبور برطبق مأخذ آخرین مظنهٔبانکهای محلی قبل‌از تسلیم اظهار نامه تبدیل بپول ایران میشود

۱۵ ـ مأخذ حساب حقوق یعنی وزن یا قیمت برحسب موارد باید همیشه در اظهار نامه بحروف تمام قید شود .

۱۶ ـ حتی در مورد اجناسیکه از روی وزن بآنها حقوق تعلق‌میگیرد یا آنهائیکه از حقوق معاف هستند وارد کنندگان یا صادر کنندگان موظف‌اند قیمت اجناس وارده یا صادره وهکذا ممالك مبدأ یا مقصد را با منتها درجه‌صحت در اظهار نامه ذکر نمایند .

این اطلاعات بنفع تجارت و برای تعیین میزان دقیق احصائیه های تجارتی است .

۱۷ ـ اجناس انحصاری یعنی قند وشکر وچای‌باید فقط‌از دفاترمشروحه ذیل وارد ایران شود مگر اینکه درآتیه تصمیمی برخلاف این ترتیب اتخاذگردد محمره ، اهواز ، عبادان ، بوشهر ، لنگه ، بندر عباس ، چاه بهار ، جاسك، دزداب ، کاریز ، لطف آباد ، بلان ، باجگیران ، بندر جز ، مشهد سر ، پهلوی ، آستارا ، جلفا ، شاه تخته ، خدا آفرین ، خوی ، لاهیجان ،سردشت بانه ، قصر شیرین .



حقوق واردات

۱ - احجار بانضمام احجار کریمه ومروارید

	حد اقل	حد اکثر
آ - احجار کریمه ومروارید ساخته یا غیر آن(ازقیمت)	٪ ۲۰	٪ ۵۰
ب - احجار متعارفی نساخته بانضمام سنگهای مربع و سنك فرش	معاف	معاف
ج - احجار متعارفی اره شده صیقلی وحجاری شده بانضمام اشیاء سنگی مرمری و غیره باستثنای ظروف تجملی مجسمه و غیره مخصوص اثاثیه که جزو موبل و اثاث البیت محسوب میشوند	٪ ۱۰	٪ ۲۰
د - سنك لوح برای بام بانضمام سنك لوح های مصنوعی(صدمن)	۲ قران	۵ قران

۲ - ادویه جات

	حد اقل	حد اکثر
آ - فلفل - زردچوبه - فلفل فرنگی وخردل (یکمن)	۱/۵	۳
ب - سایر اقسام ادویه بانضمام ادویه جات آماده انواع رب (سوس) وانیل - زعفران دنبلان - لیمو های خشك (عمانی) و ادویه جات غیر مذکور از قبیل دارچین - میخك - برگهای شجر الغار — جوز — هل - زیره - سیاه دانه - دانهای خشخاش(ازقیمت)	٪ ۱۵	٪ ۳۰

۳ - اسلحه و متعلقات وقطعات منفصله آنها

	حد اقل	حد اکثر
آ - تفنگهای شکاری و تفنگهای کوتاه و طپانچهای تفریحی غیر از اسباب بازی اسلحه برنده و قطعات منفصله آنها	٪ ۱۰	٪ ۲۰
ب - سایر انواع اسلحه آتشی و قطعات منفصله آنها (ورود موکول باجازه مخصوص دولت است)	٪ ۵۰	ممنوع

٤ - اشیاء صنعتی و کلکسیون

(غیر از آنهائیکه مورد داد و ستد جاریه هستند)

	حد اقل	حد اکثر
برای موزه و اشخاص اماتور (مقصود اشخاصی است که بداد و ستد اشیاء مذکوره نه پردازند) بانضمام اشیاء عتیقه تمبر پست تابلوهای نقاشی و تصاویر دستی، قاب نشده و کتب خطی	معاف	معاف
۵ـ آلات موسیقی از هرقبیل بانضمام قطعات منفصله آنها	٪ ۲۵	٪ ۵۰
۶ـ آلات وادوات علمی از هر قبیل بانضمام قطعات	معاف	٪ ۱۰

۷ البسه و اشیاء دوخته و مهیا

	حد اقل	حد اکثر
آ ـ البسه از هر قبیل که تمام یاقسمتی از آنها دوخته ومهیا باشد بانضمام انواع پیراهن و زیر شلواری جوراب وشب کلاه واقسام کلاه ـ دستکش از هرقبیل شرپ ـ شال باستثنای شالهائیکه مخصوصاً در تعرفه قید شده ـ دستمال گردن زنانه ـ چهارقد ـ شال گردن‌های پوستی زنانه و اشیاء نظیر آنها ـ پرهائیکه برای زینت تهیه شده و کلیتاً تمام اشیاء مربوط به البسه که مخصوصاً در تعرفه ذکر نشده	٪ ۲۵	٪ ۵۰
تبصره ـ کفشهای غیر چرمی یاکائوچوئی یا کفشهائی که قسمت عمدهٔ آنها از چرم یا کائوچو نیست جزء البسه از هر قبیل محسوب میشوند		
ب ـ اشیاء دوخته و مهیا		
۱ ـ اشیاء دوخته ومهیا بانضمام ملافه و روپوش تخت خواب سفره و حوله دستمالهای جیبی دوخته چترهای بارانی و آفتابی ـ روپوشهای مال التجاره بیرق ـ گردن‌پوش ـ غاشیه ـ انواع پتوورومیزی پارچه‌های روپوش اثاثیه وپیانو ـ گلهای مصنوعی توریهای چراغ ـ پرده‌های کوچك و بزرك پارچه‌ئی و فنری مهیا و غیره	٪ ۲۵	٪ ۵۰

	حد اقل	حد اکثر
۲ — انواع جوال و کیسه هائیکه درتعرفه ذکر نشده	٪۵	٪۱۰
تبصره — اشیاء پارچه‌ئی مذکوره فوق مطابق جنس پارچه‌ئی تأدیه حقوق مینمایند در صورتیکه بشکل توپ یا بطوریکه از کارخانه نساجی خارج شده اند وارد گردند یعنی بدون اینکه بعداً درشکل آنها تغییری داده شده باشد		

۸ - الکلیات

	حد اقل	حد اکثر
آ . الکلهای خالص(یکمن باظرف)	۱۶قران	۲۴ قران
ب الکلهائیکه طبیعتاً یا مصنوعاً بطور دائم وواقعی مورد استفاده شربی نداشته باشند و الکلهائیکه بوسیله یکجسم دهنی جامد شده اند (یکمن باظرف)	۱/۵	۳
تبصره — برای مشروبات الکلی رجوع شود به قسمت مشروبات ماده ۴۵		

۹ـباروت ومواد قابل احتراق

	حد اقل	حد اکثر
آ . باروتهای متعارفی برای تفنك و غیره باروتهای سفید (پروکنزیله)از قیمت	٪۱۰	ممنوع
تبصره — ورود باروتهائیکه قوه احتراق آنها زیادتر از باروت شکاری معمولی یا باروت سفید باشد موکول باجازهٔ مخصوص دولت است		
ب — فشنك و لوازم آن برای تفنگهای شکاری تفنگهای کوتاه وطپانچه‌های تفریحی بانضمام انواع چاشنی باروتی قابل احتراق.	٪۲۰	٪۵۰
ج — فشنك ولوازم آن برای نفنگهای جنگی وروولور یاطپانچه (ورود موکول باجازهٔ مخصوص دولت است)	٪۲۵	ممنوع
د — موشك و آلات احتراق برای معادن وسایر مواد محترقه برای مصارف معدنی یاصنعتی (ورود موکول باجازه دولت است)	٪۸	

	حداقل	حداکثر
هـ - اسباب آتش بازی	۱۵٪	۳۰٪
و - سایر اقسام فشنك و غیره بانضمام قورخانه برای توپخانه نارنجك و غیره	ممنوع	ممنوع

۱۰—پوست و مشتقات آن

	حداقل	حداکثر
آ - پوستهای خام خشك یانمك زده غیر از پوستهائیکه در قسمت ب و ج ذیل قیدشده یکمن	۰/۵۰قران	۱/۵قران
ب - پوست خام بره (ازقیمت)	۸٪	۱۵٪
ج - پوست خام روباه خز و غیره	۱۰٪	۲۰٪
د - پوستهای آماده:		
۱ - برای لباس	۱۵٪	۲۵٪
۲ - دباغی شده چرم یا تیماج (یکمن)	٤ قران	۷قران
۳ - چرمهای ملون (یکمن)	٦	۲۰
٤ - چرمهای برقی لاکی ساغری یا بلغار (یکمن)	۱۰	۳۰
هـ - اشیاء چرمی ازهرقبیل بانضمام اشیاء بلغاری انواع کفش و اشیاء سراجی (ازقیمت)	۱۵٪	۳۰٪
۱۱-تریاك	ممنوع	ممنوع

۱۲ - توتون و تنباکو

	حداقل	حداکثر
آ - تنباکو (برای غلیان)		
۱ - برك (یکمن)	۱۸ قران	۱۸قران
۲ - خورد شده (یکمن)	۲۰	۲۵
ب - توتون برای چپق و پیپ		
۱ - برك (یکمن)	۲۰	۲۵
۲ - خورد شده (یکمن)	۲٤	۳۰
ج - توتون سیگار		
۱ - برك (یکمن)	۳۰	۳۰
۲ - بریده یا خورد شده (یکمن)	٤۰	٤۰
د - سیگارت (ازقیمت)	٦۰٪	۱۰۰٪
هـ - سیگارهای برگی بزرك و کوچك	٦۰٪	۱۰۰٪
و - سایر اقسام توتون و تنباکوی ساخته	۵۰٪	۱۰۰٪

تبصره — ساقه توتون و تنباکوهائیکه در فوق ذکر

متن	حد اقل	حد اکثر
شده درصورتیکه علیحده وارد شوند مانند همان توتون و تنباکو تأدیه حقوق گمرکی خواهند نمود ورود مواد مشابه توتون و تنباکو ممنوع است		
۱۳ - حبوبات وماکولات وکنسروهای خوراکی غیر از مشروبات		
آ - روغن وسایر دهنیات حیوانی مأکول بانضمام مارکارین (عصاره پیه) و روغنهای نباتی		
۱ - تازه و نمك زده در ظروف غیر مسدود از هر قبیل(یکمن)	۱ قران	۲قران
۲ - محفوظ در قوطی های کوچك یا سایر ظروف مشابه سر بسته (یکمن باظرف)	۲	
تبصره — مقصود از قوطیهای کوچك قوطی هائی است که وزن آنها (ظرف و مظروف)از یکمن تجاوز ننماید		
ب - کاکائو از هرقبیل بانضمام شوکولات		
۱ - حبه پوست یا فضولات کاکائو(یکمن)	۱	۱
۲ - کاکائو گردقند داریابی قند(یکمن)	۵	۸
۳ - شوکولات از هرقبیل و حلویات ساخته شده از کاکائو (یکمن باظرف)	۱۵	۲۰
ج - قهوه		
۱ - قهوه بونداده (یکمن)	٤	۷
۲ قهوه بوداده آسیا شده یا غیر آن خالص یامخلوط بکاسنی یا سایر مواد(یکمن)	۵	۱۰
تبصره — از قهوه - چای و کاکائوئیکه در بسته های کوچك و قوطیهای مقوائی یاحلبی یاسایر ظروف		

	حد اقل	حد اکثر
مشابه آنها وارد میشود حقوق گمرکی با وزن ظرف مأخوذ میگردد		
د ـ غلات و مشتقات آنها		
۱ ـ برنج پاك كرده یاپاك نكرده(شلتوك) (یكمن)	۰/۳۰	۰/۵۰
۲ ـ گندم جو دوسر وسایر غلات خوراكی غیرمذكور از قبیل ارزن(یكمن)	۰/۲۵	۰/۴۰
۳ ـ مالت (جومقشرمسحوق برای ساختن آبجو)(یكمن)	۰/۲۰	۱
۴ ـ اردهای خوراكی(یكمن)	۰/۲۰	۰/۵۰
۵ ـ اردهای تركیبی از قبیل نسله(یكمن)	۱	۲
۶ ـ بلغور و جو مقشر(یكمن)	۰/۱۰	۰/۳۰
۷ ـ ماكارونی و خمیر های ما كول(یكمن)	۱	۲
۸ ـ بسكماج نان قندی و كلوچه از هرقبیل		
آ ـ بسكماج دریائی وبسكماج هائیكه بهسك داده میشود	معاف	معاف
ب ـ سایر اقسام بسكماج بانضمام نان قندی و كلوچه از هر قبیل(یكمن باظرف)	۱/۵۰	۳
تبصره ــ بسكماج هائیكه بیش از ٪۴۰ قند داشته باشند جزو حلویات محسوب میشوند		
۹ ـ نان	معاف	۰/۲۰
ه ـ كاسنی		
۱ ـ ریشه های سبز كاسنی	معاف	معاف
۲ ـ كاسنی بوداده آسیا شده یا خشك یكمن باظرف	۰/۵۰	۲
و ـ نشاسته های ماكول از قبیل ساكومانیوك تاپیوكا اروروت نشاسته سیب زمینی و غیره یكمن	۰/۱۵	۰/۳۰
ز ـ پنیر		
۱ ـ پنیر متعارفی و نرم بانضمام كشك یكمن	۰/۲۵	۰/۴۰

	حد اقل	حد اکثر
۲ - پنیر های محفوظ		
آ - در قوطی(یکمن باظرف)	۳ قران	٥ قران
ب - در سایر ظروف(یکمن)	۳	٥
ج - میوه های هسته دار و تخمه دار تازه یا خشك یکمن	٢٥/٠	٤٠/٠
ط - میوه های محفوظ بانضمام مرباجات ژله (نوعی ارزانك) لواشه میوه مارملاد میوه هائیکه باشکر پخته شده شیره و شربت میوه‌جات در قوطی کوزه بطری یا سایر ظروف نظیر آنها (ازقیمت)	٢٠ ./٠	٣٠ ./٠
تبصره — شیره و شربت میوه‌جاتی که بیش از ٥ ./٠ الکل خالص داشته باشند ومیوه‌جات محفوظ در الکل جزو عرق محسوب میشوند نمره ۲ از ماده ٤٥		
ی - تخمه های ماکول یعنی آنهائیکه بمصرف خوراك انسان میرسند از قبیل تخمه آفتاب گردان خربوزه هندوانه وکدو(یکمن)	٥٠/٠	٧٠/٠
ك - دهنیات نباتی		
۱ - روغن زیتون(یکمن باظرف)	۲	٤
۲ - سایر دهنیات خوراکی از قبیل روغن آراشید (پسته زمینی) وروغن تخم آفتاب گردان وکنجد وغیره یکمن	٥٠/٠	۲
تبصره - سایر دهنیات نباتی از قبیل روغن خشخاش پنبه دانه و کرچك جزو دواجات عطریات یا دهنیات نباتی غیر ماکول محسوب میشوند		
ل - شیر و سر شیر		
۱ - شیر و سر شیر تازه بانضمام ماست	معاف	معاف
۲ - محفوظ یا خشکی شده در قوطی بطری یا سایر ظروف مشابه آنها قند دار یابی قند یکمن باظرف	۲	۳

	حد اقل	حدا کثر
م ـ سبزی‌جات و بقولات از هرقبیل		
۱ ـ تازه	معاف	./۱۰
۲ ـ خشك ازقبیل نخود ـ عدس ـ باقلا اوبیا و تخم پسته زمینی و سایر بقولات خشك‌یکمن	٠/۳۰ قران	٠/۵۰ قران
۳ ـ محفوظ در قوطی کوزه ـ بطری یاسایر ظروف مشابه آنها یکمن	۳	٤
ن ـ عسل یکمن	۳	٤
س ـ تخم طیور اهلی یا طیور صیدی صد عدد	۱	۲
ع ـ ماهی		
۱ ـ تازه	معاف	٠/.۵
۲ ـ ماهی های نمکی یا دودی که خشك‌وارد کنندیکمن	٠/۱۵	٠/۲۵
۳ ـ محفوظ		
ا ـ در قوطی کوزه بطری یا سایر ظروف سر بسته نظیر آنها یکمن‌باظرف	۵	۸
ب ـ در سایر ظروف یکمن	۵ر۱	٤
٤ ـ خاویار یکمن	۱۰	۲۵
ف ـ نمك		
۱ تصفیه‌نشده (ده‌من)	٠/۳۰	٠/۵۰
۲ ـ نمك سفید تصفیه شده		
آ ـ در قوطی بطری یا سایر ظروف مشابه یکمن باظرف	٠/٤۰	۱
ب ـ در ظروف دیگر یکمن‌باظرف	٠/۱۰	٠/۱۵
ص ـ قند و حلویات از هر قبیل		
۱ ـ کلوکوز (قندی که از انگور و غیره ساخته میشود) از هر قبیل شربت و انگشت پیچهائیکه از		

		حد اقل	حداکثر
تصفیه یا ساختن قند حاصل میشود	یکمن	۰/۷۵	۱/۵
۲ ـ قند های تصفیه نشده یاتصفیه شده			
آ ـ شکردرشت ا ریزبانضمام شکرهای زرد	«	۱/۵۵	۲
ب ـ قندهای حبه یا کله قند و نبات	یکمن باظرف	۱/۵۵	۲/۵۰
۳ ـ حلویات بانضمام آب نبات و نقل وغیره			
و سایر شیرینی جات بدون کاکائو	«	۶	۸
ق ـ چای			
۱ ـ چای سفید	«	۱۰	۱۴
سایر اقسام چای	«	۶	۱۲
ر ـ گوشت بانضمام گوشت شکار			
۱ ـ تازه		معاف	معاف
۲ ـ سایر اقسام :			
آ ـ نمکی خشك یادودی	یکمن	۲	٤
ب ـ محفوظ در قوطی کوزه یا سایر ظروف			
نظیر آنها بانضمام عصاره های گوشت	» باظرف	۵	۸

حیوانات ذیروح از هرقبیل :

		حد اقل	حداکثر
آ ـ الاغ		معاف	۲
ب ـ شتر		معاف	۵
ج ـ اسب مادیان وکره		»	۲۰/۰
د ـ قاطر		»	۵

هـ ـ عوامل

۱ ـ گاو ماده وگاو نر (ورزاو) وگامیش		»	۲

		حد اقل	حد اکثر
۲ ـ گوساله کمتر از یکسال		معاف	۱ قران
۱ ـ گوسفند میش و بز		معاف	۰/۴۰
۲ ـ بره و بز غاله		معاف	۰/۲۰
ز ـ طیور اهلی		معاف	۲٪
ح ـ طیور و حیوانات صید		معاف	۵٪
ط ـ سایر حیوانات غیر مذکور		معاف	۵٪
۱۵ ـ چوب الات			
آ ـ هیزم		معاف	۲ من ۰/۱۰
اب ـ سایر چوب های نساخته بانضمام درختهای قطع شده یا اره نشده ـ دستك تخته ـ تنه‌های درخت مربع شده لوار ـ تیر کنده چوب های راه آهن چوب های پیپ سازی و چو بها ی عصا چوبهای تسمه چوبهای پیپ و نی های ریسته	ازروی قیمت	۵٪	۱۰٪
ج ـ چوبهای ساخته رنده شده یا غیر آن باستثنای آنهائیکه در تعرفه مخصوصا ذکر شده جاروبهای متعارفی اشیاء سبدی متعارفی که جزو اثاث البیت محسوب نشوند	از روی قیمت	۸٪	۱۵٪
د ـ چوبهای متفرقه از قبیل خاك اره خورده نجاری الیاف نخل ترکه های سبد بافی کاه‌چوب (الیاف چوبی که برای عدل پیچی و غیره بوسیله ماشین تحصیل میشود)		معاف	۵٪
۱۶ ـ خاك سمنت بانضمام آجر سفال و اشیاء سمنتی	۱۰۰ من	۳	۱۰
۱۷ـ خاکستر و جرم فلزات		**معاف**	**معاف**

	حد اقل	حد اکثر
۱۸-خرازی و اسباب بازی و اشیای فلزی متفرقه		
آ - تلفن - تلگراف و متعلقات آنها و ماشین های خود نویس و قطعات منفصلهٔ آنها	معاف	۵٪
ب - دوربین و آلات عکاسی و سینما توگراف و لوازم انها از قبیل شیشه فیلم کاغذ حساس و غیره لاك عینك و دور بین چوب پنبه بشکل تخته تخته خشت یا دهات بطری ولامپ چراغ برق از روی قیمت	۵٪	۱۰٪
ج - قزن قفلی - سوزن - سنجاق - انگشتانه سکك های متعارفی اسباب های بازی و بازیچه تعلیم از قبیل مکانو الفبا اسباب های بازی بنائی و غیره و انواع دگمه از روی قیمت	۱۰٪	۲۰٪
د - صندوقچه - جعبه و قوطی های چوبی یا فلزی - روغنهای مو و صورت و غیره واکس و غیره لوازم دفتر و آرایش و سفر انواع عصا - فانوس بانضمام فانوسهای ماژیك فونگراف گرامافون و متعلقات آنها اشیاء فلزی متفرقه و لوازم خانه و انواع زنك اخبار از روی قیمت	۱۵٪	۲۵٪
ه - اشیاء فلزی سر سفره و لوازم تدخین از روی قیمت	۲۰٪	۳۵٪
و - اسباب بازی و بازی چه غیر ازآنهائیکه در حرف ج قید شده احجار مروارید بدل سوار نشده پولك گلابتون نقده زرورق و غیره « «	۲۵٪	۵۰٪
ز - زینت آلات بدل « «	۵۰٪	۷۵٪
ح - اوراق بازی « «	۳۰٪ +۲	۷۵٪ +۲
ط - سایر اشیاء بانضمام شمعچه « «	۱۵٪	۳۰٪

		حد اقل	حد اکثر
۱۹ - دواجات			
آ - ساکارین و مواد ساکارین دار	یکمن	۵۰۰ قران	ممنوع
ب - محصولات یا مواد دوائی اختصاصی			
(اسپسیالیته) ولوبا الکل یا قند ازروی قیمت		٪ ۲۰	٪ ۴۰
ج - سایر اقسام دواجات بانضمام نشاسته های غیر ماکول دهنیات دوائی صمغهای نباتی غیر ازکائوچو خمیر مایه آب جو خمیر مایه خمیری پنبه های طبی متعارفی و پنبها ی ضد و جم مفاصل یا پنبه هائیکه برای جراحت بندی استعمال میشوند وپارچه های ضد عفونی ازروی قیمت		٪ ۵	٪۱۰
تبصره- ورودمرفین کوکائین و مشتقات آنها و ساکارین فقط باجازه مخصوص دولت برای مصارف طبی ممکن است			
۲۰ - دهنیات حیوانی باستثنای دهنیات دوائی	**یکمن باظرف**	**۰/۲۵**	**۰/۵۰**
دهنیات معدنی و مشتقات انها باستثنای			
۲۱ - دهنیات دوائی			
آ - نفت تصفیه نشده یا سیاه			
۱ - فرج (بی ظرف)	ده من	۰/۳۰	۱/۵۰
۲ - در پیپ وچیلیك	۱۰ من باظرف	۵۰	۲
ب - نفت تصفیه شده : ا - نفت لامپایا کروزین			
آ - فرج (بی ظرف)	ده من	۰/۵۰	۲
ب - در پیپ و چلیك	ده من باظرف	۷۵٪	۳
۲ - جوهر های نفت ازقبیل بنزین وکازولین	یکمن باظرف	۴۰٪	۰/۷۵
ج - مشتقات نفت			

		حد اقل	حد اکثر
پارافین	یکمن با ظرف	۰/۲۰ قران	۰/٤۰ قران
ـ دهنیات سوخت از قبیل مازوت			
آ ـ فرج (بی‌ظرف)	ده من	۰/۳۰	۱/۵۰
ب ـ در پیپ و چلیك	ده من با ظرف	۰/۵۰	۱/۵۰
۳ ـ روغن هائیکه برای چرب کردن ماشین			
آلات به کارمیرود از قبیل موبیل اویل	یکمن باطرف	۰/۲۰	۰/۷۵
٤ ـ دهنیات ماشین	یکمن با ظرف	۰/۲۰	۰/۷۵
۵ ـ فضلات نفت از هر قبیل	یکمن	۰/۱۰	۰/۳۰
د ـ سایر دهنیات معدنی تصفیه شده یا غیر آن	یکمن	۰/۲۰	۰/۷۵
ه ـ قطران معدنی	یکمن باظرف	۰/۲۰	۰/۲۵

۲۲ — دهنیات نباتی غیر ماکول

دهنیات نباتی مخصوص روان‌کردن موتور یاچرب کردن باستثنای آنهائیکه جزو مواد دوائی یا عطریات منظور شده اند	یکمن باطرف	۰/۵۰	

۲۳ ـ ذغال

آ ـ ذغال سنك کوك (ذغال سنك مکلس)			
تورب (ذغال سنك نارس)	صد من	معاف	معاف
ب ـ ذغال چوب	صد من	۵	۱۰

۲٤ ـ رنك های مایع وخشك و رنکهای برقی ورنی

آ ـ قرمز دانه صنعتی یا حیوانی و سایر اقسام			
رنکهای طبیعی باستثنای نیل	از روی قیمت	۱۰ ٪	۱۵ ٪
ب ـ نیل طبیعی یا ترکیبی	از روی قیمت	۱۵ ٪	۲۵ ٪
ج ـ سایر اقسام رنگهای ترکیبی باستثنای رنکهای			
ترکیبی که ورود شان ممنوع است	از روی قیمت	۲۰ ٪	٤۰ ٪

	حد اقل	حد اکثر
تبصره ـ دولت حق دارد که میزان ٪ ۲۰ را از اول فروردین ۱۳۰۸ اضافه کند		
د ـ رنگهای روغنی برق دار (ورنی)		
۱ ـ الکلی یکمن با ظرف	۵ قران	۷ قران
۲ ـ سایر اقسام یکمن با ظرف	۳	۷

تبصره ۱ ـ اداره گمرکات باصلاح دید شیمیست متخصص خود صورتی از رنگهای ترکیبی که ورود آنها ممنوع است مگر آنکه دارای ثبات و سایر شرایطی که برای رنك کردن فرش لازم است دارا باشند تهیه و آنرا همیشه کامل نگاه خواهد داشت ـ ورودرنگهای ترکیبی غیر ثابت تا تصمیم دیگری ممنوع است

تبصره ۲ ـ نظر به تفتیشی که باید در ورود و فروش واستعمال رنگهای ترکیبی بعمل آید ادارهٔ گمرکات نظامنامه ئی تهیه خواهد نمود حاوی قواعد ثبات رنگهای ترکیبی و شرائطی که ورود آنها منـوط بآن است

۲۵ ـ ساعت وقاب ساعت از هرقبیل میناشده یا غیر آن

	حد اقل	حد اکثر
۱ ـ طلا یا طلای سفید حتی مزین با حجار کریمه بانضمام ساعت های دست بند یاساعت های کرونومتر جیبی از روی قیمت	٪ ۲۵	٪ ۵۰
ب ـ از سایر فلزات از روی قیمت	٪ ۱۰	٪ ۲۵
ج ـ کارخانه ساعت که جداکانه وارد شود بـانضمام قطعات منفصله از روی قیمت	٪ ۱۰	٪ ۲۵

	حد اقل	حد اکثر
٢٦ - **سقز و قیر خام باستثنای دهنیات معدنی و مشتقات آنها و صمغ و کائو چو** از روی قیمت	./ ٥	١٠ ./
٢٧ - **شمعهای گچی و کافوری و مومی و پیهی از هر قبیل با نضمام فتیله کاوله مشعل و فتیله های پیه اندود** یکمن باظرف	١ قران	٢ قران
٢٨ - **شیشه آلات**		
آ - جامهای شیشه متعارفی بی رنك		
١ - کمتر از ٥٠ دسیمتر مربع یکمن	./٢٥	
٢ - ٥٠ دسیمتر مربع و بیشتر یکمن	./٤٠	
ب - بطری کپ - غرابه حتی سبد دار و شیشه های خالی یا مملو از موادی که حقوق گمرکی بآنها تعلق نگیرد		
١ - ازشیشه متعارفی یکمن	./٢٠	./٥٠
٢ - ازشیشه‌سفیدیارنگین یکمن	./٢٥	
٣ - شیشه های لیموناد و سایر بطری های نظیر آنها از شیشه ضخیم یکمن	./٣٠	./٥٠
ج - آئینه های بی قاب کمتراز ٥٠ دسیمترمربع‌از قیمت	./ ٨	١٥ ./
د - اشیاء شیشه ای مزین یابی زینت واشیاء بلورین بی زینت لوله لامپا ـ شیشه ساعت تخته های شیشه برای سنك فرش و غیره باستثنای ظروف و اشیاء تجملی از روی قیمت	./ ٦	١٥ ./
هـ - سایر اقسام شیشه یاشیشه آلات بانضمام آئینه‌های بی قاب بیش از ٥٠ دسیمتر مربع جامهای شیشه‌رنگین نقاشی شده مات یا کنده اشیاء بلوری با زینت از قبیل تصاویر کنده بوسیله قلم یا آسید نقاشی شده		

	حد اقل	حداکثر
مینا شده مطلا مفضض پنبه های شیشه وغیره باستثنای ظروف و اشیاء تجملی از روی قیمت	۱۰٪	۲۵٪

تبصره ۱ - اشیاء شیشه یا بلوری با پایه - بست یا زینت فلز قیمتی جزو اشیاء فلز قیمتی محسوب می شوند در صورتیکه قیمت فلزی که در آنها بکار رفته بیش از قیمت شیشه باشد

تبصره ۲ - اشیاء شیشه ای یابلوری با پایه بست یا زینت فلز غیر قیمتی جزو مبل یا خرازی محسوب می شود

۲۹ - صابون

	حد اقل	حداکثر
آ - صابونهای عطری از روی قیمت	۲۵٪	۵۰٪
ب - سایر اقسام صابون یکمن	۰/۷۰	۱/۵۰

۳۰ — عطریات غیر ازصابونهای عطری

	حد اقل	حداکثر
آ - عطریات الکلی بانضمام جوهر روم و کنیاک و غیره از روی قیمت	۵۰٪	۱۰۰٪
ب - سایر اقسام عطریات بانضمام سرخاب و سفیدآب وجوهرهای نباتی وجوهرهای مصنوعی معطر ازروی قیمت	۴۰٪	۷۵٪

۳۱ - طیارات

	حد اقل	حداکثر
آ - سفینه های هوائی دیریژابل یاغیر آن آئروپلان هیدروپلان و غیره	معاف	۵٪
ب - قطعات منفصله آنها	معاف	۵٪

تبصره - برای موتور رجوع شود به قسمت ماشین آلات ماده ۴۱

۳۲ - ظروف گلی ازهر قبیل باستثنای اشیاء

	حد اقل	حد اکثر
تکمیل شده که برای زینت یا مبل خانها بکار میروند		
آ . آجر سفال تنبوشه خشت . گلدان و سایر اشیاء گلی متعارفی حتی آنهائیکه رنك و روغن و لعاب داشته باشند از روی قیمت	١٠٪	١٥٪
ب . بدل چینی و چینی از هرقبیل از روی قیمت	١٠٪	٢٠٪
٣٣ . کائوچو کوتاه پرکا (موادرزینی)و مشتقات آنها		
آ . کائوچوی خام	معاف	٥ ٪
ب . بشکل صفحه ورق یا رشته یکمن	٣ قران	٦ قران
ج . گالش و چکمه های رزینی یکمن	٤	١٠
د . رزین درشکه بدون دریچه و روکش فلزی و لوله های رزینی بانضمام لوله های رزینی پوشیده‌شده از پارچه یکمن	٥	١٠
ه . سایر اشیاء رزینی باستثنای پارچه های رزینی . البسه . اسباب بازی اشیاء تجملی و سایر امتعهٔ که جزوقسمت دیگر از تعرفه محسوب شوند ازروی‌قیمت	١٢٪	٢٥٪
٣٤ . کاغذ و متعلقات آن		
آ . خمیر کاغذ یکمن	٪١٠	٪٢٠
ب . ١ . کاغذ های متعارفی برای طبع یا لفاف‌مقوا کاغذ مرکب خشك کن کاغذ های کهنهٔ طبع شده‌که مورد داد و ستد تجارتی باشند کاغذ ومقوای تحریر یا کتهای متعارفی کاغذ آب خشك کن کاغذ های‌مبل و دیوار از هر قبیل کاغذ های صافی وکلیه اقسام کاغذ غیرازکاغذ های تجملی از روی قیمت	٨ ٪	٥٠١٪

	حد اقل	حد اکثر
۲ ـ کاغذ های تحریر و پاکت های تجملی در جعبه یا محفظه دیگر با ارقام حروف یا علامت یا بدون آنها و کاغذ های تجملی از قبیل کاغذ های ضیقلی چیتی نقش دار منگنه دار مشبک و غیره از روی قیمت	۱۵٪	۳۰٪
۳ ـ اشیاء کاغذی بانضمام کتابهای محاسبه و دفتر چه‌های خط دار ساده از روی قیمت	۱۲٪	۲۵٪

۳۵ کالسکه و درشکه و وسائل نقلیه چرخدار از هر قبیل (باستثنای وسائل نقلیه هوائی و کشتی و جهاز) و قطعات منفصله آنها

	حد اقل	حد اکثر
آ ـ عرابه و سایر وسائل نقلیه چرخدار بانضمام کامیونهای بزرك و کوچك و دیلیجانهای موتور دار یا بی موتور. واگون و کالسکه های راه آهن‌تراموی و اوم نی بوسهائیکه بیش از شش نشیمن داشته باشند صرف نظر از وسیله حرکت آنها و قطعات منفصلهٔ آنها	معاف	۱۰٪
ب ـ اتومبیل های سواری که بیش از سه هزار تومان قیمت داشته باشند از روی قیمت	۱۰٪	۲۵٪
ج ـ سایر اقسام وسائل نقلیه بانضمام درشکه و کالسکه‌های سبك اسبی دوچرخه سه چرخه پائی اتومبیل غیر از آنهائیکه در قسمت ب فوق ذکر شده موتوسیکلت وسبد های آن	معاف	۱۰٪
د ـ قطعات منفصله آنها	معاف	۵٪

تبصره ـ برای موتور رجوع شود به ماشین آلات

۳٦ کبریت غیر از شمعچه

آ ـ در قوطی هائیکه بیش از شصت کبریت نداشته

	حد اقل	حد اکثر
باشند و در هر یک من بیش از ۲۵۰ قوطی نباشد	۲ قران	٤ قران
ب ـ سایر اقسام کبریت یکمن باظرف	۳	۵
۳۷ـ کشتی جهاز قایق و قطعات منفصله آنها		
آ ـ قایق های موتوری الکتریکی یا غیر آن ازقیمت	معاف	۵ ./.
ب ـ کشتی و جهازات موتوری متحرك بوسیله الکتریسیته یا بخار بدون رعایت سوختی که استعمال میشود	معاف	۵ ./.
ج ـ سایر اقسام کشتی و جهاز یعنی جهازات شراعی و سایر انواع قایق	معاف	۵ ./.
۳۸ـ کودهای حیوانی	معاف	معاف
تبصره ـ برای کودهای شیمیائی رجوع شود بقسمت مواد شیمیائی		
۳۹ـ کهنه‌های کاغذ سازی و کهنه پاره یکمن	۵۰ ./.	ممنوع
تبصره ـ ورود کهنه های کاغذ سازی و کهنه پاره هائیکه از البسه مستعمل یا کثیف بدست آیند ممنوع است		
۴۰ـ لفاف و ظرفهای مال التجاره	معاف	معاف

لفاف و ظرفهای معمولی محتوی مال التجاره باستثنای بطریهای مملو از موادیکه حقوق گمرك بآنها تعلق نمیگیرد معاف و بدون اظهار نامه مخصوص پذیرفته میشوند لفاف و ظرفهای تجملی یا آنهائیکه جزو لفاف و ظرفهای معمولی محسوب نشوند علیحده مطابق تعرفهٔ اختصاصی خود تأدیه حقوق مینمایند لفاف و ظرفهائیکه بوسیله آنها مال التجاره ایرانی بخارجه فرستاده شده و خالی بایران عودت داده میشوند از تأدیه حقوق گمرکی

	حد اقل	حد اکثر
معافند به شرطی که مورد معاملات تجارتی واقع نشوند		
لفاف و ظرفهای نو و آنهائیکه مورد معاملات تجارتی واقع شوند جزو مال التجاره منظور و حقوق گمرکی مذکوره در تعرفه را تادیه مینمایند		
٤١ـ ماشین آلات وابزار		
آ ـ ابزار های یدی از روی قیمت	٦٪	۱۰٪
ب ـ ماشین آلات و مکانیك هائیکه بوسیلهٔ ماشین یا بکمك حیوان یا دست حرکت میکنند بانضمام ماشین های زراعتی افزار های مکانیکی اوکو موتیو وقطعات منفصلهٔ آنها ودیك های بخار ماشین های مولد بخار و موتور های صنعتی از روی قیمت	٦٪	۱۰٪
ج ـ سایر اقسام موتور بانضمام موتور اتومبیل آئروپلان و قایق وغیره	معاف	٥٪
تبصره ـ بموجب قانون ۷ داو ۱۳۰۳ ماشین های صنعتی و قطعات منفصله آنها وهمچنین ماشین و آلات و ادوات زراعتی تا ٦ بهمن ۱۳۱۳ از تادیه حقوق گمرکی معافند		
٤٢ـ مبل واثاث البیت ازهر قبیل که در تعرفه قید نشده باشد بانضمام ظروف تزئین غیر از ظروفی که از فلزات قیمتی ساخته شده اند		
آ ـ موبلهای متعارفی چوبی ساده بدون نقاشی رنك و زینت از روی قیمت	۱٥٪	۲٥٪
ب ـ لامپهای متعارفی فلزی شیشهٔ یا چینی با حباب		

	حد اقل	حد اکثر
ولی بدون زینت از روی قیمت	٥٪	۱۰٪
ج ـ سایر اقسام مبل از قبیل مبلهای سوار شده یا نشده قطعات و اجزای مویل نقاشی شده رنك شده لاکی منبت کاری خاتم کاری یا مزین ازفلزات آئینه چرم و پارچهٔ آئینه های سنك و آئینه های معمولی قاب شده و انواع لامپا غیر از آنهائیکه در حرف ب منظور شده ظروف روی بخاری جار چراغ و غیره از روی قیمت	۲٥ ٪	٤۰ ٪
٤۳ـمحصول وعلوفه		
آ ـ غلات سبز یا دسته شده یکمن	٪۱٥ قران	٪۱٥ قران
ب ـ سایر اقسام علوفه بانضمام کاه یاکاه بریده یونجه و علف خشك	معاف	٥٪
٤٤ـمسطوره جات تجارتی بدون قیمت اصلی به انضمام مسطوره جات پارچه که طول آنها بیش از ۳۰ سانتیمتر در تمام عرض پارچه نباشد و مسطوره جات روی مقوا یا محتوی کتابچه	معاف	معاف
٤٥ ـمشروبات		
آ مشروبات الکلی		
۱ -- لیکور های اعلا و مشروبات مقویه اصل از هر قبیل یکمن با ظرف	۲٤قران	٥٤
۲ انواع عرق		
آ ـویسکی روم کنیاك اعلافین شامپانی جبن شیدام کیرش و سایر مشروبات مشابه آنها یکمن باظرف	۲۰	٤٥
ب ـ ودکا عرق مشروبات مشهیه لیکور های متعارفی و مشروبات نظیر آنها یکمن با ظرف	۲۰	٤۲

	حد اقل	حد اکثر
۳ ـ شرابهای کف دار یکمن با ظرف	۳۰قران	۶۰قران
٤ ـ شرابهای دسر از قبیل پورتو ـ مادر شری ـ مالاکا ـ ورموت و شرابهای مشهی یکمن با ظرف	۱۸	۳٤/۵۰
۵ ـ شرابهای سر میز بی کف یکمن با ظرف	۹	۲۲/۵۰
٦ ـ آبجو ـ شراب سیب ـ و مشروبات تخمیر شده غیر مذکوره بانضمام هیدرومل (مشروبی است که از عسل ساخته میشود) یکمن با ظرف	۱/۵۰	٤/۵۰
۷ ـ شرابهای طبی یکمن باظرف	۱۲	۲۲/۵۰
ب ـ سایر انواع مشروبات		
۱ ـ آبهای معدنی یکمن با ظرف	۰/۲۵	۰/۵۰
۲ ـ لیمونات	۰/۲۰	۰/۵۰
۳ ـ یخ و سودا	معاف	معاف
٤ ـ انواع سرکه یکمن با ظرف		۲

٤٦ ـ مصنوعات باسمهٔ و چاپ سنگی

	حد اقل	حد اکثر
آ ـ روزنامجات نشریات مجلات کتب قرائت یا تدریس کتب علمی ـ موسقی ـ نقشه های بحری یا جغرافیائی نقشه باسمه و تصاویر قاب نشده کاتولوك و اعلانات تجارتخانهائیکه مرکز آنها درخارجه است در صورتیکه فقط اسم تجارتخانه خارجی مزبور در آنها طبع شده باشد بدون ذکر تجارتخانه دیگری یا اسم عاملی که در ایران است	معاف	۵ ٪
ب ـ سایر اقسام بانضمام دفترچه‌های کلاسیك و کتابهای محاسبه غیر از دفتر چه ها و کتابهای محاسبه ساده خطدار از روی قیمت	۱۲ ٪	۲۵ ٪

تبصره ـ ورود کتب جرائد مطبوعات و تصاویریکه موجب فساد و یا مغایر اخلاق حسنه باشند ممنوع است

	حد اقل	حد اکثر
۴۷ ـ مواد حیوانی خام غیر مذکور		
آ ـ تخم نوغان در قوطی های ۳۰ گرمی یا کمتر قوطی	۱ قران	۲قران
ب ـ سایر مواد حیوانی خام غیر مذکور بانضمام دهنیات حیوانی غیر ماکول باستثنای مواد حیوانی نسجی از روی قیمت	۵٪	۱۰٪

تبصره ۱ ـ تخم نوغانیکه در غیر از قوطی وارد میشود یا در قوطی هائیکه ظرفیت آنها بیش از ۳۰ گرم است حقوق گمرکی را از قرار هر ۳۰ گرم وزن خالص یکقران تأدیه مینماید

تبصرهٔ ۲ - تخم نوغانرا جز از دفاتر گمرکی که دولت در آنجا وسائل تفتیش علمی را فراهم ساخته نمی توان وارد کرد

تبصرهٔ ۳ ـ دولت حق دارد پرورش و ورود تخم نوغان را بخود انحصار دهد یا حقوق گمرکی آنرا اضافه کند

	حد اقل	حد اکثر
۴۸ ـ مواد شیمیائی		
آ ـ سود کالسینه یکمن	۱۰/·	۳۰/·
ب ـ سایر اقسام سود و کودهای شیمیائی یکمن	۱۵/·	۲۵/·
ج ـ کات کبود ـ زاج سبز اکسید دوزنك گل گوگرد و گوگرد تصفیه شده از روی قیمت	۵٪	۱۰٪
د ـ سایر اقسام مواد شیمیائی بانضمام جوهر سرکه مایع یا متبلور از روی قیمت	۱۰٪	۳۰٪
۴۹ ـ مواد معدنی باستثنای سمنت		
آ ـ موادمعدنیخام غیر مذکور بانضمام گوگرد تصفیه نشده انواع نسج الحجر تلق گچ آهك کلاك ـ گل کوزه گری ـ سنك گچ و شن ده من	۱۰/·	۲۰/·
ب ـ ساخته :		

	حد اقل	حد اکثر
انواع نسج الحجر و تلق به شکل صفحه و ورق و مشتقات آنها ممزوج به سایر مواد یا غیرآن از روی قیمت	۱۰٪	۲۰٪
۵۰ ـ مواد معدنی فلزات و مشتقات آنها		
آ ـ مواد معدنی تصفیه نشده از هر قبیل	۵٪	۸٪
ب ـ فولاد و چدن آهن سفید یا ساده به شکل شمش میله تیر کنده تسمه ترکه تنکه صفحه ورق یا سیم آهن کهنه و آهن پاره فولاد و آهن ساختمان از قبیل چوب بستهای آهنی پل تانك (انبار) زایل و لوازم راه آهن لوله میخ پیچ میخهای پرچم گل میخ پیچ و مهره خارهای آهنی پیت های آهنی و سایر محفظه های مشابه آنها از روی قیمت	۵٪	۱۰٪
ج ـ اشیاء مذکور فوق که از فلزات دیگر ساخته شده باشد از روی قیمت	۶٪	۱۲٪
تبصره ـ دولت ایران حق دارد که از اول فروردین ۱۳۰۸ میزان ۶٪ را اضافه نماید		
د ـ حروف و کلیشهٔ طبع	معاف	۵٪
ه ـ مسکوکات		
۱ ـ مسکوکات طلا یا نقره که درممالك اصلی رواج قانونی داشته باشد	معاف	معاف
۲ ـ مسکوکات مس ـ نیکل و سایر فلزات بی‌قیمت	ممنوع	ممنوع
و ـ ظروف و اشیاء فلزات قیمتی	۲۵٪	۵۰٪
ز ـ اشیاء فلزی		
۱ـ اشیاء آهنی چدنی فولادی مس سفید شده لعابی یا غیر آن که در قسمت دیگر از تعرفه منظور نشده باشند از روی قیمت	۱۰٪	۱۸٪
۲ ـ اشیاء ساخته شده از فلزات دیگر که در قسمت دیگر تعرفه ذکر نشده از روی قیمت	۱۵٪	۲۵٪

	حد اقل	حداکثر
تبصره ۱ اشیائیکه‌قسمتی از آنهااز آهن چدن یا فولاد یا مس و قسمت دیگر از یك یا چند فلز دیگر ترکیب شده باشد جزو قسمت ۲ ـ فوق محسوب میکردند		
تبصره ۲ قسمت(ز) من جمله شامل اشیاء ذیل است قفل‌و بست کلون ـ قفل ـ چفت یراق در و مبل ـ حلقه کلیدبرای قفل وبست‌در ـ قطعات ـ منفصله لامپا گل میخ پرده لولای فنر برای در ـ تابلوهای اعلان دست گیره بادنما قلاب برای جای رخت زنجیر های کوچك ـ شبکه های فلزی و غیره		

۵۱ ـ مواد نسجی و مشتقات انها

آ ـ مواد نسجی خام :

		حد اقل	حداکثر
۱ ـ پشم و موی حیوانات و سایر مواد خام نسجی غیر مذکور		معاف	۱۰./۰
۲ ـ پنبه‌شاه دانه (کنف) و کتان خام از روی قیمت		۱۵./.	۲۵./۰
۳ ـ پیله ابریشم	یکمن	۲قران	۵قران
٤ ـ ابریشم خام	یکمن	۱۰	۳۰
۵ ـ لاس و فضلات ابریشم	یکمن	۵	۵

ب ـ نخ

		حد اقل	حداکثر
۱ ـ انواع نخ که برای خورده فروشی تهیه شده یعنی بشکل کلوله روی قرقره صفحه یا مقوا کلافه های کوچك یا به اشکال دیگر از روی قیمت		۸./۰	۱۵./۰
۲ ـ نخهائیکه نوع دیگر آماده شده اند			
آ ـ نخ پنبه	یکمن	۱	۳
ب ـ نخ پشم	یکمن	۱	۵
ج ـ نخهای کنف (شاه دانه) و ژوت	یکمن	./٦۰	۱
د ـ نخهای کتان	یکمن	۱	۲

	حد اقل	حداکثر
ه ـ نخ های ابریشم خالص :		
۱ ـ طبیعی یکمن	۱۵قران	۲۵
۲ ـ مصنوعی یکمن	۱۵	۴۰
و ـ نخهای لاس ابریشم یکمن	۸	۱۵
ز ـ نخهای پنبه مخلوط به لاس ابریشم یکمن	۳	۶
ح ـ نخهای پنبه مخلوط به رشتهٔ های حجری یکمن	۱	۲
ط ـ سایر اقسام نخ از روی قیمت	۱۰٪	۲۰٪
ج ـ گلابتونها نقره یا طلای بدل یا اصل و نخهای پوشیده شده از نقره یا طلای اصل یا بدل ولو برای خورده فروشی از روی قیمت	۱۵٪	۳۰٪
د ـ طناب و ریسمان و نخ قند بانضمام ریسمانهای صیادی و کمند (نردبانهای طنابی) یکمن	۷۰/	۱/۵۰
ه ـ منسوجات		
۱ ـ بدون تشخیص موادیکه در ترکیب آنها بکار رفته		
آ ـ نمد و پارچهای نمدی بانضمام لائی های پنبه آلوده به صمغ یا غیر آن و پارچه های لائی دار از روی قیمت	۱۰٪	۲۰٪
ب ـ قالیچه و فرش از هر قبیل :		
۱ ـ از پنبه خالص از روی قیمت	۲۵٪	۵۰٪
۲ ـ از غیر از پنبه خالص	۲۵٪	۵۰٪
ج ـ انواع توری که با دست یا ماشین ساخته شده بانضمام توریهای توپی باستثنای توریهای ماشینی برای موبل از روی قیمت	۲۵٪	۵۰٪
د ـ قلاب دوزی و پارچه های قلاب دوزی یا گلدوزی شده بانضمام پارچه های پولك دار یا دارای تزئینات تجملی از روی قیمت	۲۰٪	۴۰
ه ـ پارچه های غیر مذکوره بانضمام پارچه های کش تابیده بند کفش روبان و غیره و پارچه های ممزوج		

	حد اقل	حد اکثر
به کائوچو اشیاء علاقه بندی و پارچه هائیکه تمام یا قسمتی از آنها مرکب از گلا بتونهای نقره بدل یا اصل باشد از روی قیمت	۱۵٪	۳۰٪
و ـ پارچه های مرکب از مواد غیر مذکور مانند حصیر کفش پاک کن های ساخته شده از الیاف نباتی یا قاتمه یا از موی اسب ــ پشم موی خوک پوست نباتات و غیره و پارچه های مرکب از مواد نسجی مختلفی که در تعرفه مخصوصاً قید نشده از روی قیمت	۱۰٪	۲۰٪
۲ ـ منسوجات پنبه خالص		
آ ـ پارچه‌های غیر مذکور ساده		
۱ ـ خام از جنس متقال یکمن	۲/٤۰ قران	٦ قران
۲ ـ چلوار یکمن	۲/٤۰ قران	۷ قران
۳ ـ انواع چیت ملون یا باسمهٔ یکمن	۲/٤۰ قران	۷ قران
٤ پارچه های بافته شده با نخهای الوان یکمن	۳ قران	۷ قران
ب پارچه های پیکه با زن گل دار و منقش بانضمام پارچه های مرکب از پنبه مرسه ریزه یکمن	٤ قران	۸ قران
ج ـ توری ـ گارس تنزیب و والهای پنبه ئی بدون قلاب دوزی یا گلدوزی یکمن	۱۰ قران	۲۵ قران
د ـ مخمل و مخمل کرک دار :		
۱ ـ منگنه شده یکمن	۸ قران	۲۵ قران
۲ ـ سایر اقسام یکمن	٦ قران	۱٦ قران
ه ـ توریهای ماشینی برای مبل حتی با منگوله یکمن	۱۰ قران	۲۰ قران
۳ ـ منسوجات پشم خالص بانضمام پارچه های پشم بز ویکونی لاما (گوسفند و شتر امریکائی) شتر و از موی حیوانات و غیره		
آ ـ منسوجات غیر مذکور از هر قبیل از روی قیمت	۱۲٪	۳۰٪
ب ـ مخمل و مخمل کورک دار بانضمام مخمل های شبیه به پوست حاجی طرخان و پارچه های		

	حد اقل	حد اکثر
نظیر آنها یکمن	۳۰قران	۱۵۰قران
ج ـ شالهای شرقی از روی قیمت	۲۰٪	۴۰٪
۴ ـ منسوجات کتان خالص از هر قبیل		
آ ـ پارچه های ضخیم متعارفی ساده خام و سفید یکمن	۱/۵۰	۸
ب ـ سایر اقسام بانضمام پارچه های ملون یا باسمه کتانهای اعلا پارچه های گلدار برای مویل ملافه سفره حوله و غیره تویی همانطور که از کارخانه خارج میشوند از روی قیمت	۱۵٪	۳۰٪
۵ ـ منسوجات ابریشم مصنوعی خالص از هر قبیل که مخصوصاً در تعرفه قید نشده از روی قیمت	۱۵٪	۵۰٪
۶ ـ منسوجات شاه دانه ژوت یا سائر الیاف نباتی مخصوصاً رامی و آلفا (قسمتی از الیاف نباتی)		
آ ـ منسوجات غیر مذکور از هر قبیل یکمن	۱	۴
ب ـ پارچه های معمولی خام برای لفاف بانضمام کیسه و پارچه های لفاف ممزوج از کتان شاه دانه و ژوت یکمن	/۴۰	۱/۲۰ قران
۷ ـ منسوجات ابریشمی خالص طبیعی		
آ ـ پارچه های ابریشم خالص طبیعی از نوع چوچونچه و پارچه های ابریشمی طبیعی خالص ساده یعنی بی گل و بوته یکمن	۵۰قران	۱۰۰قران
ب ـ توری ـ گارس ـ و والهای بدون قلاب دوزی یا گلدوزی یکمن	۱۰۰قران	۲۰۰قران
ج ـ پارچه های ابریشمی طبیعی خالص از هر قبیل که در تعرفه منظور نشده بانضمام پارچه‌های ابریشمی گلدار یکمن	۶۰قران	۱۰۰قران
۸ ـ منسوجات لاس و فضلات ابریشم از هر		

	حد اقل	حداکثر
قبیل که در تعرفه ذکر نشده یکمن	۲۵قران	۷۵قران
۹ ـ منسوجات پنبه مخلوط به پشم یا مو		
آ ـ پارچه هائیکه بیش از ٪۳ تا ٪۱۰		
پشم داشته باشند یکمن	٤ قران	۱۰ قران
ب ـ پارچه‌هائیکه بیش از ٪۱۰ وکمتر از ٪۵۰		
پشم داشته باشند :		
۱ ـ ازهر قبیل که در تعرفه منظور نشده یکمن	٦قران	۱٦ قران
۲ ـ مخمل ومخملهای کورك دار بانضمام مخمل‌های		
شبیه به پوست حاجی طر خان و پارچه های		
نظیر آنها یکمن	۸ قران	۲۰قران
ج ـ پارچه هائیکه ٪۵۰ یا بیشتر پشم داشته باشند		
تا ٪۹۷		
۱ ـ از هر قبیل که در تعرفه ذکر نشده	۸ قران	۲۰قران
۲ ـ مخمل و مخملهای کورکدار بانضمام پارچه های		
شبیه به پوست حاجی طر خان و منسوجات		
مشابه‌آنها یکمن	۱٦قران	۳۰قران
تبصره ـ پارچه‌هائیکه کمتر از ٪۳ پشم داشته جزوپارچه های پنبه خالص محسوب وآنهائیکه بیش از ٪۹۷ پشم داشته باشند مانند پارچه‌های پشم خالص منظور میگردند		
۱۰ ـ منسوجات پنبه مخلوط به کتان یا سایر الیاف نباتی از هر قبیل که مخصوصاً در تعرفه‌ذکر نشده اند یکمن	۳ قران	۸قران
۱۱ ـ منسوجات پنبهٔ مخلوط با ابریشم مصنوعی		
از هر قبیل که در تعرفه قید نشده‌اند ازروی‌قمت	٪۱۳	٪۳۰
۱۲ ـ منسوجات پنبه مخلوط باابریشم طبیعی		

	حد اقل	حداکثر
آ - از هر قبیل که در تعرفه منظور نشده اند و دارای بیش از ۱۰٪ و کمتر از ۲۵٪ ابریشم باشند یکمن	۱۵ قران	۳۰ قران
ب - دارای ۲۵٪ تا ۹۰٪ ابریشم یکمن	۲۵ قران	۵۰ قران
ج - توری گارس و روبنده های بدون قلاب دوزی یا کلابدوزی از روی قیمت	۱۵٪	۳۰٪
د - مخمل و مخملهای کورکدار منگنه شده یا غیر آن		
۱ - دارای کمتر از ۵۰٪ ابریشم یکمن	۳۰	۵۰
۲ - دارای ۵۰٪ ابریشم و بیشتر یکمن	۴۰	۷۵
۱۳ - منسوجات پنبه مخلوط به لاس یا فضلات ابریشم از هر قبیل که در تعرفه ذکر نشده یکمن	۱۰	۲۰

تبصره پارچه هائیکه بیش از ۹۰٪ ابریشم طبیعی یا مصنوعی یا لاس یا فضلات ابریشم داشته باشند جزو پارچه های ابریشم طبیعی یا مصنوعی یا لاس یا فضلات ابریشم خالص منظور و آنهائیکه دارای کمتراز ۱۰٪ این مواد باشند حقوق گمرکی را مانند منسوجات پنبه بعلاوه ۵۰٪ تادیه مینمایند

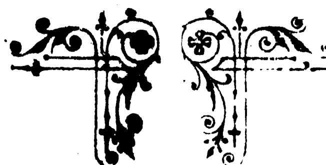
	حد اقل	حداکثر
۱۴ - منسوجات پشم یا کتان مخلوط باابریشم طبیعی یا مصنوعی یا لاس یا فضلات ابریشم از هر قبیل که در تعرفه ذکر نشده از روی قیمت	۱۰٪	۲۵٪

تبصره پارچه های پشم یا کتان مخلوط باابریشم که مقدار ابریشم آنها از ۳٪ تجاوز ننماید جزو پارچه های پشم یا کتان خالص محسوب میشوند

تبصره عمومی تشخیص پارچه های مخلوط از روی وزن هریك از مواد مختلفه که در ترکیب آنها به کار رفته بعمل خواهد آمد

۱۵ - پارچه های مومی و دهنی از هر قبیل (مشمع) بانضمام پارچه هائیکه ازیك ورقه صمغ یا سقز یا مواد

	حد اقل	حد اکثر
دهنی دیگری پوشیده شده اند و پارچه های آلوده به روغن یا کراوزوت و مقواهای قیری باستثنای پارچه های پوشیده شده از کائوچو از روی قیمت	۱۰ ٪	۲۰٪
۵۲ موم تصفیه نشده یکمن	۲ قران	۵ قران
۵۳- نباتات ومواد نباتی که مخصوصا در تعرفه قید نشده اند بانضمام گیاه های حیه گلها و برگهای خشک نشده ابلاب هوبلون نی تفاله نباتات تخم وتخمه مانند تخم شاهدانه کتان کنجد پنبه و غیره یعنی آنهائی که دریکی از مواد ذیل تعرفه ذکر نشده باشند حبوبات وماکولات خوراکی دواجات ادویه جات یاعطریات	معاف	۵٪
۵۴ ـ نشاسته یکمن		۲
۵۵ ـ هر نوع امتعه دیگری که در تعرفه مخصوصا ذکر نشده است از روی قیمت	۱۰٪	۲۵٪



حقوق صادرات

	حقوق گمرکی
۱ - اسلحه و متعلقات آنها بانضمام قطعات منفصله باستثنای تفنگهای شکاری تفنگهای کوتاه و طپانچهای تفریحی	ممنوع
تبصره - هر مسافری میتواند با اجازه مخصوص رئیس محلی گمرك یك طپانچه رولور یا یك قطعه اسلحه برنده با خود صادر نماید	
۲ اشیاء صنعتی و کلکسیون مستخرجه از حفریات یا غیر آن از روی قیمت	۱۰٪
تبصره - صدور این قبیل عتیقیات فقط باجازه مخصوص وزارت معارف ممکن است	
۳ - پوستهای خام	
۱ - پوستهای بره برای لباس که طول آنها از گردن تادم بیش از ۵۵ سانتیمر نباشد	
۱ - پوستهای جنس پوست حاج طرخان قطعه	۱/۵۰ قران
۲ - پوستهای معروف به شیراز قطعه	۱ قران
۳ - پوستهای خراسان قطعه	۳۵/.
٤ - سایر انواع پوست قطعه	۲۰
ب - سایر اقسام پوستهای خام برای لباس از قبیل پوست خز لوتر روباه سمور یوز پلنگ وغیره ازروی قیمت	۵٪
تریاك یکمن	۳۰ قران
۵ حبوبات و ماکولات و کنسروهای خوراکی غیر از مشروبات	
آ - غلات خوراکی از قبیل گندم برنج پاك کرده دو سر جو وسایر غلات خوراکی	

حقوق گمرکی

غیر مذکور مانند ارزن مالت و غیره یك من ۰۵٪ قران

۲ - برنج پاك نکرده (شلتوك) (رجوع‌شود به‌تبصره)

یك من ۱۰٪

تبصره - صدور برنج پاك نکرده در صورتی ممکن است که بحد اکثر به نسبت ۲۰٪ برنج پاك نکرده و ۸۰٪ برنج پاك کرده مخلوط باشد

ب - آردهای مأکول یك من ۱۰٪

ج - تخم طیور اهلی یا طیور صیدی ۱۰۰ عدد ۵۰٪

د - ماهی

۱ - تازه یا منجمد یك من ۱۰٪

۲ - نمك‌زده یا دودی که خشك صادر شود یکمن ۱۰٪

۳ - محفوظ :

آ - در قوطی - کوزه - بطری یا سایر ظروف سر بسته مشابه یك‌من ۱۰٪

ب - در سایر ظروف یك من ۱۰٪

٤ - خاویار از هرقبیل یکمن با ظرف ۱۰ قران

۶ حیوانات ذیروح

آ - الاغ رأس ۲۰ قران

ب - شتر نفر ۱۰۰ قران

ج - اسب و مادیان رأس ۶۰ قران

د - کره رأس ۶۰ قران

ه - قاطر رأس ۸۰ قران

و - عوامل

۱ - بزرك

آ - گاو میش و گاومیش جوان فرد ۳۰ قران

ب - ورزاو گاو نر و ماده‌گاو فرد ۲۰ قران

۲ - گوساله کمتر از یك سال فرد ۵ قران

		حقوق گمرکی
ز ـ اغنام		
۱ ـ بزرك		
آ ـ میش و بز ماده رأس		۱ قران
ب ـ قوچ و بز نر رأس	۰/۵۰	
۲ ـ بره و بزغاله رأس	۰/۲۵	
ح ـ طیور اهلی از روی قیمت		۵٪
ط ـ طیور و حیوانات صید از روی قیمت		۵٪
ی ـ سایر اقسام حیوانات از روی قیمت		۵٪
۷ صمغهائیکه حقوق گمرکی به آنها تعلق می گیرد		
آ ـ انقوزه از روی قیمت		۲۰٪
ب ـ کتیرا از روی قیمت		۲۰٪
ج ـ سایر انواع صمغ از روی قیمت		۲۰٪
۸ مروارید اصل سوار نشده بانضمام مروارید هائیکه فقط برشته کشیده شده اند از روی قیمت		**۳۰٪**
۹ مواد نسجی و متعلقات آنها		
آ ـ فرشهائیکه در آنها رنگی غیر از رنگهائیکه قانوناً ورود آنها مجاز است استعمال شده باشد از روی قیمت		۱۲٪
تبصره ـ دولت ایران حق دارد صدور این نوع فرشها را قدغن نماید یا هرسال میزان حقوق خروجی را که از آنها باید اخذ شود تغییر دهد		
۱۰ هر قسم امتعه دیگر		معاف

انجام

معاهدات جدید و قوانین و لوایح اقتصادی که در ضمیمه باب دوازدهم درج شده نمایندهٔ کامل اقداماتی است که عهد اخیر بعمل آمده و نیز نشان میدهد که احوال و اوضاع به چه منوال گذشته معهذا اجمالا تذکر میدهیم :

سال ۱۳۰۸ مقدمات بحران عمومی دنیا در ایران هم ظهور نمود ـ تنزل قیمت نقره پول ایران را که مقیاس آن نقره است تهدید کرد و دو عیب عمدهٔ دیگر هم سر بار شد یکی آنکه زمام بروات و اسعار خارجی بدست بانکها ی اجنبی بود و آنها آز ادانه بهر طریق میخواستند با نرخ قران بازی میکردند ـ عیب‌دوم آن بود که‌باب‌واردات‌بکلی مفتوح و تجار وارد کننده خصوصاً آنها که امتعهٔ تجملی و اتوموبیل های مجلل و اسباب خرازی می‌آوردند منتهای جسارت را بخرج داده میزان تجارت مملکت را چنان از تعادل انداخته بودند که رقم کل واردات سال اخیر بیش از دو برابر صادرات مینمود و مسلم است که با این حالت بر فرض آنکه نرخ نقره هم تنزل نمیکرد این دو عیب کافی بود که نرخ قران ایران را دوچار تزلزل و انحطاط گرداند . بنابر این درات ایران طرح تفتیش اسعار را تهیه نمود و این اقدام الحق عاقلانه بود و یك تیر به دو نشان شد زیرا هم جلو بروات را گرفته اسعار را ظاهرا بحال تعادل نگاه داشته و هم آنکه از واردات زائد و زیان بخش جلوگیری نموده است بسیاری از مردم به اتکاء اصل مشهور علم الاقتصاد که مسکوکات را تابع یك سلسله قوانین طبیعی

دانسته است این تشبث دولت را تخطئه مینمایند ولی هرگاه دقت شود معلوم میگردد که این اقدام دولت در تفتیش اسعار یك چارهٔ موقتی است و تا زمانی ادامه خواهد یافت که اولاً واحد مقیاس مسکوکات طلا گردد و ثانیاً بر صادرات ایران بقدر مکفی افزوده شده از واردات بوسایل متناسب کاسته شود و هر روزیکه این هر دو مقصود بحصول پیوست مسلماً مداخله دولت در امر اسعار ملغی خواهد گذشت و اگر پیش از حصول این دو مقصود و یا فقط پس از تبدیل مقیاس مسکوکات به طلا قانون تفتیش اسعار الغا گردد خسارات مهمی عاید مملکت خواهد شد که شرح آن از موضوع بحث ما خارج است . اقدام دیگر دولت مسئلهٔ استرداد حق الطبع اسکناس از بانك شاهنشاهی است که کم‌وکیف آنرا در ضمیمه باب ۱۲ خوانده اید

تشبثات مهم دولت در خریداری کارخانهٔ سمنت سازی و کارخانه قند ریزی و اصلاح کار قالی بافی و غیره تماماً سال اخیر در جریان بوده و نتایج آنرا سال ۱۳۱۰ بایستی منتظر بود .

در فصل اول و دوم از باب ۱۲ یکی‌ازترقیات عمدهٔ‌مملکت که عبارت از مسئله هواپیمائی است تذکر داده نشده و اینك مختصراً مینگاریم :

کمپانی یونکرس آلمانی مطابق امتیاز نامه ای که به‌تصویب‌مجلس شورای ملی در دورهٔ پنجم رسید در قسمت های مهم ایران‌خطوط هوا پیمائی تأسیس کرد و فعلا از طهران به بندر پهلوی (انزلی) از طهران به بوشهر — از طهران به خانقین — از طهران به مشهد

هر هفته پست و مسافر حمل میکنند.

مطابق قانونی که در ١٤ اردیبهشت ماه ١٣٠٦ از تصویب مجلس گذشت بانک ملی ایران برای پیشرفت امور فلاحت و زراعت و صناعت تشکیل یافت — بر طبق مادهٔ دوم سرمایهٔ بانک ١٥ ملیون و محل آن از فروش خالصجات و جواهرات سلطنتی مقرر شده — مطابق ماده سوم دولت مبلغ ٥ ملیون بابت ودایع مقدمتاً به بانک پرداخته و هر ساله نیز یك کرور تومان بحساب بودجه منظور و به بانک میدهد — ماده ٤ میگوید سهم دولت از منافع بانک به سرمایه آن افزوده گردد — مادهٔ ٥ بانک را به قبول ودایع مدت‌دار و جاری و اعطای اعتبار و قرض مجاز میدارد — ماده ٦ بانک را از قرض دادن بـه دوائر دولتی بدون تصویب مجلس ممنوع می دارد — از ماده ٧ تا ١١ راجع است به استخدام مدیرها و ادارهٔ بانک — ماده ١٢ دولت را مکلف میدارد که ودایع خود را ببانک ملی بسپارد — ماده ١٣ پنج ملیون ابتدائی را که در ماده ٣ ذکر شد برسرمایه اصلی بانک می افزاید که به بیست ملیون بالغ میشود — ماده ١٤ دولت را به تبدیل اساس پول ایران بـه طلا موظف داشته و ماده ١٥ راجع است به اجرای قانون.

بانک ملی ایران کـه اینك تحت ریاست دکتر لیندن بلات اداره میشود یکی از معتبرترین و پرسودترین مؤسسات عصر پهلوی بشمار آمده و خدماتی که مخصوصاً در همین ایام بحرانی (زمستان ١٣٠٩) به تجار ایرانی تقدیم داشته و میدارد ورد زبان عموم است

بانک پهلوی که از تأسیسات مستقیم اعلیحضرت شاهنشاه

پهلوی است سال اخیر به یك مؤسسه اسهامی عمومی تبدیل و در منتهای اعتبار و انتظام مشغول کار در جلب توجه و اعتماد عامه را کرده مبالغ کلی هرساله به سهام دازان بابت منافع خالص رسانیده است

ـ بانک فلاحتی مطابق لایحهٔ قانونی که در ایام اخیر مجلس هفتم گذشت اینك بوسیله بانک ملی درکار تأسیس شدن است .

فصل الختام

راه بهبودی

تاریخ اقتصادی ایران از ابتدای عهد یعنی آغاز دورهٔ تاریخی ایران تا سال ۱۳۰۹ هجری اینك زیر نظر خوانندگان محترم گذارده شده و تصور میکنیم مفهوم کلی و عمومی آن یا بهتر گفته باشیم درس عبرت و تجربتی که به ما میدهد مقتضی است در طی سطور ذیل خلاصه شود :

سرچشمه های ثروت ایران ـ تاریخ اقتصادی ایران بخوبی نشان میدهد که ثروت و مکنت ایرانی چه در عهد ساسانیان که تا هجوم مغول ضرب المثل اهل عالم بوده و چه در دورهٔ صفویه که مورث اعجاب اروپائیان میگردیده است از سه چشمهٔ عمده حاصل میشده بشرح ذیل :

۱ ـ فلاحت وسیع ایران ـ ۲ ـ بودن تجارت صادرات و واردات و نقلیه تجارتی در کف ایرانی ـ ۳ ـ موقع ترانزیتی ایران که تجارت ممالك مغرب زمین با مشرق زمین و حمل و نقل امتعه و محصولات طرفین از طریق ایران انجام میگرفته است .

۱ ـ فلاحت وسیع ایران ـ فلاحت ایران در پرتو تشویق

مستمر دولتها و سیاست مستقر و ثابتی که برای آبادانی و تزیید قوای مولدهٔ مملکت داشته اند بحدی توسعه یافته بوده است که بالطبیعه مورث ترقی صنایع گردیده و مثلا برای قالی ایرانی آنچنان پشم ممتازی تولید میشده که در ممالك دیگر بی نظیر بوده و لهذا ملل سایره از تقلید آن عاجز میمانده اند و بالنتیجه سلیقه مندان جهان پیوسته مشتری قالی ایرانی بوده اند و بسیاری مشتری باعث تشویق مردم ایران شده روز بروز برعدهٔ کارخانه های قالی بافی می افزوده اند: همچنین است مسئله پرورش نوغان و تهیهٔ ابریشم و یا زراعت پنبه و کارخانه‌های چیت بافی و قلمکار و قدك ایران و غیره - توسعهٔ فلاحت بحدی بوده که علاوه بر مقدار هنگفت مواد اولیه که در کارخانه‌های داخله بمصرف میرسیده بازهم مقادیر بسیاری صادر میشده مانند ابریشم که بعد از صرف دو ثلث آن در کارخانه های تافته بافی و قناویز والیجه‌بافی و دستمال و جوراب و حریر و زربفت و اطلس و پرنیان که پودش ابریشم بوده و قالی و غیره باز هم مابین صدو هشتاد تا ۲۸۰ هزار من کلافهٔ ابریشم بخارجه صادر میشده و بعضی سنوات بششصد هزار من میرسیده است همچنین پشم و کرك بز و پشم شتر که علاوه بر مقدار هنگفتی که مصرف کارخانه‌های شال‌بافی، برك، ترمه، نمد، جوراب، قالی، صوف، آصفی و نوعی از کپنخای زمستانی که پشم و ابریشم بوده و پلاس و غیره بازهم مقدار زیادی بحالت اولیه صادر میشده اضافه بر آنکه قطارهای شتر ایران تا استانبول و بالکان و گله های گوسفند ایرانی تا مجارستان میرفته شعبه های فلاحت ایران از حشم داری و تربیت نوغان گذشته یکی باغداری است - محصول سر درختی ایران از پسته

و بادام معمولی و کاغذی و گردوی معمولی و کاغذی و فندق و میوه‌های خشک و جوزقند و انواع ترشیها و مرباجات تمام بازار هندوستان را پر میکرده و خوراك سیصد ملیون مردم آن اقلیم که اکثر بجای گوشت میوه میخورند از محصول ایران بوده و هرگاه ما در کمترین فرض بگوئیم نفری در عرض یکسال فقط یکقران بمصرف محصولات فوق الذکر میرسانده اند میبایستی هر ساله سیصد ملیون قران یا سی ملیون تومان میوهٔ ایرانی خریداری کنند . اما امروز پنجاه یك این مبلغ میوهٔ ایرانی بهند نمیرود با آنکه وسایل حمل و نقل صد برابر عهد صفویه مهیاتر و آسان‌تر و سریع تر است علت این نقص هم ضعف قوهٔ مولدهٔ ایران و خرابی اوضاع فلاحت است یعنی ما امروز آنقدر میوه بعمل نمیآوریم که بتوانیم بهندوستان صادر کنیم زیرا آن باغهائی که در ایالات جنوبی سبز و خرم بود دیگر وجود ندارد .

۲ ـ سرچشمه دوم که بودن تجارت صادرات و واردات و نقلیه است بدست ایرانی نیز منبع مهم کسب ثروت و حفظ ثروت باید شمرده شود برای روشن ساختن مسئله بطور ساده مثل میزنیم که محصولات ایران وقتی از گمرك سرحدی صادر میشود صد کرور ارزش داشته باشد و چون به بازارهای خارجه رسید با ده دو منافع بفروش رود پس اگر تاجر صادر کننده ایرانی باشد آن بیست کرور منافع بایران بر میگردد و اگر چه در احصائیهٔ گمرکی صادرات ما صد کرور نوشته شده اما در معنی صد و بیست کرور از خارجه گرفته ایم. همچنین فرض کنید واردات ایران (۱۵۰) کرور در گمرك سرحدی تقویم شده و در بازار ایران با ده دو منافع یعنی به صد و هشتاد کرور

بفروش رسیده است ـ حال اگر تاجر وارد کننده ایرانی است آن سی کرور منافع از جیب ایرانی در نرفته ولی اگر وارد کننده بیگانه است باید بر قلم واردات که (۱۵۰) کرور ثبت شده سی کرور هم بیفزائیم زیرا ما به خارجه (۱۸۰) کرور پول داده ایم ـ پس بنابر حساب مجمل فوق هرگاه تجار صادر کننده و وارد کننده ایرانی باشند سالیانه پنجاه کرور نفع ایرانی است و گرنه هرسال پنجاه کرور بطور نا مرئی از مملکت ایران صادر میشود بدون آنکه در احصائیهٔ گمرکی یا تجارتی اسمی از آن به میان آمده باشد .

مسئله نقلیه نیز بهمین گونه است ـ مجموع مال التجاره صادر و وارد ایران را به حد متوسطی که احصائیهٔ گمرکی در سه سال اخیر نشان میدهد پنج ملیون خروار حساب کنید و کرایهٔ متوسط این مقدار را از قرار خرواری ده تومان بگیرید که میشود پنجاه ملیون تومان ـ تا وقتی که نقلیات مملکت با ستور و چهارپایان بود این مبلغ به مکاری ایرانی و کاه و یونجه و جو و قیمت ستور داده می شد و هر زمان که راه آهن ایران دایر گردد بازهم وجوه کرایه عاید ایران میشود(بشرطی همانطور که دولت هم تصمیم گرفته سرمایهٔ راه متعلق بخود ایران باشد) اما امروز این مبلغ به مصرف اوتومبیل و ابزار آن و بنزین روسیه و بنزین نفت جنوب که در احصائیه گمرکی ثبت نمی شود میرسد و آنچه زائد آید عاید صاحبان موتور میگردد ـ اینجا هم اگر صاحبان موتور ایرانی باشند آن نفع زائد در ایران مانده و اگر خارجی باشند باید گفت که تمام مبلغ پنجاه ملیون از ایران بیرون رفته است ـ ضمنا تذکر این نکته لازم است که از مجموع

وجوهی که به خرید موتور و ابزار آن و بنزین و منافع گاراژدار ها صرف میشود فقط بنزین واردی از روسیه و موتور و ابزار آن در احصائیهٔ گمرکی ثبت میگردد و اما بنزینی که نفت جنوب میفروشد چون در آبادان تهیه میشود در احصائیهٔ گمرك صورت ندارد و لهذا قیمت آن و منافعی که بموتور رانهای اجنبی بابت حمل و نقل داخلی نیز میرسد در جملهٔ طلاهائی است که بطور نا مرئی خارج شده است.

با توضیحات مذکور شاید اهمیت بودن تجارت واردات و صادرات و نقلیهٔ تجارتی در کف ایرانیان بحد کفایت روشن شده باشد ـ حال مجملا متذکر میشویم که تا قرن اخیر دولت های ملی ایران برای ابقای تجارت بدست ایرانی هرگونه مساعدت و تشویق ممکن را بعمل میآوردند چنانکه علاوه برمبالغ هنگفتی که خزانهٔ دولت برای تأسیس کارخانه های قالی بافی و ابریشم و چیت بافی وزرگری و غیره صرف میکرد و بعد تدریجاً مؤسسات مزبور را به استادان ماهر فروخته قیمتش رااقساط مسترد میداشت برای ارسال محصولات و مصنوعات به خارجه نیز به تجار ایرانی مبلغ های زیادی اعتبار داده میشد که مال را خودشان بخارجه برده میفروختند و در معاودت سرمایه دولت را پس داده منافع حاصله را تصرف میکردند و فی‌الواقع خزانهٔ دولت در آن زمان وظیفهٔ بانك صنعتی و تجارتی را انجام میداد ـ در موضوع تجارت اتباع خارجه در ایران دولت همیشه مواظب بود که معاملات آنها بر روی اصول معینی بوده و از حدود مشخصی تجاوز ننماید چنانکه قرارداد های کمپانی هلندی کمپانی انگلیسی و فرانسوی

حکومت ایران به آنها اجازه میداده است مقدار معینی جنس بانظارت عمال دولت خریداری کنند و قیمت آنراهم در بعضی موارد تماماً طلا و در برخی یك نصف یا یك ثلث طلا به پردازند و مابقی را جنسی که دولت ایران مشخص میکرده تحویل دهند ــ و اما نقلیهٔ تجارتی در داخلهٔ مملکت تماماً متعلق بخود ایرانیها بود و نقلیهٔ بحری نیز در خلیج فارس صدی ۹۹ مال ایرانی بود و کشتی های ایرانی موسوم به بغله مابین سواحل خلیج و عمان و هندوستان و عدن و زنگبار دائما در آمد و رفت بودند و سالیانه چند فروند جهاز بادی هلندی و انگلیسی یا پرتغالی که به خلیج می آمدند امتعه کمپانی های خودشان را بار میگرفتند و تجار غیر اروپائی بهیچ صورت خدمتی بآنها رجوع نمی کردند اما در قرن اخیر و مخصوصاً بعد از آنکه کشتی های بخاری وارد خلیج شد و دولت ایران در صدد تشویق بحریهٔ تجارتی برنیامد ورق برگشت و بعلت امضای قرارداد های بسیار مضر بحری طوری شد که بعضی از تجار ایرانی که کشتی بخار خریده بودند نا گزیر گشتند بیرق اجنبی را برآن نصب کنند زیرا آن قرارداد ها بیرق ایران را بکلی از احترام انداخته بود و کشتی هائی که بیرق بحری ایران را داشتند مورد انواع زحمات و متاعب میشدند

و اما راجع به تجارت در قرن اخیر تجارت فردی تدریجاً رو بزوال گذارده و به ثبوت رسید که سرمایه های افراد تا گرد نیایدنمی تواند منافع هنگفتی به بخشد و چون معاهدات ایران با دول خارجه از سمتی آزادی تجارت را در داخله برای بیگانگان تأمین نموده و از جانبی به علت برقراری کاپیتولاسیون عنصر اجنبی بر خودی مزیت

یافته بود شرکت های خارجی بایران ورود کردند و تجار ایرانی با سرمایه های فردی و فقدان هرگونه حمایت قانونی و دولتی در برابر حریفان قوی چنگال واقع گردیدند ولی معهذا هوش ذاتی و تجربهٔ ارثی که ایرانی در تجارت داشت باو کمك میکرد ـ تجار ایرانی در آغاز امر به‌صددتشکیل شرکت بر آمدند تا با اجنبی مقابله نمایند اما از آنجائیکه مملکت فاقد قانون و محکمه بود و دولت نیز از حمایت سرمایهٔ ایرانی در مقابل خارجه عجز داشت شرکت های ایرانی بادسایس مستقیم و غیر مستقیم بیگانه یکی بعد از دیگری از پا درآمدند و چون ایرانی ها از این راه نومید گشتند بنابریك سائقه طبیعی ذوق ملی و شور قومی خود را به مؤسسات بانگی و صرافی داخله متوجه ساختند و از عالی و دانی و تاجر و کاسب و روحانی باسرمایه های کم یا زیاد خویش از صراف خانه هائی مثل ارباب جمشید و جهانیان وشرکت فارس و غیره تقویت نمودند اما آن مؤسسات هم بضربهٔ سهمگین بانگهای خارجه گرفتار و بامداخلات مستقیم سفارت خانه های بیگانه از پا در افتادند و در طی این احوال اوضاع سیاسی مملکت بقدری مختل گشت که دیگر حمایت تجارت داخلی و تجار ایرانی از محالات مینمود و اکنون که تقریباً ده‌سال است کشور ما رو به بهبودی میرود فرسودگی و خستگی و مشکلات معضلهٔ دیگر هنوز بدولت و ملت فرصت نداده است که در این موضوع بسیار مهم یك چارهٔ اساسی بیندیشند و فقط از سال اخیر توجه اعلیحضرت پهلوی به اصلاحات اقتصادی معطوف گردیده ایرانیان ازنو بدست و پا افتادند

۳ ـ موقع ترانزیتی ایران ـ تا قبل از پیدایش دماغه امید

در جنوب افریقا ممالك مغرب زمین میبایستی محصولات پر بهای اقلیم هند و ممالك چین و جزایر را از طریق ایران حمل کنند. این بود که در بنادر مهمهٔ خلیج فارس پیوسته صدها جهازات تجارتی لنگر انداخته بود و نیز از جادهٔ مشهور همدان - ری - نیشابور - هرات - قندهار هرروزه کاروانهای عظیم تجارتی آمد و رفت داشتند و همچنین قافله های بزرگ از هرات رو به بلخ و ترکستان اقصی عازم چین میشدند و تمام آن زیور و احتشام و ثروتی که مورخین و جغرافی شناسان یا سیاحان از بندر سیراف (بندر طاهری امروزه) یا هرمز و یا نیشابور و ری و غیره حکایت کرده اند یك سبب عمده اش همان موقع ترانزیتی ایران بوده است - بعد از کشف دماغهٔ امید هر چند دول اسپانی و پرتغال و هلند و فرانسه و انگلستان و سایرین شرکت های بحر پیمائی تشکیل داده بوسیلهٔ گردش دور افریقا با هندوستان و چین و ژاپن به تجارت پرداختند معهذا چون عدهٔ جهازات مکفی نبود و قوهٔ بخار بکار نیفتاده راه هم دور بود برموقع ایران تأثیر مهمی نداشت ولیکن هنگامی که ترعهٔ سوئز مفتوح شد و کشتی ها با قوهٔ بخار بکار افتاد می بایستی دولت ایران تمام قوهٔ خود را صرف جلوگیری خطر جدید نماید و جلوگیری آن هم منحصراً بوسیله ساختن راه آهنی ممکن بود که دریای عمان را به دریای مغرب و یا به راه آهن روسیه اتصال بخشد - در آنزمان دولت ایران خطر را کاملا دیده و در صدد چاره جوئی هم بود اما بعلت ضعف حکومت نقشهٔ راه آهن در طی مدت هفتاد سال اخیر با آنکه مکرر تا سرحد عمل رسید به حیطهٔ اجرا درنیامد

در حال کنونی یگانه وسیله اعادهٔ موقع ترانزیتی بازهم همانا

راه آهنی است که بندر اسکندرون را در دریای مغرب به بندر چابهار در بحر عمان متصل سازد « که خطوط اصلیه آن میتواند راه آهن فعلی از شمال بجنوب باشد » و یك شعبهٔ آن راه آهن روسیه و تبریز را به چابهار پیوند دهد و شعبهٔ دیگر کرمان را به راه آهن دزداب و هندوستان وصل کند - بهرحال فعلا تا زمانیکه راه آهن مزبور ساخته نشده بایستی اعادهٔ موقع ترانزیتی ایران را در تجارت بزرگ شرق و غرب انتظار نداشت . نگارنده با شرح مجملی که در فوق داد بقدری که مجال توضیح بود هر سه چشمهٔ عمدهٔ ثروت ایران را بیان نمود و اینك راهی را که سهل ترین صورت اصلاح و بهبودی شناخته و در نتیجهٔ مطالعات طولانی و تحقیق و تتبع در اوضاع فلاحت و تجارت ایران و مقایسهٔ آن با ممالك مغرب و مشرق که بچشم خود دیده آنرا برای وطن خویش مناسبترین طریقه اقدام و عمل سنجیده است با نهایت اختصار و بطور کلی ذیلا مینگارد :

برای فلاحت ـ لازم است مالیات های ارضی بطریق فعلی تماما ملغی شود - قانونی به تصویب رسد که هر یك از اتباع ایران اراضی بایر و موات را آباد گرداند آن اراضی ملك او شود و تا ده سال از ادای مالیات معاف باشد - قانونی به تصویب رسد که ساختن سدهای جدید برای زراعت و حفر قنوات یا چاه آرتزین در هر یك از نقاط مملکت به سازندهٔ آن حق بدهد که تمام اراضی بایر مجاور آن سد یا چاه و قنات را که در آب رس وی باشد تملك کند و مدت ۱۵ سال از ادای مالیات معاف باشد تا بتواند سرمایهٔ هنگفتی را که به مصرف رسانیده مستهلك گرداند و نیز بانی سد یا قنات و چاه آرتزین

به نشان درجهٔ اول خدمت از طرف دولت سرافرز گردد ـ قانونی به تصویب رسد که مطابق آن ملاکین بزرگی که صاحب صدها املاك و دهات هستند و غالب آن املاك بعلت عدم رسیدگی و توجه نیمه آباد و مخروبه مانده است از تاریخ اجرای قانون تا پنجسال مجبور باشند تعمیرات لازمه را در قنوات و اراضی طوری بعمل آورند که از منتهای قوهٔ آب و زمین استفاده شده باشد و هرگاه در سال ششم معلوم شد ملکی نیمه ویران مانده است دولت حق داشته باشد آنرا مابین داوطلبان آبادانی قسمت کرده بوسیلهٔ بانک فلاحتی توسط مالکین جدید ملك را آباد گرداند و ضمناً حقوق متناسبی هم برای مالك قدیمی مقرر گردد که هرساله مالکین جدید باو به پردازند شاید در بدو نظر وضع این قانون با اصول مالکیت متباین جلوه نماید ولیکن با اندك دقتی معلوم خواهد شد که این قانون شمول حقوق مسلمهٔ حکومت ملی است زیرا همانطوریکه حکومت نظام وظیفه یاتعلیمات فریضه را اجباری میسازد و یا مثلا هنگام مخاطرهٔ امراض مردم را جبراً برخلاف میل آنها تلقیح میکنند و یا محصول املاك مردم را تحت انحصار در آورده نظر به مصالح عالیهٔ جامعه آنان را مجبور می گرداند آن محصول را بوی بفروشند و یابرعایدات مردم مالیات می بندد بهمان طریق مسلما حق دارد ملت را مجبور گرداند که از لحاظ مصالح عالیهٔ اجتماع منتهای کوشش را در آبادانی و استفادهٔاز قوای طبیعی ملك خود مبذول دارند و اگر مالکی بوظیفهٔ خود رفتار نکرد چون هم به خویشتن و هم به جامعه بد میکند برحکومت فرض است که اورا سفیه یا عاجز شمرده حق مداخله اش را در املاك از

وی سلب کند در ایطالیا نظیر این قانون ولی بسیار سخت تر فعلا اجرا شده و در یك عده ممالك دیگر ملاکین از جهت مزبور تحت قیود قانونی هستند

قانون دیگری که در منتهای لزوم است قانون جوایز فلاحتی میباشد مطابق این قانون هرساله در ایالات و ولایات ایران نمایشگاه های موسمی برای فلاحت تشکیل میشود و فلاحین مملکت هرکدام بذر ممتاز یا یك نهال و میوهٔ ممتاز یا جدیدی بعمل آورده اند و یا یك گوسفند، گاو، گاومیش، اسب، مرغ بوقلمون و غیره از نژاد بهتر یا فربه‌تر و شیراتر و یا با پشم اعلی تر پرورانیده اند به آن نمایشگاه برده با تصدیق هیئت منصفه ای که از مابین خود فلاحین انتخاب می شوند به اعطای جوایز نقدی نائل شوند و جوایز مزبور از عایدات حق‌الشرکهٔ جزئی که برای نمایشگاه گرفته میشود تأدیه خواهد گشت. قانون دیگری که نیز بینهایت لازم است راجع به نهال کاری اجباری است . اهل اطلاع میدانند که هوای ایران باستثنای سواحل بحر خزر بیش از حد خشک است و علمای مغربی اینطور نوشته اند که اقلیم ایران روزبروز خشک تر میگردد و این تبدیل طبیعی یك خطر بزرگی است که وطن مارا تهدید میکند و علاج حتمی آن ایجاد باغستان و جنگلهای وسیع است ـ مطابق شهادت عموم مورخین تا قبل از هجوم مغول بایران بسیاری از ولایات مانند خوزستان و بعضی نواحی کرمان مثل جیرفت و دامغان و سواحل هری رود و کلات و درگز درخراسان و کوهستان های اطراف ری و کردستان و غیره از جنگل ها و باغها پوشیده بوده ـ جنگل پستهٔ سرخس در

همین عصرما از بی توجهی حکومت های استبدادی و جهالت مردم رو بزوال گذارده در صورتیکه دامنهٔ همین جنگل در قسمتی که به‌روسیه تعلق گرفته روزبروز توسعه مییابد و همچنین سالیان دراز است که جنگلهای چوب ارس در کوهستان کلات و درگز رو به فنا میرود اوضاع کردستان نیز چنین است و هرقدر از شمار درخت های مملکت خصوص اشجار کهن سال کاسته میگردد طبعاً با نسبت مستقیم آبها کمتر شده استعداد زراعتی نیز نقصان میپذیرد . عجب است که هر زمان از لزوم تشویق زراعت بحث میشود یکعده مردم فوری مدعی میشوند که باید ماشین وارد کرد و منتقل باین حقیقت نیستند که زمانیکه زراعت و فلاحت ایران ده و بیست برابر امروز بود ماشین فلاحتی نبوده و بعلاوه وقتی اصول تشویق بمیان آمد هرگونه ابزار و آلات لازمهٔ کار را خود مردم فراهم میآورند زیرا بشر فطرتاً پی منفعت میرود — قانون غرس اشجار مالکین مزرعه ها را مجبور میگرداند که در کنار جویبارها و انهار درخت بکارند و اینگونه درخت اگرچه مقداری از آب نهر را بخود میکشد اما در مقابل بیش از آن مقدار برآب می افزاید زیرا از تابش آفتاب سوزان و تبخیر آب مانع میشود علاوه براینها بعضی اقدامات فرعی دیگر نیز لازم است مثل قانون شکار و حفظ نژاد نخجیر و طیور قیمتی زیرا بعلت فقدان حمایت رسمی مثلا نسل مرغ مشهور به قو که پر آن از محصولات پر بها است و در خارجه مشتری بسیار دارد از دریاچهٔ هامون در کارور افتادن است.

از این جمله گذشته یك وظیفهٔ خیلی مهم دولت تهیهٔ احصائیهٔ کامل فلاحتی است به نوعی که اقلیم و آب و هوای هر یك از ایالات

و ولایات را بخوبی نشان داده و بیان نماید که هرناحیه برای نشوو نمای چه نوع بذر و نهال و احشام و طیور مناسب میباشد تاملاکین و فلاحین که البته خودشان تمکن استخدام متخصصین فلاحتی را ندارند از روی آن کتاب تعلیم کافی بگیرند و مثلا سیستانی یااسترابادی بفهمد که کاشتن کائوچوك یا موز برای آنها ممکن است و بدرجات گران‌تر از شلغم بفروش میرود و یا کردستانی بداند که بریدن نهال های سقز و غیره چه خساراتی بخودش و هموطنانش میرساند

۲ — **ماندن تجارت ایران دردست ایرانی**ـ در این موضوع بادر نظر گرفتن معاهدات تجارتی و گمرکی که دولت ایران بااجانب منعقد ساخته است نگارنده یگانه چاره را اینطور تشخیص داده است که رقمهای درشت صادرات و واردات تحت انحصار درآید مثلا قند و پارچهٔ پنبه‌ای و غیره از جملهٔ درشت ترین اقلام واردات است تریاك و قالی و خشکه بار و پنبه و غیره از ارقام درشت صادرات ـ دولت بدون آنکه مستقیماً درعمل تجارت مداخله کند بایستی بوسیلـه بانک ملی و بامعیت سرمایه داران ایرانی شرکت های مستقل و ملی تشکیل دهد و ورود و صدور ارقام‌عمده مزبوررا به انحصارآنهاواگذارد البته شرکتهای انحصار مجاز خواهند بود به هر یك از تجار بطور استثناء حق وارد کردن یا صادر کردن متاع انحصار شده را بدهند ـ شرکتهای انحصار موظف خواهند بود متاعی را که در انحصار آنهاست از منشأ خریده و تا مقصد بوسیله خودشان نقل کنند یعنی جنس خارجه را خودشان از کارخانه خریده به بازار ایران وارد و تقسیم کنند و همچنین متاع ایران را خودشان به بازار خارجه برسانند ـ

در موضوع نقلیه نیز دولت ایران بایستی مانند ترکیه شغل گاراژداری را به اتباع ایران انحصار دهد و نیز بوسیلهٔ بانگ ملی یك شرکت بزرگ ایرانی بنام نقلیهٔ تجارتی تأسیس کنند و با یکی از کارخانه های موتور سازی داخل مذاکره شوند که یك کار خانه در ایران بسازند چنانکه اینك فورد دراسلامبول یك شعبه عمدهٔ کار خانه‌اش را دایر کرده‌است.

صنایع معدنی - در خاتمهٔ این مبحث مناسب دید که از صنایع معدنی نیز تذکر مختصری داده شود - اخیراً در خراسان ودامغان و کرمان و غیره معادن مختلفهٔ طلاو نقره و مس و سرب بنظر رسیده ولیکن به عقیدهٔ ما ام‌الصنایع و ام‌المعادن برای ایران امروزی معدن آهن است - تمام صنایع ایران و جمیع معادن و حتی فلاحت ایران و راه آهن و غیره بسته بوجود آهن است و مطالعاتی که دوسه سال قبل در بارهٔ آهن شده بود و مجملی از نظریات مطالعه کنندگان به نظر نگارنده رسید کاملا ناقص و از روی عدم اطلاع دیده شد - اولا کوره آهن گدازی در ایران محوری خواهد شد برای ایجاد چندین کارخانه که یکی موتور سازی است که احتیاج مملکت را به ماشین فلاحتی و صناعتی مرتفع خواهد داشت و ثانیاً ممالك همسایهٔ ایران خصوصاً هندوستان سالانه بیش از سیصد ملیون روپیه آهن وفولاد خریداری میکنند و همینکه راه‌آهن ایران ساخته شد بازار آهن‌را دم دست خواهیم داشت - ثالثاً حساب شود هرگاه فرضاً صدملیون تومان مصارف راه آهن اصلی ایران باشداز اجرت عملجات و استادان و مهندسین گذشته مابقی صرف آهن ساخته و نساخته میگردد وهرگاه استخراج آهن از معادن داخلی بعمل آید و کوره آهن گدازی ایجاد

و صنایع آهن براه افتد مبالغ هنگفت مزبور از مملکت خارج نمی گردد ـ علاوه برمنافع عمدهٔ اقتصادی مصالح عالیه مملکتی ازحیث وسائل تأمینیه و دفاعیهٔ نیز مستلزم استخراج آهن است و کمترین نفع این کار آن است که هرساله چند هزار کارگر ایرانی تربیت خواهند یافت که باصنایع آهن آشنا باشند .

اینها که بعرض رسید عبارت بود از چند نکتهٔ اقتصادی و امید است آنروز نزدیك باشد که افکار عامهٔ هموطنان و توجه دولت و ملت به حد مکفی در مسئلهٔ اقتصاد که لازم و ملزوم استقلال وسعادت مملکت است بطور جامع الاطراف معطوف گردد و انشاءالله تشبثاتی بعمل آید که از هرجهت باتمام حوائج حیاتی و ملی ایرانی متناسب و موافق باشد

سپاسگذاری از دوستان

در مدت ده‌سال که به مطالعه و اقتباس از کتب قدیم‌وجدید میپرداختم و آثار مختلف مشرقیان و مغربیان را جستجو میکردم گروهی از علما وهنرمندان از حیث تهیهٔ اسناد کمك های شایانی‌نمودند که یادآوری‌آن لازمهٔ حقشناسی است از جمله درطهران حضرت‌آقای بهار (ملك الشعراء) کتابخانهٔ پربهای خودرا بدون دریغ باختیار نگارنده گذاردند و حضرت آقای میرزا سعیدخان نفیسی نیز هر چه‌از آثار مؤلفین یونانی ورومی در کتابخانهٔ خود داشتند بی مضایقه به دسترس نگارنده آوردند در استانبول حضرت آقای میرزا محمدصادق طباطبائی سفیر کبیر سابق ایران نگارنده را بامور مهمهٔ که لازم و ملزوم تألیف این تاریخ بود راهنمائی‌نمودند ـ درپاریس حضرت‌آقای میرزا محمد خان استاد قزوینی اوقات گرانبهای خویش را صرف

کرده نگارنده را به کتابخانهٔ ملی فرانسه رهبری نموده وسیله عضویتم رادرآن گنجینهٔدانش فراهم‌ساختندو کمك های حضرت‌آقای ممتازالسلطنه (صمد خان) نیز ازاین جهات همواره مورد امتنان نگارنده است هدایات سودمند دوست محترمم جناب مسیو روبر کاستکس مدیر اقتصادی مهم‌ترین روزنامهٔ عصر پاریس مشهور به (انترانسیژان)را همواره در قلب خود محفوظ دارم ــ در کلکته حضرت استاد وپیشوای بزرگوارم مؤیدالاسلام فقید مدیر نامهٔ مقدس حبل‌المتین که همین روزها بنابر حکم ازلی داعی حق را لبیك گفته جمیع ایرانیان‌خصوصاً شاگردان خودرا داغدار گردانید، هنگام اقامتم در خدمتش کمك‌های بی‌نظیر کرده هرگونه اسناد و کتبی را که ندرتاً بدست می‌آید به نگارنده رسانید و از تأیید و تشویق معنوی فرو نگذارد ومکرر دربارهٔ این کتاب میفرمود: « گوهری است‌که فقط در دیدهٔ گوهریان دنیاپربها خواهد نمود . » نگارنده بنابر حقوق مسلم حضرتش در فراهم‌آوردن اسناد این کتاب آنرا بنام نامی وی موشح ساخته به روان‌جاویدانش ارمغان دادم ــ و نیز حضرت آقای پروفسور محمد کاظم شیرازی استاد و صاحب مسند در دارالعلم (یونیورسیته) کلکته و عضو انجمن پادشاهی آسیائی ازحیث تهیه بعضی اسناد بر نگارنده منت نهادند و کمك حضرت آقا میرزا محمد خلیل شیرازی مالك تجارتخانهٔ‌شیرازی وپسر وحضرت‌آقا شیخ حسن امامی مدیر تجارتخانهٔ مزبور در کلکته که هردو شخصاً‌دانشمند و دانش پرورند برای نگارنده مشوق‌بزرگی بود .

در طهران هنگامی که بنابود موجز این کتاب برای وزارت فوائد عامه تألیف گردد حسب‌الامر مقام وزارت کمسیونی مرکب

از حضرات آقایان میرزا محمد خان بدر رئیس محاسبات صدیق رئیس کابینه سابق و اسکندری رئیس کابینه لاحق و فطن السلطنه رئیس ادارهٔ تجارت (سابق) نفیسی رئیس پرسنل دکتر افشار رئیس مدرسه تجارت (سال ۱۳۰۵) تشکیل شد که از روی فهرست و اسناد پیشنهادهای مختلفی را که راجع به تألیف تاریخ اقتصادی ایران میرسد مطالعه کنند آقایان مزبور در منتهای بیطرفی و بنام حمایت علم و هنر از میان دیگر ها فهرست این کتاب را بی نظیر خوانده رحجان نهادند و فوایدش را تصدیق نمودند و فی‌الواقع وظیفهٔ مقدس خود را در ترویج و توسعهٔ معارف وطن انجام دادند . و همچنین حضرت آقا میرزا ابوالقاسم خان لطفی رئیس (سرویس بودجهٔ مملکتی) در اوانیکه دکتر میلیسپو رئیس کل مالیه از امضای قراردادیکه راجع به تألیف این کتاب منعقد شده بود امتناع ورزید زحمت مطالعهٔ آنرا کشیده راپرتی که حاکی از حقیقت مندرجات و منافع کتاب مزبور بود با شطری از مفاد آن به رئیس کل مالیه نوشتند و از آنجائیکه فرط بیطرفی و بیغرضی و منتهای خرده سنجی ایشان درجلوگیری از حیف و میلهای بیت‌المال مسلم علیه عموم میباشد بوسیلهٔ راپرت مزبور حسن تشخیص خود را در امور سودمند یاضرر بخش ثابت نمودند و از حضرت آقای حاج سیداسدالله واعظ زاده متشکرم که درمواقع گرفتاری وکسالت مؤلف فقط به سائقهٔ وطن دوستی وترویج معارف زحماتی را که ضمن طبع کتاب پیش آمد متحمل شدند

متمم قانون تفتیش اسعار مصوبه ۳۱ تیر ۱۳۰۹ که درضمیمه باب دوازدهم فراموش شده

ماده اول — کلیه صادر کنندگان مکلف هستند صدی ۹۰ اسعار خارجی خود را که از مال‌التجاره صادره حاصل میشود در ظرف ۲۰ روز پس از بدست آوردن اسعار مذکور بدولت و یا بانگهائیکه از طرف دولت برای این مقصود معین میشوند بفروشند ولی هرگاه دارندگان اسعار مزبور تعهد بکنند که در مدت لازمه برای ورود در مقابل ۵۰ در صد اسعارخود مال‌التجاره هائی را که تحصیل اسعار برای خرید آنها محتاج باجازه‌کمیسیون تفتیش اسعار نیست وارد نمایند از فروش صدی ۵۰ مزبور معاف خواهند بود

عدم اجرای تعهد مزبور مشمول ماده ۸ این قانون میشود . کمیسیون نظارت در اسعار خارجی با تصویب هیئت‌وزراء میتواند بعضی‌از صادر کنندگانرا از تعهد فروش اسعار کالایا جزء معاف نماید

ماده دوم — الزام مذکور در ماده فوق شامل اسعار خارجی نیز خواهد بود که پس از تصویب قانون تفتیش اسعار بوسیله صدور مال‌التجاره تحصیل شده و تا تاریخ تصویب این قانون بمصرف نرسیده و بهیچ یك از بانكهای معین شده ازطرف دولت‌تسلیم نگردیده است

ماده سوم — هر صادر کننده‌مکلف‌است درموقع‌خروج مال‌التجاره صدوری خود گمرك‌اظهارنامه‌را که‌حاکی‌از مقصدخروج‌ومصرف‌اسعارحاصله‌از مال‌التجاره صدوری باشد در دو نسخه امضاء نماید

نمونه اظهار نامه مزبور از طرف کمیسیون تفتیش اسعار تهیه‌خواهدشد

اداره گمرك مکلف است پس از انجام مراسم و مقررات گمرکی‌راجع بصدور یك نسخه از اظهار نامه مزبور را بکمیسیون تفتیش اسعار تسلیم نماید

ماده چهارم — صدور نقره مسکوك‌یا شمش نقره آزاد خواهد بود ولی مشروط بر اینکه اولا مقررات ماده اول رعایت شده و ثانیاً صدور

مزبور بکمیسیون تفتیش اسعار قبلا اطلاع داده شود

نقره مسکوك ایران قبل از صدور باید بوسیله خوردن مهر ویا علامت مخصوص و یا بریده شدن از قابلیت رواج خارج شود

بهیئت وزراء اجازه داده میشود که هر وقت لازم بدانند از صدورنقره مسکوك و شمش جلو گیری نمایند

ماده پنجم — کسانیکه قبل از تصویب قانون تفتیش اسعارتعهداتی باسعار خارجی داشته و برای ایفای تعهدات خود بخواهند مال‌التجاره‌صادرکنند تا ششماه ازمقررات ماده اول معاف خواهند بود مشروط بر اینکه

۱ — تعهدات خود را قبل از تصویب این‌قانون به کمیسیون‌تفتیش اسعار کتباً اظهار داشته و کمیسیون صحت اظهارات آنها را تصدیق نماید

۲ — بدفتر گمرك صدوری تصدیق کمیسیون تفتیش را مشعربراینکه صدور برای ایفای تعهدات قبلی است تسلیم نمایند .

تبصره — صدور قالی و کتیراو تریاك مشمول این معافیت‌نخواهدبود

ماده ششم — ورود مال‌التجاره هائیکه تحصیل اسعار خارجی‌برای تادیه قیمت آنها موکول باجازه مخصوص کمیسیون تفتیش است باید بر حسب اجازهٔ کمیسیون مزبور باشد

اداره گمرك مکلف است تصدیق نامه خرید اسعار خارجی را که‌برای تأدیه قیمت مال‌التجاره های مزبور لازم است واز طرف کمیسیون تفتیش‌صادر شده قبلا ملاحظه نماید

ماده هفتم . وارد کنندکان مال‌التجاره مکلف هستند بانك های مجاز در فروش اسعار خارجی را که بوسیله آنها میخواهندتحصیل اسعار نمایند لا اقل ۳۰ روز قبل از میزان اسعاریکه میخواهند مطلع نمایند

ماده هشتم ـ متخلفین ازاین قانون محکوم بمجازاتهائی خواهندبود که در ماده ۷ قانون تفتیش اسعار خارجی مقرر گردیده است

ماده نهم ـ این قانون بلافاصله‌بعد از تصویب بموقع اجرا گذارده‌میشود

امضاء هدایت ـ مهر کابینه ریاست وزراء

نظامنامه کمیسیون تفتیش اسعار

که در ضمیمه باب ۱۲ فراموش شده

ماده اول

بر طبق ماده ٤ قانون اسعار خارجی ، هیئت وزراء اشخاص ذیل را بعضویت کمیسیون تفتیش اسعار انتخاب مینماید .

۱ ـ مسیو دکتر لیندن بلات رئیس بانك ملی ایران ، و در غیاب ایشان یکنفر نماینده بانك ملی که از طرف مشارالیه معین شود

۲ ـ آقای مصطفی قلیخان بیات معاون وزارت فوائد عامه

۳ ـ مسیو دکتر شینوبند مستشار مالی و اقتصادی دولت ایران در وزارت مالیه

٤ ـ مسیو دکتر کسر رئیس اداره کل گمرکات ، و در غیاب مشار الیه یك نفر نماینده اداره کل گمرکات که از طرف ایشان معین شود

۵ ـ آقای دکتر علیخان علامیر مفتش دولت در بانك ملی ایران .

ماده دوم

ریاست کمیسیون تفتیش اسعار با رئیس بانك ملی ایران و در غیاب مشار الیه بر عهده یکی از اعضاء کمیسیون که از طرف ایشان معین می شود خواهد بود .

برای اتخاذ هر تصمیم لا اقل سه رای لازم است .

کمسیون تفتیش اسعار از بین اعضاء خود یك یادو نفر منشی انتخاب خواهد نمود .

تهیه صورت مجالس و مواقع انعقاد جلسات و سایر امور داخلی کمسیون بوسیله نظامنامه که از طرف خود کمیسیون تنظیم خواهد شد بعمل خواهد آمد .

کمسیون علاوه بر وظایف مقرره در قانون مکلف است احصائیه عرضه

و تقاضای اسعار خارجی راتنظیم نماید برای انجام امورتحریری کمسیون بعده کافی اعضاء دفتری تعیین خواهد شد .

محل تشکیل کمسیون در بانك ملی ایران خواهد بود .

مادهٔ سوم

بانك های مجاز بدون اجازه کمسیون ولی با اجرای شرایط قانون و مقررات این نظامنامه میتوانند اسعار خارجی را که برای مقاصد مشروحه ذیل تقاضامیشود بفروش رسانند :

۱ ـ انتقال وجوه بخارجه برای احتیاجات دولتی دراین مورد اظهار نامه بامضای وزیر وزارتخانه مربوطه تسلیم خواهد شد ۲ ـ انتقال وجوه بخارجه از طرف مامورین سیاسی ـ کوردیپلماتیك ، در این مورد اظهارنامه ازطرف شخص ذینفع داده خواهد شد ـ ۳ ـ انتقال وجوه برای خرید و ورود مال التجاره هائی که در صورت ضمیمه این نظامنامه ذکر نشده است در این صورت تقاضا کننده مکلف است تعهد نامه کتبی دایر بر این که مال التجاره مزبور را وارد خواهد نمود بسپارد . ـ در تعهد نامه مزبور اسم دفتر گمرك که مال التجاره به آن جا وارد خواهد شد و تاریخ ورود مال‌التجاره بایستی ذکر شود ، ورود مال التجاره مزبور باید در مدتی بعمل آید که از یکسال تجاوز نکند مگر در مواقع فرس ماژور که کمسیون تصدیق نماید ـ تعهد نامه مزبور در دو نسخه تهیه می شود . فروشنده یك نسخه را ضبط نموده و نسخهٔ دیگر را بکمسیون تفتیش ارسال خواهد داشت که آن را باداره کل گمرکات ابلاغ نماید

هرگاه مال التجاره در مدت معین وارد نگردد تقاضا کننده مکلف است اسعار خارجه را که اخذ نموده و بمصرف واقعی نرسانده مسترد دارد ٤ ـ مخارج حمل و بیمه مال التجاره های وارده و صادره در این مورد تقاضا کننده مکلف است کتباً متعهد شود که در ظرف ششماه اسناد مثبته

آن را ببانك یا تجارتخانه که اسعار خارجه را باو فروخته است تسلیم نماید ۵ ـ مخارج سفر و توقف در خارجه در مدت ششماه که حد اکثر آن از مبلغ سه هزارتومان‌نبایدتجاوز کند . در این مورد تقاضا کننده مکلف است تصدیقنامه که اداره نظمیه در موقع صدور تذکره برای اتباع داخله ویاویزای تذکره اتباع خارجه می دهد تسلیم بانك نماید ، هر گاه تقاضا کننده مبلغی بیش از سه هزار تومان بخواهد اجازه نامه مخصوص کمسیون تفتیش بایستی مطالبه شود . دارندگان تذکره های سیاسی از ارائه تصدیق نظمیه معاف خواهند بود ۶ ـ مخارج اقامت اشخاص مقیم در خارجه که زندگانی آنها از ایران بایستی تأمین شود مبلغ ارسالی ماهیانه برای هر نفری نبایستی ازسیصد تومان . ۳۰۰ ـ تجاوز کند مگر باجازه کمیسیون تفتیش ۷ ـ ارسال وجوه بخارجه از طرف اتباع خارجه مقیم ایران در حدود منافع یا حقوق آنها یااز طرف مؤسسات خارجه مقیم ایران در حدود منافع خود

در موارد بند ۶ و ۷ اظهار نامه تفصیلی بامضای اشخاص ذینفع که در دو نسخه تهیه شده باشد بعنوان مدرك پذیرفته خواهد شد ۸ ـ انجام تعهداتی که قبل از تاریخ اجرای قانون نظارت در اسعار خارجی راجع به اسعار خارجه بعمل آمده دراینمورد تقاضا کننده مکلف است اظهارنامه‌مشروحی در دو نسخه تهیه و با مدارك لازمه مبنی براینکه تعهد مزبور قبل ازاجرای قانون و از روی حقیقت و بدون قصد تقلب بعمل آمده تسلیم نماید

تبصره ـ بانکها و تجارتخانه های مجاز فقط وقتی می توانندبه بروات خرید اسعار خارجی که برای مقاصد دیگری غیر از آن ‌که فوقا معین شده است ترتیب اثر دهند که جواز مخصوص کمسیون تفتیش منضم بدان باشد جواز های مذکور نزد فروشنده اسعار ضبط خواهند شد

ماده چهارم ـ بانکها وتجارتخانه‌های مجاز مکلفند برحسب تقاضای رئیس کمسیون تفتیش موجودی اسعار خارجی خود در حدود امکان میزان اسعارخارجه ورودی‌وخروجی را که میتوانندپیش‌بینی‌کنند باطلاع مشارالیه‌برسانند

ماده پنجم در خواست تحصیل اسعار خارجی کتباً بعمل خواهدآمد در خواست راجع باسعار خارجی که تحصیل آن ها منوط باجازه کمیسیون تفتیش است می بایستی بعنوان ریاست کمیسون باشد در خواست اسعارخارجی که بدون اجازه مخصوص ممکن است صادر گردد میبایستی مستقیماً بعنوان بانك باشد هر درخواست خرید اسعار خارجی باید حاکی از منظور خرید بوده و اسناد مثبته معینه در این نظامنامه ضمیمه آن باشد

ماده ششم — تفتیش دفاتر بانکها یا تجارتخانه های مجاز موضوع ماده ٦ قانون خرید اسعار خارجه بوسیله مفتش دولت در بانك ملی ایران یا بوسیله نماینده مشارالیه بعمل خواهد آمد

ضمیمه — صورت مال‌التجاره هائیکه برای پرداخت وجه آن‌هابدون اجازه کمیسیون تفتیش اسعار خارجی نمیتوان خرید

حیوانات ذیروح از هر قبیل — چوب و هیزم از هر قبیل ـ مشروبات الکلی باستثنای شرابهای طبی ـ ذغال سنك و ذغال چوب ـ کره تازه یانمك زده باستثنای کره کنسرو ـ برنج ـ گندم جو و جو سیاه و سایر حبوبات ـ آرد ـ نان ـ میوجات تازه یا خشك ـ شیر تازه و ماست ـ سبزیجات تازه ـ تخم مرغ‌مرباجات‌ازهرقبیل.گوشت‌وشکارتازه ـ لباس‌واشیاء ـ توالت‌ازهرقبیل ـ اسباب‌وآلات موسیقی وقطعات آنهاپنبه‌خام‌پیله‌وابریشم‌وپیله‌کج‌ولاس‌فرش‌ازهر قبیل‌توری ازهرقبیل برودری دوزی و ـ پارچه های قلاب دوزی شده و پارچه های پولك دار و زر دوزی شده ـ پارچه های ابریشمی مصنوعی خالص یا طبیعی خالص ازهر قبیل ـ پارچه های لاس و کج ابریشمی ـ دوربین عکاسی و سینما توگرافی و متعلقات آنها ـ اسباب بازی و بازیچه از هر قبیل باستثنای اسباب های بازی که جنبه تعلیمی دارند ـ جواهرات بدل ـ ورق بازی ـ مبل ازهرقبیل باستثنای چرخهای معمولی ـ جواهر آلات و طلا آلات و فلزات قیمتی اشیاء نفیسه صنعتی و اشیاء کلکسیون ـ عطریات از هر قبیل ـ پوست‌دباغی نشده خشك یا نمك زده و پوستهائی از قبیل خز و سنجاب برای لباس — احجار از هر قبیل بانضمام احجار قیمتی و مروارید ـ چینی و بلور آلات از هر قبیل ـ صابونهای معطر ـ آئینه بزرك وکوچك از هر قبیل ـ کلیه‌شیشه آلات و بلور تزئین شده ـ وسایل نقلیه از هر قبیل

آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آنہ یومیہ دیرانہ لیا جائے گا۔